١٣٦

جمال الصالحين









نواب شهریار خان

غرض از تحریر اینچند کلمه اینست که چون رحمت و مغفرت

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین حق حمده وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین
خیر خلقه اما بعد چنین گوید احوج عباد الله الی فضل ربه حسن بن
عبد الرزاق جعلهما الله من التوابین والمتطهرین وجعلهما
من عباد الله الصالحین که این مجموعه ایست موسوم بجمال الصالحین
در بیان فضایل آداب واعمال ومحاسن اخلاق وافعال که مومنان
در اکثر اوقات واحوال مراعات آن باید نمود واز مواظبت
آن غافل نباید بود بتوفیق الله وعونه نوشته میشود برای جمعی از
مومنان که زبان عربی ندانند واستنباط آثار از کتب احیا
نتوانند تا انشاء الله از فضایل آن محروم نمانند واکثر آنها از
اصول احادیث واخبار وکتب آداب وآثار اهل بیت اطهار
صلوات الله علیهم اجمعین صلوات باقیات الی یوم الدین انتخاب
میشود جهت آنکه معونت بسیاری فواید بی مؤنت تطویل
کلام بزواید اعتبار شود در اکثر مواضع تصریح بلفظ حدیث وروایت

وامثال

و امثال آن نانموده اکتفا بترجمهٔ آن میشود و این مطالب انشاء الله
در مقدمه و دوازده باب و خاتمه بیان شود و تفصیل آن هم
بدین موجب است مقدمه در ذکر احادیث و اخبار و نکات
و اسرار چند که بر سبیل اجمال باعث رغبت بطاعت و فضایل
اعمال و موجب کراهت معاصی و رذایل افعال گردد باب اول
در فضایل عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات و رذایل مناهی
و معاصی و دوای ذنوب و سیئات و این مجموع انشاء الله تعالی
در چهارده فصل بیان شود فصل اول در فضایل عقل و علم
فصل دویم در صفات مومن بر سبیل اجمال فصل سیوم
در مکارم اخلاق و صفات فصل چهارم در بر والدین
فصل پنجم در صلهٔ رحم فصل ششم در حق جوار فصل هفتم
در الفت و محبت و زیارت مومنان فصل هشتم در
آداب ملاقات و مجالست فصل نهم در سکوت و
کلام فصل دهم در اکرام و توقیر مومن فصل یازدهم
در سرور مومنان و قضای حاجت ایشان فصل دوازدهم
در رذایل معاصی و مناهی بر سبیل اجمال فصل سیزدهم در رذایل
معاصی و مناهی بر سبیل تفصیل فصل چهاردهم در دوای

معاصی و سیئات باب ۲ دویم در تنظیف بدن
و جامه از کثافات و اخباث ظاهری و تطهیر جسد و دل از
کدورات و احداث باطنی و این مجموع انشاء الله در ده فصل
بیان شود فصل اول در فضیلت نظافت فصل دویم
در آداب حمام رفتن و آنچه باید بجا آوردن فصل سیم
در فضیلت شارب برگفتن و ناخن چیدن و آداب آن فصل
چهارم در فضایل خضاب و آنچه متعلق است بآن از آداب
فصل پنجم در فضایل موی شانه کردن و آداب ان فصل ششم
در فضایل سرمه کشیدن و آینه دیدن و آداب آن فصل
هفتم در بیان قضای حاجت و آداب آن فصل هشتم
در فضایل مسواک کردن و آداب آن فصل نهم در فضایل
وضو و غسل و آداب آن فصل دهم در فضایل بوی خوش
و آداب استعمال آن باب ۳ سیم در
فضایل نماز و متعلقات ان و ذکر بعضی ادعیه مخصوصه بساعات
و فضایل قرآن و این مجموع انشاء الله در پانزده فصل بیان شود
فصل اول در فضایل نمازهای فریضه یومیه و ذکر جماعت و فضایل
این سنت سنیه فصل دویم در ذکر نوافل یومیه و فضایل این

سنت سنیه فصل سیوم در اوقات نمازهای وه
فضایل آن واحکام متعلق بآن فصل چهارم در فضایل
مسجد وآداب آن فصل پنجم در کیفیت توجه بنماز
وفضایل اذان واقامت واحکام متعلق بآن فصل ششم
در کیفیت اشتغال بنماز وآداب آن فصل هفتم در اشاره
باسرار مقدمات واعمال نماز وذکر بقیه آداب وافعال آن
فصل هشتم در فضایل تعقیب وکیفیت آن فصل نهم
در فضایل اذکار ساعات شبانروزی واوراد صبح وشام
فصل دهم در نوافل یومیه بسبیل تفصیل وبیان ذکر آداب
وادعیه متعلق بآن فصل یازدهم در ذکر بعضی افعال که در
اثناء نماز توان کرد فصل دوازدهم در آداب جماعت
فصل سیزدهم در احکام سهو وشک وعروض بعضی
حوادث در نماز فصل چهاردهم در ذکر بعضی دیگر از نمازهای
مفروضه ومندوبه فصل پانزدهم در فضایل قرآن
وآداب تلاوت آن باب چهارم
در فضایل ذکر ودعا واحکام متعلق بآنها واین مجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل ذکر فصل دوم

خواب وبیداری فصل نهم در آداب بیرون رفتن از خانه وراه
رفتن وسوار شدن وفضایل دواب وحقوق ایشان فصل دهم
در فضایل وآداب مکاسب ومعاملات فصل یازدهم
در فضایل مرض وعیادت مریض ومعالجات امراض فصل
دوازدهم در سایر جزئیات عادات باب ششم
در حقوق اموال ورعایت احوال عیال واین مجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در جود وبخل فصل دوم
در فضایل زکوة وعقوبت منع آن فصل سیوم در صلهٔ
اهل بیت طاهرین وذریت طیبین واتباع ایشان از مؤمنین
سلام الله علیهم اجمعین فصل چهارم در فضایل معروف
واحسان فصل پنجم در فضایل صدقه فصل ششم در مذمت
سؤال ورد سایل فصل هفتم در رعایت حال عیال فصل
هشتم در احسان مؤمن بطعام وجامه فصل نهم در
فضایل قرض دادن واحکام متعلق بآن فصل دهم در سایر وجوه
خیر وبر باب هفتم در فضایل روزه واحکام
متعلق بآن از آداب وفضایل واعتکاف ومتعلقات آن از آداب
وثواب واین مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول

در فضایل مطلق روزه فصل دویم در فضایل روزه ماه رجب
فصل سیوم در فضایل روزه ماه شعبان فصل چهارم در
فضایل ماه مبارک رمضان فصل پنجم در آداب صایم فصل
ششم در ... فصل هفتم ... افطار فصل هشتم در تفطیر
صایم فصل نهم در افطار کردن برای سرور مؤمن فصل دهم
در اعتکاف باب هشتم در اعمال شهور
واعوام ولیالی وایام ومقصود ازین باب در دوازده فصل
انشاء الله بیان شود فصل اول در اعمال روز نوروز وفضایل
آن فصل دویم در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی ندارد فصل سیم
در اعمال ماه محرم الحرام فصل چهارم در اعمال ماه صفر فصل پنجم
در اعمال ماه ربیع الاول فصل ششم در اعمال ماه رجب المرجب
فصل هفتم در اعمال شهر شعبان المعظم فصل هشتم
در اعمال ماه مبارک رمضان فصل نهم در اعمال شبانه روز
عید فطر فصل دهم در اعمال شهر ذی القعدة الحرام
فصل یازدهم در اعمال شهر ذی الحجة الحرام فصل دوازدهم
در ذکر حدیثی در فضایل اعمال شهور واعوام ولیالی وایام بر سبیل
اجمال باب نهم در تزویج واحکام متعلق

بآن ومقصود این باب انشاء الله در دوازده فصل بیان شود ه
فصل اول در فضایل تزویج وکراهت غربت فصل دویم در
فضایل متعه وسریه فصل سیوم در اختیار زوجه وصفات
زنان فصل چهارم در اوقات تزویج وآداب آن فصل پنجم
در آداب زفاف فصل ششم در ثواب مباشرت وآداب و
واوقات آن فصل هفتم در طلب فرزند فصل هشتم
در فضایل حمل وولادت واحکام متعلق بآن فصل نهم
در آداب تولد طفل ونام گذاشتن وعقیقه وختنه کردن فصل
دهم در فضایل اولاد وتربیت ایشان فصل یازدهم در
حقوق زوجین بر یکدیگر فصل دوازدهم در بعضی نوادر
مناسب این باب باب ۱۰ دهم در آداب
سفر واحکام متعلق بآن واین مجموع انشاء الله در ده فصل
بیان شود فصل اول در بعضی مقدمات سفر فصل دویم
در اختیار ساعات برای سفر فصل سیوم در تحصیل رفیق
وتهیه اسباب وبعضی مناسبات این باب فصل چهارم در
افتتاح سفر بدعا وصدقه فصل پنجم در وداع ومفارقت ه
فصل ششم در آداب سوار شدن وراه رفتن فصل هفتم در

آداب متعلق بمنزل فصل هشتم در آداب سفر دریا فصل نهم
در مکارم اخلاق و آداب رفاقت در سفر فصل دهم در رجوع
از سفر باب ۱۱ یازدهم در فضایل حج و عمره
و زیارت و مقصود از این باب انشاء الله در ده فصل بیان شود
فصل اول در فضایل حج و عمره فصل دویم در زیارت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فصل سیم در زیارت سایر
اهل بیت صلوات الله علیهم بر سبیل اجمال فصل چهارم
در زیارت امیر المومنین صلوات الله علیه فصل پنجم
در زیارت امام حسین علیه السلام فصل ششم در زیارت حضرت
امام رضا علیه السلام فصل هفتم در اداب و کیفیت زیارت اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم فصل هشتم در نیابت و شراکت
در حج و عمره و زیارت فصل نهم در فضایل اماکن مقدسه
که در اعتد و دو افعت فصل دهم در فضایل زیارت ذریت
طیبین و صلحاء مومنین باب ۱۲ دوازدهم در
احکام متعلق باموات و زیارت قبور مومنان بعد از وفات
و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول
در وصیت صحیفه شهادت فصل دویم در آداب عیالت

احتضار و فضایل بعضی اوقات و احوال که وفات در ان اتفاق افتد
فصل سیوم در تجهیز میت فصل چهارم در شنیدن
خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع ان فصل پنجم
در نماز میت فصل ششم در ارکان قبر و آداب دفن
فصل هفتم در ثواب و آداب مصیبت و عزا فصل هشتم
در ثواب و آداب تعزیه و اکرام یتیم فصل نهم در هدیه
برای میت و اعمالی که باو نفع رساند فصل دهم در زیارت
قبور خاتمه در مواعظ و نصایح و فواید متفرقه مقدمه
در ذکر احادیث و اخبار و حکایات و اسرار چند که بر سبیل اجمال
باعث رغبت بطاعت و فضایل اعمال و موجب کراهت معاصی و
رذایل افعال گردد بدانکه در احادیث اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین ثابت و محقق گشته که خدای عز و جل ایمان ابر ابرای
اعضای انسان قسمت نموده و هر عضوی جزوی از ان احسان
فرموده مثلا دل را واجب گردانید یقین کردن و اعتقاد نمودن
بانکه خدایتعالی منزه است از انکه او را شریک و نظیر و شبیه
و وزیر باشد یا احدی در مملکت سلطنت او دخلی و تصرفی
و تدبیری و تکلفی تواند بود بی اراده او و مقدس از ان است

که عیب وعار وقصور وانکسار بجانب جلال او کند تواند نمود
وغنی تر ازانکه احتیاج وافتقار بمعاونت اغیار بپیرامون عظمت
وجبروت او کردد ورفیع تر ازانکه مکان وزمان وحرکت و
انتقال وتغیر احوال نزدیک بحوالی کبریای او شود وقوی تر
ازانکه ظلم وزور وعجز وفتور بجوار قدرت او ازدور توهم
عبور نماید واعتقاد نمودن بانکه حضرت محمد صلی الله علیه واله وسلم
خاتم نبیین وسید مرسلین وافضل اولین واخرین است و
هرچه کفته از حلال وحرام ومنافع ومضار همه از جانب خدای کفته
وهمه حق وصدق است وبانکه اهل بیت طاهرین او علیهم السلم
وصیای او وخلفاء خدا واعلام رشاد وائمه هدایتند وبعد از
او افضل جمیع اهل عالم واشرف کافه نوع بنی ادمند وایشانند
وسیله فیض ورحمت وواسطه فضل ونعمت خداوندند در دنیا
واخرت وهرکس انکار ایشان کرده وغصب حق ایشان نموده
وهرکس اعانت ان کرده وراضی بآن بوده کافر وملعون ومنافق
ومطعون است وواجب است بغض او وبراءت او ونیز بر دل واجب
کردانیده راضی وتسلیم نمودن بهرچه خدا تعالی وپیغمبر صلی الله علیه واله
وخلفاء او علیهم السلم کفته وکرده وخواسته اند وبر زبان واجب

کرداینده

گردانیده، اقرار کردن و اعتراف نمودن بهر چه دل بآن اعتقاد کرده و
همچنین بر چشم و گوش و دست و پا و هر یک از اعضا طاعتی و عبادتی
واجب کرده هر یک را خدمتی فرموده و بر هر یک از آن اعضا امری
چند حرام کرده و از آن نهی فرموده که جمیع تفصیل آنها انشاء الله
در تضاعیف این مجموعه بیان شود و نیز اخبار بسیار از ائمه
اطهار علیهم السلام روایت شده که صفات حسنه را علامات
اسلام و ایمان و صفات ذمیمه را بعضی علامت نفاق و بعضی
علامت کفر و بعضی علامت ضلال شمرده اند و هم از ایشان
علیهم السلام مرویست که ایمان سه قسمست تمام و ناقص و زاید
ایمان تمام آنست که از جمیع محرمات و معاصی اجتناب نماید و
جمیع واجبات و فرایض را بعمل آرد بحیثیتی که هیچ معاصی صادر
نشود و هیچ فریضه ترک نگردد و ایمان ناقص آنکه بعضی معاصی بصدور
آید یا بعضی واجبات ترک شود و بقدر آنکه واجبات کمتر
و معاصی بیشتر باشند نقصان ایمان بیشتر بود و ایمان زاید آنکه
بر واجبات و مستحبات و مندوبات نیز صادر شود و زیاده
بر محرمات مکروهات و مذمومات نیز صادر نشود و هر قدر
مستحبات بیشتر و مکروهات کمتر ایمان زیادتر باشد و هم از ایشان

صلوات الله علیهم مرویست که چون کسی مرتکب معصیتی شود یا
ترک فریضه نماید و آنرا حلال نداند از ایمان بیرون رود و اسم
مؤمن بر او صادق نباشد اما از اسلام بیرون نرود و اگر حلال
نمیداند از اسلام نیز بیرون رود و کافر باشد و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که اگر کسی ترک فریضه نماید که در ان لذتی و شهوتی
نبود مانند ترک نماز کافر شود زیرا که سبب ترک درین صورت
بغیر استخفاف و بیحرمتی بان فریضه چیزی دیگر نباشد و هر که استخفاف
بفریضه نماید کافر باشد و از امام همام محمد بن علی الباقر علیهما السلام
مرویست که فرمود ای جابر آیا بس است کسی را که دعوی تشیع ما
کند و تشیع را بر خود بندد همین که بگوید دوست دارم اهل بیتم
والله که شیعه ما نیست مگر کسی که از معصیت خدا پرهیز کند
و اطاعت خدا نماید و این جماعت را نتوان شناخت مگر بتواضع
و خشوع و امانت و ذکر خدای عز و جل و باید دانستن خدا در
مجاری احوال و سوانح اعمال و نماز گذارند و روزه گیرند و طاعت
والدین نمایند و رضای ایشان جویند و تعهد احوال همسایگان
و فقرا و مساکین و قرض داران و ایتام نمایند و اعانت ایشان کنند
و دین ایشان ادا نمایند و حاجت ایشان برارند و راستگوی باشند

وتلاوت

وتلاوت قران نمایند وزبان از مردمان باز دارند مکر بخیر و
امین قبیله خود باشند پس جابر کفت یا بن رسول الله صلی الله
علیه وآله وسلم باین صفات کسی که میفرمائی درین روزکار نمی شناسم
پس انحضرت صلوات الله علیه فرمود ای جابر خیالهای بیفایده
مکن وراههای بی منفعت مرو آیا بس است همین که کسی کوید علی را
دوست میدارم وتولا باو مینمایم وحال انکه اطاعت او نکند و
فرمان او نبرد پس اکر کوید که رسول الله را دوست میدارم وحال انکه
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بهتر از علی بود وپیروی او نکند
وطریقه او نپیماید وعمل بسنت او ننماید محبت او انکس را هیچ سود
ندهد پس از خدای تعالی بپرهیزید واطاعت خدای نمایید
تا بکرامت وفضل وثواب او فایز شوید میان خدا وهیچ یک از
بندکان نسبت خویشی وقرابتی نیست که اعتماد بران کنند وتوسل بان جویند
ودوست ترین مردمان نزد خدای انانند که پرهیزکارتر باشند
وعمل بطاعت او بیشتر نمایند ای جابر والله که نزدیکی بخدای حاصل
نشود مکر بطاعت او برات کسی از آتش با ما نیست وکسی را بر
خدای حجتی نه هرکس مطیع خداست دوست ماست وهرکه عاصی
خدا باشد دشمن ماست هیچکس را بدوستی ما دست رس نباشد مکر

بطاعت خدا و فرمانبری ما و ورع از معصیت خدا و نافرمانی ما
و از امام همام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام مرویست که فرمود
ما اصل هر خیریم و فرع ماست هر نیکوئی و از انجمله است توحید
خدای عز و جل و نماز و روزه و خشم فرو بردن و عفو نمودن از کسی که
بدی نسبت باو کرده باشد و ترحم بر فقرا و تعهد احوال همسایگان
و اقرار نمودن برای هر صاحب فضلی و حقی بفضل او و دشمنان مایند
اصل هر شری و فرع ایشانست هر قبیحی و از انجمله است دروغ گوئی و
بخیلی و سخن چینی و ارتکاب فواحش و معاصی ظاهر او پنهانی
و زنا و دزدی و هر چه مانند این باشد از قبایح و مناهی پس کسی که
دعوی محبت و ولایت ما کند و متعلق بفروع اعدای ما باشد
در دعوی خویش کاذب باشد پس از مجموع این احادیث و اخبار
و مانند این روایات بسیار که ذکر آن همه در حوصله این مقدمه
نگنجد واضح و محقق و ظاهر و مبین است که هر کسی بقدر آنکه ورع
و طاعت و تقوی و طهارتش بیشتر باشد نسبتش با هل بیت
طهارت و عصمت بیشتر و درجاتش بایشان نزدیکتر بود و هر کس
بقدر آنکه معصیت و فجور و رداءت و شرورش بیشتر از ایشان
بیگانه تر و دورتر و بدشمنان ایشان مناسبتش بیشتر و مرتبه اش

نزدیکتر

نزدیکتر بود پس چون روز قیامت عدل الهی خیر و شر و خبیث و طیب را
از یکدیگر جدا کند و تمیز فرماید و نعوذ بالله و بفضل و رحمت الهی
و شفقت نامتناهی مانند ما و امثال ما که از اهل الهی نمایند هر فرعی
باصل خویش ملحق گردد و لا عصمة الا بالله و صلی الله علیه و آله الطاهرین و سلم
و لعن الله اعداءهم اجمعین و جعلنا معهم و لا فرق بیننا و بینهم
بفضله و منه

باب اول در فضایل عقل و علم

و مکارم اخلاق و صفات و رذایل مناهی و معاصی و دوای ذنوب
و سیئات و این مجموع ان شاء الله در چهارده فصل بیان شود

فصل اول در فضایل عقل و علم از اهل بیت حکمت و نبوت

صلوات الله علیهم مرویست که افضل عطایا و اشرف مواهب الهی
عقلست اگر عقل نبودی دین تمام نشدی و اوامر و نواهی که مدار
ثواب و عقاب و فضایل و کمالات و ارتفاع درجات در جنات
عالیات و منازل سامی و مراتب گرامی و کرامات نامتناهی
و قرب و لقای جناب الهیست متحقق نگشتی مهتر جبرئیل رسالت
عقل و دین و حیا را نزد حضرت آدم آورده گفت هر کدام را خواهی
اختیار کن آدم عقل را اختیار کرد پس جبرئیل بدین و حیا گفت شما
براه خود بروید گفتند خدای تعالی ما را رخصت مفارقت عقل نداده

هرجا عقل باشد ما ملازم باشیم هرکس را عقل بیشتر مرتبه رفیع‌تر
چون یکعمل را مثل نماز وروزه وغیر آن چند کس کنند با آنکه عمل
یکیست فضل وثواب بقدر تفاوت عقول متفاوت باشد
عابدی مدتها در جزیره عبادت میکرد فرشته را نظر براو
افتاد از کثرت عبادت او تعجب نموده از جناب الهی مسئلت نمود
که منزلت وثوابش بدو بنمایند چون باو نمودند در برابر آن عبادت
قلیل پنداشت پس خطاب رسید که نزول نموده عقلش را امتحان
نمای پیش او آمده صحبت آغاز کرده گفت خوب جائی وخوش مکانی
داری عابد گفت بلی اما کاش خدا را الاغی بودی تا درین جزیره
رعایت کردمی وآب وعلف باین لطافت ضایع نگشتی چون ملک
این مکالمه دید رجوع نموده گفت مگر خدا را خری نیست پس خدای تع
بآن ملک وحی نموده فرمود بقدر عقلش ثوابش دهم این مرتبه وفضل
نه درخور حوصله این عقل است همانست که لطف ورحمت الهی
بمقتضای وسعت خود با عباد معامله کند کسی را بکثرت عبادت
ستایش مینمودند حضرت امام فرمود عقلش چونست گفتند انقدری
نیست فرمود از عبادت نیز انقدر بهره نیست وامثال این
احادیث واخبار بسیار است واز حضرت امام علیه السلام پرسیدند

که عقل

که عقل کدام است فرمود آنکه در امور دین امین و در کار عقبی بینا باشند
و با آن اکتساب جنان و اجتناب از نیران حاصل شود و هم از ایشان
علیهم السلام مرویست که طلب علم فرض است بر هر مسلم و عالمی که مردم
از علمش منتفع شوند بهتر است از هفتاد هزار عابد و فضل عالم
بر عابد مثل فضل ماه چهارده است بر سایر کواکب روز قیامت
مداد علما را با دماء شهدا وزن کنند مداد علما راجح باشد و
از حضرت امام همام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام مرویست
که فرمود علماء شیعه ما مرابطند فی سبیل الله در سرحد ابلیس
و جنودش که ایشان را منع میکنند از آنکه بر شیعه ما خروج کنند
و بر ایشان مسلط شوند پس هر کس از شیعه ما که خود را برین کار دارد
و دوستان ما را تعلیم علوم و آداب دین کند و ارشاد و هدایت
و موعظه و نصیحت و امر بمعروف و نهی از منکر نماید فضلست از
کسی که با روم و ترک و خزر هزار بار جهاد کند چه او دفع از دین و
دوستان ما میکند و این از بدن ایشان چون کسی راه راست و عمل
خیر تعلیم کسی کند اگر آن در تمام عالم منتشر شود و همه خلایق تا روز قیامت
بآن عمل کنند مثل ثواب همه ایشان برای او ثبت گردد لیکن آنکه
از ایشان چیزی کم شود و همچنین اگر راهی باطل و عمل شر تعلیم کند و

گفتند پس آنچه معویه داشت
چه بود فرمود مکر و شیطنت بود صح

علم راهیست راست تا بهشت و مونس است در وحشت و مصاحب
در غربت و همنشین صحبت و همزبان خلوت و زینت احبا و سلاح
اعدا و نور چشم و قوت بدن و حیوة دل و فکر در علم برابر است با صیام
و مدارسه اش با قیام و تعلیمش صدقه است و تعلمش حسنه و
و مذاکره اش تسبیح و عمل بمقتضایش جهاد اکبر و ملایکه با علما
محبت نمایند و برای ایشان دعا کنند و همه خلایق برای ایشان استغفار
کنند حتی ماهیان دریا و سباع صحرا و خواب شان عبادت است و مطالعه
علم افضل است از هفتاد سال عبادت و دو رکعت عالم افضل است
از هفتاد رکعت عابد یکساعت پیش او نشستن افضل است از هزار
سال عبادت کردن و نظر بر روی عالم افضل است از یکسال اعتکاف
در مسجد الحرام و زیارتش افضل است از هفتاد حج و عمره و چون کسی
ساعتی با علما نشیند درجه برایش بلند کنند و خدا تعالی بر او رحمت
فرستد و بهشت واجب کرداند و چون کسی بطلب علم رود راهی
تا بهشت برایش کشوده شود و ملایکه بال کشایند تا بر آن پا گذارد
و اهل آسمان و زمین حتی ماهی دریا برایش استغفار کنند و اگر
عالم یک ورق علم گذارد آن ورق میان او و آتش پرده حجابی باشد
و بعدد هر حرفی از آن خدا تعالی در بهشت مدینه عطا کند هفت مرتبه

وبسیم

وسیع تر از تمام دنیا وچون عالمی بمیرد فرشتگان وبقاع زمین که
دران عبادت میکرد ودرهای آسمان که اعمال او بالا میرفت
همه برو بگریند ورخنه در دین پیدا شود که هیچ علاج نکند وعلم را
لوازم وعلامات چنداست از انجمله تقوی وورع وصلاح و
طاعت وعمل کردن بمقتضای آن که علم بی عمل وزر ووبال است
همچنانکه عمل بی علم حیرت وضلال عظیمترین حسرتها در روز
قیامت حسرت عالمی است که دیگران بعلم او عمل نموده واو
محروم مانده باشد وهفتاد گناه از جاهل امرزیده شود تا یک
گناه از عالم آمرزیده شود واز حضرت امام جعفر علیه السلم تفسیر
آیه فلله الحجة البالغة پرسیدند فرمود روز قیامت خدای تعـ
از بندگان سؤال کند که خیر وحق مرا میدانستید یا نه اگر گویند
میدانستیم گوید چرا عمل نکردید واگر گویند نمیدانستیم گوید چرا
تحصیل علم نکردید تا عمل کنید پس ایشانرا ملزم کرد الله واز انجمله
خضوع وخشوع وخشیه وزهد در دنیا ورغبت باخرت
وحلم ووقار وکلام بحق وسکوت از باطل وتحلی بمکارم وتخلی
از رذایل مرویست که عالم آنست که فعلش تصدیق قولش کند
وکسی که چنین نباشد عالم نباشد واز انجمله است سلامت نفس و

تواضع هرچند علم بیشتر آثار و علامت در وی بیشتر حضرت عیسی علیه السلام
روزی با حواریین گفت مرا با شما حاجت است گفتند یا روح الله
حاجت تو باجابت مقرون است پس خواسته پای ایشان را بشست
و بروایت دیگر بوسید گفتند یا روح الله این کار بما انسب بود فرمود
سزاوارترین مردم بخدمت و تواضع علمااند و این نهایت مرتبه
تواضع بود چنین کردم تا بدانید که با مردم تا چه حد تواضع باید کرد
و علم را حقوق چند نیز هست اما حق خدای تعالی بر عالم آنکه هرچه
نداند نگوید که اگر نداند گفته بگوید ملائکه رحمت و عذاب همه بر وی لعنت
کنند و هرکس بقولش عمل کند در وعیدش شریک باشد و آنچه داند
در مقام لایق و از اهل دریغ ندارد و گرنه ظلم کرده باشد و چون کسی
دوای جراحتی تواند و نکند چنانست که خود جراحت کرده باشد و هرکس
یکنفس را زنده کند چنانست که همه ناس را زنده کرده باشد و زنده
کردن بعلم افضل است از هرچه زنده کردنی اگرچه علم حیوة دل و جان
و بقای جاوید در جهان و رواج دین و قوت مومنین است و از غیر اهل
پنهان دارد که هرکس حفظ ستر از بیگانه نکند مستحق حرمان زیادی
شود و موجب فساد عظیم و ضلالت ضعفا باشد و هرکس یکنفس را
بکشد چنانست که همه ناس را کشته باشد و کشتن بضلالت عظیم

تراست از هر گفتنی کسی از حضرت امام علیه السلام پرسید که بر ما واجب است
که هر چه ندانیم سؤال کنیم فرمود بلی گفت بر شما واجب است که هر چه
سؤال کنیم جواب گوئید فرمودند نه هر چه مصلحت دانیم گوئیم عالم
مثل طبیب حاذق است دوا را در موضع مناسب استعمال کند
و از غیر آن نگاه دارد و حق عالم بر مردم آنست که چون کسی در مجلسی که
جمع باشند داخل شود بر همه سلام کند و عالم را بزیادتی تحیت
و اکرام اختصاص دهد و برابر رویش نشیند که عالم محتاج روی
گردانیدن نشود و دامنش نگیرد و اشاره بجانبش نکند و بسؤال بسیار
ننماید و خلاف قول او نگوید که فلان و فلان چنین گفته اند و مجملا
از هر چه خلاف ادب باشد احتراز کند و حق متعلم بر عالم آنکه
با او مهربان باشد و هر چه مناسب او داند از او دریغ ندارد و از
حوایج و مسائلش اعراض نکند و در تعلیم میان تلامذه تفاوت
نگذارد و مجملا هر چه بمقتضای شفقت باشد رعایت کند

فصل دویم

در صفات مؤمن بر سبیل اجمال مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مومن کسیست که در دین خدا بینا و بمراسم
آن دانا باشد و در دین صلب تر از کوه گران و در طاعت خدا سخت تر
از سنگ و سندان باشد کوه را با تیشه توان شکافت و دستی

بر دین مؤمن توان یافت رویش شکفته و خندان و دلش محزون و کریان
راغب بمجالس ما از قبایح کریزان خاطرش منزه از حسد و کینه
با خلق صاف دل همچو آینه نه عیب جوی عیب جمالش و نه غیبت کوی عالم
کمالش نه طالب شهرت و نام و نه خواهان صیت و نشان زبانش
از فضول بسته و در غم خویش نشسته در نعمت شکور و در مصیبت
صبور نه نعمت او را مورث فرح و غفلت و نه مصیبت باعث جزع
و وحشت در فکر خود مغموم و بفقر خود مسرور خلقش موافق و طبعش
ملایم وفایش ثابت و جفایش زایل نه در کلامش کذب اکر کذبی
و نه از هتک عرضی در وا اثری اکر بخندند غافل نشود و اکر بخندد
طیش نکند ضحکش بجز تبسم و سوالش برای تعلم کثیر العلم عظیم
الحلم نه در کارها شتاب و استعجال و نه در مقام حق دلکیر بی
و ملال حکمش از حیف و میل مبرا و علمش از جهل و جور معلا
نفسش در دین سخت تر از سنک و معاملاتش شیرین تر از شهد
نه در نعمت حریص و نه در فقر جزوع نه مدعی لاف و نه دعوی کزاف
نه عهدش را آن قصور و نه شرطش را کرد فتور با مردم وصول
و مهربان و متحمل مکاره از ایشان رحمتش کثیر و فضولش قلیل
راضی بقضای خدا مخالف نفس و هوا از غلظت و درشتی منزه

و از فحش

و از خوض در کلا یعنی مقدس ناصر دین و حامی مومنین و پناه مسلمین
نه مدح و ثنا را در نظرش عیاری و نه از طمع دنیا دلش را فکاری
و نه لهو را در حکمتش اثری و نه جاهل را از علمش خبری قولش دال بر
فعل و فعلش مصدق قول علمش وافر و رسا و دلش آگاه و
بینا با مومنان وصول و با فقرا بذول نه در وصلش عنف و
خلاف و نه در بذلش بخل و اسراف نه معامله اش را عیب خدعه
و غدر و نه مخالطه اش را نشان حیله و مکر نه پی بر بد عیوب
مومنان و نه راضی بمضرت ایشان معین ضعفا و دستگیر
درماندگان شیوه اش وسعت خلق و پیشه اش سعی در حوایج
خلق نه هتاک ستر عیب فعالش و نه کشف سر قصور کمالش
بانواع مبتلا و زبان از شکایت در قفا حفظ غیب پیشه و
سر غیب اندیشه اش عذرخواهان را عذر پذیر و از عفو و بخشش
ناگزیر خیرخواهی مومنان کارش و بر اصلاح مومنان مدارش با
مردم خوش گمان و نیکوکردار ذکر ایشان امین قوم و قبیله و آراسته
باخلاق جمیله و منزه از رذیله دوستیش برای خدا آرزوی دانش انصفات ۳
و دشمنیش برای او از راه بینش مذکر عالم و معلم جاهل نه
کس را از وبیم آزار و شدت و نه ایشان را تعب و مشقت همه کس در

نظرش از وبهتر واو در پیش خود از همه بدتر همنشین فقرا ومصادق
اهل صدق معین غربا ومدد کار اهل حق یتیمانرا پدر وبیوه کانرا
شوهر مهربان با مساکین وغمخوار مومنین در هر بلیّه امید باو ودر هر
حادثه توقع ازو با مردمان خندان وشکفته وغم واندوه در دلش
نهفته فارغ از جست وجوی عیب کسی ومشغول بعیب خود در هر
نفسی با مردم پاکیزه اختلاط ودر کارها بحزم واحتیاط بقسمت
خود قانع واز خلق مستغنی حیاتش غالب بر شهوت ومودتش
زاید بر حسد عفوش بیشتر وحقد کمتر سخن نگوید مگر بخیر
وچشم بپوشد از معایب غیر ورفتارش متواضع ودر طاعت
حق خاشع وخاضع از خدای راضی در همه احوال وبرضای خدا در همه افعال
نظرش عبرت وسکوتش فکرت وکلامش حکمت در سر وعلانیه
خیرخواه واز غش وخدعه در پناه نه از مؤمنان هجرت کند ونه
ایشانرا غیبت کند نه او از نعمت دنیا فرح وسرور ونه از فقدان
تاسف وفتور نه محزون از شداید ایام ونه او از غنی بحرام علمش
ممزوج بحلم وعقلش مقرون بصبر بعید الکسل قریب الامل
دائم النشاط قلیل الزلل همیشه منتظر اجل دلش دائم در ذکر خدا
خاشع نفسش بقلیلی قانع کار دنیایش سهل وخفیف واز بیم گناهان

نخورد

محزون وخیف لذت وشهوتش مرده دلش بطاعت خدا زنده مردم
ازو در امان واو در تعب از ایشان نه دلش خنا بنیه کیر ونه مجالس
خود عجب وفخر کارهایش محکم ومتین نه مانعی او را از معالم دین
کلامش نه از روی تجبر وسکوتش نه برای تکبر دوریش از مردم برای
نزاهت ونزدیکیش از روی رحمت نه در دوریش جبروت و
کبر ونه در نزدیکیش حیله ومکر پیرو نیکان کذشته ومقتدای
خوبان آینده نفسش از وی در تعب ومردم ازو در راحت علم
خلیلش وحلم وزیرش وصبر امیر عسکرش لین ورفق پدر وبرادرش
نه داعیش بر فعل سمعه وریا ونه مانعش از خیر شرم وحیا اکر بخیر
مذکور شود بذکر ایشان مغرور نشود اکر چنانست که ایشان کویند
خدا را بران شکر کذارد وکر نه چنانست استغفار کند واز خجلت
آن سر بر نیارد واکر بشر مذکور شود از کفتهٔ ایشان آشفته نکردد
اکر چنانست استغفار کند وکر نه چنانست شاکر باشد

فصل سیوم در مکارم اخلاق وصفات مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که راس هر طاعت صبر ورضا است در
قضای آلهی وحکم او خواه موافق خواهش بنده باشد وخواه نه چون
سر از بدن برخیزد بدن بمیرد همچنین چون صبر از ایمان برخیزد

ایمان زایل شود وصبر سه قسمت یکی در بلیه ومحنت دوم در مشقت
طاعت سیم در ترک معصیت هرکس در بلیه صبر کند خدا تعالی برایش
سیصد درجه بلند کرد الله که ما بین هر دو درجه مثل ما بین زمین و
آسمان باشد وهرکس در طاعت صبر کند ششصد درجه بلند کند
که ما بین هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا ابتدای عرش وهرکس
در ترک معصیت صبر کند هفتصد درجه بلند کند که ما بین هر دو
درجه از اطراف زمین باشد تا منتهای عرش وبهشت محفوفست
بمکاره وصبر ودوزخ محفوفست بلذات وشهوات هرکس
بمکاره صبر کند داخل بهشت شود وهرکس پیروی شهوات نماید
لایق دوزخ بود چون مومن داخل قبر شود نماز در دست راستش
ایستد وزکوة در دست چپ وبر سرش سایه کند وصبر در
کناری ایستاده گوید شما در جواب منکر ونکیر اعانت صاحب خود
کنید اگر عاجز آیید من او را دریابم وهرکس صبر کند وبقضاء
خدا در نفع وضرر وخیر وشر رضا دهد وغیر از رضا وتسلیم
چیزی بخاطرش خطور نکند خدا تعالی برای او غیر خیر راضی نشود
وهیچ از خدا نخواهد مگر آنکه مستجاب شود خدا تعالی برای عباد خود
نخواهد مگر خیر اگر یکی را با نواع بلا مبتلا سازد خیرش دران باشد

واگر دیگری را پادشاه مشرق و مغرب سازد مصلحتش دران بود و فرموده
هرکس بقضای من رضا دهد و بر بلای من صبر کند و نعمای مرا شکر
گذارد در نزد من از جملهٔ صدیقین باشد و هرکس بقضای من
رضا دهد قضا برو بگذرد و اجرش عظیم بود و اگر بقضا راضی نشود
قضا خود بگذرد و اجرش باطل شود و فرموده هرکس از همه خلق قطع
امید کند و طمع برگیرد و توکل و اعتماد بر من کند و پناه بمن آرد
و درین امر نیتش صادق باشد اگر تمام سموات و ارض و اهل
آن در صدد کید و مکر و ضرر او باشند من او را از ایشان حفظ
کنم و هیچ ضرر باو نرسد و اگر اعتماد بر خلق کند و تکیه بر ایشان
نماید اسباب رحمت از و قطع کنم و هرچه بر سرش آید پروا نکنم
و حضرت صادق علیه السلم فرموده هرکس خواهد که هیچ چیز از خدا سوال
نکند مگر آنکه عطا فرماید باید قطع امید از هرکس نماید و امیدی
بغیر خدا نداشته باشد و چون خدا تعالی دلش را درین صادق یابد هرچه
سوال کند عطا فرماید و معنی توکل نه اینست که کسی ترک سعی و کسب
و کارها کند که چنین کسی اگر دعا کند مستجاب نشود چنانکه انشاء الله
بیاید بلکه اینست که مکاسب و معاملات و هرچه مقدور باشد
از طریقه حلال میکرده باشد اما اعتماد بر اینها و بر هیچ چیز غیر خدا

نداشته و غیر از هیچ چیز و هیچکس را کار ساز ندانند و سعی و معاملات
و غیر آن از اهمه واسطه و وسیله چند دانند که تعالی برای مصلحت
حال نظام خلق مقدر فرموده تا هر کس حکم و رضای او را در آن رعایت
کند و بامر او عمل نماید مستحق فضل و ثواب و نعیم بیحساب شود
و هر کس مخالفت آن کند و متابعت نفس و هوا و اطاعت شیطان
نماید و بحلال اکتفا ننموده دست در حرام زند مستوجب زجر
و عقاب گردد و حضرت امام علیه السلام بکسی گفت همیشه دعا کن که
خدای تعالی ترا از جمله معارین نگرداند و از حد تقصیر بیرون نیارد
آنکس گفت معارین میدانم آنانند که ایمان مدتی در ایشان عاریت است
بعد از آن سلب شود اما معنی خروج از حد تقصیر چیست فرمود
آنکه هر چند عبادت بیشتر کنی خود را در آن مقصر دانی که حق عبادت
خدا را هیچکس نتواند گذارد و خدای تعالی فرموده تکیه بر عبادت و
عمل مکنید که اگر کسی در تمام عمر در عبادت کند را الله و لمحه فارغ نباشد
هنوز مقصر باشند و حق بندگی بجا نیاورده بود بلکه اعتماد بر رحمت
من کنید و امید بفضل من دارید و بحسن ظن با ما معامله نمائید
که من پیش ظن بندگان خودم بهر نحو بمن گمان و از من امید داشته
باشند با ایشان چنان معامله نمایم انقدر را امید برحمت خدا داشت باید
داکر

که اگر با ذنوب ثقلین بمحشر آئی بر تو رحم نماید و انقدر نیز خوف از
عقوبتش باید داشت که اگر با حسنات ثقلین آئی قبول نفرماید
در دل مومن دو سطر از نور نوشته یکی خوف و دیگر رجا که اگر
با هم سنجیده شود هیچکدام بقدر ذره زیادتی نکند حضرت صادق
علیه السلم گفتند که جمعی از موالی شما معاصی میکنند و میکویند ما امید
برحمت خدا داریم فرمود دروغ میکویند نه موالی مایند و نه رجا دارند
و هر کرا امید بچیزی باشد طالب آن بود و هر کرا خوف از چیزی
باشد از ان بکریزد والله که شیعه ما نیست مکر کسی که طاعت خدا
کند و از معصیت او اجتناب نماید حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
روزی فرمود ای بنی عبد المطلب میکوئید که محمد از ما است هر جا
او باشد ما نیز باشیم والله که اولیاء من نیستند مکر متقیان
من عذر شما خواسته و از عهده ان بیرون آمده ام چون روز قیامت
شما دنیا و دیکران آخرت بر دوش خود بار کرده آئید شما را نشناسم
و خویشی شما سود ندهد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
روزی خطبه خوانده فرمود ای مردمان والله که من یکدرهم از حق شما
نقصان نکنم عقیل برادر آنحضرت برخواسته گفت مرا و سیاه
حبشی را برابر میدهی فرمود خاموش باش چه امتیاز تیرا از سیاه حبشی

هر کس تقوایش بیشتر درجه‌اش رفیع‌تر از حضرت صادق علیه السلام
سوال کردند از تفسیر آیه وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه
هباءً منثورا یعنی روز قیامت متوجه اعمال ایشان شویم و چون
غبار بر باد دهیم فرمود والله که ایشان جمعی اند که اعمال و عبادتشان
در خوبی بکمال رسیده و اما چون مانع از میان ایشان و معصیت
برخیزد اجتناب نمایند پس اعمال شان سود ندهد و از ایشان
علیهم السلام مرویست که از ما نیست کسی که هر روز محاسبه نفس خود نکند
و ملاحظه اعمال خود ننماید و نه بیند که چه کرده و چه میکند روز قیامت
پنجاه موقف برای حساب مقرر است که هر کدام مقام هزار سال است
هر کس در دنیا محاسبه خود کند بقدر آن از آن مواقف حساب خلاص
باشد و هر چند بیشتر بغفلت گذارند در آن روز برای حساب
بیشتر توقفش باید پس محاسبه خود کنند پیش از آنکه برای حساب
توقف فرمایند و معنی محاسبه نفس آنست که چنانکه با شریک و
حویلدار در درهم و دینار معامله کنی حساب هر ساعت و هر
دقیقه عمر خود از خود طلب نمائی هر لحظه را ملاحظه کنی اگر در طاعت
و خیر گذرانیده خدا را شکر کنی و توفیق زیادتی طلب نمائی و اگر در باطل
و معصیت گذشته خود را بر آن توبیخ و عتاب کنی و استغفار نمائی

و در صدد

ود رصد و تلافی و تدارک آن باشی و هر کاری که شری در دیوان عملت
ثابت ماند یا حقی از آن فوت شود و هر کاری که خواهی اول تامل کنی
اگر نفع آخرت یا دنیا بشرطی که با آخرت مضرت نکند درو باشد
متوجه آن شوی و اگر با آخرت مضرت کند بلکه که همین نفع نکند
از آن بگذری و عمر را مشغول آن نسازی که شغل بی منفعت اگرچه درو
عذاب نباشد همین مضرت او را بس بود که مانع خیر و منفعت
شود که روز قیامت هیچکس از حسرت و ندامت خالی نباشد
خوبان را حسرت آنکه چرا بیشتر نکرده و بدان را حسرت آنکه چرا بد
کرده اند مگر کسی که بفضل و توفیق الهی ضبط ساعات عمر عزیز کرده
و از صرف در باطل و بیفایده محافظت نموده در طاعت و
عبادت کذرانیده باشد پس خود را از امثال این امور باید فارغ
سازی و مشغول عبادت و طاعت مجملا هر چه رضای خدا در آن
بینی کردانی هر کس خود را از باطل و بیفایده برای عبادت و طاعت
خدا فارغ کرداند و این را مانع هر کاری داند خدا تعالی دلش را از خوف
خود لبریز و بغنی از خلق مملو کرداند و متکفل حوایج و مطالب شود
و کار او را بدیگری نگذارد و هر کس برای طلب باطل و شغل بیحاصل
ترک عبادت کند و آن را مانع این داند خدا تعالی دلش را مشغول دنیا و طاعت

ومحبت ان کرد انرا واورا الله تعالی از رحمت خود بخود واگذارد ونعوذ
بالله چون کسی را خدا بغیر خود واگذارد از جمیع سعادات وکرامات
بی نصیب شود واگر دران حال بماند عاقبت در دوزخ مخلد گردد
مرویست که حضرت یونس علیه السلام را بقدر یک چشم زدن واگذاشت
طعمهٔ ماهی گشت ونیت عبادت وهر کاری که کنی باید از ریا وغرضها
باطل دنیا برای خدا ورضای او وتوقع رحمت وثواب او خالص
گردانی که جزای هر عمل بمقتضای نیت آن باشد اگر نیت خیر وحق باشد
اطاعت خدا بود وجزایش خیر ورضای خدا بود واگر نیت شر وباطل
باشد اطاعت شیطان وجزایش مثل آن بود هر کس عملی برای خدا کند
اجر وثوابش بر خدا باشد واگر برای غیر خدا کند خدا تعالی اورا
با آنکه عمل برایش کرده واگذارد واز فضل ورحمت خود محروم گرداند
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده زمانی بیاید که مردم
عبادت وطاعت را برای ریا واغراض دنیا کنند پس خدا تعالی ایشانرا
بعقوبت وبلا مبتلا گرداند وهر چند مثل غریق دست وپا زنند
وتضرع ودعا کنند مستجاب نشود مرویست که نگاه داشتن عمل
مشکل تر است از اصل کردن که چون کسی عمل صالح مثل تصدق وصله
وغیر آن پنهانی برای خدا کند ثوابش پنهانی یعنی هفتاد مرتبه

بصعف

تضاعف نویسد واگر بعد از ان ذکر آن کند محو کنند وعلانیه یک مرتبه

نویسند وچون مبتدی ... گویند ... اند محو کنند وریا نویسند

وهرکس خود را برای خدا کند وکارهای خود را برای او خالص کرداند حق تعالی

هم برای او باشد واورا برای خود خالص دارد ودلش را از معرفت و

حکمت لبریز سازد چون اراده عمل خیر کنی دران تعجیل نمای که نبادا

که بعد ازین چه روده‌د وهر کاری که دران تاخیر شود شیطان را دران

فرصتی باشد که شاید حیله کند ومانع آن شود وبسا باشد که بنده

دو رکعت نماز کند یا یک روز روزه گیرد یا تصدقی کند ومجملا عملی

صالح کند که خدا را از ان خوش آید وبسبب آن همه گناهانش بیامرزد

وگوید بعد ازین هرگز گناه بر تو ننویسم واگر عمل غیر خیر بخاطر رسد

ترک کن واز ان احتراز نمای که شیطان کام خود گیرد وبسا باشد

که بنده عملی کند که خدای تعالی را از ان بد آید وفرماید بعزت وجلال ١٠

خودم که بعد ازین هرگز ترا نیامرزم وخدای تعالی فرموده هر بنده

که اطاعت من کند ورضای من جوید من او را بدیگری نگذارم ورضای

او جویم وهر بنده که مرا معصیت کند ومخالفت رضای من نماید

او را بخودش واگذارم وپروا نکنم هر جا که هلاک شود وحضرت امام

محمد باقر علیه السلام فرموده ای مدعیان محبت وولایت ما فرقه

مشوید وطاعت خدا کنید والله که میان ما وخدا قرابتی نیست ومارا
برخدا حجتی نی وتقرب بخدا حاصل نشود مگر بطاعت او پس هرکس مطیع
خدا باشد ولایت ما اورا نافع بود وهرکس معصیت خدا کند ولایت
ما اورا سود ندهد کسی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که از شما
حدیثی روایت کنند که هرکس شیعه ما باشد هرچه خواهد کند فرمود
بلی چنین است گفت اگرچه زنا ودزدی وشرب خمر کند فرمود
انا لله وانا الیه راجعون مردم انصاف ندارند ما خود بطاعت
وعبادت امید نجات وبهشت داریم چون دیگران از رخصت معصیت
دهیم که بی طاعت بمحض محبت ما نجات یابند بلکه معنی آن حدیث
اینست که هرکس مومن باشد اعمال خیر خواه بسیار کند وخواه کم
که داخل بهشت شود ونیز فرمود خدا تعالی ابا دارد از آنکه جمعی که
دعوی محبت وولایت جمعی کنند ودر عمل خلاف ایشان باشند
روز قیامت ایشانرا باهم در یک منزل نزول فرماید بخدای کعبه
قسم که هرگز نشود ونیز از یکی از ایشان علیهم السلام مرویست که فرمود
اگر شیعیان را غربال کنیم ونیک وبد ایشان از هم جدا سازیم از هزار کس
یکی خالص نباشد که اکثر ایشان اهل قولند واهل فعل در میان ایشان
بسیار نادر است همه بر مسندها تکیه کنند وبراحت وتن پروری

براین وگویند ما شیعهٔ علیهم شیعهٔ علی نیست مگر کسی که اطاعت
حضرت علی نماید و متابعت و تصدیق قولش کند و هم از ایشان
علیهم السلام رویت که افضل عبادات تفکر است و تفکر دو قسمت یکی
تفکر در معرفت خدا و علم و فضایل این قسم از حد شرع بیرونست
وشمهٔ از آن در فصل اول گذشت دویم تفکر در احوال دنیا و بی
اعتباری آن و بی حاصلی لذات آن و یکساعت این تفکر افضل است
از یکشب عبادت که سبب زهد در دنیا و بی رغبتی بآن شود.
و عیوب و قصور آنرا ظاهر کند و محبت آنرا از دل بیرون برد و دل را
مشتاق آخرت گرداند و موجب طاعت و عبادت و ترک متابعت
هوا و هوس و معصیت و شهوت باشد هر کس از دنیا بی رغبت شود
خدا تعالی دلش را از نور حکمت و معرفت مملو گرداند و از دنیا
بسلامت بیرون رفته بدار السلام که منزل امن و امانست و محل نعمت
و راحت جاودانست رود و حرامست بر هر دل که حلاوت
ایمان دریابد تا محبت دنیا از و بیرون نرود و حضرت صادق علیه السلام
فرمود کسی از هیچ در طلب حق نکند افضل از زهد در دنیا و ترک محبت
آن و هیچ چیز بعد از معرفت خدا و رسول او و اهل بیت او علیهم السلام
افضل از بغض دنیا نبود که چون مومن از محبت دنیا خالی شود از محبت خدا

پر شود والتفات بهیچ چیز غیر خدا و هر چه رضا خدا دران باید نکند
تا حدی که اهل دنیا گویند دیوانه شده و جن در او اثر کرده و حال آنکه
محبت خدا در او اثر کرده باشد و هم آنحضرت علیه السلام فرمود که از جمله
مواعظ لقمان با پسر خود این بود که تو در دنیا بندهٔ اجیر عملی بتو فرموده اند
و اجری وعده نموده بعمل خود وفا کن تا با اجر تو وفا کنند و در دنیا
مثل گوسفندی مباش که در مزرعه چرا کند و همین که فربه شود
وقت کشتنش باشد بلکه دنیا را مثل پلی دان بر سر نهری که از آن
بگذری و هرگز بآن رجوع نکنی و بدانکه روز قیامت در پیش خدا
ایستاده باشی و چهار چیز از تو سؤال کنند جوانی که بچه عمل بپیری
رسانیدی و عمر که بچه چیز گذرانیدی و مال از کجا کسب کردی و کجا
صرف نمودی پس مهیای جواب باش و از غم دنیا فارغ باش و
کمال زهد آنست که ترک حرام کند از خوف عذاب و ترک حلال از
بیم حساب مگر بقدر ضرورت و از آن یک مرتبه پست تر آنکه دست
از حرام باز دارد و هر یک را بقدر عمل درجات بلند شود و با هر کس
بقدر عمل معامله نمایند و هر کس از خدا بقلیلی روزی راضی شود
خدا نیز از و بقلیلی عمل راضی گردد و هر کس را جاه و مال بسیار
باید و عبادات و اعمال بسیار باید و فرموده شیعیان خاص مارا

در زمان دولت باطل هرچند بمشرق و مغرب روند زیاده از قوتی
نصیب نباشد و هرچند ایمانداران کسی را زیادتر معیشت بر وتنگ تر
که اگر تمام دنیا در پیش خدا اعتبار بال مکسی میداشت شربتی آب
ازان بکافری نچشانید فقرا مؤمنان چهل خریف پیشتر از
اغنیاء ایشان داخل در ریاض بهشت مشغول صحبت و نعمت باشند
و اغنیا در موقف گرفتار حساب باشند و مرویست که یک خریف
هزار عام است و یک عام هزار سال و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که دو مؤمن را باهم بحساب آرند یکی غنی و دیگری فقیر فقیر گوید
خدایا تو میدانی که نه منصبی بمن دادی که عدل یا جور کرده و نه مالی
دادی که جود یا بخل ورزیده باشم فرماید راست میگوید دست
ازو بدارید پس خلاص گشته داخل بهشت شود و غنی مشغول
بحساب گردد و انقدر توقف کند که از عرقش چهل شتر سیراب
توانند شد پس چون داخل بهشت شود رفیق فقیرش او را ببیند
گوید ای برادر چرا دیر کردی طول حساب گرفتارم داشت خدای تعالی
هر یک عمل مرا می بخشید عمل دیگر پیش می آمد تا آخر همه را بخشید
و رحمت فرمود که نجات یافت و مرویست که چون روز قیامت
فضل و درجات فقرا مشاهده شود هر کس آرزو کند که کاش در

دنیا زیاده از قوتی نمیداشت و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که

فقرا امانتی است از خدا در پیش [illegible] هر کس [illegible] پنهان دارد مثل

اجر صایم قایم یابد و هر کس اظهار ان بمخالفین ظالمین کند شکایت

خدا بدشمن او کرده باشد و اگر بمومنی اظهار کند که قادر بر قضای

حاجتش باشد و نکند چنانست که او را کشته باشد و روز قیامت

خدا تعالی مثل کسی که از دوستی عذرخواهی کند بفقرای مومنین

گوید بعزت خودم که من در دنیا شما را از روی حقارت فقیر نکردم

بلکه برای فضل و ثواب و درجات بهشت کردم امروز به بینید که چون

تلافی ان کنم هر یک از شما را هفتاد مثل انکه از ابتدای دنیا تا انقضای

آن باهل دنیا داده ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بشما مهربانی و

احسانی کرده دستش را گرفته هر جای بهشت خواهید ببرید و هم

از ایشان علیهم السلم مرویست که کامل ترین مومنان در ایمان کسیست که

خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض هیچ عملی بهتر از خلق خوب نیست

و صاحب خلق خوش درجه صایم و قایم و اجر مجاهد یابد و اکثر امت

بدو خصلت داخل بهشت شوند تقوی و حسن خلق و حسن خلق خطیه را

بگدازد چنانکه افتاب یخ را و حسن خلق و نیز موجب درازی عمر و

معموری بلاد باشد و چهار صفت است در هر کس باشد اسلامش

کامله

کامل وانکنا خالص کردد اکرچه سرتاپا کناه باشد وخدا ازو راضی باشد
انکه بوعده وفا کند و راست کوی باشد وازقبایح درپیش خدا و
مردم حیا کند وبا اهل خود وسایر ناس خوش خلق باشد وخلق بد عمل را
فاسد کند چنانکه سرکه عسل را وهیچ جرعه پیش خدا دوست تر از دو
جرعه نباشد یکی جرعه خشمی که بحلم رد کنی ودیکری جرعه جزعی که
بصبر دفع نمائی وهیچکس خشم فرو نبرد مکر انکه خدا تعالی در دنیا
واخرت عزتش بیفزاید وچون قادر بر انتقام باشد وخشم فرو برده
خدا تعالی اجر شهیدی عطا فرماید وروز قیامت دلش را از امن
وامان ورضا مملو کرداند وهرکه غضب خود را حفظ کند خدا تعالی
عذاب روز قیامت ازو برکیرد وعیوبش بپوشد وخدا تعالی در
مناجات بحضرت موسی علیه السلم فرمود در حال غضب مرا یاد کن تا من نیز
در حال غضب ترا یاد کنم وغضب کلید هر شریست وایمان را فاسد کند
چنانکه سرکه عسل را وچون دو کس باهم منازعه کنند دو ملک نازل
شوند وهرکدام از ایشان که سفاهت وناخوشی بیشتر کند باو کویند
هرچه کفتی خود لایق آنی وزود باشد که جزایش بیابی وبان دیکر که
صبر وحلم ورزد کویند زود باشد که کناهانت آمرزیده شود واکر
حلم خود را تمام کنی وتو نیز مثل او سفاهت نکنی ودشمنان وجهال را

هیچ مکافات بهتر ازین نباشد که ایشان معصیت کنند و تو صبر
و طاعت نمائی و بهترین اخلاق دنیا و اخرت انست که چون کسی
بر تو ظلم کند تو عفو کنی و اگر از تو قطع و دوری کند تو وصل و
نزدیکی نمائی و اگر ترا از خیر و نعمتی محروم سازد و بخل کند تو جود
و عطا کنی و اگر با تو بدی کند تو نیکی و احسان فرمائی و چون باین
صفات آراسته باشی خدا تعالی عزتت زیاده کند و سه خصلت است
که در هر کس نباشد عمل و طاعتش تمام نبود و ورعی که او را از معصیت
باز دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان را دفع
نماید و مدارا با مردم نصف ایمانست و ملایمت با ایشان نصیب
زندگانی و هر کس را ملایمت نصیب گشت ایمان نصیب گشت و
هیچکس را ملایمت نصیب نباشد مگر انکه زینتش باشد و هیچکس
از ان محروم نگردد مگر انکه عار و ننگش بود و جمعی را که بملایمت روزی
شود روزیشان وسیع شود و چون از ان بی نصیب باشند خیر
ازیشان بی نصیب باشد و چون دو کس با هم مصاحبت کنند
انکه مدارا و ملایمتش بیشتر بود اجرش عظیم تر بود و مرویست که اگر
ملایمت خلقی می بود که دیده میشد هیچ خلقی احسن ازو نمی بود و
هر کس درشتی نصیبش شود ایمان ازو محجوب گردد و اگر درشتی مخلوقی

می بود که دیده میشد هیچ از او فقیرتر نبود و هر کس برای خدا تعالی
تواضع کند خدا او را بلند مرتبه گرداند و هر کس تکبر کند او را پست گرداند
و نزدیکترین مردم بخدا متواضعانند و دورترین متکبران پرسیدند
که حد تواضع چیست امام علیه السلم فرمود درجات بسیار است از آنجمله
اینکه کسی قدر خود بشناسد و زیاده از مرتبه خود توقع نکند و با مردم
چنان کند که میخواهد با او چنان کنند و چون با او بد کنند بنیکی
دفع کند و خشم فرو برد و عفو کننده باشد و مرویست که از جمله
تواضع اینست که در مجلس پایین تر از مرتبه خود نشینی و بهر کسی سلام
کنی و ترک خصومت کنی اگرچه حق با تو باشد و نخواهی که ترا مدح
و ثنا کنند و روزی امام رضا علیه السلم طعام طلبید ملازمان و غلامان
سیاه و سفید را جمع فرموده با هم در یک خوان نشستند کسی گفت
کاش بفرمائی که برای ایشان طعام جدا کنند فرمودند خدا یکیست
و دین یکی و پدر و مادر یکی و جزای هر کس بقدر عملش باشد
و حضرت امام جعفر علیه السلم فرمود کسیکه چهار صفت از من
ضامن شود تا من برای او چهار خانه در بهشت ضامن شوم عطا کند
و از فقر نترسد و افشای سلام کند در عالم و ترک خصومت کند
اگرچه محق باشد و از انصاف نگذرد و هر کس با انصاف باشد م

و با فقرا با مال مواسات کند بحقیقت مؤمن باشد و خدای تعالی عرش
کرد الله و نیز فرموده اند سید عمال سه خصلت است ایضاف و
مواسات و ذکر خدا در همه حال نه همین تنها سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله اکبر است بلکه در احوال و افعال خدا را یاد
آرد و اگر رضای خدا در ان باشد کند و گرنه ازان بکند رد و هر کس
منصف باشد و عیب مردم نکند در چیزی تا آنرا اول از خود
طلب نکند و کسی در پیشوائی تقدیم و تأخیر نکند تا رضای خدا
دران بداند در سایهٔ عرش خدا باشد در روزی که هیچکس ایناهی
نبود و سه کس نزدیک ترین مردمند بخدا در روز قیامت کسی که
در حال غضب بی اختیار نشود تا بر زیردست ظلم کند و کسی که چون
در معامله میان دو کس داخل شود بیکطرف میل نکند و کسی که در
در معامله و منازعه از انصاف و حق نگذرد و خدا بر اهل بهشت حرامست
که داخل ان نشوند مگر سه کس یکی آنکه بر نفس خود حکم بحق کند و هر کس
ایمان بخدا و روز آخرت دارد باید بوعده وفا کند که وعدهٔ مؤمن
نذریست که هیچ کفاره ندارد مگر وفا بان هر کس خلف وعده کند
اول با خدا خلف کرده و متعرض سخط او گشته باشد و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود از ما نیست کسی که امانت را خلاف کند

وامانت جلب رزق وخیانت جلب فقر میکند و حضرت سجاد علیه السلام

فرمود اگر قاتل پدرم شمشیری که آنحضرت را بآن شهید کرده

بمن امانت سپارد هر آینه آنرا ادا کنم و حضرت صادق علیه السلام

فرموده که اگر قاتل علی ابن ابی طالب با من مشورت کند و خیر جوید

و شمشیر بمن امانت دهد من قبول کرده باشم هر آینه ادای امانتش کنم

وچهار صفت است که در هر مؤمن باشد خدا تعالی او را در اعلا

علیین در بالاترین غرفها شرف و کرامت ساکن گرداند کسی

یتیم را در پناه خود آرد و برای او بمنزله پدر باشد و بر ضعفا

ترحم کند و اعانت حوایج ایشان نماید و والدین را نفقه دهد

و با ایشان ملایمت و ملاطفت کند و خدمتی که بمملوک خویش

رجوع کند خود نیز مدد و اعانتش نماید فصل چهارم

در بر والدین مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بر والدین

و صله رحم سکرات موت آسان گرداند و در تمام عمر پریشانی رفع کند

و بر والد روز قیامت آید و قدرت بقوت تمام فرزند صاحب بر را

بر داشته داخل بهشت کند روزی جوانی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله

علیه و آله وسلم آمده گفت جوان توانا ام و شوق جهاد دارم فرمود

جهاد کن که اگر کشته شوی در پیش خدا زنده و از نعمتهای بهشت منعم باشی

واکر بمیری اجر و ثواب برخدا باشد و اکر باز کردی از کناهان پاک

کردی همچنانکه از مادر متولد شده بودی کفت پا رسول الله صلی الله علیه وسلم

اما والدین من غیر ایشان دارند و میخواهند در پیش ایشان باشم

فرمود باش یکشب انس ایشان با تو بهتر است از یکسال جهاد در

راه خدا و نیز انحضرت را صلی الله علیه و آله و سلم همشیره بود رضاعی

روزی بخدمت انحضرت آمد چون اورا دید شکفته کشت و ملحفه

خود را بجهت او انداخت تا بران نشست پس متوجه او کشت و ملاطفت

و شکفتکی مینمود چون او رفت برادرش آمد حضرت آن مهربانی

با او نفرمود از سبب آن سوال کردند فرمود آن زن برش با والدین

خود بیشتر از نیست وکسی بحضرت امام جعفر علیه السلم معروض داشت

که پدرم بسیار پیر شده و چون قضای حاجت خواهد کسی باید بر دوشش کیرد

فرمود اکر توانی خود مباشر این خدمت باش که فردا برای تو حجابی باشد

از اتش و دیکری از آنحضرت سوال کرد که والدین من مخالف

مذهبند با ایشان چون کنم فرمود نیکی کن همچنانکه با موالی و دوستان ما

میکنی هرکس یار با والدین باشد از دوزخ ایمن باشد و در بهشت

مسکن کند و هرکس عاق باشد از بهشت نومید شود و در دوزخ ماوی

نماید و هرکس نکاه خشمناک بوالدین کند و حال انکه ایشان بر وظالم باشند

نمازش مقبول نشود و چهار کس بوی بهشت نشنوند با آنکه بوی بهشت را
از هزار ساله راه توان شنید عاق و قطع رحم و پیری که زنا کند
و متکبر و حضرت سجاد علیه السلام مردی را دید که بر پدر خود تکیه
کرده راه میرفت برو غضب فرمود و با او حرف نزد تا از دنیا
رفت و هم از ایشان علیهم السلام رویتست که از جمله حقوق والدین آنست
که مصاحبت ایشانرا نیکو کنی و نگاه داری که ایشان از تو چیزی سؤال
کنند اگر چه مستغنی باشند بلکه مترصد احوال ایشان باشی
کمان کنی که چیزی میخواهند پیش از سوال مهیا داری و اگر ترا
برنجانند اف نگوئی و اگر بزنند نرنجانی بلکه دعا کنی و برای ایشان
آمرزش طلبی و بسیار نگاه بر روی ایشان نکنی مگر از روی رحمت
و مهربانی و آواز بر ایشان بلند نکنی و دست بالای دست
ایشان نداری و پیش روی ایشان نروی و ننشینی و ایشانرا
بنام نخوانی و برای ایشان دشنام حاصل نکنی و در همه حال
اطاعتشان کنی مگر در معصیت خدا و درین حال نیز مدارا و
ملایمت کنی و اگر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون روی بروی
و اگر از دنیا رفته باشند نماز و روزه و حج و صدقه و غیر آن
از وجوه خیرات برای ایشان بکنی و ثواب آنرا با ایشان هدیه کنی

وهرچه کنی مثل او نیز برای تو نوشته شود وکسی از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام پرسید که آیا هیچ چیز جزای حق والد باشد فرمود هیچ چیز
جزای آن نباشد مگر آنکه بنده باشد بخری و آزاد کنی واگر دین
داشته باشد ادا نمائی وهم آنحضرت علیه السلام فرمود گاه باشد که
کسی در ایام حیوة والدین ایشان بار باشد وبعد از مردن دین
ایشانرا ادا نکند وبرای ایشان استغفار نکند خدا تعالی اورا عاق
نویسد وگاه باشد که در حیوة ایشان عاق باشد چون بعد از وفات
دینشان ادا کند واستغفار نماید بار نوشته شود وکسی بحضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم معروض داشت که پیش از آنکه باسلام
مشرف شوم دختری داشتم چون بحد بلوغ رسید روزی اورا
زینت کرده بسر چاهی بردم ودر چاهش افکندم آیا کفاره داشته
باشد فرمود مادرت زنده است گفت نه فرمود خاله ات
زنده است گفت بلی فرمود با او برو نیکی کن که بمنزله مادر است
تا کفاره آن شود وهم از ایشان علیهم السلام مرویست که هرچه از بر
والدین بر ولد لازم است بر ایشان نیز لازم است باید با فرزند
چنان سلوک کنند که باعث بر او باشد با ایشان وچنان
نکنند که سبب عقوق شود رحمت خدای بر والدین که فرزند را

بوید

برتر خود دارند ولعنت خدای بر والدین که فرزند را بر عقوق خود
دارند **فصل پنجم** در صله رحم مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که از جمله حقوق دین صله رحم است اگرچه یکساله راه
باید رفت واگرچه بشربتی آبی یا بسلامی باشد وهر کس چیزی
برداشته برود تا صله رحم کند بهر گام چهل هزار حسنه نویسند
وچهل هزار سیئه محو کنند وچهل هزار درجه بلند گردانند واجر
صد شهید نویسند وچنان باشد که صد سال عبادت [illegible]
وصله رحم دفع بلاها کند وحساب قیامت آسان گرداند وخلق
نیک کند وبخیل را سخی گرداند وروزی بیفزاید ومال زیاد کند
واعمال را پاکیزه کند وسبب معموری دیار وزیادی عمر باشد
تا آنکه گاه باشد که عمر کسی سه سال باشد چون صله رحم کند سی سال
شود وگاه باشد سی سال باشد چون قطع رحم کند سه سال شود
ورحم بعرش آویخته میگوید خدایا وصل کن برحمت خود هر کس مرا
وصل کند وقطع کن از رحمت خود هر کس مرا قطع کند ودر روز قیامت
رحم وامانت در دو جانب صراط ایستند چون واصل رحم ومودی
امانت بگذرد داخل بهشتش کنند وچون قاطع رحم وخاین امانت
بگذرد سرازیرش در جهنم افکنند وبسا باشد که جمیع همه فاجر

باشند چون باهم مواساة و مواصلة کنند مال ایشان بسیار و
رزق ایشان وسیع شود و اگر همه نیکان باشند چون ازهم مفارقت
کنند و قطع یکدیگر نمایند پریشان گردند و بلا در میان ایشان شایع
شود کسی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم رفته گفت
خویشان من با من بسیار بدی و مخالفت میکنند و دشنام
میدهند من میخواهم که ترک ایشان کنم فرمود اگر این کار کنی خدای تعالی
[خود را] ترک کند و از رحمت خود قطع نماید و کسی بحضرت امام
جعفر علیه السلام از اقربای خود شکایت کرد فرمود تو مدارا و مواصلت
کن گفت هرچند مدارا و مهربانی میکنم ایشان همان بدی میکنند
فرمود پس میخواهی مثل ایشان باشی تا خدا تعالی بر هیچکدام نظر توهم م
نکند و دیگری بخدمت آنحضرت رفته از برادران و عم زادگان شکایت
کرد و گفت خانه را بر من تنگ کرده اند فرمود صبر کن که خدا تعالی
ترا از ایشان نجات دهد راوی گوید و بائی حادث شد که همه
ایشان هلاک کشتند پس بخدمت حضرت رفته حکایت واقعه
نمود فرمود جزای آنست که با تو میکردند حالا راضی هستی که زنده
می بودند و همان سلوک میکردند گفتم بلی والله و نیز مرویست که
هیچ کامی برداشته نشود دوست تر پیش خدا از دو گام یکی بصفی که

فصل ششم در رحم کرده باشد که قطع رحم کرده باشد و یکی نیکی که قطع رحم کرده باشد در راه خدا آراسته

در حق جوار مرویست از اهل بیت اطهار علیهم السلام که از ما نیست کسی که
همسایگی را خوب نکند خوب کردن همسایگی عمر زیاد کند و رزق بیفزاید
و سبب معموری دیار باشد و هر کس ایمان بخدا و آخرت دارد باید
همسایه را نرنجاند و مهمان را گرامی دارد و چون تکلم کند خیر گوید یا
ساکت باشد و هر کس همسایه را نرنجاند و نیازارد خدا تعالی روز
قیامت عثرات و خطاهای او را عفو فرماید و حضرت [illegible]
علیه و آله و سلم فرمود که جبرئیل ع آنقدر مرا بهمسایه وصیت نمود
که گمان کردم مگر او را وارث من خواهد کرد اید و نیز فرمود که ایمان
بمن ندارد کسی که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد
و روز قیامت خدا تعالی نظر نکند باهل قریه که در میان ایشان
خانه گرسنه باشند و حضرت یعقوب علیه السلام مناجات نمود
گفت خدایا بر من رحم نمیکنی چشم را گرفتی و دو پسر مرا بردی
خدا تعالی فرمود اگر پسرهایت مرده می بودند برای تو زنده میکردم
اما تو بیاد نمی آری که فلان روز گوسفندی ذبح کردی و بریان نموده
تناول کردی و فلان همسایه ات صایم بود باو بخشش ندادی
بعد از ین هر چاشت و شام منادی حضرت یعقوب علیه السلام

تا یکفرسخ راه ندا میکرد که هر کس کرسنه باشد بخانه یعقوب بیاید و
حضرت امام موسی علیه السلم فرمود خوبی همسایکی همین نیست که همسایه را
آزار نکنی بلکه تحمل آزار ایشان کنی و هر کس یکوجب زمین با همسایه
خیانت کند خدا یتعالی آنرا تا زمین هفتم در روز قیامت طوق
کردنش کند و هر کس همسایه را برنجاند بوی بهشت بر و حرام شود
و هر کس در مایحتاج خانه با همسایه مضایقه کند خدا یتعالی خیر و فضل
خود را در روز قیامت از و منع کند و او را بخودش واکذارد و هیچ
عذر از و قبول نکند مکر آنکه همسایه چیزی بعاریت میکیرد ضایع
کند که درینوقت توان از و منع نمود **فصل هفتم** در الفت
و محبت و زیارت مؤمنان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که ای معاشر مؤمنان با یکدیکر الفت و محبت کنید خیر نیست در
کسی که الفت نکند و با او الفت نکنند جمعی که برای خدا با هم محبت
و دوستی کنند روز قیامت در زمینی از زبرجد سبز در سایه
عرش از جانب راست بر منابر نور بنشینند و روی ایشان از آفتاب
روشن تر باشد و هر کس محبت و بغض و عطا و منعش برای خدا باشد
از جمله اصفیاء او باشد روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
از اصحاب پرسید که محکم ترین عروه های ایمان کدامست بعضی کفتند

نماز وبعضی صوم وبعضی زکوة وبعضی حج وعمره وبعضی جهاد فرمود
هر یک ازینها رافضل عظیم است اما نه آنست که پرسیدم بلکه
آن محبت وبغض است برای خدا وتولا با اولیاء الله وتبری از
اعداء الله وچون دو مومن باهم ملاقات کنند البته محبتش بیش شد
قدرش عظیم تر بود وهم ازیشان علیهم السلام مرویست که ای مومنان
باهم الفت کنید وبیکدیگر از زیارت کنید وذکر خدا وذکر فضایل
ما کنید وبا احادیث ما صحبت دارید که موجب حیوة دلهای
شما است وهیچ چیز دل ابلیس وجنودش را آنقدر جراحت نکند
که زیارت مومنان چون سه مومن یا بیشتر باهم اجتماع کنند
با آنعدد ملائکه با ایشان حاضر شوند پس اگر دعا کنند امین گویند
واگر از شری استعاذه کنند دعا کنند واگر حاجتی مسئلت
نمایند شفیع باشند وچون مومنی برای خدا نه برای غرض دنیا
برای زیارت مومنی از خانه بیرون رود وحق وحرمت او بشناسد
بهر گامی که بردارد خدا یتعالی برایش حسنه نویسد وسیئه محو فرماید
ودرجه بلند گرداند وهفتاد هزار ملک بر وموکل گرداند تا بخانه
خود مراجعت کند اگر چه یکساله راه باشد وگویند خوش باشی
وخوش باشد تورا بهشت وچون در خانه بکوبد درهای آسمان برایش

گشوده شود و چون ملاقات و مصافحه و معانقه کنند خدایتعالی

متوجه ایشان شود و با ایشان بر ملائکه مباهات فرماید و گوید ای

ملائکه به بینید این دو بنده مرا که برای من چون باهم محبت میکنند

لازم شد بر من که بعد از این ایشانرا باتش عذاب نکنم و چون بخانه

داخل شود فرماید ای بندهٔ من تعظیم حق و متابعت سنت پیغمبر من

کردی اگر سؤال کنی عطا نمایم و اگر دعا کنی اجابت فرمایم و اگر ساکت

باشی ابتدا کنم و چون مراجعت کند بعدد هر نفسی که کشیده و

گامی که برداشته و کلمهٔ که گفته ملائکه با او متابعت کنند و تا

آنروز از سال آینده از بلاهای دنیا و آخرت محافظتش نمایند

و اگر درین سال بمیرد از حساب فارغ باشد و چون داخل خانه خود شود

خدایتعالی فرماید ای بندهٔ من که تعظیم حق من کردی بهشت بر تو واجب

گردانیدم و ترا شفیع بندگان خود کردیم و اگر آنکس نیز حق این زایر

بشناسد برای او نیز مثل این اجر ثبت شود و خدایتعالی را

بهشتی است که هیچکس داخل آن نشود مگر سه کس کسی که از خود انصاف دهد

و کسی که زیارت برادر مومن کند برای خدا و کسی که برادر مومن را در

خیر بر خود اختیار کند و زیارت یک مومن برای خدا بهتر است

از آنکه ده بندهٔ مومن آزاد کند حضرت امام جعفر علیه السلم از

کسی پرسید که میان شما و بصره چند روز راهست گفت از دریا

اگر باد موافق باشد پنج روز از خشکی هشت روز فرمود چه نزدیک

بوده برادران مومن یکدیگر را ببوسید و عهدها تازه کنید که روز

قیامت هر کس را گواهی در کار است که شما را بر دینش دهند

و اگر مومنی بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود او در خانه

باشد و اذن ندهد در لعنت خدا باشد تا وقتی که با هم ملاقات

کنند و هر کس میان خود و مومنی حجاب و مانعی گذارد خدا میان

او و بهشت هفتاد هزار باره نصب کند که میان هر دو باره هزار

سال راه باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود شیطان

میان مومنان نزاع و فساد میکند پس خدا رحمت کند بر کسی که میان

دو دوست ما الفت و اصلاح کند و حضرت صادق

علیه السلام فرمود میان دو کس اصلاح کنم دوست تر دارم که دو دینار

طلا تصدق کنم و فرمود چون دو کس از آنها بر بخشش مفارقت و هجرت کنند

یکی از ایشان و گاه باشد هر دو مستوجب لعنت و براءت از دین

شوند کسی گفت جعلنی الله فداك شاید یکی مظلوم باشد فرمود

باید تقصیر را بخود نسبت دهد و عذرخواهی کند و نگذارد که

مهاجرت واقع شود هر هفته دو روز مقرر است که اعمال عباد را بر

خدای تعالی عرض کنند چون میان دو کس رنجش و عداوت باشد اعمال

ایشانرا واگذارند تا وقتی که صلح کنند و چون دو کس از همدیگر سه روز

هجرت کنند و صلح نکنند ولایت اسلام در میانشان منقطع شود

و در روایت دیگر آمده که هر کس بیشتر از سه روز هجرت کند دوزخ باو

اولی باشد و هر کدام سبقت بصلح کند سبقت بجنت کند و هر کس

اصلاح میان مرد و زن سعی کند اجر هزار شهید یابد و هر گامی که

بردارد [illegible] یکساله عبادت نویسند با روزه روزها و

قیام شبها فصل هشتم در آداب ملاقات و مجالست

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که شما بوسعت مال با مردم

بر نیایید بشکفتگی و طلاقت وجه ملاقات کنید سه صفت است

که هر کس یکی از آن متصف باشد بهشت او را واجب شود طلاقت

وجه و انصاف وجود در پریشانی و نیز مرویست که اصطناع معروف

و حسن بشر موجب دخول بهشت و محبت و بخل و عبوس موجب

دخول نار و دوری از خداست و اول ملاقات سلام است مرویست

که اگر کسی پیش از سلام حرف زند جوابش مگوئید و چون دو کس باهم

سلام کنند میان ایشان هفتاد حسنه قسمت شود شصت و نه

حسنه از آنکه ابتدا کند و یکی از آنکه جواب گوید و اگر کسی بر ده کس از

مسلمین سلام کند چنانست که بنده آزاد کند و سنت است افشای
سلام یعنی هرکس رسد سلام کند اگرچه ظالم باشد که بسلام خدا بظالمان
نرسد بخیل ترین مردم کسیست که در سلام بخل کند مرویست که چنانکه
مردم در خوابند برخواسته نماز کنید و با مردم بآهستگی گفتگو کنید
وافشای سلام کنید تا بسلامت بهشت روید و هرکس در سلام
غنی را بر فقیر امتیاز دهد مستوجب غضب الهی باشد و سلام بلند
باید گفت تا بشنوند و مگوئید که سلام کردم جواب نگفتند چون
نشنوانیده باشید و همچنین جواب بلند بگوئید تا نگویند که جواب
سلام نگفتی و هرکس سَلَامٌ عَلَيْكُمْ گوید ده حسنه باشد
واگر رحمة الله نیز اضافه کند بیست حسنه واگر وبرکاته نیز اضافه
کند سی حسنه و مرویست که سلام و دعاء عطسه و دعائی که کسی را
کنید بصیغه جمع بگوئید اگرچه یک کس باشد و با هرکس جمعی از ملایکه
باشند و چون بر ملائکه سلام کنند ایشان جواب گویند و کسی که
ملائکه بر او سلام کنند از عذاب خدای بسلامت باشد مثل سلام
علیکم و یرحمکم الله وعافاکم الله بگوئید و ادب اینست که سواره بر
پیاده و اسب سوار بر استر سوار و استر سوار بر الاغ سوار و
ایستاده بر نشسته و صغیر بر کبیر و قلیل بر کثیر سلام کنند

بر چند کس سلام نباید کرد بر شراب خوار و صاحب شطرنج و نرد و
مجاهر بفسق و مخنث و شاعری که زنان عفیفه را هجو کند و رباخوار
و کسی که مشغول قضاء حاجت باشد و زنان و کسی که در نماز باشد
[illegible] تمام باشد و چون سلام یا تحیتی دیگر کنند مستحب است که
تلافی آن احسن از آن باشد و اقلش با اینکه همان قدر تلافی کند
و چون کسی سلام علیکم گوید احسن آنست که و رحمة الله اضافه
[illegible] اگر آنرا نیز گفته باشد و برکاته اضافه کنند و اگر این را
نیز بگوید همین را تمام بگوید و روایتی دیگر آمده که درین صورت و
علیک تنها توان اکتفا نمود اما زیاده ازین مخالف سنت است
مرویست که کسی بحضرت امیر المومنین علیه السلام سلام کرد لفظ و
مغفرته و رضوانه افزود حضرت او را نهی فرمود و اگر از کسی سلام
رسانند جواب بگوید و علیک و علیه السلام و اکتفا بعلیه السلام نیز
مجزی بود و مرویست که جواب کتابت مثل جواب سلام واجبست
و معنی سلام و جوابش اینست که تو از من بسلامتی و با خدا عهد کردم
که غیبت تو نکنم و عیب تو نگویم و چون دو مومن با هم ملاقات
کنند و مصافحه نمایند گناهان هر دو بریزد مثل برگ از درخت
تا آنکه هیچ نماند و خدا تعالی بایشان نظر کند تا از هم مفارقت کنند

وصد رحمت بر ایشان فرستد و بود و نه از آن باشد که محبتش بیشتر
باشد وخدای تعالی با او مصافحه نماید و آنکه مکث بیشتر کند و دست
بیشتر نگاه دارد اجرش از آن دیگر بیشتر باشد حد سلام و مصافحه
هر اول ملاقات بعد از هر غیبتی اگرچه بر دور درختی بیکدیگر رسند یا
چند گام از هم جدا شوند و مرویست که تمام تحیت برای مقیم مصافحه
و تمام تسلیم برای مسافر معانقه است و چون دو مؤمن معانقه کنند
رحمت ایشان را فرو گیرد و چون در پیش هم توقف کنند [illegible]
و غرضی دنیوی در میان ایشان نباشد ملکی ندا کند که گناهان شما
آمرزیده شد اعمال از سر گیرید و چون شروع در گفتگو کنند ملائکه
حفظ با هم گویند بیائید بکناری رویم که شاید ایشان را با هم سری باشد
و اگر خویشان و مؤمنان یکدیگر را بوسه کنند باید روی هم را ببوسند
و بوسه بر لب نشاید مگر زوجه و طفل صغیر را و دست بوسیدن
نشاید مگر پیغمبر یا وصی او را و روایت دیگر آمده که دست کسی را بوسیدن
چنانست که نماز برای او کرده باشد یعنی بندگی او کرده باشد و هر که
در مکانی مجلس کمتر از رتبه شرف خود راضی شود خدا و ملائکه بر او
صلوات فرستند تا وقتی که برخیزد و مرویست که چون بخانه کسی روید
هر گرامی که کند قبول کنید مگر بالا نشستن و روایت دیگر آمده که هر جا

صاحب خانه بگوید بنشیند که عیوب خانه خود را بهتر میداند
و توفیق میان این دو حدیث والله اعلم ثم الراسخون فی
العلم چنین توان کرد که اگر معلوم باشد که غرض صاحب خانه محض
تکلف است قبول نباید کرد و گرنه اطاعت باید نمود چنانکه
لفظ اکرام و عیوب مشعر است بران و بهترین مجالس آنست
که روی بقبله باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
در اکثر اوقات می نشست یکی دو زانو دوم آنکه ساقها از زمین برداشته
و دستها از پیش ساق گذرانیده بر ساعد گیرد سیوم آنکه
یک پا بر سر پای دیگر گذارد و احادیث متعدده آمده که بعضی از
ائمه طاهرین علیهم السلم باین هیأت نشسته بودند کسی گفت این
وضع نشستن مکروهست فرمودند این قول یهود است که میگویند
خدا تعالی چون از خلق سموات و ارض فارغ شد چنین نشست
که استراحت کند من برای ملالت چنین نشسته ام و خدا تعالی را
ملالت نمی باشد و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
هرگز مربع ننشسته و خدا تعالی مربع نشستن را دشمن دارد و مرویست
که اگر با یهودی بنشیند همنشینی او را نیکو کنید و چون کسی داخل
مجلس شود تعظیم کنید و جا بگشائید که تعظیم در مجلس برکت است

ودر وقت رفتن تعظیم مکنید مثل عجم ودر تابستان میان هردو کس
در نشستن مقدار یک ذراع فاصله باید که داشت که گرما آزار نکند
واگر در اثنا حرف مومنی در آید چنانست که او را خراشیده باشد
وهرکس در وقت نشستن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی
محمد وآله خدا تعالی ملکی برو موکل گرداند که در ان مجلس او را از غیبت
کردن حفظ کند واگر وقت برخواستن از مجلس بگوید سبحان ربک
رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله
رب العالمین کفاره المجلس باشد وبعد ده هر مسلمی او را حسنه
باشد وخدا تعالی به بیشترین کیلها ثواب او را کیل کند

فصل نهم در سکوت وکلام مرویست از اهل بیت طاهرین

علیهم السلام که سکوت بابیست از ابواب حکمت وجلب محبت کند
ودلیل هر خیر است وشیعیان ما همه لال باشند وکسی حقیقت
ایمان را نشناسد تا زبان از لغو نه بندد ونجات مومن در حفظ
زبانست وزبان کلید هر خیر وشر است پس زبانرا مهر کنید
همچنانکه زر ومال را مهر میکنید ومومن تا ساکت است محسن نوشته
شود وچون تکلم کند محسن باشد یا مسیئ وهرکس کلام از جمله اعمال
خود نشمرد در اعمالش خطاء بسیار باشد وعذابش مهیا بود وهرکس

کلام خود را از جملهٔ اعمال شناسد تکلم نکند مگر بچیز نافع باشد و حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه بمردی گذشت که حرفهای لغو بیفایده
میگفت فرمود که ای مرد هر چه میگوئی ملکین می نویسند و بر خدای
تو عرض میکنند ترک بیهوده گوئی کن سخنی گوی که نفعی در آن باشد
و شرم دار از آنکه چون نامهٔ اعمال تو بر خدای معروض شود این نوع
سخنان در و باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
بیکی گفت میخواهی چیزی تعلیمت کنم که بآن داخل بهشت شوی
گفت بلی فرمود که سخاوت پیشه کن گفت شاید من محتاج تر باشم
فرمود مظلوم را نصرت کن گفت شاید عاجز تر باشم فرمود
جاهلان را هدایت کن گفت شاید جاهل تر باشم فرمود زبان
بر بند مگر از خیر بعد از آن فرمود نمیخواهی یکی ازین صفات در تو باشد
که ترا به بهشت برد و هم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
خدای تعالی زبان را عذابی کند که هیچ عضو را نکند چه بسا باشد
که کلمهٔ از زبان بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و خونها
بآن ریخته شود و فرجهای بآن بی حرمت گردد و سخن گفتن بحق حرام
افضل است از سکوت در باطل و هر کس زبانش راست گو باشد
عملش پاکیزه شود و مرویست که نماز و روزه و طول رکوع و سجود

مردم

مردم فریفته مشوید که بسا باشد که عادتی باشد ترکش موجب وحشت
باشد بلکه قدر عقل و صدق کلام و اداء امانتش را نظر کنید
و مرویست که بسا بنده که آنقدر راست کوید که خدا تعالی اورا
از جمله صدیقان نویسد و بسا بنده که آنقدر دروغ کوید که از
جمله کاذبین نوشته شود و هیچ بنده لذات ایمان نیابد تا
دروغ را مطلقا عهد و هزلش را ترک نکند و کذب ایمان را
خراب کند خدا تعالی بر هر شری قفلی زده و کلیدهم آنجا
شراب را کردانیده و کذب بدتر است از شراب و روز قیامت
از هر کذب سوال کنند مکر سه کذب یکی آنکه در معرکه جهاد با خصم
کویند دویم آنکه برای اصلاح میان دو کس کفته شود سیوم آنکه
کسی با اهل خود وعده کند و اراده کردن ان نداشته باشد و چون
کسی کوید والله که خدای فلانی را نیامرزد خدا تعالی فرماید کیست
که از جانب من قسم میخورد که اورا نیامرزم اورا آمرزیدم و عمل این را
باطل کردم و اگر کسی را لعنت کنند یا شهادت بر کفرش دهند
اکر چنان باشد راست کفته و اکر نه بکوینده بر کردد و اکر مومنی باشد صح
فحش کوید خدا برکت از رزقش برکیرد و معیشت اش را فاسد
کرداند و نظر رحمت و تربیت از و بردارد و اکر در مومن طعن کند

به بدترین وجهی بمیرد وسزاوار آن باشد که هرگز بخیر باز نگردد
وبهشت حرام است بر هر فحاش بی حیا که پروا نکند از هر چه گوید
و آنچه گویند ومرویست که چنین کسی را اگر تفتیش کنی ولد الزنا
یا شرک شیطان باشد وخدای تعالی دشمن دارد فحاش بخت گوی را
بدترین مردم کسیست که از ترس زبانش اکرام کنند ومجالسش را
ناخوش دارند وهر کس از زبانش بترسند منزلش آتش باشد
بدترین مردم کسیست که طعام خود تنها خورد وعطایش را منع
کند ومملوکش را بسیار بزند وبدتر ازو کسی که بخیرش امید و
از شرش ایمن نباشی وبدتر ازو فحاش که چون کسی پیش او مذکور
شود لعن کند وچون او پیش مردم مذکور شود لعنتش کنند وحضرت
صادق علیه السلم را دوستی بود که هرگز از خدمتش مفارقت نمی نمود
روزی در خدمت آنحضرت براهی میرفت وغلامی همراه داشت
چند مرتبه نگاه کرد او را ندید مرتبه دیگر نگاه کرد او را ندید مرتبه
دیگر نگاه کرد آمده بود گفت یا ابن الفاعله کجا بودی پس حضرت دست
بر روی مبارک زده فرمود سبحان الله مادرش را دشنام
میدهی تو خود را متورع می نمودی معلوم شد که ورعی نداشتۀ
گفت جعلت فداک مادرش مشرکه است فرمود باشد نمیدانی که هر

قومی درمیان خود بکاحی دارند که خود را از زنا باز ندارند دور شوا ز
راوی کوید دیکر او را در خدمت آنحضرت ندیدم تا از دنیا رفت
و خدا تعالی دوست دارد مزاح را اگر فحش دران نباشد و مزاح نیک
خلقست و سبب سرور مومنان شود و کثرت مزاح با آنکه متضمن
فحش یا کذب یا استهزا و مجملا متضمن قبیح و باطل باشند وقار
و آب رو و نور ایمان ببرد و مورث استخفاف و ذلت باشند
و سبب بغض و کینه شود و گاه باشد که کسی کلمه کوید که مردم را بخند
آید بقدر ما بین زمین و آسمان او را از بهشت دور کرداند و در
دوزخ افکند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود وای بر
کسی که دروغ کوید تا مردم را بخنداند بعد از آن سه مرتبه فرمود وای
برو و کثرت ضحک دین را بکدازد چنانکه آب نمک را و آبرو ببرد
و روایت دیکر آمده که هر کس یکمرتبه خنده کند یکدهن از عقلش
تف کند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود بسا کسی که خنده
و لعبش بسیار باشد و روز قیامت کریه اش بسیار باشد و بسا کسی
از بیم کناهان کریه اش بسیار بود در بهشت خنده و سرورش بسیار
بود و فرمود ای صاحب عملهای رسوا شرم دار از خنده دندان وای
که بسیار کرده سیئات ایمن مباش از کمین حادثات

فصل دهم در اکرام و توقیر مؤمن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

هر کس مؤمن را اکرام کند اول خدا را اکرام کرده باشد و روی شیطان
خراشیده و دلش جراحت شود و هر کس بر روی مومن تبسم کند برایش
حسنه ثبت شود و اگر کثافتی از رویش بردارد ده حسنه ثبت شود
و اگر بمؤمنی بگوید مرحبا خدا تعالی تا روز قیامت برای او رحمت
نویسد و اگر با و بنحوی از انحا ملاطفت کند از خدام جنت عطا فرماید
و اگر کلمه گوید که موجب شگفتگی مؤمنی باشد در سایهٔ رحمت خدا باشد
و اگر کثافتی از راه مومن بردارد اجر قراءت چهارصد آیه از قرآن
یابد که هر حرف از آن ده حسنه است و اگر مومن را بمجلس یا مکان
یا طعام یا جامه یا سلام یا غیر آن ملاطفت و اکرام کند بهشت
از جا درآید که مکافات آن کند پس خدا تعالی فرماید من نعمتهای
ترا بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر بر نبی یا وصی و چون روز قیامت شود
فرماید امروز اولیاء مرا مکافات کن پس حور و غلمان از بهشت
بیرون آیند در دست طبقهای پر از نعمتهای گوناگون سرهای
آن یا روپوشهای لؤلؤ و جواهر پوشیده و چون بهشت و
نعمتهای آن را ببینند عقلشان پرواز کند و چون جهنم را ببینند
از هول آن دست شوانند دراز کرد پس از جانب عرش ندا آید که بخورید

٦٧

که هر کس طعام بهشت خورد و دوزخ بروی حرام شود پس دست دراز
کرده تناول کنند و هر کس جمعی از مومنان را خدمت کند بآنعدد
از خدم جنت عطا فرماید و خادم مؤمنان در طاعت خدا زنده اند
در قبر نگذارند بلکه پیش خدا برند و آنجا باشند تا روز قیامت و هر کس
مؤمنی محاسن سفید را تعظیم و توقیر کند از فزع روز قیامت
ایمن گردد و اگر با او استخفاف کند خدا تعالی کسی را برا و مسلط
گرداند که با او استخفاف کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود از ما نیست کسی که کبیر ما را توقیر و بر صغیر ما ترحم نکند و هر کس
مؤمن فقیر یا غیر فقیر را تحقیر کند خدا تعالی او را دشمن دارد و
تحقیر کند تا از آنچه کرده برگردد و تلافی کند و هر کس مؤمن فقیر را
بسبب فقرش تحقیر کند خدا تعالی روز قیامت او را در میان خلایق
رسوا کند

فصل یازدهم

در سرور مؤمنان و قضاء حاجت
ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هیچکس عبادت خدا
نکرده بچیزی افضل از سرور مؤمن که ادای دینش کند یا گرسنه اش را
سیر کند یا غیر آن و هر چند چیز عظیم تر بود ثوابش عظیم تر بود و هر کس
مومنی را مسرور کند خدا تعالی روز قیامت او را مسرور گرداند و خدا
و پیغمبر خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین را مسرور کرده باشد

وهمچنین اگر مومنی را آزرده کند ایشانرا آزرده کرده باشد سرور مومن
هزار هزار حسنه باشد خدا تعالی در مناجات بحضرت موسی علیه السلم
گفت هرکس مومنی را مسرور کند در بهشت اورا امیر و حاکم گردانم
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده دل مومن عرش خداست
هرکس دل مومن را خوش کند خدا تعالی فرشته خلق کند که هزار بدن داشته
باشد در هر بدن هزار سر و در هر سری هزار رو و در هر روی هزار
دهن و در هر دهن هزار زبان و هر زبان بهزار لغت برای آنکس خدا تعالی را
تسبیح کند و استغفار نماید تا روز قیامت و مرویست که مومنی
در مملکت جباری بود از جور و ظلم او گریخته بدیار اهل شرک
رفت مشرکی اورا بخانه برده مهمانی کرد چون از دنیا رفت خدا تعالی
فرمود اگر تو مشرک نمی بودی ترا در بهشت جا میدادم اما بهشت
بر مشرکان حرام است پس با آتش دوزخ فرماید اورا بلرزان و بترسان
اما مسوزان و هر صبح و شام رزقش را فرستد راوی گوید پرسیدم
رزقش از بهشت آید حضرت امام علیه السلم فرمود از هر جا خدا خواهد
و هرکس دفع مضرت آبی یا آتشی از مومنان کند بهشت اورا واجب
شود و هرکس غمی و شدّتی از مومن بردارد خدا تعالی هفتاد و دو رحمت
برایش نویسد یکی را در دنیا تعجیل کند که امر معیشتش را بان صلاح

نماید و هفتاد و یکی برای اهوال روز قیامت ذخیره فرماید و روز
قیامت مطمئن خاطر محشور گردد و هر کس عورت و عیبی از مؤمن
بپوشد خدای تعالی هفتاد عیب در دنیا و آخرت بر وی بپوشاند
و هر کس قضاء حاجت مؤمنی کند خدای تعالی روز قیامت هزار
حاجتش را برآرد که اول آنها این باشد که او را اقربا و آشنایان
و دوستانش را ببهشت برد اگر ناصبی نباشند و قضای حاجت مؤمن
بهتر است از آنکه ده بنده آزاد کند و هزار اسپ در راه خدا بجهاد
فرستد و افضل است از بیست حج که در هر حج هزار درهم صرف کند
و در روایت دیگر آمده که یکطواف کعبه شش هزار حسنه است و شش هزار
سیئه محو شود و شش هزار درجه بلند گردد در روایت دیگر شش هزار
حاجتش برآورده شود و چون بر پیش ملتزم رسد هفت هزار ره
درهای درهاء بهشت برایش گشوده گردد و قضای حاجت مؤمن
افضل است از ده چنین طواف و هر کس حاجت مؤمن باو رسد
و قادر بر قضاء آن نباشد و از بهر آن دلگیر شود خدا تعالی بسبب
این دلگیری او را بهشت عطا فرماید و هر کس سعی در حاجت مؤمنی
کند هزار هزار حسنه برایش نوشته شود که در آن میان اقربا و
همسایگان و احبا و آشنایانش آمرزیده شوند و هر گام که کسی در حاجت

مومن بردارد حسنه نوشته شود و سیئه محو گردد و درجه بلند شود و اگر
آن حاجت در دست او بر آید ثواب یک حج و یک عمره داشته باشد یا
دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام داشته باشد و اگر بر نیاید
ثواب یک حج و یک عمره داشته باشد روزی حضرت امام حسن
علیه السلام در اعتکاف بود مردی آمده از کسی شکایت کرد که درباره
من با او گفتگوی کن حضرت برخاسته روانه گشت گفت یا ابن
رسول الله صلوات الله علیهم مگر فراموش کردی که اعتکاف داری
فرمود فراموش نکرده ام اما کسی که سعی در حاجت مومن کند همچنانست
که نه هزار سال عبادت کرده که روزها روزه داشته و شبها
تمام برخاسته باشد هر کس اعانت مومنی کند خدای تعالی هفتاد و سه
غم و غصه از وی کم کند یکی در دنیا و هفتاد و دو در روز قیامت
که هر کس بحال خود درمانده باشد و هر کس دست عاجزی گرفته
بخانه یا مسجد یا حاجتی دیگر برد بهر گام که بردارد و بگذارد عتق
رقبه نوشته شود و ملائکه بر او صلوات فرستند و هر کس حاجت
عاجزی را کفایت کند خدای تعالی او را برائت از نفاق و از
آتش عطا فرماید و هفتاد هزار حاجتش را بر آرد و مستغرق
رحمت گرداند تا از آن کار فارغ شود و هر کس قادر بر قضاء

حاجت مؤمن باشد و نکند خدا تعالی در قبر ماری عظیم برو
مسلط گرداند که او را میگزیده باشد تا روز قیامت بعد از آن اگر خواهد
بخشد و اگر نه عذابش کند و اگر صاحب حاجت او را مؤمن دانسته رد
حالش دیگر بدتر باشد و روایت دیگر آمده که هر کس حاجت مؤمنی را
از خود یا از دیگری منع کند و قادر بران باشد روز قیامت
سیاه رو و ازرق چشم دستها بر گردن بسته محشور شود
پس چون او را ببینند گویند اینست که با خدا و رسول خدا خیانت
کرده پس در آتش افکنند و هر کس قادر بر اعانت مؤمن باشد
و نکند مبتلا باعانت دشمنان خدا شود و روز قیامت بران معذب
باشد و هر کس را خانه باشد و از مومنی محتاج مضایقه کند خدا تعالی
فرماید ای ملائکه بر بینید که بندهٔ من چون در خانه یابنده من بخل
ورزید بعزت و جلال خود که هرگز در بهشت مسکن نکند

فصل دوازدهم در رذایل معاصی و مناهی بر سبیل اجمال

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس با حکم خدا و امر استخفاف
و بی اعتنائی کند خدا تعالی روز قیامت با او استخفاف و بی اعتنائی
نماید و خدا تعالی در هر دل نوری آفریده چون کسی گناهی کند ظلمتی در
دلش بهم رسد اگر توبه کند آن ظلمت زایل شود و همان نور عود کند

واکر همچنان معصیت میکرده باشد مرتبه مرتبه ظلمت زیاد شود تا
نور دراید پوشد وتمام دل سیاه وظلمانی کردد و چون نعوذ
بالله چنان شود هرکز اصلاح نپذیرد و نجات نیابد و بسا باشد
که روز قیامت بنده را برای یک کناه صد سال حبس کنند و اهل و
عیال و دوستان خود را ببیند که در روضات جنان مشغول
نعمت و عشرتند و هرکس ترک فریضه یا ارتکاب کبیره کند
اطاعت شیطان کرده باشد و با او در جهنم باشد و هرکس
حکم حلال و حرام قرآن داند و برای محبت و شهوت دنیا مخالفت
آن کند مستوجب سخط الهی کردد و با یهود و نصاری در یک جا
باشد و خانه که دران معصیت کنند لازمست بر خدای تعالی که آنرا
خراب کند و معاصی مورث فقر و حاجت و حرمان رزق و زوال
نعمت و کوتاهی عمر و خرابی بلاد و زلزله و طاعون و قحط و انقطاع
باران و ظلمت هوا و سایر مکاره و بلایا شود و موجب علل و
امراض و اوجاع و اسقام و حسرت و ندامت کردد و تسلط
اعدا و کم آبی رودها و چشمها و آفات مزارع و باغها و زیان تجارات
و معاملات کردد و رد دعا کند و بسا باشد که بنده دعا کند
و خدای تعالی تقدیر اجابت آن فرماید پس بنده معصیتی کند و خدای

که بنده کناهی کند که خدای تعالی فرماید
بعزت خودم که بعد ازین هرکز ترا نیامرزم
و بسا باشد ۲

فرماید بندهٔ من متعرض غضب من گشته و مستوجب حرمان شده محرومش کنید و قضای حاجتش مکنید و اگر معاصی شایع شود و ابرار و اخیار دعا کنند و مستجاب نگردد و هر بلیه و مصیبت و کدورت و مشقت که بادمی رسد بعقوبت گناهانش باشد حتی اگر خاری در پا رود یا رگی در بدن جهد با آنکه اکثر گناهان بفضل و رحمت الهی عفو شود مگر اولیاء الله که بلاهای ایشان برای زیادی ثواب و درجاتست و چون خدا تعالی با بندهٔ ارادهٔ خیر و رحمت داشته باشد هر گاه گناهی کند در عقب آن او را بعقوبت و بلیه خبردار کند تا توبه و استغفار نماید و گناهش بیامرزد و اگر با بندهٔ ارادهٔ غضب و عذاب داشته باشد او را استدراج کند یعنی نعمتهای پی در پی نوازش نماید تا درجه درجه و مرتبه مرتبه گناهش زیاد شود و مغرور گردد و استغفار و توبه را فراموش کند کسی بحضرت صادق علیه السلام معروض داشت که چند مرتبه از خدا تعالی مسئلت نمودم و همیشه دعایم مستجاب میشد میترسم استدراج باشد فرمود والله که اگر حمد و شکر کنی استدراج نبود و چون خدا تعالی با بندهٔ نظر رحمت داشته باشد عقوبت گناهانش در دنیا یا در سکرات موت یا در قبر و عالم برزخ بحسب تفاوت مراتب

کناهان کند تا روز قیامت از کناه پاك باشد حتی انکه غم وهم وکدورت
واندوهی اورا رسد یا خوابی بیند که ازان غمکین شود کناهانش را
بیامرزد یا کسی نظر غضب داشته باشد حسناتی که کرده باشد
در دنیا بنعمت وصحت وغیران ازینکی مکافات فرماید وعقوبات
کناهش را بقیامت کذارد وبسا باشد که مومنی کناهی عظیم کند
که مستوجب عقوبت دنیا واخرت شود خدا تعالی برای مصلحت او
عقوبت اخرت را نیز در دنیا کند وکاه باشد که در دنیا تقدیر مصایب
وبلایا را بعد ازانکه مقدر شده رفع فرماید وثواب ان بلایا را
نیز ذخیره روز قیامت کند هیچ کناه را سهل وحقیر نباید انکاشت
مثل انکه کوید کناه میکنم بعد ازان استغفار خواهم کرد یا کوید کاش
غیر ازین کناه نمیداشتم ویا کاش همه کناهان من مثل این می بودند
یا غیر ان که کناه حقیر انکاشته شود امرزیده نشود وهیچ طاعتی
مقبول نشود از کسی که اصرار بر معصیت کند وهر صغیره که
بران اصرار کنند کبیره شود وخدا تعالی هر بنده چهل پرده از
رحمت پوشیده که کسی بر کناهان وعیوبش اطلاع نیابد چون
چهل کبیره کند پردها همه برخاسته شود پس خدای تعالی ملایکه را
فرماید که ببالهای خود اورا بپوشند واکر همان معاصی وقبایح

نموده باشند بکثرت عبادت
وطاعتش را سبب درجه
نموده مصایب وبلایا را

میکرده باشد تا حدی که فعل قبیح کند وآنرا حسن پندارد و توقع
مدح داشته باشد فرماید تا ملائکه بالهای خود را ازو بردارند
پس بعد از آن شروع در بغض وعداوت اهل بیت علیهم السلام کند
وگناه سه قسمت یکی آنکه البته آمرزیده شود وآن گناهیست که خدا تعالی
در دنیا عقوبت آن کرده وکریم تر از آنست که یک گناه را دو مرتبه
عقوبت کند پس در آخرت بیامرزد دویم مظالم عباد اگر جبر کسی
بظلم دستی بر کسی زند یا حیوانی شاخ دار بر حیوان بی شاخ کله
زند که خدا تعالی البته انتقام بکشد سیوم گناهی که کسی کند و
از آن توبه نماید وترسان باشد وامید عفو ومغفرت داشته
باشد حضرت امام علیه السلام فرمود ما نیز مثل خودش برو میترسیم
وامید مغفرت داریم وبا اهل معاصی در مجلس ایشان که قادر
بر دفع آن نباشد نباید نشست که مبادا غضب وعذاب بر ایشان
نازل شود واورا نیز در آن میان فرو گیرد حضرت امام علیه السلام
یکی از اصحاب فرمود ترا در پیش فلانی دیدم آنجا چه میکنی گفت
او خالوی منست فرمود او معصیت خدا میکند یا باید ترک ما
کنی وپیش او روی ویا پیش ما آئی وترک او نمائی گفت هر گاه نخیر
او میکند من نکنم چه ضرر دارد فرمودنمی ترسی که بر او غضبی نازل شود

وترا هم با او بگیرد نمیدانی که مردی از اصحاب موسی علیه السلام که پدرش
از قوم فرعون بود چون فرعونیان بموسی رسیدند آنمرد ایستاد
که پدر خود را مواعظه نموده پیش حضرت موسی برد چون بدریا
رسیدند آب همه را گرفت و غرق شدند حتی آنکه حق تعالی
جعل داد در سوراخش عذاب کند که چون از محله اهل معاصی
بیرون نمیرود فصل سیزدهم در رذایل بعضی معاصی
و مناهی بر سبیل تفصیل مرویست از اهل بیت عصمت صلوات الله
علیهم اجمعین که هر کس را آخرتی و دنیایی میسر شود اگر اختیار آخرت
کند خدا ازو راضی شود و سیئات اعمالش بیامرزد اگر اختیار
دنیا کند هیچ حسنه او را نباشد که حجاب او از آتش شود و اول
چیزی که سبب معصیت خدا باشد شش چیز است حب دنیا
و حب ریاست و حب طعام و حب خواب و حب راحت و حب
نسا و گرگ درنده در گله بی راعی آنقدر ضرر نکند که محبت دنیا
و جاه و شرف و بزرگی دنیا در دین مومن ملعونست هر کس ریاست
دنیا کند و هر کس اراده آن نیز کند و هر کس آنرا بخاطرهم گذراند
و هر چه از دنیا زیاده بر قدر کفاف باشد ملعونست حضرت عیسی
علیه السلام بقریه گذشت که همه اهل آن و دواب و طیورش هلاک گشته

ودفن نکرده افتاده بودند بربلندی برآمده ایشانرا آواز کرد یکی
ازیشان جواب داد فرمود اعمال شما چه بود که چنین مبتلا شدید
گفت اطاعت اهل معاصی وحب دنیا وطول امل وخوف قلیل و
غفلت از خدا وشغل لهو ولعب فرمود عاقبت شما چون شد
گفت در عین نعمت وعافیت بودیم ناگاه خود را در هاویه دیدیم
فرمود هاویه چیست گفت کوههای آتش که بر ما افروخته اند وهرچند
تضرع میکنیم که یکبار دیگر ما را بدنیا برید تا زهد ورزیم وطاعت
میکوییم دروغ میکوئید فرمود چرا دیگری غیر تو جواب نگفت
گفت ایشان همه را باتش لجام کرده اند که تکلم نتوانند کرد ومن در میان
ایشان بودم اما از ایشان نبودم مرا عمومی در کنار جهنم آویخته اند
نمیدانم خواهم افتاد یا نجات خواهم یافت وهر کس مال حرام
کسب کند ویا لقمهٔ حرام بخورد یا جامهٔ حرام بپوشد هیچ طاعت
ازو قبول نشود نه فریضه ونه نافله وبقدر آن وزر برو نویسند
وهرچه از آن مال بعد از وی ماند توشهٔ جهنمش باشد وهر کس پروا
نکند که مال را از کجا تحصیل میکند خدا نیز پروا نکند از هر جا که
بجهنم رود وهر کس را مقدور باشد واز ترس خدا دست بردارد
خدا تعالی او را دوست دارد ورحمت خود شامل او کند واز اهل بهشت

کرداند وترك یك لقمهٔ حرام بهتر است از دو هزار رکعت نماز و رد

یکدانك مال حرام برابر است با هفتاد حج مقبول وخدا تعالی

لعن کرده کسی را اکر ربا دهد وکسی که کیرد وکسی که آنرا نویسد

وکسی که شاهد بران باشد وربا هفتاد جزو است سهل ترین ان مثل

انست که کسی با مادر خود در خانه خدا زنا کند ویکدرم ربا

عظیمتر است از هفتاد زنا که هم با خویشان مثل عمه وخاله باشد

وهیچ عبادت افضل از عفت بطن وفرج نیست که از حرام حفظ

کنند وهر کس از مال یتیم چیزی بخورد بد وعقوبت معذب شود

یکی در دنیا که خدا تعالی ظالمی برا و ولادش مسلط کرداند دویم در

اخرت با تش جهنم ودر هیچ خانه خیانت یا دزدی یا زنا یا شرب

خمر راه نیابد مکر انکه برکت از انخانه زایل کردد وخراب شود وهر کس

یکشربت مسکری بیاشامد چهل روز نمازش مقبول نشود واکر

درین ترك نماز کند عذابش مضاعف کردد ودرین ایام توبه اش

مقبول نشود واکر بمیرد کافر باشد واکر یکبار دیکر بیاشامده

خدا تعالی از جرك وریمی که در جهنم از فروج زانیان می آید باو

بیاشاماند واکر مداومت بران کند مثل بت پرست باشد

وشراب خوار روز قیامت روسیاه وازرق چشم دهنش کج شده

لعاب دهنش روان کشته پیشانی بر انکشت پا بسته محشور اید هیچ
که اهل محشر همه ازو بتر سند وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
ده کس را در شراب لعن فرموده کسی که تاکش را بنشاند وکسی که
محافظتش کند وکسی که بفشرد وکسی که بیاشامد وکسی که ساقی اغ
باشد کسی که برای کسی ببرد وکسی که برایش ببرند وبایع ومشتری
وکسی که قیمتش را بخورد وفرموده با شارب الخمر مجالست مکنید
ودختر باو مدهید وازو مخواهید وامانت باو مسپارید و
عیادتش مکنید وبر جنازه اش حاضر مشوید کسی از حضرت امام
جعفر علیه السلام پرسید که مردی از محبان وموالی شما است اما شراب
میخورد فرمود اکر بمیرد براو نماز مکذار وهر کس شراب یا مسکری دیکر
داخل عرقی از عروقش شود خدا تعالی آن عرق را سیصد وشصت
نوع عذاب کند وهر کس یک قطره شراب یا مسکری دیکر بکودکی دهد
خدا تعالی اورا از حمیم جهنم بیاشاماند وحمیم آبیست که چون
نزدیک آرند هنوز بر لب نکذاشته از شدت حرارتش روپوست
اندازد وهر کس یک میل سرمه که شراب یا مسکری دیکر در ان باشد
در چشم کشد روز قیامت میلی از آتش کشند وهر کس ترک
شراب کند نه برای خدا بلکه همین برای مصلحت خود خدا تعالی اورا

شکر کند و از رحیق مختوم بنوشاند که شرابیست خاصه از شرابهای
بهشت که خدای تعالی سرش را بامشک مختوم ساخته و برای خواص خود
مقرر فرموده و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که چون سر
مبارک حضرت امام حسین علیه السلام را بشام بردند یزید علیه اللعنة
فرمود آنرا در طشتی گذاشتند روپوشی بران انداختند و بر روی
آن شطرنج می باخت و فقاع می آشامید و درد جام را پس طشت
بر زمین میریخت پس هر کس شیعه ما باشد باید از فقاع و شطرنج
اجتناب نماید و هر کس چون نظرش بر فقاع و شطرنج افتد و بر
یزید لعنت کند گناهانش همه آمرزیده شود اگرچه مثل ستارهٔ آسمان
باشد و نیز مرویست که هر شب در ماه مبارک رمضان خدای تعالی
جمعی بسیار را از آتش آزاد کند مگر کسی که افطار بر مسکری کند یا صاحب
شطرنج یا صاحب بدعتی باشد و هر چه با آن قمار کنند مثل آن بود و
شیخ صدوق رحمة الله در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته نرد
شدیدتر است از شطرنج و داشتن شطرنج کفر است و بازیش
شرک و تعلیمش کبیره موبقه و سلام بر کسی که با آن بازی کند
معصیت و نظر بر آلات آن مثل نظر بر فرج مادر و هر چه با آن
قمار کنند مثل این باشد حتی بازی انگشتر و گردکان و غیر آن

وهرکس صنج بزند شیطان با او رفیق شود وملایکه بگریزند وازحضرت
امام محمد باقر علیه السلم مرویست که وقتی آدم علیه السلم رحلت نمود ابلیس
وقابیل بموت او شماتت کردند باهم اسباب لهو ولعب اختراع
کردند بعد از ان فرمود هرچه از قبیل چیزها باشد که مردم از ان
ملتذ شوند مثل آن بود ودرخانه کسی که چهل روز بربط نوازند
شیطانی قفندر نام برو مسلط گردد که هر عضو خود را
بر عضو او گذارد و در وی دمد بعد از ان غیرت وحیا از وزایل
شود تا حدی که زنانش زنا کنند و پروا نکند ونواختن عود و
امثال آن نفاق در دل رویاند چنانکه آب گیاه را ودر حدیثی دیگر
روایت شده که نکاح را بعلانیه کنید و دران دف بزنید و
شنیدن لهو وغنا نیز نفاق رویاند چنانکه آب گیاه را واهل این
مجالس از مصیبت ایمن نباشند و دعا شان مستجاب نشود وخدای
تعالی برایشان نظر نکند وفرشته داخل نشود وغنا از جمله چیزهاست
که خدای تعالی فرموده برای اهل آن عذاب مهین مهیا است و
در بهشت درختیست که خدای تعالی فرماید باد را که اورا حرکت دهد
پس نغمه که هیچ گوشی مثل آن نشنیده باشد مترنم شود برای
جمعی که در دنیا از غنا منزه باشند وکسی که ازان اجتناب نکرده باشد

از شنیدن آن محروم باشند و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونند
و ملعونست کسی که از کسب ایشان بخورد و بیعشان حرام و
شرای ایشان حرام و تعلیمشان کفر و شنیدن از ایشان نفاق
و قیمتشان سحت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده
گوش بهر کسی کنی عبادت او کرده باشی پس اگر حق گوید و از خدا گوید
عبادت خدا کرده باشی و اگر باطل گوید و از شیطان گوید عبادت
شیطان کرده باشی و احادیث بسیار نیز در مدح صوت حسن و
ترتیل قرآن بصوت خوش و رخصت ترنم وارد شده مثل آنکه
خوب نعمتیست صوت حسن و هیچ پیغمبر مبعوث نشده مگر با آواز
خوش و مثل آنکه ائمه علیهم السلام از همه ناس خوش آوازتر اند و اگر حضرت
امام اندکی از حسن صوت خود اظهار کند هیچکس تاب نمی آورد و
حضرت سجاد علیه السلام چون تلاوت قرآن میفرمود مترددین
از حسن صوتش بیهوش می افتادند مثل آنکه قرآن بحزن نازل گشته
بحزن تلاوت کنید و در قراءت قرآن ترجیع صوت کنید که خدای تعالی
دوست میدارد صوت حسن را که ترجیع کنند و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود قرآن را بالحان عرب بخوانید و بلحان اهل
فسوق و کبایر مخوانید و بعد از من جمعی بیایند که قرآن را ترجیع غنا

و بوجه بهتر جیع کنند دلهای ایشان و جمعی که ایشان را خوش داشته
برکشته است و کسی از حضرت سجاد علیه السلام سوال نمود از خریدن جاریه
خوش آواز فرمود قصوری ندارد اگر بخری و ترا بیاد بهشت اندازد
و نیز اخبار بسیار وارد شده که باکی نیست در کسب مغنیه که در
عروسیها باشند نه مثل زنانیست که مردم بر ایشان وارد شوند
پس از مجموع این احادیث معلوم است که نغمه دو قسم است یکی مذموم
و حرام که غنا است و توعید است و عقوبات بران وارد شده
دویم ممدوح و حلال که مدایح و رخصت در شان آن آمده اما در تحقیق
معیار حلال و حرام اقوال مختلفه گفته اند اما آنچه این حقیر را از
ظاهر قرآن مجید و مجموع احادیث وارده درین باب استنباط نموده
اینست که معیار حل و حرمت حق و باطل است یعنی هر نغمه و صوت
و تصنع و تصرفی که سبب دوری و غفلت از خدا و رغبت بدنیا
و هیجان شهوات و لذات دنیوی و آرزوهای باطل و خیالهای
فاسد و مجملا سبب باطلی باشد مذموم و حرام است و هرچه
منشأ رقت قلب و اشک چشم و دلسردی از دنیا و شهوت و شوق
بآخرت و باقیات صالحات و مجملا سبب حقی باشد ممدوح
و حلال است چنانکه بعضی از احادیث مذکوره مثل امر بتلاوت

قرآن بحزن وبیهوش گشتن مردم از صوت امام علیه السلام وامر بالحان
عرب ونهی از الحان اهل فسوق ویاد آوردن جهت رخصت کسب مغنیه
در عرایس وظاهر قرآن وسایر اخبار بسیار زینت غیر الها منعر است
بران از انجمله تعبیر از غنای حرام بلفظ لهو ولعب وقول زور کرده در
قرآن واحادیث بسیار واقع شده واز انجمله اخبار بسیار که از ائمه
اطهار علیهم السلام سؤال کردند از غنا فرمودند روز قیامت که خدای تعالی
حق وباطل را از هم جدا کند غنا در کدام طرف باشد سایل گفت
در طرف باطل فرمودند خود محاکمه نمودی واز انجمله جمعی از امام
علیه السلام از غنا سؤال نمودند فرمود شما اتقیای کرام باشید شما را
یا باطل چه کار است والله اعلم ثم الراسخون فی العلم چون انجمله
دانستی بدانکه آنچه در غنا گفته شد در ساز نتوان گفت چنانکه بعضی
ناقصان توهم میکنند زیرا که اصل ساز مطلقا در دین مبین
حرام است وهیچیک از انواع ان از رخصتی نیست بخلاف آواز حزین
که اصل آن مطلقا حرمتش ثابت نیست بلکه در اصل آن حلال و
حرام هر دو هست چنانکه احادیث مذکوره صریح است دران
پس فرق میان حلال وحرام بانچه گفته شد توان نمود وایضا بباید
دانست که صوتی اصلش حلال است گاهی بالعرض حرام شود مثل

انکه مقرون بسماع لهو باشد و نظیر ان طعام است که اصلش حلال است
و بالعرض حرمت ماخذ حرام کشته بدانکه معیار شناختن صوت
حلال و حرام اینست که در اکثر طبایع اول مرتبه تهییج حقی یا باطلی کند
اگرچه گاهی در بعضی طبایع یا بسبب عادت و ریاضت خلاف ان باشد
چنانکه معیار خوبی و بدی در طعوم و روایح اینست که اکثر طبایع را
اول مرتبه خوش آید یا بد آید و اگر گاهی طبایع را بر سبیل ندرت یا
بعد از عادت از طعمی یا رایحه خوش آید یا بد آید معتبر نباشد و الحمد لله
رب العالمین و چون زنا شایع شود موت فجأت و اوجاع غریب
که قبل از ان در میان ایشان نبوده شایع شود و زانی را خدا تعالی
شش عقوبت کند سه در دنیا که نور از رویش برود و بفقر مبتلا
شود و اجلش نزدیک گردد و سه در آخرت غضب خدا و سختی
حساب و خلود در آتش و نیز مرویست که سیصد هزار در از جهنم
بقبرش گشوده شود که شعلهای آتش و عقارب و حیات از
دوزخ آیند و عذابش کنند تا روز قیامت و بعد از ان بدوزخ برند
و چون روز قیامت زانیان محشور شوند بوئی از غایت عفونت
از فرج ایشان آید که همه اهل محشر متاذی شوند و هیچکس نماند
مگر که ایشان را لعن کند و هر کس با زنی نامحرم مکالمه کند بهر یک کلمه

که کویند هزار سال در دوزخ محبوس کردد و اکر زن برغبت خود طاعت کند

هرچه در میان ایشان کذرد کناهش مثل کناه مرد باشد و اکر مجبور

باشد کناه او نیز بر مرد نوشته شود و هر کس چشم از نکاه حرام

بر کند خدای تعالی آن چشم را از آتش بر کند و هر کس بزنی نامحرم

در آویزد او را با شیطان در زنجیر آتش کند پس در آتش اندازد و

هر کس از زنان مردم عفیف باشد مردم نیز از زنان او عفیف باشند

و هر کس از عقب زنان مردم نرود مردم نیز از عقب زنان او نروند

و هر نحو با مردم معامله کند مردم با او چنان معامله کنند حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله و سلم فرمود با فلان طایفه تزویج کنید که مردم

ایشان عفیفند زنان ایشان نیز عفیفند و با فلان طایفه تزویج

مکنید که مردان ایشان عفیف نیستند زنان ایشان نیز چنانند و

هر کس را نظر بر زنی نامحرم افتد نظر از و بکرداند هنوز چشم بر هم

نزده باشد که خدای تعالی او را ایمانی عطا فرماید که لذتش دریابد

و از حور العین برایش تزویج نماید و هر کس لواطه کند یا زنی حرام یا

یا مردی هیچ فریضه و نافله از و مقبول نشود و از عفونت رایحه

او اهل محشر همه متاذی باشند و کافر باشد و بر استبرق و

حریر بهشت ننشیند کسی که با او لواطه کند و هر کس یک کس را عمدا

بناحق بکشد چنانست که جمیع ناس را کشته باشد و جزایش جهنم بود
و خدا تعالی مقتول را از همه کناهانش پاك کند و همه را بر قاتل
نویسد و سرکش ترین مردم از خدا کسیست که کسی را بناحق بکشد
یا بزند و اکر اهل سموات و ارض در قتل مسلمی شریك باشند و بآن
راضی باشند خدا تعالی همه را بسر از زیر در دوزخ افکند و هر کس
بکلمه اعانت قتل مسلمی کند روز قیامت مقتول ازو مطالبه خون خود
کند و هر کس با مومنی در حاجت رفاقت کند و خیر او دران ملاحظه
نکند با خدا و رسول خدا و ائمه اطهار صلوات الله علیهم خیانت کرده
باشد و ایشان روز قیامت با او مخاصمت کنند و هر کس مباشر
کاری برای مومنان شود و آنرا ضایع کند خدا تعالی او را ضایع کند
و هر کس والی و امیر جمعی شود و اکرچه همین ده کس نباشند و میان ایشان
عدل نکند روز قیامت سر و دست و پا بسته در سوراخ فاسی
کرده بمحشر آرند و هر والی که از رعیت و حوایج ایشان رو بپنهان کند
خدا تعالی روز قیامت ازو و از حوایجش اعراض کند و اکر کارسازی
ایشان هدیه بکیرد خیانت کرده باشد و اکر در حکم حق میان ایشان
رشوه بکیرد مشرك باشد و اول کسی که داخل جهنم شود پادشاه
و حاکمیست که با رعیت عدالت نکند و صاحب مالی که حق مال ادا نکند

و فقیری که فاجر باشد و هر کس بر کسی ظلم کند خدا تعالی و را ایران در نفس

و مال یا در ولد یا در ولد ولدش مواخذه نماید و ظلم در دنیا ظلمات است

در آخرت و بر صراط بلیست که هیچکس با مظلمه ازان نتواند گذشت

و هر کس مالی را بظلم و غصب بگیرد خدا تعالی از روی رحمت بگرداند

و هیچ طاعت و حسنهٔ ازو قبول نفرماید و در نامهٔ عملش ثبت نکنند

تا آنکه توبه کند و هر کس ظالمی را از ظلم معذور دارد و حمایت کند

خدا تعالی ظالمی را برو مسلط کرداند و درین حال که مظلوم باشد

دعایش مستجاب نشود و دران ظلمی که برو میشود اجر نداشته باشد

و هر کس اعانت ظالمی کند در گناهش شریک باشد و با او محشور شود

حتی کسی که لیقه در دواتش کند یا مدد قلمی برایش نویسد یا کیسه

بندد و کسی که راضی بظلم باشد مثل ظالم بود خدا تعالی در زمان پادشاهی

جباره بپیغمبری وحی فرستاد که با این پادشاه بگو که من ترا پادشاه

نکردم که خون مردم ریزی و مالشان بگیری بلکه مالک بتو دادم

که بداد مظلومان رسی و من از مظلمهٔ ایشان نخواهم گذشت اگرچه

کافر باشند و هر کس سلطانی را بجور دلالت کند یا ظالمی بر ظلم

متولی کرداند در دوزخ قرین هامان باشد و هر کس صبح برخیزد

و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد گناهان آن روزش آمرزیده شود

وهرکس

وهرکس با مخالفین وظالمین مقاربت کند وملازمت ایشان نماید
از خدا تعالی دور شود وهرچند با ایشان نزدیکتر از خدا
دورتر باشد وخدا تعالی ورع از دلش بیرون برد وحیرانش گرداند
وحضرت صادق علیه السلم فرمود حقست بر خدا تعالی که شمارا در
آخرت با کسی رفیق گرداند که زندگانی با او کرده آید وکسی از آنحضرت
علیه السلم پرسید که شیعیان از پریشانی کاهی کارها مثل بنای
عمارت وحفر نهر وباغبانی برای مخالفان میکنند فرمود که اگر تمام
مدینه را بمن دهند که برای ایشان سر کیسه نبندم ومد قلمی
ننویسم که اعوان ظالمین روز قیامت در سراپرده های آتش
باشند تا وقتی که خدا تعالی میان عباد حکم کند وهرکس صاحب
سلطنتی را برای طمع مدح کند در جهنم قرین او باشند و
هرکس پیش صاحب سلطنتی یا مخالفی در دین برای طمع تذلل و
افتادگی کند خدا تعالی اورا ذلیل گرداند وبرکت از وی بردارد
واگر با آن مال حج یا عتق رقبه یا سایر وجوه بر کند اجر نیابد اما
از ایشان علیهم السلم روایات آمده که اگر از مخالفین واهل جور
مالی بکسی رسد بی آنکه او در آن سعی وتذلل کند حلال باشد
ودر روایت دیگر آمده که مالی از ایشان بنحو بدست آید خمس بفقرای

شیعه بدهید تتمه بر شما حلال باشد و کسی بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام معروض داشت که مدتی در دیوان مخالفین
حکومت کرده ام هیچ کفاره داشته باشد فرمودند تا حق هر
کسی را بصاحبش نرسانی و کسی بحضرت صادق علیه السلام عرض
نمود که من در دیوان بنی امیه مدتی نویسنده بودم و مال
بسیار از آن بدستم آمده که چشم از ماخذش پوشیده ام
فرمود که اگر ایشان نویسنده و خدم و حشم نیابند کی بر ما
دست یابند و حق ما را غصب کنند گفت از آنچه کرده ام مخرجی
داشته باشد فرمود اگر بگویم میکنی گفت بلی فرمود از هر چه
در آن عمل تحصیل کرده بیرون آی و هر کس را میشناسی حقش را
بده و هر کس را نمی شناسی برایش تصدق کن من برای تو ضامن
بهشت شوم پس آن مرد رفته چنان کرد حتی لباسی که در بدن داشت
بیرون کرد تا آنکه اشنایان در میان خود برایش قوت و لباس
توجیه کردند و اندک وقتی بعد از آن بیمار شد یکی از اصحاب
آنحضرت گوید بعیادتش رفتم چشم باز کرد و گفت والله
که آنحضرت بوعده خود وفا نمود و رحلت کرد پس بخدمت
آنحضرت رفتم همین که مرا دید فرمود والله که بوعده خود بعمل آوردی

وفا کردم و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که اگر کسی ببلاد امت
مخالفین و ظالمین مبتلا شود کفاره اش آنست که قضاء حوایج
مومنین و رفع ظلم از ایشان و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه برابر
سیئه باشد و چون ترک امر معروف و نهی منکر شایع شود
خدا تعالی با ایشان محاربه نماید و حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه فرموده تمام اعمال بر و جهاد در راه خدا در پیش امر معروف
و نهی منکر مثل اینست که کسی بر روی دریاء عظیمی تف کند و افضل
این کلمه حقیست که در پیش حاکمی جایر گفته شود و چون کیل و وزن
نقصان کنند بفقر و قحط و جور سلطان مبتلا شوند و چون منع
زکوه کنند زمین منع خیرات و برکات خود مثل زرع و ثمار
و معادن کند و چون قطع ارحام کنند اموال بدست اشرار
منتقل شود و هر کس صورت حیوانی بسازد روز قیامت خدا تعالی
عذابش فرماید که دران صورت روح بدمد و نتواند و فرقی
که میان سایه دار و غیر ان مشهور است اصلش در حدیث معلوم نیست
و هر کس غضب برو مستولی باشد ربقه اسلام از و منخلع بود
و با اعراب جاهلیت محشور شود و هر کس نگاهی از روی غضب
بمومنی کند که او را بترساند خدا تعالی بغضب خود او را بترساند

وهرکس یکذره کبر وردلش باشد داخل بهشت نشود ومتکبران
در روز قیامت بصور مور محشور شوند واهل محشر پابر ایشان
گذارند وپایمال باشند وخدایتعالی از حساب خلایق فارغ
شود ودر جهنم موضعیست برای متکبران که سقر نام آنست
از شدت حرارت شکایت کرد واذن خواسته نفسی کشید
از نفس او تمام جهنم سوخت وبغی وسرکشی صاحب خود را میکشد
تا جهنم ابلیس با جنود خود گفت که بغی وحسد در میان انسان
افکنید که برابری میکند با شرک وهیچ چیز بغی زیادی بر چیزی
نکند مگر آنکه خدایتعالی ذلیلش گرداند وحسد ایمانرا بسوزد
چنانکه آتش هیمه را وهرکس بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد
با کفار جاهلیت محشور شود وهرکس تعصب کند ربقهٔ ایمان
از گردنش منخلع شود وآفت حسب افتخار است روزی کسی
در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام میگفت من فلانم
وصاحب حسب عالی ودر قوم خود بزرگ وعزیزم فرمود چه منت
حسب بر ما مینهی خدایتعالی بایمان بلند گردانیده هرکه مومن
باشد وبکفر ذلیل گردانیده هرکس کافر باشد وهیچکس را بر کسی
فضلی نشود مگر بتقوی وهرکس با مردم بدورو ودوزبان معاشرت

کند

کند روز قیامت اورا دو زبان از آتش باشد و حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه فرمود اگر نه مکر و خدعه در جهنم می بود من از
همه مکارتری بودم مروی است که همین عیب بس است آدمی را که عیوب
مردم بیند و از عیوب خود چشم پوشد و عیب کند دیگری را
بر صفتی که خود ترک آن نتواند و همنشین را بی سبب برنجاند
و نزدیکترین صفات بکفر آنست که عیوب و خطاهای مومن را
حفظ کنی تا روزی بران سرزنش و تعییرش کنی و هر کس در پی عیوب
مسلمین باشد خدا تعالی در پی عیوب او باشد تا رسوایش کند
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده جمعی عیوب بسیار
داشتند چون از عیوب مردم خاموش بودند خدا تعالی مردم را
از عیوب ایشان خاموش کرد تا آنکه مردند و عیبی از ایشان میان
مردم نبود و جمعی دیگر هیچ عیب نداشتند عیب گوئی کردند خدا تعالی
عیب چند از ایشان ظاهر فرمود که بر زبانهای مردم افتادند تا
از دنیا رفتن و هر کس بدی و معصیتی از کسی افشا کند چنانست که خود
آنرا کرده باشد و هر کس مومنی را بر عیبی سرزنش کند از دنیا نرود
تا خودش بآن مبتلا شود و خدا در دنیا و آخرت اورا سرزنش کند
مروی است که مومن از نور عظمت و جلال خدا مخلوق گشته هر کس برو

بر وطعن ورد کند بر خدا کرده باشد و شریک شیطان باشد و مرویست

که اگر کسی بغیر مؤمن را طعن کند به بدترین وجهی بمیرد و هر کس از

مؤمن چیزی روایت کند که باعث خفت او باشد در نظرها

خدا تعالی او را از ولایت خود بیرون کند بولایت شیطان و

شیطان نیز قبولش نکند و هر کس در مصیبت مؤمن شماتت کند

از دنیا نرود تا بآن مبتلا شود و هر کس مومنی را غیبت کند

چنانست که گوشت میتا او را بخورد در روز قیامت از دهنش بوی

آید بدتر از بوی جیفه که اهل محشر همه از آن متاذی شوند و از

جمله آنان باشد که خدا تعالی فرموده جمعی که میخواهند معصیت

در میان مؤمنان شایع شود بعذاب الیم معذب باشند و هر کس

غیبت مؤمنان را بشنود و قادر بر اعانت او باشد و نکند

خدا تعالی در دنیا و اخرت ذلیلش گرداند و اعانتش نکند و

گناهش هفتاد مرتبه مثل کسی که غیبت کرده و اما اگر اعانتش

نکرده و غیبت را از و دفع کند خدا تعالی هزار نوع بدی در دنیا

و اخرت از و دفع نماید و از آتش آزاد گرداند و غیبت آنست که

صفتی را که در و باشد و او خود پنهان دارد و مردم ندانند ذکر کند

و اگر خود پنهان ندارد غیبت نباشد و اگر آن صفت در و باشد

بهتان

بهتان باشد و هر کس مؤمن یا مؤمنه را بهتان کند روز قیامت بر
سر تلی از آتش نگاهش دارند آن قدر که از گناه پاک شود و بهشت
حرام است بر کسی که عیب مؤمنان گوید و سخن چینی کند تا میان
ایشان فتنه افکند چهار کس را بجهنم برند و از حمیم جهنم بیاشامند
که اهل جهنم از ناله و فغان ایشان زاری کنند و گویند ایشان چه
کسانند که ما را با این همه عذاب آزار میکنند پس با ایشان گویند
آنکه در تابوت آتش آویخته کسیست که اموال مردم بر گردنش بوده
ادا نکرده و اراده ادا کردن هم نداشته و آنکه روده هایش که آخته
و روان گشته و از بول اجتناب و مبالات نمیکرد و آنکه چرک
و خون از دهنش روانست سخن مردم حکایت میکرد و میان
ایشان فتنه می انگیخت و آنکه گوشت خود را میخورد غیبت و
نمامی میکرد و هر کس با مؤمنان بدگمان باشد ایمان در دلش بگدازد
مثل نمک در آب و هر کس مؤمنی را از حاکم بترساند و از آن حاکم باو
ضرری نرسد جزایش جهنم باشد و اگر ضرر رسد با فرعون و
آل فرعون در جهنم باشد و اگر تازیانه بر مؤمنی زند خدای تعالی
تازیانه از آتش بر وی زند و اگر طپانچه زند روز قیامت اعضایش
از هم جدا گشته محشور شود تا بجهنم رود مگر آنکه توبه کند

وهر کس تازیانه یا چوبی در دست کیرد و پیش حاکم برابر بایستد
خدای تعالی آنرا اژدهای کند که طولش هفتاد ذراع باشد و روز
قیامت برو مسلط کرداند و خدای تعالی فرموده هر کس متعرض
قسمهاء دروغ شود از رحمت من بی نصیب باشد و هیچکس را
نرسد قسم بغیر خدای تعالی خوردن و قسم بخدای تعالی برای هر مطلب
سهل اکرچه راست باشد نشاید خورد که موجب استخفاف
بعظمت آنجناب است تعالی عن ذلک وهر کس حق مؤمنی را
حبس کند و بی عذر تاخیر کند مثل وزر عشاری برو نویسند
و روز قیامت پانصد سال او را بر پای دارند تا رودها از
عرقش روان شود و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق مؤمن را
حبس کرده پس چهل روز توبیخش کنند و پس بآتش امر فرمایند
و هر کس نیت ادای دین نداشته باشد مثل دزد حرامی بود و
همچنین کسی که ترک زکوة کند و کسی که مهر زنرا ببرد و کسی که
نیت ادای دین داشته باشد دو ملک از جانب خدا برو
موکل شوند که محافظتش کنند و اعانتش نمایند و اگر نیتش از
ادای دین کوتاهی کند ملکین نیز بقدر آن در اعانتش کوتاهی
کنند و چون کسی در راه خدا کشته شود قطره اول که از خونش

بریزد کفاره همه گناهانش باشد مگر دین که کفاره ندارد مگر ادای آن
یا اینکه صاحب حق حلال کند یا کسی بعهدهٔ خود گیرد و صاحب حق
راضی بآن شود و هر صاحب دینی که طلبکارش از پیش او راضی
برگردد دواب زمین و ماهی دریا بر او صلواة فرستند و اگر آزرده
برگردد و حال آنکه قادر باشد هر شبانروز که حق او را حبس کند
ظلمی بر او نوشته گردد و رضای طلبکار اینست که اگر مقدور باشد
حقش را ادا کند و اگر مقدور نباشد بملایمت و همواری عذر
خواهی کند و هر کس بر اجیر بر اجرتش ظلم کند بوی بهشت بر وی حرام
شود و هر کس اجیر را از نماز جمعه منع کند گناهانش بر وی باشد
و اگر مانعش نشود در ثوابش شریک باشد و در دادن اجرت اجیر
تعجیل باید نمود مرویست که هنوز عرقش خشک نشده باشد
که اجرتش را بدهید و پیش از آنکه اجرتش را مقاطعه کنند کار
نباید فرمود هر چند گوید هر چه بدهید راضیم و مضایقه ندارم و
تاکید بلیغ درین وارد شده هر کس شهادت ناحق دهد با منافقین
در درک جهنم بزبانش بر اویزند و هر کس کتمان شهادت کند
حق تعالی در میان اهل محشر گوشتش را باو بخوراند و زبان خود را
جویده باشد تا بجهنم رود و خوردن کل موذی حرام است و قبیح

سود اکند وقوت ساق وقدم ببرد و از عباداتی که هر شب از این میکرد هر چه
بود بخوف بسبب ضعف نقصان یابد بران حساب و عذاب کشد
و هر کس در معصیت خالق اطاعت مخلوق کند و رضای او جوید
از دین خدا بیرون رود و خدای تعالی چنان کند که هر کس مدحش میکرد
مذمتش کند و مومن گناه کند بهتر است از آنکه بعمل و عبادت
عجب ورزد و گرنه چنین بودی هرگز خدای تعالی مومن را بگناه مبتلا
نکردی و حضرت امام علیه السلام فرمود عابدی و فاسقی با هم بمسجد
رفتند چون بیرون آمدند عابد فاسق و فاسق صدیق بود زیرا که
عابد بعبادت خود مغرور و معجب گشت و فاسق از معصیت
خود ترسان و پشیمان بود و استغفار می‌نمود و نیز فرمود عالمی
از عابدی پرسید که عبادت تو چونست گفت کسی از مثل منی
سؤال عبادت کند من چندین سال عبادت میکنم پرسید که گریه‌ات
چونست گفت اشک از چشم روانست عالم گفت اگر خندان
و ترسان می بودی بهتر از آن بود که مشعوف و گریان باشی که چون
کسی بعمل خود مشعوف و از خود راضی باشد هیچ عمل ازو مقبول نشود
این بود ذکر بعضی معاصی و بعضی رذایل آن و بعضی نیز در فصول سابقه
گذشت و بعضی نیز در مباحث خود انشاء الله بیاید نعوذ برحمة الله

من جميعها فصل چهاردهم در دوای معاصی و سیئات

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر علتی را دوائیست هم
دوای ذنوب استغفار است و استغفار بهترین دعااست گناهان
بریزد مثل برگ از درخت هرکس استغفار بسیار کند نامه
عملش را رخشان و نورانی برند خوشا کسی که در نامه عملش در پای
هر گناهش استغفاری باشد کسی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام
عرض نمود که مرا چیزی تعلیم فرمای که چون عمل کنم در دنیا و آخرت
با شما باشم فرمود انا انزلناه بسیار بخوان ولبت را با استغفار
تر و تازه دار و نیز از ایشان علیهم السلام مرویست که هیچ شفیعی بهتر از
توبه نیست کسی از گناه توبه کند چنان است که گناه نکرده باشد
و کسیکه توبه نصوح کند یعنی از توبه دیگر رجوع بگناه نکند و اگر نادر
خطائی صادر شود باز توبه کند و بر گناه مصر نباشد خدا تعالی
او را دوست دارد و برحمت خود بپوشد و گناهش را از یاد
ملکین بیرون برد و با عضایش و بمکانی که گناه کرده امر فرماید
تا گناهانش را پوشیده دارند تا روز قیامت هیچ چیز شهادت
برگناه او ندهند و اگر بر گناه مصر باشد و ترک نکند و استغفار
میکرده باشد چنانست که بخدا تعالی استهزا میکرده باشد

وخدا تعالی سه نعمت بتوبه کنند کان عطا فرموده که اگر یکی ازان را
تمام اهل آسمان و زمین عطا فرمودی همه نجات می یافتند یکی آنکه
ایشانرا دوست داشته و هر کس را خدا دوست دارد عذاب نکند
و دویم ملائکه و حمله عرش را فرموده برای ایشان استغفار کنند
و دعاء ایشانرا البته اجابت فرماید سیوم آنکه وعده فرموده که
سیئات ایشانرا بحسنات بدل فرمایم و یکی از ایشان علیهم السلم مرویست
که هر کس را گناهی مقدور شود پس خدا بیاد آرد و از ملائکه کاتبین
شرم کند و آنرا ترک کند گناهش آمرزیده شود اگرچه مثل گناه
تمام جن و انس باشد و هر کس معصیتی کند پس در دل از خدا تعالی
بترسد و بداند که خدا قادر است بر عقوبت گناهش او را بیامرزد
پیش از آنکه استغفار کند و چون مومن گناه کند و آنرا فراموش
نکند اگرچه بعد از بیست سال باشد بیاد آرد و استغفار کند آمرزیده
شود و چون کافر گناه کند برو از آن نکند و فراموش کند حضرت
صادق علیه السلم فرمود که [illegible] که خدا تعالی بگناه بنده را به بهشت
برد کسی پرسید یا حضرت چون شود که گناه موجب بهشت شود
فرمود گناه کند و پشیمان شود و همیشه ترسان باشد و با خود
دشمن شود و خود را عتاب و توبیخ کند پس خدا تعالی برو ترحم فرماید

و بهشت برد

به بهشت برد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر چیز کیل و وزنی دارد
بجز گریه که یک قطرهٔ اشک [illegible] دریاهای آتش را فرو نشاند و اگر
کسی بر امتی گریه کند خدای تعالی گریه او بر آن امت رحم فرماید
و اگر اشک در چشم پر شود غبار مذلت بر آن ننشیند و اگر روان
شود بدنش بر آتش حرام کند و هر یک قطرهٔ مثل کوه احد
اجر کرامت فرماید و هر قطره در بهشت چشمهٔ آب عطا نماید
که در اطراف آن شهرها و قصرها باشد و هیچ قطرهٔ پیش خدا
دوست تر از دو قطره نیست قطره خونی که در راه خدا بریزد
و قطرهٔ اشکی که در شب تاریک از ترس او بچکد هر چشمی روز
قیامت گریان باشد مگر سه چشم چشمی که از ترس خدا گریسته و
چشمی که در طاعت او بیخوابی کشیده و چشمی که از حرام پوشیده
باشد جمعی که از ترس خدا بگریند مقامشان در رفیع اعلی باشد
که هیچکس با ایشان در آنجا شریک نبود حضرت پیغمبر بحضرت
امیرالمومنین صلوات الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود یا علی
چند چیز تورا وصیت میکنم محافظت نمای و از آنجمله فرمود از
ترس خدای گریه بسیار کن که بهر قطرهٔ هزار خانه در بهشت عطا
فرماید و هم از ایشان علیهم السلم مرویست که اگر کسی شبانه روزی

چهل کبیره از وصادر شود چون پشیمان شود بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ
اَلَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ بَدِیْعُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
ذُوالْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَاَسْئَلُهٗ اَنْ یُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ
اَنْ یَتُوْبَ عَلَیَّ همه گناهانش آمرزیده شود و خیری نیست در
کسی که یک روز زیاده از چهل کبیره کند و اگر کسی هر روز صد مرتبه
اَسْتَغْفِرُ اللهَ بگوید هفتصد گناهش آمرزیده شود و کسی که هر روز
زیاده از هفتصد گناه کند خیری در و نبود و نیز مرویست که اگر
کسی بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ وَ
اَتُوْبُ اِلَیْهِ گناهش آمرزیده شود اگرچه فرار از زحف نموده
باشد یعنی از جهاد گریخته باشد که از اعظم کبایر است و نیز
مرویست که هر کس بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ اِنَّهٗ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ
اِلَّا اَنْتَ خدا تعالی فرماید که ای ملائکه بندهٔ من میداند که
گناهش را غیر من کسی نیامرزد گواه باشید که او را آمرزیدم
و کسی در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از بسیاری
گناه شکایت کرد فرمود سجده کن بسیار که سجده بسیار
گناه را بریزد چنانکه باد برگ را از درخت و در روایت دیگر آمده
که یک سجده خطیه محو شود و درجه بلند گردد و مرویست که کسی

در پیش امیر المؤمنین صلوات الله علیه کفت استغفر الله آنحضرت
فرمود مادرت بر تو بکرید هیچ میدانی استغفار کدامست استغفار
شش شرط دارد اول آنکه از کرده پشیمان باشی دویم آنکه عزم
داشته باشی که دیکر رجوع نکنی سیوم آنکه حقوق مردم را ادا نمائی
تا هیچکس را بر تو مظلمه نباشد چهارم آنکه هر فریضه که در آن تقصیر
کرده تلافی کنی پنجم آنکه کوشتی که از حرام در بدنت رسته
بغم وانده بکدازی تا پوست بر استخوان چسپد و در آنمیان
میان کوشت تازه بروید ششم آنکه بدن را الم و مشقت طاعت
بچشانی چنانکه لذت و راحت معصیت چشانیده چون باین
شرایط عمل کنی استغفار کرده باشی و بباید دانست که اکر کناه
حق الناس باشد استغفار و توبه تنها کافی نبود چنانکه چند
حدیث باین معنی در فصل سابق کذشت که فرمودند که اموال
مردم کفاره ندارد مکر آنکه هر کرا میشناسی حقش را برسانی
و هر کرا نمی شناسی از جانب او تصدق کنی و نیز کسی از حضرت
صادق علیه السلام پرسید که اکر کسی با جاریهٔ دیکری زنا کند توبه اش
چیست کفت آنکه دیکر این عمل نکند و از صاحب جاریه معذرت
خواهد و التماس کند که او را حلال نماید کفت اکر حلال نکند

چون باشد فرمود زانی وخاین باشد گفت پس بجهنم خواهد رفت

فرمود شفاعت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم وشفاعت ما بهمه گناهان

شما وفا کند اما تکیه بر شفاعت مکنید که چون کسی این عمل کند والله

تا الم عذاب وهول جهنم نبیند شفاعت او را در نیابد وامثال

این احادیث بسیار روایت شده ونیز مرویست که اگر کسی تلافی

ظلمی که کرده نتواند برای مظلوم استغفار وطلب آمرزش کند

کفاره آن باشد واگر کسی را غیبت کرده باشد هر مرتبه که بخاطر رسد

برای او استغفار کند کفاره او آن باشد وحضرت امیر المومنین

علیه السلام فرموده بسا کسی که طلب توبه کند ودستش بآن نرسد

بهتر آنست که ترک گناه کنی واز بیم رد توبه فارغ باشی ولا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم باب دویم در

تنظیف بدن وجامه از کثافات واخباث ظاهری وتطهیر

جسد ودل از کدورات واحداث باطنی واین مجموع انشاء الله

تعالی در ده فصل بیان شود فصل اول در فضیلت نظافت

از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود پاک کنید

بدن وجامه را از بوهای بد که خدا تعالی دشمن دارد کثافت وبوی

بد را ونیز فرموده شستن جامه اندوه دلگیری می برد وجامه را برای نماز

پاك كنيد واز اهل بيت طهارت صلوات الله عليهم اجمعين
مرويست كه پاك كردن جامه وبدن از كثافت ازجملهٔ اخلاق
انبيااست فصل دوم در آداب حمام رفتن وانچه درانجا
بايد بجاى آوردن از اهل بيت عصمت عليهم السلم مرويست كه چون
داخل حمام شوى پاى چپ پيش گذار وبسم الله بگوى وبگوي
اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ وهركارى كه درحمام يا غيران كنى از نشستن وبرخواستن
وغيران هرچه باشد بسم الله بگوى تا از شركت شيطان ايمن
شوى و دروقت غروب آفتاب وميان نماز شام وخفتن
بحمام نبايد رفت كه شياطين درين دو وقت درزمين متفرق
باشند وچون خواهى جامه بيرون كنى بگوي اَللّٰهُمَّ انْزِعْ
عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِي عَلَى الْإِيمَانِ و بايد ازار
ببندى تا عورت پوشيده باشد از حضرت رسالت پناه صلى الله
عليه وآله وسلم مرويست كه هركس ايمان بخدا وروز قيامت دارد
بايد بى ازار داخل حمام نشود واز حضرت امير المومنين صلوات الله
عليه روايت شده كه چون برهنه شويد عورت را بپوشيد تا
شيطان نظر نكند وطمع ننمايد وچون بخانهٔ اول حمام روي بگويے

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسي وَاَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ
اَذٰاهُ وچون بخانه دوم روي بكويد اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنّي
اَلرِّجْسَ النَّجَسَ وَطَهِّرْ جَسَدي وَقَلْبي وقدري آب
كرم برسر ريزد وقدري نيز بپاي ريزد واكر تواند جرعه بنوشد
كه مثانه را پاك سازد وطراوت جمال بيفزايد والم از بدن بيرون
برد ودرين خانه اندكي توقف كند وچون بخانه سيوم رود
بكويد نَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ وَنَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ وتا هنكامي كه
در حمام باشي مكرر همين را بكوي ودر حمام آب سرد ننوشد كه معده
فاسد كرداند وسفال بربدن نمالد كه پيسي مي آورد وموروث
جذام باشد وفوطه حمام بر روي نمالد كه آب رو ميبرد وكل مصر
بر سر نمالد كه بي غيرت وديوث كند ودر حوضي كه منظنه آمدن
مخالفين مذهب وزنا كنندكان وامثال ايشان باشد نرود
كه باعث جذام شود وشانه بر موي نزند كه موي تنك شود
بدن را بكيسه وماننذان پاك كند ويك روز در ميان بحمام
رفتن بدن را فربه كند وهر روز رفتن موروث سل باشد وبي فوطه
قرآن نخواند اما اكر عورت پوشيده باشد قصوري نباشد
وبي فوطه بآب نرود كه در آب ملائكه باشند وچون خواهد

بحمام رود اندک چیزی تناول کند که صفرا و حرارت غلبه نکند امّا
شکم پر نباشد که مزاج و بدن ضعیف شود وگاه باشد که بحم
هلاک باشد و نظر بر عورت مسلمانان نکند و فوطه نکشاید که
مردم عورت او را به بینند که این هر دو ملعون باشند و هر کس
نظر بر عورت مسلم کند هفتاد هزار ملایکه لعنتش کنند
و فرزند باید بحمام نرود که مبادا عورت او را بینند و در حمام
مسواک نکند که دندان ضعیف و بی قوت شود و مستحب است
نوره نهادن و تاکید بسیار در ان وارد شده شیطان را
دور کند و آفات و امراض دفع نماید و بدن از کثافت و چرک
و بوی بد پاک شود و از جملهٔ اخلاق انبیا است علیهم السلام و سنت است
که هر دو هفته نوره بکار برد و یکهفته و سه روز نیز روایات
بسیار شده و اگر بیست روز بکار برد و پول نداشته باشد
قرض کند که ادای آن قرض بر خدا تعالی است و زیاده از یکماه ترک
نوره نباید کرد که فضل و ثواب نماز بسیار کم شود تا آنکه گویا
نماز نکرده باشد و روایت شده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت
دارد موی ظهار را بیش از چهل روز و زنان زیاده از بیست
روز نگذارند و زیر بغل بتراشند و اگر نوره بگذارد افضل باشد

وکندن ان چشم وشانه را ضعیف کند وموی بغل را دراز نکنند

که شیطان دران پنهان شود وچون خواهد نوره بکار برده

اول بانگشت بردارد وببوید وبرسر بینی گذارد اللّهم ارحم

سلیمن بن داود کما امرنا بالنّورة تا بدن را نوره زند

وچون نوره گذارد بگوید اللّهمّ طیّب ما طهر منّی

وطهّر ما طاب منّی وابدلنی شعرا لا یعصیك

اللّهمّ انّی تطهّرت ابتغاء سنّة المرسلین و

ابتغاء رضوانك ومغفرتك فحرّم شعری وبشری

علی النّار وطهّر خلقی وطیّب خلقی وزكّ عملی واجعلنی

ممّن یلقاك علی الحنفیّة السّمحة ملّة ابراهیم خلیلك

ودین محمّد صلّی اللّه علیه واله حبیبك ورسولك

عاملا بشرایعك تابعا لسنّة نبیّك اخذا به

متأدّبا بحسن تأدیبك وتأدیبه وتادیب اولیائك الّذین غذوتهم

بادبك وزرعت الحكمة فی صدورهم وجعلتهم

معادن الحكمة صلواتك علیهم چون این دعا بخواند پاك

کرداند خدا تعالی اورا در دنیا از کدورتها وعیبها وگناهها

وبدل کند موی اورا بموئی که گناه نکند وبعد ده موئی که در بدن

او باشد فرشته بیافریند که خدا را تسبیح کنند تا روز قیامت
و ثواب آنهمه از آنکس باشد و هر یک تسبیح ملایکه برابر است
با هزار تسبیح اهل زمین و تا مادامی که نوره در بدن باشد بسیار
بگوید لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ و بدن نسوزد و روز چهارشنبه
نوره نگذارد که روز نحس است و بیم برص باشد و روز جمعه
نیز در حدیث آمده که نوره گذاشتن موجب پیسی شود اما حدیث
دیگر آمده که روز جمعه روز طهور است و کدام طهور بهتر از
نوره است و حدیثی دیگر آمده که بعد از نوره حنا بر بدن بمالد
دفع مضرت آن کند و چون نوره در بدن باشد نشاید نشستن
که علت فتق بهم رسد و بعد از نوره تمام بدن را از سر تا پا حنا
بمالد و ابتدا از سر نماید که حنا بعد از نوره دفع پریشانی و
دیوانگی و پیسی و جذام کند و بوی عرق ببرد و دفع علت آکله
نماید و آکله بفتح الف زخمیست که در هر عضو که حادث شود
گوشت آن عضو را بخورد و بکسر الف خاریدن بدن را گویند
و امام علیه السلام داند که درین مقام کدام مراد باشد و مستحب است
در هر هفته سر تراشیدن و موی را از بیخ باید گرفت که چرک و شپش
کم شود و گردن قوی گردد و چشم جلا یابد و جمال بیفزاید و ابتدا

از پیش سر از جانب راست نماید و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى
مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي بِكُلِّ
شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ و چون فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ
زَيِّنِّي بِالتَّقْوٰى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى و هر هفته با خطمی سر
بشوید که امان است از پیسی و دیوانگی و رفع پریشانی کند و
روزی زیاد شود و کثافت پاک کند حدیث هر کس در روز جمعه
شارب بگیرد و ناخن بچیند و سر بخطمی بشوید همچنانست که
بنده آزاد کرده باشد و یا برک سدر سر بشوید که دلگیری ببرد
و روزی بیفزاید و خدایتعالی هفتاد روز وسوسهٔ شیطان از و
دور کند و هر کس هفتاد روز وسوسهٔ شیطان از و دور شود
گناه نکند و هر کس گناه نکند ببهشت رود و چون از حمام بیرون
آید آب سرد بر پای ریزد که کوفت و ماندگی را از بدن بیرون
کند و سر را بپوشد خواه زمستان و خواه تابستان که امانست
از درد سر و چون جامه بپوشد بگوید اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِي التَّقْوٰى
وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى و اول پیراهن بپوشد و چون زیر جامه بپوشد
بگوید اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَاَعِفَّ فَرْجِي وَلَا تَجْعَلْ
لِلشَّيْطَانِ فِي ذٰلِكَ نَصِيبًا وَلَا لَهُ فِي ذٰلِكَ وُصُولًا فَيَصْنَعَ

فِي الْمَكائِدِ وَلهَيِّئْنِي لِاُرْتِكابِ مَحارِمِكَ وايستاده
زير جامه نپوشد كه مورث [فقر] باشد و روبقبله و رو بادم نپوشد
وچون عمامه بر سر نهد يا انكشترى در دست كند بكويد
اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيماءِ الْاِيمانِ وَتَوِّجْنِي بِتاجِ الْكَرامَةِ
وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْاِسْلامِ وَلاتَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيمانِ
مِنْ عُنُقِي وچون كسى را كه از حمام برامده باشد تحيت كنى و
بكوئى طَهُرَ ماطابَ مِنْكَ وَطابَ ماطَهُرَ مِنْكَ و
اكر كسى ترا تحيت كند بكوى اَنْعَمَ اللهُ بالَكَ وَاَحْسَنَ حالَكَ

فصل سيم در فضيلت شارب كرفتن وناخن چيدن

وآداب آن ماثور است از اهل بيت طهارت عليهم السلم كه هر جمعه
شارب كرفتن وناخن چيدن امانست از ديوانكى وپيسى و
جذام وبرص ودفع پريشانى كند وروزى بيفزايد وتا جمعه ديكر
پاكيزه باشد واكر ناخن دراز نباشد بدم كارد بسايد روايت
شده كه شخصى بحضرت امام جعفر عليه السلم كفت مردم روايت
ميكنند كه بعد از نماز صبح برجاى نماز نشستن تا طلوع آفتاب
بهتر است براى زيادى روزى از مسافرت وتجارت نمودن
فرمود كه ناخن وشارب كرفتن در هر جمعه بهتر ازين است و روايت

که چند روز وحی بر حضرت رسالت صلی الله علیه وآله وسلم نمی آمد
اصحاب از سبب آن سوال کردند فرمود چون وحی از من محبوس نشود
وحال آنکه شما ناخن نمیگیرید وبندهای انگشتان از کثافت
پاک نمیکنید روایت شده که پنهان ترین جاها که شیطان
در ان پنهان شود وآدمی را وسوسه کند زیر ناخنها است و
ناخن دراز فراموشی آرد واز حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
مرویست که هر کس شارب نگیرد از ما نباشد وشارب دراز
مکنید که شیطان در ان پنهان شود وناخن وشارب گرفتن
در روز شنبه وپنجشنبه امانست از درد دندان ودرد چشم
وناخن چیدن در روز جمعه امانست از ریش شدن پشت
ناخنها ودر روز پنجشنبه امانست از درد چشم فرزند واگر در
روز پنجشنبه ناخن بگیرد ویک ناخن برای روز جمعه گذارد
خدای تعالی پریشانی از و رفع نماید ودر روایتی آمده که روز سه شنبه
ناخن بچینید وچهارشنبه بحمام روید وپنجشنبه حجامت
کنید وجمعه بوی خوش بکار برید کسی پرسید از حضرت صادق
صلوات الله علیه که مردم میگویند ناخن وشارب در غیر جمعه
نباید گرفت فرمود سبحان الله هر روز دراز شود بگیرید جمعه باشد

یا روز دیگر و مردان ناخن را از بیخ بگیرند و زنان اندکی بگذارند روایت

شده که برای زینت ایشان بهتر است و هر کس روز جمعه ناخن و

شارب بگیرد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلیٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ

وَ آلِ مُحَمَّدٍ صلوات الله علیهم هر ریزه ناخن و موئی که جدا شود

همچنانست که بنده آزاد کرده باشد و هیچ بیماری نکشد مگر

بیماری که دران بیماری موت او مقدر شده باشد و هر کس

روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا از انگشت کوچك راست

و اختتام بانگشت کوچك چپ نماید چشمش رمد نکشد

و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که در ناخن

چیدن ابتدا از انگشت سبابه راست کند و بعد از ان انگشت

میان و همچنین تا انگشت کوچك و بعد از ان انگشت کوچك چپ

و پهلوی او و همچنین بترتیب تا ختم بانگشت بزرك راست

شود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست

اول انگشت کوچك راست بعد از ان انگشت میان بعد از ان

انگشت بزرك بعد از ان پهلوی کوچك بعد از ان سبابه

و دست چپ اول انگشت بزرك بعد از ان میان بعد از ان

کوچك بعد از ان سبابه بعد از ان پهلوی کوچك و سنتست

شارب را بسیار گرفتن تا آنکه برابر لب شود و ریش را بسیار
نگرفتن مرویست که مجوسان شارب را دراز کنند و ریش را
بسیار بگیرند شما عکس آن کنید تا بایشان شبیه نشوید و
آنکه مشهور است استحباب یکقبضه برای ریش اصل این از
احادیث معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدر هست که
زیاده از قبضه نباشد که زیادی در آتش باشد و موی سفید از
ریش کندن مکروه هست روایت شده که موی سفید در اسلام
نور است در روز قیامت و گرفتن موی بینی جمال بیفزاید و
نباید کندن که چشم را ضعیف کند و مستحب است دفن کردن
ناخن و موی از هر جا که باشد و خون در خاک فصل چهارم
در فضایل خضاب و آنچه متعلق است بآن از آداب از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که یکدرهم که صرف خضاب
شود افضل است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و چهارده
خصلت در خضاب است بوی دماغ ببرد و پرده چشم جلا دهد
و دماغ را ملایم کند و بوی دهن خوش کند و گوشت دندان سخت
کند و بیماری و لاغری ببرد و وسوسه شیطان کم کند و ملایکه
خشنود شوند و مومنان از آن خوش آید و کافر از آن غمناک کند و

زینت بیفزاید و خوشبوی باشد و اسان از عذاب قبر بود و منکر و
نکیر از آن شرم دارند و روایت دیگر آمده که آبروی بیفزاید و
باه را قوت دهد و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن ریش بحنا
نور است و اسلام و بسیاهی نور و اسلام و ایمان و موجب
رعب دشمنان و محبت زنان باشد و مستحب است که زنان
سر را خضاب نمایند و حیض بسته را بکشاید و دست ایشان
باید از حنا خالی نباشد اگرچه همین بمالیدن تنها باشد
خواه شوهر داشته باشد برای زینت و اگر نداشته باشد
یا پیر باشند برای آنکه دست ایشان شبیه بدست مردان
نشود اما استحباب خضاب دست برای مردان چنانکه مشهور است
از احادیث معلوم نیست بلکه از بعضی احادیث استشمام کراهت
آن میشود چنانکه از حدیث مذکور و حدیثی دیگر روایت شده
که مردی دست را خضاب کرده بخدمت یکی از ائمه طاهرین
علیهم السلم رفت حضرت فرمود که اگر خدا تعالی دست ترا مانند
زنان خلق میکرد ترا خوش می آمد گفت نه فرمود پس این چه عیب
داشت که چنین کردی و جنب و حایض نشاید که خضاب کنند
تا شیطان بر ایشان دست نیابد فصل پنجم در فضایل

موی شانه کردن وآداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلم مرویست
که موی را یا نگاه مدارید یا پاکیزه نگاه دارید وهر وقت نماز مستحبست
شانه کردن ریش دندان را محکم کند وبسیار شانه کردن سر وبا
ببرد و روزی بیفزاید و قوت مباشرت زیاد کند و بشانه
استخوان شانه کردن تب ببرد و سر را بشانه استخوان کردن
موی سر برویاند و کرم دماغ ببرد و نشسته شانه کند که قوت
دل باشد و ایستاده نباشد که ضعف دل آرد و شانه کردن بعد
از هر وضو پریشانی ببرد و چون سر و ریش شانه کند و شانه بسینه
فرود آرد که دلگیری و تب ببرد و چون هفتاد مرتبه شانه بر ریش زند
و یکیک بشمرد چهل روز شیطان نزدیک او نشود و شانه را بدست
راست گیرد و بگوید اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّی الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَ
وَحْشَةَ الصُّدُورِ وَوَسْوَسَةَ الشَّیْطَانِ و سورهٔ الم نشرح
وقل هو الله احد بخواند و چون فارغ شود بگوید سُبْحَانَ مَنْ زَیَّنَ
الرِّجَالَ بِاللُّحَی وَالنِّسَاءَ بِالذَّوَائِبِ

فصل ششم

در فضایل سرمه کشیدن و آینه کردن و آداب آن از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم مرویست که سرمه کشیدن در روز زینتست
و در شب چشم را نافع باشد و در وقت خواب امانت از نزول آب چشم

وشانه کردن م

شانه م

ودهن را خوشبو کند ونفعش تا چهل روز بماند وهر که ایمان بخدا وروز
قیامت دارد سرمه بکشد وسنک سرمه چشم را جلا دهد وموی
مژکان برویاند وقوت دهد واعانت طول سجود نماید ودهن خوشبو
کند وقوت باه بیفزاید وچشمی که ضعیف باشد در وقت خواب
هفت میل سرمه بکشد چهار میل در چشم راست وسه میل در چپ
وچون سرمه کند بسم الله بگوید واین دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَالْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالْیَقِیْنَ
فِیْ قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَةَ
فِیْ رِزْقِیْ وَالشُّکْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ ومستحبست
نظر در آینه کردن که اکر کثافتی در روی باشد رفع کند تا در نظر
مؤمنان مکروه ننماید وچون آینه بدست کیرد بسم الله بکوید
وبدست چپ کیرد وچون نظر در آینه کند دست راست بر سر
وبکوید ـ وروی بکشد اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَنِیْ فَاَحْسَنَ خَلْقِیْ وَصَوَّرَنِیْ
فَاَحْسَنَ صُوْرَتِیْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ زَانَ مِنِّیْ مَا شَانَ مِنْ
غَیْرِیْ وَاَکْرَمَنِیْ بِالْاِسْلَامِ واکر خواهد بکوید اَللّٰهُمَّ کَمَا
حَسَّنْتَ خَلْقِیْ فَحَسِّنْ خُلْقِیْ وَرِزْقِیْ وچون آینه از دست

بگذارد بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعَمِكَ وَاجْعَلْنَا

لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِیْنَ فصل هفتم در بیان قضای حاجت

و آداب آن چون تقاضای بول و غایط شود نشاید از انگاه داشتن

از اهل بیت طهارت علیهم السلام مرویست که اگر کسی احتباس بول

و غایط کند نمازش مقبول نباشد و چنان باشد که در دامن داشته

باشد و چون ارادهٔ ان کند جائی اختیار کند که کسی او را نبیند

و بول بر روتر شح نکند و در سایه ها و جایهائی که مردم نشینند

و قافله فرود اید نه نشیند که ملعون باشد و در کنار رهها

و راههای که مردم تردد نمایند و بر در مسجدها و خانها

نشاید نشست و در پای درخت در وقتی که میوه در وباشد

نه نشیند که ملائکه در انجا باشند و در قبرستان و آب خواه

ایستاده و خواه روان بیم دیوانگی بود و در آب ملائکه ساکن

باشند و در اب ایستاده بول کردن فراموشی آرد و چون جایی

مناسب اختیار نمود و خواهد داخل شود پای چپ پیش گذارد

و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ

الْخَبِیْثِ الْمُخْبِثِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و چون عورت را

برهنه کند بسم الله گوید تا شیطان نگاه نکند و رو و پشت بقبله

وپاز

وباد وآفتاب وماه بحیثیتی که بر عورت نتابد ننشیند واگر
سهوا روی بقبله نشسته باشد ودران اثنا خبردار شود برای
تعظیم قبله روی بگرداند هنوز از جای خود برنخواسته باشد
که گناهانش آمرزیده شود وایستاده بول کردن بیم دیوانگی
بود وچون بنشیند بگوید اَللّٰهُمَّ كَمَا اَطْعَمْتَنِيْهِ طَيِّبًا
فِيْ عَافِيَةٍ فَاَخْرِجْهُ مِنِّيْ خَبِيْثًا فِيْ عَافِيَةٍ وبر هر کسی ملکی
موکل است ودر روایت دیگر دو ملک وارد شده که گردن
او را کج میکنند تا نگاه بغایط کند ومیگوید ای آدمی زاد این
رزق تست که بمشقت تحصیل نموده ملاحظه کن تا از کجا بهم
مهرسانی واخرش چه میشود پس چون نگاه بران کند بگوید اَللّٰهُمَّ
اُرْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِي الْحَرَامَ وچون برخیزد دست
راست بر شکم بمالد وبگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَمَاطَ عَنِّي
الْاَذٰى وَهَنَّاَنِيْ طَعَامِيْ وَشَرَابِيْ وَعَافَانِيْ مِنَ الْبَلْوٰى
ودر خلا بسیاری توقف نماید که مورث بواسیر باشد
ودر روایت دیگر جراحت بجای بواسیر واقع شود وسر برهنه
نباشد وانگشتری یا درهمی که بران نام خدای نقش باشد
در کیسه یا بغل پنهان کند وما دامی که در خلا باشد بی ضرورت

با کسی سخن نکوید که هر کس در خلا سخن کوید حاجتش بر نیاید و دران
حال قران نباید خواند بغیر ایة الکرسی و ایة الحمد لله رب العالمین
واکر آواز مؤذن شنود حکایت آن توان نمود و ذکر خدا کند
در هر حال که باشد و مسواک نکند که مورث بوی دهن باشد
وچون نظر بر آب کند بکوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا
ولم یجعله نجسا وچون خواهد استنجا کند اول استبرا
نماید باین طریق که از پیش مقعد تا پیش عضو و از اینجا تا سر عضو
سه مرتبه دست بمالد و سه مرتبه سر عضو را بیفشرد تا قطرات
بول هر چه مانده باشد بریزد که چون استبرا کند بعد از ان اکر
رطوبتی بیند و هر چند بسیار باشد بول نباشد و نباید شست
و اعاده وضو نباید کرد و در وقت استنجا بکوید اللهم حصن
فرجی واعفه واستر عورتی وحرمنی علی النار و استنجا
با دست راست نکند و دست راست بر عورت نزند و
در دست چپ اکر انکشتری باشد که نام خدا برو نقش باشد
بیرون کند وچون خواهد بیرون آید پای راست پیش کذارد
و بکوید بسم الله والحمد لله الذی عافانی من الخبیث
المخبث واماط عنی الاذی فصل هشتم

در فقه ال

در فضایل مسواک کردن و آداب آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین مرویست که در مسواک دوازده خصلت است
که سنت انبیا است علیهم السلم و دهن را پاک سازد و چشم را جلا
دهد و خدای راضی شود و دندان سفید سازد و بیخ دندان محکم
کند و قوت حافظه بیفزاید و حسنات مضاعف شود و میل ابکلرا
خوش آید و مستحب است هر وقت وضو و نماز مسواک کردن و لا اقل
با انگشت که دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت
بی آن و مسواک پیش از وضو باید کرد و اگر بعد از آن سه مرتبه دهن بشوید
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هر شب سه مرتبه مسواک میفرموده
وقت خوابیدن و چون از خواب بیدار میشده برای عبادت و وقت
نماز صبح و فرموده که اگر بدانند چه قدر منفعت در مسواک هست
در وقت خوابیدن نیز از خود جدا نکنند و مسواک را بعرض دندان
استعمال نمایند و در حمام و بیت الخلا مسواک کردن مورث بوی
دهن باشد فصل نهم در فضایل وضو و غسل و ادعیه آن
از اهل بیت طاهرین علیهم السلم و الصلوة مرویست که استعمال طهور
بسیار کنید که عمر را دراز کند و اگر توانید روز و شب همیشه با طهارت
باشید که اگر کسی با طهارت بمیرد شهید باشد و چون خواهد

و گوشت آنرا قوت دهد
و اشتها آورد و بلغم
دفع کند ۴

وضو کند بسم الله بگوید که تمام بدن طاهر شود همچنانکه گویا غسل
کرده وان وضو کفاره گناهان باشد تا وضوء دیگر و اگر بسم الله
نگوید همان اعضای که آب رسیده پاك شود وچون دست باب
گذارد و بسم الله گوید گناهانی که با دست کرده همه فرو ریزد
وشیطان دور شود وچون مضمضه نماید خدا تعالی دل و زبان
اورا بحکمت منور کند وچون استنشاق نماید بوی اتش دوزخ
نشنود وچون رو بشوید گناهانی که با چشم ودهن کرده همه
بریزد ودر روز قیامت روی سفید باشد وچون ساعدین بشوید
گناهان ازراست وچپ بریزد وغلهای اتش برو حرام شود
وچون مسح سر کند خدا تعالی اورا از سیئات پاك کند وچون
مسح پا کند گناهان پا همه بریزد از صراط بگذرد در روزی که
قدمها دران بلغزد وچون برای نماز صبح وضو کند کفاره گناهان
باشد که دران شب کرده غیر از کبایر وچون برای نماز شام وضو
کند کفاره گناهان آنروز باشد سوای کبایر و اگر وضو داشته
باشد ولی انکه حدثی رود تجدید وضو کند خدا تعالی توبه
اورا تجدید کند لی استغفار ووضو بر سر وضو نور است
بر سر نور و ده حسنه دارد و هرکه خواهد وضو کند چون نظر

بر آب کند بگوید الحمد لله الذي جعل الماء طهوراً ولم يجعله
نجساً و چون دست بر آب گذارد بگوید بسم الله و بالله اللهم
اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين و اگر در مثل
طشت یا کاسه وضو کند مستحب است که آب را بجانب راست گذارد
و اول دستها را تا بند بشوید اگر بعد از خواب یا بول باشد یکمرتبه
و بعد از غایط دو مرتبه و بعد از جنابت سه مرتبه و چون
مضمضه کند بگوید اللهم لقني حجتي يوم ألقاك
وأطلق لساني بذكرك و چون استنشاق کند بگوید
اللهم لا تحرمني طيبات الجنان واجعلني ممن
يشم ريحها وطيبها وروحها و چون روی بشوید بگوید
اللهم بيض وجهي يوم تسود فيه الوجوه ولا تسود وجهي
يوم تبيض فيه الوجوه و در شستن روی چشمها را بگشاید
که آب وضو بچشم برسد که آتش دوزخ نبیند و چون دست
راست بشوید بگوید اللهم أعطني كتابي بيميني والخلد
في الجنان بيساري و چون دست چپ بشوید بگوید اللهم
لا تعطني كتابي بشمالي ولا تجعلها مغلولة إلى عنقي
وأعوذ بك من مقطعات النيران و مردان آب را

بر پشت دست ریزند و زبان بر روی دست و چون مسح سر کنند
بگوید اَللّٰهُمَّ غَشِّنِی بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ
و چون مسح پا کند بگوید اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمِيَّ عَلَى الصِّرَاطِ
يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْاَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ
عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ چون باین طریق وضو کند
و این دعا بخواند و از هر قطرهٔ آب فرشته خلق شود که خدا را
تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر گوید و ثواب آن همه برای او نوشته
شود و چون از وضو فارغ شود الحمد لله رب العالمین بگوید و هر کس
بعد از وضو و بعد از غسل جنابت بگوید سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ
وَبِحَمْدِكَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ
اَتُوبُ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَشْهَدُ
اَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَخَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلِيقَتِكَ
وَاَنَّ اَوْلَادَهُ خُلَفَاؤُكَ وَاَوْصِيَاؤُهُ گناهانش فرو ریزد
مانند برگ از درخت و بعد هر قطرهٔ از آب وضو و غسل
ملکی خلق شود که خدا را تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر بگوید
و صلوة بر محمد و آل طیبینش فرستد و ثواب آن همه از و باشد
بعد از ان خدا تعالی امر فرماید که آن وضو و غسل را بخاتم رب

العزة مختوم كرده‌اند بعد از آن ببرند بزیر عرش بجای كه دست
دزدان و دشمنان و شیاطین بآن نرسد تا آنكه روز قیامت
باو تسلیم كنند و در بهشت الف الف ثواب بدهند كه حساب آنرا
بغیر از خدا تعالی نداند و گناهانش همه آمرزیده شود تا آنكه نمازش
نافله و هدیه شود و آب وضو را اگر خشك كنند وضو نیكی
داشته باشد و اگر خشك نكنند سی حسنه و چون غسل جنابت
از حلال كند بعد هر قطره خانه از برای او در بهشت بنا كنند
و در وقت غسل جنابت بگوید اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی وَزَكِّ عَمَلِی
وَتَقَبَّلْ سَعْیِی وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَیْرًا لِی و بعد از
غسل دعائی كه بعد از وضو ذكر شد بخواند و در غسل تاكید
بسیار واقع شده برای هر كس مرد و زن آزاد و بنده در حضر و
سفر مگر آنكه ضرورتی یا مانعی باشد و در سفر زنان را رخصت
ترك آن داده‌اند و كفاره گناهانیست كه از جمعه پیشین تا این
جمعه كرده باشد و سهو و نسیان و نقصانی كه در وضو فریضه
شده باشد خدا تعالی آنرا بغسل جمعه تمام نماید اگر بعد از غسل
بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ وَ
اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ طهارت
آن غسل تا جمعه دیگر باقی باشد و در جائی که گمان آب در
روز جمعه نباشد روز پنجشنبه برای جمعه غسل کند و اگر روز
جمعه غسل نکرده نماز کرده باشد استغفار کند و دیگر این کار
نکند و غسل را قضا کند و اگر وقت نماز باقی باشد اعاده کند
و اگر ترک غسل عمدا نکرده باشد نمازش تمام بود و اگر روز جمعه
غسل مقدور نشود روز شنبه قضا نماید و اگر چند غسل
داشته باشد خواه واجب و خواه مندوب مثل جنابت
و جمعه و زیارت و طواف و حیض و نفاس و غیر آن چون یک
غسل کند به نیت هر کدام که باشد برای همه مجزی بود و خواه
آن تتمه بخاطر باشد و خواه نه و اگر همه را نیز قصد کند
و یک غسل کند برای همه مجزی باشد و حایض را مستحب است
که در ایام حیض و هر وقت نماز وضو کند و در موضعی پاک نشسته
ذکر خدا کند و مستحب است که وضو و غسل سیراب باشد
آب وضو تخمینا بقدر یکچارک و آب غسل بقدر یک من بوزن
تبریز باشد و نیز مستحب است که آب پاکیزه باشد و متعفن و
کثیف نباشد

فصل دهم

در فضایل بوی خوش و آداب

باستعمال

استعمال آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیه و آله علیهم
اجمعین مرویست که دو رکعت نماز با بوی خوش افضل است از
هفتاد رکعت بی آن و دل را قوت دهد و قوت مباشرت
افزاید و قوت بر صوم و دهر باید کسی که هر روز استعمال بوی خوش
کند و گلاب آبروی زیاد کند و پریشانی ببرد و چون گلاب
استعمال نماید بر روی و دست بمالد و صلوة بر پیغمبر و اهل
بیتش صلی الله علیهم اجمعین بفرستند و سنت است هر روز
استعمال بوی خوش کردن و اگر مقدور نشود یک روز در میان و
یکهفته بیشتر تاخیر نباید کرد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
را مشکدانی بود که بعد از هر وضو از آن استعمال میفرمود و اگر
بوی خوش نمیداشته مقنعه زنان را با آب تر میکرده و بر روی
میمالیده و فرموده هر کس خواهد بوی مرا بشنود گل سرخ ببوید
کل سفید ۳ و نیز فرموده از عرق من روئید و گل سرخ از عرق حضرت جبرئیل
و گل زرد از عرق براق و روایتی دیگر آمده که در شب معراج عرق
آنحضرت بر زمین چکید گل سرخ از آن روئید و چون کسی را
تکلیف بوی خوش کنند رد نباید کرد زیرا که بوی خوش اکرامیست
و رد اکرام ننماید مگر حمار و اگر گل یا ریحانی بکسی دهند بگیرد و ببوید

وبرچشم کذارد وصلوة بر پیغمبر واهلبیتش فرستد هنوز از دست

نکذاشته باشد که کناهانش امرزیده شود و بروایت دیکر آمده

که ببوسد وبرچشم کذارد وصلوة فرستد بعد دریك بیابان

عالج خدای تعالی برای او حسنات ثبت فرماید وسیئات

محو نماید وعالج بیابانیست که ریك بی نهایت دارد والله اعلم

باب سیوم در فضایل نماز ومتعلقات

ان وذکر بعضی ادعیه مخصوصه بساعات وفضایل قران واین

مجموع انشاء الله در پانزده فصل بیان شود فصل اول

در فضایل نمازهای فریضه یومیه وذکر جماعت وفضایل این سنت

سنیه از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین ماثورست

که بعد از ایمان ومعرفت هیچ عملی وعبادتی بهتر از نماز نیست و

چون مومن مشغول نماز شود خدای تعالی متوجه جانب او شود و

از اطراف اسمان تا اطراف زمین رحمت بر و نازل شود و کرد

او را از پیش قدمش تا اطراف اسمان ملائکه فرو کیرند وملکی

ندا کند کوید ای بنده مومن که مشغول نماز کشته اکر بدانی

که کیست که متوجه تو شده و با که در کفتکوئی هرکز از جای بجای دیکر

نروی ویکنماز بهتر است از هزار حج که هر حجی بهتر است از تمام

دنیا وهرچه دروست از نعمتها وراحتها ونماز درمیان
عبادتها مانند ستون خیمه است که اکر محکم وبرجای باشد پردها
وطنابها ومیخها همه برقرار وخیمه برپای باشد هرچند کهنه و
زبون باشد واکر ستون برجای نباشد وقصور وشکستکی یابد
خیمه ازهم بریزد وقرار نکیرد هرچند پاکیزه ونو باشد وهر مومن
که نماز فریضه را بجای آرد بعد مخالفان شیعه ملایکه در
پشت او نماز کنند وبرای او دعا کنند تا از نماز فارغ شود
وخدای تعالی را فرشته ایست که هر وقت نماز از خدای تعالی برات
میکیرد برای نماز کنندکان پس چون وقت صبح شود ومومنان
برخیزند ووضو سازند ونماز صبح کذارند از خدا برات ایشان
کیرد ودران برات نوشته است که منم خدای پاینده ای بندکان
من شما در پناه منید وشما را در حفظ وحمایت خود دارم و
وانکذارم وکناهان شما آمرزیده باشد تا وقت ظهر وچون
وقت ظهر شود وبرخیزند ووضو سازند ونماز ظهر کذارند
برات ایشان کیرد باین مضمون که منم خدای توانا ای بندکان
من سیئات شما را آمرزیدم وبدل بحسنات نمودم وشما را
در دار الجلال جای دادم وچون وقت عصر رسد ووضو کنند

و نماز عصر گذارند برات ایشان باین مضمون گیرد که منم خدای
بزرگوار ای بندگان من جسد شما را بر آتش حرام کردم و شما را
در مسکن نیکان ساکن کردانیدم و شر بدانرا از شما دور کردم
و چون وقت شام رسد و وضو کنند و نماز شام گذارند برات
ایشان باین مضمون گیرد که منم خدای جبار بزرگ متعال ای
بندگان من فرشتگان از پیش شما راضی آمدند حقست بر من
که شما را راضی کردانم و روز قیامت آرزوهای شما را بشما رسانم
و چون وقت خفتن در آید و وضو سازند و نماز خفتن گذارند برات
ایشان باین مضمون گیرد که منم خدای که معبودی غیر من نیست و
پروردگاری سوای من نه ای بندگان من در خانهای خود وضو
کردید و بخانه من آمدید و مشغول ذکر من شدید و حق مرا
شناختید و فرایض من بجای آوردید ای ملک تو و سایر
ملایکه همه گواه باشید که من از ایشان راضی شدم و هر مؤمن که
نماز فریضه را بجای آرد بعد از ان دعائی که کند مستجاب باشد
و هر وقت نماز فرشته ندا کند و گوید ای مردمان برخیزید
و بنماز بنشانید آتشها را که از گناهان بر دوش خود افروختهاید
و چون پنج وقت نماز گذارد لذ گناهان پاک شود و هر کس پنج نماز را

دروغ

در وقت خود گذارده و محافظت شروط و ارکان آن نماید آن
نماز را روشن و نورانی باسمان برند و او را دعا کنند و گویند
همچنانکه تو مرا محافظت نمودی و ضایع نکردانیدی خدا تعالی
ترا محافظت کند و ضایع نگرداند و اگر بوقت گذارد و محافظت
آن نکند سیاه و ظلمانی بر گردد و گوید مرا ضایع کردی خدای تعالی
ترا ضایع کند و هر کس استخفاف بنماز کند و حدود و ارکان
آنرا ضایع کرداند از حوض کوثر بی نصیب و از شفاعت اهل
بیت علیهم السلام محروم باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
روزی در مسجد بود مردی آمد بشتاب نماز گذارد و رکوع
و سجود بی تانی کرد حضرت فرمود این مرد مانند کلاغ دانه
می چیند اگر با این نماز بمیرد بر دین من نباشد و هر کس نماز را
بی تانی و بشتاب گذارد خدا تعالی گوید ای ملایکه به بینید
این بنده مرا گمان دارد که حاجتهای او در دست دیگریست
غیر من که باین شتاب عبادت من میکند نمیداند که حاجتش را
غیر من کسی نتواند بر آورد و هر کس عمدا ترک نماز کند کافر باشد
و ملت اسلام ازو بیزار شود و افضل همه نمازها نماز جمعه است و بر
هر مسلمی واجب است مگر بر پنج کس مریض و مملوک و مسافر و زنان

واطفال نابالغ ودر بعضی روایات زیاده برین چهار کس دیگر منذکور است
اعمی ومجنون وپیر عاجز وکسی که منزلش زیاده از دو فرسخ باشد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده خدا تعالی نماز جمعه را
بر شما فرض گردانیده پس هر کس آنرا از روی انکار یا استخفاف
ترک کند وامام عادل داشته باشد در ایام حیوة یا بعد از
وفات من خدا تعالی جمعیتش را پریشان کند واحوالش را
نظام ندهد وکارهایش را مبارک نگرداند ونماز وروزه و
زکوة وحج وهیچ کار خیر از و مقبول نباشد تا آنکه توبه کند
وهر کس سه جمعه را پی در پی بی علتی ترک کند خدا تعالی دلش را
بخاتم نفاق مهر کند و روز جمعه ملائکه مقربین از آسمان نزول
نمایند با قلمهای طلا ولوحهای نقره وبر در مسجدها بر کرسیهاء
نور نشینند ونام جماعتی که بنماز جمعه حاضر شوند نویسند
بترتیب هر کس پیشتر رود پیشتر نویسند وهر کس دیرتر آید
آخرتر نویسند ودر روز جمعه بهشت را آیین بندند وزینت
کنند برای جمعی که بنماز جمعه روند وهر کس زودتر رود زودتر داخل
بهشت شوند وهر کس بنماز جمعه رود از گناهان پاک شود وهر قدمی
که بنماز جمعه حرکت کند خدا تعالی جسدش را بر آتش حرام کند وکسی

در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کرد و گفت

چند مرتبه تهیهٔ حج کردم و مقدور م نشد فرمود نماز جمعه بگذار

که حج مساکین است و هم از انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

مرویست که هر کس غسل جمعه کند و صباح زود بنماز جمعه رود نزدیک

بامام نشیند و خاموش باشد و لغو نکند و نگوید هر گام

که بر دارد و بگذارد اجر عبادت یکساله یابد که همه روزها روزه

باشد و همه شبها عبادت کند و مسافر اگر نماز جمعه بگذارد بسبب

رغبت و محبتش بآن ثواب صد نماز جمعه مقیم با و عطا فرمایند

و کسی که وضوی نیکو بسازد و نزدیک بامام نشیند و گوش بخطبه

دارد و خاموش باشد از آن روز تا جمعه دیگر و سه روز زیاده بران

گناهش آمرزیده شود و خدا تعالی دو کفل ثواب باو دهد و اگر

نزدیک نشیند و حرف زند و گوش نکند دو کفل وزر داشته

باشد و اگر بکسی گوید خاموش باش حرف زده باشد و هر کس حرف

زند نماز جمعه اش مقبول نباشد و اما اینکه مشهور شده که ظهور

امام معصوم شرط است در اقامت جمعه و سبب حرمان

کافهٔ اهل اسلام گشته از فضایل این فریضهٔ عظمی تو همیست

که از تقیهٔ شیعیان در زمان غلبهٔ جور و طغیان ارباب نفاق

دور نشیند خاموش
باشد و گوش کند یک کفل
ثواب دهند و اگر

وعدوان ناشی شده ودر حدیث که قرآن هیچ جای اصلی ندارد بلکه در
قرآن وحدیث همه جا امر فرموده اند وهیچکس را بغیر از کسی که
مذکور شد یا اینکه محل تقیه باشد رخصت ترک نداده اند بلی
در احادیث امام عادل وارد شده همچنانکه در نماز جماعت نیز
وارد شده وسنت موکده است نماز را بجماعت گذاردن یک رکعت
با جماعت بهتر است از بیست وچهار رکعت بی جماعت که هر رکعتی
بهتر است از چهل سال عبادت وهر کس بمسجد رود برای اینکه
نماز بجماعت گذارد هر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنه برای او
ثبت نمایند وهفتاد هزار سیئه از و محو کنند واگر درین حالت
بمیرد خدا تعالی هفتاد هزار فرشته بر و موکل کرداند که او را
در گور عیادت کنند وبشارت دهند وبا او موانست نمایند
وبرای او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید وهر کس نماز صبح
وخفتن را بجماعت گذارد در امان خدا تعالی باشد پس هر کس
بر وظلم کند بر خدا ظلم کرده باشد وهر کس او را حقیر شمارد
تحقیر خدا کرده باشد وهر کس نماز صبح را بجماعت گذارد ودر جای
نماز بنشیند وذکر خدا کند تا طلوع آفتاب او را در جنت فردوس
هفتاد درجه باشد که میان هر دو درجه آنقدر مسافت باشد

که اسپ دونده راهوار هفتاد سال طی کند واگر نماز ظهر بجماعت

گذارد در جنات عدن پنجاه درجه باشد او را که مابین هر دو

درجه پنجاه ساله راه اسپ دونده راهوار باشد واگر نماز عصر

بجماعت گذارد اجران داشته باشد که هشتاد بنده از اولاد

حضرت اسمعیل پیغمبر صلوات الله آزاد کند که همه صاحب خانه

وعیال باشند واگر نماز شام بجماعت گذارد ثواب یک حج ویک عمره مقبول

داشته باشد واگر نماز خفتن بجماعت گذارد همچنان باشد که در

لیلة القدر عبادت کرده باشد وهر کس نماز مغرب وعشا وصبح را در

مسجد بجماعت گذارد چنانست که آن شب احیا داشته باشد وبهترین

صفوف صف اول است وبهترین مواضع آن آنکه بامام نزدیکتر

بود ونماز در صف اول مثل جهاد است در راه خدا وکسی که محاذات

صف اول وتکبیر اول نماید بحیثیتی که آزار مومنی نکند ثواب

موذنان داشته باشد در دنیا وآخرت وثواب موذنان انشاءالله

بعد ازین بیاید وفضل جانب راست هر صف بر جانب چپ

مثل فضل جماعت باشد بر انفراد **فصل دویم** در ذکر نوافل

یومیه وفضایل این سنت سنیه از اهل بیت طاهرین صلوات الله

علیهم اجمعین ماثور است که خدا تعالی شرم دارد که از عبادت

بندکان کمتر از ثلث را قبول نماید باین سبب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و
آله وسلم در شبانه روزی سی وچهار رکعت نماز سنت کرده اند که
دو برابر فرایض یومیه است که اکر در فرایض سهوی و نقصانی باشد
خدای تعالی آنرا بنوافل تمام نماید و ترک آن بی ضرورت و عذری معصیت
باشد همچنانکه ترک فریضه کفر است و نماز شب کفاره کناهان
روز و صحت بدن و موجب وسعت رزق است و شرف و عزت
مؤمن است در دنیا و آخرت و هر کس بنماز شب ختم کردد از اهل عملش ع
بهشت باشد و نماز شب موجب رضای خدای است و چشم را جلا دهد
و دور انورانی کند و هر کس عشر شبی عبادت کند برای رضای
خدا و امید ثواب خدای تعالی کوید ای ملایکه حسنات بنویسید
برای این بنده من بعدد هر دانه و برکی و درختی و کیاهی و هر چه
از زمین روید در شب و هر کس تسع شبی عبادت نماید خدای تعالی
ده دعای او را اجابت فرماید و روز قیامت نامه اعمالش را
بدست راستش دهند و اکر ثمن شبی عبادت کند خدای تعالی
اجر شهیدی که در راه خدا صبر بر مشقتها و تعبها نموده و به نیت
صادق خالص جهاد کرده باشد باو عطا فرماید و او را شفیع
اهل بیت خود کرداند و اکر سبع شبی عبادت کند روز قیامت

چون از قبر بیرون آید رویش مثل ماه شب چهارده باشد و همراه مومنانی
کما یمنند از اهوال آنروز از صراط بگذرد و اگر سدس شبی عبادت
کند از جمله اوابین نوشته شود و گناهان گذشته اش همه آمرزیده
گردد و اگر خمس شبی عبادت کند با حضرت ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه السلام
در بهشت همدوشی کند و اگر ربع شبی عبادت کند در اول صف فائزین باشند
و چون باد تند از صراط بگذرد و بحساب داخل بهشت شود
و اگر ثلث شبی عبادت کند هیچ فرشته نماند مگر اینکه رشك برد
بمنزلت او و از هر در بهشت که خواهد درون رود و اگر نصف
شبی عبادت کند هفتاد هزار برابر تمام روی زمین طلا برابر
ثواب او نشود و افضل از ان باشد که هفتاد بنده از اولاد حضرت
اسمعیل آزاد کند و اگر دو ثلث شبی عبادت کند بعدد ریك
بیابان عالج حسنات باو دهند که کوچك ترین ان حسنات
ده مرتبه بزرگتر از کوه احد باشد و اگر یك شب تمام عبادت
کند آنقدر ثواب باو دهند که کمترین ان این باشد که از گناهان
پاك شود همچنان روزی که از مادر متولد شده و بعدد هر چیزی
که خدا تعالی آفریده حسنات برای او نویسند و درجات بلند
کنند و گناه و حسد از دلش بیرون رود و قبرش نورانی باشد

واز عذاب قبر ایمن باشد واز آتش دوزخ خلاص یابد و در زمرهٔ
امنین مبعوث گردد وخدا تعالی گوید ای ملائکه به بینید
این بنده مرا این شب را برای رضای من احیا داشته او را در جنت
فردوس جای دهید و در ان جنت هزار شهر باو دهند که در
هر شهری هر چه دل خواهد وچشم را از دیدن آن خوش آید و
انچه بخاطر هیچکس نگذشته باشد مهیا باشد واینها سوای
کرامت ومزید قربتی است که برای او مهیا گشته وخانه که در آن
نماز شب گذارند برای ملائکه آسمان درخشان باشد همچنانکه ستارگان ح
برای اهل زمین وهر کس شب برخیزد و وضوء کامل بسازد و
نیت صادق ودل سلیم خاشع وچشم گریان نماز گذارد نه صف و بدن ح
ملائکه پشت سر او نماز گذارند که یکطرف هر صفی در مشرق و
طرف دیگر در مغرب باشد وعدد ایشانرا هیچکس نداند بغیر از
خدای وچون از نماز فارغ شود بعدد آن ملائکه درجات برای
او بلند کنند وکس که بنماز شب برخیزد وخواب بر و غلبه کند
بحیثیتی که براست وچپ افتد وذقنش بسینه آید خدا تعالی
امر فرماید که درهای آسمان بگشایند پس گوید ای ملائکه به بینید
این بنده مرا که چه مشقت بعبادتی که من بر و فرض نکرده ایم

میکند یا میکویی اینکه کناهش را بیامرزم و تجدید توبه اش کنم یا بیش روز
بیفزایم کواه باشید که هرچه را با و عطا فرمودم و هرکس بعد از
نماز شام بنشیند و تعقیب بخواند و با کسی سخن نکوید تا انکه دو
رکعت نافله بکذارد ان نافله را برای او در علیین ثبت نمایند
واکر چهار رکعت کذارد حج مبروری برای او نویسند واکر نافله فوت
شود قضای ان باید کرد که خدای را خوش آید و مباهات کند
وکوید ای ملایکه به بینید بندهٔ مرا که عبادتی را که من برو فرض
نکرده ام قضا میکند کواه باشید که کناهانش را آمرزیدم واکر کسی را
خواب غلبه کند و برای نافله شب بیدار نشود و چون نوافل را قضا
کند واهتمام بقضای آن داشته باشد خدای تعالی بعد ازین او را
بیدار کند وعدد نوافل یومیه سی و چهار رکعت است دو رکعت
نافله صبح و هشت از ظهر و هشت از عصر واین هیجده رکعت پیشتر
از فریضه کذارده شود و چهار رکعت نافله شام و دو رکعت نشسته
وتیره خفتن که یک رکعت ایستاده حساب شود و ایستاده افضل باشد
واکر ایستاده همان دو رکعت کذارند واین پنج رکعت بعد از فریضه
کذارده شود و هشت رکعت نافله شب و سه رکعت وتر و دو رکعت را
شفع و یک رکعت را الیقه وتر کویند و شانزده رکعت نافله ظهر و عصر

در سفرها ساقط شود اما سایر نوافل در سفر و حضر همیشه بحال خود باشد
و نوافل در اثناء راه پیاده و سواره توان گذارد اگرچه ضرورتی نباشد
و رکوع و سجود را بسر ایما کند و ایمای سجود پست تر است از رکوع
باشد و نشسته نیز از روی اختیار توان گذارد و اگر خواهد فضیلت
ایستاده را بیابد قراءت را نشسته کند چون باخر سوره برسد
برخیزد و سوره را ایستاده تمام کند پس رکوع کند همان فضل
ایستاده داشته باشد **فصل سیوم** در اوقات
نمازها و فضایل آن و احکام متعلق بآن از اهل بیت طاهرین
صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هر نماز را دو وقت است و وقت
اول افضل است از وقت دوم آنقدر که آخرت افضل است از
دنیا بهتر است برای مومن از فرزند و مالش و اول وقت رضای خداست
و اخر وقت عفو او و عفو نباشد مگر از گناهی بعضی که از اول وقت
بی عذر تاخیر کند گناهی کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگذارد
آن گناه عفو شود و هیچکس را رخصت نیست که بی ضرورتی تاخیر
نماز کند که موجب غضب الهی باشد و کار خیر هرچند زودتر کرده شود
خدا را خوشتر آید و وقت هر نماز درهای آسمان گشوده شود تا اعمال
بندگان را بالا برند و حضرت امام علیه السلم فرمود نمیخواهم که علی کسی

پیش از من بالا رود و نام دیگری پیش از نام من ثبت شود و وقت ظهر
درهای آسمان کشوده شود و دعا مستجاب کردد پس خوشا کسی که
در انوقت از و عمل صالحی بالا برند و اول طلوع صبح وقتی است که
ملائکه شب باسمان روند و ملائکه روز بر زمین آیند پس کسی که نماز
صبح را در انوقت کذارد هر دو طایفه ملائکه شاهد باشند و آن نماز را
دو مرتبه ثبت نمایند و هر کس تأخیر نماز صبح کند تا انکه ستارها معلوم
تأخير باشد و هر کس نماز عصر کند تا انکه افتاب زرد شود یا غروب کند
در بهشت موتور باشد یعنی اهل و مال نداشته باشد و هر کس نماز
شام را تاخیر کند بکمان فضیلت تا انکه ستاره بسیار شود و دست
بهم دهد اهل بیت علیهم السلام از و بیزار باشند و هر کس بخواید و
نماز خفتن را تاخیر کند تا انکه نصف شب شود ملکی موکل است که
نفرینش کند و کوید خواب نصیب چشمت نشود و چون بیدار شود یا نکه
نماز را قضا کند و آن روز را از و ده دارد بعقوبت این عمل اما بیان
وقتها اینکه وقت اول نماز صبح از طلوع صبح صادق است تا انکه روشنی
صبح در آسمان پهن شود و وقت دومش تا طلوع آفتاب و وقت اول
ظهر از زوال آفتاب است تا انکه سایه دو قدم زیاد شود و وقت
دومش تا انکه بقدر چهار رکعت نماز از آفتاب بماند و وقت اول عصر

بعد از قدر چهار رکعت از اول زوال است تا آنکه سایه چهار قدم زیاد
شود و اگر تا شش قدم تاخیر کند تضییع نماز کرده باشد و وقت
دویمش تا غروب آفتاب و وقت اول شام از غروب آفتاب است
تا آنکه سرخی شفق مغرب زایل شود و اگر غروب آفتاب اندکی تاخیر
کند تا آنکه سرخی مشرق زایل شود افضل باشد و وقت دویمش تا
آنکه ربع شب بگذرد و تا ثلث شب و نصف شب نیز روایات وارد شده
و وقت اول خفتن از زوال سرخی مغرب است تا ثلث شب و وقت
دویمش تا نصف شب و هر چند نمازها با اول وقت نزدیکتر باشند افضل
باشد وقت نوافل شب از نصف شب است تا طلوع صبح صادق و هر چند
بصبح نزدیکتر باشد افضل است و نافلهٔ صبح بعد از نماز شب تا آنکه
سرخی صبح نمایان شود و نوافل ظهر از اول زوال تا آنکه دو قدم
سایه زیاد شود و نوافل عصر بعد از فریضهٔ ظهر تا آنکه چهار قدم
سایه زیاد شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زایل شود در
روز جمعه چهار رکعت بر نوافل ظهر و عصر بیفزاید و مجموع بیست
رکعت را پیش از ظهر بگذارند باین ترتیب چون آفتاب پهن شود
شش رکعت و چون بلند شود نزدیک بوقت چاشت شش رکعت
و نزدیک بظهر شش رکعت و وقت زوال دو رکعت و اگر همه را پی در پی

برکعت

یکمر تهجد نیز بگذارد مجزی بود و هر یک از نوافل همین که وقتش بگذرد دیگر
ابتدا بفریضه باید کرد و نافله را بعد از آن قضا کنند و اگر نوافل ظهر
و عصر یک رکعت و در وقت خود گذارده شود تتمه را زود زود بگذارد
اگرچه وقت بگذرد و اگر وقت نماز شب تنگ شده باشد و صبح بسیار
نزدیک باشد اول نماز شفع و وتر بگذارد پس اگر هنوز صبح طلوع
نکرده باشد نماز شب را بگذارد و اگر طلوع کرده باشد نافله صبح را
بگذارد و نماز شب را بعد از فریضه قضا کند و اگر چهار رکعت از
نماز شب گذارده بود که صبح طلوع کند بقیه نماز را زود زود تمام کند
و افضل اینست که نافله صبح را بگذارد و تتمه را قضا کند تا فریضه
از وقت نگذرد اما شناختن وقت ظهر و عصر و نوافل آنها آنست
که چوبی راست بر زمین مستوی هموار نصب کنند و مقدار چوبی
که از زمین مرتفع است بر روی زمین هفت قسمت نمایند و هر قسمی را
یک قدم گویند و آفتاب چون طلوع کند سایه چیزها در کمال درازی
باشد و آهسته آهسته کم شود تا وقت ظهر بحدی رسد که از آن کمتر
نشود آن حد را نشان کنند همین که از آن حد شروع بزیادی کند اول
ظهر باشد پس آنچه زیاد میشود بقدر دو قدم چون رسد وقت ظهر و
نافله آن باشد و چون بقدر چهار قدم رسد وقت عصر و نافله آن

باشد و سایه اول ظهر که نهایت حد کوتاهی بود داخل حساب نباشد

فصل چهارم در فضایل مسجد و آداب آن از اهل بیت
طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست که یک نماز در مسجد جامع
برابرست با صد نماز و در مسجد قبیله برابرست و پنج نماز و در مسجد
بازار با دوازده نماز و چون کسی بمسجد رود بر هیچ موضع قدم نگذارد
مگر اینکه آن موضع تا زمین هفتم برای او تسبیح کند و کسی که در خانه خود
طهارت گیرد و بمسجد رود از گناهان پاک شود و زیارت خدا
کرده باشد و حقست بر مزور که اکرام زایر نماید و هر کس بمسجد
تردد نماید خدا تعالی یکی از هشت نعمت باو عطا فرماید یا برادر
مؤمنی یا علم تازه یا آیه محکمه یا کلمه که براه راستی او را هدایت
کند یا رحمت تازه که پیش از آن نبوده باشد یا کلمه که او را از غم
مهلکه نجات دهد یا ترک گناهی کند از ترس خدا یا از روی شرم
و حیا و بهترین خانها مساجد است و بهترین اهل مساجد آنانکه
پیشتر داخل شوند و پستر بیرون آیند و مرویست که هر کس آواز
اذان در مسجد بشنود و نماز نکذارده بیرون رود منافق باشد
مگر آنکه اراده رجوع داشته باشد و بهترین مساجد برای زنان خانهای
ایشانست و پسینه خانه افضل است از اصل خانه و اصل خانه

افضل

افضل است از ایوان و ایوان افضل است از صحن خانه و صحن افضل است
از بام و چون متوجه مسجد شود و از خانه بیرون آید بگوید بسم الله
الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ
وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ
وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ رَبِّ
هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ
صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ
وَاغْفِرْ لِأَبِي که چون این بگوید خدا تعالی او را با ایمان و حق
هدایت کند و از اطعمه و اشربه بهشت سیر گرداند و کفاره گناهانش
باشد و خدا تعالی موتش را مثل موت شهدا و حیوتش را مثل حیوة
سعدا گرداند و هر خطیئه که کرده باشد بیامرزد اگر چه بیشتر از
کف دریا باشد و علم با و عطا فرماید و بصلحای گذشته و
آینده ملحقش سازد و او را از جملهٔ صادقان ثبت نماید و منازل
کریم در جنت نعیم باو کرامت فرماید و گناهان پدر و مادر
بیامرزد و چون خواهد داخل مسجد شود کفش را ملاحظه نماید
که نجاست و کثافتی نداشته باشد و پای راست پیش گذارد و
بگوید بسم الله وبالله ومن الله والى الله وخير الاسماء

كانها بالله توكلت على الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل
على محمد وآل محمد وافتح لي ابواب رحمتك وتوبتك
واغلق عني ابواب معصيتك واجعلني من زوارك
وعمار مساجدك وممن يناجيك في الليل والنهار ومن
الذين هم في صلواتهم خاشعون وادحر عني الشيطان
الرجيم وجنود ابليس اجمعين وچون داخل مسجد شود
بگويد اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له والله
اكبر كبيرا والحمد لله كثيرا وسبحان الله بكرة و
اصيلا ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و
صلى الله على سيدنا محمد وآله برابر است با حج مقبول
واگر اراده نشستن داشته باشد بي طهارت داخل نشود ودر مسجد
شعر نبايد خواند كه اگر كسي در مسجد شعر بخواند روايت شده كه با او
بگويند فض الله فاك يعني خداي تعالى دهنت را بشكند وآب دهن
انداختن در مسجد خطيئه است وكفاره اش آنست كه دفن كنند واگر
براي تعظيم مسجد آب دهن ودماغ را فرو برد خدا تعالى براي او
حسنه ثبت نمايد وسيئه محو فرمايد وقوت بدنش بيفزايد و
هيچ كوفت وعلتي نرسد مگر آنكه آنرا زايل گرداند وروز قيامت

وخندان مبعوث شود ونامهٔ عملش را از دست راست دهند

وحرف باطل وگفتگوی دنیا نکند که مسجد جای عبادت است

وجستجوی گم شده نکند حدیث که با او بگوید لا ردّ الله علیک

یعنی خدا تعالی گم شده ترا بتو نرساند وآواز بلند نکند واطفال

ودیوانگان وبیع وشرا از مسجد دور کند واگر کسی در مسجد تجارت

کند با او بگوید لا اربح الله تجارتک یعنی خدا تعالی تجارت

تورا سود ندهد وهر کس چراغی در مسجد روشن کند تا روشنی از ان

باقی باشد حملهٔ عرش وملایکه برای او استغفار کنند وهر کس مسجد را

جاروب کند ثواب آن دارد که بندهٔ آزاد کند واگر بقدر ذرّه که در

چشم افتد کثافتی بیرون برد خدا تعالی دو کفل از رحمت باو دهد

واگر روز پنجشنبه وشب جمعه جاروب کند وبقدر سرمه که در چشم

کند کثافت بیرون برد گناهانش آمرزیده شود وچون خواهد از

مسجد بیرون آید بر در مسجد بایستد وبگوید اللّهمّ دعوتنی

فاجبت دعوتک وصلّیت مکتوبتک وانتشرت

فی ارضک کما امرتنی فاسئلک من فضلک العمل

بطاعتک واجتناب سخطک والکفاف من الرزق

برحمتک ودر بیرون آمدن پیش گذارد وبسم الله بگوید وصلوه

پای چپ هم

برسعيد واهل بيتش صلى الله عليهم بفرستد وبكويد اللهم اغفر لي
وافتح لي ابواب فضلك **فصل پنجم** در كيفيت توجه نماز
وفضايل اذان و اقامت و احكام متعلق بآن از اهل بيت طاهرين
صلى الله عليهم اجمعين مرويست كه چون براي تهيه نماز برخيزي
بكوي الحمد لله نور السموات والارض ومن فيهن انت الحق
وان امرك الحق وقولك الحق ولقاءك الحق والجنة
حق والنار حق والساعة حق اللهم لك اسلمت وبك
امنت وعليك توكلت واليك انبت وبك خاصمت
واليك حاكمت فاغفر لي ما قدمت وما اخرت وما اسررت
وما اعلنت انت الهي لا اله الا انت وچون برخيزي وخواهي
مشغول نماز شوي بكوي اللهم اني اقدم اليك محمدا صلى الله
عليه واله بين يدي حاجتي واتوجه به اليك فاجعلني به
وجيها عندك في الدنيا والاخرة ومن المقربين واجعل
صلواتي به مقبولة وذنبي به مغفورا ودعائي مستجابا
انك انت الغفور الرحيم واكر بنماز شب برخيزي بكوي
اللهم اني اتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة واله وا
اقدمهم بين يدي حوائجي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا

والاخرة

والاخرة ومن المقربين اللهم ارحمني ولا تعذبني بهم
واهدني بهم ولا تضلني وارزقني واقض الي حوايجي
للدنيا والاخرة انك على كل شيء قدير وچون رو
بقبله کنی بکو اللهم اني اليك توجهت ومرضاتك
طلبت وثوابك ابتغيت وبك امنت وعليك
توكلت اللهم صل على محمد وال محمد وافتح مسامع
قلبي لذكرك وثبتني على دينك ودين نبيك
ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة
انك انت الوهاب وچون خواهی شروع در نماز کنی برای نماز
فريضه اذان واقامت بکوي که اکر کسی اذان واقامت هر دو بکويد
دو صف از ملايکه در پشت او نماز کنند واکر اقامت تنها بکويد
يک صف که هر صفی از مشرق تا مغرب وموذنی که برای خدا اذان
کويد نه با دای اجرت ودر روز قيامت در بهشت در بالای تل
مشک بايستد ودر ميان اذان واقامت اجر شهيدی که در
راه خدا در خون غلطيده باشد خدا تعالی باو دهد کسی کفت يا
رسول الله صلی الله عليه واله وسلم مردم در اذان پيش دستی
وفرصت نميدهند حضرت صلی الله عليه واله وسلم فرمود زمانی بيايد

که اذان گفتن را از روی تکبیر بضعفا واگذارند و گوشت ایشان را خدا تعالی
بر آتش حرام گردانیده و کسی که برای خدا اذان گوید خدا تعالی ثواب چهل هزار
شهید و چهل هزار صدیق باو عطا فرماید و چهل هزار گناه کار در شفاعت
او به بهشت برد و چون اشهد ان لا اله الا الله بگوید هفتاد هزار فرشته
برای او دعا کنند و استغفار نمایند و روز قیامت در سایه عرش
خدای باشد تا حساب مردم تمام شود و چون بگوید اشهد ان محمدا
رسول الله چهل هزار فرشته ثواب آن را بنویسند و اگر یکسال در شهری
از شهرهای اسلام اذان گوید گناهش همه آمرزیده شود اگرچه مثل
کوه احد باشد و بهشت او را واجب شود و اذان بتأنی و بلند باید گفت
که آوازش بهر خشک و تری که برسد برای او شهادت دهد و هر
قدر بلندتر شود آن قدر گناهانش آمرزیده گردد و هر کس با او نماز
گذارد در ثواب او شریک باشد و بعدد هر کس که بآواز او نماز
گذارد برای او حسنه ثبت شود و خدا تعالی بادی بر اذان موکل
گردانیده که آواز آن را بآسمان برد چون ملائکه بشنوند گویند
این آواز امت محمد است صلی الله علیه و آله وسلم که توحید خدا
میکنند پس برای ایشان استغفار کنند تا آنکه از نماز فارغ شوند
و در خانه اذان بلند گویند شیطان را دور کند و برای اطفال

نیکو باشد که صدای اذان و صیت ایمان همیشه بشنوند و بیماری و
پریشانی زایل کند راوی گوید من و اهل خانه همیشه علیل می بودیم و
گاه میشد که هیچکس نمیماند که ما را خدمت کند تا این حدیث را
شنیدیم و بآن عمل نمودیم بیماری و کوفت از خانه من زایل شد و دیگری
از بیماری و بیفرزندی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت
کرد فرمود در خانهٔ خود اذان را بلند بگوی چنین کرد بیماریش زایل
گشت و اولادش بسیار شد و اقامت را آهسته و روان تر
گویند و هر مرتبه که نام حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
بگوید گوینده و شنونده صلوات فرستند و اذان نشسته
وسواره و در راه و بی طهارت و بغیر قبله اگر در گفتن شهادتین
رو بقبله باشد توان گفت اما اقامت را بشرایط و هیئت
نماز بگوید و در اثناء اذان و اقامت حرف زدن جایز است
اما ترکش افضل است بتخصیص در اثنای اقامت و چون قد
قامت الصلوة گفته شود احادیث وارد شده که حرف زدن
حرام شود بر مؤذن و سایر جماعت همه مگر آنکه برای امامت
کسی را گویند پیش بایست و بعضی از علما تجویز حرف زدن
برای سایر چیزهائی که متعلق بنماز باشد نیز نموده اند و اگر

زند اقامت را اعاده کند و اگر چیزی از اذان یا اقامت را فراموش
کند رجوع نماید و از آن کلمه بگوید تا آخر و اگر داخل نماز شود و بخاطرش
رسد که اقامت نگفته صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بفرستد
و اقامت بگوید بعد از آن نماز کند اگر هنوز شروع در قرائت نکرده
باشد و روایت دیگر آمده که اگر رکوع نکرده باشد رجوع نماید
و اذان و اقامت بگوید و برای زنان اذان و اقامت آنقدر
تاکید ندارد اما افضل اینست که بگویند و میان اذان و اقامت
لحظهٔ فاصله کند اقلش اینکه نفسی بکشد یا الحمد لله یا سبحان الله
بگوید یا بنشیند یا سجده کند و اگر بنشیند بگوید اللّهمّ اجعل
قلبی بارًّا و رزقی دارًّا واجعل لی عند قبر نبیّك
صلّی الله علیه وآله مستقرًّا وقرارًا و اگر سجده کند بگوید
لا اله الّا انت ربّی سجدت لك خاضعًا خاشعًا
ذلیلًا فصلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ واغفر لی وارحمنی
وتب علیّ انّك انت التوّاب الرّحیم همه گناهان
او را بیامرزد و اگر میان اذان و اقامت شام بنشیند همچنانست
که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و در ظهر و عصر
شش رکعت نافله را پیش از اذان بگذارد و دو رکعت را میان اذان

و اقامت

واقامت واگر جمعی باشند که مؤذن اذان گوید جماعت همه بنشینند
وچون قد قامت الصلوة گوید همه برخیزند و بایستند و چون
مؤذن اذان گوید کسی که شنود هرچه مؤذن گوید آهسته بگوید
روزیش زیاد شود و چون مؤذن شهادتین گوید شنونده بگوید
از روی اقرار و تصدیق وَاَنَا اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ اَكْتَفِیْ بِهَا عَمَّنْ اَبٰی وَجَحَدَ وَاُعِیْنُ بِهَا
مَنْ اَقَرَّ وَشَهِدَ بعد هر کس که شهادت داده و ایمان آورده
و هر کس انکار نموده و ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته باشد و روا
آمده که چون مؤذن حیعله گوید شنونده حولقه گوید و چون اذان
صبح و شام شنود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاِقْبَالِ
نَهَارِكَ وَاِدْبَارِ لَيْلِكَ وَحُضُوْرِ صَلَوَاتِكَ وَاَصْوَاتِ
دُعَائِكَ وَتَسْبِيْحِ مَلَائِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تَتُوْبَ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ و در شام بجای
اِقْبَالِ نَهَارِكَ وَاِدْبَارِ لَيْلِكَ بِاِقْبَالِ لَيْلِكَ وَاِدْبَارِ نَهَارِكَ گوید
واگر در آن روز و در آن شب بمیرد تایب و شهید باشد
فصل ششم در کیفیت اشتغال بنماز و آداب آن از
اهل بیت نبوت صلی الله علیهم اجمعین ... است که هر کس بی

اذا کند داخل نماز شود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیکَ بِمُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاُقَدِّمُهُم بَینَ یَدَی صَلَواتی وَاَتَقَرَّبُ بِهِم
اِلَیکَ فَاجعَلنی بِهِم وَجیهًا فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَمِنَ
المُقَرَّبینَ مَنَنتَ عَلَیَّ بِمَعرِفَتِهِم فَاختِم لی بِطاعَتِهِم
وَمَعرِفَتِهِم وَوِلایَتِهِم فَاِنَّهَا السَّعادَةُ اختِم لی بِها
اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ تا آخر دعا که در فصل تعقیب
انشاء الله بیاید با محمد و آل محمد باشد صلی الله علیهم و افتتاح
نماز بیک تکبیر واجب است و بسه تکبیر افضل و به پنج افضل
از ان و بهفت افضل از همه و یکی از جمله تکبیر احرام واجبست
و باقی مستحب است و بعد از تکبیر سیوم بگوید اَللّٰهُمَّ اَنتَ المَلِکُ
الحَقُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ سُبحانَکَ وَبِحَمدِکَ عَمِلتُ سُوءً اَو
ظَلَمتُ نَفسی فَاغفِر لی اِنَّهُ لا یَغفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنتَ
و بعد از تکبیر پنجم بگوید لَبَّیکَ وَسَعدَیکَ وَالخَیرُ فی
یَدَیکَ وَالشَّرُّ لَیسَ اِلَیکَ وَالمَهدِیُّ مَن هَدَیتَ
عَبدُکَ وَابنُ عَبدَیکَ بَینَ یَدَیکَ لا مَلجَأَ وَلا مَنجا
وَلا مَفَرَّ مِنکَ اِلّا اِلَیکَ تَبارَکتَ وَتَعالَیتَ سُبحانَکَ
وَحَنانَیکَ سُبحانَکَ رَبَّ البَیتِ و هر کس از تکبیر

و بعد از نماز بگوید اللهم اجعلنی مع
محمد و آل محمد فی کل عافیة و بلاء

احرام بگوید یا مُحْسِنُ قَدْ اَتاکَ الْمُسیءُ وَقَدْ اَمَرْتَ الْمُحْسِنَ اَنْ
یَتَجاوَزَ عَنِ الْمُسیءِ وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ وَاَنَا الْمُسیءُ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجاوَزْ عَنْ قَبیحِ ما
تَعْلَمُ مِنّی خدا تعالی بملائکه گوید گواه باشید که گناهانش را عفو
کردم وهر کس پیش او حقی یا مظلمه داشت ازو راضی نمودم پس اگر تکبیر
هفتم را قصد احرام کند این دعا را پیش از آن بخواند و بعد از
تکبیر هفتم بگوید وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمٰواتِ وَ
الْاَرْضَ عَلی مِلَّةِ اِبْراهیمَ وَدینِ مُحَمَّدٍ وَمِنْهاجِ عَلِیٍّ وَ
الْاِئْتِمامِ بِالْاَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ الصَّلٰوةُ وَالسَّلٰمُ
حَنیفاً مُسْلِماً وَما اَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ اِنَّ صَلٰواتی وَنُسُکی
وَمَحْیایَ وَمَماتی لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ لا شَریکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ
اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ الْمُسْلِمینَ
ودر حال ایستادن ورکوع کردن پاها را ازهم بگشاید بقدر سه
انگشت تا یک وجب وزنان در هر دو حال بهم نزدیک گذارند تا فاصله
نباشد بعد از آن از شیطان رجیم پناه بخدای برده بگوید اَعُوذُ
بِاللّٰهِ السَّمیعِ الْعَلیمِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ بعد از آن الحمد
وسورة در دو رکعت اول هر نماز بخوانند وافضل آنست که در رکعت

عصر و مغرب سورهای کوتاه بخوانند مثل اذا جاء و الهکم التکاثر
و در نماز ظهر و خفتن متوسط مثل والشمس و سبح اسم و در نماز
صبح ازین درازتر مثل عم یتساءلون و هل اتیك حدیث
الغاشیه و هل اتی علی الانسان و در رکعتهای دویم قل هو الله
احد زیرا که بعد ازان قنوت خوانده میشود و دعا و بعد از
خواندن قل هو الله احد مستجاب است و در نماز شام و صبح
جمعه سورهٔ جمعه و قل هو الله احد و در نماز خفتن آن جمعه
و سبح اسم و در نماز جمعه یا ظهر آن جمعه و منافقین و در نماز
عصر آن جمعه و قل هو الله احد و مرویست که هر سوره که برای
فضل و ثوابش خواهند بخوانند و اگر بجای آن انا انزلناه و قل
هو الله احد بخوانند همان ثواب داشته باشد با ثواب این
دو سورة اما در نماز جمعه و ظهر آن سوره جمعه و منافقین
باید خواند که افضل است و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب
داشته اند و اگر پنج نماز بگذارد و قل هو الله بخواند فرشته ندا
کند و گوید ای بنده خدا تو از جمله نماز کنندگان نیستی و مردان
باید دو رکعت اول نماز شام و خفتن و نماز صبح را بلند قراءت
نمایند همچنین نماز جمعه و دو رکعت اول ظهر جمعه را اگر چه

منفرد باشند وباقی رکعتها ونمازها را آهسته واگر عمداً نماز جهری

اخفات یا اخفاتی را جهر کنند باطل باشد و اعاده باید کرد

وحد آهستگی آنست که خود بشنود اگر آهسته تر از آن باشد مجزی

نشود وحد بلندی آنکه بسیار بلند و آواز شدید نشود بلکه حد

وسط باشد وچون نمازهای جهری را بلند بخواند آنقدر که آواز

برسد آتش دوزخ از او دور شود و بر صراط بگذرد و در روز قیامت

مسرور وخوشحال باشد تا آنکه داخل بهشت شود وبعد از تمام شدن

الحمد وهمچنین بعد از سوره بقدر آنکه نفسی توان کشید ساکت

شود وچون از قراءت فارغ شود ایستاده تکبیر بگوید و رکوع کند

دستها را بر زانو گذارد وانگشتان را بگشاید چنانکه زانو را در مشت

گیرد وزانو را بعقب میل دهد وپشت را آنقدر خم دهد که اگر

قطره آبی بر پشتش بریزد قرار گیرد وبطرفی حرکت نکند

وگردن را دراز کند وسر را راست بگیرد وپاها را نیم بگشاید

واعضا بر یکدیگر تکیه نکند وزنان دستها را بالاتر از زانو

بگذارند تا بسیار خم نشوند واعضایشان بهم جمع تر باشند

وسه مرتبه بتأنی بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ

تسبیح رکوع وسجود را یکمرتبه گوید یک ثلث نماز کرده باشد واگر

دوم مرتبه دو ثلث و اگر هیچ نگوید هیچ نماز نکرده باشد و پنج مرتبه
افضل است و هفت مرتبه افضل ازان و هرچند بیشتر گوید افضل بود
مرویست که هر کس رکوع را تمام کند از وحشت قبر ایمن باشد
و چون سر از رکوع بردارد راست بایستد و هر کس بعد از رکوع پشت
راست نکند نماز نکرده باشد و ایستاده بگوید سمع الله لمن حمده
الحمد لله رب العالمین اهل الجبروت والکبریاء والعظمة
لله رب العالمین پس همچنان ایستاده تکبیر بگوید و سر از برای
بسجود رود و هر دو دست را باهم پیشتر از زانو بر زمین گذارد
چنانکه برابر رو و زانو باشد و انگشتان بهم چسبیده برابر
قبله باشد و ساعدها را از زمین بردارد و پاها بگشاید چنانکه
عضو بر عضو دیگر تکیه نکند و زنان اول بنشینند و زانو را پیشتر
از دست بر زمین گذارند بعد از ان سجده کنند و اعضا را مجتمع
دارند و ساعدها بر زمین بخوابانند سجده بر هفت عضو باید
کرد پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ
پا و سر بینی هفت اول واجب است و آخر سنت مرویست که
[illegible] بینی را بر آنچه پیشانی میگذارد نگذارد نماز وی مجزی نباشد
و مستحب است کف دستها را بر چیزی گذاشتن که سجده بر آن

بطلان

بران صحیح باشد تا روز قیامت غل بران نگذارند و در سجده
سه مرتبه یا پنج یا هفت یا بیشتر بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلَی
وَ بِحَمْدِهِ و کسی که سجده را طول دهد ابلیس فریاد کند و گوید ای وای
او اطاعت کرد و من معصیت نمودم و او سجده کرد و من سرکشی
کردم و مستحب است که سجده بر تربت حضرت امام حسین علیه السلام
باشد که در میان بنده و خدای تعالی حجابها بشکافد و تا زمین هفتم
نورانی کند و چون سر از سجده بردارد پشت راست کند و بر جانب
چپ بنشیند چنانکه هر دو پا از جانب راست بیرون آید و پشت پای
راست بر کف پای چپ باشد و نشسته تکبیر بگوید پس بگوید
استغفر الله ربی و اتوب الیه پس همچنان نشسته تکبیر بگوید
و سجده دیگر بهمان دستور بکند و چون سر بردارد تکبیر بگوید
و بنشیند پس برکعت دیگر برخیزد و از سجده راست بر پای بر
نخیزد که آن بدعت جبارانست و در وقت برخاستن هر دو
کف دست بر زمین گذارد و بگوید بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ وَ اَقْعُدُ
و اگر خواهد بگوید اَللّٰهُمَّ رَبِّیْ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ اَقُوْمُ وَ اَقْعُدُ
و اگر خواهد وَ اَرْکَعُ وَ اَسْجُدُ نیز زیاد کند و چون از قرائت
رکعت دویم فارغ شود تکبیر بگوید و دستها برداشته قنوت

اَقُوْمُ صح

بخواند هر ذکرو دعائی که خواهد مجزی باشد اقلش آنکه سه مرتبه

سبحان الله بگوید و هرچند طول بیشتر دهد روز قیامت

راحتش بیشتر بود و افضل نمازها آنست که قنوتش طویل باشد

وا زجمله ذکرهای قنوت کلمات فرج ثواب بسیار دارد و آن

کلمات اینست که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَ

رَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بعد از آن صلوات

بر پیغمبر و آلش بفرستد و هر حاجت و مطلب دنیوی و اخروی

و رحمت و مغفرت برای خود و دیگران که خواهد بطلبد و از

جمله ادعیه مأثوره که متضمن همه آنها باشد اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَسْئَلُكَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِوُلْدِي وَاَهْلِ بَيْتِي وَاِخْوَانِي

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِيكَ الْيَقِينَ وَالْعَفْوَ وَالْمُعَافَاةَ

وَالرَّحْمَةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

و در نماز صبح این قنوت مستحب است خواندن اَللّٰهُمَّ مَنْ كَانَ

اَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ وَرَجَاءٌ غَيْرُكَ وَاَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي

يَا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَيَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِي وَ

وَمَسْكَنَتِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَفُكَّ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ودر نماز جمعه دو قنوت بخواند در رکعت اول پیش
از رکوع و در رکعت دویم بعد از رکوع در قنوت اول کلمات فرج
بخواند وبعد از ان بگوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا
بِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَنَا اللّٰهُمَّ
اجْعَلْنَا مِمَّنِ اخْتَرْتَهُ لِدِينِكَ وَخَلَقْتَهُ لِجَنَّتِكَ
اللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ودر قنوت
دویم بگوید اللّٰهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ
رَبَّنَا وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ
بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَعَظُمَ
حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَجْهُكَ أَكْرَمُ
الْوُجُوهِ وَجِهَتُكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ وَعَطِيَّتُكَ أَفْضَلُ
الْعَطِيَّاتِ وَأَهْنَاهَا تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصَى
رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضُّرَّ
وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ لَا يَجْزِي

بِالٰائِكَ اَحَدٌ وَلَا يُحْصَى نَعْمَاءَكَ قَوْلُ قَائِلٍ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ
رُفِعَتِ الْاَبْصَارُ وَنُقِلَتِ الْاَقْدَامُ وَمُدَّتِ الْاَعْنَاقُ
وَرُفِعَتِ الْاَيْدِيْ وَاَنْتَ دُعِيْتَ بِالْاَلْسُنِ وَاِلَيْكَ سِرُّهُمْ
وَنَجْوَيهُمْ فِي الْاَعْمَالِ رَبَّنَا اغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا وَافْتَحْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَاَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْا
اِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوْعَ الْفِتَنِ
بِنَا وَتَظَاهُرَ الْاَعْدَاءِ وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا
فَافْرِجْ ذٰلِكَ يَارَبِّ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرٍ مِنْكَ
تُعِزُّهُ وَاِمَامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ اِلٰهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ
و از حضرت امام همام علی بن موسی الرضا علیهم السلم مرویست
که از کسی پرسید که در نماز جمعه چه قنوت میخوانی کفت آنچه مردم
میخوانند حضرت فرمود این قنوت بخوان اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ
عَبْدَكَ وَخَلِيْفَتَكَ بِمَا اَصْلَحْتَ بِهِ اَنْبِيَاءَكَ وَ
رُسُلَكَ وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَاَيِّدْهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ
مِنْ عِنْدِكَ وَاسْلُكْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا
يَحْفَظُوْنَهُ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَاَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنًا
يَعْبُدُوْنَكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَلَا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ مِنْ

خلقك

خلقك علی ولیّك سلطانا واذن له فی جهاد عدوّك
وعدوّه واجعلنا من انصاره انّك علی كلّ شیء قدیر
وبعضی از مشایخ رحمهم الله نقل کرده که در قنوت دستها را
برابر رو بگیرد چنانکه انگشتان برابر قبله و بهم چسپیده
باشند و چون از قنوت فارغ شود تکبیر رکوع بگوید و بعد از
سجود بهیاتی که قبل ازین مذکور شد بنشیند و تشهد باین
طریق بخواند بسم الله وبالله والحمد لله وخیر
الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك
له واشهد انّ محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق
بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة اشهد انّ ربّی
نعم الربّ وانّ محمدا نعم الرسول اللهم صلّ علی
محمد وآل محمد وتقبّل شفاعته وارفع درجته
و بعد از آن دو بار یا سه بار الحمد لله بگوید و چون خواهد برخیزد
کف دستها را بر زمین گذارد و بگوید بحولك وقوتك
اقوم واقعد یا بگوید بحول الله تعالی وقوته اقوم
واقعد و در رکعت سیوم و چهارم احادیث بسیار وارد شده
که تسبیح و الحمد هر دو مساویست هر کدام که خواهند بخوانند

اما از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه و سلامه مرویست

که قرائت الحمد درین دو رکعت تسبیح را نسخ کرد مگر برای بیمار

یا کسی که بسیار سهو کند پس بنا برین حدیث احتیاط اینست

که بضرورت تسبیح نخوانند و چون خواهد سلام بگوید چنین

بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

اَلسَّلَامُ عَلَی اَنْبِیَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی جَبْرَئِیْلَ

وَمِیكَائِیْلَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ

عَبْدِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ لَا نَبِیَّ بَعْدَهُ اَلسَّلَامُ عَلَی الْاَئِمَّةِ

الْهَادِیْنَ الْمَهْدِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَی عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِیْنَ

و سلامی که نماز بآن تمام شود سلام آخرست خواه امام باشد

خواه ماموم و خواه منفرد و باین سلام حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین را قصد کند و

سلامهای دیگر مستحب است و اگر امام باشد بعد از سلام نماز

خطاب بماًمومین کند و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ

وَبَرَكَاتُهُ و ماموم بعد از سلام نماز دو سلام بگوید یکی جواب

امام و اگر در جانب راستش کسی باشد او را نیز قصد کند و یکی جانب

چپ اگر در آنجا کسی باشد و اگر نباشد این سلام در کار نباشد

فصل هفتم در اشاره باسرار مقدمات واعمال نماز و
ذکر بقیه آداب وافعال آن از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین مرویست که بهترین جامها وبزینت ترین لباسها برای
مؤمنان لباس تقوی وپرهیزکاریست از هرچه خدا تعالی حرام
گردانیده واورا مکروه داشته ولباس ظاهرین نعمتیست کرامت
فرموده تا عورات بدن واعضا وعیوب وقبایح ان بان پوشیده
شود ومستور گردد وتوبه وتقوی کرامتیست که احسان فرموده
تا گناهان باطن ومساوی اخلاق وهوسهای فاسد وارزوهای
باطل بآن پنهان گردد ومخفی ماند پس چون عورات وعیوب ظاهر را
از خلق پوشیده داری تو پیش کسی اظهار آن نیاری شرم دار از انکه
امراض وذنوب باطن را در پیش خدای جلوه دهی وهیچ آزرمی
نداری ومستراح را از ان جهت مستراح گفتند که بدن در اینجا
از ثقل نجاسات راحت می یابد واز کدورت کثافات استراحت
نماید پس مؤمن چون بیند که لطیف ترین نعمتها دنیا ولذیذترین
لذتهای آن باین زودی عاقبتش چه میشود باید از ان عبرت
گیرد ودست از جمع کردن آن باز دارد ودل از تشویش آن
فارغ سازد تا بجمعیت خاطر مشغول عبادت خدای شود

وتحصیل سعادت باقی نماید چه حالت است که شکم را از نجاست دنیا
خالی کنی وبدن را از گرانی آن راحت دهی ودل را از وسواس آن بری
سازی واز تشویش اندیشه آن نپردازی وخدا تعالی آب را طهور
گردانیده تا فضلات ونجاسات بآن بشوئی واز کدورت احداث
وکثافات تنزه یابی وجدول توبه واستغفار جاری ساخته
تا نجاست ذنوب وسیئات بآن تطهیر دهی واز شناعت آثام
وخطیات واز هیچ نه اندیشی که تا ازاله نجاسات ظاهر نکنی
ودست ورو در وضو نشوئی قابل آن نباشی که روی بدن بقبله
گردانی وباعضای ظاهر داخل مسجد شوی وبر سجاده نشینی
وبا زبان ودهان تسبیح ومناجات نمائی پس ازاله نجاسات
بدن نانموده وخاطر از حدث محبت باطل نشسته وشو نداده
ونیت برای او خالص نگردانیده چگونه لایق آن باشی که روی دل
سوی خدا کنی وبر بساط قرب وکرامت تکیه نمائی ودر حضرت عزت
حدیث اسرار سرائی وبمسواک دندان از کثافت آثار طعام
جلا ودهان از کراهت بوی آن صفا دهی چگونه جوارح را از
نجاسات عصیان ومخالفت خدا ودل را از اطاعت شیطان
ومحبت دنیا بتضرع وخشوع وانابت وخضوع طهارت ندهی

وجه

وچون متوجه قبله شوی و بر پای ایستی روی از همه چیزها بکردانی و

روی دل را از وسوسه دنیا نکردانی و ایستادن موقف عرصات و

هویدا کشتن خفیات اسرار یاد نکنی چون اذان نماز شنوی از ندا

روز قیامت یاد آر وچون رو بقبله کنی روی دل از هرچه غیر خداست

باز آر و چون بر پای ایستی از روی کمال خضوع و خشوع بایست

و هرچه غیر خداست چنان پندار که نیست در خدمت خدا ایستاده

و با حضرت او در مکالمه دانائیست که هر ظاهر و پنهانی داند

و توانائیست که هرچه بخاطر کذرانی تواند پادشاهیست که

آسمان و زمین در وسعت مملکت او ذره ایست و هردو

جهان از بحار خزائن رحمت او قطره در خدمت او چنان باشت

که ضعیف ترین بنده در خدمت عظیم ترین پادشاهی اکر سرش

بخار دنخار دو اکر دلش بد رد آید نکیرد کاهل و خواب آلوده

و سنکین بر مخیز که این جمله از صفات منافقانست و بار بنماز مشی

و دست بازی مکن و انکشتان در میان یکدیکر میار که این همه

از نماز نقصانست و دستها بر سینه منه که این عمل شیوه

مجوسانست و خمیازه با دهن و اعضا مکن که از جمله اعمال

شیطانست و اکر کسی در نماز انکشتان بشکند نصیبش از

نماز همان باشد و چون تکبیر گوئی بزرگی و عظمت خدا را یاد آر
و هر چه غیر اوست در پیش بزرگی او ذلیل و خوار شمار که اگر دل با
دیگری داری و دیگری را بزرگتر شماری خدایتعالی گوید ای دروغ
گوی حرامی فریبی بر زبان الله اکبر میگوئی و دل بدیگری میدهی
بعزت و جلال خودم که از شیرینی ذکر خویش محروم سازم و
از نزدیکی جناب خود و از لذت مناجات بی نصیب و مهجور
گردانم و در نماز دستها را بر روی ران بنه و انگشتان
بهم چسپیده باشد و سر و گردن و کمر راست بگیر و بطرفی
میل و بچیزی تکیه مکن و زنان دستها را بسینه بچسپانند
تا به پستان متصل شود و بلندی پستان نماید و در اثنای
نماز آب دهن و دماغ میفکن که هر کس برای تعظیم خدای در
نماز آن فرو برد خدایتعالی او را تا وقت ممات صحت بدن
کرامت فرماید و پاها را برابر هم بگذار که پیش و پس نباشد و
بیضرورت چیزی بر دهن مبند که نقصان نماز بود و نظر از
موضع سجده بر مدار و باطراف التفات مکن که هر کس در نماز
باطراف نگاه کند خدایتعالی گوید ای بندهٔ من بکجا نگاه میکنی
و کرا میطلبی آیا خدای غیر حق میخواهی یا جواد غیر من میجوئی

منم اکرم الاکرمین ومنم اجود الاجودین ومنم بهترین معطین
منم که نقد ثواب دهم ترا که هیچکس قدر آن نداند در بیان
من کن که من روی با تو دارم وملایکه من روی با تو دارند پس اگر
روی بگرداند ومتوجه نماز شود گناه انچه کرده بود زایل شود و
اگر باز التفات بطرفی نماید خدایتعالی همان مکالمه فرماید و
همچنین تا چهار مرتبه ومرتبه چهارم خدایتعالی روی از و بگرداند
وملایکه روی بگردانند وفرماید ای بندهٔ من واگذاشتم تو را آیا
میخواهی ودر روایت دیگر آمده که در مرتبه سیم خدایتعالی رو
بگرداند وبعد از ان هرگز باو نظر نکند نعوذ بالله من ذلک
ودر نماز دل با خدای دار وخیال غیر نماز بخاطر میار که دو رکعت
نماز با تفکر بهتر است از قیام لیل وهرکس دو رکعت نماز گذارد
وبداند که چه میگوید میان او وخدا هیچ گناه نماند مگر اینکه آمرزیده
شود وهر قدر از نماز که دل با آن باشد بحساب وهرچه از ان غافل
باشد برهم پیچند وبر روی صاحبش زنند ودر رکوع چشم را
بپوشد یا نظر درمیان هر دو پا بدارد ودراز کردن گردن در رکوع
معنیش اینست که گردن از بندگی خدایتعالی نکشم وسر از طاعت
او نپیچم واگرچه گردنم بزنند وهیچ بنده رکوعی بحقیقت نکرده

مگر اینکه خدا تعالی او را بنورهای خویش مزین گردانیده و در سایهٔ
کبریای خود پناهش داده و خلعت اصفیا بر او پوشانیده
و رکوع ادب است و اطاعت و سجود قرب است و عزت کسی که
ادب ضایع کند اهلیت قرب نداشته باشد و سر به سجده
گذاشتن معنیش اینست که خدایا اصل من همین خاک ضعیف ذلیل است
که هر کس پا بر او گذارد و چون سر بردارد یعنی مرا ازین خاک آفریدهٔ
و از خاک برداشتهٔ و چون سجده دویم کند یعنی بار دیگر مرا
بمیرانی و با خاک یکسان گردانی و چون سر بردارد یعنی مرتبه دیگر
مرا زنده گردانی مرویست که والله که زیان نکرده کسی که سجودی
بحقیقت کرده اگرچه در تمام عمر یکمرتبه باشد و سود ننموده کسی که
حق آن ضایع نموده و مانند فریبنده گان غافل از رتبه ساجدان
با خدا خلوت نموده هرگز از خدا دور نشود و کسی که در سجود بکلی
دست از خود بر دارد و خود را یکبارگی بخدا سپارد هرگز بخدا
نزدیک نگردد کسی که حرمت سجود ضایع کند و در آن حال دل
بغیر خدا دهد عارفی گفته رکوع دعوی بنده گیست و دو سجده
بعد از آن دو شاهد بر آن و چون قنوت بخوانی و آداب آن رعایت
کنی و بدانی که چه میگوئی و با که در گفتگوئی بشنود هرچه بر زبان رانی

بەبیند هرچه در دل کذرانی پس احتیاط کن تا آنچه میطلبی حاضر و
بخات باشد وزبان در دعا و دل با غیر خدا نباشد که دعای دل
غافل مستجاب نکردد وچون تشهد خوانی اقرار به پادشاهی و
یکانکی خدا کنی واعتراف برسالت ونبوت پیغمبر او نمائی وعهد
بندکی وطاعت خود تجدید سازی وچون صلوة بر پیغمبر وآلش فرستی
ایشانرا شفیع خویش کردانی پس چنانکه بزبان اقرار میکنی دلرا نیز با
زبان موافق دار واز آنچه میکوئی غافل مدار تا مانند فریبندکان
باطنت تکذیب ظاهر ننماید ودرین مقام ذکر حدیثی دیکر کنیم که
مشتملست بر فضایل اعمال نماز وآداب واسرار آن مرویست
از حضرت امام همام حسن بن علی العسکری از آبای کرام خود از علیهم السلام
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که فرمود چون بندهٔ مومن
متوجه مصلای خود شود تا نماز کذارد خدا تعالی کوید ای ملائکه
ببینید این بندهٔ مرا که از همه خلایق بریده و بامید رحمت و
شفقت من روی نیاز بمن آورده کواه باشید که اورا برحمت
وکرامت خویش مخصوص کردانم وچون دست بردارد والله اکبر
کوید فرماید که ببینید که چون تبرا و بیزاری مینماید از تشبیه
شریک وشبیه ونظیر برای من چنانکه اعدای من نسبت میکنند

ومرا [illegible]ان بزرك ومنزه ميدارد كواه باشيد كه اورا از آتش رهـ

كنم [illegible] پاك سازم ودر مملكت بزرگى خود بزرك كردانم واز

عذاب جهنم نجات دهم وچون الحمد وسوره ديكر بخواند فرمايد

به بينيد بنده مرا چون از قراءت كلام من لذت مى يابد كواه باشيد

كه روز قيامت با او بكويم كه بخوان در بهشت كلام مرا و بالا رو

بر درجات جنان پس بعدد هر حرفى كه خواند درجه از طلا و

درجه از نقره ودرجه از لولو ودرجه از كوهر ودرجه از زبرجد

سبز ودرجه از زمرد سرخ ودرجه از نور رب العزت بالا رود

چون ركوع كند فرمايد به بينيد كه چون تواضع ميكند در پيش جلال

وعظمت من كواه باشيد كه اورا در دار الجلال وعزت خود

بزرك كردانم وچون سر از ركوع بردارد فرمايد به بينيد كه چون

براى من ترفع ميكند همچنانكه براى من تواضع مى نمايد ودر خدمت من

راست مى ايستد كواه باشيد كه عالم [illegible] بهترين عاقبتها كردم

ودر بهشت خويش ماوى عطا فرمايم وچون سجده نمايد فرمايد

به بينيد كه چون تواضع ميكند وميكويد اكرچه در دنيا مكين و

جليلم اما چون حق وعظمت تو بر من ظاهر شود حقير وذليلم

كواه باشيد كه اورا بحق بلند فرمايم وباطل را با او دفع كردانم

اعداء

يرى

وچون سر از سجده اول بردارد فرماید به بینید چون میکوید که
همچنانکه در پیش عظمت تو تواضع نمودم در حضرت خدمت
برای بندگی وطاعت بحقارت وذلت راست کشتم ودر بعضی
ظاهر عباراتی از نسخها این حدیث افتاده وکویا باین مضمون باشد
که اورا عزیز کردانم وبرحمت خویش اختصاص دهم وچون سجده
دویم کند فرماید به بینید بنده مرا چون بتواضع من عود نمود کواه
باشید که رحمت خود را ابد واعاده فرمایم وچون برای رکعت دیگر
از جای برخیزد فرماید ای ملائکه به بینید چون برخاست نماز اورا
از مذلت بردارم وبعزت بلند کردانم وهر رکعتی که کذارد خدا تعالی
همچنان فرماید تا انکه بر تشهد نشیند خدا تعالی فرماید ای ملائکه
بنده من خدمت وعبادت مرا بجای آورد واکنون نشسته ومرا ثنا
میکوید وبر پیغمبر من صلواة می فرستد من نیز در ملکوت سموات
وارض اورا ثنا کویم وبر روح او در میان ارواح صلوات فرستم وچون
بر امیر المومنین صلوات الله وسلامه علیه صلواة فرستد فرماید من
بر تو صلوة فرستم همچنانکه تو برو صلوة فرستادی واورا شفیع تو کردانم
همچنانکه تو اورا شفیع خود خواستی وچون سلام نماز دهد خدا تعالی
وملائکه برو سلام کنند ودر روایت دیکر آمده که سلام بعد از نماز امانست

یعنی هر کس فرمان خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را بخضوع

و خشوع بجای آرد امان است او را از بلای دنیا و عذاب آخرت

و مخفی نماند که مراد از صلوة بر امیر المومنین صلوات الله علیه اینست

که بعد از صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و بر آل او نیز فرستد

زیرا که آل او امیر المومنین و فاطمه و یازده تمام امام دیگراند صلی الله

علیهم اجمعین و احادیث دیگر وارد شده که سلمان فارسی و سایر

شیعیان نیز از جملهٔ آل آنحضرتند و در صلوة بر ایشان شیعیان را

نیز باید قصد نمود **فصل هشتم** در فضایل تعقیب و کیفیات

آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که هر کس بعد از نماز

فریضه تا وقت نماز دیگر تعقیب بخواند مهمان خدای باشد و حق است

بر خدا که مهمان خود را اکرام فرماید تعقیب خواندن بعد از هر نماز

و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب برای وسعت رزق بهتر است از

مسافرت و تجارت نمودن با آنکه اکثر احادیث دیگر آمده که نه جزو

رزق در تجارت است و یک جزو در غیر آن و تعقیب خواندن

بعد از فریضه افضل است از نافله گذاردن و ظاهر مراد از این نافله

غیر نوافل یومیه باشد و هر کس بعد از نماز صبح بر جای نماز بنشیند و

تا طلوع آفتاب تعقیب بخواند خدای تعالی او را از آتش دوزخ مستور

گرداند

کرداند وکناهان کذشته‌اش امرزیده شود وچنان باشد که زیارت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم کرده باشد واکر انقدر بنشیند

که افتاب پهن شود دو رکعت یا چهار رکعت نماز بکذارد کناهان

کذشته‌اش امرزیده شود وثواب حجی داشته باشد واکر بعد از

نماز شام تعقیب بخواند وحرف نزند تا انکه دو رکعت نافله

بکذارد ان نافله را در علیین ثبت نمایند واکر چهار رکعت

نماز بکذارد حج مقبولی برای او ثبت کنند وفضل تعقیب بعد از

فریضه بر تعقیب بعد از نافله مثل فضل فریضه است بر نافله ودر

وقت تعقیب رو بقبله باشد وحرف نزند که هر چه تمام ضرر کند به

تعقیب نیز ضرر رساند مکر انکه ضرورت وحرکتی روی دهد پس

تا با وضو باشد در تعقیب باشد این بود بیان فضایل تعقیب بر

سبیل اجمال واداب ان اما تفضیل وکیفیت انجنانست که مرویست

از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس بعد از

سلام نماز دست بردارد وسه مرتبه الله اکبر بکوید بعد از ان

بکوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَ

اَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

شکری که واجب است برو بسبب قوت یافتن اسلام و حضور آن
بچها آورده باشد و هرکس بعد از نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمة
زهرا صلوات الله علیها بگوید و بعد از آن یکمرتبه لا اله
الا الله بگوید گناهانش همه آمرزیده شود و در روایت دیگر
آمده که بیشتر از آنکه پا را از وضعی که در نماز نشسته گردانند
تسبیح بگوید و بعد از هر نماز گفتن این تسبیح بهتر است از آنکه
هر روز هزار رکعت نماز گذارد و هر کس این تسبیح را بر خود لازم کرداند
هرگز بشقی نگردد و مرویست که اگر ذکری بهتر از این تسبیح می بود
پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم آنرا بحضرت فاطمه صلوات الله علیها
عطا میفرمود و مستحب است که تسبیح از خاک مقدس حضرت
امام حسین علیه السلم باشد که زینت شیعیان است و اگر با ذکر بگردانند
بعدد هر دانه چهل حسنه داشته باشد و اگر عبث و بی ذکر بگردانند
هر دانه بیست حسنه داشته باشد اگر کردد اثناء ذکری ذکر را فراموش
کند و همان تسبیح میگردانیده ثواب ان ذکر داشته باشد و در روایت
دیگر آمده که اگر با تسبیحی از ان تربت مبارک استغفار کند یکمرتبه
هفتاد مرتبه مضاعف شود و اگر در دست گیرد و تسبیح نکند هر دانه
هفت مرتبه و در روایت دیگر آمده که هر کس با این تربت مقدسه

تسبیح کند چهارصد حسنه برایش نویسند و چهارصد سیئه محو کنند و
چهارصد درجه بلند کرده اند و چهارصد حاجتش برآرند و نیز
مرویست که هرکس باین ترتیب مطهر تسبیحات اربع بگوید هردم
شش هزار حسنه ثبت کنند و انقدر سیئه محو نمایند و انقدر درجه
بلند کرده اند و انقدر شفاعت عطا فرمایند و مرویست که شیعیان
ما از چهار چیز مستغنی نباشند حصیری که جای نماز باشد و
انگشتری و مسواک و تسبیحی از خاک قبر امام حسین علیه السلام
که سی و سه دانه باشد و در روایت دیگر سی و چهار دانه وارد شده
و احتمال دارد که با دانه مؤذن مراد باشد و هرکس پیشتر از آنکه پا را
از وضعی که نشسته بگرداند سه مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام و اتوب
الیه خدای تعالی گناهانش را بیامرزد اگرچه مثل کف دریا باشد
و اگر پیش از آنکه زانو را از زانوی خود تغییر دهد ده مرتبه بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا
صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا چهل هزار هزار حسنه برای
او ثبت شود و چهل هزار هزار سیئه از او محو کرده شود و چنان باشد که دوازده
مرتبه ختم قرآن کرده باشد و اگر بعد از نماز بگوید اعوذ بوجهک

الکَرِیمِ وَعِزَّتِکَ الَّتِی لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِکَ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهَا
شَیْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَشَرِّ الْاَوْجَاعِ کُلِّهَا وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ خدایتعالی خیر دنیا و آخرت
برای او جمع نماید و اگر الحمد و شهد الله انه لا اله الا هو تا سریع
الحساب و آیة الکرسی و قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب بخواند
خدایتعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر روز بچشم پنهان
خود هفتاد مرتبه برو نظر کنم و هر مرتبه هفتاد حاجت او را برآرم
و او را با هر قدر گناه که دارد قبول نمایم و در روایت دیگر آمده
که هر روز هفتاد حاجتش را برآرم که کمترین آنها مغفرت گناهانش
باشد و در حظیرهٔ قدس خویش جایش دهم و بر دشمنانش
نصرتش دهم و از ایشان بسلامتش دارم و هیچ مانع رفتنش
بهشت نباشد مگر موت یعنی اگر نه موت مقدر می بود همچنان
به بهشتش می بردم و در روایت وارد شده که هر کس بعد از هر فریضه
آیة الکرسی بخواند از ضرر حیوانات زهردار ایمن باشد و
هیچ چیز مانع بهشت رفتن او نباشد مگر موت و هیچکس
مواظبت بران نکند مگر صدیقی یا عابدی و هر کس ایمان بخدا
و روز قیامت دارد ترک خواندن قل هو الله احد بعد از هر فریضه

نکند

نکند که خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع فرماید و گناهان
او و والدین و برادران و خواهرانش را بیامرزد و هر کس بعد از
هر فریضه دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از آن دست
برداشته بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ
الْمَخْزُونِ الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَکِ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
الْعَظیمِ وَسُلْطانِکَ الْقَدیمِ اَنْ تُصَلّیَ عَلی مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ یا واهِبَ الْعَطایا یا مُطْلِقَ الْاُساری یا فَکّاکَ
الرِّقابِ مِنَ النّارِ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَتُخْرِجَنی مِنَ الدُّنْیا
سالِماً وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ آمِناً وَاَنْ تَجْعَلَ دُعائی اَوَّلَهُ
فَلاحاً وَاَوْسَطَهُ نَجاحاً وَآخِرَهُ صَلاحاً اِنَّکَ اَنْتَ
عَلّامُ الْغُیُوبِ چون از دنیا بیرون رود از گناهان خالص
باشد مانند طلای بیغش و هیچکس برو مظلمه نباشد
و بعد از هر نماز فریضه این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
بِاسْمِکَ الْقَدیمِ وَرَأْفَتِکَ بِتَرْبِیَتِکَ اللَّطیفَةِ
وَشَفَقَتِکَ بِصَنْعَتِکَ الْمُحْکَمَةِ وَقُدْرَتِکَ بِسِتْرِکَ
الْجَمیلِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَحْیِ قُلُوبَنا بِذِکْرِکَ

وَاجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَعُيُوبَنَا مَسْتُورَةً وَفَرَائِضَنَا
مَشْكُورَةً وَنَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ
مَعْمُورَةً وَنُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً وَعُقُولَنَا
عَلَى تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً وَأَرْوَاحَنَا عَلَى دِينِكَ مَفْطُورَةً
وَجَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً وَأَسْمَاءَنَا فِي
خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً وَحَوَائِجَنَا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً
وَأَرْزَاقَنَا مِنْ خَزَائِنِكَ مَدْرُورَةً أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالَاكَ وَسَعِدَ مَنْ نَاجَاكَ
وَعَزَّ مَنْ نَادَيكَ وَظَفِرَ مَنْ رَجَاكَ وَغَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ
وَرَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ وهر كس بعد از همه نمازها بكويد يَا مَنْ
لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ السَّائِلُونَ
يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ
رَحْمَتِكَ كناهان وى همه آمرزيده شود اكر چه بعدد ستاره آسمان
باشد وقطره باران وخاك زمين وريك بيابان باشد هر كس
بعد از هر نماز فريضه بكويد أُجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي
وَدَارِي وَكُلَّ مَا هُوَ مِنِّي بِاللهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ
الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَأُجِيرُ

نفسی ومالی وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی
بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد برب الفلق من
شر ما خلق تا اخر سوره وبرب الناس تا اخر سوره و
بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم تا اخر ایة الکرسی او
وخانه ومال واولادش از افات محفوظ گردد ونیز بعد از
نماز فریضه باید گفت رضیت بالله ربا وبمحمد نبیا
وبالاسلام دینا وبالقران کتابا وبعلی ولیا والحسن
والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد
وعلی والحسن ومحمد ائمة اللهم ولیک محمد بن
الحسن فاحفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه
وعن شماله ومن فوقه ومن تحته وامدد له فی عمره
واجعله القائم بامرک والمنتصر لدینک واره
ما یحب وتقر به عینه فی نفسه وذریته وفی
اهله وماله وفی شیعته وفی عدوه وارهم منه
ما کانوا یحذرون واره فیهم ما یحب وتقر به عینه
واشف به صدورنا وصدور قوم مؤمنین وهرکس
پیش از انکه داخل نماز شود بگوید اللهم انی اتوجه الیک

بمحمد وآل محمد تا آخر دعائی که در فصل کیفیت اشتغال نماز گذشت

وبعد از نماز بگوید اللهم اجعلنی مع محمد وآل محمد فی کل

عافیة وبلاء واجعلنی مع محمد وآل محمد فی کل

مثوی ومنقلب اللهم اجعل محیای محیاهم ومماتی

مماتهم واجعلنی معهم فی المواطن کلها ولا تفرق

بینی وبینهم انک علی کل شیء قدیر با محمد وآل محمد صلی الله

علیه وآله وسلم باشد وهر کس بعد از هر فریضه بگوید رضیت بالله

ربا وبمحمد نبیا وبالاسلام دینا وبالقرآن کتابا و

بالکعبة قبلة وبعلی ولیا اماما وبالحسن و

الحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد

~~وجعفر وموسی وعلی ومحمد~~ وعلی والحسن والحجة

القائم الخلف صلوات الله علیهم ائمة فارضنی

لهم انک علی کل شیء قدیر بالیان [illegible] رون رود و

اگر بعد از هر نماز بگوید اللهم اهدنی من عندک وافض

علی من فضلک وانشر علی من رحمتک وانزل علی

من برکاتک روز قیامت هشت در بهشت بر وی گشوده شود تا

از هر کدام خواهد داخل شود وحضرت صادق صلوات الله علیه فرمود

از جمله حقوق ما بر دوستان و شیعیان ما اینست که چون از نماز
فریضه فارغ شوند برخیزند تا این دعا بخوانند اللهم انی اسئلك
باسمك العظیم و بحقك العظیم العظیم ان تصلی
على محمد و آله الطاهرین و ان تصلی علیهم صلوة تامة دائمة
و ان تدخل على محمد و آل محمد و اولیائهم حیث کانوا
و این کانوا فی سهل او جبل او بر او بحر من برکة
دعائی ما تقر به عیونهم احفظ یا مولای الغائبین
منهم و اردد هم الی اهالیهم سالمین و نفس عن
المهمومین و فرج عن المکروبین و اکس العارین
و اشبع الجائعین و ارو الضامئین و اقض دین
الغارمین و زوج العازبین و اشف المرضی و ادخل
على الاموات ما تقر به عیونهم و انصر المظلومین
من اولیاء آل محمد علیهم الصلوة و السلام و اطف نائرة
المخالفین اللهم و ضاعف و بأسك و نكالك و عذابك لعنتك
على الذین کفروا نعمتك و خونوا رسولك و اتهموا نبیك
و بائیناه و حلوا عقده فی وصیته و نبذوا عهده فی
خلیفته من بعده و ادعیا مقامه و غیرا احکامه و بدلا

سُنَّتَهُ وَقَلَبا دِينَهُ وَصَغَّرا قَدْرَ حُجَجِكَ وَبَدَءَا بِظُلْمِهِمْ وَطَرَقا
طَرِيقَ الْغَدْرِ عَلَيْهِمْ وَالْخِلافِ عَنْ اَمْرِهِمْ وَالْقَتْلِ لَهُمْ
وَاِرْهاجِ الْحُرُوبِ عَلَيْهِمْ وَمَنْعِ خَليفَتِكَ مِنْ سَدِّ الثَّلْمِ
وَتَقْوِيمِ الْعِوَجِ وَتَثْقيفِ الْاَوَدِ وَاِمْضاءِ الْاَحْكامِ وَ
اِظْهارِ دينِ الْاِسْلامِ وَاِقامَةِ حُدُودِ الْقُرْانِ وَالْعَنْهُما
وَابْنَتَيْهِما وَكُلَّ مَنْ مالَ مَيْلَهُمْ وَحَذا حَذْوَهُمْ وَسَلَكَ
طَرِيقَهُمْ وَتَصَدَّرَ بِبِدْعَتِهِمْ لَعْناً لا يَخْطُرُ بِبالٍ وَ
يَسْتَعيذُ مِنْهُ اَهْلُ النّارِ اَللّٰهُمَّ مَنْ دانَ بِقَوْلِهِمْ وَاتَّبَعَ
اَمْرَهُمْ وَدَعا اِلى وِلايَتِهِمْ وَشَكَّ فى كُفْرِهِمْ مِنَ
الْاَوَّلينَ وَالْاخِرينَ و هم از انحضرت صلوات الله عليه
مرويست كه از جمله حقوق ما بر شيعيان اينست كه بعد از فريضه
دست بر زنخ بگيرند وسه مرتبه بگويند يا رَبَّ مُحَمَّدٍ عَجِّلْ فَرَجَ
آلِ مُحَمَّدٍ يا رَبَّ مُحَمَّدٍ اِحْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ يا رَبَّ مُحَمَّدٍ
اَنْتَقِمْ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ مولف اين مجموعه كويد همچنانكه از قران مبين
واحاديث اهلبيت طاهرين عليهم السلام معلوم است وهيچ شكى
دران نيست اينست كه اين دو دعا و هر دعائى كه باين مضمون باشد
يعنى مشتمل باشد بر ولايت اهلبيت عليهم السلام و دعاى ايشان و شيعيان

وبراءت ولعنت براعدا و غاصبان حق ایشان افضل است از همهٔ
ادعیه واذکار و اجلست از جمیع افعال و اعمال زیرا که ایمان باین
تمام است واگر نعوذ بالله درین قصوری باشد هیچ عبادتی بقدر
ذره سود ندهد و مرویست که چون از فریضه فارغ شوید تا بنی امیه را
لعن نکنید بجای نروید مرویست که در آسمان فرشته ایست که
هزار هزار سر دارد و در هر سری هزار هزار دهن و در هر دهن هزار
هزار زبان و با هر زبان هزار هزار لغت خدا را تسبیح میکند
وقتی از جناب الهی سؤال نمود که آیا کسی از بندگان تو باشد که مثل
من عبادت کند از آنجناب جواب رسید که در زمین مرا
بنده ایست که تسبیحش بیشتر است و ثوابش عظیم تر آن فرشته
رخصت طلبید آن بنده یافته آمد و سه روز با او بود زیاده برین
عبادتی از و ندید که بعد از هر فریضه این تسبیح میگفت
سُبْحَانَ اللهِ كَمَا يُسَبِّحُ اللهُ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ
يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ
جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ
أَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ
وَعِزِّ جَلَالِهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا

مرویست که حضرت صادق صلوات الله علیه ... عبادات ... هر فریضه ... که از ... زبان
... الکلام است

هو

يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه
وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما
يحب الله ان يكبر وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم
وجهه وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر على كل نعمة انعم بها على و
على كل احد من خلقه ممن كان او يكون الى يوم القيمة
اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك
خير ما ارجوا وخير ما لا ارجوا واعوذ بك من شر
ما احذر ومن شر ما لا احذر و هر كس بعد از هر نماز
سه مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر از سوختن وغرق شدن وخراب ماندن وخوردن
جانوران درنده ومردن بوجهی بد وناخوش وبلایه که دران روز
نازل شود ایمن باشد ومرویست که مسافر تسبیحات را
بعد از هر نماز که قصر میکند سی مرتبه بخواند نماز وی بآن تمام شود
وهر کس بعد از نماز صبح وشام پیش از انکه حرف زند وپا از جا
وضعی که نشسته تغیر دهد صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم صد نوع بلا ازو

دفع شود که سهل ترین ان برص وجذام وشیطانی وسلطان باشد
واکر هفت مرتبه بکوید هفتاد نوع بلا دفع شود که سهل ترین ان
جذام وجنون وبرص باشد واکر شقی باشد از دیوان اشقیا
محو کردد ودر زمره سعدا ثبت شود واکر بعد از نماز صبح صد مرتبه
بکوید باسم اعظم نزدیکتر باشد از سیاهی چشم بسفیدیش و
اسم اعظم دران داخل باشد واکر بعد از نماز صبح وشام پیش از انکه
حرف زند با کسی ویا را اکر داند بکوید اِنَّ اللهَ وَمَلٰئِکَتَهٗ
یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یٰاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ وَ
سَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَذُرِّیَّتِهٖ خدایتعالی
صد حاجت او را بر ارد هفتاد در دنیا وسی در اخرت
واکر بعد از نماز صبح وشام بکوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ النُّوْرَ
فِیْ بَصَرِیْ وَ[illegible] فِیْ دِیْنِیْ الْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ
فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالشُّکْرَ
لَکَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ از درد چشم ایمن شود وبخیر دنیا
واخرت برای او جمع شود واکر بعد از نماز صبح وظهر بکوید اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَصَلٰوةَ مَلٰئِکَتِکَ وَرُسُلِکَ عَلٰی مُحَمَّدٍ

وآلِ محمّدٍ یکسال گناه برو ننویسند و اگر بعد از این دو نماز بگوید
اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وعجّل فرجهم از دنیا
نرود تا بخدمت حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
برسد و اگر بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند بگوید یا ربّ صلّ
علی محمّدٍ واهلِ بیته خدا تعالی روی او را از تابش آتش
نگاه دارد و اگر بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله
العظیم وبحمده ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ
العظیم از کوری و دیوانگی و جذام و پریشانی و ضعف
پیری ایمن گردد و اگر بعد از نماز صبح این دعا بخواند هر حاجتی
که خواهد بر آورده شود وخدا تعالی کفایت مهماتش فرماید
بسم الله وصلّی الله علی محمّدٍ وآله وافوّض امری
الی الله انّ الله بصیرٌ بالعباد فوقیه الله سیّئات
ما مکروا لا اله الّا انت سبحانک انّی کنت من
الظالمین فاستجبنا له ونجّیناه من الغمّ وکذلک
ننجی المؤمنین حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا
بنعمةٍ من الله وفضلٍ لم یمسسهم سوءٌ ما شاء الله و
لا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم ما شاء الله و

لا لما شاء الناس ما شاء الله وإن كره الناس حسبي
الرب من المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين
حسبي الرازق من المرزوقين حسبي الذي لم يزل
حسبي من كان مذ كنت حسبي حسبي الله الذي
لا إله إلا هو توكلت وهو رب العرش العظيم
وهر كس هر روز بعد از نماز عصر بگوید استغفر الله الذي
لا إله إلا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم ذا الجلال
والإكرام وأسأله أن يتوب علي توبة عبد ذليل
خاضع فقير بائس مسكين مستجير لا يملك لنفسه
نفعا ولا ضرا ولا حيوة ولا موتا ولا نشورا خدای تعالی
ملكين را فرماید تا نامه گناهان او را هر چه باشد در آتش
بسوزانند وهر كس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار كند
هفتصد گناهش آن روز او آمرزیده شود واگر او را اینقدر گناه
نباشد از گناه پدرش آمرزیده شود واگر او را نبود از خواهرش
واگر او را نبود از خویشانش الاقرب فالاقرب وهر كس بعد از
نماز عصر ده مرتبه انا انزلناه بخواند بعد هر كس نماز عصر گزارده
برای او حسنه ثبت نمایند و روایت دیگر آمده مثل اعمال همه

خلایق برای او ثبت نمایند و روایت شده که دو آیه سوره بقره
آمن الرسول بما انزل تا آخر سوره را خدا تعالی از گنجهای بهشت
فرستاده و هزار سال پیش از آنکه خلایق را بیافریند بدست
خود نوشته هر کس بعد از نماز خفتن بخواند مجزی باشد
او را از قیام لیل و هر کس روز جمعه بعد از نماز صبح پیش از آنکه
حرف زند بگوید اَللّٰهُمَّ مَا قُلْتُ فِي جُمُعَتِي هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ
اَوْ حَلَفْتُ فِيهَا مِنْ حَلْفٍ اَوْ نَذَرْتُ فِيهَا مِنْ نَذْرٍ
فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيْ ذٰلِكَ كُلِّهِ مَا شِئْتَ مِنْهُ اَنْ
يَكُونَ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي
وَتَجَاوَزْ عَنِّي اَللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلَوَاتِي عَلَيْهِ
وَمَنْ لَعَنْتَهُ فَلَعْنَتِي عَلَيْهِ کفاره گناهانی باشد که در آن
هفته کرده و هر کس بعد از عصر روز جمعه هفت مرتبه بگوید
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ
بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ
وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ خدا تعالی
برای او صد هزار حسنه ثبت نماید و صد هزار سیئه از و محو فرماید
و صد هزار درجه بلند کرداند و صد هزار حاجتش را بر آورد و بعد

هر کس او را حسنه باشد و اعمالش در آن روز مقبول گردد و چون

روز قیامت بیاید میان هر دو چشمش نوری رخشان باشد

و چون از نماز و تعقیبات آن فارغ شود سنت موکده لازم است

سجده شکر کردن که ادای نماز تمام شد و موجب رضای خدای

باشد و ملائکه را از آن خوش آید و خدای تعالی حجاب را از میان

او و ملائکه بردارد و گوید به بینید بنده من عبادت من

بجای آورده و اکنون سجده میکند مرا شکر اینکه توفیقش

داده ام پس جزای او چه باشد ملائکه گویند خدایا رحمت تو

فرماید دیگر چه باشد گویند بهشت تو گوید دیگر چه گویند کفایت

مهمات و همچنین خدای تعالی سوال کند و ملائکه جواب گویند

تا آنکه چیزی نماند مگر آنکه گفته شود باز سوال فرماید گویند

خدایا پیش از این علم ما وفا نکند پس خدای تعالی فرماید شکر او کنم

همچنانکه او شکر من میکند و بفضل خویش روی با او کنم و جمال

خود با او نمایم و نیز مرویست که خدای تعالی بحضرت موسی علی نبینا

و آله و علیه السلام وحی فرمود و گفت میدانی بچه سبب ترا بمناجاة

و کلام خود اختیار نمودم گفت خدایا ندانم فرمود همه بندگان خود را

تجسس کردم و امتحان فرمودم هیچکس متواضع تر و ذلیل نفس تر

طریق سجده شکر

از تو نیافتم زیرا که چون نماز کذاری هر دو روی خود بر خاک نهی و

سجده شکر چنین کند که هر دو ساعد و سینه و شکم ملاصق

زمین باشد و در سجده اول صد مرتبه بگوید الحمد لله شکرا

و هر ده مرتبه یکبار بگوید شکرا للمجیب و چون صد مرتبه تمام

شود بگوید یا ذا المنّ الذي لا ینقطع ابداً و لا یحصیه

غیره و یا ذا المعروف الذي لا ینفد ابداً یا کریم

یا کریم یا کریم پس حاجتی که خواهد بطلبد بعد از آن بگوید

لک الحمد إن اطعتک و لک الحجة إن عصیتک

لا صنع لي و لا لغیري في احسان منک إلیّ في حال

الحسنة یا کریم یا کریم صل علی محمد و اهل بیته

و صل بجمیع ما سألتک من في مشارق الارض و مغا

ربها من المؤمنین و المؤمنات و ابدأ بهم و ثنّ بي برحمتک

و چون روی راست بر زمین کذارد بگوید اللهم لا تسلبني

ما انعمت به عليّ من ولایتک و ولایة محمد و آل

محمد علیهم السلام پس روی چپ بر زمین کذارد و همین بگوید

پس بار دیکر سجده کند و صد مرتبه بگوید شکرا شکرا طریقه

دیکر آنکه در سجده اول بکوید اسألک بحق حبیبک محمد

صلوٰاتك عليه وآله الّا بدّلت سيئاتي حسنات وحاسبتني
حساباً يسيراً وچون روی راست بر زمین گذارد بگوید اسئلك
بحق حبيبك محمد صلواتك عليه وآله الا كفيتني مؤنة
الدنيا وكل هول دون الجنة وچون روی چپ بر زمین
گذارد بگوید اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك عليه
وآله لما غفرت لي الكثير من الذنوب والقليل
وقبلت من عملي اليسير وچون مرتبه دیگر سجده کند بگوید
اسئلك بحق حبيبك محمد صلواتك عليه وآله لما
ادخلتني الجنة وجعلتني من سكانها ولما نجيتني
من سفعات النار برحمتك واقل سجده شکر آنست
که سه مرتبه بگوید شكراً لله شكراً لله وچون سر از سجده بردارد
سه مرتبه بگوید بسم الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب
والشهادة الرحمن الرحيم اللهم اذهب عني الهم
والحزن وهر مرتبه دست راست بر موضع سجده بمالد و بر جانب
چپ روی بمالد پس بر روی بکشد تا جانب راست که هم و حزن
زایل کند وچون از جای نماز برخیزد بگوید سبحان ربك رب
العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب

العالمین که هر کس اخر کلامش این بود خدا تعالی بد بیشترین کیلها

او را ثواب دهد و بعد ده مسلی برای او حسنه ثبت نماید

فصل نهم در فضایل اذکار ساعات شبانه روز و اوراد

صبح و شام و ذکر فضایل اخبار روز جمعه و ادعیه مخصوص بآن

درمیان لیالی و ایام از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین

مرویست که هیچ روز بر بنی آدم وارد نشود مگر آنکه گوید ای آدمی زاد

من روزی تازه ام و شاهد اعمال توام پس تا من با توام هرچه

گوئی خیر گوی و هرچه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم

و چون از تو جدا شوم دیگر تورا بمن دست رس نباشد و

هم از ایشان علیهم السلام مرویست که شیطان لعنه الله هر روز از

طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق

مغرب جنود و اتباع خود را در زمین منتشر سازد برای ضلال

مردمان پس درین دو وقت ذکر خدا بسیار کنید و خود و کودکان

خود را بخدا پناه دهید و استعانه نمائید تا از کید و شر شیطان

محافظت فرماید که این دو ساعت غفلتند و هم از ایشان

علیهم السلام مرویست که خدا تعالی فرماید یکساعت از صبح و یکساعت

بعد از عصر ذکر من کنید تا من کفایت مهمات شما نمایم و نیز فرموده اند

چون آفتاب زرد شود ذکر خدا کنید و اگر با جمعی باشید که شما را
مشغول سازند از میان ایشان برخیزید و مشغول ذکر و دعا
شوید و در وقت طلوع صبح بگویید الحمد لله فالق الاصباح
سبحان رب المساء و رب الصباح اللهم صبح آل
محمد ببركة وعافية وسرور وقرة عين اللهم
انك تنزل بالليل والنهار ما تشاء فانزل علي وعلى
اهل بيتي من بركة السموات والارض رزقا حلالا طيبا
تغنيني به عن جميع خلقك و از جمله ادعیه مخصوص صبح دعا
ئیست عظیم الفضایل جسیم الفواضل شریف المضامین
منسوب بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه اللهم یا من
دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع الليل المظلم
بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير
تبرجه وشعشع ضياء الشمس بنور تأججه يا من دل
على ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل
عن ملائمة كيفياته يا من قرب من خواطر الظنون
وبعد عن ملاحظة العيون وعلم بما كان قبل ان يكون
يا من ارقدني في مهاد امنه وامانه وايقظني الى ما

منحنى بره من منته واحسانه وكفاني كف السوء
عني بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك في الليل
الاليل والممسك من اسبابك بحبل الشرف الاطول
والناصع الحسب في ذروة الكاهل الاعبل والثابت
القدم على زحاليفها في الزمن الاول وعلى اله الاخيار
المصطفين الابرار وافتح اللهم لي مصاريع الصباح
بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسني بافضل خلع الهداية
والصلاح واغرس اللهم لعظمتك في شرب جناني
ينابيع الخشوع واجر لهيبتك من اماقي زفرات الدموع
وادب نزق الخرق مني بازمة القنوع الهي ان لم
تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك
واضح الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل
والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني
نصرك عند محاربة النفس والشيطان فقد وكلني
خذلانك الى حيث النصب والحرمان الهي اتراني اتيتك
من حيث الامال ام علقت حبالك حين باعدتني ذنوبي
من دار الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي من

هواها

هواها فواها لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا لها
لجرأتها على سيدها ومولاها الهي قرعت برحمتك
بيد رجائي وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي
وعلقت باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح اللهم
عما كان من زللي وخطائي واقلني من صرعة ردائي انك
سيدي ومولاي ومعتمدي ورجائي في منقلبي ومثواي
وانت غاية مناي الهي كيف تطرد مسكينا التجأ اليك
من الذنوب هاربا ام كيف تخيب مسترشدا قصد
الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمآنا ورد الى
حياضك شاربا كلا وحياضك مترعة في ضنك
المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول وانت غاية
السؤل ونهاية المامول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها
بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك
وهذه اهوائي المضلة وكلتها الى جناب لطفك
فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى
والسلامة في الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد
العدى ووقاية من مرديات الهوى انك على كل شيء قدير

وبالإجابة جدير اللهم مالك الملك تؤتي الملك من
تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل
من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير تولج
الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من
الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
إلهي من ذا العرف قدرك فلا يخافك ومن ذا العلم ما
أنت فلا يهابك ألفت بقدرتك الفرق وفلقت برحمتك
الفلق وأنرت بكرمك دياجي الغسق وأنهرت المياه
من الصم الصياخيد عذبا وأجاجا وأنزلت من المعصرات
ماء ثجاجا وجعلت الشمس والقمر للبرية سراجا و
هاجا من غير أن تمارس فيما ابتدعت به لغوبا ولا علاجا
فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت و
الفناء صل على محمد وآله الأتقياء واسمع ندائي ودعائي
واستجب دعائي وحقق بفضلك أملي ورجائي يا خير
من دعي لكشف الضر والمأمول لكل عسر ويسر بك
أنزلت حاجتي فلا تردني من سني مواهبك خائبا
يا كريم يا كريم يا كريم برحمتك يا أرحم الراحمين وصلى الله

علي

علی خیر خلقه و مظهر لطفه محمد و آله اجمعین و سلم تسلیما
کثیرا کثیرا و نیز این دعا از صحیفه کامله هر صبح بخوانند
که فضایل بعید و فواضل بسیار وعده دارد الحمد لله الذی
خلق اللیل و النهار بقدرته تا آخر و نیز هر صباح این دعا بخواند
که مرویست از امامین همامین موسی بن جعفر الکاظم و علی بن موسی
الرضا علیهم السلام بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ان ذنوبی
و کثرتها قد اخلقت وجهی عندک و حجبتنی عن
استیهال رحمتک و باعدتنی عن استیجاب مغفرتک
و لولا تعلقی بآلائک و تمسکی بالرجاء لما وعدت
امثالی من المسرفین و اشباهی من الخاطئین بقولک
یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من
رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو
الغفور الرحیم و حذرت القانطین من رحمتک
فقلت و من یقنط من رحمة ربه الا الضالون
ثم ندبتنا برحمتک الی دعائک فقلت ادعونی
استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون
جهنم داخرین لکان ذل الایاس علی مشتملا و القنوط

من رحمتك لي ملتحقا الهي قد وعدت المحسن ظنه
بك ثوابا واوعدت المسيء ظنه بك عقابا الهي وقد
امسك رمقي حسن الظن بك في عتق رقبتي من النار
وتغمد زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق الذي
لا خلف له ولا تبديل يوم ندعوا كل اناس بامامهم يوم
النشور اذا نفخ في الصور بعثرت القبور اللهم اني اقر
واشهد واعترف ولا اجحد واسر واظهر واعلن
وابطن بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك
لك وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين
وسيد الوصيين ووارث علم النبيين وقاتل المشركين
وامام المتقين ومجاهد الناكثين والقاسطين و
المارقين امامي ومحجتي وعروتي وصراطي ودليلي
وحجتي ومن لا اثق بالاعمال وان زكت ولا اراها
منجية لي وان صلحت الا بولايته والايتمام
والاقرار بفضائله والقبول من حملتها والتسليم
لرواتها اللهم واقر باوصيائه من ابنائه ائمة
وحججا وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة و

أبراراً أو من بسرّهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم
وحيّهم وميّتهم وشاهدهم وغائبهم لا شك في
ذلك ولا ارتياب عند تحوّلي عنه ولا انقلاب فادعني اللهم
يوم حشري ونشري بإمامتهم واحشرني في زمرتهم
واكتبني في أصحابهم واجعلني من إخوانهم وأنقذني
بهم من حرّ النيران وإن لم ترزقني روح الجنان فإنك
إن أعتقتني من النار كنت من الفائزين اللهم
وقد أصبحت في يومي هذا ولا ثقة لي ولا رجاء
ولا مفزع ولا ملجأ ولا ملتجى غير من توسلت بهم
إليك بهم رسولك وآله علي أمير المؤمنين وسيدتي
فاطمة الزهراء سيدة نساء والحسن والحسين وعلي
ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن
ومقيم المحجة من بعدهم الحجة المستورة من ولدهم
والمرجوّ للأمة من ذريتهم وخيرتك صلواتك
عليهم اللهم فاجعلهم في ذلك اليوم وما بعده حصني
من المكاره ومعقلي من المخاوف ونجّني بهم من كل عدو
وطاغ وفاسق وباغ ومن شر ما أعرف وما أنكر وما استتر

علی وما ابصر ومن شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان
ربی علی صراط مستقیم اللهم فبتوسلی بهم الیک
وتقربی بمحبتهم وتحصنی بامامتهم افتح علی فی هذا
الیوم ابواب رزقک وانشر علی رحمتک ومغفرتک
وحببنی الی خلقک وجنبنی عداوتهم وبغضهم انک
علی کل شیء قدیر اللهم ولکل متوسل ثواب ولکل
ذی شفاعة حق فاسئلک بمن جعلتهم الیک سببی
وقدمتهم امام طلبتی ان تعرفنی برکة یومی هذا
وشهری هذا وعامی هذا اللهم فهم مفزعی ومعولی
فی شدتی ورخائی وعافیتی وبلائی ونومی ویقظتی
وظعنی واقامتی وعسری ویسری وعلانیتی وسری
وصباحی ومسائی ومنقلبی ومثوای اللهم فلا
تخیبنی بهم من نائلک ولا تخلنی بهم من نعمتک
ولا تقطع رجائی من رحمتک ولا تؤیسنی من روحک
ولا تفتنی بانغلاق ابواب الرزق وانسداد مسالکها
وارتتاج مذاهبها وافتح لی من لدنک رحمة فتحا
یسیرا واجعل لی من کل ضنک مخرجا والی کل سعة

منهجا

منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعل الليل والنهار
مختلفين علی برحمتك ومعافاتك ومنك وفضلك
ولا تفقرنی الی احد من خلقك برحمتك يا ارحم الراحمين
انك علی کل شیء قدير وبکل شیء محيط پوشيده نباشد
که برای شيعيان و دوستان اهل بيت عليهم السلام اين دعا و
امثال اين افضل همه ادعيه و اوراد و اکمل همه وسايل واذکارست
بسبب اشتمال آن بر توسل بحبل المتين ولايت وتمسك
بعروة الوثقی امامت ايشان که معيار هر شرف و سعادت
ومدار قبول عبادت است وهر کس چهل روز بعد از نماز صبح
اين دعا بخواند از جمله انصار حضرت صاحب الزمان صلوات الله
عليه وعلی آبائه الطاهرين باشد واگر پيش از ظهور آنحضرت
بميرد در آن زمان خدا تعالی زنده گرداندش و بعد هر کلمه
هزار حسنه عطا فرمايد وهزار سيئه محو نمايد دعا اينست
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم رب النور العظيم
ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل
التورية والانجيل والزبور ورب الظل والحرور
ومنزل القرآن العظيم ورب الملائكة المقربين

والانبياء والمرسلين اللهم انى اسئلك بوجهك الكريم
وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حى
يا قيوم اسئلك باسمك الذى اشرقت به السموات
والارضون وباسمك الذى يصلح به الاولون والاخرون
يا حى حين لا حى يا محيى الموتى ومميت الاحياء يا حى
لا اله الا انت صل على محمد وال محمد وعجل اللهم
فرجهم اللهم بلغ مولينا الامام الهادى المهدى الحجة
القائم بامرك عن جميع المؤمنين والمؤمنات فى مشارق
الارض ومغاربها وسهلها وجبلها وبرها وبحرها
وحيهم وميتهم وعنى وعن والدى واهلى واخوانى
وولدى من الصلوة والتحيات زنة عرشك وعدد
كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم
انى اجدد له فى صبيحة يومى هذا وما عشت فيه من
ايام حيوتى عهدا وعقدا وبيعة له فى عنقى لا
احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلنى من انصاره
واعوانه والذابين عنه والمسارعين فى حوائجه والممتثلين
لاوامره ونواهيه والسابقين الى ارادته والمجاهدين

معه والمحامين عنه والمستشهدين بين يديه اللهم فان
حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك
حتما مقضيا فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا
سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر
والبادي اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة
الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني اليه وعجل فرجه
وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلك بي محجته وانفذ
امره واشدد ازره وقو ظهره وطول عمره واعمر اللهم
به بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك
الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس
فاظهر اللهم لنا وليك وابن وليك وابن بنت
نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه واله في
الدنيا والآخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا
مزقه ويحق الله به الحق ويحققه اللهم واجعله
مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا لمن لا يجد له
ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك و
مشيدا لما ورد من اعلام دينك وسنن نبيك محمد

صلی الله علیه وآله واجعله اللهم ممن حصّنته من بأس
المعتدین اللهم وسرّ نبیّک محمداً صلواتک
علیه وآله برؤیته ومن تبعه علی دعوته وارحم استکانتنا
من بعده اللهم اکشف هذه الغمّة عن هذه
الامّة بحضوره وعجّل اللهم لنا ظهوره انهم یرونه
بعیداً ونریه قریباً برحمتک یا ارحم الراحمین
بعد از آن سه مرتبه دست بر زانوی راست زند وبگوید العجل
العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان الغوث
الغوث الغوث صلوات الله علیک انا منتظر الیک
حتی یمکّننی الله من دولتک وسعادتک ویمنک
وبرکتک یا مولای العجل العجل العجل الساعة
الساعة الساعة بعد از آن بسیار بگوید یا صاحب
الزمان الامان الامان الامان الغوث الغوث
الغوث ادرکنی بحقک وبحق آبائک الطیبین
الطاهرین المعصومین المکرمین واز اهل بیت طاهرین
مرویست که سه چیز است که همه پیغمبران از آدم تا حضرت خاتم
صلی الله علیه وآله وسلم از یکدیگر میراث گرفته اند وان انشا

که هر روز صبح بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ اِیمَاناً تُبَاشِرُ بِهِ
قَلْبِی وَیَقِیناً حَتّٰی اَعْلَمَ اَنَّهُ لَا یُصِیبُنِی اِلَّا مَا کَتَبْتَ
لِی وَرِضَاءً بِمَا قَسَمْتَ لِی و در بعضی روایات این عبادت
نیز زیاده بران آمده حَتّٰی لَا اُحِبَّ تَعْجِیلَ مَا اَخَّرْتَ
وَلَا تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغِیثُ
اَصْلِحْ لِی شَأْنِی کُلَّهُ وَلَا تَکِلْنِی اِلَی نَفْسِی طَرْفَةَ
عَیْنٍ اَبَداً وَصَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ و هر کس هر روز پیش از
طلوع آفتاب بگوید اَللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ کَبِیراً وَسُبْحَانَ
اللهِ بُکْرَةً وَاَصِیلاً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ کَثِیراً
لَا شَرِیکَ لَهُ وَصَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فرشته آنرا بگیرد
و در میان بال خویش گذاشته باسمان رود و چون باسمان دنیا
رسد ملائکه گویند با خود چه داری گوید این کلمات را که مومنی
گفته پس ملائکه دعا کنند و گویند خدا یتعالی بران مومن
رحمت کناد و گناهانش را بیامرزاد و همچنین هر آسمان که رسد
ملائکه آسمان همین دعا کنند تا آنکه بحاملان عرش رسد
ایشان نیز این دعا کنند و گویند بر این کلمات را بخزینه داران
اقوال مومنان بسپارید تا در دوان خزینه ثبت نمایند که این از کلمات

خزینه است و هر کس هر صبح و عصر سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَوَّلِیْنَ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ
فِی الْاٰخِرِیْنَ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمَلَاءِ الْاَعْلٰی
وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ فِی الْمُرْسَلِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا
الْوَسِیْلَةَ وَالْفَضِیْلَةَ وَالشَّرَفَ وَالرِّفْعَةَ وَالدَّرَجَةَ
الْکَبِیْرَةَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اٰمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَّلَمْ اَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِیْ
یَوْمَ الْقِیٰمَةِ رُؤْیَتَهُ وَارْزُقْنِیْ صُحْبَتَهُ وَتَوَفَّنِیْ عَلٰی
مِلَّتِهِ وَاسْقِنِیْ مِنْ مَاءِ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِیًّا سَائِغًا
هَنِیْئًا لَا اَظْمَأُ بَعْدَهُ اَبَدًا اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
اَللّٰهُمَّ وَکَمَا اٰمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَّلَمْ اَرَهُ فَعَرِّفْنِیْ فِی الْجِنَانِ وَجْهَهُ
اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ عَنِّیْ تَحِیَّةً کَثِیْرَةً وَّسَلَامًا گناهانش
فرو ریزد و خطاهاش محو گردد و سرورش دایم شود و بر دشمنان
نصرت یابد و اسباب خیرات برای او مهیا شود و آرزویش
برآید و روزیش وسیع گردد و در بهشت از رفقای محمد و آل محمد
صلی الله علیهم باشد و از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق
علیهما السلام مرویست که سنتی که واجب است بعد از طلوع و پیش
از غروب آفتاب ده مرتبه خواندن این تهلیل لا اله الا الله

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ
حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وبعد از ان
ده مرتبه این استعاذه أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ
هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللهِ أَنْ يَحْضُرُونِ إِنَّ اللهَ
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ واکر فراموش شود قضا کند همچنانکه نماز را
قضا میکند و در روایت دیکر آمده که هر کس این تهلیل را
ده مرتبه پیش از طلوع و غروب افتاب بخواند کفاره کناهان
ان روز شب باشد و هر کس پیش از طلوع و غروب افتاب صد مرتبه
اللهُ أَكْبَرُ بکوید همچنانست که صد بنده آزاد کند و هر کس
هر صبح و شام سه مرتبه بکوید فَسُبْحَانَ اللهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ
حِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا
وَحِينَ تُظْهِرُونَ دران شبانه روز هیچ خیری ازو فوت
نشود و هیچ شری باو نرسد و هر کس هر صبح و شام چهار مرتبه
بکوید الحمد لله رب العالمین شکران شبانه روز بجا
آورده باشد و مرویست که کسی با بو دردا کفت آتش افتاده
و خانه ات سوخت کفت خانه من نسوخته دیکری آمد همین خبر
آورد و دیکری نیز آمده همین آورد همین جواب شنیدند چون

معلوم شد خانهای حوالی خانهٔ او همه سوخته بود و خانهٔ او در میان
سالم مانده پرسیدند چون دانستی که خانهات نسوخته گفت
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که هر کس
صبح و شام بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّی لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ عَلَیْكَ
تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ
اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ ما شاءَ اللّٰهُ كانَ وَما لَمْ یَشَأْ لَمْ
یَكُنْ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَاَنَّ اللّٰهَ قَدْ
اَحاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ عِلْماً اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ
نَفْسِی وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ
رَبِّی عَلیٰ صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ در ان شبانه روز هیچ آفت بر
او نرسد و من این را گفته بودم و نیز هر صبح و شام این دعا
سه مرتبه بخواند اَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ الْمَنِیعِ
اَلَّذِی لا یُحاوَلُ وَلا یُطاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ
مِنْ سائِرِ ما خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصّامِتِ
وَالنّاطِقِ فِی جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ
وَلاءِ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّكَ عَلَیْهِ السَّلامُ مُحْتَجِماً مِنْ
كُلِّ قاصِدٍ لِی اِلیٰ اَذِیَّةٍ بِجِدارٍ حَصِینِ الْاِخْلاصِ

فی الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا ان الحق
معهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واجانب من جانبوا
فصل علی محمد وال محمد واعذنی اللهم بهم من شر
کل ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع
السموات والارض انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا
فهی الی الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
ودر وقت شام بجای اصبحت امسیت بگوید از همهٔ
مخاوف ومکاره ایمن شود انشاء الله تعالی واز حضرت
امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام مرویست که اگر همه چیز را
ترک کنی این دعا را صبح وشام ترک مکن اللهم انی اصبحت
استغفرك فی هذا الصباح وفی هذا الیوم لاهل رحمتك
وابرء الیك من اهل لعنتك اللهم انی اصبحت ابرء
الیك فی هذا الیوم وفی هذا الصباح ممن نحن بین
ظهرانیهم من المشرکین ومما کانوا یعبدون انهم
کانوا قوم سوء فاسقین اللهم اجعل ما انزلت
من السماء الی الارض فی هذا الصباح وفی هذا الیوم

بعزّك وامسى فقرى مستجيرا بغناك وامسى وجهى الفانى
البالى مستجيرا بوجهك الدّائم الباقى اللّهمّ البسنى
عافيتك وغشّنى برحمتك وجلّلنى كرامتك وقنى
شرّ خلقك من الجنّ والانس يا الله يا رحمن يا رحيم
ومرويست كه در وقت ظهر كفتن اين تسبيح را محافظت نماى
همچنانكه چشم خود را محافظت ميكنى سبحان الله ولا اله
الّا الله والحمد لله الّذى لم يتّخذ ولدا ولم يكن له
شريك فى الملك ولم يكن له ولىّ من الذّلّ وكبّره
تكبيرا واما فضايل شبانه روز جمعه واوراد آن مرويست
از اهل بيت طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين كه هيچ روز آفتاب
طلوع نكند افضل از روز جمعه و سيد روزها است وخداى تعالى
در روز جمعه حسنات مضاعف كند وسيئات محو نمايد
ودرجات بلند كرداند ودعوات اجابت فرمايد وبليات
دفع كند وحاجات عظيم براورد ورحمت وفضل زياده كرداند
وهيچكس درين روز دعا نكند وطلب مغفرت ننمايد وحال
انكه حق وحرمت اين روز را اشناسد مكر آنكه بر خداى لازم
باشد كه او را از آتش آزاد كرداند پس اكر در روز جمعه يا شب

ان بمیرد شهید باشد واز عذاب قبر واتش دوزخ ایمن باشد
وهر قدر تواند درین روز طاعات وعبادات وسائر
خیرات درین روز زیاده کنند که ثواب حسنات مضاعف
باشد وترك معاصی ومناهی وجمیع ملاهی نمایند که عقوبت
سیئات مضاعف کردد وبسا باشد که مومنی دعا کند وخدا تعالی
تاخیر اجابت ان کند تا روز جمعه برای فضیلت آن روز و شب جمعه
نیز در فضل وشرف مثل روزش باشد وخدا تعالی هر شب جمعه
از اول شب تا طلوع صبح از بالای عرش ندا فرماید وکوید ای
بندهٔ مومنی که حاجتی داری برای دنیا واخرت طلب نمای
تا اجابت کنم واکر کناهی کردهٔ استغفار نمای تا قبول نمایم
واکر معاشت تنك شود سوال نمای تا زیاده فرمایم واکر بیماری
دعا کن تا شفا دهم واکر محبوس ومغموم باشی استغاثه کن
تا نجات دهم واکر مظلوم باشی استعانت نمای تا نصرت
دهم ودر ثلث اخر هر شب ودر شب جمعه از اول شب تا طلوع صبح
ملکی را فرستد تا از جانب جناب او ندا کند وکوید هر کس را
حاجتی باشد بخواهد تا اجابت شود واکر کناهی کردهٔ توبه
نماید تا مقبول کردد ای طالبان خیر مشغول خیر شوید وای

طالبان شر ترك شرور نمائید وچون صبح طلوع کند بمقام خود
رود و در ملکوت سما رجوع نماید و مستحب است در روز جمعه
بجهة عیال و اطفال میوه و تحفه تازه که در روزهای دیگر
ننوده باشد آورند تا درین روز شاد و خوشحال باشند و
محبتشان باین روز زیاده گردد و هر کس استخفاف بحرمت این
روز کند وحق آن را ضایع کرده اند بر خدا لازم باشد که او را بجهنم
برد مگر آنکه توبه کند و اگر درین روز یك بیت شعر بخواند
نصیبش از فضایل آن همان باشد و افضل اعمال در شب و روز
جمعه صلوات فرستادن است بر پیغمبر و آلش صلی الله علیه وآله
وسلم چون عصر پنجشنبه شود ملائکه از آسمان نازل شوند
بعدد مور با قلمهای طلا و لوحهای نقره و تا شب شنبه
کارشان همین باشد که هر کس صلوة فرستد نویسند واین
ملائکه در روزهای دیگر نازل نشوند و سنت است روز جمعه
هزار مرتبه و سایر روزها صد مرتبه صلوة فرستادن و هر کس
هر شب جمعه سوره بنی اسرائیل بخواند از اصحاب حضرت صاحب
الزمان صلوات الله علیه گردد و هر کس شب جمعه یا روز جمعه
بعد از عصر سوره کهف بخواند تا جمعه دیگر محفوظ باشد و اگر هر

شب جمعه

شب جمعه بخواند درجه شهدا یابد و در زمرهٔ ایشان محشور شود
و کفاره گناهانش از جمعه سابق تا این جمعه و هر کس شب جمعه
یا هر شب عید فطر و اضحی ده مرتبه بگوید یَا دَائِمَ الْفَضْلِ
عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ
الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرَىٰ
سَجِيَّةً وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَى فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ
هزار هزار حسنه برای او ثبت نمایند و هزار هزار سیئه محو فرمایند
و هزار هزار درجه بلند کرده اند و روز قیامت با ابراهیم
خلیل علیه الصلوة والسلام در مجلس مزاحمت نماید و روزه این روز
برابر است با ده روز نورانی درخشان که بروزهای دنیا شبیه
نبود و مستحب است روز جمعه زیارت حضرت پیغمبر و اهل بیتش
صلی الله علیهم اجمعین و چون خواهد زیارت کند غسل کند
و جامهای پاکیزه بپوشد و بصحرا بیرون رود و در روایت
دیگر ببام خانه نیز آمده و چهار رکعت نماز بگذارد پس روی بقبله
بایستد و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ
وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ
الْمُرْتَضَىٰ وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَىٰ وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالسِّبْطَانِ

الْمُنْتَجَباتِ وَالاوْلادُ الاعْلامُ وَالائِمَّةُ الْمُنْتَجَبُونَ

جِئْتُ انْقِطاعاً اِلَيْكُمْ وَاِلى آبائِكُمْ وَوَلَدِكُمْ

الْخَلَفِ عَلى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ

مُعَدَّةٌ حَتّى يَحْكُمَ اللّٰهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ

عَدُوِّكُمْ اِنِّي لَمِنَ الْقائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ

لا اُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلا اَزْعُمُ اِلّا ما شاءَ اللّٰهُ سُبْحانَ اللّٰهِ

ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللّٰهَ بِاَسْمائِهِ جَمِيعُ

خَلْقِهِ وَالسَّلامُ عَلى اَرْواحِكُمْ وَاَجْسادِكُمْ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ ومستحب است روز جمعه انواع تطهير وتنظيف

وتعطير چنانكه بتفصيل در باب دويم بيان شده وبهترين

جامها كه مقدور باشد پوشيدن وبا سكينه ووقار متوجه

مسجد شدن وچون تهيه نماز كردن متوجه مسجد شود بگويد

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَاَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ اِلى

مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَطَلَبَ نائِلِهِ وَجَوائِزِهِ وَفَواضِلِهِ

فَاِلَيْكَ يا سَيِّدِي وِفادَتِي وَتَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَاِعْدادِي

وَاسْتِعْدادِي رَجاءَ رِفْدِكَ وَجَوائِزِكَ وَنَوافِلِكَ

فَلا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجائِي يا مَنْ لا يَخِيبُ عَلَيْهِ سائِلٌ

وَلا يَنقُصُهُ نائِلٌ فَاِنْ لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ

وَلا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلكِنْ اَتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ

وَالْاِساءَةِ لا حُجَّةَ لِي وَلا عُذْرَ فَاَسْئَلُكَ يا رَبِّ اَنْ

تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بِرَغْبَتِي وَلا تَرُدَّنِي

مَجْبُوهاً وَلا خائِباً يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ اَرْجُوكَ

لِلْعَظِيمِ اَسْئَلُكَ يا عَظِيمُ اَنْ تَغْفِرَ لِيَ الْعَظِيمَ لا

اِلهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي خَيْرَ

هذَا الْيَوْمِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ وَاغْسِلْنِي فِيهِ

مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي وَخَطاياىَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ اِنَّكَ

اَنْتَ الْوَهّابُ و در روز جمعه دو ساعت است که دعا دران

البته مستجاب شود یکی وقت زوال و دویم آخر روز تا آنکه آفتاب

غروب کند و مستحب است آخر این روز خواندن دعای سمات — در ساعت ۲

مرویست از حضرت امام همام محمد بن علی الباقر علیهما السلم

که این دعا از عمیق مکنون و مخزون علمست پس برای حاجات

و هلاک دشمنان ما بخوانید و با طفال و سفها و ظالمان

و منافقان اظهار آن مکنید و اگر قسم یاد کنم که اسم اعظم درین

دعا است راست گفته باشم و دعا اینست اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي اِذَا
دُعِيتَ بِهٖ عَلٰى مَغَالِقِ اَبْوَابِ السَّمَاۤءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ
انْفَتَحَتْ وَاِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلٰى مَضَائِقِ اَبْوَابِ الْاَرْضِ
لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَاِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ
تَيَسَّرَتْ وَاِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلَى الْاَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ
وَاِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلٰى كَشْفِ الْبَاْسَاۤءِ وَالضَّرَّاۤءِ انْكَشَفَتْ
وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَاَعَزِّ الْوُجُوهِ
الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَخَشَعَتْ
لَهُ الْاَصْوَاتُ وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ
وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي تُمْسِكُ بِهَا السَّمَاۤءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ
اِلَّا بِاِذْنِكَ وَتُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا
وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ
بِهَا السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ
وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ
سَكَنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا وَجَعَلْتَ النَّهَارَ
نُشُورًا مُبْصِرًا وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ
ضِيَاۤءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتَ

بالرحمة ١٥٧

ولئن زالتا ان امسكهما
من احد [illegible] بعدك

لها الكواكب وجعلتها نجوما وبروجا ومصابيح وزينة
ورجوما وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت لها
مطالع ومجاري وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها
في السماء منازل فاحسنت تقديرها وصورتها
فاحسنت تصويرها واحصيتها باسمائك احصاء
ودبرتها بحكمتك تدبيرا فاحسنت تدبيرها وسخرتها
بسلطان الليل وسلطان النهار وعرفت بها عدد السنين
والساعات
والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرأى واحدا
واسألك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك و
رسولك موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين
فوق احساس الكروبين فوق غمائم النور فوق تابوت
الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي
جبل حوريث في الواد المقدس في البقعة المباركة
من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر
بتسع آيات بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر
وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر
سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة و

جاوزت ببني اسرآئيل البحر وتمت كلمتك الحسنى
عليهم بما صبروا واورثتهم مشارق الارض ومغاربها
التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده
ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعز
الاجل الاكرم وبمجدك الذي تجليت به
لموسى كليمك عليه السلام في طور سيناء ولابراهيم
خليلك عليه السلام من قبل في مسجد الخيف و
لاسحق صفيك عليه السلام في بئر سيع وليعقوب
نبيك عليه السلام في بيت ايل واوفيت لابراهيم
عليه السلام بميثاقك ولاسحق عليه السلام بحلفك
وليعقوب عليه السلام بشهادتك وللمؤمنين بوعدك
وللداعين باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر
لموسى بن عمران على قبة الرمان وبآياتك التي
وقعت على ارض مصر بمجد العزة والغلبة بآيات
عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشأن
الكلمة التامة وبكلماتك تفضلت بها على اهل
السموات والارض واهل الدنيا والآخرة وبرحمتك

صدقاً وعدلاً

الاعظم الاعظم

وبآياتك

التي

الّتی مننت بها علی جمیع خلقك وباستطاعتك الّتی
اقمت بها علی العالمین وبنورك الّذی قد خرّ من فزعه
طور سیناء وبعلمك وجلالك وکبریائك وعزّتك
وجبروتك الّتی لم تستقلّها الارض وانخفضت لها
السّموات وانزجر لها العمق الاکبر ورکدت لها
البحار والانهار وخضعت لها الجبال وسکنت لها
الارض بمناکبها واستسلمت لها الخلائق کلّها و
خفقت لها الرّیاح فی جریانها وخمدت لها النّیران
فی اوطانها وبسلطانك الّذی عرفت لك به الغلبة
دهر الدّهور وحمدت به فی السّموات والارضین وبکلمتك
کلمة الصّدق الّتی سبقت لابینا ادم وذرّیّته بالرّحمة
واسئلك بکلمتك الّتی غلبت کلّ شیء وبنور وجهك
الّذی تجلّیت به للجبل فجعلته دکًّا وخرّ موسی صعقًا
وبمجدك الّذی ظهر علی طور سیناء فکلّمت به عبدك
ورسولك موسی بن عمران وبطلعتك فی ساعیر وظهورك
فی جبل فاران بربوات المقدّسین وجنود الملائکة
الصّافّین وخشوع الملائکة المسبّحین وببرکاتك الّتی

بارکت فیها علی ابراهیم خلیلک فی امة محمد صلواتک علیه و اله

وبارکت لاسحق صفیک فی امة عیسی علیهم السلام

وبارکت لیعقوب اسرائیلک فی امة موسی

علیه السلام وبارکت لحبیبک محمد صلواتک علیه و

اله فی عترته وذریته وامته اللهم وکما غبنا عن

ذلک ولم نشهده وامنا به ولم نره صدقا وعدلا

ان تصلی علی محمد وال محمد وان تبارک علی محمد و

ال محمد وترحم علی محمد وال محمد کافضل ما صلیت

وبارکت وترحمت علی ابراهیم وال ابراهیم انک

حمید مجید فعال لما یرید وانت علی کل شیء قدیر

وهر حاجت که خواهد بخواهد وبعد از آن بگوید اللهم انی

اسئلک بحرمة هذا الدعاء وبما فات منه من الاسماء

وبما یشتمل علیه من التفسیر والتدبیر الذی لا

یحیط به الا انت ان تصلی علی محمد وال محمد وان

تعجل فرجهم فی عافیة وتهلک اعداءهم فی الدنیا

والاخرة وان ترزقنا بهم خیر ما نرجوا وخیر ما لا نرجو

وتصرف بهم عنا شر ما نحذر وشر ما لا نحذر انک علی

کل شیء

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ

فصل دهم

در نوافل یومیه بر سبیل تفصیل و بیان ذکر آداب و ادعیه متعلق آن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که افتتاح نوافل بهفت تکبیر و ادعیه آن در سه موضع باید نمود اول نوافل ظهر و اول نوافل شب و یک رکعت وتر و در نوافل بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند اما افضل آنست که در رکعت اول نوافل ظهر قل هو الله احد و در دویم قل یا ایها الکافرون بخواند و در اول نوافل عصر اذا جاء نصر الله یا الهکم التکاثر یا مثل آن سورهای کوتاه و در اول نوافل مغرب قل هو الله احد و در دویم قل یا ایها الکافرون و در روایت دیگر آمده در اول سه قل هو الله احد و در دویم یک انا انزلناه و در رکعت سیم اول سوره حدید تا و هو علیم بذات الصدور و در چهارم اخر سوره حشر لو انزلنا هذا القران تا اخر و در رکعت اول وتیره سوره الملک یا سوره واقعه و در دویم قل هو الله احد و در اول نوافل شب قل هو الله احد و در دویم قل یا ایها الکافرون و در روایت دیگر آمده که هر کس در دو رکعت اول نوافل شب در هر رکعتی سی مرتبه قل هو الله احد بخواند میان او و خدا تعالی هیچ

کناهی نماند مکر آنکه آمرزیده شود و در رکعتهای دیکر مستحب است
خواندن سورهای طویل مثل کهف و یس و مانند آن اکر وقت
وفا کند و اکر وقت تنک باشد در همه قل هو الله احد کافی بود
و در رکعتی شفع معوّذتین و در رکعت وتر قل هو الله احد
که هر کس درین سه رکعت این سه سوره بخواند فرشته ندا کند
که ای بندهٔ مؤمن مژده باد ترا که وترت مقبول کشت و روایات
دیکر آمده که در هر سه رکعت قل هو الله احد بخوانند تا در سه
رکعت وتر ختم قران شده باشد که قل هو الله احد ثلث
قرانست و در روایت دیکر آمده که حضرت امام رضا علیه السلام
در هر یک ازین سه رکعت سه مرتبه قل هو الله احد و در رکعت
سیوم بعد از قل هو الله احد یکمرتبه معوذتین میخوانده و در
رکعت اول نافلهٔ صبح قل یا ایها الکافرون و در دویم قل هو الله
احد و مرویست که هر کس سورهٔ اذا زلزلت در نوافل میخوانده
باشد هرکز بزلزله مبتلا نشود و بزلزله و صاعقه و هیچ
آفتی از آفات نمیرد تا آنکه باجل مقدر از دنیا رود و چون
وقت موتش رسد فرشتهٔ کریمی از پیش خدای آید و بربالینش
نشیند و کوید ای ملک الموت با ولی خدا ملایمت و

ومدارا نماکه مرا بسیار یاد میکرد و سوره اذا زلزلت بسیار
میخوانده و سوره نیز همین مکالمه نماید پس ملک الموت گوید
من از جانب الهی مامورم که طاعت او نمایم و تا اذن ندهد
قبض روحش نکنم پس حجاب از پیش نظرش برگیرند تا منازل
خویش در بهشت ملاحظه نماید پس اذن دهد و قبض روحش
نماید با کمال ملایمت پس هفتاد هزار فرشته مشایعتش نمایند
تا داخل بهشت شود و هر کس سوره والعصر در نوافل بخواند رویش
در روز قیامت نورانی باشد و شکفته و شادمان به بهشت رود
و هر کس سوره انا اعطینا در فرایض و نوافل بسیار بخواند
خدا تعالی از کوثر آبش دهد و مقامش در سایه طوبی در پیش
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد و فضایل بعضی
دیگر از سور قرآن در فرایض و نوافل انشاء الله بعد از این
مذکور شود و در همه نوافل اکتفا بالحمد تنها مجزی بود بتخصیص
اگر وقت تنگ باشد یا شغل ضروری باشد اما تعقیبات
و اذکار نوافل بیانش اینکه بعد از هر دو رکعت نافله ظهر بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّی ضَعِیفٌ فَقَوِّ فِی رِضَاكَ ضَعْفِی وَخُذْ
اِلَی الْخَیْرِ بِنَاصِیَتِی وَاجْعَلِ الْاِیمَانَ مُنْتَهَی رِضَایَ

وَبارِكْ فِيما قَسَمْتَ لِي وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي أَرْجُو مِنْكَ
وَاجْعَلْ لِي وُدًّا وَسُرُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ
واكر در سجده آخر نوافل مغرب هر شب وبخصوص در شب جمعه
هفت مرتبه بكويد اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ
لِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ كناهانش آمرزيده شود وبعد از هر دو
ركعت نوافل شب بكويد اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ
مِثْلُكَ أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ
الرَّاغِبِينَ أَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلُكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ
وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ
وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجَحِهَا وَ
أَعْظَمِهَا يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى
وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَنِعَمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَبِأَكْرَمِ
أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَأَقْرَبِهَا مِنْكَ وَ
وَسِيلَةً وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَأَجْزَلِهَا لَدَيْكَ
ثَوَابًا وَأَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ
الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوِيهِ

ويرضى

وترضى به عمن دعاك فاستجبت له دعاءه وحق عليك
ان لا تحرم سائلك ولا ترده وبكل اسم هو لك
في التورية والانجيل والزبور والقرآن العظيم
وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك
وانبيائك ورسلك واهل طاعتك من خلقك ان
تصلي على محمد وال محمد وان تعجل فرج وليك وابن
وليك وتعجل خزي اعدائه وتجعلنا من اصحابه و
انصاره وترزقنا به رجاءنا وتستجيب به دعاءنا
وبعد از رکعت هشتم بگوید اللهم اني اسئلك بحرمة
من عاذ بك ولجأ الى عزك واستظل بفيئك واعتصم
بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق الاسارى
يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا
وخوفا وطمعا والحاحا والحافا وتضرعا وتملقا
وقائما وقاعدا وراكعا وساجدا وراكبا وماشيا
وذاهبا وجائيا وفي كل حالاتي واسئلك ان تصلي على
محمد وال محمد وان ترزقني من فضلك خير ما سألك
سائل واعذني برحمتك مما استعاذ منه عائذ

وبعد از رکعتی شفع بگوید الهی تعرّض لک فی هذا اللّیل
المتعرّضون وقصدک فیه القاصدون وأمّل فضلک
ومعروفک الطّالبون ولک فی هذا اللّیل نفحات و
جوائز وعطایا ومواهب تمنّ بها علی من تشاء من عبادک
وتمنعها من لم تسبق له العنایة منک وها انا ذا عبیدک
الفقیر الیک المؤمّل فضلک ومعروفک فان کنت
یا مولای تفضّلت علی احد من خلقک وعدت علیه
بعائدة من عطفک فصلّ علی محمّد وآل محمّد الطّیّبین
الطّاهرین الخیّرین الفاضلین وجد علیّ بفضلک
بطولک ومعروفک وکرمک یا ربّ العالمین
وصلّ علی محمّد خاتم النّبیّین وآله الطّاهرین الّذین
اذهبت الله عنهم الرّجس وطهّرتهم تطهیرا انّک حمید
مجید اللّهمّ انّی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی
کما وعدتنی انّک لا تخلف المیعاد ودر قنوت
وتر بگوید لا اله الّا الله الحلیم الکریم لا اله الّا الله
العلیّ العظیم سبحان الله ربّ السّموات السّبع وربّ
الارضین السّبع وما فیهنّ وما بینهنّ وما تحتهنّ

ورب العرش العظيم اللهم انت الله نور السموات
والارض وانت الله زين السموات والارض وانت الله
جمال السموات والارض وانت الله عماد السموات والارض
وانت الله قوام السموات والارض وانت الله صريخ
المستصرخين وانت الله غياث المستغيثين وانت الله
المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن
المغمومين وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله
اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف
السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد
غضبك الا حلمك ولا ينجي من عذابك الا رحمتك
ولا ينجي منك الا التضرع اليك فهب لي من لدنك
يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك بالقدرة
التي بها احييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت
العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني
الاستجابة في دعائي وترزقني العافية الى منتهى
اجلي واقلني عثرتي ولا تشمت لي عدوي ولا تمكنه
في رقبتي اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان

وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان اهلكتني فمن ذا الذي
يحول بينك وبيني او يتعرض لك في شيء من امري
وقد علمت ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك
عجلة انما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج
الى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا الهي فلا
تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني و
نفّسني واقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء
فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة
فاعذني واستجير بك من النار فاجرني واسالك
الجنة فلا تحرمني لعد از ان دستها را اندكى بلند بر كند

وبكويد وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض حنيفا
مسلما وما انا من المشركين ان صلوتي ونسكي ومحياي
ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت
وانا من المسلمين اللهم صل على محمد وال محمد وصل
على ملائكتك المقربين واولي العزم من المرسلين
والانبياء المنتجبين والائمة الراشدين اولهم
واخرهم اللهم عذب كفرة اهل الكتاب وجميع

المشركين

المشركين ومن ضارعهم من المنافقين فانهم يتقلبون
في نعمتك ويجعلون الحمد لغيرك فتعاليت
عما يقولون وعما يصفون علوا كبيرا اللهم الرؤسا
والقادة والاتباع من الاولين والاخرين الذين
صدوا عن سبيلك اللهم انزل بهم باسك ونقمتك
فانهم كذبوا على رسولك وبدلوا نعمتك وافسدوا
عبادك وحرفوا كتابك وغيروا سنت نبيك
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك بافضل صلواتك
وعلى ائمة الهدى الراشدين المهديين
بعد از ان براي چهل كس از مومنين دعا كند بعربي يا فارسي
هرچه داند مجزي بود وبعد از ان دعاء چهل مومن دعائي كه
براي خود كند مستجاب شود بعد از ان دست چپ را باز
دارد وبا دست راست تسبيح بشمرد و هفتاد مرتبه بگويد
استغفر الله واتوب اليه كه هر كس يكسال در قنوت
وتر هفتاد استغفار مداومت نمايد از جناب الهي مغفرت
گناهانش واجب شود واز جمله مومناني باشد كه خدا تعالى
در قران مجيد وصف فرموده وفرموده والمستغفرين بالاسحار

العن م

اللهم العنهم واتباعهم
واوليآءهم واعوانهم
ومحبيهم واحشرهم و
اتباعهم الى جهنم زرقا م

همچنان بقنوت م

وچون از رکوع سر بردارد ایستاده بگوید هذا مقام من

حسناته نعمة منك وسیئاته بعمله وذنبه عظیم

وشکره قلیل ولیس لذلك الا عفوك ورحمتك

الهی طموح الامال قد خابت الا لدیك ومعاکف

الهمم قد تعطلت الا علیك ومذاهب العقول قد

سمت الا الیك فانت الرجاء والیك الملتجا یا اکرم

مقصود ویا اجود مسئول هربت الیك بنفسی یا ملجا

الهاربین باثقال الذنوب احملها علی ظهری لا اجد لی

الیك شافعا سوی معرفتی انك اقرب من لجا

الیه المضطرون وامل ما لدیه الراغبون یا فتق

العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل ما

امتن به علی خلقه کفاء لتادیة حقه صل علی محمد

وال محمد ولا تجعل للهموم علی عقلی سبیلا ولا

للباطل علی عملی دلیلا اللهم انك قلت فی محکم

کتابك المنزل علی لسان نبیك المرسل علیه واله

السلام کانوا قلیلا من اللیل ما یهجعون وبالاسحار هم

یستغفرون طال هجوعی وقل قیامی وهذا السحر وانا

استغفرك لذنوبي استغفار من لا يملك لنفسه نفعا
ولا ضرا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا وبعد ان
سلام دهد وبكويد انا ذيك يا موجود في كل مكان لعلك
تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي يا مولاي يا مولاي
اي الاحوال اتذكر وايها انسى ولو لم يكن الا
الموت لكفى كيف وما بعد الموت اعظم وادهى مولاي
يا مولاي حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد
اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه
ثم واغوثاه بك يا الله ثم هوى قد غلبني ومن
عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن
نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي
ان كنت رحمت مثلي فارحمني وان كنت قبلت
مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم ازل
اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم صباحا و
مساء ارحمني يوم اتيك فردا شاخصا اليك بصري
مقلدا عملي قد تبرأ جميع الخلائق مني نعم ابي وامي الخلق صح
ومن كان له كدي وسعيي فان لم ترحمني فمن يرحمني

ومن یونسنی فی القبر وحشتی ومن ینطق لسانی اذا خلوت
بعملی وسالتنی عما انت اعلم به منی فان قلت نعم
فاین المهرب من عدلک وان قلت لم افعل قلت
الم اکن الشاهد علیک فعفوک عفوک یا مولای
قبل ان تلبس الابدان سرابیل القطران عفوک
عفوک یا مولای قبل ان تغل الایدی الی الاعناق
یا ارحم الراحمین وخیر الغافرین وبعد از نماز صبح
مستحب است که بر جانب راست روی بقبله تکیه کند چنانکه میت
در لحد بخوابد و دست راست بزیر روی بگذارد و پنج ایة
از سورة ال عمران ان فی خلق السموات والارض تا انک
لا تخلف المیعاد بخواند پس بگوید استمسکت بعروة الله
الوثقی التی لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتین
واعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم ومن شر
فسقة الجن والانس ربی الله ربی الله امنت بالله ربّی
توکلت علی الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن یتوکل
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لکل شیء قدرا حسبی الله ونعم الوکیل اللهم

مَنْ اَصْبَحَ وَلَهُ حاجَةٌ اِلَى الْمَخْلُوقِ فَاِنَّ حاجَتِي وَرَغْبَتِي
اِلَيْكَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ اَلْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّباحِ اَلْحَمْدُ
لِفالِقِ الْاِصْباحِ اَلْحَمْدُ لِناشِرِ الْاَرْواحِ اَلْحَمْدُ لِقاسِمِ
الْمَعاشِ اَلْحَمْدُ لِلّهِ جاعِلِ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَ
الْقَمَرِ حُسْبانًا ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ اَللّهُمَّ
صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي
بَصَرِي نُورًا وَعَلى لِسانِي نُورًا وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ
خَلْفِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمالِي نُورًا وَمِنْ فَوْقِي
نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا وَعَظِّمْ لِيَ النُّورَ وَاجْعَلْ لِي نُورًا
اَمْشِي بِهِ فِي النّاسِ وَلا تَحْرِمْنِي نُورَكَ يَوْمَ اَلْقاكَ
و هر کس بعد از نماز صبح صد مرتبه صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم و آل او فرستد خدای تعالی روی او را از حرارت دوزخ
نگاه دارد و اگر صد مرتبه سُبْحانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
استغفر الله و اتوب الیه خانه در بهشت برایش بنا کند
و اگر بیست و یک مرتبه قل هو الله احد بخواند خانه دیگر بنا کند
و اگر چهل مرتبه بخواند گناهانش بیامرزد و چون از مجموع
سیزده رکعت نماز شب فارغ شود این دعا از صحیفه کامله

بخواند اللّهمّ یا ذا الملك المتأبّد بالخلود والسلطان
تا آخر دعا **فصل یازدهم** در ذکر بعضی افعال که در
اثنای نماز توان کرد و در روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که در اثنای نماز در هر مقامی که باشد هر چه دعا و مناجات
با خدا و ذکر خدا و ذکر حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم
باشد توان کرد و از نماز خارج نباشد و هر کس در اثنای هر فعل
از افعال نماز مثل رکوع و سجود و غیر آن بگوید صلی الله علی
محمد وآل محمد آن فعل مضاعف نوشته شود و اگر در نماز
ذکر آنحضرت بکند درود و صلوة فرستد ده حسنه نوشته شود
هجده فرشته موکلند که هر کس در اثناء نماز صلوة فرستد
بجانب او بشتابند تا هر کدام را نصیب باشد نیت کنند
و هر حاجت که خواهد برای دنیا و آخرت در اثناء نماز توان
خواست خصوصاً در سجده که بنده در سجده نزدیکتر است
بخدا تعالی از جمیع احوال و گریه کردن در نماز از ترس خدا و برای
شوق جنت و خوف نار نور چشم مؤمن و افضل اعمالست اما
برای ذکر اموات نماز را قطع کند و اگر در اثنای نماز عطسه کند
یا عطسه دیگری را بشنود حمد و صلوة فرستد و اگر کسی برو سلام کند

جواب بگوید بهمان لفظ که او گفته سلام علیکم یا السلام علیکم
و آواز بلند نکند بلکه اگر تواند آهسته بگوید و بجانب او با انگشت
اشاره کند اما روایات آمده که چون کسی در نماز باشد بر و سلام
مکنید **فصل دوازدهم** در آداب جماعت و آن دو قسمت
یکی آداب متعلق با امام دویم آداب متعلق بماموم و چون امام یاد آب
خود اعرف است از انکه درین مجموعه حاجت بذکر باشد اکتفا
بذکر آداب ماموم نموده گوئیم مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلم اگر کسی نماز بانفراد کرده باشد بعد از ان جماعتی رو دهد
افضل انست که اعاده کند که خدا تعالی هر کدام را دوست تر
دارد بفریضه و آن دیگری را بنافله حساب کند و اگر دو رکعت
بانفراد گذارده بود نیت نافله کند و سلام دهد پس نماز
جماعت بکند و اگر یک رکعت گذارده باشد نیت نافله کند
نموده یک رکعت دیگر با آن ضم کند و سلام دهد و اگر ماموم
یک مرد باشد در پهلوی راست امام بایستد و اگر یک زن باشد
در پشت سر بایستد بجانب راست و اگر یک مرد باشد و زن
خواه یکی و خواه بیشتر مرد در پهلوی راست و زنان در عقب
بایستند و اگر زیاده از یک مرد باشد هم در عقب بایستند

واکر ماموم در پهلوی امام ایستاده باشد و در اثناء نماز
دیکری برسد یا امام پیشتر رود یا ماموم پستر اید و اکر این مرد
اخر بعد از رکوع رکعت اخر برسد نه امام پیش رود و نه ماموم
پس آید بلکه این مرد در پشت امام بنشیند و چون امام سلام
دهد برخواسته نماز خود را تمام کند و میان امام و صف اول
و همچنین میان هر دو صف فاصله زیاده از انکه سجده توان کرد
نباشد مرویست که اکر فاصله بیشتر باشد آن امام برای ایشان
امام نباشد و اهل هر صف دوش بدوش بایستد پیش و پس
نباشند و در میانه فرجه خالی نکذارند تا شیطان بر ایشان
دست نیابد و اکر در صف پیشتر موضعی خالی بیند برود تا انموضع را
بکیرد اکرچه در اثناء نماز باشد مرویست که هیچ کامی پیش خدا
دوستتر از ان کامی نیست که برداری تا صف خالی را پر کنی اما در
اثناء نماز بصف عقب نتوان رفت مکر انکه جا تنکی کند که در وقت
بر پیش و پس هر جا وسعتی کمان کند تواند حرکت کرد و یک کس
تنها در صف نایستد مکر انکه در صفوف جا نیابد که درین وقت
تواند تنها ایستاد اما چنان بایستد که محاذی امام باشد
واکر امام در زمینی پست بایستد و ماموم در موضعی بلند

مثل بام یا سکونی بایستد جایز بود اما عکس آن جایز نبود مگر
آنکه یکزمین سرازیر باشد که بعضی موضعها بقدر یک انگشت
یا کمتر یا بیشتر پست تر باشد که در نموقع جایز است که امام در
موضع بلند بایستد ومیان امام ومأموم اگر پرده یا دیواری فاصله
باشد نماز مأموم جایز نباشد مگر کسی که در برابر در باشد امّا
سطونها که در مساجد میان صفوف واقع میشود ضرر ندارد
وچون امام قراءت کند مأموم را جایز نباشد قراءت کردن
مرویست که اگر کسی با امامی که باو راضی باشد واقتدا میکند
قراءت کند چون بمیرد بر غیر فطرت اسلام محشور شود بلکه
اگر نماز اخفاتی باشد مأموم برای خود ذکر کند واگر جهری باشد
وصدای امام بشنود اگرچه همین همهمه را بشنود وکلمات را
تمیز نکند گوش کند واگر جهری باشد وصدای امام حتی همهمه
هم نرسد افضل اینست که مأموم خود آهسته قراءت کند واگر
اکتفا بقراءت امام نیز کند مجزی بود وسایر اذکار وافعال را
خود بجا آورد وباید در همه افعال قیام وقعود ورکوع وسجود
تابع امام باشد پیشتر نکند وپیشتر سر بر ندارد مگر در تشهد
که اگر امام تشهد را طول دهد ومأموم را ضرورتی باشد تواند

کہ پیش از امام سلام دهد و بر وجه ماموم باید ادعیه و اذکار را آهسته
کوید و صدای خود بامام نرساند و چون امام از قراءت حمد فارغ
شود و همچنین چون بر آید از رکوع سمع الله لمن حمده کوید ماموم
بکوید الحمد لله رب العالمین و ماموم سمع الله لمن حمده نکوید
واکر ماموم در اثنای نماز با امام رسد تکبیر احرام بکوید و داخل
نماز شود هر جای که نماز باشد پس اکر رکوع را با امام دریابد آن رکعت را
حساب کند و اکر بعد از رکوع امام در سجود یا تشهد داخل شود
آن فعل را با امام بجای بیارد اکر چه سجده آخر یا تشهد آخر نماز
باشد که فضل جماعت را بآن دریابد اما آنرا برکعتی حساب
نکند و آن زیادتی بنمازش ضرر نکند و چون امام سلام دهد
او سلام نداده برخیزد و هر چه از نمازش مانده تمام کند
و اکر سهوا سلام دهد ضرر ندارد برخیزد نماز را اتمام کند اکر چه
بعد از سلام عمدا حرف هم زده باشد چون سلامش از روی
سهو شده ضرر ندارد و بعد از نماز سجده سهو کند و اکر تکبیر
رکوع را از امام نشنیده باشد احتیاط اینست که در ان
رکوع داخل نشود بلکه چون امام سر بر دارد داخل شود و هر کاه
امام تشهد خواند او نیز بخواند اکر چه موضع تشهد خودش نباشد

کرکند

که تشهد برکت است اما درین صورت بر سر پا نشیند و دست
بر زمین نه نشیند و چون موضع تشهد که خودش رسد نشسته
تشهد بخواند و زود بر خیزد تا با امام ملحق شود و اگر در رکعت
دویم امام برسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت
خودش مجزی بود و اگر رکعت سیوم و چهارم امام اول و دویم او
باشد پس اگر امام تسبیح گوید او خود الحمد و سوره بخواند و اگر
امام رکوع کند و فرصت سوره خواندن نشود همان الحمد مجزی
بود اما اگر امام قراءت کند و نماز اخفاتی باشد او قراءت
نکند و اگر جهری باشد چون قراءت امام را نمیشنود خود قراءت
کند و اگر کسی از دور رسد و بیند که امام در رکوعست یا برکوع
میرود و دوتر رسد که تا بصف رسیدن امام سر بردارد در همانجا که
باشد رکوع کند ... خواهد سجود نیز بکند بعد از ان برخاسته
بصف ملحق شود و اگر پیش از انکه امام سر از رکوع یا سجود بردارد
ماموم سر بردارد باز سر بگذارد تا با امام برخیزد و اگر کسی با
امام رکوع کند و بسبب کثرت و ازدحام سجود نتواند
کرد تا انکه داخل رکعت دیگر شود درین رکعت با امام رکوع نکند
و بنیت رکعت سابق سجود با امام کند که ان رکوع باین سجود

پس اگر ایستاده ... باشد و اگر نشسته باشد
نشسته ... رکوع ... برود تا
ملحق شود

مجموع یکرکعت شود واگر سجده بنیت همین رکعت کرده باشد این
سجده هیچ رکعت حساب نشود بلکه سجده دیگر بنیت رکعت
سابق کند تا آن تمام شود واگر بسبب ازدحام رکوع نیز ازو
فوت شود تنها رکوع وسجود کند بعد ازان بامام ملحق شود واگر
در نماز جمعه یکرکعت را با امام دریابد چون امام سلام دهد
یکرکعت دیگر تنها بگذارد واگر بعد از رکوع اخر بامام رسد چهار
رکعت نماز ظهر گذارد فصل سیزدهم در احکام سهو
وشك وعروض بعضی حوادث در نماز اما احکام سهو وشك
بدانکه احادیث اهل بیت علیهم السلم واقوال علمای کرام درین احکام
اختلاف عظیم دارد وانشاء الله آنچه باصول احادیث انسب و
باحتیاط اقرب باشد درین فصل بیان نمائیم وپیش از شروع
در مطلب شرح این الفاظ نموده گوئیم سهو آنست که یقین داند
که چیزی را زیاد یا کم کرده وشك آنست که خاطر متردد باشد
میان دو چیز یا بیشتر بحیثیتی که هیچکدام را بر دیگر ترجیح
نتواند داد وظن آنست که بعضی را رجحان دهد وگمانش بآن
بیشتر باشد اما یقین نداند وظن در جمیع احکامی که مذکور
خواهد حکم یقین دارد باینمعنی که هرجا یقین داشته باشد چه

باید

باید کرد اگر ظن داشته باشد همان کند چون اینجمله دانستی بدانکه
سهو و شک در نماز یا متعلقست بعدد رکعات یا با جزای نماز
اما اگر در عدد رکعات باشد پس اگر یکرکعت یا بیشتر از نماز
نقصان کند خواه نماز دو رکعتی و سه رکعتی باشد خواه بیشتر
اگر هنوز روی از قبله نگردانیده باشد همانچه نقصان شده
بجا بیارد تا نمازش تمام شود اگرچه فاصله بسیار شده باشد
و اگرچه حرف زده باشد یا حدثی کرده باشد اما اگر حرف
زده باشد بعد از نماز سجده سهو کند و اگر حدث کرده باشد
وضو سازد و اگر روی از قبله گردانیده باشد احتیاط اینست که
نماز را اعاده کند و اگر یکرکعت یا بیشتر در نماز یقین داند که
زیاد شده هر نماز که باشد پس اگر در رکعتی که سلام بایست داد
تشهد خوانده باشد نمازش تمام بود و چیزی بر او لازم نباشد
و این زیادی اگر یکرکعت باشد اگر خواهد یکرکعت دیگر با آن
ضم کند تا نافله شود و اگر در آن رکعت تشهد نخوانده بلکه رکعت
زیادی را با اصل نماز متصل کرده باشد نماز را اعاده کند و اگر
نداند تشهد خوانده یا نه بنشیند و تشهد و سلام بگوید بعد از آن
دو رکعت نشسته بگذارد و با آن رکعت زاید اضافه کند تا نافله شود

وهمه این شقوق در صورتی است که سهو بعد از تمام شدن رکعت زاید

بخاطر رسد اما اگر میان دو سجده بخاطر رسد احتیاط اینست که

بهمین تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش از ان بخاطر رسد

سلام دهد و احتیاطا سجده سهو کند و اگر شک کند که نماز کم

یا زیاد شده باشد یا شک کند که تمام یا کم یا زیاد شده و هیچکدام را

یقین نداند سلام دهد و سجده سهو کند و اگر در نماز دو رکعتی

خواه صبح و خواه جمعه و خواه نماز سفر و همچنین در نماز شام و همچنین

دو رکعت اول نماز چهار رکعتی شک کند بحیثیتی که یقین نداند

که دو رکعت تمام گذارده افضل و اقرب باحتیاط اینست که

نماز را اعاده کند اما اگر در نماز چهار رکعتی دو رکعت تمام یقین

داند و شک کند میان دو و سه باینمعنی که رکعتی که تمام شده

نداند که دویم بود یا سیوم یا میان سه و چهار یا میان دو و چهار

یا میان دو و سه و چهار شک کند بنا بر اکثر گذارد و تا چهار

رکعت تمام کند و سلام دهد بعد از ان اگر شک میان دو و سه

یا میان دو و چهار باشد دو رکعت احتیاط ایستاده بگذارد

و اگر میان سه و چهار باشد دو رکعت نشسته و اگر میان دو

و سه و چهار باشد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته پس اگر

نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط نافله حساب شود واکر کم باشد
برکعت احتیاط تمام شود ودر رکعتهای احتیاط همه تکبیر احرام بکوید
والحمد تنها بخواند ودر هیچکدام ازین مفوق سجده سهو نباید
واکر شك وسهو در افعال نماز باشد پس در هر فعل که سهو یا شك
کند ومحل ان فعل نکذشته باشد آن فعل را بجا بیارد واکر
بعد ازان بخاطر رسد که آن فعل کرده بوده است این زیادی
ضرر نکند وهیچ برو نباشد ومحل تکبیر احرام تا وقتیست که شروع
در قراءت کند ومحل قراءت وقنوت تا وقتی که برای رکوع
دستها بزانو رسد واکر هنوز دست بزانو نرسیده باشد
اکرچه خم شده باشد محل باقی بود ومحل رکوع تا آنکه برای سجود
سر از یر شود اکرچه هنوز سر بسجده نرسیده باشد ومحل
سجود وتشهد در سهو تا آنکه در رکعت دیکر برکوع رود واکرچه
قراءت وقنوت کرده باشد ودر شك تا آنکه راست بایستد
اکرچه شروع بقراءت نکرده باشد واکر محل فعل کذشته باشد
وشك کند اعتبار ندارد همچنانکه هست نماز را تمام کند
واکر بعد ازان چیزی بخاطر رسد حکم سهو دارد چنانکه بیان
میشود اما اکر سهو کرده باشد وبعد از کذشتن محل بخاطر رسد

پس اگر سهو در نیت یا تکبیر احرام یا رکوع یا در دو سجده با هم در
یکرکعت کند نماز را اعاده کند و اگر در قراءت حمد یا سوره یا هر دو
باشد و بعد از رکوع بخاطر رسد نماز صحیح بود و تلافی ندارد و
اگر بعد از سوره پیش از رکوع بخاطر رسد که حمد نخوانده بخواند و
ظاهر اینست که بعد از آن سوره را اعاده باید کرد و اگر کلمه یا آیه
از سوره فراموش کند پس اگر خواهد بهمانچه خوانده اکتفا نماید
و اگر خواهد آنرا اگر فراموش کرده در میان بگذارد و تتمه را
تمام کند و اگر خواهد رجوع بسوره دیگر کند هر سه شق صحیح باشد
و اگر قنوت را فراموش کند بعد از رکوع بخواند و رکوع را اعاده
نباید کرد و اگر بعد از نماز بخاطر رسد اگر چه از جای خود برخاسته
و رفته باشد هر جا که بخاطر رسد رو بقبله نموده قنوت بخواند و اگر
در رکعتی یک سجده را تنها سهو کند و محلش گذشته باشد
آن سجده را قضا کند و اگر تشهد را سهو کند در رکعت دویم
بعد از نماز سجده سهو کند و ظاهر احادیث اینست که همین تشهدی
که در سجده خوانده میشود کافی باشد و محتاج بقضای تشهد
دیگر نباشد اگر چه اکثر علما قضا را واجب دانسته اند و اگر تشهد رکعت
آخر را سهو کند در همان مکان اگر نزدیک باشد و گرنه در مکان

یکی

پاکی هرجا باشد نشسته تشهد بخواند و درین صورت سجدهٔ
سهو نباید کرد و اگر در اثنای نماز سهوا کلمهٔ غیر ذکر و دعا
بگوید سجدهٔ سهو کند اما در سایر افعال نماز مثل ذکر رکوع و
سجود و سلام و غیر آن اگر سهوی شود حکمی ندارد و نماز صحیح بود
و روایتی دیگر آمده که هر زیادتی و نقصانی که در نماز واقع شود مثل
نشستن و برخاستن و قراءت کردن و غیر آن سجدهٔ سهو کند
و این روایت اگرچه ضعیف است اما چون صریح معارضی ندارد
اگر بآن عمل نمایند قصوری ندارد و اما آنکه در میان فقها
مشهور گشته که زیادتی و نقصان در رکن سهوا و عمدا مبطل
نماز و موجب اعاده است اصلش در حدیث و اخبار اهل بیت
صلوات الله علیهم اجمعین معلوم نیست بلکه حقیقت آن بر وجه
موافقت احادیث و رعایت احتیاط بنحویست که تفصیل مذکور
شد والله اعلم بالصواب و اگر مسافر عمدا نماز را تمام کند پس
اگر ندانسته باشد که قصر واجب است نمازش صحیح بود و اگر دانسته
باشد اعاده کند خواه وقت باقی باشد و خواه نه و اگر سهوا
تمام کند پس اگر وقت باشد اعاده کند و اگر گذشته باشد
صحیح باشد و در نوافل و رکعت احتیاط سهو و شک اعتبار ندارد

ودران سجده سهو و رکعت احتیاط نباشد و همچنین کسی که شک
بسیار کند التفات بان نکند و اگر بان شک کرده درست حساب
کند اگرچه وقتش باقی باشد مرویست که شک از شیطانست
خبیث را بخود راه مدهید و بوسوسه خود را عادت مدهید
که هرچند بیشتر اطاعتش کنید بیشتر حرکت کند و وسوسه نماید
و چون بیند که مخالفتش میکنید و اطاعتش نمیکنید دست از
شما باز میدارد و کسی از بسیاری شک بخدمت حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم شکایت نمود فرمود چون داخل نماز
شوی با انگشت شهادت ران چپ را بفشار و بگوی
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ
الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ شیطان دور شود و از
وسوسه او ایمن گردی انشاء الله و کسی دیگر بحضرت امام جعفر
علیه السلام شکایت کرد از سهو در نماز مغرب فرمود بعد از حمد
قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخوان چنان کرده
نجات یافت و کیفیت سجده سهو آنست که دو سجده کند
و در هر سجده بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ یا بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وبعد از هر دو سجده
تشهد خفیف بخواند باین طریق أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ و سلام دهد و اکر امام باشد چون سر بسجده کذارد
و چون بردارد تکبیر کوید تا مأموم بداند که سهو کرده و وقت
سجده سهو بعد از نماز است بفاصله پیش از حرف زدن و اکر فراموش
شود هر کاه بخاطر رسد و اما احکام حوادث در نماز اکر در اثناء
نماز حدثی عارض شود که وضو را باطل کند یا خون از دماغ یا از عضو
دیکر آید یا قی آید پس اکر بی آنکه عمدا حرف زند یا بتمام بدن
رو از قبله بکرداند تواند وضو یا ازالهٔ نجاست کند و تتمهٔ نماز
هر چه مانده تمام کند و اکر عمدا حرف زند یا رو از قبله بتمام بدن
بکرداند نماز را از سر کیرد و اکر درین عرض سهوا حرف زند سجدهٔ
سهو کند و از سر نباید کرفت و اکر خون کم باشد و جاری نشود
محتاج شستن نباشد بلکه بخرقه یا چیزی دیکر پاک کند و نماز را
تمام کند والحمد لله **فصل چهاردهم** ذکر بعضی دیکر
از نمازهای مفروضه و مندوبه اول نماز کسوف و خسوف
و زلزله و آیات مثل بادهای عظیم و ظلمتهای شدید و غیر آن

که سبب خوف اکثر مردم شود و این نماز دو رکعت است بیک تشهد
و سلام در هر رکعت پنج رکوع و دو سجده و هر دو رکوع یک قنوت
که در مجموع ده رکوع پنج قنوت باشد و قراءت آن بدو وجه
جایز است یکی آنکه در هر رکعت یک الحمد بخواند و بعد از آن یک
سوره را پنج حصه کند پیش از هر رکوع یک حصه را بخواند که در مجموع
نماز دو الحمد و دو سوره خوانده شود وجه دویم آنکه
پیش از هر رکوع یک الحمد و یک سوره تمام بخواند که مجموع ده الحمد و
و ده سوره باشد و هر بار که برکوع رود و هر بار که سر بردارد تکبیر
بگوید و بعد از رکوع سمع الله لمن حمده نباید گفت مگر در رکوع
پنجم و دهم که بعد از این دو رکوع تکبیر نباید گفت و سمع الله لمن حمده
باید گفت و چون بسجود رود تکبیر بگوید و مستحب است این نماز را
در زیر آسمان گذاردن که سقف نباشد و بجماعت گذاردن و
طول دادن بقدر آنکه آیت منجلی شود و اگر زودتر از نماز فارغ
شود مستحب است اعاده کردن تا آنکه منجلی شود و مستحب است
که قدر رکوع و سجود و قراءت همه باهم مساوی باشند و در
کسوف و خسوف اگر نماز نکرده باشد تا آنکه قرص منجلی شود
پس اگر تمام قرص گرفته باشد و خبردار باشد و در نماز تقصیر کرده باشد

بکفارهٔ ان غسل کند و نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد
نماز را قضا کند و غسل نباید کرد اما اگر بعض قرص گرفته باشد
و تقصیر کند نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد قضا ندارد
و اگر این نماز در وقت فریضه واقع شود پس اگر وقت فضیلت
فریضه تنگ نشده باشد اول این نماز را بگذارد و اگر در اثناء نماز
باشد که وقت فریضه تنگ شود نماز را قطع کند و فریضه را بگذارد
بعد از ان هرچه از ان نماز مانده تمام کند و از سر نباید گرفت و
چون برای زلزله گذارد بعد از نماز سجده کند و در سجده بگوید
يَا مَنْ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا
اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا
يَا مَنْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ
اَمْسِكْ عَنَّا السُّوءَ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ دویم
نماز امیر المومنین صلوات الله علیه هر کس این نماز را بگذارد گناه
پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و حوایجش براورده شود
و آن چهار رکعت است در هر رکعت بعد الحمد قل هو الله احد پنجاه
مرتبه و مستحب است تعقیب این نماز باین تسبیح که مرویست
از انحضرت علیه السلام سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا

تَنقُصُ خَزَائِنُهُ سُبحَانَ مَن لَا اضمِحلالَ لِفَخرِهِ سُبحَانَ
مَن لَا يَنفَدُ مَا عِندَهُ سُبحَانَ مَن لَا يُشَارِكُهُ اَحَدٌ
فِي اَمرِهِ سُبحَانَ مَن لَا اِلٰهَ غَيرُهُ و این نماز را هر وقت خواهند
توان گذارد و افضل اوقاتش شب و روز جمعه و ماه مبارک
رمضان است که حسنات مضاعف باشد سیوم
نماز حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها هر کس این نماز را بگذارد
میان او و خدا تعالی هیچ گناه نماند مگر آنکه آمرزیده شود و آن
دو رکعت است در اول بعد از الحمد صد مرتبه انا انزلناه و در دویم
صد مرتبه قل هو الله احد و بعد از نماز تسبیح آنحضرت علیها السلام بگوید
چهارم نماز تسبیح و این نمازیست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم بجعفر بن ابی طالب عطا فرمود و فرمود اگر این
نماز را هر روز یا هر شب یا هر دو روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال
یا هر وقت که خواهی بگذاری هر گناهی که درین میانه کرده باشی
همه آمرزیده شود و هر کس این نماز را بگذارد گناهش همه آمرزیده
شود اگر چه مثل ریگ بیابان عالج یا مثل کف دریا باشد
و دوازده هزار حسنه برایش نویسند که کمترین آنها مثل
کوه اُحد باشد و آن چهار رکعت است بدو سلام در رکعت اول

بعد الحمد اذا زلزلت و در دویم اذا جاء و در سیوم انا انزلناه
و در چهارم قل هو الله احد بخواند و در روایت دیگر در دویم
والعادیات و در سیوم اذا جاء وارد شده و در هر رکعت بعد از
قراءت پانزده مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر و در رکوع و بعد از رکوع ایستاده و در هر
سجده و بعد از هر سجده نشسته ده مرتبه ده مرتبه بگوید و در
هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه و در تمام نماز سیصد مرتبه باشد
و اگر خواهد این نماز را بگذارد و بنوافل شبانروز حساب کند
و اگر دو رکعت گذارده باشد که حاجتی یا حرکتی سانح شود
برود و چون فارغ شود دو رکعت دیگر را گذارد و اگر شتابی
داشته باشد نماز را بی تسبیحات بگذارد و تسبیحات را
بعد از آن بگوید و مستحب است که در سجدهٔ آخر این نماز بعد از
تسبیحات بگوید سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ
سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا
يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ
سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ
وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي

ذی القوة والطول اللهم انی اسئلك بمعاقد العز
من عرشك ومنتهی الرحمة من کتابك وباسمك
الاعظم وکلماتك التامات التی تمت صدقا
وعدلا ان تصلی علی محمد وال محمد وان تفعل
بی وما انت اهله وهرحاجت که خواهد بخواهد مستحبست
بعد از این نماز خواندن این دعا سبحان من لبس العز
وتردی به سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان
من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل
شیء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذی المن
والنعم سبحان ذی القدرة والکرم اللهم انی
اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهی الرحمة
من کتابك وباسمك الاعظم وکلماتك التامات
التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد وال
محمد الطیبین وان تجمع لی خیر الدنیا والاخرة
بعد عمر طویل اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم
الخالق الرازق المحیی الممیت البدیء البدیع
لك الکرم ولك المجد ولك المن ولك الجود و

ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد
يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
يا اهل التقوى يا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين
يا عفو يا غفور يا ودود يا شكور انت ابر بي
من ابي وامي ومن الناس اجمعين يا كريم يا جواد اللهم
اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب
نائلك ومعروفك ورجاء رفدك وجائزتك
وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد
وال محمد وارفعها لي في عليين وتقبلها مني
واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو منك
فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت
فيها من انواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل
جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي و
ذنوب والدي وما ولدا وجميع اخواني واخواتي
المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء
منهم والاموات وان تستجيب دعائي وترحم صرختي
وندائي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا

منجحا مرحوما مستجابا دعائی مغفورا لی یا ارحم الراحمین
یا عظیم یا عظیم یا عظیم قد عظم الذنب من عبدک
فلیحسن العفو منک یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة
یا باسط الیدین بالرحمة یا نفاحا بالخیرات یا معطی
السؤلات یا فکاک الرقاب من النار صل علی محمد
وآل محمد و فک رقبتی من النار و اعطنی سؤلی
واستجب دعائی وارحم صرختی و تضرعی وندائی
واقض لی حوائجی کلها لدینی ودنیای و آخرتی
ما ذکرت منها و ما لم اذکر و اجعل لی فی ذلک
الخیرة و لا تردنی خائبا خاسرا و اقلبنی مفلحا
منجحا مستجابا لی دعائی مغفورا لی مرحوما یا ارحم
الراحمین یا محمد یا ابا القاسم یا رسول الله یا علی
یا ابا الحسن یا امیر المؤمنین انا عبدکما و مولاکما
غیر مستنکف و لا مستکبر بل خاضع ذلیل
عبد مقر متمسک بحبلکما معتصم من ذنوبی
بولایتکما اتقرب الی الله تعالی بکما و اتوسل
الی الله بکما و اقدمکما بین یدی حوائجی الی الله عز

وَجَلَّ فَاشْفَعَا لِیْ فِیْ فَکَاكِ رَقَبَتِیْ مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانِ
ذُنُوْبِیْ وَاِجَابَةِ دُعَائِیْ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَ
تَقَبَّلْ دُعَائِیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ پنجم نمازی که حضرت
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم باعرابی عطا فرموده فرمود
که هر مؤمن و مومنه که روز جمعه این نماز بگذارد من برای او
ضامن بهشت شوم و هنوز از جای برنخواسته باشد که
گناهان او و والدینش همه آمرزیده شود و آن ده رکعت است
چون روز بلند شود اول دو رکعت بیک سلام گذارد در اول
بعد الحمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و در دویم
قل اعوذ برب الناس هفت مرتبه و بعد از سلام هفت
مرتبه آیة الکرسی بخواند بعد از آن هشت رکعت بدو سلام
بهیات نماز ظهر و عصر در هر رکعت بعد از الحمد اذا جاء
نصر الله یک مرتبه و قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه بخواند و
چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سُبْحَانَ رَبِّ
الْعَرْشِ الْکَرِیْمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ
الْعَظِیْمِ ششم نماز غفیله و آن دو رکعت است در
ساعت غفلت میان نماز شام و خفتن مرویست که درین ساعت

دو رکعت نماز را ترک مکنید که مورث دار کرامت است در رکعت
اول بعد الحمد این آیه وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن
ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین ونجیناه [فاستجبنا له]
من الغم وکذلک ننجی المؤمنین ودر رکعت دویم این
آیه وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم
ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها
ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس
الا فی کتاب مبین واین قنوت بخواند اللهم انی
اسئلک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجمع لی خیر الدنیا
والاخرة واگر خواهد بجای این فقره بعد از صلوة بر پیغمبر
وآلش هر حاجت خواهد بطلبد بعد از آن بگوید اللهم
انت ولی نعمتی والقادر علی طلبتی تعلم حاجتی
فاسئلک بحق محمد واهل بیت محمد صلوات علیهم
لما قضیتها لی وهرچه خواهد سوال کند که مستجاب شود
هفتم نماز وصیت مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

فرموده وصیت میکنم شمارا بدو رکعت درمیان شام وخفتن
در رکعت اول بعد الحمد اذا زلزلت سیزده مرتبه و در دوم
قل هو الله احد پانزده مرتبه و هرکس این نماز را در سالی یکمرتبه
گذارد از جمله محسنین نوشته شود واگر در ماهی یکمرتبه گذارد
از جمله متقین واگر در هفته یکمرتبه از جمله مصلین واگر هر شب
بگذارد در بهشت با من مزاحمت کند و ثواب آنرا هیچکس نداند
بجز خدا تعالی هشتم هرکس میان نماز شام وخفتن
در شب پنجشنبه دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد الحمد
آیة الکرسی وقل یا ایها الکافرون وقل هو الله احد و معوذتین
هریک پنج مرتبه بخواند و بعد از نماز پانزده مرتبه استغفار کند
و ثوابش را بوالدین خود هدیه کند حق ایشان بجا آورده باشد
نهم مرویست که هرکس وقت خوابیدن وضو کند چنانست که
تا وقت بیدار شدن در عبادت باشد پس اگر در اثناء شب
برخیزد و ذکر خدا کند خطاهایش همه بریزد و اگر آخر شب
برخیزد و دو رکعت نماز کند پس حمد و ثنا خدا کند و صلوة بر پیغمبر
و آلش فرستد هیچ چیز از خدای سوال نکند مگر آنکه عطا فرماید
یا همان را بعینه یا بهتر از آن در بهشت عوض دهد

دهم هرکس دو رکعت نماز کذارد هر وقت باشد در هر رکعت
شصت مرتبه قل هو الله احد بخواند میان او و خدا تعالی هیچ کناه
نماند مکر انکه امر زیده شود و در روایت دیکر قل هو الله احد
در هر رکعت یکمرتبه وارده شده و بعضی دیکر نمازهای مخصوص هر یک
در جای خود انشاء الله مذکور شود فصل پانزدهم

در فضایل قران و آداب تلاوت آن مرویست از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که روز قیامت خلایق همه
صف صف ایستاده باشند قران با بهترین صورتی بحشر آید
چون بر صف مسلمین کذرد و اورا ببینند کویند این مرد از ما است
وصف میشناسیم و میدانیم که از جمله مسلمین است اما عبادت و
طاعتش بیشتر بوده است که این نور و جمال اورا عطا شده و
مارا نصیب نکشته بر صف شهدا کذرد بکویند این را می شناسیم
که از جمله شهدا است اما مصیبتش عظیم‌تر بوده که این نور و بها
و جمال کرامت یافته و همچنین بر صف انبیا و رسل کذرد و
مثل این کفتکو کنند پس همه صفوف مجتمع کشته بخدمت حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده کویند این کیست که
ما نمیدانیم انحضرت صلوات الله علیه و سلامه فرماید این

حجت خداست بر بندکانش پس سلام دهد و از انجا کذشته
بر صف ملائکه بصورت ملکی مقرب کذرد ملائکه نیز
چنان کفتکو نمایند پس از انجا کذشته تا پیش عرش رسیده
بسجده در آید پس خدا تعالی کوید ای حجت من وای کلام
صادق و ناطق من سر بردار و هرچه خواهی سوال نمای و هرکرا
خواهی شفاعت کن که هرچه طلب کنی باجابت مقرونست پس
سر برداشته کوید خدایا بندکان تو بعضی مرا محافظت نمودند
وبقدر طاقت خود حرمت من داشتند و حق من رعایت کردند
وبعضی حرمت من نداشتند و حق مرا ضایع کردند پس خدا تعالی
فرماید بعزت و جلال خود که هرکس تو از و راضی باشی بجزای رضای
تو باو رسانم و اورا از تو راضی کردانم و هرکس تو از و راضی
نباشی انتقام تو از و بکشم پس بصورت جوانی که اهل محشر
نشناسند بر پیش شیعیان آید و کوید منم انکه شما بشغل
تلاوت من شبها بجای خواب بیداری کشیده اید و روزها
بعوض آب شربت تشنکی چشیده اید در دنیا بسبب من
مشقتها دیده و از دشمنان مصیبتها رسیده پس ایشانرا
برداشته پیش خدا تعالی برد و کوید خدایا اینان بندکان تواند

وتو ایشانرا بهتر شناسی ودانی که در محافظت ورعایت من
جها کشیده اند پس فرماید تا ایشان را بهشت برده حلهای بهشت در ایشان
پوشند وتاجهای کرامت بر سر شان نهند پس بقران نمایند
وگویند این اکرام که با اولیاء تو کردیم راضی گشتی گوید خدایا
مرا با ایشان بیش ازین توقع احسانست خدا تعالی فرماید بعزت
وجلال خودم که احسان بسیار با ایشان کنم و تو را از خود راضی
کردانم پس هر یک از ایشان را دست راستش را مملو امان
ورضوان دست چپش را مملو رحمت وخلود در جنان کردانند
ووالدینش را بازای تعلیم قران که بفرزند خود کرده اند دو حله
از بهشت پوشانند وهم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس در سر
نماز نشسته قران بخواند بعدد هر حرف برائش پنجاه حسنه
نوشته شود وپنجاه سیئه محو کردد وپنجاه درجه بلند کردانند
واکر ایستاده بخواند بعدد هر حرف صد حسنه نویسند و
صد سیئه محو کنند وصد درجه بلند کردانند واکر در غیر نماز
بخواند بهر حرف ده حسنه نویسند وده سیئه محو کنند وده
درجه بلند کردانند واکر خود تلاوت نکند وگوش بتلاوت
دیکری دارد بهر حرف یک حسنه عطا فرمایند ویک سیئه محو نمایند

ویکی دهم

ویکدرجه بلند کردانند وچون قرآن را ختم کنند اورا دعائی مستجاب
بود واکر ختم در روز واقع شود تا شب واکر در شب واقع شود
تا روز ملائکه بر وصلوة فرستند از حضرت امام علیه السلام
پرسیدند که این فضایل برای کیست که قران داند فرمود
خدایتعالی کریم است هرکس انچه میداند وهرکاه ختم کند
چنانست که ختم قران کرده باشد واین فضایل با وعطا
فرماید وهرکس در مکه معظمه از جمعه تا جمعه یا کمتر یا بیشتر
ختم کند وختم در روز جمعه واقع شود از جمعه اول دنیا تا جمعه
اخران برای او ثواب وحسنات نویسند وهمچنین اکر در
روز دیکر باشد از مثل ان تا مثل ان وهم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هرکس در شبی ده ایه بخواند اورا از جمله غافلین
ننویسند واکر پنجاه ایه بخواند از جمله ذاکرین نوشته شود
واکر صد ایه بخواند از جمله قانتین واکر دویست ایه از جمله
خاشعین وقرآن در روز قیامت با او مخاصمت نکند
واکر سیصد ایه بخواند از فایزین واکر پانصد آیه بخواند
از عابدین واکر هزار آیه بخواند یکقنطار ثواب برایش نویسند
وقنطار پانزده هزار مثقال است ویک مثقال بیست وچهار

قیراط وکوچکترین قیراط مثل کوه احداست وبزرکترش
از زمین تا اسمان وکسی که قران بمشقت بیاموزد ثوابش
مضاعف باشد ودرخانه که قران خوانند وذکر خدا کنند
ملائکه حاضر شوند وشیاطین دور شوند وبرکت زیاده
شود وانخانه برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره
برای اهل زمین وخانه که قران نخوانند وذکر خدا نکنند
ملائکه بیرون روند وشیاطین حاضر شوند وبرکت
کم شود وسه چیز از اهل خود بخدا اشکایت کنند مسجدی که
دران نماز نکذارند وعالمی که قدرش ندانند وقران درخانه
که تلاوت نکنند تا غبار کیرد این بود بعضی از فضایل
جمله قران وهریك از سور وایات را نیز فضایل بی نهایت
روایت شده که حوصله این رساله اکرچه وسعت حکایت
همه آن ندارد اما چون از همه ان محروم نیز نتوان کذاشت
بروایت بعضی مشرف کردانیم وکوئیم هرمومن که بسم الله الرحمن الرحیم
بکوید بعدد هر حرف اورا حسنه عطا فرمایند که هر حسنه
بهتر باشد از تمام دنیا ونعمتهای آن وخدای تعالی کارهایش را
مبارك وتمام کرداند واکر کوشش کند که دیکری بخواند ثلث

ثلث ثواب خوانده داشته باشد الحمد هر کس از روی اقرار
واعتراف بخواند خدایتعالی نعمتهای اخرت او را اضافه
نعمتهای دنیا کرداند وبلاهای اخرت را باضافه بلاهای
دنیا دفع کند رحمت وافر وعطیه کامل احسان فرماید
وروز قیامت حسابش را اسان کند وحسناتش را قبول فرماید
وسیئاتش را محو فرماید وثوابی کرامت فرماید که همه مخالفین
بران حسرت برند ودر شداید کارها معین ودستگیرش
باشد وبراه راست وطریقه اهل بیت علیهم السلام هدایتش
کند وچنانست که دو ثلث قران خوانده باشد وبهر مومن
ومومنه صدقه داده باشد بقره وال عمران هر کس بخواند
روز قیامت مثل دو پارهٔ ابر از حرارت افتاب برسرش سایه
کند پس هر کس بخواند گناهانش امرزیده شود وچنانست که
دوازده مرتبه ختم قران کرده باشد واکر کسی در روز بخواند تا
شب محفوظ ومرزوق کردد واکر پیش از انکه بخوابد بخواند
هزار ملک بر وموکل شوند که از شیاطین وافات محافظتش
کنند واکر دران شب بمیرد سی هزار ملک در غسلش حاضر شوند
وبرای او استغفار کنند وتا قبر مشایعتش نمایند بعد از ان

در قبرش ساکن شوند و عبادت خدا کنند و ثوابش برای او نوشته
شود و تا چشم کار کند قبرش وسیع کند و از فشار قبر ایمن شود
تا روز قیامت نوری از قبرش تا اطراف آسمان درخشان باشد
و چون از قبر بیرون آید ملائکه با او مشایعت نمایند و مژدهٔ
خیر و رحمت دهند تا از میزان و صراط بگذرد پس پیش خدای تعالی
در مقامی باز دارند که هیچکس نزدیکتر از و بخدا نباشد مگر
ملائکه مقربین و انبیا و مرسلین و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام
و با ایشان باشد و از هر خوف و حزن ایمن باشد پس خدای تعالی
گوید ای بندهٔ من هر چه خواهی سوال کن تا عطا نمایم و هر کرا خواهی
شفاعت نمای تا اجابت فرمایم و از مذلت موقف ایمن باشد
و بر هیچ خطیه ملامت نه بیند تا آنکه همه کس گویند سبحان الله
این بندهٔ خدا هیچ خطائی نداشته پس از جملهٔ رفقاء حضرت محمد
صلی الله تعالی علیه و آله و سلم باشد و روایت دیگر آمده که هر کس
در مدت عمر یکمرتبه این سوره بخواند بعدد هر خلقی در دنیا
و آخرت برایش دو هزار هزار حسنه نویسند و دو هزار هزار
سیئه محو کنند و از جنون و جذام و آفات و آلام ایمن گردد و
سکرات موت بر او آسان شود و خدای تعالی خود متوجه قبض روحش

شود و وسعت معیشتش دهد و روز قیامت خوشحال باشد
و الله ثواب باو دهد که راضی گردد پس بجمیع ملائکه آسمان
و زمین گوید برای این بندهٔ من استغفار کنید که من از او راضی
گشتم ص هر کس بخواند خدا تعالی بوزن هر کوهی که مسخر
حضرت داود کرده بود حسنات عطا فرماید و هر کس شب جمعه
بخواند الله خیر دنیا و آخرت باو دهد که هیچکس نداده باشد
مگر نبی مرسل و ملک مقرب و او را و هر که او خواهد از اهل
بیتش حتی خادمش اگرچه از عیال و اهل شفاعت او نباشد
به بهشت برد و واقعه سوره حضرت امیر المومنین است
هر کس هر شب جمعه بخواند از رفقای آنحضرت باشد و از آفات
و مکاره دنیا ایمن گردد و هر کس هر شب بخواند پیش از آنکه بخوابد
رویش در روز قیامت مثل بدر تمام باشد صف
هر کس بخواند حضرت عیسی علیه السلام او را دعا کند و برایش
استغفار نماید تا در دنیا باشد هر کس باین سوره در فرایض
و نوافل مداومت نماید در صف و ملائکه و انبیا مرسلین
باشد هل اتی هر کس بخواند جزایش بهشت و حریر بهشت باشد
و اگر در نماز صبح دوشنبه بخواند از شر و ر آن روز ایمن گردد و اگر

صبح پنجشنبه بخواند در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

باشد و هشتصد بکر و چهار هزار ثیب از حور العین با و عطا

کند جمعه هر کس بخواند بعد ده هر کس بنماز جمعه آید و هر کس نیاید و

در دنیا از اهل اسلام باشد ده حسنه با و عطا کند منافقین

هر کس بخواند از نفاق بری شود سبح اسم هر کس بخواند به

بعد ده هر حرف که بحضرت ابراهیم و موسی و محمد صلی الله علیهم

نازل شده ده حسنه عطا فرمایند و هر کس در نافله یا فریضه

بخواند روز قیامت گویند از هر در که خواهی داخل بهشت شو

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده بر شیعه ما واجب

و لازم است که شب جمعه نماز بسوره جمعه و سبح اسم و ظهر جمعه

بجمعه و منافقین گذارند و هر کس چنین کند چنانست که عمل

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کرده باشد و جزائش بهشت بود

الحاقة برای معامله حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه

و آله نازل گشته هر کس در فرایض و نوافل بسیار بخواند ایمان از وی

مسلوب نشود تبارک هر کس بخواند از عذاب قبر ایمن شود

و اگر در نماز خفتن بخواند در امان خدا تعالی تا صبح و روز قیامت

تا آنکه داخل بهشت شود الفجر سوره حضرت امام حسین است

و معویه علیه ما علیه

علیه السلام هر کس در فرایض و نوافل بخواند با آنحضرت در یک درجه
از بهشت باشد و هر کس در ده شب ذی الحجه بخواند گناهانش
آمرزیده شود انا انزلناه سوره اهل بیت طاهرین علیهم السلام ١١
هر کس بخواند چنانست که ماه مبارک رمضان را روزه گرفته
و لیلة القدر را احیا داشته باشد و هر کس یکمرتبه آهسته
بخواند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد
و اگر یکمرتبه بلند بخواند چنان است که در راه خدا شمشیر
از غلاف کشیده باشد و اگر ده مرتبه بخواند هزار گناهش آمرزیده
شود و اگر در نماز فریضه بخواند منادی ندا کند که اعمال را از
سر گیر که گناهت همه آمرزیده گشت و فضایل این سوره زیاده
از آنست که در حوصله این رساله گنجد و بعضی از آنجمله نیز در
مباحث سابقه گذشته و بعضی نیز دیگر در جای خود انشاء الله
تعالی بیاید والتین هر کس بخواند خدای تعالی در دنیا عافیت
و یقین و در آخرت بعدد هر کس این سوره را خوانده ثواب
یکروزه روزه باو عطا فرماید و هر کس در فرایض و نوافل بخواند
هر جای بهشت که خواهد باو عطا کنند والعادیات
سوره حضرت امیر المؤمنین هر کس بخواند و آن مداومت کند

از رفقای آنحضرت و در پناه او باشد الهیکم التکاثر هر کس بخواند
چنانست که هزار آیه از قرآن خوانده باشد و خدا تعالی بر نعمتهای
که در دنیا باو داده او را محاسبه نفرماید و اگر در فریضه بخواند
چهل صف ملایکه با او اقتدا کنند و اجر صد شهید داشته
باشد و اگر در نافله بخواند اجر پنجاه شهید ... هر کس بخواند
چنانست که ربع قرآن خوانده باشد و شیاطین از او دور شوند
و از شرک بری گردد و از فزع اکبر ایمن گردد و هر کس سوره جحد
و توحید در فریضه از فرایض بخواند گناهان او و والدین و اولاد
ایشان همه آمرزیده شود و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو
گردد و در دیوان سعدا ثبت شود و در زمره ایشان محشور شود
توحید هر کس یکمرتبه بخواند چنانست که ثلث قرآن خوانده باشد
و بعدد هر مؤمنی ده حسنه عطا کند و چون سه مرتبه بخواند ختم
قرآن کرده باشد و هر کس یکمرتبه بخواند خدا تعالی برو برکت و
رحمت زیاد کند و اگر دو مرتبه بخواند برا او و بر اهل بیتش و اگر سه
مرتبه بخواند بر ایشان و بر همسایگانش و اگر دوازده مرتبه بخواند
دوازده قصر در بهشت عطا فرماید و چون حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم بر سعد بن معاذ نماز گذارد دید که هفتاد هزار

مالک که جبرئیل از آنجمله بود بر و نماز گذاردند از جبرئیل پرسید
که سعد به چه چنین مستحق این کرامت گشته گفت بآنکه در جمیع
احوال نشستن و برخواستن و آمدن و رفتن و سواره و پیاده
همیشه قل هو الله احد میخوانده ٭ اذا جاء ٭ هر کس بخواند چنانست
که با حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در فتح مکه حاضر باشد
و اگر در فرایض یا نافله بخواند بر همه دشمنان نصرت یابد و نورانی
از قبر بیرون آید و از جسر جهنم و اهوال آن ایمن گردد و در دنیا
انقدر اسباب خیر برو مفتوح شود که هرگز بخاطرش نگذشته
و آرزویش نداشته باشد و چون روز قیامت محشور شود بر
هیچ چیز نگذرد مگر آنکه او را مژده خیر دهد تا داخل بهشت شود
معوذتین هر کس بخواند چنانست که جمیع کتابها که بر انبیا
علیهم السلام نازل گشته خوانده باشد ٭ آیة الکرسی ٭ هر کس
یک مرتبه بخواند خدا تعالی هزار مکروه در دنیا که سهل ترین آن فقر
و هزار مکروه در آخرت که سهل ترین آن عذاب قبر باشد
از وی رفع فرماید این بود مجملی از فضایل بعض سور و آیات قرآن عظیم
و بسیاری نیز در مباحث سابقه گذشت و بعضی نیز در مباحث
مناسب انشاء الله تعالی خواهد آمد و ذکر همه آن در حوصله این مختصر

رساله در بیان بعضی از آداب تلاوت قرآن و بعضی دیگر از احکام
متعلق بآن آنکه چون کسی آیهٔ یا سورهٔ از قرآن بیاموزد و یاد
گیرد باید مداومت بآن کند تا فراموش نشود که اگر فراموش
شود آن سوره یا آیه خود را در بهشت بصورتی جمیل و درجهٔ
رفیع باو نماید و برو سلام کند پس او گوید چه خوب نعمتی تو
چیستی و از کیستی کاش از من می بودی گوید من فلان سوره
یا آیه ام اگر فراموشم نمیکردی باین درجات میرسانیدم
و مخفی نماند که ظاهر این حدیث اعمست از یاد گرفتنش حکمش
یا لفظش یا بخاطر گرفتنش و هر سه معنی حق و صحیح است
و درجاتش در رفعت و عظمت مختلف و هر کدام درجه اش
رفیعتر حسرتش بر نسیان عظیمتر و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که مؤمن را سزاوار است که هر روز خصوصا صبح بعد از
فراغ از تعقیب وردی از قرآن تلاوت کند اقلا پنجاه
آیه و افضل اعمال آنست که کسی همیشه قرآن ختم کند و باز
از سر گیرد و مستحب است که مدت ختم قرآن کمتر از یکماه نباشد
تا بتدبر و تفکر تواند خواند اما در ماه مبارک رمضان هر
شش روز و سه روز یا هر چه مقدور شود رخصت شده و فضایل

بحزن وحسن صوت درباب سابق گذشت وقرآنرا بشتاب و
بی تأنی نشاید خواند ومقصود نباید آخر سوره وجزو باشد
بلکه بترتیل وتأنی وتفکر وتأمل باید تلاوت نمود مرویست
که آیات قرآن خزاین جواهر معرفت وحکمت است هر خزینه را
که بگشاید از جواهر آن غافل مگذرید ونیز مرویست که بسا کسی
که قرآن خواند وقرآن ازو بیزاری کند بلکه با دل آگاه واز
روی خضوع وخشوع تلاوت باید نمود وچون بآیه مغفرت
ورحمت وذکر نعیم جنت رسی رغبت بآن نموده ازروی شوق
ازخدا مسئلت کنی وچون بآیه عذاب وذکر عقوبت وحساب
رسی اندیشه کنی وازان استعاذه نمائی وازمناهی ومعاصی
توبه واستغفار کنی وچون بموعظه ونصایح مرور کنی موعظه
ونصیحت گیری وچون بحکایات وقصص بگذری ازان عبرت
گیری وبرین قیاس هرآیه که رسی مناسب آن حالت عمل نمائی
واگر مقدور باشد الفاظ قرآنرا فصیح وسلیس ادا کند مرویست
که قرآنرا چنان بخوانید که عرب میخواند واگر مقدور نباشد آنچه
تواند ترك نكند ومرویست که عجمان قرآنرا عجمی خوانند وملائکه
آنرا عربی بالا برند وازجمله آداب اینکه با طهارت ومکان خلوت

واطمینان خاطر وروی بقبله بدوزانو نشسته تلاوت کند
ودر اثنای تلاوت باکسی گفتگو نکند وافضل اینست که از روی
مصحف تلاوت کند که عذاب والدین تخفیف یابد اگرچه کافر
باشند ونظر بر خط قرآن عبادتست واگر در جائی تلاوت
کنند باید ساکت بود وگوش داشت وچون قرآن را برای تلاوت
برگیرد بگوید اللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّ هٰذا کِتابُكَ المُنزَلُ
مِنْ عِنْدِكَ عَلی رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ وَکَلامُكَ
النّاطِقُ عَلی لِسانِ نَبِیِّكَ جَعَلْتَهُ هادِیاً مِنْكَ
اِلی خَلْقِكَ وَحَبْلاً مُتَّصِلاً فِیما بَیْنَكَ وَبَیْنَ
عِبادِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَکِتابَكَ
اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَرِی فِیهِ عِبادَةً وَقِراءَتی فِیهِ ذِکْراً
وَفِکْرِی فِیهِ اعْتِباراً وَاجْعَلْنی مِمَّنْ یَتَّعِظُ بِبَیانِ
مَواعِظِكَ فِیهِ وَیَجْتَنِبُ مَعاصِیَكَ وَلا تَطْبَعْ
عِنْدَ قِراءَتی عَلی قَلْبی وَعَلی سَمْعی وَلا تَجْعَلْ عَلی
بَصَرِی غِشاوَةً وَلا تَجْعَلْ قِراءَتی قِراءَةً لا تَدَبُّرَ
فِیها بَلِ اجْعَلْنی اَتَدَبَّرُ آیاتِهِ وَاَحْکامَهُ اٰخِذاً
بِشَرایِعِ دِینِكَ وَلا تَجْعَلْ نَظَری فِیهِ غَفْلَةً وَلا قِراءَتی

هدى إنك أنت الرؤوف الرحيم وچون خواهد شروع
در تلاوت كند از وساوس شيطان و غفلت قلب وقساوة
آن پناه بخدا تعالى برده بگويد أعوذ بالله السميع العليم
من الشيطان الرجيم چون بآية سجده رسد يا از ديگرى
بشنود سجده كند و در سجده بگويد لا إله إلا الله حقا
حقا لا إله إلا الله إيمانا وتصديقا لا إله إلا الله
عبودية ورقا سجدت لك يا رب تعبدا ورقا
لا مستنكفا ولا مستكبرا بل أنا عبد ذليل
خائف مستجير وبعد از فراغ از تلاوت بگويد اللهم
إني قد قرأت ما قضيته من كتابك الذي أنزلته
على نبيك الصادق صلى الله عليه وآله فلك الحمد
ربنا اللهم اجعلني ممن يحل حلاله ويحرم حرامه
ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله أنسا في قبري
وأنسا في حشري واجعلني ممن ترقيه بكل آية
درجة في أعلى عليين آمين رب العالمين وچون ختم كند
اين دعا از صحيفه كامله بخواند اللهم إنك أعنتني على ختم
كتابك تا آخر دعا

در فضایل ذکر و دعا و احکام متعلق بآنها و این مجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل ذکر و روایت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس ذکر خدای بسیار گوید
از نفاق و از آتش دوزخ ایمن گردد و حضرت امام جعفر علیه السلام
فرمود دلهای خود را رعایت کنید و بذکر خدا آگاه دارید
و بترسید از آنکه غافل نقض عهد ایمان در دل شما راه یابد
که چون دل از ذکر خدا و یاد خدا غافل شود نه مؤمن باشد
و نه کافر مثل جامهٔ کهنه یا استخوانی پوسیده پس درین
حالت خدا را یاد کنید و از نقض عهد بترسید که چون
دل را چنین حالتی رو دهد پس اگر خدا با آن بنده اراده خیر
داشته باشد ایمان در دلش اندازد و گرنه کفر و خدا تعالی
فرموده ای بنی آدم تو در دل خود مرا یاد کن تا من در دل خود
ترا یاد کنم و تو در مجالس خود مرا یاد کن تا من در مجالس ملائکه
ترا یاد کنم و خانه که در آن ذکر خدا و تلاوت قرآن کنند
برکت بسیار و ملائکه نزدیک و شیاطین دور شوند
و آنخانه برای اهل آسمان نورانی باشد چنانکه ستاره بر
اهل زمین و شیطان بهر دلی آویخته چون ذکر خدا کنند ازو

دور شود و چون ترک ذکر کنند کمراهش کنند و خدای تعالی فرموده
مال بسیار گناهانرا فراموش کند و ترک ذکر من قساوت
دل آورد و هرکس خدا را در دل یاد کند ثواب آنرا غیر خدا کسی
نداند و هرکس در میان غافلان و مشغولان دنیا ذکر خدا کند
خدای تعالی هزار رحمت برایش نویسد و روز قیامت بیامرزدش
آمرزشی که بخاطر هیچکس نرسد و چنانست که در معرکه که همه
گریخته باشند ثابت قدم ایستاده با اعدای خدا مقاتله کند
و بهشت اورا واجب شود و مومن بهر بلیه مبتلا شود و کسی که
مشغول ذکر خدا باشد بصاعقه مبتلا نشود و هیچ جمعی در مجلسی
مش[illegible] ذکر نشوند مگر اینکه جمعی ملائکه با ایشان نشسته
شریک شوند و گریه ایشان گریه کنند و دعاشانرا آمین
گویند و منادی از آسمان ندا کند که سیئات شما همه آمرزیده شود
و بحسنات بدل گشته و اگر کسی در میان ایشان باشد
و ذکر نکند او نیز بسبب مجالست با ایشان آمرزیده شود و حضرت
موسی علیه السلم سوال نمود گفت خدایا آیا نزدیکی تا مناجاة کنم
یا دوری تا آواز رسانم فرمود من همنشینم با کسی که ذکر من کند
و هم آنحضرت مناجاة نمود گفت روزی که هیچکس را پناهی نباشد

در پناه رحمت تو که باشند فرمود آنانکه ذکر من کنند و من ذکر
ایشان کنم و برای من باهم محبت کنند و من با ایشان محبت کنم
ایشانند که اگر خواهم بر اهل زمین عذاب فرستم چون ایشانرا
بیاد آرم عذاب باز گیرم و نیز مناجات نموده گفت خدایا مرا در
بعضی احوال شرم آید که ذکر تو کنم فرمود در هیچ حالی بی ذکر من مباش
که ذکر من در همه حال خوبست و بباید دانست که ذکر بر سه قسمت
ذکر با دل بمعنی خدا را بیاد داشتن است و با زبان مثل تسبیح
تهلیل و تلاوت قرآن و مذاکرهٔ مسائل دین و ایمان و امر
بمعروف و نهی از منکر و غیر آن هرچه خدا را بیاد آرد و با اعضا
و ارکان مثل عبادات و طاعات و ترک مناهی و سیئات
و افضل همه ذکر با دل است که معنی نیت شعبه ایست از آن
و ذکر با دل بمنزلهٔ روحست و ذکر با زبان و ارکان بمنزلهٔ بدن
و چون قول و فعل بی نیت خدا و یاد او باشد مثل صورتی
باشد بی جان و ازین جهت است که اعمال ریا و اغراض دنیا
و همچنین عبادات مخالفین و غافلین مثل مستان و
اطفال مقبول نباشد و خدا تعالی فرموده من هر کلام حکمت را
قبول نکنم بلکه نظر بدلش کنم اگر بیاد من و برای من کرده اجر دهم

ودل با خدا داشتن

واکر

واگر نه با آن واگذارم که برای او کرده و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرموده نیت مؤمن بهتر است از عملش که عمل
بی نیت مقبول نبود و با نیت اگر عمل مقدور نباشد همان اجر
یابد چنانکه مرویست که وقتی در مدینه قحط شد کسی روزی
در صحرا به تل خاکی گذشت گفت کاش اینهمه گندم بودی تا
بمردم دادمی این خبر بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
رسید فرمود همان ثواب را یابد و وجوه دیگر نیز برای بهتری
نیت روایت شده که اینمقام ذکر آنها نیست و نیز در باب
سابق گذشت که هر قدر از نماز که با آگاهی دل باشد بالا برند
و هر چه غافل از آن باشد بر هم پیچیده و بر روی صاحبش زنند
و نیز در مبحث ورع و تقوی گذشت که ذکر خدا همین سبحان الله
والحمد لله نیست بلکه اصل ذکر آنست که در افعال و اعمال
هر چه رو دهد خدا را یاد کنی اگر رضاء خدا باشد ارتکاب کنی
واگر نه اجتناب نمائی و امثال این اخبار و احادیث بسیار است
و بعضی از آن گذشته و بعضی نیز در مباحث خود انشاء الله
بیاید و افضل همه اذکار آنست که ذکر دل و زبان و ارکان همه
با هم جمع شود بحیثیتی که در افعال و اقوال خدا منظور باشد و برضای

اوشود واین جمله که گفته شد بحمد الله بسیار واضح است و توقفی که
که در عنایات را درین مقام باشد یا آنکه کسی قمار بازد و معاصی
کند و با این مغرور باشند که هر روز هفتاد هزار تهلیل میگوید و دیگران
نیز فریفته آن شوند در نهایت سخافت است چنانکه ازین احادیث
و سایر احادیث که در مجمع وکـع و غیر آن مذکور شد
در غایت وضوح است والحمد لله فصل دوم
در فضایل بعضی اذکار مخصوصه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که جماعتی فقرا بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
معروض داشتند که اغنیا حج گذارند و بندگان آزاد کنند
و صدقات دهند و جهاد کنند و ما از جمله محرومیم فرمود
که کسی صد مرتبه الله اکبر بگوید افضل است از آنکه صد بنده
آزاد کند و اگر صد مرتبه سبحان الله بگوید افضل است از آنکه
صد شتر در مکه قربان کند و اگر صد مرتبه الحمد لله بگوید
افضل است از آنکه صد اسپ با زین و لجام و مردان بر آن سوار
بجهاد فرستد و اگر صد مرتبه لا اله الا الله بگوید عملش در آن
روز افضل از جمیع ناس باشد مگر کسی که بیشتر گوید و هم
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کس تسبیحات اربع

بگوید بعوض هر یک درختی در بهشت برایش نشانده شود گفت
یا رسول الله درخت بسیار در بهشت داریم فرمود بلی اما اتشی
نفرستید که همه را بسوزد هر کس پی اکند از چیزی تعجب کند سبحان الله
بگوید مرغی ازان مخلوق شود و تا روز قیامت خدا را تسبیح کند
و ثواب آن همه ازو باشد و همچنین اگر لا اله الا الله یا الحمد لله
یا الله اکبر گوید هر کس لا اله الا الله باخلاص بگوید بهشت
او را واجب شود اخلاصش آنست که او را باز دارد از معاصی
و سبحان الله نصف میزان را پر کند و الحمد لله تمام میزان را
و لا اله الا الله ما بین زمین و آسمان را و هر کس لا اله الا الله
بگوید درختی برایش در بهشت بنشانند در زمینی سفید تر از برف
و شیرین تر از شهد و خوشبوی تر از مشک که بار آن مثل
پستان دختران بکر باشد در هر یک ازان هفتاد حله از حلهای
بهشت و هر کس بگوید الحمد لله کما هو اهله کتاب آسمان دست
از نوشتن باز دارند و گویند خدایا ما ندانیم که ثواب این را چه
قدر نویسیم خدا تعالی فرماید شما گفته او را بنویسید من دانم
چه قدر ثواب دهم و هر کس بگوید سبحان الله و بحمده
سبحان الله العظیم و بحمده سه هزار حسنه نویسند و

سه هزار سیئه محو کنند و سه هزار درجه بلند کردانند و طایری
در بهشت خلق شود که خدا را تسبیح کند و ثوابش ازو باشد و
هر کس روزی ده مرتبه بکوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا لَمْ یَتَّخِذْ
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا چهل و پنجهزار حسنه نوشته شود و چهل و
پنجهزار سیئه محو کردد و چهل و پنجهزار درجه بلند شود و
در آنروز حرز او باشد از شیطان و وسوسه و سلطان و
کبیره دامن کیرش نشود و چنانست که در آنروز دوازده مرتبه
ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت برایش بنا کنند و هر کس
هر روز بکوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ حَقًّا حَقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
عُبُوْدِیَّةً وَرِقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِیْمَانًا وَتَصْدِیْقًا
خدا تعالی از روی کرم متوجه او شود و هرکز روی از و نکرداند
تا داخل بهشت شود و هر کس بکوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
خدا تعالی فرماید ای ملائکه بندهٔ من کارهای خود را بمن وا
کذاشت و اعتراف بعجز و ناتوانی خود نمود حاجتش ابراید
و هر کس سه مرتبه بکوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ نود و نه نوع بلا از و دفع شود

کر سهل

که سهل ترین آن مردن بجنون باشد وهر کس بگوید اشهد ان
لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله دو هزار
حسنه ثبت شود فصل سیوم در فضایل ذکر اهل بیت
وصلوة بر ایشان و بعضی امور مناسب ان صلوات الله علیهم اجمعین
مرویست از ایشان صلی الله علیهم که هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند
و ذکر خدا تعالی و ذکر ما نکرده و صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
نفرستاده برخیزند مگر اینکه آن مجلس روز قیامت بر ایشان
حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر خداست و ذکر
اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مؤمنان
[illegible] نمایند و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنند هر کو[شت]
که در روی ابلیس است بگدازد تا انکه روحش از شدت الم بناله
آید و ملایکه آسمان و خزان جنان از آن مطلع گشته و همه
ملایکه مقربین او را لعنت کنند و حضرت امام رضا صلوات الله
علیه فرموده هر کس در مجلسی بنشیند که فضایل و اخبار ما
مذکور شود و ولایت و حق ما در آن مجلس زنده باشد دلش
نمیرد و در روزی که دلها مرده باشد و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرموده هر کس ذکر فضیلتی از فضایل علی ابن

ابی طالب کند واقرار بان داشته باشد کناه کذشته واینده اش

امرزیده شود واکرچه مثل کناه جن وانس باشد وهرکس فضیلتی

از فضایل اورا بنویسد تا اثری ازان باقی باشد ملایکه برایش

استغفار کنند وهرکس فضیلتی از فضایل اورا بشنود کناهانی

که باکوش کرده امرزیده شود وهرکس نکاه بر نوشته فضیلت

ازو کند کناهانی که باچشم کرده امرزیده شود بعد ازان فرمود

نظر بر علی ابن ابی طالب علیه السلم کرم الله وجهه عبادتست وذکر او

عبادت است وایمان هیچ بنده قبول نشود مکر بولایت او

وبراءت از اعدای او وحضرت امام حسن علیه السلم فرموده هرکس

دردل بما محبت دارد وبادست وزبان نصرت ما کند با ما در

غرفه ما باشد وهرکس دردل محبت دارد و بزبان نصرت کند

یکدرجه ازان پس تر باشد وهرکس محبت ما دارد وبادست

وزبان نصرت کند در بهشت باشد حضرت امام جعفر

علیه السلم فرموده هرکس با زبان اعانت ما کند خدا تعالی روز

قیامت زبانش را بحجتش کویا کند وهم از ایشان علیهم السلم

مرویست که هرکس یکمرتبه صلوات بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و

آله وسلم فرستد خدا تعالی با هزار صف ملایکه هریک

صلوة برو فرستد بعد از آن هیچ مخلوقی نماند مگر که برو صلوة فرستد
پس هر کس باین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور باشد خدا
و رسول و اهل بیتش صلی الله علیهم ازو بیزار باشند و هیچ چیز
در میزان سنگین تر از صلوة بر محمد و آلش نباشد چون اعمال
مؤمنان را در میزان گذارند اگر حسنات سبک و سیئات
سنگین باشد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هر صلوة که
برو فرستاده باشد بر سر حسنات گذارد تا بر سیئات زیاده
کند پس به بهشت برد و صلوات بر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
گناهان را بیشتر محو کند که آب آتش را و نیز مرویست که هر کس
قادر بر کفاره گناهان نباشد صلوات بر آنحضرت و آلش صلی الله
علیه و آله و سلم فرستد که صلوة بر ایشان گناه را میریزد و
صلوة بر ایشان برابر است با تسبیح و تهلیل و تکبیر و هر کس
نام آنحضرت در پیشش مذکور شود و صلوة نفرستد راه بهشت
برو خطا شود و هر کس دعا کند و دعایش محجوب ماند و بالا
نرود تا صلوة فرستد و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
در وقت دعا مرا مثل کوزه مسافر مگردانید که چون اسباب را همه
بار کند بعد از همه کوزه را در عقب بار آویزد که هر گاه تشنه شود

بردارد بلکه مراد اول ومیان واخر دعا یاد کند ونیز فرموده

که هر کس بر من صلوه بیشتر فرستد روز قیامت بمن نزدیک

باشد وهر کس از خدا یتعالی حاجتی بطلبد اکر بعوض ان صلو

فرستد حاجتش اجابت شود وثواب ان صلوة نیز داشته

باشد کسی بحضرت امام جعفر علیه السلم کفت چون از خانهٔ کعبه

بیرون می آمدم دعائی بخاطر نداشتم غیر صلوات بر پیغمبر صلی الله

علیه واله وسلم فرموده هیچکس بخوبی تو بیرون نیامده وهر کس

در صلوة بر انحضرت والش را با او شریک کرداند درهای

اسمان کشوده شود وکناهانش مثل برک از درخت بریزد

وملایکه هفتاد صلوة برو فرستند وخدا یتعالی فرماید

اکر شما هفتاد صلوة بر بندهٔ من فرستادید من هفتصد صلوة

برو فرستم واکر بر الش صلوة نفرستد بوی بهشت نشنود

وحال انکه بوی بهشت را از پانصد سال راه توان شنید ومیان

او واسمان هفتاد حجاب نصب شود وخدا یتعالی فرماید ای

ملایکه دعای این بنده را بالا میارید تا با عترت پیغمبر من صلوة

نفرستد ومرویست که هر کس بکوید صل الله علی محمد وعلی اهل بیته

هزار حسنه نوشته شود وفضایل دیکر برای صلوة وبعضی صلواة

مخصوص

مخصوصه در مباحث تعقیب و اعمال جمعه و غیر ان گذشت

فصل چهارم در فضایل دعا و متعلق بان مرویست

از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که دعا افضل

عبادات است و خدا تعالی هیچ چیز را دوست تر از ان ندارد

که بنده از و مسئلت حاجت کند و هیچ چیز را دشمن تر از ان ندارد

که استکبار کند و ترک مسئلت نماید و در قران مجید فرموده

اگر نه این بود که شما دعا میکنید خدا هیچ اعتنا بشما نمیکرد و

دعا سلاح مؤمن و عمود دین و نور سموات و ارضین است

و قضای مبرم بدعا رد شود و تاثیر دعا در قضاء حاجت

بیشتر است از تاثیر سنان در گوشت از حضرت امام جعفر

علیه السلام پرسیدند که دو کس باهم در نماز کردند و باهم فارغ شدند

یکی دعا بیشتر کرده و دیگری قراءت فرمود انکه دعا بیشتر کرده

افضل است و هر بلیه که بر کسی نازل شود و خدا تعالی در دلش

اندازد که دعا کند ان بلیه ازو زود زایل شود و اگر در دعا تأخیر

شود بلیه بطول کشد و چون بنده دست بدعا بردارد خدارا

شرم آید که انرا خالی رد کند و دعایی که پنهانی کنند

هفتاد مثل انست که علانیه کنند فصل پنجم

بعضی امور

شروع

در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام آن متعلق اسباب اجابت
دعا که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام ۳ قسمت اول حالات
وصفات داعی مرویست که جمعی بخدمت یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام
رفته گفتند یا ابن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خدا تعالی فرموده که
دعا کنید که من اجابت میکنم و ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود
فرمود دلهای شما بسبب ده چیز مرده است دعوی خدا شناسی
میکنید و اطاعت خدا نمیکنید و دعوی محبت رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم میکنید و با اولادش عداوت میکنید
و قرآن میخوانید و عمل بحکم آن نمیکنید و دعوی عداوت
شیطان میکنید و پی روش میکنید و دعوی محبت بهشت
میکنید و برای او سعی نمیکنید و دعوی د.. ی دوزخ میکنید
و خود را دران می افکنید و مشغول عیوب دیگران میشوید
و از عیوب خود چشم می پوشید و دعوی بغض دنیا می کنید و
دست ازان نمی کشید و اقرار بموت میکنید و تهیه این سفر
نمیکنید و اموات خود را دفن میکنید و ازان عبرت نمیگیرید
ازینست که دعای شما مستجاب نشود و روایت دیگر آمده که
کسب خود را از حلال کنید تا دعای شما مستجاب شود که چون کسی

بدل
پیرویش
۴

یک لقمه حرام خورد چهل روز دعایش مستجاب نشود و خدا تعالی
فرموده دعای هیچکس از من محجوب نماند مگر کسی که لقمه حرام خورد و
اجابت نکنم دعاء کسی را که مظلمه یکی از بندگان من پیش او باشد
و تا رد آن مظلمه نکند داخل خانهٔ من نشود و مادامی که در نماز
باشد او را لعنت کنم و کسی از بنی اسرائیل سه سال دعائی کرد
مستجاب نشد آخر مناجات کرد گفت خدایا ایا من از تو
دورم که آواز م نمیرسد یا نزدیکی و اجابت نمیکنی خدا تعالی
کسی را فرستاده با او گفت با زبانی فحاش و دلی آلوده سرکشی
و نیت مغشوش دعا میکنی مستجاب نمیشود و نیز مرویست
که با تقوی نیکی آنقدر دعا کافیست که نمک در طعام
دویم اوقات مخصوصه که دعا را در آن غنیمت باید دانست
و فرصت باید شمرد و از انجمله وقت زوال در هر روز خصوصا در
روز جمعه وقتی که امام از منبر فرود آید و ساعت آخر روز
جمعه و تمام شب جمعه و از نصف هر شب تا ثلث آخر شب
درین ساعت هیچ مؤمنی دعا نکند مگر آنکه البته مستجاب شود
و وقت سحر تا طلوع افتاب درین ساعت درهای آسمان گشوده

شود و رزق مردم قسمت کرده حاجتهای عظیم مستجاب شود و میان
اذان و اقامت و بعد از هر فریضه خصوصا بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب
و در قنوت نماز وتر و بعد از تلاوت قرآن و وقت وزیدن باد
و نزول باران و غیر آن از اوقات که بعضی بتقریبات گذشته
و بعضی نیز در مقام خود انشاء الله بیاید سیوم امور چند
که در حال اشتغال بدعا و بعد از فراغ رعایت باید نمود از انجمله
وضو یا غسل داشتن و جامهای پاک پوشیدن و بوی خوش
بکار بردن و صدقه دادن هر قدر که مقدور شود و مکانی
متبرک مثل مسجد یا غیر آن اختیار کردن و دست بجانب آسمان
برداشتن که خدای تعالی کریمست شرم دارد که دست مومن را
خالی رد کند و نه حاجت بالخصوص تمام بودن که خدا را خوش آید
اگرچه حاجات همه کس را امید آنند و در دعا اجتماع نمودن که هرگز
چهل مومن در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه البته مستجاب شود
و اگر چهل کس نباشند چهار کس چهل مرتبه دعا کنند و اگر
چهار کس نباشند یک کس چهل مرتبه دعا کند و روایت دیگر
آمده که هرگز چهار مومن در دعا اجتماع نکنند مگر که باجابت

مقرون

مقرون شود وکسی که آمین گوید در دعا شریک باشد و از جمله اسباب
اینکه ابتدا بمدح و ثناء خدا کند کسی بحضرت امام جعفر علیه السلم
معروض داشت که خدا تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت
میکنم ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود فرمود گمان داری که
خدا تعالی خلاف وعده کند گفت نی گفت پس چرا مستجاب
نمیشود گفت نمیدانم فرمود کسی که اطاعت امر خدا کند و از راهی که
می باید دعا کند البته مستجاب شود گفت راهش کدام است
گفت اول حمد خدا و ذکر نعمتهای او کند و خدا را بر این شکر کند پس
صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد و گناهان خود را مذکور سازد و
اقرار آن و استغفار از آن کند بعد از آن حاجت بخواهد مستجاب
شود و سید اسباب توسل جستن است بحضرت پیغمبر و آلش
صلی الله علیه و آله وسلم و مرویست که کسی هفتاد خریف در دوزخ
بماند بعد از آن مناجات نموده گوید خدایا بحق محمد و اهل بیتش که بر من
رحم کن پس خدا تعالی جبرئیل را فرماید که او را از آتش بیرون آرد
و گوید بعزت خودم که اگر بحق ایشان سوال نمیکردی بسیار در آتش
می ماندی اما من بر خود واجب گردانیدم که هر کس بحق ایشان سوال کند
که اجابت فرمایم و این مضمون در احادیث بسیار آمده و مرویست که

دعا از آسمان محجوب است تا صلوة بر آنحضرت و آلش صلی الله علیهم اجمعین
فرستد و نیز مرویست که صلوة بر ایشان رد نشود پس چون در
اول و آخر دعا صلوة فرستند خدا را شرم آید که اول دعا و آخر را
قبول فرماید و میان را رد کند و از جمله اسباب اینست که دعا را
عام کند و دیگرانرا و آنچه می طلبد با خود شریک سازد بلکه
ایشانرا مقدم دارد که برای ایشان و برای خودش هر دو مستجاب
شود بعضی از علما درین معنی نکته گفته اند که ذکرش مناسب مقامست
آنکه خدای تعالی بندگان خود را نهی فرموده که چون چند جنس را
باهم یک صیغه بیع کنند بعضی را نگاه دارند و بعضی را رد نمایند
و دعا برای مؤمن غایبانه البته مستجاب است چنانکه بیاید پس
چون کسی خود را با دیگری در دعا جمع کند لایق بجناب جلال او نبود
که چیزی که بندگانرا منع فرموده و خود آنرا بکند و از جمله اسباب
آنکه در وقت دعا دل خبردار و رقیق و محزون باشد که دعای
دل غافل و سخت و فرحناک مستجاب نشود و خدای تعالی دل محزون را
دوست دارد و چشم گریان باشد و اگر گریه نیاید سعی کند و
خود را بگریه دارد و چون اشک آید دعا را غنیمت باید دانست
اگرچه بقدر سر مگسی باشد که خدای تعالی چشم گریان را دوست دارد

دیگر

وبکریه یک کس را برامتی رحم فرماید و از جمله آنکه از روی ادب و انصاف
سوال کند مثلا رتبه انبیا و ائمه علیهم السلام سوال نکند و چیزی که از
حوصله و مرتبه او بیرونست طمع نکند که مستحق حرمان شود و از جمله
اینکه اطمینان و حسن ظن باجابت داشته باشد که خدا پیش ظن
بنده مومن است هر چه گمان داشته باشد چنان کند و مرویست
که چون دعا کردی حاجت را بر در خانه دان و از جمله اینکه پیش از
وقت در حال عافیت و رفاهیت همیشه دعا میکرده باشد
تا چون در بلیه و شدت دعا کند مستجاب شود و از آسمان محجوب
نماند و اگرنه ملائکه که بر اجابت دعوات موکلند گویند این چه
آواز است که نمیشناسیم و این کیست و پیش ازین کجا بود که
بدرگاه الهی رجوع نمی نمود و از جمله اینکه در آخر دعا بگوید ماشاء الله
لاحول و لا قوة الا بالله که خدا تعالی فرماید ای ملائکه
این بنده مراد دریابید و اعانت کنید و حاجتش را برارید که
کارهای خود را بمن و خواهش من تسلیم کرد و اعتراف کرد
که غیر من هیچکس اجابت حاجتش نتواند و چون از دعا فارغ شود
هر دو دست خود بر سر و رو و در روایات دیگر بر رو و سینه
بمالد که دست بدعا برخاسته از رحمت خالی نباشد و از جمله اینکه

در دعا الحاح کند که خدارا خوش آید و البته اجابت فرماید و نیز مرویست
که بسا باشد که بندهٔ دعا کند و خدا تعالی از او اعراض نماید باز دعا
کند و اعراض فرماید پس در مرتبهٔ چهارم و بروایت دیگر در مرتبهٔ
سیم فرماید ای ملایکه بندهٔ من مکرر دعا کرد و اعراض نمودم همان
دعا میکند میداند که گناهش غیر من کسی نیامرزد گواه باشید
که او را امرزیدم و اگر در اجابت تأخیر شود مایوس و نومید
نباید شد که خدا تعالی فرموده از رحمت من نومید نباشند مگر
کفار و گمراهان و بسا باشد که بنده دعا کند و خدا تعالی
برای آنکه دعا و مناجات او را دوست دارد در اجابت تأخیر
فرماید تا بیشتر دعا و تضرع کند و دعای مومن البته مستجاب شود
و اگر در همانچه خواسته مصلحت باشد همان را عطا کند و اگر بلیه
مقدر باشد که رفع آن ضرورتر بود خود از آن ضرر ندارد آنرا
رفع فرماید و اگر هیچکدام نباشد در بهشت اضعاف مضاعف
عوض دهد و روایت دیگر آمده که اگر در آنچه خواسته مصلحت
نباشد کفاره گناهانش شود و اگر دعا زود مستجاب شود
مشغول و مغرور نشاید گشت که شاید استدراج باشد
چنانکه در باب او گذشت و بسا باشد که بندهٔ دعا کند و خدا تعالی

براي اینکه از اواز او بد دارد زود اجابت فرماید تا الحاح او را نشنید
بلکه اگر زود شود شکر و حمد و اگر دیر شود صبر و توکل باید کرد
و در هر حال تضرع و انابت و تملق و اطاعت باید نمود

فصل ششم در ذکر جمعی که دعاشان مستجاب شود و جمعی که

دعاشان مستجاب نشود مرویست از اهلبیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین که چند کسند که دعاشان مستجاب شود و از خدا تعالی
محجوب نماند و درهاي اسمان برایش کشوده شود تا بعرش رسد
اهل حج و عمره و جهاد پس مترصد احوال عیال ایشان باشید
و سعی در حوایج ایشان نمائید و مریض پس او را مرنجانید و امام
عادل و ولد صالح براي والدین و والد صالح براي ولد و صایم
تا وقتی که افطار کند و مؤمنی که براي مؤمنی غایبانه دعا کند و
مرویست که هیچ دعا بسرعت اجابت این دعا نیست و دعاي
مظلوم بر ظالم که خدا تعالی فرماید دعایش را بالای ابرها برید تا اجابت
فرمایم و گوید انتقام تو بکشم اگر بعد از مدتی باشد و دعاي
والد بر ولد که برنده تر است از شمشیر و چند کسند که
دعاشان مستجاب نشود کسی که دست از کسب و سعی کشیده در خانه
نشیند و دعا کند خدا تعالی فرماید من راه سعی تحصیل بر تو کشودم

راه سرکن و سعی نمای تا حاجت برادرم و کسی که خدای تعالی مالی با و دادم
و در باطل صرف کرده چون دعا کند فرماید روزیت دادم و
ضایع کردی و کسی که زن یا بنده یا همسایه را نفرین کند فرماید
راه خلاصی نموده ام زن را طلاق کوی و بنده را بفروش و از
جوار همسایه نقل کن و کسی که بی شاهد و بیّنه بکسی قرض دهد
فرماید بایست شاهد و بیّنه بکیری تا مالت باطل نشود و کسی که
از زیر دیوار شکسته بشتاب نرود و یا در مهلکه احتیاط نکند
فرماید که گفته بودم که خود را در مهلکه میفکن تا هلاک نکردی

فصل هفتم در فضایل دعا برای مومنان مرویست از

اهل بیت طاهرین علیهم السلام که کسی مؤمنی را غایبانه ذکر خیر و دعا
کند ملایکه کویند چه خوب برادری تو که برادر خود را غایبانه مدح
و دعا میکنی خدای تعالی دو برابران ترا اعطا فرماید و دو مثل آن
ترا مدح فرماید و اگر دعاء بد و ذکر شر کند کویند چه بد برادری
تو بر خود رحم کن و ترک این گفتگو کن و نیز مرویست که دعای
مومن برای خود یک دعاست که چون برای برادری غایبانه دعا کند
از آسمان اول ملکی ندا کند که صد هزار مثل آن ترا باشد و از آسمان
دویم ندا کنند که ترا دویست هزار مثل آن باشد و همچنین تا آسمان

صد هزار صد هزار پیغمبر اند بعد ازان خدای تعالی فرماید منم غنی که هرگز
فقیر نشوم ترا هزار هزار مثل ان عطا فرمایم و هر مومن که برای
مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات احیا و اموات ایشان
دعا کند خدای تعالی بعدد هر مومن و مومنه از اول دنیا تا اخر دنیا
حسنه برایش ثبت کند و بعدد هر کس مثل انچه دعا کرده باو عطا
فرماید و اگر روز قیامت او را بدوزخ امر کنند و میکشیده باشند
تا بدوزخ برند مومنین و مومنات اجتماع نموده گویند خدایا این کس
در دار دنیا ما را دعا میکرد امروز ما را شفیع او گردان خدای تعالی
شفاعت ایشانرا قبول فرموده او را نجات دهد و هر کس هر روز
بیست و پنج مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ بعدد هر مومنی که گذشته و اینده تا روز قیامت
برایش حسنه ثبت کنند و سیئه محو نمایند و درجه بلند گردانند
فصل هشتم در ذکر بعضی ادعیه و وسایل حاجات مرویست
که کسی بخدمت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و سلامه شکایت
نمود که اجابت دعایم دیر می‌شود فرمود چرا دعاء سریع الاجابه
نمیخوانی گفت نمیدانم کدامست فرمود اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
بِاِسْمِكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ

النور الحق البرهان المبین الذی هو نور مع نور و نور
من نور و نور فی نور و نور علی نور و نور فوق کل
نور و نور علی کل نور و نور تضیء به کل ظلمة
و تکسر به کل شدة و کل شیطان مرید و کل جبار
عنید و لا تقر به ارض و لا تقوم به سماء و یأمن
به کل خائف و یبطل به سحر کل ساحر و بغی کل
باغ و حسد کل حاسد و یتصدع لعظمته البر
و البحر و یستقل به الفلك حین یتکلم به الملك
فلا یکون للموج علیه سبیل هو اسمك الاعظم الاعظم
الاجل الاجل النور الاکبر الذی به سمیت نفسك
و استویت به علی عرشك و اتوجه الیك بمحمد و اهل بیته
و اسئلك بك و بهم ان تصلی علی محمد و آل محمد
و حاجتی که داری طلب نمای و مرویست از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که چون کسی را حاجتی رو دهد پناه بحضرت محمد صلی الله
علیه و آله و سلم برده غسل کند و دو رکعت نماز گذارد و مثل نماز
فریضه افتتاح کند و تشهد خواند و بعد از سلام ثواب آن را بروح
مقدس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هدیه نموده گوید انت السلام

ومنك السلام واليك يرجع السلام اللهم صل على محمد
وآل محمد وبلغ روح محمد مني السلام وارواح الائمة
الصادقين سلامي وردد علي منهم السلام السلام عليهم
ورحمة الله وبركاته اللهم ان هاتين الركعتين
هدية مني الى رسول الله صلى الله عليه وآله فاثبني عليهما
ما املت ورجوت فيك وفي رسولك يا ولي المؤمنين
بعد از ان سجده کند وچهل مرتبه بگوید یا حي یا قیوم یا حي
لا يموت لا اله الا انت يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم
الراحمين بعد از ان روی راست را بگذارد وهمین را چهل مرتبه
بگوید بعد از ان روی چپ را بگذارد وچهل مرتبه بگوید بعد از ان
سر بر داشته دستها بردارد وچهل مرتبه بگوید بعد از ان دستها را
تا پیش کردن بیارد وانگشت سبابه را بنحوی که بچیزی اشاره
کند وبا روی تضرع نگاه دارد وچهل مرتبه بگوید بعد از ان
محاسن را با دست چپ گرفته گریه کنان واگر گریه نیاید خود را چنان
ساخته بگوید یا محمد یا رسول الله اشکو الى الله والیك
حاجتي والى اهل بيتك الراشدين حاجتي وبكم اتوجه
الى الله في حاجتي بعد از ان سجده کند وبگوید یا الله یا الله

تا نفس تمام شود صل علی محمدٍ و آلِ محمّدٍ و اقض حاجتی و حاجت
بخواهد من ضامنم که هنوز از جای خود برنخواسته باشد که حاجتش
آورده شود و هم از آنحضرت علیهم السلم مرویست فرمود شما را
چون مرضی عارض شود بطبیب رجوع کنید و باو تکلفات نمائید
و چون حاجتی باشد بخانه سلاطین روید و بملازمان رشوه ها
دهید پس اگر مرضی یا حاجتی یا شدتی سانح شود پناه بخدا تعالی
برده طهارت بسازید و چیزی تصدق کنید هر چه مقدور شود
پس بمسجد رفته دو رکعت نماز گذارید بعد از ان حمد و ثناء خدا
گوئید و صلوة بر پیغمبر و اهل بیتش صلی الله علیه و آله و سلم فرستید
و حاجت خود طلب کنید البته مستجاب شود و این ضمینی است که
بر خدا تعالی واجبست اجابت ان و هم از حضرت علیهم السلم
مرویست که هر کس را شدتی و حاجتی باشد غسل کند و دو رکعت
نماز گذارد پس دست راست بزیر روی راست گرفته بگوید
یا مُعِزَّ کُلِّ ذَلیلٍ و یا مُذِلَّ کُلِّ عَزیزٍ وَحَقِّکَ لَقَدْ شَقَّ
عَلَیَّ کَذا و حاجت را مذکور سازد مستجاب شود و از حضرت
صاحب الزمان صلوات الله علیه مرویست که هر کس را حاجتی باشد
شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و بمصلای خود رفته دو رکعت

نماز كذارد ودر هر ركعت الحمد بخواند وچون باِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ
اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ رسد اين ايت را صد مرتبه تكرار كند ودو مرتبه
اخر سورة را تمام كند بعد از ان قل هو الله احد بخواند و تسبيح
ركوع وسجود را هفت هفت مرتبه بكويد وچون سلام دهد بكويد
اَللّٰهُمَّ اِنْ اَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ وَاِنْ عَصَيْتُكَ
فَالْحُجَّةُ لَكَ مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ وَسُبْحَانَ
مَنْ اَنْعَمَ وَشَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدِرَ وَغَفَرَ اَللّٰهُمَّ
اِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَقَدْ اَطَعْتُكَ فِي اَحَبِّ الْاَشْيَاءِ
اِلَيْكَ وَهُوَ الْاِيْمَانُ بِكَ لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا وَلَمْ
اَدْعُ لَكَ شَرِيْكًا مَنًّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنًّا مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ
وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا اِلٰهِي عَلٰى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَالْخُرُوْجِ
عَنْ عُبُوْدِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُوْدِ لِرُبُوْبِيَّتِكَ وَلٰكِنْ اَطَعْتُ
هَوَايَ وَاَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ فَاِنْ
تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوْبِي غَيْرَ ظَالِمٍ لِي وَاِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي
فَاِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيْمٌ يَا كَرِيْمُ يَا كَرِيْمُ تا نفس منقطع شود
يَا اٰمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ
اَسْئَلُكَ بِاَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ اَنْ

تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْطِیَنِی اَمَاناً لِنَفْسِی وَاَهْلِی
وَوُلْدِی وَسَایِرِ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ حَتَّی لَا اَخَافَ وَلَا
اَحْذَرَ مِنْ شَیْءٍ اَبَداً اِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَ
حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ یَا کَافِیَ اِبْرَاهِیمَ نُمْرُودَ یَا کَافِیَ
مُوسَی فِرْعَوْنَ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَنْ تَکْفِیَنِی شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وکسی که از مخوف داشته
باشد نام ببرد بعد از ان سجده کند و از روی تضرع حاجت
بطلبد که هیچ مؤمن و مؤمنه باین طریق باخلاص عمل نکند مگر اینکه
درهای آسمان برای اجابتش گشوده شود و همان وقت مستجاب
شود هر چه طلب کند بعد از ان فرمود این فضل از خدای است بر ما
و بر شیعیان ما و هر کس در یک مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله
توفیق حج یابد مرویست که ابو القمقام مردی بوده کم طالع که هرگز
بکاری نمیرفته که از ان خیر ببیند بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام
شکایت نمود فرمود بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوی سُبْحَانَ اللهِ
الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ وَاَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ
گوید اندک زمانی بیش نگذشته که از جائی که هیچ گمان نداشتم خدای تعالی
مرا غنی کردانید یکی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم

مدتی بخدمت انحضرت نرفت بعد از انکه رفت پرسید چه ما نعت

که پیش ما نمی ایی گفت بیماری و پریشانی فرمود این کلمات بگوی که

هر دو زایل شود لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الحی

الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له

شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا

کسی از حضرت امام جعفر علیه السلام دعای خواست برای رزق فرمود

که بگوی اللهم ارزقنی من فضلک الواسع الحلال الطیب

رزقا واسعا حلالا طیبا بلاغا للدنیا و الاخرة صبا

صبا هنیئا مریئا من غیر کد و لا من من احد

من خلقک الا سعة من فضلک الواسع فانک قلت

و اسئلوا الله من فضله فمن فضلک اسال و من عطیتک اسال

و من یدک الملای اسال راوی گوید برای این مطلب هیچ

چیزی مثل این دعا ندیدم و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه گفت برای ادای دین

بگوی اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک

عمن سواک که اگر مثل صبیر دین داشته باشی ادا شود و صبیر

کوهیست در یمن که در ان بلاد اعظم از ان کوهی نیست و هم انحضرت

وسعت

صلّی الله علیه و آله و سلّم بدیگری فرمود دو رکعت نماز بگذار بعد از آن
آیة الملک بخوان بعد از آن بگوی یا رحمٰن الدّنیا و الآخرة
و رحیمهما تعطی منهما ما تشآء و تمنع منهما ما
تشآء اقض عنّی دینی کما گر مثل روی زمین طلا دین داشته باشد
ادا شود و کسی بحضرت امام جعفر علیه السّلم شکایت نمود که دین
چند بر مردم دارم وصول نمیشود فرمود بگوی اللّهمّ لحظة
من لحظاتك تیسّر علی غرمائی بها القضآء و تیسّر لی
الاقتضآء انّك علی کلّ شیءٍ قدیر و هم از آنحضرت
علیه السّلم مرویست که هر کس دو ماه متوالی هر روز چهار صد مرتبه
بگوید استغفر الله الّذی لا اله الّا هو الرّحمٰن الرّحیم
الحیّ القیّوم بدیع السّموات و الارض ذو الجلال و
الاکرام لجمیع ظلمی و جرمی و اسرافی علی نفسی و اتوب
الیه خدا تعالی مال بسیار یا علم بسیار عطا فرماید و هم
از آنحضرت علیه السّلم مرویست که هر پیغمبر را با اهل بیت خود دعائی
مستجاب عطا نموده و پیغمبر ما را صلّی الله علیه و آله و سلّم دو دعای
مستجاب عطا فرموده یکی برای شدائد امور و آن اینست
یا دآئما لم یزل یا الٰهی و اله آبائی یا حیّ یا قیّوم صلّ علی

محمد وآل محمد وافعل بی کذا دویم برای حوایج وقضای دین

وآن اینست یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء

یا الله یا رب صل علی محمد وآله واقض عنی الدین وافعل

بی کذا وسیم از آنحضرت علیهم السلام مرویست که هر کس را مهمی پیدا

شود یا حاجتی از حوایج دنیا و آخرت باشد این رقعه را بر کاغذ

سفید بنویسد چنانکه اسماء ائمه در یک سطر باشد و بر دور صحیفه

باین شکل خطی بکشند و در وقت طلوع آفتاب در آب

جاری اندازد بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق

الجلیل المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل

سلام علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد

وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والقائم سیدنا

ومولانا صلوات الله علیهم رب انی مسنی الضر والخوف

فاکشف ضری وامن خوفی بحق محمد وآل محمد وبکل نبی ووصی

وصدیق وشهید ان تصلی علی محمد وآل محمد یا ارحم الراحمین

اشفعوا لی یا ساداتی بالشأن الذی لکم عند الله فان لکم

عند الله شأنا من الشأن فقد مسنی الضر یا ساداتی والله

ارحم الراحمین فافعل بی یا رب کذا وکذا و نیز مرویست که

چون کسی را حاجتی باشد بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
پناه برده این عریضه را نوشته بر قبر یکی از ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین بگذارد یا بپیچیده و سرش را مختوم ساخته در گلی پاک
گرفته در نهر یا چاهی عمیق یا آب بسیاری اندازد که بعرض حضرت صاحب
الزمان صلوات الله علیه میرسد و آنحضرت خود متوجه قضای
آن میشود بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَيْكَ مُسْتَغِيثاً وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيراً بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ
ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي وَشَغَلَ قَلْبِي وَأَطَالَ فِكْرِي وَسَلَبَنِي
بَعْضَ لُبِّي وَغَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللهِ عِنْدِي وَأَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخَيُّلِ
وُرُودِهِ الْخَلِيلُ وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمُ وَعَجَزَتْ
عن دفاعه حيلتي وخانني في تحمله صبري وقوتي فلجأت
فيه إليك وتوكلت في المسألة لله جل ثناؤه عليه وعليك
في دفاعه عني علماً بمكانك من الله رب العالمين ولي التدبير
ومالك الامور واثقاً بك في المسارعة في الشفاعة إليه
جل ثناؤه في أمري متيقناً لاجابته تبارك وتعالى اياك
باعطائي سؤلي وانت يا مولاي جدير بتحقيق ظني وتصديق
أملي فيك في أمر كذا وكذا وحاجت را بنویسد فیما لا طاقة

لی بحمله ولا الصبر لی علیه وان کنت مستحقا له ولا لضعافه بقبیح
افعالی وتفریطی فی الواجبات التی علی لله تعالی فاغثنی
یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف وقدم المسئلة
لله عز وجل فی امری قبل حلول التلف وشماتة الاعداء
فبک بسطت النعمة علی واسال الله جل جلاله لی نصرا
عزیزا وفتحا قریبا فیه بلوغ الامال وخیر المبادی وخواتم
الاعمال والامن من المخاوف کلها فی کل حال انه جل ثناؤه
لما یشاء فعال وهو حسبی ونعم الوکیل فی المبداء والمال
ودر وقت انداختن عریضه یکی از نایبان انحضرت صلوات الله
علیه که در زمان غیبت صغری بوده اند که عثمان بن سعید
عمری یا پسرش محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد
باشند متوسل شده بگوید یا فلان بن فلان سلام علیک
اشهد ان وفاتک فی سبیل الله وانک حی عند الله مرزوق
وقد خاطبتک فی حیاتک التی لک عند الله عز وجل وهذه رقعتی
وحاجتی الی مولانا علیه السلام فسلمها الیه فانت الثقة
الامین بعد از ان عریضه را بیفکند که انشاء الله براورده شود
ومهم از انحضرت صلوات الله علیه مهمیت که چون خواهی برایے

مطلبی وحاجتی بکسی نامه یا رقعه نویسی اول با قلم بی مداد بر سر نامه

بنویسید که بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین

المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله

وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون راوی گوید

بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم

مگر آنکه باجابت مقرون گشت **فصل نهم** در تعویذ و

حرز از مخاوف ومکاره از جمله وسایل بسیار مرویست

از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم درین باب چند چیز

که اهم باشد انشاء الله ذکر کنیم **خوف از سلاطین** کسی

بحضرت امام جعفر علیه السلام معروض داشت که سلطان مرا

طلبیده ومن اندیشه دارم فرمود چون از خانه بیرون روی

قل هو الله احد از پیش رو وجانب راست وپشت سر وجانب

بالا سر وزیر پا بخوان که در آن روز حصاریست برای تو از سلطان

وشیطان ونیز مرویست که چون بسلاطین ملاقات کنید

هفت مرتبه آهسته بگوئید خَیْرُکَ بَیْنَ عَیْنَیْکَ وَشَرُّکَ

تَحْتَ قَدَمَیْکَ وَبِاللهِ اَسْتَعِینُ عَلَیْکَ اَللّٰهُمَّ اکْفِنِیْهِ

بِمَا شِئْتَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ وچون از غضب ایشان

ترسند

ترسد بگوید اطفأتُ غضبکَ بلا اله الا هو علیه
توکّلتُ وهو ربُّ العرشِ العظیم وچون نظر بر ایشان
افتد سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و با دست چپ انگشت بشمارد
تا وقتی که از آنجا بیرون آید مکرر میخوانده باشد ونیز مرویست که
کسی را سلطان بعتاب طلبید حضرت امام جعفر علیه السلام
قدری تربت حضرت امام حسین علیه السلام فرستاد و فرمود
با او برسانید که امانست از هر خوف ونیز آنحضرت علیه السلام
از در خانه سلطان میگذشت دید که کسی را عقوبت کرده بیرون
آمد فرمود اگر انگشتر عقیق با خود میداشت ازین حادثه
ایمن می بود خوف از اعداء حضرت امام زین العابدین
علیه السلام فرمود که اگر تمام انس وجن بر من جمع شوند چون این کلمات
هیچ ۴ بگویم باک نداشته باشم بسمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَاِلَی اللهِ
وَفی سَبیلِ اللهِ وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اِلَیکَ
اَسلَمتُ نَفسی وَاِلَیکَ وَجَّهتُ وَجهی وَاِلَیکَ اَلجَأتُ
ظَهری وَاِلَیکَ فَوَّضتُ اَمری اَللّٰهُمَّ احفَظنی بِحِفظِ
الاِیمانِ مِن بَینِ یَدَیَّ وَمِن خَلفی وَعَن یَمینی وَعَن
شِمالی وَمِن فَوقی وَمِن تَحتی وَما قِبَلی وَادفَع عَنّی

بحولك وقوتك فانه لاحول ولا قوة الا بك ونيز حضرت

امام موسی علیه السلام فرمود که جدم امیر المومنین صلوات الله علیه

چون این دعا میخواند بر هیچ لشکری حمله نمیکرد مگر آنکه منهزم میساخت

واین دعا کفایت بلایا است اللهم بک اساور وبک احاول

وبک اجاور وبک اصول وبک انتصر وبک اموت

وبک احیی اسلمت نفسی الیک وفوضت امری الیک

لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انک

خلقتنی ورزقتنی وسترتنی وعن العباد بلطف

ما خولتنی اغنیتنی اذا هویت رددتنی واذا عثرت

قومتنی واذا مرضت شفیتنی واذا دعوت اجبتنی

یا سیدی ارض عنی فقد ارضیتنی خوف از کلاب وسباع

بگوید وقل للذین امنوا یغفروا للذین لا یرجون

ایام الله لیجزی قوما بما کانوا یکسبون واذا قرأت

القران جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالاخرة

حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان

یفقهوه وفی اذانهم وقرا وان یروا کل ایة لا یؤمنوا

بها حتی اذا جاؤک یجادلونک یقول الذین کفروا

إِنْ هٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ سبع از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام مرویست که چون بسبع ملاقات کنی در روش آیة الکرسی

بخوان وخطاب با و نموده بگوی عَزَمْتُ لَكَ بِعَزِيمَةِ اللهِ

وَعَزِيمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ

دَاوُدَ وَعَزِيمَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علی ابن ابی طالب وَالْأَئِمَّةِ

مِنْ بَعْدِهِ که انشاء الله رو گردانیده برود راوی گوید چون

چون بیرون آمدم سبعی رو بمن کرد این عزیمت بر او خواندم

بعد از آن گفتم إِلَّا تَنَحَّيْتَ عَنْ طَرِيقِنَا پس دیدم سر بزیر

افکنده دُم میان پای گرفته رو گردانید و ضرر نرسانید

عقرب و سایر گزندگان حضرت امام محمد باقر علیه السلام

فرموده هر کس وقت شام بگوید أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ

الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ

مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَءَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ

بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ که هیچ عقرب من ضامنم

و گزنده او را نگزد تا صبح و نیز مرویست که دو چوب انار هوام

و گزندگان را دفع کند کیک وقت خوابیدن بگوید أَيُّهَا

الْأَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلَقًا وَلَا يُبَالِي غَلَقًا

وَلا بَا بًا عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِاُمِّ الْكِتَابِ اَنْ لا تُؤْذِيْنِي وَاَصْحَابِي
اِلَى اَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَؤُبَ الصُّبْحُ بِمَا اٰبَ دزدی در
وقت خوابیدن بر قفلها و حلقها بخواند قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا
الرَّحْمٰنَ تا اخر سوره بنی اسرائیل و اذکار دیگر نیز برای این مطلب
در فصل داب خواب انشاء الله بیاید افتادن سقف
حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هیچکس وقت خوابیدن این آیه
بخواند که سقف بر وفرود آید اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ
مِنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ كَانَ حَلِيْمًا غَفُوْرًا وحشت و دهشت
حضرت امام علیه السلام فرمود هر کس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَ
تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ اِنَّهٗ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهٗ
اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهٖ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَاجْعَلْنِي فِي اَمَانِكَ
وَفِي مَنْعِكَ از هر وحشتی در شب و روز ایمن باشد
و فرمود حکایت کنند که مردی سی سال این را می گفته یکشب ترک
کرده عقرب نیش زده هلاک و بلا امر و یست که هر کس بسم الله الرحمن الرحیم
بر در بیرون خانه نویسد از هلاک شدن ایمن باشد اگر چه کافر
باشد

باشد و مرویست که فرعون بر در خانه خود نوشته بود چون حضرت
موسی علیه السلم برای هلاکش استعجال مینمود خدا تعالی فرمود تو
بکفرش نظر میکنی و من با بخه بر در خانه نوشته شد جمیع مکروهات
از حضرت امام رضا علیه السلم مرویست که هرکس در ایام طفولیت
هر شب سه مرتبه قل اعوذ برب الفلق و سه مرتبه قل اعوذ
برب الناس و صد مرتبه قل هو الله احد اگر نتواند پنجاه مرتبه
بخواند یا دیگری برای او بخواند از جمیع امراض صبیان و آسیب اجنه
و عطاش علت ایست که چون عارضش شود صاحبش هر چند آب
خورد سیر نشود و از فساد معده و غلبه خون محفوظ گردد تمام دام
گر باین مداومت کند تا آنکه از دنیا برود حوادث از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم مرویست که فرمود چون جیش حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منهزم شد خدا تعالی این ه
کلمات را فرستاد که در سنان نیزه خود جای دهد بعد از آن
هرگز جیش آنحضرت را هزیمت روی نداد و من دوست می
دارم که مؤمن این را در قائمه شمشیر یا زیر انگشتر یا در عمامه خود
داشته باشد تا از حوادث لیل و نهار محفوظ باشد بسم الله الرحمن الرحیم
یا هُو یا مَنْ هُو هُو یا مَنْ لَیْسَ هُو اِلّا هُو یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیُّ

لا یموت یا حی لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد خاتم
النبیین و آله الطاهرین و ادعیه و اذکار برای امن و اوجاع
در باب عادات انشاء الله بیاید فصل دوم در بعضی
ادعیه معتبره که ماثوره مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که هر کس این دعا بخواند اگر ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند تا
روز قیامت ثواب آنرا نتوانند نوشت و گناهانش امرزیده گردد
و دلش از ایمان پر شود و خدا تعالی فرماید ای ملائکه گواه باشید
که او را و والدین و برادران و خواهران و اهلبیت او و اولاد
و همسایگانش را همه را از آتش آزاد کردانم و او را شفیع هزار کس
کردانم که همه مستوجب دوزخ باشند و هر یک این فقرات
دعا را فضلی عظیم وارد شده که ذکر همه آن درین مختصر نگنجد
یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ
بالجریرة و لم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن
التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة
یا صاحب کل نجوی یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح
یا عظیم المن یا مبتدیا بالنعم قبل استحقاقها یا ربنا
و یا سیدنا و یا مولانا و یا غایة رغبتنا اسئلک یا الله

أَن لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ روىم از آنحضرت صلى الله عليه وآله وسلم

مرويست كه موديستي كه بمعراج رفتم بر حجاب قدرت اين دعا

نوشته ديدم هر كس بخواند درهاي آسمان براش كشوده شود و

كناهان او و والدين و همسايكانش آمرزيده شود و خانه در بهشت

از در و ياقوت بنا كنند و خير دنيا و آخرت براش جمع فرمايند

و اكر بمشك و زعفران بنويسند و بمريض دهند شفا يابد و اكر

بر اطفال بندند از مار و عقرب و مكاره محفوظ باشند و اكر

كسى نوشته بنا شامد از اوجاع ايمن شود و اكر براي مطلبي بخوانند

آسان شود و اكر جن و انس و ملايكه و هر از مثل ايشان جمع شوند از

اول دنيا تا روز قيامت ثواب آن نتوانند نوشت اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

يَا مَنْ أَقَرَّ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ كُلُّ مَعْبُودٍ يَا مَنْ يَحْمَدُهُ كُلُّ مَحْمُودٍ يَا

مَنْ يَفْزَعُ إِلَيْهِ كُلُّ مَجْهُودٍ يَا مَنْ يُطْلَبُ عِنْدَهُ كُلُّ مَفْقُودٍ

يَا مَنْ سَائِلُهُ غَيْرُ مَرْدُودٍ يَا مَنْ بَابُهُ عَنْ سُؤَالِهِ غَيْرُ مَسْدُودٍ

يَا مَنْ هُوَ غَيْرُ مَوْصُوفٍ وَلَا مَحْدُودٍ يَا مَنْ عَطَاؤُهُ غَيْرُ

مَمْنُوعٍ وَلَا مَنْكُودٍ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ لَيْسَ بِبَعِيدٍ وَهُوَ

نِعْمَ الْمَقْصُودُ يَا مَنْ رَجَاءُ عِبَادِهِ بِحَبْلِهِ مَشْدُودٌ يَا مَنْ لَيْسَ

بِوَالِدٍ وَلَا مَوْلُودٍ يَا مَنْ شِبْهُهُ وَمِثْلُهُ غَيْرُ مَوْجُودٍ يَا مَنْ

كرمه وفضله غير معدود يا من حوض برّه للانام مورود
يا من لا يوصف بقيام ولا قعود يا من لا يجري عليه
حركة ولا جمود يا الله يا رحمن يا رحيم يا ودود يا
راحم الشيخ الكبير يعقوب يا غافر ذنب
داود يا من لا يخلف الوعد ويعفو عن الموعود
يا من رزقه وستره للعاصين ممدود يا من هو ملجاء
كل مقصي مطرود يا من دان له جميع خلقه بالسجود
يا من ليس عن نيله وجوده احد مصدود يا من لا يحيف
في حكمه ويحلم عن الظالم العنود ارحم عبيدا خاطئا
لم يوف بالعهود انك فعال لما تريد يا بار يا ودود
صل على محمد خير مبعوث دعا الى خير معبود وعلى
اله الطيبين الطاهرين اهل الكرم والجود وافعل
بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين ونيز از انحضرت صلى الله
عليه وآله وسلم مرويست كه هر كس اين دعا بخواند اگر ملائكه
هفت آسمان وزمين جمع شوند تا روز قيامت ثواب انرا از هزار
جزو يكي شمرانند بيان نمود واز عبد الله بن سلام مرويست كه بعضي
از فضايل اين دعا كه در توريت مذكور است اينست كه هر كس خدا يتعالى

بفضل و منت خود این کلمات را در دلش جا دهد هر روز دو مرتبه
باو بر ملائکه مباهات فرماید و نوری از و تا عرش درخشان شود
و از عذاب قبر و فتنهٔ دجال و فزع اکبر دور و روز قیامت ایمنش
گردانند و روز قیامت که همه کس ترسان و محزون باشند او از خوف
و حزن ایمن باشد و چون محشور شود دلش ساکن و مطمئن باشد
و هر مطلب که باین دعا سؤال کند خدا تعالی عطا فرماید و فضایل دیگر
بسیار است که این رساله حوصلهٔ ذکر آن ندارد یا الله یا الله یا الله
انت المرهوب منك جميع خلقك يا نور النور انت الذي
احتجبت دون خلقك فلا يدرك نورك نور يا الله
يا الله يا الله انت الرفيع الذي ارتفعت فوق عرشك
من فوق سمائك فلا يصف عظمتك احد من خلقك
يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك واستضاء
بضوئك اهل ارضك يا الله يا الله يا الله انت الذي
لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون لك شريك وتعظمت
عن ان يكون لك ولد وتكرمت عن ان يكون لك
شبيه وتجبرت عن ان يكون لك ضد فانت الله
المحمود بكل لسان وانت المعبود في كل مكان وانت المذكور

فی کل اوانٍ وزمانٍ یا نور النور کل نورٍ خامدٌ لنورك یا
ملیك کل ملیكٍ یفنی غیرك یا دائم کل حیٍّ یموت
غیرك یا الله یا الله یا الله الرحمن الرحیم ارحمنی رحمةً
تطفی بها غضبك وتکف بها عذابك وارزقنی
بها سعادةً من عندك وتحلنی بها دارك التی تسکنها
خیرتك من خلقك یا ارحم الراحمین یا من اظهر الجمیل
وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتك الستر
یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط
الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی یا منتهی کل شکوی
یا مفرج کل کربةٍ یا مقیل العثرات یا کریم الصفح
یا عظیم المن یا مبتدئ النعم قبل استحقاقها یا رباه
یا سیداه یا املاه یا غایة رغبتاه اسئلك بك وبمحمدٍ
وعلیٍّ وفاطمة والحسن والحسین وعلیٍّ ومحمدٍ وجعفرٍ
وموسی وعلی ومحمدٍ وعلیٍّ والحسن والحجة القائم ان تصلی
علی محمدٍ وآل محمدٍ واسئلك یا الله یا الله یا الله ان لا
تشوه خلقتی فی النار وان تغفر لی ولوالدی برحمتك
یا ارحم الراحمین وان تحرسنی حیوة الدنیا ٢ انك علی کل شیءٍ والاخرة ٣

قدیر

قدیر و صلی الله علی محمد و آله و هم از انحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم مرویست که هر کس این دعا را بهر مطلب بخواند باذن الله تعالی
بر آورده شود و اگر چهل شب جمعه بخواند میان او و خدا تعالی هیچ گناه
نماند مگر که بیامرزد اگر پیش سلطان جایر رود پیش از آنکه داخل
شود بخواند خدا تعالی سلطان را با و مشفق و مهربان کرداند انشاء الله
تعالی اللهم انی اسئلک یا من احتجب بشعاع نوره عن
نواظر خلقه یا من تسربل بالجلال و العظمة و اشتهر
بالتجبر فی قدسه یا من تعالی بالجلال و الکبریاء فی
تفرد مجده یا من انقادت الامور بازمتها طوعا
لامره یا من قامت السموات و الارضون مجیبات
لدعوته یا من زین السماء بالنجوم الطالعة و جعلها
هادیا لخلقه یا من انار القمر المنیر فی سواد اللیل
المظلم بلطفه یا من انار الشمس المنیرة و جعلها معاشا
لخلقه و جعلها مفرقة بین اللیل و النهار بعظمته
یا من استوجب الشکر بنشر سحایب نعمه
اسئلک بمعاقد العز من عرشک و منتهی الرحمة
من کتابک و بکل اسم هو لک سمیت به نفسک

او ستاثرت به في علم الغيب عندك وبكل اسم هو لك
انزلته في كتابك او اثبته في قلوب الصافين
الحافين حول عرشك فتراجعت القلوب الى الصدور
عن البيان باخلاص الوحدانية وتحقيق الفردانية
مقرة بالعبودية وانك انت الله انت الله انت الله
الذي لا اله الا انت واسئلك باسمائك التي تجليت
بها للكليم على الجبل العظيم فلما بدا شعاع نور
الحجب من بهاء العظمة خرت الجبال متدكدكة
لعظمتك وجلالك وهيبتك وخوفا من
سطوتك راهبة منك فلا اله الا انت فلا اله
الا انت فلا اله الا انت واسئلك بالاسم الذي
فتقت به رتق عظيم جفون عيون الناظرين الذي
به تدبير حكمتك وشواهد حجج انبيائك يعرفونك
بفطن القلوب وانت في غوامض مسترات سريرات
الغيوب اسئلك بعزة ذلك الاسم ان تصلي على
محمد وال محمد وان تصرف عني جميع الافات والعاهات
والاعراض والامراض والخطايا والذنوب والشك

وَالشِّرْكِ وَالْكُفْرِ وَالنِّفَاقِ وَالشِّقَاقِ وَالضَّلَالَةِ وَالْجَهْلِ
وَالْمَقْتِ وَالْغَضَبِ وَالْعُسْرِ وَالضِّيقِ وَفَسَادِ الضَّمِيرِ
وَحُلُولِ النِّقْمَةِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ
إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ وهم از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که هرکس بدعای امام حسین
علیه السلام دعا کند با آنحضرت محشور شود و آنحضرت شفیعش
باشد و خدایتعالی کربتش را فرج دهد و دینش ادا کند و کارش
آسان کرداند و براه راستش هدایت فرماید و بر اعدا نصرتش
دهد و هتک سترش نکند و بایمان شرح صدرش نماید
و در وقت بیرون رفتن روح شهادت أن لا اله الا الله
تلقینش کند و این دعا را بعد از نماز باید خواند و هرکس بدعاء
علی بن الحسین علیه السلام دعا کند با آنحضرت محشور شود
و همچنین هرکس بدعاء هر یك از ائمه طاهرین تا صاحب الزمان
صلوات الله علیهم اجمعین دعا کند با او محشور شود و این ده
دعاست منسوب باین ده امام علیهم السلام بترتیب اول اللهم
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَمَعَاقِدِ عَرْشِكَ وَسُكَّانِ
سَمَوَاتِكَ وَأَرْضِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ

لي فقد رهقني من امري عسر فاسألك ان تصلي على محمد
وال محمد وان تجعل لي من عسري يسرا دويم
يا دائم يا ديموم يا حي يا قيوم يا كاشف الغم
يا فارج الهم يا باعث الرسل يا صادق الوعد صل على
محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله سيوم
ان كان لي عندك رضوان وود فاغفر لي ولمن
اتبعني من اخواني وشيعتي وطيب ما في صلبي
برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وال محمد
چهارم يا ديان غير متوان يا ارحم الراحمين اجعل
لشيعتي من النار وقاء ولهم عندك رضاء واغفر ذنوبهم
ويسر امورهم واقض ديونهم واستر عوراتهم وهب
لهم الكبائر التي بينك وبينهم يا من لا يخاف الضيم
ولا تأخذه سنة ولا نوم اجعل لشيعتي من كل غم
فرجا ومخرجا پنجم يا خالق الخلق ويا باسط الرزق
وفالق الحب وبارئ النسم ومحيي الموتى ومميت
الاحياء ودائم الثبات ومخرج النبات افعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي
ما انا اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة

ششم اللهم اعطني الهدى وثبتني عليه امنا امن ه
من لا خوف عليه ولا حزن ولا جزع انك اهل التقوى
واهل المغفرة هفتم اللهم يا من لا شبيه له
ولا مثال انت الله لا اله الا انت ولا خالق الا
انت تفني المخلوقين وتبقى انت حلمت عمن عصاك
وفي المغفرة رضاك هشتم يا نور يا برهان يا مبين
يا متين يا رب اكفني شر الشرور وآفات الدهور
واسألك النجاة يوم ينفخ في الصور نهم يا عزيز
في عزه ما اعز عزيز العز في عزه يا عزيز
اعزني بعزك وايدني بنصرك واطرد عني همزات
الشياطين وادفع عني بدفعك وامنع عني بمنعك
واجعلني من خيار خلقك يا واحد يا احد يا فرد
يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
دهم يا نور النور يا مدبر الامور يا باعث من في
القبور صل على محمد وال محمد واجعل لي ولشيعتي
من الضيق فرجا ومن الهم مخرجا واوسع لنا المنهج
واطلق لنا من عندك ما يفرج وافعل بنا ما انت

اهله یا کریم و نیز این دعای جلیل القدر رفیع المنزلة
مرویست از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصیة و
صدق النیة و عرفان الحرمة و اکرمنا بالهدی
و الاستقامة و سدد السنتنا بالصواب و الحکمة
و املأ قلوبنا بالعلم و المعرفة و طهر بطوننا من
الحرام و الشبهة و کف ایدینا عن الظلم و السرقة
و اغضض ابصارنا عن الفجور و الخیانة و اسدد اسماعنا
عن اللغو و الغیبة و تفضل علی علمائنا بالزهد و
النصیحة و علی المتعلمین بالجهد و الرغبة و علی
المستمعین بالاتباع و الموعظة و علی مرضی المسلمین
بالشفاء و الصحة و علی موتاهم بالرافة و الرحمة
و علی مشایخنا بالوقار و السکینة و علی الشباب
بالانابة و التوبة و علی النساء بالحیاء و العفة
و علی الاغنیاء بالتواضع و السعة و علی الفقراء بالصبر
و القناعة و علی الغزاة بالنصر و الغلبة و علی
الاسراء بالخلاص و الراحة و علی الامراء بالعدل

الشفقة

وَالشَّفَقَةِ وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصَافِ وَحُسْنِ السِّيرَةِ

... وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ وَاقْضِ مَا

أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

باب پنجم در آداب عادات و

مجاری احوال و سایر جزئیات و سوانح افعال و این مجموع

انشاءالله در دوازده فصل بیان شود فصل اول

در انواع لباس و آداب پوشیدن آن مرویست از اهل بیت

طاهرین علیهم السلام که خدا تعالی جمیل است و دوست دارد جمال را

چون بکسی نعمتی عطا فرماید دوست دارد که آثار نعمت

از و ظاهر باشد پس اگر اظهار آثار نعمت کند شکران کذارده

بود و گرنه کفران کرده باشد و بهترین لباسها بدانکه است که

لباس حضرت پیغمبر و اهلبیت اوست صلوات الله علیهم و هر

لباسی که موجب خضوع و تواضع و افتادگی بود و بدترین لباسها

آنکه موجب کبر و عجب بود و مرویست از حضرت امام

زین العابدین علیه السلام روزی جامه فاخر پوشیده از خانه

بیرون رفت لحظه نگذشت بسرعت مراجعت فرموده از بدن

بیرون کرد و جامه دیگر پوشید و فرمود گویا من درین جامها

علی بن الحسین بنودم وبم انحضرت علیه السلم فرموده چون بدن

جامه نازک پوشد سرکش شود و از حضرت امام امیر علیه السلم

مرویست که جامه نو را با آب میکشید ه تا طراوت نوی زایل

شود بعد از ان می پوشید ه و هر کس جامه برای تکبر و شهرت

پوشد روز قیامت حق تعالی جامهٔ از اتش در و پوشد و در جهنم

قرین قارون باشد از حضرت امام جعفر علیه السلم پرسیدند

که حد تکبر در لباس کدام است فرمود انکه چون جامه خوب پوشی

خواهی که مردم به بینند و لباس طلا و حریر بر مرد ان حرام است

و هر کس در دنیا حریر بپوشد در اخرت از ان محروم باشد

و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت امیر المومنین علیه السلم

فرمود حریر مپوش که خدا تعالی روز قیامت بدنت را باتش

بسوزد و بهترین رنگها در لباس سفید است و سیاه لباس

بنی العباس است و سیاهی در هر لباس مذموم است مکر در عبا

و موزه و در روایت دیگر عمامهٔ نیز وارد شد ه و زعفرانی لباس

بنی امیه و قرمز لباس شیطان و معصفر لباس اهل بیت علیهم السلم

است و کفش زرد لباس انبیا است و چشم را قوت دهد و

دلگیری ببرد و بعیش و خوشی کهنه شود و قوت مباشرت دهد

وکفنی سفید هنوز کهنه نشده باشد که خدای تعالی بیکمان مالی

عطا ... کفن سیاه لباس جباران است و چشم را ضعیف

کند و مورث غم باشد و بمباشرت ضرر کند و آهن لباس

اهل نار است نشاید که مؤمنان بپوشند تا با آن نماز کنند

و مرویست که پاك نباشد دستی که در ان انکشتر آهن باشد

و حضرت امام جعفر علیه السلم فرموده که عقیق سرخ و زرد و

سفید سه کوه است در بهشت عقیق سرخ مشرف است بر خانه

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سفید بر خانه امیر المومنین

علیه السلم و زرد بر خانه حضرت فاطمه علیها السلم و خدا را

تسبیح و تقدیس و تمجید میکنند و برای دوستان اهل بیت

علیهم السلم استغفار میکنند هر کس از شیعیان که یکی از ان را

انکشتر کند غیر خیر و خوبی و وسعت روزی و سلامت

از جمیع انواع بلا نه بیند و امانست از سلطان و از جمیع مکاره

و مخاوف و دفع پریشانی کند و نفاق زایل کرداند و هیچ دستی

بدعا بر داشته نشود دوست تر پیش خدا از دستی که با انکشتر

عقیق بر دارند و حاجات با جابت مقرون باشد و خدا تعالی

نظر بر زمین افکند و از نور جمال خویش عقیق آفرید پس فرمود قسم

بذات خودم که عذاب نکنم دستی را که با ولایت علی انکشتر عقیق
داشته باشد و روایت دیکر آمده که چون خدا تعالی کوهها را
آفرید ولایت اهل بیت علیهم السلام را بر ایشان عرض کرد اول
یاقوت و عقیق قبول کردند پس ایشان را فضل و شرف عطا فرمود
و روایت دیکر آمده که عقیق سرخ اول کوهیست که اقرار بوحدانیت
خدا نمود و بنوت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله و سلم و وصیت
امیر المومنین و اولاد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و به بهشت
برای شیعیان و جهنم برای اعدای ایشان نموده و دو رکعت نماز با عقیق
برابر است با هزار رکعت و کسی که محمد نبی الله و علی ولی الله بر عقیق
نقش کرده انکشتر کند از دنیا نرود مکر بر فطرت ایمان جمعی را
در سفر حرامی زده بود بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه
و آله و سلم شکایت نمودند فرمود بایست انکشتر عقیق با خود
دارید که امانست از جمیع مکاره و حدیث دیکر نزدیک باین
در فصل حرز و تعویذ کذشت و یکی از ملازمان حضرت
امام علی النقی علیه السلام کوید رفتم بخدمت آنحضرت که برای
زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مرخص شدم فرمود انکشتر
عقیق زرد با خود بدار که بایک روش ما شاء الله لا قوة الا

باالله استغفر الله و بر روی دیگرش محمد و علی نقش باشد که امانت
[illegible] و بجهت حفظ دین بهتر و برای سلامت تمامتر است
و انگشتر دیگر فیروزه بردار که بر یک رویش الله الملك و بر روی
دیگرش للملك لله الواحد القهار نقش باشد که امانست از
سباع و ظفر است در حربها و چون از نیشاپور بگذری شیری
سر راه گرفته قافله را منع کند تو در پیش رفته خاتم را با و بنمای
و بگوی که مولای من میگوید که از راه ما کنار رو پس من هر دو را
انگشتر را چنانکه فرموده بود بر داشتم و حکایت چنانکه فرموده بود
گذشت و چون از زیارت مراجعت نموده بخدمت آنحضرت
رفته حکایت واقعه نمودم فرمود یك حکایت دیگر مانده که شمرو
شاید من فراموش کرده باشم فرمود بلی شبی در پیش قبر مقدس
آنحضرت خوابیده بودی که جماعتی از جن بزیارت آمده بودند
و چون انگشتر را در دست تو دیدند بیرون کرده شستند و آنرا
به بیماری داشتند دادند شفا یافت و انگشتر در دست راست
تو بود ایشان در دست چپ کردند چون بیدار شدی تعجب بسیار
کردی و سببش را ندانستی و در پیش سر خود یاده یاقوتی یافتی که الحال
با خود داری هدیه ایشانست برای تو آورده اند از ایشان از زیر

هشتاد دینار طلا میفروشی پس از ابا زار بس ده همان قیمت
فروختم و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست که دوست دارم
که شیعه ما هیچ انگشتر داشته باشند یاقوت برای زینت و دفع
فقر و عقیق که اخلاص با خدا و با ما در ان بیشتر است و فیروزه که
مومنان را خوش آید و محتاج نشود دستی که فیروزه در ان باشد
و چشم و دل قوت دهد و خدا تعالی شرم دارد که نومید کند دستی
که با فیروزه بدعا برخیزد و حدید صینی همیشه در دست نکنند
بلکه با خود دارند که سرکشان جن و انس را دور کند و چون ظالمان
و اشرار ملاقات کنند در دست کنند که شر ایشان را دفع کند
و در نجف اشرف که هر کس از ان انگشتر کند هر نظر که بران کند حجی
باشد که ثوابش مثل ثواب انبیا و صلحا بود و گرنه بسبب رحمت
خدا بر شیعیان می بود که میخواهد اغنیا و فقرا همه را مقدور باشد
قیمت از ان چنان میکرد که هیچ زر بان وفا نکند و مرویست که
جزع یمانی که بفارسی سلیمانی گویند تسبیح و استغفار کند و ثوابش
برای صاحبش باشد و دو رکعت نماز بان برابر است با هفتاد
نماز اما آداب پوشیدن جامه مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که در جامه پوشیدن و کندن و هر کاری بسم الله بگوید

تا شیطان شریک نشود و هر کس جامهٔ نو بپوشد وضو کند و دو رکعت
نماز گزارد در هر رکعت الحمد لله و آیة الکرسی و قل هو الله احد
و انا انزلناه بخواند و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ کَسَانِیْ مَا
اُوَارِیْ بِهٖ عَوْرَتِیْ وَ اَتَجَمَّلُ بِهٖ فِی النَّاسِ و حول لقد بسیار
بگوید در آن جامه معصیت نکند و بعدد هر رشته از آن فرشته
برای او دعا و استغفار از خدای تعالی طلب رحمت نماید و اگر بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ کَسَانِیْ مِنَ اللِّبَاسِ مَا اَتَجَمَّلُ بِهٖ فِی النَّاسِ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ بَرَکَةٍ اَسْعٰی فِیْهِ لِمَرْضَاتِكَ وَ
اَعْمُرُ بِهٖ مَسَاجِدَكَ گناهانش آمرزیده شود و در آن جامه
مکروهی نبیند و اگر کوزه نوی آب کند سی و دو و بروایت دیگر سی
و نه بار انا انزلناه بخواند و تا آن جامه باشد تا رشته از آن باقی
بود در وسعت و رفاهیت باشد و چون جامه بپوشد و فارغ
شود بگوید اَللّٰهُمَّ بِكَ اسْتَتَرْتُ وَ عَلَیْكَ تَوَجَّهْتُ وَ
بِكَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَیْكَ تَوَکَّلْتُ اَنْتَ ثِقَتِیْ وَ اَنْتَ
رَجَائِیْ اَللّٰهُمَّ اکْفِنِیْ مَا اَهَمَّنِیْ وَ مَا لَا اَهْتَمُّ وَ مَا لَمْ
اَهْتَمَّ بِهٖ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنِّیْ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ
وَ لَا اِلٰهَ غَیْرُكَ اَللّٰهُمَّ زَوِّدْنِی التَّقْوٰی وَ اغْفِرْ لِیْ ذَنْبِیْ

وَوَجِّهْنِي لِلْخَيْرِ حَيْثُمَا تَوَجَّهْتُ وچون عمامه برسر نهد یا
انکشتر در دست کند بکوید اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي ...
در فصل اداب حمام کذشت وعمامه ایستاده بندد ومرویست
که هرکس عمامه بندد وتحت الحنک نبندد اکر المی بیند که دوائی
نداشته باشد ملامت نکند مکر خودرا وحضرت امام جعفر علیه السلم
فرمود عجب دارم از کسی که تحت الحنک بسته بحاجتی رود
چون حاجتش برنیاید ودرین زمانه که بسبب تقیه از ابناء
دنیا بندد چنانکه بعضی میکنند تا مسمای این سنت بعمل آید
مستحسن باشد وچون کفش پوشد ابتدای بپای راست کند وبکوید
بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَيَّ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ
الْأَقْدَامُ وچون بکند ابتدای بپای چپ کند وبکوید
بِسْمِ اللّٰهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَقِّي بِهِ قَدَمَيَّ
مِنَ الْأَذَى اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلَى صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا
عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ وبا یکتای کفش راه نرود که اکر جنون
یا شری از جن وشیاطین عارض شود زود زود مفارقت نکند
وچون جامه از بدن بیرون کند تا ته کند تا از کثافت وهتکی محفوظ

تر باشد وشیطان بنوشد وچون عمامه از سر برکیرد طاق

با [illegible] اشته در میانش کذارد تا شیطان بر سر ننهد

فصل دویم در قدر طعام خوردن مرویست از اهل بیت

طاهرین علیه السلام منافق با روده هفت طعام خورد ومومن بایک

روده وبسیار خوردن دلرا سخت وظلمانی وبی رحم سازد واز

خدا دور وغافل کرداند ودر دین بی پروا کند وشهوت

برانکیزد ونفس را سرکش وعقل را تیره وشیطان را اعانت

ودین را فاسد کند وموجب همه امراض باشد وهر کس در دنیا

سیر تر در روز قیامت کرسنه تر باشد وبر سر سیری خوردن

مورث برص شود ودشمن ترین حالات در نزد خدای آنست که

شکم پر باشد ودوست ترین حالات آنست که خفیف وسبک

بود یک لقمه بضرورت خوردن افضل است از بیست شب عبادت

کردن وهر کس خدا را بشناسد دهن از کلام وشکم از طعام

منع کند تا ضرور نشود وکرسنکی آدام مومن وغذای روح

وقوت دل وصحت بدن است ودر جمیع آثار بعکس سیر یست

ومرویست که یحیی علی نبینا وعلیه السلام از ابلیس پرسید که هیچ

صفتی در من می بینی که تورا خوش آید کفت بلی اینکه چون شب

چیزی

افطار کنی چیزی بیشتر تناول نمائی و باین سبب بعض عبادات و
طاعات در شب از تو فوت شود فرمود من عمرا بخدا
هرگز سیر نخوردم ولیکن با وجود آنست که مرویست که طعام آنحضرت
علف و گیاهی بوده که حیوانات میخورند و ماکل خود را از ایشان
امتیاز نمیگذاشت و حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
فرموده بعد از من جمعی آیند که در نعمت متولد شوند و در نعمت
تربیت یابند و همتشان غیر الوان اطعمه و اشربه نبود و چون
در مجلس سخن گویند از هر طرف تحسین شنوند ایشان بدترین
امت باشند و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
فرموده هر کس همتش همانست که داخل شکمش میشود قیمتش همانست
که بیرون میرود و نیز مرویست که ثلث شکم را برای طعام
بگذارید و ثلث را برای آب و ثلث دیگر برای نفس و خود را
فربه مکنید چنانکه خوک را برای ذبح فربه کنند و فضایل
تقلیل طعام و رذایل کثرت آن عقلاً و شرعاً زیاده از آنست
که درین مختصر گنجد **فصل سیوم** در اوقات طعام
خوردن و آداب متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که بهترین اوقات برای اکل دو وقت است یکی صبح و مرویست که

هرکه عمه را زخواهد چاشت را زود بخورد و دویم بعد از نماز خفتن
در وقت عشای انبیا است علیهم السلم و مرویست که خفتن البته باید
چیزی تناول نمود خصوصا پیرانرا و ترک نباید کرد که اصل خراب
بدن و فساد صحت و موجب ضعف مزاج و قوی است و رکی در
بدنست که عرق عشا گویند اگر کسی شب چیزی نخورد ان تا صباح
نفرین کند و گوید خدا تورا سیر و سیراب نکند چنانکه مرا گرسنه
گذاشتی کذا سمعت و درین میانه دیگر چیزی نشاید خورد که موجب
اوجاع و امراض و فساد بدن باشد و روایات بسیار در مذمت
تنها خوردن آمده که شیطان شریک و طعام بی برکت شود
و علامت کبر و بخل باشد و گاه باشد که مداومت برین مورث
کبر و بخل شود و دست بسیار در طعام موجب زیادی برکت
بود جمعی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم شکایت کردند
که طعام میخوریم و سیر نمیشویم فرمود تنها طعام مخورید باهم
جمع شوید و بسم الله بگوئید تا برکت زیاد شود و در اوانی
طلا و نقره اکل و شرب حرام است که هر که چنین کند آتش دوزخ
در شکمش جوش زند و دست شستن پیش از طعام و بعد از ان پریشانی
دفع کند و روزی بیفزاید و عمر دراز کند و چشم جلا دهد و اهل مجلس

همه در یك لکن دست بشویند و تا پر نشود یا همه فارغ نشوند

نریزند که خلقشان نیکو شود و جمعیتشان مستدام

شستن پیش از طعام ابتدا بصاحب مجلس کنند و بعد از و از جانب

راستش بشویند بترتیب و بعد از طعام ابتدا بجانب چپ او کنند

و باو ختم نمایند یا ابتدا بجانب راست در خانه کنند هر کس باشد

وچون پیش از طعام دست بشویند خشك نکنند که تا رطوبت در دست

باشد برکت بیفزاید و چون خوان حاضر شود بگوید بِسْمِ اللّٰهِ

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْکُورَةً تَصِلُ بِهَا نِعَمَ

الْجَنَّةِ و چهار هزار ملك در وقت طعام حاضر شوند پس

اگر در وقت شروع بسم الله بگویند ملائکه گویند خدای تعالی

برکت بر شما زیاد کند و شیطان بجنود خود را گوید بیرون روید

که شما را درین نصیبی نیست و اگر بسم الله نگویند گوید بیائید که شما

نیز نصیبی دارید پس بیایند و شریك شوند و اگر بعد از آن

بسم الله بگویند شیطان آنچه خورده باشد قی کند یعنی اثر

مشارکتش زایل شود و هر کس طعام حلال خورد و در اول

بسم الله و در آخر الحمد لله گوید روز قیامت او را از آن طعام

سوال نکنند و هر کس بگوید بسم الله و الحمد لله رب العالمین

هنوز لقمه بدهن نرسیده باشد که گناهش آمرزیده شود و اگر چند
نوع طعام باشد در هر یك بسم الله بگوید و اگر فراموش کند
که در هر یك بگوید در اول بگوید بِسْمِ اللّٰهِ عَلَی اَوَّلِهٖ وَ آخِرِهٖ و
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود بسم الله بگوئید
و هر چه خواهید بخورید من ضامنم که ضرر نکند ملعونی گفت من
بسم الله گفتم طعام خوردم متضرر شدم فرمود چند نوع طعام
خوردی و در بعضی بسم الله نگفتی گفت بلی فرمود آن ضرر کرد
و دیگری گفت من بسم الله گفتم و ضرر یافتم فرمود در اثناء طعام
حرف زدی و بعد از ان بسم الله نگفتی گفت بلی فرمود آن تتمه
ضرر کرد و مرویست که هر کس عیال خود را جمع کند و در اول طعام
بسم الله و در آخر الحمد لله بگویند گناهانش آمرزیده شود
و اگر با مجذوم یا صاحب بلیه طعام خورد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ ثِقَةً
بِاللّٰهِ وَ تَوَکُّلاً عَلَیْهِ و مرویست که حضرت امیر المومنین
بحضرت امام حسن صلوات الله علیهما فرمود هیچ لقمه کرم یا سرد
و هیچ شربت آب نخوری مگر که پیش از ان بگوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْئَلُكَ فِی اَکْلِی وَ شُرْبِی السَّلَامَةَ مِنْ وَعْکِهٖ وَ الْقُوَّةَ
بِهٖ عَلٰی طَاعَتِكَ وَ ذِکْرِكَ وَ شُکْرِكَ فِیمَا اَبْقَیْتَهُ مِنْ بَدَنِی

وَاَنْ تُشَجِّعَنِی بِقُوَّتِهَا عَلی عِبَادَتِكَ وَاَنْ تُلْهِمَنِی حُسْنَ
التَّحَرُّزِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فانك ان فعلت ذلك ام...
وغاملة که چون این بگوئی از مضرت آن ایمن کردی و مرویست
که در طعام دوازده خصلت است که بر هر مسلمی لازمست دانستن
آن چهار خصلت فرض است دانستن اینکه آن نعمت از خدا تعالی
و راضی بودن بآن و بسم الله گفتن و شکر کردن و چهار خصلت سنت
دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و بسه انگشت
خوردن و انگشتان لیسیدن و چهار خصلت ادب از پیش خود
خوردن و لقمه را کوچك کردن و بسیار خائیدن و در روی مردم
نگاه نکردن و مرویست که بر طعام از روی ادب و تواضع باید
نشستن نه چنانکه بندکان نشینند مربع و یکپا بر بالای پای
دیگر و تکیه کرده چنانکه متکبران نشینند نه باید نشست اما
دست بر زمین گذاشتن بر وجهی که تکیه و تکبر نباشد قصور
ندارد و از بعضی ائمه طاهرین علیهم السلام مرویست که چنین میکرده اند
و با دو انگشت نباید خورد که شیوهٔ متکبرانست اما با همه
انگشتان قصور ندارد مرویست که حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه چنان میکرده و با دست چپ نباید خورد مگر آنکه ضروری باشد.

وازبالای طعام نباید خورد که برکت از بالا آید بلکه از اطراف باید
خورد و مستحب است افتتاح واختتام بنمک کردن که هفتاد و
دو نوع بلا دفع شود که از انجمله جنون وجذام وبرص باشد واگر بر
لقمهٔ اول نمک بپاشند نقطهای سفید وسیاه که در رو باشد
زایل شود ومرویست که اگر مردم بدانند که در نمک چه قدر منفعت است
محتاج بتریاک یعنی تریاک فاروق نشوند ودر روایت دیگر آمده
که افتتاح واختتام بسرکه مثل نمک است ودر روایت دیگر آمده
که ما اهلبیت افتتاح بنمک واختتام بسرکه نمائیم ومرویست
که سرکه عقل زیاد کند ودل زنده کرداند وگوشت دندان محکم
کند وصفرا بشکند ونان با سرکه خوردن کرم معده بکشد و
شهوت زنا قطع کند ومرویست که سرکه در خانه ... صالح
که دعای برکت ووسعت برای اهل انخانه کنند ومستحب است
که سبزی در سفره باشد که زینت سفره است ومرویست که روزی
در سفرهٔ حضرت امام موسی علیه السلم سبزی نبود میل بطعام
نفرمود تا انکه سبزی آوردند وفرمود که در سفره که سبزی نباشد
من طعام نخورم ودر اثنا طعام حمد وذکر خدا بسیار کند وبازی
ولغو وبی ادبی نکنند که هرچه کنند طعام روز قیامت شهادت

دهد و طعام بسیار کرم نباشد که بی برکت بود و شیطان شریك
شود و بر طعام پف نکنند که برکتش برود و نیز از جهت دب
بر طعام و آب و بر روی مصحف و بر موضع سجود پف نباید کرد
و استخوانرا از کوشت بسیار خالی نباید کرد که نصیب اجنه است
و مرویست که هر کس چنین کند بهتر از آن چیزی از خانه اش کم شود
و چون جمعی در سفره باشند اگر کسی زود تر سیر شود دست نکشند
که مبادا رفقا خجل شوند و کرسنه مانند و هر کس قاب را
بلیسد چنانست که مثل آن تصدق کند و هر کس انکشتان را
بلیسد خدا تعالی فرماید بارك الله فیك و خوردن ریزهای نان
که از خوان ریخته باشد امانست از جنون و جذام و برص و صفرا
و حمق و دوای هر علت و مهر حور العین است و اولاد بسیار
و نفی فقر کند از و و از ولد و ولد ولدش تا هفت پشت و
اما اکر در صحرا و بیرون خانه باشد ریزهای خوان را نباید برداشت
هر چند بسیار باشد که نصیب طیور و حیوانات است و هر کس
پاره نانی از سر راه بردارد و بخورد هفتصد حسنه باشد و اکر
از میان نجاست بردارد و بشوید و کناری کذارد هفتاد حسنه
بود و اکر بخورد بهشت او را واجب شود و هر کس پارهٔ نانی یا خرمائی

بلکه غیر آن از نعمتهای هر چه باشد افتاده بیند بخورد هنوز از شکم

بیرون نرفته باشد که گناهانش آمرزیده شود و بهشت واجب گردد

وچون از طعام فارغ شود بگوید الحمد لله الذی اطعمنا فی

جائعین وسقانا فی ظمائین وکسانا فی عارین وهدینا

فی ضالین وحملنا فی راجلین وآوانا فی ضاحین

واخدمنا فی ماهنین وفضلنا علی کثیر من العلمین

وهر کس بعد از طعام بگوید الحمد لله الذی اطعمنی فیه

ورزقنیه من غیر حول منی ولا قوة کفاره شصت ساله

گناه باشد وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم هرگاه شیر

تناول فرمودی گفتی اللهم بارک لنا فیه وزدنا منه

وچون ماهی تناول فرمودی گفتی اللهم بارک لنا فیه وابدلنا

خیرا منه وچون خوان بر دارند بگوید الحمد لله رب العلمین

اللهم اجعلها نعمة مشکورة وصاحب طعام را

دعا کند وبگوید اللهم بارک لهم فیما رزقتهم واغفر لهم

وارحمهم اللهم اطعم من اطعمنی واسق من سقانی

وبعد از طعام دست را از چربی پاک بشوید که اگر چربی در دست

بماند وبخوابد از کوری اجنه ایمن نبود وچون بعد از طعام دست بشوید

دست برابرو بمالد و سه مرتبه بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ
اَلْمُفْضِلِ از رمد چشم ایمن کردد واکر دست بر رو بمالد کلف را
زایل کند و سبب زیادی رزق باشد وچون دست برروی بماله
بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانَا وَاَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ
بَلَاۤءٍ صَالِحٍ اَوْلَانَا واکر میوهٔ نوبر بیند ببوسد و بر چشم کذارد
وبکوید اَللّٰهُمَّ كَمَا اَرَيْتَنَا اَوَّلَهَا فِیْ عَافِيَةٍ فَاَرِنَا
اٰخِرَهَا فِیْ عَافِيَةٍ ونیز بکوید اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِیْ ثَمَرِنَا
وَبَارِكْ لَنَا فِیْ مَدِيْنَتِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِیْ صَاعِنَا وَبَارِكْ
لَنَا فِیْ مُدِّنَا وچون تناول کند بکوید اَللّٰهُمَّ كَمَا اَطْعَمْتَنِیْ
اَوَّلَهَا فَاَطْعِمْنَا اٰخِرَهَا وَبَارِكْ لِیْ فِيْهَا ومستحب است که
اثر آن بکوچکترین اطفال دهد و مرویست که میوه را نبوئید
که هر میوه زهر بر رود آرد و بعد از طعام خلال کردن سنت است
دهن خوشبوی و دندان را محکم کند و سبب زیادی روزی باشد
وملائکه را از هیچ چیز انقدر بد نیاید که از طعامی که در دندان مانده
وبد بوی شده باشد وحضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وآله وسلم
فرموده که خدای تعالی رحمت کند بر هر کس در وضو و طعام خلال کند
از امت من وملکی از آسمان دعا کند که اَللّٰهُمَّ بَارِكْ فِی الْخَلَّالِيْنَ

وَالْمُتَخَلِّلِينَ خَلاَلِينَ آنند که سرکه در خانه دارند و متخللین آنانکه
خلال کنند و هرچه با خلال از دندان بیرون آید باید انداختن
و اگر با زبان جدا شود فرو برند و با چوب ریحان و انار خلال نکنند
که بحرق جذام را بحرکت آرد و کسی که با نی خلال کند هفت روز دعاش
مستجاب نشود فصل چهارم در فضایل بعضی انواع
ماکولات مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلام که ما و شیعه ما از حلاوت
مخلوق گشته ایم از آنست که حلاوت را دوست داریم و نیز مرویست
که مؤمن لذیذ و شیرین است لذیذ و شیرین را دوست دارد و مرویست
که شکر تمامش دواست و هیچ مضرت در وی نیست و عسل دوای هر علت است
هیچ چیز ضرر نکند اما قدر استعمال آن در احادیث یک انگشت
و سه انگشت و ماهی یکمن[illegible] آن وارد شده نه آنکه هر[illegible]
و در هر حال که خواهند خورند توقع سفاد[illegible] باشند و نیز مرویست
که عسلی که سبز باشد و بوئیش عطسه آرد یا طعمش در ذایقه تند و گزنده
باشد سم قاتل است و غیر آن نافع و دواست و مرویست که ما اهل بیت
خرما دوست داریم و شیعیان ما از طینت ما مخلوق‌اند خرما
دوست دارند و اعدای ما از طینت آتش مخلوق‌اند مسکر دوست
دارند و نیز مرویست که اکرام کنید عمه خود نخل را که از بقیه طینت آدم

مخلوق گشته وهر کس هر روز هفت دانه عجوه که نوعیست از خرما
بناشتا بخورد در انروز از سحر وزهر وشیطان ایمن باشد واگر
وقت خوابیدن بخورد کرم معده را بکشد ومرویست که اکرام
کنید نانرا که خدا تعالی برکات سموات را برای او انزال فرموده
برکات ارض بیرون آورده وازعرش تا ارض دران عمل نموده و
از جمله اکرامش انست که با کارد نبرند وزیر پا نگذارند وچون
بر سفره حاضر شود انتظار چیزی دیگر نفرمایند وزیر صحن نگذارند
مرویست که دانیال علیه السلم بکشتی بانی نانی داد که اورا در کشتی
نشاند نانرا ابدور انداخت وگفت این را چه کنم این در پیش ما در زیر
پای افتاده است دانیال دست برداشته گفت خدایا دیدی که
با نان چه کرد وچه گفت نان را اکرام نمای پس خدا تعالی فرمود
که باران از اسمان نبارد وگیاه از زمین نرست وقحط ضایع
گشت تا حدی که روزی زنی با دیگری گفت بیا تا امروز فرزند
مرا با هم بخوریم وفردا فرزند ترا انروز آن طفل را با هم
خوردند وروز دیگر مادر طفل دیگر بخوردن فرزند خود راضی
نشد محاکمه را بخدمت دانیال بردند گفت کار شما باینجا رسید
پس دعا کرد که خدایا کودکان وسگان ماهیان بگناه کشتی بان مواخذه

مکن و بر ایشان رحم فرمای پس باران آمد و قحط زایل گشت و از ایشان
علیهم السلام مرویست که فضل نان جو بر سایر نانها مثل فضل ما است
بر سایر ناس و دوای هر علت است و صاحب سل را هیچ چیز نافع تر
از نان برنج نیست و روایات بسیار آمده که ما اهلبیت گوشت
بسیار تناول کنیم و بسیار دوست داریم و دوست داریم کسی را که
گوشت دوست دارد و سید طعامها گوشت است در دنیا و آخرت
و هر کس چهل روز گوشت نخورد بد خلق شود پس در گوشش اذان
باید گفت و مستحب است هر سه روز گوشت خوردن و یک روز دو
مرتبه نباید خورد و بهترین گوشتها گوشت گوسفند است و
مرویست که اگر بهتر از آن بودی خدا تعالی آنرا فدای حضرت
اسمعیل فرستادی و گوشت کبک تب را دفع کند و بهترین
اعضای حیوان اعالی بدنست و مذموم ترین اعضای که بموضع
بول نزدیکست و سید طعام گوشت و برنجست و برنج بواسیر را
قطع کند و مریض را نافع بود و هریسه مائده ایست که بر حضرت صلعم
نازل گشت و چهل روز قوت عبادت افزاید و عدس دل را رقیق
کرده اند و اشک روان کند و باقلا دماغ و ساقین را قوت دهد
و خون صالح از آن تولد شود و پنیر و گردکان هر یک تنها ضرر کند

و بابم نافع باشند و در روایت دیگر آمده که پنیر در روز ضرر کند و
شب نافع باشد و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست که
فرمود چه خوب لقمه ایست پنیر دهن را خوش طعم و خوشبوی کند
و طعام هضم نماید و اشتها آورد و هر کس اول ماه پنیر بخورد امید هست
که حاجت در آنماه دعایش رد نشود و خربزه آبش رحمت است
و شیرینیش راحت و بیک لقمه از آن هفتاد هزار حسنه ثبت شود
و هفتاد هزار سیئه محو کرده و ناشتا نباید خورد که مورث فالج است
و انگور رازقی از میوه های بهشت است و انگور سیاه غم زایل
کند و هر کس هر روز ناشتا بیست و یکدانه مویز سرخ بخورد از
جمیع امراض ایمن گردد مگر مرض الموت و مرویست که خدا تعالی
صد و بیست نوع میوه بشما داده و سید همه انار است و فرزند را
نیکو کند و اگر گرسنه بخورد سیر شود و اگر بر سیر طعام بخورند هضم
کند و در هر انار دانه از بهشت هست و از اینجهت انار را تنها
و تمام باید خورد تا دانه بهشت فوت نشود و هر کس یک انار تمام
بخورد خدا تعالی چهل روز شیطان را از او دور کند و اگر دو
انار بخورد صد روز و اگر سه انار بخورد یکسال و هر کس یکسال شیطان
از او دور شود گناه نکند و هر کس گناه نکند به بهشت رود و در روایت

دیگر آمده که هر کس یکدانه انار بخورد دل را نورانی کند و چهل روز
شیطان وسوسه را بیمار کند و هیچ دانهٔ انار داخل شکم مؤمن نشود
مگر که دوای چهل کوفت باشد و سیب سحر و زهر و سایر عوارض
و بلغم و وبا و رعاف و تب را دفع کند و حضرت امام جعفر علیه السلام
فرمود ما اهلبیت بیماران خود را به سیب و آب سرد مداوا میکنیم
شما نیز بیماران خود را به سیب بدهید که هیچ چیز نافع تر از آن نیست
راوی گوید اهلبیت من همه بیمار بودند ایشانرا سیب دادم همه
صحت یافتند و خوردن سیب ناشتا معده را قوت دهد
و هر جانور را هیچ نافعتر از آرد سیب نیست که بپاشامند و آشامیدن
آرد سیب در رعاف نیز روایت شده و به معده و دل را
قوت دهد و زنان را و صاف کند و بی دل را دلیر کند و فرزند را
جمیل گرداند خصوصاً اگر ناشتا بخورند و غم ببرد همچنانکه انگشت
عرق پیشانی را پاک کند و دل و چشم را جلا دهد و عقل بیفزاید
و محبت در دل زیاد کند و هر کس یک به بخورد خدا تعالی چهل روز
زبانش را بحکمت جاری گرداند و اگر سه روز ناشتا بخورد ذهن
صفا یابد و دل از علم و عقل مملو گردد و از کید ابلیس و جنود وی
محفوظ گردد **و امرود** دل را قوت دهد و معده را دباغت کند

ودردهاي اندرون را تسكين دهد وبر سر طعام نافع تر است
ودلكيرے ببرد **وانجير** شبيه ترين ميوه ها است بميوه هاے
بهشت وبواسير ونقرس قطع كند وبوي دهن ببرد واستخوان محكم
كرداند وهر علتي را نافع باشد ومحتاج هيچ دواي نباشد **وكدو**
دماغ را قوت دهد وعقل را زياد كند وحضرت پيغمبر صلّى الله تعالى
عليه وآله وسلّم چون درخانه مباركش طعام پختندي فرمودي تا
كدو دران بسيار كنند **وچقندر** بركناره فردوس رويد
وبرك آن عرق جذام را قطع كند وسرسام را هيچ چيز انفع ازان نبود
وبيمار را نافع باشد وموجب خواب واستراحت ايشان بود وهيچ
الم دران نبود وازبيخ آن احتراز بايد نمود كه هيچ سودا كند
وكندر امانست ازفالج وبواسير ودرمباشرت معين
باشد **وبادنجان** امانست از برص والاكم را نافع بود والي
دران نباشد ودرسرما وكرما پير وجوان راموافق باشد **وپياز**
بلغم ببرد وخون صاف كند ودهن خوشبوي كرداند وعقل بيفزايد
واعصاب محكم سازد ومجامعت را اعانت كند وكوشت دندان محكم
كرداند ومرويست كه چون داخل بلادي شويد ازپياز آن بخوريد كه
تغير آب وهوا را نافع است **وكندنا** سيد سبزيها است هر روز

هفت قطرهٔ اب بهشت بران ریزد بواسیر قطع کند و دهن خوشبو کرداند

و بادها بشکند و امانست از جذام کسی که اکر بان مداومت نماید

و چون سه روز بخورند سپرز را نافع باشد و کاسنی سید

سبزیها است هر روز قطرهٔ از بهشت بران ریزد پس نباید انرا افشاندن

و شستن و سبزی حضرت پیغمبر است صلی الله علیه و آله وسلم و

اولاد ذکور بسیار کند و مرویست که فضل ان بر سایر سبزیها

مثل فضل ما است بر سایر ناس و دوای هزار علت است و هر کس وقت

خوابیدن هفت برک ازان بخورد انشب از قولنج ایمن باشد و اکر روز

جمعه پیش از نماز هفت برک بخورد از اهل بهشت شود و مسموع کشته

که اکر تخم کاسنی را بکارند بعد ازان دو مرتبه دست نشان کنند

لطیف و شیرین شود و بادروج که بفارسی بادرنجبویه کویند

سبزی حضرت امیر المومنین است علیه السلام و اهل بهشت تزیین خوان

بان نمایند و امانست از جذام و از هر علتی و حضرت امام موسی علیه السلام

فرموده که دوست دارم پیش از طعام ازان بخورم که سده بکشاید و

اشتها آرد و سل ببرد و چون پیش از طعام بخورم بعد ازان هر چه بخورم

پروا نکنم و اکر بعد از طعام بخورم هضم طعام کند و دفع ثقل نماید و

بوی خوش کند و برک ترب طعام را هضم کند و بادها دفع نماید

وبول براند وبجنبش بلغم قطع کند وکسی که در شب جرجیر بخورد که فاسم
تره تیزک گویند جذام وبرص ببرد وبلغم وصفرا قطع کند وهفتاد
نوع بلا دفع کند واگر بعد از طعام بخورند معین هضم باشد ودر روایتی
دیگر آمده که مردان قاووت با شکر بخورند که ایشان را مضر باشد
واگر هفت مرتبه باب بشویند وبعد از ان در قدح دیگر ریزند تب
ببرد وتقویت ساق وقدم کند وکسی بمرض سرسام مبتلا گشت
حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود قاووت جو بیاشامید
دو مرتبه بیشتر نیاشامید که شفا یافت وقاووت عدس تشنگی
بنشاند ومعده را قوت دهد وهیجان خون را ساکن کرداند
وحرارت اندرون بنشاند ودوای هفتاد علت بود ومرویست
که زنی را حیض غلبه کرده بود تا آنکه مشرف بر موت شده بود حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود قاووت عدس بیاشامید صحت یافت
وکسی که به تخم مرغ مداومت کند اولادش بسیار شود وماهی
بسیار خوردن بدن را لاغر کند واگر کسی شب ماهی بخورد وبر سر
آن چند دانه خرما یا عسل نخورد بیم فالج بود وچربی گوشت
هر لقمه که در بدن داخل شود انقدر که فت بیرون رود وروغن
دواست ومرویست که چون کسی به پنجاه سال رسد شب بخواید و

وروغن خورده باشد که موافق مزاج ایشان نیست **فصل پنجم**

در فضایل آب وانچه متعلق است بآن از آداب آب مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که سید اشربه جنت آبست وهر کس از آب
ملتذ شود خدا تعالی اورا از اشربه جنت ملتذ کرداند وکویا
معنی ملتذ شدن از آب اینست که قدر این نعمت وتفضل
الهی در اعطای آن بداند ویکی از اطبا حضرت امام موسی علیه السلام
را از آب خوردن منع کرد انحضرت فرمود چرا منع میکنی آب
طعام را هضم کند وصفرا بشکند واطفاء حرارت کند وغضب
بنشاند وعقل بیفزاید اما افراط نباید کرد وناشتا نباید آشامید
مکر در تابستان که ماده هر علت است وبسیار امراض از ان متولد
شود وسؤر مؤمن خواه آب خواه غیر ان شفای هفتاد مرض است
وهر کس سؤر مؤمن را برای تبرک بیاشامد خدا تعالی فرشته خلق
کند برای ایشان استغفار نماید تا روز قیامت وآب زمزم
دوای هر مرضاست حضرت امام جعفر علیه السلام احوال بیماری
پرسید که چونست کسی کفت که اورا بموت کذاشتم فرمود که اکر
من بجای شما می بودم آب میزاب یعنی ناودان کعبه معظمه باو
میدادم راوی کوید آب میزاب باو دادیم همان ساعت صحت یافت

واب باران بدن را از الام پاک کند وتب و وسوسه شیطان دفع نماید
وایمان را در دل ثابت کرداند واب فرات دو نا و دان از بهشت برو
میریزد و فرشته هر شب از اسمان آید وسه مثقال از مشک بهشت
دران ریزد و در روی زمین نهری مبارکتر ازان نیست وآب جوشیده
بهر علتی نافع است وهیچ چیز ضرر نکند واگر آب را بجوشانند که
هفت جوش بزند پس یظرف دیگر کنند و بنوشند تب ببرد و قدم
وساق را قوت دهد و با بهای کرم که بوی کبریت کند وابهای
تلخ بدطعم مداوا نباید کرد که در طوفان اجابت حضرت نوح علیه السلام
نکردند پس انهار العن فرمود ومردی روزی بمداوا متوجه چنین
ابی بود بحضرت امام حسن وامام حسین علیهما السلام ملاقات
نمود فرمودند کمان نیست که چیزی راکه خدا تعالی لعن کرده باشد
شفا دران کذاشته باشد زیرا که چنین چشمه اجابت حضرت نوح
علیه السلام نکردند وملعون کشتند وتلخ وشور شدند وروایت
دیگر فرمودند ابی که هر روز سه مرتبه انکار ولایت ما میکنند مداوا
بان مکنید زیرا که خدا تعالی ولایت ما را بر ابها عرض فرمود و
هر کدام که قبول فرمود عذب وطیب شد واکه انکار کرد تلخ و
شور کشت اما اداب اشامیدن آب انکه روز ایستاده

آشامیدن افضل است که برای قوت وصحت بدن وهضم طعام بهتر است
و شب نشسته که ایستاده مورث صفرا است وعرق جذام را بحرکت آرد
واشامیدن آب باید بجو مکیدن باشد که بغیر ان باعث وجع سپرز
شود وبسه نفس اشامیدن افضل است وروایت دیکر آمده که اکر کسی که
آب آورده مملوک تو باشد بسه نفس بیاشام واکر ازاد باشد بیک نفس
ودر وقت اشامیدن بسم الله بکوید تا شیطان شریک نشود واکر
چنین بکوید افضل است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مُنْزِلِ الْمَآءِ مِنَ السَّمَآءِ
مُصَرِّفِ الْاَمْرِ كَيْفَ يَشَآءُ بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَآءِ واكر
در شب آب بنوشد آب را حرکت دهد وسه مرتبه بکوید علیه السلام
مِنْ مَآءِ زَمْزَمَ وَمَآءِ الْفُرَاتِ از مضرتش ایمن شود وهر کس بسه
نفس آب بیاشامد ودر هر نفس بسم الله بکوید وهنوز سیر نشده
باشد الحمد لله بکوید تا ان آب در شکمش باشد برای او تسبیح کند
وهیئت او را واجب شود وازپیش دسته وجانب شکسته کوزه
نیاشامد که هر دو مقام شیطان است وبعد از اب خوردن بکوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ سَقَ[انِيْ مَ]آءً عَذْبًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ مِلْحًا اُجَاجًا
بِذُنُوْبِيْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ سَقَانِيْ فَاَرْوَانِيْ وَاَعْطَانِيْ
فَاَرْضَانِيْ وَعَافَانِيْ وَكَفَانِيْ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ تَسْقِيْهِ

فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه وآله وتسعده بمرافقته

برحمتك یا ارحم الراحمین ومرویست که حضرت امام جعفر علیه السلام

روزی آب آشامید پس چشم مبارکش پر اشك گشت وگفت

لعن الله قاتل الحسین پس فرمود هر کس بعد از آب خوردن حضرت

امام حسین واهل بیتش علیهم السلام را یاد کند و بر قاتلش لعن کند

خدا تعالی برای او صد هزار حسنه نویسد وصد هزار سیئه محو کند

وصد هزار درجه بلند گرداند وچنان باشد که صد هزار بنده

آزاد کند وچون روز قیامت محشور شود جگرش خنك باشد

وتشنگی وحرارت نداشته باشد ومستحب است سر کوزه را

پوشیدن که شیطان کوزه پوشیده را نگشاید فصل

ششم در فضایل ضیافت کردن واحکام متعلق بآن مرویست

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون مهمان داخل خانه شود رزق

با او از آسمان آید وچون طعام خورد گناهان اهل آن خانه آمرزیده

شود وحضرت امام جعفر علیه السلام از یکی از اصحاب پرسید که

شیعیان را هیچ دعوت میکنی گفت هیچ وقت طعام نخورم مگر که

دو سه وکمتر وزیاده تر از ایشان با من باشند فرمود فضل ایشان

بر تو بیشتر است از فضل تو بر ایشان گفت من ایشان را طعام میدهم

وبخانه خود می آورم وفضل ایشان بیشتر است فرمود بلی چون داخل
خانه تو شوند با مغفرت تو وعیال تو داخل شوند وچون بیرون
روند گناهان شما را بیرون برند وهم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس
مؤمنی را سیر کند هیچکس اجر آن نداند نه ملکی مقرب ونه پیغمبر مرسل
مگر خدای تعالی ومغفرت گناهانش لازم گردد وبهشت واجب شود
واز نعمتهای بهشت عوض یابد وبهتر است از آنکه یک افق از
مردم آزاد کند پرسیدند که افق چه قدر است فرمود نه صد هزار یا
بیشتر وهر کس دهن مؤمنی را بلقمه شیرین کند تلخی روز قیامت نه
بیند وفضایل طعام مؤمن بتفصیل در باب دیگر انشاء الله تعالی
بیاید وهر کس مؤمن تشنه را آب دهد خدای تعالی ورا از رحیق مختوم
سیراب گرداند واگر در جائی آب دهد که آب باشد چنانست که
یک بنده آزاد کند وبهر یک شربت آب هفتاد هزار حسنه عطا
فرماید واگر در جای که آب نباشد چنانست که ده بنده آزاد کرده باشد
از اولاد حضرت اسمعیل علیه السلام ونفسی را زنده گرداند وهر کس یک نفس
زنده گرداند چنانست که تمام ناس را زنده کرده باشد وهر کس جگر
تشنه را از حیوان یا انسان آب دهد در سایه عرش خدا باشد
در روزی که هیچکس را پناهی نبود وهم از ایشان علیهم السلام مرویست که

هرکس ایمان بخدا و روز قیامت دارد مهمان را اکرام نماید و چون کسی بخانه
کسی وارد شود باید طعام برو عرض کند و اگر میل نکند آب عرض کند
و اگر رغبت نکند آب وضو معروض دارد و نباید گذاشت مهمان متوجه
خدمتی و کاری شود و مرویست که حضرت امام رضا علیه السلام را مهمان
وارد شد در شب خواست که فتیله چراغ را دستی بزند حضرت منع
فرمود و خود متوجه آن گشت و فرمود ما اهل بیت مهمان را بخدمت
نگذاریم و مرویست که چون مهمان داخل شود در آوردن رخوت و
اسباب او را مدد کنید و چون بیرون رود مکنید و از جمله اکرام
مهمان اینست که خلال برایش مهیا کنند و با او در طعام خوردن
رفاقت باید کرد تا او دست نکشد دست نباید کشید و اگر مهمان
خود وارد شود برایش تکلف نباید کرد بلکه هرچه در خانه باشد
اکتفا باید نمود و اگر دعوت کرده باشند تکلفی که مقدور باشد
باید نمود و مرویست که معلوم نیست که کدام عجیب تر باشد مهمانی
که میزبان را بر تکلف دارد یا میزبانی که برای مهمان تکلف کند
و نیز مرویست که هلاک شود میزبانی که آنچه در خانه دارد برای
میهمان حقیر شمارد و مهمانی که آنچه برایش آرند حقیر انگارد و
روایت بسیار آمده که محبت دوستان با هم اینقدر توان دانست

که طعام یکدیگر را از روی رغبت و انبساط و شکفتگی خورند یا از
روی کراهت و گرفتگی از انجمله یکی از اصحاب امام جعفر علیه السلم
گوید روزی بخدمت انحضرت رفتم فرمود طعام آوردند قدری
خوردم و دست کشیدم فرمود بخور گفتم خوردم بس است فرمود
دیگر بخور ندانی که محبت دوستان باین معلوم شود که طعام یکدیگر را
از روی انبساط و رغبت خورند پس با انکشت مبارک طعام جمع
مینمود و من میخوردم و امثال این روایات بسیار آمده و چون مؤمنی
کسی را دعوت کند اجابت باید نمود که احادیث بسیار آمده که
اجابت دعوت مؤمن از جمله حقوق واجبی است که مؤمنان را بر
یکدیگر ثابت است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود وصیت
میکنم حاضر و غایب امت خود را که اجابت دعوت مسلم کنند
اگر چه پنج میل باید رفت که اجابت دعوت مسلم حقوق دینیست
اگر در مجالسی که معصیت کنند و طعامهای حرام و مشتبهه و همچنین
طعامی که اغنیا در ان باشند و فقرا نباشند اجابت نباید کرد
که درین نیز اخبار بسیار آمده و نهی بلیغ شده و امثال این مجالس
موجب معصیت و دوری از خدا و قساوت قلب و محبت دنیا
باشد و اگر کسی نطلبیده چون بشنود که در جائی طعامی هست برود

هرچه آنان بخورد چنانست که پاره آتش بخورد و چون کسی را بطعامی
دعوت کنند و دیگری را بی دعوت دیگری را با خود ببرد غاصب باشد
و هرچه خورد حرام باشد مگر جمعی که محبت و اختلاط و ربط در میان
ایشان بیگانگی رسیده باشد و بیگانگی از میان ایشان مرتفع
باشد و گمان مانعی و عذری از جانب صاحب طعام نباشد که درین
صورت ایشانرا رسد که بی اذن در خانه یکدیگر طعام خورند و بدیگری
نیز دهند فصل هفتم در آداب مسکن و احکام متعلقه بان
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که در شهر و مکانی که عبادت
خدا چنانکه باید مقدور نشود توطن و اقامت نباید نمود بلکه سفر
نیز بچنین موضعی نباید کرد و خدا تعالی بقران مجید فرماید چون روز
قیامت بایشان گویند که چرا در عبادت تقصیر کردید گویند در مکانی
که ما بودیم مقدور نبود پس بر سبیل عتاب و توبیخ فرماید مگر زمین
خدا فراخ نبود که نتوانستید نقل نمود پس ماوای ایشان جهنم باشد
مگر جمعی که ضعیف و عاجز باشند و قادر بر نقل و تحویل نباشند که
ایشان معذور باشند و باین سبب است که مذمت کوهستان و صحرا
نشینان و همچنین مردمی که در بلاد مخالفین توطن کنند و اولاد
ایشان و همچنین جمعی که در گوشها نشینند و با علما و اهل دین

تردد نکنند از آثار ومراسم دین وآداب ومعالم ایمان بیخبر باشند
جهل وحب دنیا واخلاق وصفات سباع وحیوانات در ایشان
غالب باشد وباین سبب است که ائمه تاکید کرده‌اند در زیارت والفت
ومخالطت مومنان وارد شده چنانکه شمه از آن در باب اول گذشت
ونیز از یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام پرسیدند که بعضی مردم خلوت اختیار
کنند وترک تردد میان مردم گیرند فرمود پس دین خود را چون بدست
می آرند ونیز اخبار بسیار آمده که چون کسی تنها باشد شیطان بر او
دست یابد وشیطان با تنهایان باشد وهم از ایشان علیهم السلام مرویست
که از جمله سعادت مرد وسعت فضای خانه است وخوبی همسایه و
شآمت خانه تنگی فضا است وبدی همسایه وفرمودند اول همسایه
اختیار کنید بعد از آن خانه وبنائی که زیاده بر کفاف باشد روز قیامت
بر صاحبش وبال بود وهر کس زیاده بر کفاف بنائی کند برای مباهات
وتفاخر بر همسایگان ومومنان روز قیامت آنخانه را از زمین هفتم
آتشی کنند شعله ور و طوق گردنش گردانند پس در قعر دوزخش افکنند
مگر آنکه توبه کند وهر کس زکوة مال بدهد یا مالی از حرام کسب کند
خدای تعالی آب وگل را بر او مسلط گرداند تا بناهای زیاده گذارد
آن بر او وبر او وبال شود وفرشته موکل است که هر کس ارتفاع سقف

خانه را زیاد از هشت ذراع کند باو کوید ای فاسق بکجا میروی
وهرچه زیاده از هشت ذراع بود شیاطین وجن مسکن کنند
واکر خانه زیاده ساخته باشد دران زیادی آیة الکرسی بنویسد
تا دفع جن وشیاطین کند ودرخانه که سک یا صورت انسان
یا حیوان یا ظرفی که دران بول کنند باشد ملایکه داخل نشوند اما
اکر صورت در فروش وچیزهای باشد که پا بران کذارند باکی نبود
ودستمال جرب وخانه عنکبوت درخانه نکذارند که هر دو تمای
شیطان باشد ومرویست که خانه را جاروب کنید تا شبیه یهود
نشوید وجاروب کردن خانه دفع فقر کند وخاک رویه را در خانه
ونزدیک خانه نباید کذاشت که شیاطین جمعیت کنند وحضرت
امام جعفر علیه السلام فرموده خروس سفید دوست من ودوست هر
مؤمن است وخروس سفید افرق یعنی انکه تاجش دوپاره باشد
خانه صاحب خود وهفت خانه حوالی انرا حراست کند ویک بال
افشاندن کبوتر خانه دار بهتر است هفتاد خروس سفید افرق
وخانه که کبوتر دران باشد از فرود آمدن ایمن باشد وجن دفع شوند
واهل انخانه را آفت از ایشان نرسد ومرویست که کبوتر پر پا
درخانها نکاه دارید که قاتلان امام حسین علیه السلام را لعن میکنند

و ورد شان ذکر و تسبیح خدا بیشتر از همه چیز کند و دوستدار اهل بیت
علیهم السلام صاحب کنز اللغة گوید در شان کبوتر صحرائیست و صاحب
اختیارات گوید بفارسی مرغ الهی گویند فاخته در خانه نباید
داشت که صاحب خانه را نفرین کند و چون کسی خواهد خانه نو بنا کند
مستحب است که گوسفندی ذبح کند و طعامی ساخته صرف مساکین
کند و بگوید اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّیْ وَعَنْ اَهْلِیْ وَوُلْدِیْ مَرَدَةَ
الْجِنِّ وَالشَّیَاطِیْنِ وَبَارِكْ لِیْ فِیْهِ نُزُوْلِیْ که آنچه سؤال کرده خدای تعالی
عطا فرماید

فصل هشتم در وظایف شب و آداب خواب

و بیداری مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هنوز آفتاب
غروب نکرده باشد چراغ روشن کنند که دفع فقر کند و وقت خوابیدن
خموش کنند و چون وقت سحر روشن کنند بعد از طلوع آفتاب
بردارند و لیکن چراغ در خانه تاریک نباید شد و در مهتاب چراغ نباید
افروخت و چون چراغ حاضر شود بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوْرًا
نَمْشِیْ بِهِ فِی النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنَا نُوْرَكَ یَوْمَ نَلْقَاكَ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ لَنَا نُوْرًا اِنَّكَ نُوْرٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ و چون خموش کند
بگوید اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی النُّوْرِ و مرویست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در تابستان روز پنجشنبه

از خانه بیرون میرفت وچون هوا سرد میشد روز جمعه بدرون می
آمده و در روایت دیگر هر دو در شب جمعه وارد شده و هر کس بر
بامی بخوابد که چهار طرفش محجر نباشد اگر عارضه رو دهد غیر خود را
ملامت نکند و محجر کمتر از یک وجب نباشد وچون کسی در خانه
بخوابد باید درها را بر بپوشد یا پرده بیاویزد تا شیطان داخل
نشود و تنها در جائی نخوابد که اکثر جرأت شیطان وقتیست که
ادمی را تنها بیند ومروی است که اگر کسی با دست چرب یا تنها بخوابد
یا ایستاده یا در آب بول کند یا ایستاده در شب آب بیاشامد پس
عارضه از جن رو دهد زود مفارقت نکند واگر کسی در تنها خوابیدن
مضطر شود تا تواند ذکر خدا بسیار کند و وقت خوابیدن خود را از
تشویش خلا فارغ سازد که سبب صحت وراحت بدن است و هر کس
با وضو بخوابد چنانست تا وقت بیدار شدن نماز گذارده باشد و
اگر در میان جا بخاطر رسد که وضو ندارد بغیاری که در آن تنها
باشد تیمم کند مجزی بود و خوابیدن چهار قسم است خواب انبیا بر قفا
وخواب مومنان بر جانب راست و خواب کفار بر جانب چپ و خواب
شیطان بر رو و اگر کسی بر رو خوابیده باشد بایدش بیدار کرد و خوابیدن
میان نماز شام و خفتن موجب حرمان رزقست و بعد از نماز خفتن

شب نشینی مذموم و مکروه هست و موجب حرمان سحرخیزیست و
گفته اند که سگ اول شب بیدار باشد تا سحر و چون سحر شود بخوابد
و حیوانات دیگر همه اول شب خواب کنند و سحر بیدار شوند حتی آنکه
تجربه شده که اطفال در طفولیت تا بر خلقت خود باقیند اول شب
بخوابند و سحر بیدار شوند و چون بعادات و رسوم اهل دنیا و
باطلان برآیند بصفت سگ درآیند پس مؤمنان باید اول شب
بخوابند و نصف شب یا اندکی بیشتر یا دیرتر بیدار شوند
و روایات بسیار آمده که خدا تعالی اول شب را برای استراحت
آفریده و آخر شب را برای ذکر و عبادت و از طلوع صبح تا طلوع
آفتاب ارزاق بنی آدم را قسمت کنند هر کس آن وقت در خواب باشد
از نصیب آن روز خود محروم باشد و من و سلوی بر بنی اسرائیل
درین ساعت هر روز نازل میشده هر کس در خواب می بوده آن روز
محتاج بلدانی می بوده و خواب این ساعت خواب شومی است و خواب
شوم رنگ زرد و رو کریه کرداند و خواب اول روز سبب بی
نظامی و بی برکتی کارها شود و بعد از عصر مورث حماقت باشد
و خواب قیلوله که پیش از ظهر است مبارک است و اعانت شب خیزی
کند و شیطان را درین خواب نصیب نباشد و سبب زوال نسیان

وقوت حافظه باشد وبسیار خوابیدن سبب فقر باشد در روز
قیامت ودین ودنیا را از دست بیرون برد وخدا یتعالی دشمن دارد
که کسی پی آنکه بیداری کشیده باشد بخواید وهر کس در وقت خوابیدن
دست راست در زیر روی راست گذارد وبگوید بسم الله
وَضَعْتُ جَنْبِی لله عَلی مِلَّةِ اِبْرَاهِیمَ وَدِینِ مُحَمَّدٍ و
ولایة من افترض الله طاعته ما شاءَ الله کانَ وَما لَمْ
یَشَأ لَمْ یَکُنْ از دزد وفرو دن آمدن خانه محفوظ کردد وملائکه
برائش استغفار کنند واکر بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
لله رب العالمین صد هزار حسنه برائش نویسند وصد هزار سیئه محو
کنند وصد هزار درجه بلند کرده اند وحضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود چون کسی خواهد بخوابد بستر بگوید بسم الله اللّهُمَّ اِنّی
اَسْلَمْتُ نَفْسی اِلَیْکَ وَوَجَّهْتُ وَجْهی اِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ
اَمْری اِلَیْکَ وَاَلْجَأْتُ ظَهْری اِلَیْکَ وَتَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ
رَهْبَةً مِنْکَ وَرَغْبَةً اِلَیْکَ لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجا وَلا
مَفَرَّ مِنْکَ اِلّا اِلَیْکَ آمَنْتُ بِکِتابِکَ الَّذی اَنْزَلْتَ
وَبِرَسُولِکَ الَّذی اَرْسَلْتَ پس تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
بگوید که هر کس وقت خواب این تسبیح بگوید از جمله کسانی باشد که خدا تعالی

مدح فرموده بانکه ذکر بسیار کنند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که
در وقت خواب کفتن این تعویذ را ترک نباید کرد أُعِيذُ نَفْسِي
وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ
مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ و هر کس سه
مرتبه وقت خوابیدن بکوید يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ
وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ چنانست که هزار رکعت نماز کذارده باشد
و اکر سه مرتبه بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ از کناه پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده
و اکر آیة الکرسی بخواند از فالج ایمن کردد و تا وقت بیدار شدن
او و چهل همسایه‌اش محفوظ باشند و مرویست که دو کس بسفر میرفتند
بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده تعلیمی خواستند
فرمودند وقت خوابیدن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بکوئید
بعد از آن آیة الکرسی بخوانید چون از شهر بیرون رفتند جمعی دزدان
ایشان را تعاقب کردند چون در منزلی فرود آمدند دزدان غلامی را
بجاسوسی فرستادند تا خبری از ایشان بیارد غلام مراجعت کرده کفت

هیچکس راندیدیم و دود دیوار دیدیم هرچند بر دورش کشتیم راه
درون شدن نیافتیم که شد ترسیدهٔ دروغ میکوئی خود برخواستہ
رفتند شنیده موافق ... یافتند چون صباح شد دزدان پیش
ایشان آمده قضیه شبینه نقل کرده از احوال استفسار نمودند
ایشان حکایت خود بیان کردند و گفتند ببرکت الا تعلیم انحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم از شر شما ایمن کشتیم دزدان نیز قطع امید
کرده براه خود رفتند و اگر در وقت خواب اخر سورهٔ کهف بخواند
تا مسجد الحرام نوری تابان شود که درمیان ان نور ملائکه باشند که
برای او استغفار کنند و اگر قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد
بخواند از شرک بری شود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
بحضرت فاطمه علیها السلام فرمود وقت خوابیدن تا چهار کار
نکنی نخوابی ختم قران کنی تا تمام جمیع انبیا را شفیع خود کردانی و همه
مؤمنان را از خود راضی سازی و حج و عمره کذاری کفت اینها را در
یکساعت چون کنم فرمود سه مرتبه قل هو الله احد بخوان ختم قران
کرده باشی و صلوة بر من و انبیا بفرست همه شفیع تو باشیم در روز
قیامت و برای مومنان استغفار کن تا همه از تو راضی شوند و
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله بکو حج و عمره

کذارده باشی واکر قل هو الله احد ومعوذتین هریك سه مرتبه بخواند
ختم قران کرده باشد وبعد هر ایة از قرقان ثواب عمری یابد واز
کناه پاك شود مثل روزی که متولد شده واکر در انشب بمیرد
شهید باشد البتة واکر یازده مرتبه انا انزلناه بخواند نوری
خلق شود از زمین تا عرش که عرض مثل وسعت هوا باشد ودر
هر درجه ان هزار ملك باشند هریك را هزار زبان یا هزار زبان
بهزار لغت برای او استغفار کنند تا نصف شب بعد از ان
ان نور را در سینهٔ او کذارند تا روز قیامت واکر ایة شهد الله
بخواند هفتاد هزار ملك خلق شود که تا روز قیامت برایش
استغفار کنند واکر الهکم التکاثر بخواند از عذاب قبر ایمن شود
واکر سه مرتبه بکوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
اَلْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ کناهانش امرزیده شود اکرچه
مثل ایام دنیا یا کف دریا یا ریك صحرای عالج باشد واکر بیخوابی
عارض شود که خواب نبرد بکوید سُبْحَانَ اللهِ ذِی الشَّأْنِ
دَائِمَ السُّلْطَانِ عَظِیْمَ الْبُرْهَانِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ
یَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ یَا کَاسِیَ الْجُنُوبِ الْعَارِیَةِ
یَا مُسْکِنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ یَا مُنَوِّمَ الْعُیُونِ السَّاهِرَةِ

سَکِّنْ عُرُوقِی الضَّارِبَةَ وَأْذَنْ لِعَيْنِی نَوْمًا عَاجِلًا و اگر خواهد
آیة الکرسی بخواند و بگوید إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً
مِنْهُ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا و اگر در خواب بترسد وقت آمدن
ده مرتبه بگوید أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ
وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ
و اگر خواهد معوذتین و آیة الکرسی بخواند وَإِذْ يُغَشِّيكُمُ تا آخر
و اگر از جن بیم کند بگوید إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ
النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ
بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
و اگر از احتلام اندیشه کند بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ
الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ
الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ و روایات بسیار آمده و
بسیاری مردم بتجربه نیز نموده اند که آیة آخر کهف بخوانند هر وقت
که خواهد بیدار شود و نیز از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
مرویست که هر کس وقت خواب بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ
وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقُومُ سَاعَةَ

کذا وهر ساعت که خواهد مذکور سازد خدای تعالی ملکی موکل کرده اند که
دران ساعت بیدارش کند و مشایخ رحمهم الله در کتب خود ذکر
کرده اند که اگر کسی را حاجتی باشد یا امر مشکل سانح شود با طهارت
در فراش و لحاف پاک بخوابد و زنی با او نباشد و در وقت خواب سوره
والشمس و واللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند بعد ازان بگوید اللهم
اجعلنی من امری هذا فرجا و مخرجا در شب اول یا سیم
یا پنجم یا هفتم کسی را در خواب بیند که راه نماید و روی ازان برائی بنماید
راوی گوید مرا صداعی عظیم بود که از علاج ان عاجز گشته بودم باین
عمل نمودم در شب اول دیدم که دو کس امدند پیش من نشستند یکی از ایشان
دست بر سرم مالید و موضعی را نشان داد که حجامت کن انموضع را
حجامت کردم شفا یافتم و بدین بسیاری مردم نیز گفتم همه منتفع شدند
و ایضا مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد که یکی از
انبیا را یا ائمه علیهم السلم را یا سایر مردم را در خواب بیند سوره
والشمس و واللیل و قدر و جحد و اخلاص و معوذتین بخواند
بعد ازان صد مرتبه توحید بخواند و صد مرتبه صلوة بر پیغمبر و الش صلی الله
علیه و اله و سلم بفرستد و با وضو بر جانب راست بخوابد که هر کس را
خواهد انشاء الله در خواب بیند و سوال و جوابی که خواهد میان ایشان

لکن بعض اصحاب استاد ما دعا را بخوانند

مذکور شود و در روایت دیگر آمده که این طریق را هفت شب باید عمل نمود

بعد از آنکه این دعا خوانده باشد اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَیُّ الَّذِی لَا یُوصَفُ

وَالْاِیمَانُ یُعْرَفُ مِنْهُ مِنْکَ بَدَتِ الْاَشْیَآءُ وَاِلَیْکَ

تَعُودُ فَمَا اَقْبَلَ مِنْهَا کُنْتَ مَلْجَاَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا اَدْبَرَ مِنْهَا

لَمْ یَکُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجًا مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ فَاَسْاَلُکَ

بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَسْاَلُکَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ

سَیِّدِ النَّبِیِّینَ وَبِحَقِّ عَلِیٍّ خَیْرِ الْوَصِیِّینَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ

سَیِّدَةِ نِسَآءِ الْعَالَمِینَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ الَّذَیْنِ

جَعَلْتَهُمَا سَیِّدَیْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَجْمَعِینَ

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرِیَنِی فُلَانًا والخ

روایت کرده اند که اگر خواهد میتی را در خواب بیند همین دعا را

شبها بخواند و در آخر بگوید اَنْ تُرِیَنِی مَیِّتِی فِی الْحَالِ

الَّتِی هُوَ فِیهَا و هر مرتبه که در اثناء خواب از پهلوی بپهلوی

دیگر حرکت کند بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَهُوَ

عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ النَّبِیِّینَ وَالْمُرْسَلِینَ

وَسُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَمَا فِیهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ

الْعَظِیمِ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ ۵

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال نمودند که آنانکه خدا تعالی مدح
فرموده که اندکی از شب میخوابند کیستند فرمود جمعی اند که تمام شب
میخوابند اما هر مرتبه که حرکت بکنند میگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ و چون خواب بد بینند بگویند اِنَّمَا
النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
شَيْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهٖ مَلَائِكَةُ اللّٰهِ
الْمُقَرَّبُوْنَ وَاَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلِيْنَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُوْنَ
مِنْ شَرِّ مَا رَاَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ و از پهلوی که
خوابیده به پهلوی دیگر نقل کند و خواب را بکسی نقل نکند از شر آن
انشاء الله ایمن گردد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که خواب خوش ببیند
بکسی که دوست دارید نقل کنید و خواب راست یکجزو از هفتاد جزو
نبوت است و بروایت دیگر چهل جزو و خواب مؤمن بر بالای سرش
مضطر و متردد باشد تا آنکه تعبیر کنند هر نحو تعبیر کنند چنان شود
پس خواب را بمؤمن عاقل مهربانی باید گفت تا تعبیر خوب کند
و نیز مرویست که خواب دو وقت راست باشد اگر با طهارت
و بذکر خدای خوابیده باشد یکی وقت قیلوله که شیطان در آنوقت
نصیبی نبود و دویم بعد از نصف شب که وقت نزول ملائکه است

وخواب اول شب اعتبار ندارد که وقت هیجان شیاطین است و مناسب مقام ایست

دیگر نکته در کیفیت امر رؤیا بدانکه از بسیاری احادیث ائمه طاهرین

علیهم السلم و دلالت براهین عقل متین مبین و محقق است که روح مؤمن

از طینت ملایکه افریده شده و جوهرش از جنس جوهر ملکوت

سموات مخلوق گشته و بسبب ضرورت معاش و تحصیل زاد معاد

الفت و اشنائی با بدن و قوی و اعضای بدن گرفته و شغل

تدبیر نظام مملکت بدن و همچنین اشتغال احوال حیوة دنیا از

دیدن و شنیدن و خوردن و سایر واردات حواس و قوای مانع

توجه و التفات او بعالم خود شده و سبب غربت درین عالم دنیوی

و دامنگیر مراجعت بملکوت سمای و ملاء اعلی که وطن اصلی اوست

گشته و هرگاه که اندک فرصتی تخفیف بسبب این علایق و موانع او را

حاصل شود رجوع بعالم خود نموده با ابنای جنس خویش از ملایکه و

اهل ملأ اعلی الفت گیرد و موانست نماید و از نفحات علوم و معارف

نامتناهی که از فضل جود و رحمت الهی بر اهل ان عالم در هر باب

بحساب ریخته بقدر استعداد خود استفاضه نماید و بهره مند

گردد و اینحالت اعنی رجوع بعالم اعلی و استفاضه از فضل اهل

ملکوت سما اولیاء و اصفیاء خدا را که از شدت متابعت دین قویم

وکمال امتثال احکام شرع مستقیم وزهد در دنیا وترک پیروی
هوس وهوا ورفض علایق لذات وشهوات وعوایق تحصیل
فضول وتجملات بدن واعضای خود را از ثقل فضلات مأکل
ومشارب پاکیزه ساخته وآیینه دلشان از زنگ کدورت فکرهای
باطل وخیالهای فاسد حوایج ومآرب پرداخته وجوهر روحشان
از تیرگی وظلمت اشتغال باین دنیای دنی جلا یافته وپرتو نور
آن عالم که تمام نور وضیا است بر صفحه قابلیتش تافته وکمال
تسلط برنفس خود وقوای آن بهم رسانیده اند بحالت همیشه
منقاد وریابند خواه در خواب وخواه در بیداری وخواب وبیداری
ایشان یکسان باشد چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
فرموده تَنَامُ عَيْنِي وَلَا يَنَامُ قَلْبِي یعنی اگرچه چشم کاهی
سر بخواب میکند اما دلم همیشه بنور خدا بیدار است و
از اینجهة است که انبیاء علیهم السلام بر قفا خوابند زیرا که همیشه منتظر
نزول وحی باشند چنانکه در احادیث آمده واما سایر
مومنان پس بحسب اختلاف مرتبه وقابلیت کاه کاه واحیانا
که بدن از ثقل فضلات وبخارات غذا خفیف ودل از زنگ
ظلمت خیالهای باطل دنیا خالی وروح از شدت شغل بتدبیر بدن

وقوی فارغ گشته وآینهٔ خاطرشان بنور یاد خدا جلا وصفا یافته
باشد وچون بخواب روند وحواس ایشان از مشاغل محسوسات
فراغ حاصل شود وباطن ایشان از تشویش وارادات عالم ظاهر خلاص
یافته بحال خود پردازد ومتوجه عالم باطن که ملکوت عالم اعلاست
شود روحشان را با اهل آن عالم که موکلان تدبیر حال حادثان و
مدبران نظام کاینات‌اند ارتباط واختلاط رود هد واز رشحات
علوم ومعارف ایشان که همه صدق وحقیقت‌اند واز خزاین علم الهی
بر ایشان احسان شده بران روح بحسب مناسبت حال او
فایض گردد واو را در آن عالم چشم وگوش وقوای روحانی
مشاهده آن علم ومعرفت یا خبری که متعلق باحوال او یا غیر
او باشد نماید وچون هنوز روح را از مصاحبت بدن وقوای بدنی
خلاص تمام حاصل نگشته بلکه آثار حواس وقوای بدنی خلاصی
تمام حاصل نگشته بلکه آثار حواس وقوای بدنی هنوز در جوهر روح
راسخ وثابت است مشاهدات روحانی هر یک بصورت وکیفیتی
که مناسب آن باشد در نظر او جلوه کند وآن مشاهدهٔ روحانی را
چنان پندارد که بحواس ظاهری بدنی واقع شده وانخیالات اعنی
مشاهدات روحانی وارتباط با ملائکه واهل ملأ اعلی واستفاضه

از ایشان بعضی از موسان را نیز گاه باشد که از شدت زهد و تقوی
و ورع و طاعت خدا [illegible] عظیم بر ضبط حواس و قوی حاصل شده
باشد در بیداری نیز احیانا اتفاق افتد اما اگر دل و روح در زنگ
تشویشات خیالهای باطل و فکرهای فاسد و رفته و ظلمت هوسها
و آرزوهای زایل بیحاصل ظلمانی گشته و بکدورت فضلات
و بخارات ماکل و مشارب سیاه و تیره شده باشد هرچند
بخواب هم رود که فرصت و قابلیت آن ندارد که راهی بعالم نور
و صفا و قربی با اهل ملا اعلی تواند یافت و همچنین اگر بدن
بسبب ثقل و زیادی غذا محتاج بزیادتی تدبیر و اصلاح اینها
روح را که مدتی تدبیر بدن نسبت مهلت آن ندهد که بعالم دیگر تواند
پرداخت اما اگر بعضی اخلاط مثل خون یا صفرا و غیر آن یا
بخارات [illegible] غذا در بدن غالب گشته و هیجان نموده باشد چون بخواب
رود [illegible] آن خلط و بخار بصورتی [illegible] که مناسب آن باشد در نظر [illegible]
جلوه کند و چنان پندارد که چیزی دیده یا شنیده مثلا خون و صفرا
بصورت آتش و شفقهای الوان و سودا و بخار بصورت ابرها
و غبارهای سیاه و ظلمانی جلوه کند و همچنین اگر در بیداری
فکری و خیالی غالب گشته و تسلط یافته باشد چون بخواب رود

همان خیالها در نظرش متمثل گردد و این قسم خواب را که بسبب غلبه

اخلاط و بخارات و خیالات باشد اضغاث و احلام گویند

که مثل مشت خاک [illegible] امور درهم رفته بی اصل چند است

و اعتباری و تعبیری ندارد و قسم اول که از عالم ملایکه فایض

میشود راست و حق باشد و محتاج بتعبیر بود و نیز باید دانست

که چون حادثات عالم دنیا دو قسمت یکی آنکه در قضای الهی وقوعش

حتم و جزم شده که خلاف آن واقع نتواند شد و این قسم

بصورتی که احتمال غیر آن نداشته باشد متمثل گردد دوم آنکه

بسبب مصلحتی وقوع و عدم وقوعش هیچکدام هنوز حتم نشده

بلکه متردد است و هر دو احتمال در و میرود و این قسم صورتی

که مثل خودش متردد و محتمل باشد متمثل گردد و توجه نفوس

انسانی را در حدوث حوادث گاهی مدخلیتی باشد بدین

ازینجهت باید معبر عاقل و مهربان باشد تا صورت متردد را

تعبیر که خیر و مناسب باشد کند چون اینجمله دانسته شد رجوع

بذکر آداب نموده گوئیم چون از خواب بیدار شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

اَلَّذِی اَحْیَانِی بَعْدَ مَا اَمَاتَنِی وَ اِلَیْهِ النُّشُورُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

اَلَّذِی رَدَّ عَلَیَّ رُوحِی لِاَحْمَدَهُ وَ اَعْبُدَهُ و سجده کند که

حضرت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم هرگز از خواب بیدار نمی‌شده
مگر آنکه سجده میکرد و چون بعد از سجده بنشیند بگوید حسبی
الرب من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ کنت
حسبی الله و نعم الوکیل و حضرت امام جعفر علیه السلام
هر بار که از خواب بیدار میشده باواز بلند چنانکه همه اهل خانه
میشنیده اند میگفت اللهم اعنی علی هول المطلع
و وسع علی المضجع و ارزقنی خیر ما قبل الموت
و ارزقنی خیر ما بعد الموت و چون نظر باطراف آسمان
کند بگوید اللهم انه لا یواری منک لیل داج و
لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا ظلمات
بعضها فوق بعض و لا بحر لجی تدلج بین یدی المدلج
من خلقک تعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور
غابت النجوم و نامت العیون و انت الحی القیوم
لا تأخذک سنة و لا نوم سبحان رب العالمین
و اله المرسلین و الحمد لله رب العالمین ان فی خلق
السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار تا انک
لا تخلف المیعاد از سوره آل عمران و چون از همه نماز فارغ شود

پس بصلای خود آمده رو بقبله نشسته این دعا بخواند که حضرت
امام زین العابدین علیه السلم نصف شب که مردم در خواب می بوده اند
میخوانده الهی غارت نجوم سمواتك ونامت عیون
انامك وهدات اصوات عبادك وانعامك و
غلقت الملوك علیها ابوابها وطاف علیها حراسها
واحتجبوا عمن یسالهم حاجة منهم فایدة وانت الهی وانجع
حی قیوم لا تاخذك سنة ولا نوم ولا یشغلك شیء
عن شیء ابواب سمواتك لمن دعاك مفتحات و
خزائنك غیر مغلقات وابواب رحمتك غیر محجوبات
وفوائدك لمن سالكها غیر محظورات بل هی مبذولات
وانت الهی الکریم الذی لا ترد سائلا من المومنین سالك
ولا تحتجب عن احد منهم ارادك وعزتك وجلالك
لا تختزل حوائجهم دونك ولا یقضیها احد غیرك
الهی وقد ترانی ووقوفی وذل مقامی بین یدیك وتعلم
سریرتی وتطلع علی ما فی قلبی وما یصلح به امر
اخرتی ودنیای الهی ان ذکرت الموت وهول
المطلع والوقوف بین یدیك نغصنی مطعمی ومشربی

واغصنی

وأغصّني بريقي وقطعني عن وسادي ومنعني رقادي

وكيف ينام من يخاف بيات ملك الموت في طوارق

الليل وطوارق النهار بل كيف ينام العاقل و

ملك الموت لا ينام لا بالليل ولا بالنهار يطلب قبض

روحه بالبيات أو في آناء الساعات بعد از ان سجده میکرد

وروی مبارک برخاک میگذاشته و میگفته اسألك الروح

والراحة عند الموت والعفو عنّي حين ألقاك بعد از ان

مشغول نماز و عبادت شود و هر کس صبح پیش از آنکه کسی او را ببیند انگشتر

عقیق داشته باشد نگینش را بکف دست بگرداند پس انا انزلناه

بخواند و بگوید آمنت بالله وحده لا شريك له وآمنت

بسرّ آل محمد وعلانيتهم خدای تعالی از روز تا شام او را در

حفظ و حرز خویش دارد **فصل نهم** در آداب بیرون

رفتن از خانه و راه رفتن و سوار شدن و فضایل دواب و حقوق

ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی خواهد

از خانه بیرون رود بر در خانه بایستد و بگوید الله اکبر الله اکبر

الله اکبر بالله خرجت وبالله دخلت وعلى الله توكلت

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد

وَالَيهِ اَللّٰهُمَّ اَفْتَحْ لِي فِي وَجْهِي هٰذَا بِخَيْرٍ وَاَخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَقِنِي
شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ در ضمان خدا باشد تا انکه مراجعت کند و هر کس از
خانه بیرون اید شیاطین بر سر راهش ایند پس اکر در وقت بیرون
رفتن بکوید بِسْمِ اللّٰهِ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ
مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ملایکه شیاطین
بزنند و دور کنند و کویند شما را برو دستی نیست که نام خدا برد
و با او ایمان آورده و برو توکل کرده و خود و کارهای
خود را بحول و قوت او سپرده پس شیاطین دور شوند و با
یکدیکر کویند ما با وچه توانیم کرد که خدا کفایت و هدایتش نموده
و محافظتش فرموده و اکر وقت بیرون رفتن بکوید اَعُوذُ
بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْيَوْمِ
الْجَدِيدِ الَّذِي اِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ مِنْ شَرِّ
نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ
نَصَبَ لِاَوْلِيَاءِ اللّٰهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ
السِّبَاعِ وَالْهَوَامِّ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا اُجِيرُ
نَفْسِي بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خدا تعالی کناهانش بیامرزد و توبه اش قبول

فرماید

فرماید وکفایت مهماتش کند واز جمیع شرور ومکاره در پناه خودش

دارد ومرویست که اگر چنین نبودی هر قدر سبقت توانستی یافت این بود

که در وقت بیرون رفتن از خانه در حضر وسفر انا انزلناه بخواند

که زود مراجعت نماید واگر برای حاجتی ومطلبی بیرون رود

صبح شنبه وصبح پنجشنبه بعد از طلوع افتاب بیرون رود که

روایات متعدده آمده که این دو صبح برای حوایج مبارکست

وروز سه شنبه نیز روایات بسیار آمده که روز قضای

حوایج واسانی کارهاست وخدا تعالی درین روز آهن را برای

حضرت داود علیه السلام نرم کرد که زره ساخت ودر وقت بیرون

رفتن پنج ایه از اخر آل عمران ان فی خلق السموات والارض

تا انك لا تخلف المیعاد وایة الکرسی وانا انزلناه والحمد

بخواند که حوایج دنیا واخرت درین ایات است ودر راه رفتن

زنان از کنارهای راه بروند ومیان جاده راه را برای مردان

واگذارند ومردان از میان زنان نگذرند وبر سر پلهای شیطانی

ایستاده باشند پس چون بر پل رسند بگویند بسم الله

اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم تا شیطان دور شود

اما فضایل وحقوق دواب وآداب سواری مرویست که از اهل بیت

طاهرین علیهم السلام که مرکب نگاه دارید که نفقه آن با خداست و منافع
و ثوابش از شما و نه عشر رزق با کسی نیست که مرکبی داشته باشد
و هر کس مرکبی نگاه دارد که قضای حوائج خود بآن کند یا دفع دشمنی
نماید هر روز یک سیئه ازو محو شود و شش حسنه ثبت گردد و اگر
اسب نجیب نگاه دارد که بآن جهاد کند و دفع اعدای دین کند
هر روز سه سیئه محو شود و یازده حسنه ثبت گردد و اگر اسب غیر
نجیب نگاه دارد هر روز دو سیئه محو گردد و هفت حسنه ثبت
گردد و حضرت امام علی النقی علیه السلام از کسی پرسید که بر چه مرکب
سواری میکنی گفت الاغی بسیزده دینار خریده ام فرمود این از جمله
اسرافست که الاغی را باین قیمت بگیری چرا اسب نگرفتی گفت مؤنت
اسب بیشتر است فرمود کسی که مؤنت الاغ میدهد مؤنت
اسب هم می تواند داد نمیدانی که کسی که منسوب بما باشد و اسبی
نگاه دارد و منتظر فرج ما باشد و اعدای ما را منکوب سازد حق تعالی
روزیش را بفرستد و سینه اش را بایمان صفا دهد و آرزوهایش
را برآورد و معین حوائجش باشد و خیر از پیشانی اسب تابان آید
تا روز قیامت و هر کس در راه خدا اسب را نفقه دهد چنانست
که دست بتصدق گشوده باشد و هرگز باز نکشد و مرویست که حضرت

امیر المؤمنین

امیرالمومنین علیه السلام آنذنیع چهار اسپه تهدیه بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم آورده بود بر ایشید که اوصاف اظهار ایشان نمای گفت
یکی اشقر یعنی کهر روشن است دست و پا سفید فرمود آنرا برای
من نگاه دار گفت دوی دیگر کمیت یعنی کهر سیاه هست دست و پا سفید
فرمود انرا هم بدو پسرت یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام بده گفت
یکی دیگر ادهم یعنی کبود بی نشانست فرمود آنرا بفروش و نفقه عیال
خود کن پس ازان فرمود که میمنت اسپ دران است که نشانی غیر رنگ
خود داشته باشد و نیز مرویست که هر که اسپ اشقر که در پیشانیش
سفیدی داشته باشد و اگر آن سفیدی کشیده باشد بهتر بود
و در دست و پایش نیز سفیدی باشد نگاه دارد تا آن اسپ در
ملک او بود در خانه او فقر و ظلم دران خانه راه نیابد و نیز مرویست
که دابه را بر صاحبش چند حقست انیکه بر رویش چوب نزنند و داغ
نکنند که روی دابه حمد و تسبیح خدا می کند و زیاده از قدر طاقت
نراند و بار نکند و پشتش را مجلس نکند و صحبت ندارد و بار دار
نگاه ندارد و در سفر هر جا که باب رسد آب بروی عرض کند و چون
در منزل فرود آید اول تهیه آب و علوفه او کند و پا برگردنش نگذارد
و هر دو پا از یکطرف نیاویزد و تکیه بر یکطرف نکند و تر نشیند

خواب نکند و چون رم کند نزدیک که جن در نظر ایشان آید که در نظر انسان
نیاید و اگر بلغر دو سکندری خورد بگوید بسم الله و دشنام ندهد
که او گوید میان من و تو هر کدام معصیت بیشتر کرده چنین باشد
و لعنتش نکند که خدا تعالی او را لعنت کند و هر کس دابه بگیرد
دعا کند که خدایا مرا صاحبی مشفق و مهربان عطا فرمای که مرا
سیر و سیراب دارد و زیاده بر طاقتم بار نکند و مروّتست که در
هر هفته چهارپا شیطانی باشد چون خواهند لجامش کنند بسم الله
بگوید و اگر در لجام کردن یا سوار شدن یا غیر آن سرسختی و چالاکی
کند این آیة در گوش راستش بخوانند أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ
وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ و نیز بگوید اللّٰهُمَّ سَخِّرْهَا وَبَارِكْ فِيهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
و انا انزلنا بخوانند و هر کس در وقت سوار شدن بِسْمِ اللَّهِ
بگوید فرشته با او ردیف شود که محافظتش کند تا آنکه فرود آید
و اگر بسم الله نگوید شیطانی ردیفش شود و گوید خوانندگی و غنا
کن اگر گوید نمیدانم گوید آرزوهای باطل کن پس همیشه در آرزوهای
باطل باشد تا وقتی که فرود آید و اگر وقت سوار شدن بگوید بسم الله
لا حول و لا قوة الا بالله الحمد لله الذی هدینا لهذا

وما

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَيْنَا اللهُ سُبْحَانَ الَّذِي
سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ او و مركبش هرد و محفوظ
باشند تا آنکه فرود آید و اگر انا انزلنا ه بخواند بر مرکب سنگین تر از
آهن باشد و بسلامت و کذا هانتی امرزید فرود آید و سواره پیاده را
نگوید راه بده که از خصال جوراست و زنان بر زین سوار نشوند که زین
برای ایشان ملعونست و هیچ زنا کند و اگر جارو انگریزد مگر بگوید
یا عِبَادَ اللهِ احْبِسُوا اگر انشاء الله بایستد فصل دهم

در فضایل و آداب مکاسب و معاملات مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم که عبادت هفتاد جزواست و افضل اجزا اینی
طلب حلال است و هرکس طلب حلال کند تا از مردم مستغنی باشد
و هرکس رعایت احوال همسایگان کند روز قیامت روشن چون ماه
شب چهارده باشد و هرکس از ممر حلال کسب کند و تحصیل معیشت
برای عیال خود نماید اجرش عظیم تر است از کسی که در راه خدا جهاد
کند و از جمله سعادت مرد اینست که قیم عیال خود باشد و خدا تعالی
بحضرت داود پیغمبر علیه السلم فرمود تو خوب بندهٔ اگر کسب کنی از
بیت المال معاش نکنی گفت خدایا کسبی تعلیم فرما پس خدا تعالی
آهن را نرم گردانید که زره میساخت و میفروخت تا آنکه مستغنی گشت

وخدا تعالی دشمن دارد ادم بسیار خوار بیکار را و نیز مرویست که خدا تعالی
روزی هر کس را از حلال قسمت کرده و تقدیر فرموده نه از حرام پس
هر کس صبر کند و از حرام اجتناب نماید خدا تعالی رزق او از حلال
برساند و تا انچه برای او مقدر فرموده تمام نکند از دنیا نرود
و اگر هتک حرمت الهی نماید و مرتکب حرام شود هر قدر از حرام
تحصیل کند انقدر از حلال کم کنند و روز قیامت مواخذه
و مطالبه نمایند و امثال این اخبار در فضایل کسب حلال و احتراز
از حرام زیاده از انست که درین مختصر گنجد و مرویست که نه جزو
رزق در تجارت است و یکجزو در سایر کارها و تجارت عقل
زیاد کند و ترک ان دو ثلث عقل کم کند و زراعت کردن کیمیای
اکبر است و روز قیامت اهل زراعت نزدیکترین مردمند بحق تعالی
و مقام ایشان بهترین مقامها است و بهترین کارها زراعت است
که انسان و حیوان منتفع شوند و نیکان و بدان بهره برند اگر
نیکان بخورند برای زارع استغفار کنند و اگر بدان بخورند
هر چه خورند ایشان را لعنت کنند و زارعان اهل توکلند که تخم
افشانند و توکل بر خدا کنند و منتظر فضل و رحمت او باشند
اما آداب مکاسب و معاملات مرویست که چون کسی خواهد تجارت
کند

کند اول مسایل و ادب آنرا بیاموزد و حلال و حرام بشناسد
که ربا در معاملات خفی‌تر است از نقش پای مور بر سنگ خاره
و یک درهم ربا عظیم‌تر است از هفتاد زنا که هم با خویشان محرم
باشند و با نوکیسه معامله نباید کرد که دست را تا مرفق در
دهن اژدها کنی بهتر است ازان که با نوکیسه معامله کنی و
اول روز برای معاملات و حاجات مبارکست خصوصا روز
شنبه و پنجشنبه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
دعا کرد و گفت خدایا صبح خیز این دو روز بر امت من مبارک
گردان اما پیش از طلوع آفتاب مشغول کارهاء دنیا نباید شد
که آن ساعت عبادت و ذکر است و جنود شیطان در اطراف برای
اضلال انسان متفرق شده و چون کسی داخل بازار شود بگوید
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ
الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هزار هزار حسنه ثبت کنند
و هزار هزار سیه محو کنند و هزار هزار درجه بلند گردانند و اگر
بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ تا آخر چنانکه در فصل دخول مسجد
گذشت برابر است با یک حج و عمره و چون داخل دکان خود شد بگوید

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِهَا وَخَیْرِ اَهْلِهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ
شَرِّهَا وَشَرِّ اَهْلِهَا خدا تعالی فرشته موکل کرده که در آن روز
او را از شر بازار و اهل بازار محافظت نماید و چون بنشیند
بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ
وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ
مِنْ فَضْلِكَ حَلَالًا طَیِّبًا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْ
اُظْلَمَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَیَمِیْنٍ كَاذِبَةٍ
فرشته که برو موکل است گوید مژده باد ترا که امروز درین بازار
هیچکس معامله‌اش بهتر از تو نباشد که حسنات رو بتو آورد
و سیئات محو گردد و نصیب تو حلال و مبارک بتو رسد و
هر کس در بازار ذکر خدا کند و در معاملات خدا را فراموش نکند
و از حکم او تجاوز ننماید بعدد هر انسان و حیوانی که در آن
بازار باشند گناهان او آمرزیده شود و چون متاعی [illegible]ی
دیگر بخرد سه مرتبه الله اکبر بگوید و بعد از آن سه مرتبه بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اشْتَرَیْتُهٗ اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ فَضْلِكَ فَصَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَاجْعَلْ لِیْ فِیْهِ فَضْلًا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ
اشْتَرَیْتُهٗ اَلْتَمِسُ فِیْهِ مِنْ رِزْقِكَ فَاجْعَلْ لِیْ فِیْهِ

رزقاً و بر متاع این کلمه بنویسد برکةً لنا که انشاء الله از آن
مستفع شود و اگر بنده بخرد بگوید اللهم بارک لی فیه
واجعله طویل العمر کثیر الرزق و اگر اراده خریدن
دابه کند سه مرتبه بگوید اللهم ان کانت عظیمة البرکة
فاضلة المنفعة میمونة الناصیة فیسر لی شراءها
وان کان غیر ذلک فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر
لی منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر
وانت علام الغیوب و چون بخرد در جانب چپ او بایستد
و کاکل پیشانیش را با دست راست بگیرد و الحمد لله و قل هو الله
احد و معوذتین و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بنی اسرائیل و آیة الکرسی
بر سرش بخواند که انشاء الله از آفات ایمن گردد و چون کسی خواهد
زراعت کند اول یک مشت از آن تخم در دست گیرد و رو بقبله
ایستاده سه مرتبه بگوید ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون
بعد از آن سه مرتبه بگوید بل الله الزارع بعد از آن بگوید
اللهم اجعله حباً متراکماً وارزقنا فیه السلامة
بعد از آن بیفشاند و هر کس زراعت کند یا درخت بنشاند بگرد

یا هر سال بگوید سبحان الباعث الوارث هیچیک ازان خطا
نکند از حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که فرمود برادرم
عیسی بر شهری گذشت اهل ان شهر شکایت کردند که میوه های
مارا هر سال کرم میزند گفت سببش اینست که چون شما درخت نشانید
اول در بیخ درخت خاک میریزید بعد از ان آب میدهید چنین
مکنید بلکه اول آب بریزید بعد از ان خاک چنان کردند ازان علت
نجات یافتند واگر در مزرعه یا بستان بهم افتد کرم باشد
این افسون را بر چهار پاره کاغذ بنویسد ودرمیان چارنی
بگذارند ودر چهار جانب مزرعه یا بوستان جا دهند از مضرت
جانوران ایمن شود انشاء الله ایها الدواب والهوام والحیوانات
اخرجوا من هذه الارض والزرع الی الخراب کما خرج ابن متی
من بطن الحوت وان لم تخرجوا ارسل علیکم شواظ من نار
ونحاس فلا تنتصران الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم
وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا فماتوا اخرج
منها فانک رجیم فخرج منها خائفا یترقب سبحان الذی
اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی کانهم
یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها فاخرجناهم

من جنات وعيون وزروع ومقام كريم ونعمة كانوا فيها
فاكهين فما بكت عليهم السماء والارض وما كانوا منظرين
اخرج منهم مذؤما مدحورا فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم
بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون واكريم أفت تكرك
باشد این صورت نوشته در کوزه آب ندیده گذاشته در چهار
جانب مزرعه پنهان کنند بدین صورت
الملك
بسم الله الرحمن الرحيم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله
عقدت بلاء البرد وافزع عن مزرعة فلان من اربعة حدودها فسيكفيكهم الله
وهو السميع العليم انما امره اذا اراد ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده
ملكوت كل شي واليه ترجعون الم تر ان الله يزجي سحابا ثم يؤلف
بينه ثم يجعله ركاما فترى الودق يخرج من خلاله وينزل من
السماء من جبال فيها من برد فيصيب به من يشاء و
يصرفه عمن يشاء يكاد سنا برقه يذهب بالابصار
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على
المرسلين والحمد لله رب العالمين سلام على نوح في
العالمين انا كذلك نجزي المحسنين نوح نوح نوح اللهم ادفع بلاء البرد
عن هذه الموضع بحرمة محمد وآله وبحق جميع المرسلين والملائكة المقربين

وچون کسی صاحب غله و سایر ماکولات که عامة الناس در معاش
محتاجند نشاید که احتکار کند یعنی بانتظار گرانی نگاه دارند
که اگر دزدی کند بهتر است از آنکه چهل روز احتکار کند و روایت
دیگر آمده که ملعونست کسی که در وسعت و ارزانی بیش از چهل روز
و در تنگی و گرانی بیش از سه روز احتکار کند **فصل یازدهم**

در فضایل مرض و عیادت مریض و معالجات امراض اما فضایل
مرض مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون مومن مریض
شود ملائکه که موکلند بر نوشتن اعمال او هر گاه باسمان روند
خدا تعالی از ایشان سوال فرماید که ازین بندهٔ من در ایام مرض
نوشته اید گویند شکایت فرماید انصاف نباشد که من بندهٔ خود را
حبس کنم پس از شکایت متعرض نمایم هرچه از عبادات و طاعات
در ایام صحت برای او می نوشتید در ایام مرض نیز همان را بنویسید
و درین ایام هیچ سیئه برو منویسید و نالهٔ مریض تسبیح
فریادش تهلیل است و غلطیدنش در میان جا چنانست که
در راه خدا شمشیر بزند پس چون صحت یابد اگر ترک معاصی کند
و بخدا بازگشت نماید گناهانش آمرزیده شود و اگر خبردار نشود
همان منوال سابق باشد وای براو و بد حالش و نیز مرویست که

حدیث

چون مومن یکشب تب کند کفاره همه کناهانش باشد و برابر است
بایکسال عبادت و دو شب یا دو سال و سه شب یا هفتاد سال
و یکشب صداع همه خطایا را بریزد بغیر از کبایر و یکشب بیخوابی
بسبب مرضی یا وجعی اجرش عظیمتر است از یکساله عبادت و
خدا تعالی فرموده چون بندهٔ مؤمن را بمرضی یا بلائی مبتلا کنم
و بکسی شکایت نکند هر یك از کوشت و پوست و خون و مویش را
بدل نمایم به بهتر از انی که با ان کناه نکرده باشد پس اکر شفایش دهم
هیچ کناه ام برو نکذارم و اکر قبض روحش کنم بجوار رحمت خود برم و
هر مؤمن که یکشبانه روز مریض شود و شکایت نکند با ابراهیم ع
مبعوث شود و چون برق لامع از صراط بکذرد و هر کس یك شب
مرضی و المی داشته باشد و انرا شکر کند و قبول نماید یعنی شکایت
نکند شصت ساله عبادت برایش نویسند پرسیدند که حد
شکایت کدام است حضرت امام علیه السلام فرمود اینکه بکوئی بلیه
یا ازاری کشیدم که هیچکس نکشیده اما اکر بکوئی تب کردم یا
بیخوابی کشیدم و مثل این وراست کوئی شکایت نباشد
و چون طفلی مریض شود کفاره کناه والدینش باشد و مستحب است که
چون کسی را مرضی عارض شود دوستان را خبر کند تا بعیادتش کنند

واکر چنین کند ده حسنه برایش نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه

بلند کرداند و امّا فضایل و آداب عیادت مریض وسعی در حوایج

او مرویست که هر کس مؤمنی را عیادت کند داخل رحمت شود و چون

پیش او بنشیند رحمت او را فرو کیرد و چون مراجعت کند حق تعالی

هفتاد هزار ملك برو موکل کرداند که مشایعتش کنند و با او رفیق

باشند تا آن ساعت از روز دیکر و برای او دعا و استغفار نمایند

و کویند خوش باشی و خوش باد ترا بهشت و مکانی در بهشت

عطا فرماید که چهل روزه راه سواری باشد و در روایت دیکر آمده

که هفتاد هزار ملك موکل فرماید که بخانه اش ایند و تا روز قیامت

تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر کویند و نصف عبادت ایشان

برای او ثبت شود و یك ملك موکل فرماید که او را در قبر عیادت

کند و تا روز قیامت برایش استغفار نماید و مستحب است که چون

بعیادت مریض روند سیبی یا بهی و مجملا تحفه برای او ببرند تا

بآن تسلی یابد و شکفته شود و در پیش او بسیار توقف نباید کرد

که مبادا برو دشوار باشد و هر کس بعیادت مریض رود باین کلمات

برای او دعا نکند مکر آنکه البته شفا یابد اکر موتش مقدر نشده باشد

أَسْأَلُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ

وجون

وچون از پیش او برخیزد بگوید کشف الله ضرک وغفر ذنبک
وحفظک فی دینک وبدنک الی منتهی اجلک
ومریض نیز برای ایشان دعا کند که دعای مریض برای کسی که
بعیادتش رود مستجابست وهر کس یکشبانه روز بیمار داری کند
با ابراهیم خلیل علیه السلام مبعوث شود وچون برق از صراط
بگذرد وهر کس در حاجتی برای مریض سعی کند خواه بر آورده شود
وخواه نه از گناه پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده
کسی پرسید یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اگر مریض از اهل بیت
اینکس باشد ثوابش عظیم باشد فرمود بلی واما معالجات
امراض که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام دو قسمست یکی آنکه
تأثیرش از راه توکل وانقطاع بخدا والتجا او وتوسل ببرکت بمحض
وشفقت اهل بیت علیهم السلام است واثر طبیعت ومزاج را
دربو... دخلی نیست واگر در بعضی از آن اندک دخلی هم باشد
بی اخلاص ویقین تأثیرش مثل سایر ادویه باشد وهر کس را این
اخلاص ویقین والتجا بحقیقت باشد ازین قسم معالجات البته
منتفع شود چنانکه در زمان حضور خدمت ایشان علیهم السلام
جمعی که بالمشافهه یا بلا واسطه میشنیدند وعمل می نمودند اثر

از ان عظیم‌تر مرضی نبوده که منتفع میشده اند ودرین ازمنه که
بسبب وفور معاصی وشیوع مناهی وغلبه حرص وتشویش دنیا
در دلها اخلاص مشوب بشرك ویقین مغشوش بشك کشته نادر
باشد واکر مومنی از روی اخلاص ویقین دعائی کند یا بمعالجه
عمل نماید وباز اجابت وصحت مقرون یابد وصدق انچه کفته شد
از مضامین بسیاری احادیث که ذکر انها موجب اطناب
وخروج ازین باب است وازانجمله این حدیث که مذکور میشود
ظاهر ولایح است حضرت امام صادق علیه السلام فرمود روزی حضرت
عیسی علیه السلام با یکی از اصحابش در خدمتش براهی میرفتند
بدریا رسیدند حضرت عیسی از روی یقین بسم الله کفت
وبر روی آب روان شد آن مرد نیز از روی یقین بسم الله کفته
بر روی آب روان شد تا بآنحضرت ملحق شد پس بخاطرش
رسید چه تفاوت حیانی است میان من وپیغمبر خدا
بآب فرو رفت حضرت علیه السلام نکاه کرد وفرمود از انچه بخاطرت
رسیده استغفار کن استغفار کرد همان بر روی آب روان شد
قسم دویم انکه تاثیرش از راه مزاج وطبیعت است واین قسم
لا محاله بسبب اختلاف امراض وامزجه واماکن وازمنه مختلف

شود

شود و بسیاری مردم بسبب انیکه فرق میان این دو قسم نکرده اند

ادویه را در امراض مخالف امزجه نامناسب استعمال کرده اند و

موجب فساد و هلاک گشته و باین سبب ما درین مقام اکتفا

بذکر قسم اول نمائیم اما از جهته که این رساله از شرف روایت قسم دویم

محروم نباشد چند دوا از انهم بر صفحه روایت نگاریم و عهدهٔ

ملاحظهٔ موافقت و احتیاط را بر ذمهٔ کسی که معالجه کند کردانیم

قسم اول و آن دو نوع است نوع اول صدقه و ادعیه مرویست

که بیماران خود را بصدقه معالجه کنید که صدقه امراض و بلایا را دفع

کند و مستحب است که بیمار بدست خود صدقه دهد و بسایل گوید تا

او را دعای کند که دعای سایل برای معطی مستجاب است و تفضیل

فضایل صدقه انشاء الله بعد ازین بیاید و اما ادعیه و اذکار

بسیار است بذکر شطری از ان اختصار کنیم بجهت جمیع امراض

و اوجاع بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

و دست بران موضع بمالد مرویست که هیچکس از روی اخلاص چنین نکند

مگر انکه شفا یابد ایضا بر هر علت و وجع هفتاد مرتبه الحمد بخواند و

مرویست که اگر بر میت خوانند روح ببدنش رجوع کند عجب نباشد

معرضی که بالحمد شفا نیابد هیچ چیز شفا نیابد ایضا لعل انما صحیح

چهل مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
حسبنا الله ونعم الوکیل تبارک الله احسن الخالقین
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ودست بران
موضع بمالد راوی کوید مرا کوفتی عارض شد که اطبا از معالجه آن
اعتراف بعجز نموده از مداوا مایوس کشتند پس من از غایت
حزن واندوه کتابی برداشتم که مطالعه کنم در پشت ان کتاب
این را دیدم مرویست از حضرت جعفر صادق علیه السلام چون نماز
صبح کذاردم باین عمل نمودم هنوز نشسته بودم که ان علت
صحت یافت ومیترسیدم که مبادا باز عود کند سه روز صبر
کردم وباین عمل مینمودم بعد از ان بپدر خود اخبر کردم شکر
نموده طبیبی حاذق یهودی آورد وحکایت قضیه باو نقل کرده
چون ملاحظه نمود همان ساعت ایمان آورد تب وبیماری
بند پیراهن بکشاید وسر بدرون کریبان برده اذار [illegible]امت
بکوید وهفت مرتبه الحمد بخواند راوی کوید من تب داشتم چون
چنین کردم کویا از بندی رهائی یافتم طریقه دیکر اول صبح
پیش از انکه با کسی حرف زند هفت مرتبه الحمد بخواند واکر صحت نیابد
روز دیکر هفتادم مرتبه بخواند حضرت صادق علیه السلام فرمود من بعد

عمل گندم

ازین ضامن شفای اویم طریقه دیگر یکصاع گندم که بوزن بیت نیا
یکمن است اند کی بیشتر بگیرد و بر پشت بخوابد و گندم را بر روی سینه
ریزد به نحوی که ریخته شود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
اَلَّذِیْ اِذَا سَأَلَکَ بِهِ الْمُضْطَرُّ کَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ
مَکَّنْتَ لَهُ فِی الْاَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِیْفَتَکَ عَلٰی خَلْقِکَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعَافِیَنِیْ مِنْ عِلَّتِیْ
پس راست بنشیند و گندم را از اطراف جمع کند و همین دعا بخواند
پس چهار قسمت کند و همین دعا بخواند و هر قسمی را بمسکینی دهد
راوی گوید چون چنین کردم گویا از بندی نجات یافتم طریقه دیگر
مادر بیمار دو رکعت نماز گذارد و در سجود بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
وَهَبْتَهُ لِیْ وَلَمْ یَکُ شَیْئًا فَهَبْهُ لِیْ هِبَةً جَدِیْدَةً
راوی گوید من بیماری شدید داشتم حضرت صادق علیه السلام بیهوشی
[illegible] چون جزع مادر مرا دید باین طریقه تعلیمش فرمود چون
صباح شد هر سه پخته بودند من نیز با ایشان شراکت کردم
و این طریقه در روایت دیگر چنین آمده که مردم آمده بودند که
بر جنازه من حاضر باشند حضرت صادق علیه السلام بمادرم فرمود
که غسل کن و بر بام خانه در زیر آسمان دو رکعت نماز بگذار و بعد از نماز

بگوید اللّٰهُمَّ اِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئاً اللّٰهُمَّ اِنِّي اِسْتَوْ

هِبْكَهُ مُبْتَدِئاً فَاَعِرْنِيهِ طریقه دیگر مادر بیمار بربالای

بام رفته مقنعه از سر بردارد و موی سوی آسمان گشوده سجده کند

و بگوید اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَعْطَيْتَنِيهِ وَاَنْتَ وَهَبْتَنِيهِ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ

الْيَوْمَ جَدِيدَةً اِنَّكَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ هنوز سر برنداشته باشد

که فرزندش شفا یابد طریقه دیگر بیمار خود بگوید اللّٰهُمَّ ارْحَمْ جِلْدِيَ

الرَّقِيقَ وَعَظْمِيَ الدَّقِيقَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَرِيقِ يَا اُمَّ

مِلْدَمٍ اِنْ كُنْتِ آمَنْتِ بِاللّٰهِ فَلَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي

الدَّمَ وَلَا تَفُورِي مِنَ الْفَمِ وَانْتَقِلِي اِلَى مَنْ يَزْعُمُ اَنَّ مَعَ اللّٰهِ

اِلٰهاً آخَرَ فَاِنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ حضرت صادق علیه السلام فرمود

هرگز این دعا بناه نبردم مگر که شفا یافتم و مستحب است که مریض دو

ایام مرض مکرر بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ه

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعِبَادِ وَالْبِلَادِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً كَثِيراً

طَيِّباً مُبَارَكاً فِيهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيراً كِبْرِيَاءُ

رَبِّنَا وَجَلَالُهُ وَقُدْرَتُهُ بِكُلِّ مَكَانٍ اللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ اَمْرَضْتَنِي

لِقَبْضِ رُوحِي فِي مَرَضِي هٰذَا فَاجْعَلْ رُوحِي فِي أَرْوَاحِ مَنْ سَبَقَتْ
لَهُمْ مِنْكَ الْحُسْنَىٰ تب لرزه بر سه پاره کاغذ بنویسد
و هر روز یکی را با کلاب شسته بنوشد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
هطاك هطاك هطاك ههه شفاءٌ من الله العزيز الحكيم
بحق اطط اطيط هل ترضى اطط اطيط هل ترضى اطط اطيط
هل ترضى ايضا بر سه مغز بادام بنویسد و هر روز سه عدد ناشتا
بخورد روز اول بر یک طرف بسم الله و بر طرف دیگر سوما بنویسد
روز دویم الرحمن بر طرفی و اسوما بر طرف دیگر و روز سیوم
الرحیم بر جانبی و ابرسوما بر جانب دیگر ایضا بر سه پاره کاغذ
با قلم باریک چنانکه توان خواند بنویسد بسم الله ذي العزة
والکبریاء والنور و کاغذها را مدور ببچید و هر روز یکی را ناشتا
بخورد تب غب سه برگ از درختی بگیرد و بنام مریض بر یکی بنویسد
طلیوهما و بر دیگری اوحوما و بر دیگری ابراسوما و در آب بریزند
تب ربع بر دست راستش بنویسد بسم الله جبرئیل و بر دست چپ
بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل و بر پای چپ
بسم الله لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا و بر میان هر
دو کتف بسم الله العزیز الجبار طریقه دیگر بر کاغذی بنویسد

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ابجد هوز حطی عن فلان بن فلانه
باذن الله و بر پای ان کاغذ هفت مرتبه بنویسد خاتم سلیمان و ه
کاغذ را برهم بپیچد بعد از ان ریسمانی که آب و آب دهن هیچیک ندیده
باشد کودکی بران زند پس بر جانب راستش چهار کره و بر جانب چپ
سه کره زند و در وقت کره زدن ریسمان از ابش دهن بر دو بر هر کره
الحمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و بر بازوی
راست بندد و آیة الکرسی بخواند و با آن جماع نکند وجع
در هر عضوی که باشد بگوید بسم الله و دست بران عضو مالد و
بعد از ان هفت مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة
اللهِ وَ اَعُوذُ بجلالِ اللهِ و اعُوذُ بعظمةِ اللهِ وَ اَعُوذُ
بجمع اللهِ وَ اَعُوذُ برسولِ اللهِ وَ اَعُوذُ باسماءِ اللهِ مِنْ
شرِّ ما اَحذرُ و مِن شرِّ ما اَخافُ علی نفسی درد سر و
گوش دست بران گذارد و هفت مرتبه بگوید اَعُوذُ باللهِ الّذی
سَکَنَ لَهُ ما فی السموٰتِ و ما فی الارضِ وَ هُوَ السمیعُ العلیم
درد شقیقه دست بران جانب گذاشته سه مرتبه بگوید
یا ظاهرا موجودا و یا باطنا غیر مفقودٍ اُرْدُدْ علی عبدِکَ
الضعیفِ ایادیکَ الجمیلة وَ اَذهِبْ عنه ما به مِن اذی

إِنَّكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ درد چشم باعتقاد شفا آية الكرسي بخواند
شفا يابد ايضا آية نور يا الله وان يكاد در اب تربت حضرت امام
حسين عليه السلام واب زمزم بر جامي نويسد وجام را بشويند ودر شيشه
كنند وبا ميل در چشم كشند ايضا از بعضي صلحا منقولست كه در خواب
كسي با او گفت كه بگوي أُعِيذُ نُورَ بَصَرِي بِنُورِ اللهِ الَّذِي لا
يُطفى ودست بر چشم بمالد وآية الكرسي بخواند چنين كرد شفا
يافت ومكرر تجربه نيز كرده اند سنگيني گوش دست بر گوش گذارد
وبگويد لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر درد دندان
انگشت سبابه برو گذارد وبگويد بسم اللهِ وبالله أَسْأَلُكَ
بِعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ وَقُدْرَتِكَ على كل شَيْءٍ إِنَّ مَرْيَمَ لَمْ
تَلِدْ غَيْرَ عِيسَى رُوحِكَ وكلمتك أَنْ تَكْشِفَ مَا يَلْقَى
فلان بن فلانة من الضر كله خون از بيني وازهر عضوي كه آيد
بگويد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ
تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللهِ وَلِيُخْزِيَ
الْفَاسِقِينَ وبران موضع بدمد درد دهن دست بران گذارد
وبگويد بسم الله الرحمن الرحيم بسم اللهِ الَّذِي لا يَضُرُّ مَعَ
اسْمِهِ دَاءٌ اعوذ بكلمات اللهِ الَّتِي لا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ

درد چشم
سنگینی گوش
درد دندان
خون از بینی و از هر عضو که آید
درد دهن

قدوس قدوس قدوس اسألك يا رب باسمك الطاهر
المقدس المبارك الذي من سألك به اعطيته ومن
دعاك به اجبته اسألك يا الله يا الله يا الله ان تصلي
علي محمد النبي واهل بيته وان تعافيني مما احد
في فمي وفي راسي وفي سمعي وفي بصري وفي بطني وفي
ظهري وفي يدي وفي رجلي وفي جوارحي كلها از
سياق اين دعا چنين مفهوم ميشود كه براي درد هر عضو توان
خواند **درد دل و سينه** اين ايات را بر آب بخواند و بياشامد
لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين سيهزم الجمع
ويولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهى و
امر ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن
زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما
غفورا **درد شكم** قدري آب كرم بياشامد بعد از ان بكويد
يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم يا رب الارباب
يا اله الالهة يا ملك الملوك يا سيد السادات اشفني
بشفائك من كل داء وسقم فاني عبدك وابن عبدك
اتقلب في قبضتك **درد تهيگاه** دست بران بماله

درد سينه و دل

درد شكم

درد تهيگاه

وسه مرتبه بکوید اعوذ بعزة الله وقدرته علی ما اجد من شر
ما اجد ایضا دست بمالد وسه مرتبه بکوید بسم الله وبالله
محمد رسول الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم امح عنی ما اجد فی خاصرتی درد پشت دست
بران کذارد و بکوید ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله
کتابا موجلا ومن یرد ثواب الدنیا نؤته منها وسنجزی
الشاکرین وهفت مرتبه انا انزلناه بخواند درد ناف
دست بران کذارد وسه مرتبه بکوید وانه لکتاب عزیز لا یاتیه
الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم
حمید درد ران در آب کرم بنشیند ودست بر موضع درد
کذاشته بکوید اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقنهما وجعلنا من الماء کل شیء حی
افلا یؤمنون درد فرج دست چپ بران کذارد سه مرتبه
بکوید بسم الله وبالله بلی من اسلم وجهه لله وهو
محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم
یحزنون اللهم انی اسلمت وجهی الیک وفوضت امری
الیک لا ملجا ولا منجا الا الیک درد مثانه وقت

خوابیدن سه مرتبه وچون بیدار شود یکمرتبه بگوید اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ

مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ

وَلِیٍّ وَّلَا نَصِیْرٍ نفخ شکم بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ اتَّخَذَ اِبْرٰهِیْمَ

خَلِیْلًا وَّكَلَّمَ مُوْسٰى تَكْلِیْمًا وَبَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِیًّا بعد از آن

سه مرتبه بگوید یَا رِیْحُ اُخْرُجِیْ بِاِذْنِ اللّٰهِ زحیر بعد از نماز

شب بگوید اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ مِنْ خَیْرٍ فَمِنْكَ لَا حَمْدَ لِیْ فِیْهِ

وَمَا كَانَ مِنْ سُوْءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِیْهِ لَا عُذْرَ لِیْ فِیْهِ اَللّٰهُمَّ

اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَتَّكِلَ عَلٰى مَا لَا حَمْدَ لِیْ فِیْهِ وَاٰمَنَ مَا لَا

عُذْرَ لِیْ فِیْهِ بواسیر بگوید یَا جَوَادُ یَا مَاجِدُ یَا رَحِیْمُ

یَا قَرِیْبُ یَا مُجِیْبُ یَا بَارِئُ یَا رَاحِمُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ

وَارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَكَ وَاكْفِنِیْ اَمْرَ وَجَعِیْ طریقه دیگر سوره یس

با عسل نوشته وشسته بیاشامد سنگ مثانه وفالج

در سجود نماز شب بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ دُعَآءَ الذَّلِیْلِ

الْفَقِیْرِ الْعَلِیْلِ اَدْعُوْكَ دُعَآءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهٗ

وَقَلَّتْ حِیْلَتُهٗ وَضَعُفَ عَمَلُهٗ وَاَلَحَّ عَلَیْهِ الْبَلَآءُ فالج

وقولنج وبادهای مفاصل الحمد وقل هو الله احد ومعوذتین

بران بخوانند بر استخوان شانه یا بر لوحی بنویسد اَعُوْذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ

نفخ شکم

زحیر

بواسیر

سنگ مثانه

فالج و لقوه و قولنج
و دردهای مفاصل

العظیم بعزته التی لا ترام وقدرته التی لا یمتنع منهما شئ من
شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احد منه وباآب
باران بشوید وناشتا بیاشامد و بخواند سپرز سه مرتبه سوره
اذا جاء نصر الله و سه مرتبه این آیة ان الذین قالوا ربنا الله ثم
استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا
بالجنة التی کنتم توعدون بر کف دستها صاحب سپرز
بخواند و هر دو دست را هفت مرتبه بر سپرز مالد طریقه دیگر
روز چهارشنبه آخر ماه پیش از طلوع آفتاب بنویسد و بر بازوی چپ
بندد و بعد از نه روز بگشاید و در آب روان اندازد و اگر به نشود
چهارشنبه دیگر چنین کند ان شاء الله شفا یابد الم الم المص الر
الر المر الر الر حم حم حمعسق حم حم حم حم کهیعص طه طسم طس طسم
الم الم الم الم یس ص ق ن ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا وضع الکتاب

ه ماح	یاوده ویلا	مح م ر	فتری المجرمین
	ماوده ویلا	مح	مشفقین مما فیه
ساماوطال	مم رو	ح مدد	الها الطحال ارجالی
سلطاوطال	روم	الطالح	الموضع برحمة محمد وال محمد

صلی الله علیهم پنج شکر سه مرتبه بر آب بخواند یرید الله بکم

الیسر ولا یرید بکم العسر اولم یر الذین کفروا ان السموات

والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء

حی افلا یومنون آب را بیاشامد و دست بر شکم بمالد طریقه

دیگر هفت مرتبه بر آب بخواند بسم الله للمتعلمون الذین

لا یعلمون قاعدون فوق علیین یاکلون نورا طریا

یشکون صاحبهم من النور العلوی کذلک یشفی فلان بن

فلانه بعد از ان روغنی بر ان آب بریزند و چون ممزوج شود بر شکم

بمالد و بیاشامد حبس البول هر دو بار ابشوید و بر ساق چپ

ببندید ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر بالمن کان کفر

در سوزش بول بگوید ربنا الله الذی فی السماء تقدس

اللهم اسمک فی السماء اللهم والارض اللهم

کما رحمتک فی السماء رحمتک فی الارض اغفر لنا

حوبنا وخطایانا انت رب الطیبین انزل رحمة

من رحمتک وشفاء من شفائک علی هذا الوجع فلیبرء

درد زانو بعد از نماز بگوید یا اجود من اعطی ویا خیر من

سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی

حبس البول

در سوزش بول

درد زانو

درد ساق

من وجعی درد ساقین هفت مرتبه بران بخواند اتل ما اوحی الیک
من کتاب ربک لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا

درد سر پا

درد سر پا بران بخواند انا فتحنا تا عزیزا حکیما

درد پی و کف پا

درد پی و کف پا دست بران کذارد چنانکه احساس الم کند و بکوید
بسم الله وبالله وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا
قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه

ورم در هر جا که باشد

سبحانه وتعالی عما یشرکون ورم در هر جای بدن که باشد
چون برای نماز فریضه وضو کند پیش از نماز و بعد از نماز بران بخواند
لو انزلنا هذا القران تا آخر سوره حشر عرق النسا دست بران کذارد
و بکوید بسم الله وبالله اعوذ بسم الله الکبیر واعوذ
باسم الله العظیم من شر عرق نعار ومن شر حر النار
سل سه مرتبه بکوید یا الله یا رب الارباب ویا سید السادات
ویا اله الالهة ویا ملک الملوک ویا جبار السموات والارض
اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک انقلب فی قبضتک
وناصیتی بیدک خنازیر بعد از هر فریضه در سجده بکوید
یا رئوف یا رحیم یا ربی یا سیدی صل علی محمد وآل
محمد وعافنی من علتی برص دو رکعت نماز کذارد بعد از ان بکوید

يا الله يا رحمن يا رحيم يا سامع الاصوات يا معطي الخيرات
اعطني خير الدنيا والاخرة وقني شر الدنيا والاخرة
واذهب عني ما اجد فقد غاظني واحزنني طريقه
ديكر سوره يس با عسل بر جامي نوشته وشسته بياشامد دمل
وجراحت چون بجامه خواب رود بكويد اعوذ بوجه العظيم
وكلمات التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر
كل ذي شر چو شش انكشت سبابه را بران بكذارد و بر
دوران بكرداند و هفت مرتبه بكويد لا اله الا الله الحليم
الكريم ودر مرتبه اخر انكشت بيفشرد بوك يكپاره نمك
برداشته بران بمالد وسه مرتبه بران بخواند ولو انزلنا هذا القران
تا اخر ونمك را در تنوري اندازد و بسرعت بركردد وطريقه
ديكر چون ماه در تحت الشعاع باشد هفت دانه جو بردارد بر هريكي
هفت مرتبه بخواند اذا وقعت الواقعة تا هباء منبثا واين
اية ويسئلونك عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا
فيذرها قاعا صفصفا لا ترى فيها عوجا ولا امتا
بعد از ان يك يك از ان جوها بران داها بمالد پس در پارچه نو
بسته بر سنك بندد و در چاه اندازند نداز وراوي كويد چنين كردم

در روز هفتم یا هشتم مثل کف دست شده بود صرع الحمد
و معوذتین بر قدحی آب بخوانند و بر سر و روی مصروع بپاشند طریقه
دیگر بر مصروع بخوانند عَزَمْتُ عَلَیْکَ یا رِیحُ بِالْعَزِیمَةِ الَّتِی
عَزَمَ بِهَا عَلِیُّ ابْنُ اَبِی طَالِبٍ وَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ
آلِهِ عَلی جِنِّ وَادِی الصَّفْرَاءِ فَاَجَابُوا وَ اَطَاعُوا لَمَّا اَجَبْتِ
وَ اَطَعْتِ وَ خَرَجْتِ عَنْ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ عرق مدنی که بفارسی
رشته گویند پشم شتر را بی آنکه مقراض کنند یا ببرند بلکه از بدنش
بکنند و ریسمانی تابیده و هفت گره بر آن زنند و بر هر گره سه مرتبه
بخوانند بعد از آن سه مرتبه این دعا را بر آنکس بخوانند بِسْمِ اللهِ
الْاَبَدِ الْمُحْصِی لِعَدَدِ الْقَرِیبِ لِمَا بَعُدَ الطَّاهِرِ عَنِ الْوَلَدِ
الْعَالِی عَنْ اَنْ یُولَدَ الْمُنْجِزِ لِمَا وَعَدَ الْعَزِیزِ بِلَا عَدَدٍ الْقَوِیِّ
بِلَا مَدَدٍ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ یَا خَالِقَ
الْخَلِیقَةِ یَا عَالِمَ السِّرِّ وَ الْخَفِیَّةِ یَا مَنِ السَّمٰوٰتُ بِقُدْرَتِهِ
مُرْخَاةٌ یَا مَنِ الْاَرْضُ بِعِزَّتِهِ مَدْحُوَّةٌ یَا مَنِ الْجِبَالُ بِاِرَادَتِهِ
مُرْسَاةٌ یَا مَنْ نَجَّی بِهِ صَاحِبَ الْعِرْقِ مِنْ کُلِّ آفَةٍ وَ بَلِیَّةٍ
صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خَیْرِ خَلْقِکَ وَ اشْفِ اللّهم فلان
بن فلان بِشِفَائِکَ وَ دَاوِهِ بِدَوَائِکَ وَ عَافِهِ مِنْ بَلَائِکَ

إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وطريقه دیکر چون شروع بخاریدن کند
هنوز بیرون نیامده باشد بران بنویسد وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ
الْجِبَالِ تا وَلَا أَمْتًا چنانکه قبل ازین کذشت وصبیرانرا که
غلبه بول در خواب بر جام نوی با زعفران بنویسد بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ واین آیه را مکرر بنویسد الفقد رکه جام پر شود
إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ
زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا
غَفُورًا پس با آب سرد بشوید ونکاه دارد بعد ازان بر پارچه
پوستی با مداد بنویسد همین آیه را والحمد وسه مرتبه قل هو الله
احد ومعوذتین وآیة الکرسی ولو انزلنا هذا القرآن تا آخر
سوره وقل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بعد ازان
بنویسد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ تا آخر آیه
پس بنویسد يَا مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ أَمْسِكْ
عن فلان بن فلانة مَا يَجِدُ مِنْ غَلَبَةِ الْبَوْلِ پس اکر مرد باشد
این تعویذ را در پشت طهار بر ذکرش بندد واکر زن باشد
بر زانواش پس قدری زعفران ودو بر ایران سعد هر یک جدا

بکوبد و سعد را از حریر صاف کند و هر دو را با هم با عسل بی موم

معجون ساخته گلولها بسازد و در وقت خوابیدن یک گلوله

از ان معجون و قدری از ان آب بنوشد و درین ایام اب کمتر بخورد

و چون علت زایل شود تعویذ را بکشاید که حبس البول نشود

آبله این شکل بنویسد و بر بازوش بندد اگر بیرون نیامده باشد

نیاید و اگر آمده باشد زیاده از ان بر نیاید

سے سے	وما لم عد
السر السار	ناوس
اروس	اهر

سایر امراض در زیر آسمان که سقف نداشته باشد دستها برداشته

بگوید اَللّٰهُمَّ عَیَّرْتَ اَقْوَاماً فِی کِتَابِکَ فَقُلْتَ قُلِ ادْعُوا

الَّذِیْنَ اِنَّکَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُوْنِهٖ فَلَا یَمْلِکُوْنَ کَشْفَ الضُّرِّ

عَنْکُمْ وَ لَا تَحْوِیْلًا فَیَا مَنْ لَا یَمْلِکُ کَشْفَ ضُرِّیْ وَ لَا تَحْوِیْلَهٗ

عَنِّیْ اَحَدٌ غَیْرُهٗ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اکْشِفْ ضُرِّیْ

وَ حَوِّلْهُ اِلٰی مَنْ یَدْعُوْ مَعَکَ اِلٰهًا اٰخَرَ فَاِنِّیْ اَشْهَدُ اَنْ

لَا اِلٰهَ غَیْرُکَ کزیدن جانوران هفت مرتبه الحمد بخواند و حضرت

پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم را در نماز عقرب گزید چون از نماز

فارغ شد عقرب را لعن کرد و فرمود در نماز و غیر نماز کسی نمیکذارد

پس نمک بران مالید و قل یا ایها الکافرون و معوذتین بران خواند

سوختن تکبیر گویان خموش کند و بر ان عضو بگوید اَذْهِبِ الْبَاْسَ

رَبَّ الْبَأْسِ اِشْفِ اَنْتَ الشَّافِي لَا شَافِيَ اِلَّا اَنْتَ نسیان

بخواندن این دعا مداومت نماید و روایت دیگر آمده که با عسل سفید

پاک بر قدحی پاک بنویسد و با آب باران پیش از آنکه بر زمین رسد

بشوید و سه روز ناشتا بیاشامد خدا تعالی حفظ قرآن و علم عطا فرماید

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ وَلَمْ یَسْاَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ

مُحَمَّدٍ نَبِیِّكَ وَرَسُوْلِكَ وَاِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلِكَ وَصَفِیِّكَ وَ

مُوْسٰی كَلِیْمِكَ وَنَجِیِّكَ وَعِیْسٰی كَلِمَتِكَ وَرُوْحِكَ

وَاَسْئَلُكَ بِصُحُفِ اِبْرَاهِیْمَ وَتَوْرٰیةِ مُوْسٰی وَزَبُوْرِ دَاوُدَ

وَاِنْجِیْلِ عِیْسٰی وَقُرْاٰنِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَبِكُلِّ وَحْیٍ

اَوْحَیْتَهُ وَقَضَاءٍ اَمْضَیْتَهُ وَحَقٍّ قَضَیْتَهُ وَغَنِیٍّ

اَغْنَیْتَهُ وَضَالٍّ هَدَیْتَهُ وَسَائِلٍ اَعْطَیْتَهُ وَاَسْئَلُكَ

بِاسْمِكَ الَّذِیْ وَضَعْتَهُ عَلَی اللَّیْلِ فَاَظْلَمَ وَبِاسْمِكَ الَّذِیْ

وَضَعْتَهُ عَلَی النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَبِاسْمِكَ الَّذِیْ وَضَعْتَهُ

عَلَی الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَدَعَمْتَ بِهِ السَّمٰوَاتِ فَاسْتَقَلَّتْ

وَوَضَعْتَهُ عَلَی الْجِبَالِ فَرَسَتْ وَبِاسْمِكَ الَّذِیْ بَثَثْتَ

بِهِ الْاَرْزَاقَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ تُحْیِیْ بِهِ الْمَوْتٰی

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ الَّذِیْ اسْتَجَبْتَ

لهم وانبياؤك فغفرت لهم ورحمتهم واسألك بكل اسم
انزلته في كتبك وباسمك الذي استقر به عرشك
وباسمك الواحد الاحد الفرد الوتر المتعال الذي
يملأ الاركان كلها الطاهر الطهر المبارك
المقدس الحي القيوم نور السموات والارض الرحمن الرحيم
الكبير المتعال وكتابك المنزل بالحق وكلماتك
التامات ونورك التام وبعظمتك واركانك و
اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة
من كتابك ان تصلي على محمد وال محمد وان ترزقني
حفظ القران واصناف العلم وان تثبتها في قلبي و
سمعي وبصري وان تخالط بها لحمي ودمي وعظامي ومخي
وتستعمل بها ليلي ونهاري برحمتك وقدرتك فانه
لا حول ولا قوة الا بك يا حي يا قيوم طريقه ديگر جهت
قوة حافظه وزوال نسيان در نماز صبح بخواند ربنا لا تواخذنا
تا اخر سورة البقره مواظبت نمايد بعد از ان بگويد اللهم لا
تنسني ما اقرأني يومي هذا فانك قلت سنقرئك
فلا تنسى طريقه ديگر بعد از هر نماز بگويد سبحان من لا

يعتدي على اهل مملكته سبحان من لا يأخذ اهل الارض
بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحيم اللهم اجعل لي
في قلبي نورا وبصرا وفهما وعلما انك على كل شيء
قدير طريقه ديكر هر روز بعد نماز صبح پيش از انكه حرف زند
بكويد يا حي يا قيوم فلا يفوت شيئا علمه ولا يؤده
نوع دوم از قسم اول ادويه كه عمده تاثير شان نه از جهت
مزاج وطبيعت است اكرچه در بعضي از ان اثر مزاج نيز مدخليتي داشته
باشد واز الجمله چند دوا ذكر نمائيم اول تربت مقدس ع دواي اكبر است
وبر هيچ مرضي نكذرد مكر انكه انرا دفع كند ودواي هر علت وحرز
از هر خوف است كسي از حضرت امام جعفر عليه السلام پرسيد كه بعضي
مردم ازين تربت منتفع ميشوند وبعضي نميشوند فرمود والله كه
هيچكس باعتقاد انيكه خدا تعالى باين تربت اورا شفا ميدهد
تناول نكند مكر انكه البته شفا يابد ديكري بخدمت انحضرت صلوات الله
عليه معروض داشت كه از شما شنيده ام كه تربت مبارك بر هيچ علتي
نكذرد مكر انكه انرا هضم و تحليل نمايد فرمود بلي چنين است كفت
تناول كرديم منتفع نكشتم فرمود اين تربت دعائي دارد كه انرا اكر
نخوانند تواند بود كه اثر نكند چون خواهي تربت مقدس را برداري بكوي

حضرت ابا عبد الله حسين بن علي ... تربت مقدس ع
[illegible]

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِی قَبَضَهَا وَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذِی خَزَنَهَا وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی
حَلَّ فِیهَا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَهُ
شِفَآءً مِنْ كُلِّ دَآءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا
مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ پس در پارچه بندد وانا انزلناه بران بخوان وچون
خواهی تناول نمائی اول بوسه کن وبر هردو چشم بگذار وبیش از
قدر نخود تناول نکنی که هر کس بیش از یک نخود بخورد چنانست
که از گوشت وخون ما خورده باشد ودر روایت دیگر چنین آمده که کو
کسی که دانه‌ای دوا بخورد چنانست که از گوشت وخون ما بخورد
وایضه دیگری روایت کند که من بحضرت امام محمد باقر علیه السلام
شکایت کردم از دو علت که هر یک ضد دیگری بود که هر کدام
ازین دو علت را که معالجه میکردم بدیگری ضرر میرسید
فرمود چرا تربت امام حسین علیه السلام نمیخوری گفتم بسیار
خوردم ونفع نیافتم چون این سخن گفتم اثر غضب بران حضرت
مشاهده کردم گفتم اَعُوذُ بِاللهِ مِنْ غَضَبِكَ یابن رسول الله پس
آنحضرت برخواست بخانه رفت وبقدر نخودی از تربت مقدس
آورد بمن داد وفرمود بخور چون خوردم همانساعت شفا یافتم

فرمود این همانست که گفتی بسیار خوردم و شفا یافتم پس من گفتم یا مولای
بخدا قسم که دروغ نگفتم لیکن مگر شما را در آن علمی هست اکر یمن احسان
فرمائی دوست تر دارم از هر چه آفتاب بر آن تابد فرمود چون خواهی
تربت مقدس را برداری باید که در آخر شب غسل کنی و جامهء پاک
پوشیده بوی خوش بکار بری پس بمشهد مبارک آنحضرت روی
و در بالای سر مبارک چهار رکعت نماز گذاری در رکعت اول بعد الحمد
یازده بار قل یا ایها الکافرون و در دویم یکبار انا انزلناه
و این قنوت بخوان لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ حَقًّا حَقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
عُبُودِیَّةً وَرِقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ
وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ
السَّمٰوٰاتِ السَّبْعِ وَالْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ
رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیمًا
وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ.
پس دو رکعت را تمام کن و سلام بده و دو رکعت دیگر بگذار در اول
بعد الحمد یازده مرتبه قل هو الله احد و در دویم یازده مرتبه اذا جاء
نصر الله و همان قنوت را بخوان و چون سلام دهی سجده کن
و هزار مرتبه بگوی شکراً لله پس سر بردار و دستها را بر تربت

مقدس كذاشته بكوي يا مولاي يا بن رسول الله اني اخذ من
تربتك باذنك اللهم اجعلها شفاء من كل داء
وعزا من كل ذل وامانا من كل خوف وغنى من كل فقر
لي ولجميع اخواني المؤمنين پس سه مرتبه بسه انكشت از آن هر مرتبه ٣
تربت بردارد ودر خرقه پاك ببندد يا در شيشه كن وسر آنرا
با خاتمي كه نكينش عقيق باشد واين كلمات بران نقش باشد ما شاء
الله لا قوة الا بالله استغفر الله مهر كن وچون خدا تعالى
بداند كه نيت تو صادق است مجموع آن تربت كه برداشته هفت
مثقال باشد نه زياده ونه كم وچون چنين برداري شفاء جمله
امراض باشد ودر روايت ديكر شده كه اكر اين كلمات را با تربت
بر كاسه چيني نويسد با كلاب يا غير آن شسته بياشامد باذن الله
شفا يابد اكرچه شروط مذكوره بعمل نيامده باشد بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي
بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض
ولا في السماء وهو السميع العليم وننزل من القرآن ما
هو شفاء ورحمة للمؤمنين ودر وقت خوردن تربت بكويد
بسم الله وبالله اللهم رب هذه التربة المباركة الطاهرة

وَرَبِّ النُّورِ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ وَرَبِّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ
وَرَبِّ الْمَلٰئِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ بِهِ اِجْعَلْهُ لِي شِفَاءً مِنْ
دَاءِ كَذَا و آن علت را نام ببرد پس جرعهٔ آب بر سر آن بیاشامد
و بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً
مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ که خدا تعالی ببرکت آن تربت هر علت و الم و غم و
همی را دفع نماید و روایت دیگر آمده که این دعا را سه مرتبه بخوانند
و بر تربت بدمند زود تر اثر کند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ آفَةٍ اِنَّكَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ دوير همین تربت مقدس و قدری زعفران
و قدری عسل با آب یا آب باران معجون سازند در امراض مداوا
نمایند سیوم هفت حب ازین تربت مقدسه که هر حب
بقدر عدسی باشند و هفت دانه سیاه دانه و هفت قطرهٔ عسل همه را
در آب یا در روغنی کنند و الحمد و معوذتین و قل هو الله احد و
آیة الکرسی و اول سوره [illegible] تا ترجع الامور و لو انزلنا هذا
القرآن تا آخر سوره بر آن بخوانند و استعمال نمایند چهارم
آب نیسان مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که فرمود شما را دوائی بیاموزم که با وجود آن احتیاج باطبا نشود پس حضرت

امیرالمومنین صلوات الله علیه وجمعی دیگر از صحابه پرسیدند که
ان کدام است فرمود آب باران نیسان بگیرید وبران بخوانید
الحمد وایة الکرسی وقل هوالله هریک از معوذتین وقل یا ایها
الکافرون هریک را هفتاد مرتبه وبروایت دیگر انا انزلناه
والله اکبر ولا اله الا الله وصلوة بر حضرت پیغمبر وآل نبی صلی الله
علیهم نیز هریک هفتاد مرتبه وهفت روز پی در پی صبح وشام
ازان آب بیاشامد که بآن خدائی که مرا بحق بنبوت فرستاده
که جبرئیل گفت از جناب الهی که هر علت ومرض که در جمیع رگها
واستخوانهای او باشد بیرون رود وشفا یابد واگر در لوح محفوظ
بنام او علتی ثبت باشد محو شود واگر فرزندش نشود بشود اگرچه
عقیم باشد واگر عنین باشد عافیت یابد واگر زن بقصد پسر بخورد
پسر آرد ودوای جمیع امراض است در هر عضوی که باشد حتی کوری
ولالی وشلی ودیوانگی وامانست از همه مکاره واز نزول آب
سیاه بچشم واز وساوس جن وشیاطین ودلش پر نور وروشن
گردد والهام الهی در دلش راه یابد وحکمت از دل بر زبانش جاری
شود وهزار رحمت وهزار مغفرت بر وفرستد وغش وحسد
وخیانت وغیبت وکبر وبخل وحرص وغضب وعداوت وظلم

از دلش برود بیخم آب باران هر باران که باشد پیش از آنکه بر زمین
رسد بگیرند و الحمد و توحید و معوذتین هر یک را هفتاد مرتبه
بران بخوانند یک قدح صبح و یکی شام بیاشامد حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود بخدای که مرا بنبوت اختصاص فرموده که برای همه
علت و الم که بیاشامند اثر آن از بدن و استخوان و عروق بیرون
برد و فضایل آب میزاب و مذمت آب تلخ و کرم قبل این گذشت
قسم دویم ادویه که تاثیرشان از جهت مزاج و طبیعت است
و بحسب اختلاف امزجه و بلاد و فصول لامحاله مختلف شود پس
در استعمال آنها ملاحظه مناسبت باید نمود تا موجب فساد
و مضرت نشود و از انجمله چند دوا ذکر کنیم اول ... سنامکی
که اگر چیزی دفع مرض تواند کرد سنا باشد و اگر مردم بدانند که چه قدر
منفعت در وهست یکمثقال از ابد و مثقال طلا بخرند امان است
از بهق و برص و جذام و جنون و فالج و لقوه سنا و موی زسرخ
بی دانه و هلیله زرد و سیاه و کابلی اجزا مساوی معجون ساخته
مقدار سه درم ناشتا و سه درم در وقت خواب تناول کنند
دویم بذر قطونا اگر صاحب تب مقدار دو درم در شب اول
تناول کند در آن کوفت از مرض سرسام ایمن باشد سیوم سیاه دانه

مرویست که دوای هر علت است مگر مرگ راوی پرسید که چون عمل
کنم فرمود سه شب مبیت و یکدانه در پارچه بسته در آب بخیسان و
روز اول در هر سوراخ دماغ یکقطره بچکان و روز دویم در جانب
راست دو قطره و در چپ یکقطره و روز سیوم در راست یکقطره
و در چپ دو قطره چهارم اطریفل مرویست از حضرت صادق علیه السلم
که موسی بن عمران علیه السلم از رطوبت و بلغم بخدا تعالی شکایت کرده
فرمود هلیله و بلیله و آمله اجزای مساوی کرفته با روغن کاو
چرب کن و با عسل معجون ساز و استعمال نمای پس حضرت صادق
صلوات الله علیه فرمود این همان معجونست که شما اطریفل صغیر
میگوئید شفای هر علت است مگر موت پنجم کسی از ریح
شکایت کرد حضرت امام جعفر علیه السلم فرمود قلادی قند صلایه
کرده در آب ریز و برهم زن تا خوب شربت شود و صبح و شام
بیاشام ششم عسل مرویست که عسل دوای هر کوفت است و
اگر کسی هر ماه یکمرتبه عسل بخورد از همه امراض ایمن شود هفتم
کسی که عطسه بسیار کند روغن مرزنجوش در دماغ بچکاند تخفیف
یابد و مرویست که عطسه و زکام را معالجه مکنید که امانست
از جذام و از بادی که در سر و رو بهم رسد و نزول آب و موی زاید

درچشم وسدّه دماغ ونیز مرویست که هرکس را رکی از جذام در سر
و رکی از برص در بدن باشد چون رك جذام هیجان آید خدا تعالی
زکام را برو مسلط کرداند تا ماده جذام دفع شود و چون رك
برص هیجان کند دمّل را برو کمارد تا ماده برص را دفع کند پس
چون زکام یا دمّل بهم رسد خدا را حمد کنید هشتم صبر
سقوطری و مرّ و کافور رماحی مساوی کوفته و از حریر بیخته مثل
سرمه در چشم کشند رمد و درد چشم و ضعف باصره را نافع
باشد و در روایت دیکر همین صبر و مرّ مذکور است بی کافور
و فرموده اکر ماهی یکمرتبه در چشم کشند همه امراض [illegible] دفع
نماید نهم مرویست از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه که زعفران و سُعد هر یك قدری با عسل معجون ساخته
هر روز دو مثقال تناول کند از شدت حافظه بیم آن شود
که ساحر شود دهم حجامت و فصد مرویست که چون آثار
زیادی خون ظاهر شود خون از بدن بیرون کنید که کاه باشد
که غافل طغیان کند و مودی بهلاك شود و نیز مرویست که
کم مرهم هیچ چیز مداوا نکنند بهتر از یك حجامت خون یا یك
انکشت عسل و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت سر

دوای هر مرض است مگر موت پس از ابروی خود وجب کرد و بانجا
که الهام رسید فرمود این موضع را حجامت کنید و چون حجامت
کنند باید چیزی خورده باشند که خون در موضع حجامت جمع شود
و کوفت و الم از بدن بیرون رود و اگر چیزی نخورده حجامت کند
خون برود و کوفت بماند و بعد از حجامت قند بخورد که خون تازه
ازان متولد شود و حجامت روز شنبه و یکشنبه و شب یکشنبه
و عصر روز دوشنبه نافع تر باشد و مرویست که در روز یکشنبه
شفای هر علت است و پنجشنبه پیش از زوال حجامت کنند
که خون در موضع حجامت جمع شود و چون زوال شود متفرق گردد
و پنجشنبه آخر ماه کوفت را از بیخ براندازد و مرویست که روز
سه شنبه اگر حجامت کنند خون نایستد تا آنکه بمیرد یا آنچه خدا
خواهد شود و روز چهارشنبه حجامت مورث برص باشد
و روایت دیگر آمده که این برای کسیست که مادرش در ایام حیض برو
حامله شده باشد و روز جمعه وقت زوال اگر حجامت کند
و بعلتی مبتلا شود غیر خود کسی را ملامت نکند و مرویست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که از اول ماه تا نصف
ماه از حجامت احتراز کنید که هر روز مورث علتی و مرضی باشد

و از روز شانزدهم تا اخر ماه حجامت کنند که هر روز شفائی و منفعتی

باشد مگر شنبه و چهارشنبه که مورث برص است و روایت

دیگر آمده که اگر حجامت در روز چهارشنبه هفدهم یا نوزدهم

یا بیست و یکم ماه اتفاق افتد دوای امراض باشد تا یکسال و نیز

مرویست که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یکمرتبه حجامتش کنند

که برای صحتش بهتر است و فصد نیز در اکثر احکام مثل حجامت است

و چون حجامت کنند و خون بیرون آید هنوز فارغ نشده بگوید

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی

هذه من العین فی الدم و من کل سوء این بود از ادویه

طبیعیه که در احادیث مذکور است و بسیار از اغذیه دوائیه نیز

در فصل فضایل ماکولات گذشت و از حضرت امام جعفر علیه السلام

مرویست که فرمود که هیچ دوائی نیست که تهییج مرضی نکند و هیچ دوائی

در بدن انفع ازین نیست که دست از خوردن باز داری مگر بقدر

ضرورت و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که تا بدن تاب

مرض می آرد استعمال دوا مکنید فصل دوازدهم

در سایر جزئیات عادات که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

ابتداء کارها بسم الله بگوئید تا از شرکت شیطان ایمن شوید

و چون روز قیامت نامه قبایح و فضایح اعمال بنده را بدست او دهند
بحسب عادتی که در دنیا داشته باشد بسم الله الرحمن الرحیم
گوید و نامه را گرفته بگشاید همه را اسفید بیند و هیچ نوشته در ان
نیابد از ان حالت سوال کند ملایکه گویند این نامه مملو بود از
سیئات و معاصی تو اما ببرکت این کلمه مبارکه همه عفو و محو گشت
و نیز مرویست که چون روز قیامت بنده را امر بدوزخ کنند بسم الله
گوید و قدم در ان نهد آتش هفتاد ساله راه از و دور شود و در
کارهای عظیم و غریزا بتدا الصدقه و دعا و استعاذه کند که اگر
ضرری در ان باشد نفع کرددو شروع در کارها اول روز بهتر است
که احادیث متعدده وارد شده که اول روز مبارکست و مرویست
از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه که در هر ماه دو روز نحس است
که اگر کاری در ان روز شروع شود با تمام نرسد و اگر طفلی متولد
شود نماند و اگر کسی بجنگ رود ظفر نیابد و اگر درختی بنشاند
نمو نکند باین تفصیل محرم یازدهم چهاردهم صفر اول و
بیستم ربیع الاول دهم و بیستم ربیع الثانی اول و یازدهم
جمادی الاول دهم و یازدهم جمادی الثانیه اول و یازدهم
رجب یازدهم و سیزدهم شعبان چهاردهم و بیستم رمضان

سیوم و بیستم شوال ششم و هشتم ذو القعده ششم و بیستم
ذو الحجه هشتم و بیستم و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست
که در هر ماه یک روز نحس است که هر کس از آنها اجتناب کند
ایمن باشد و هر کس نکند از مکروهی ایمن نباشد باین تفصیل
محرم بیست و دویم صفر دهم ربیع الاول چهاردهم ربیع الثانی
و جمادی الاولی بیست و هشتم جمادی الثانیه و رجب دوازدهم
شعبان بیست و ششم رمضان بیست و چهارم شوال دویم
ذو القعده بیست و هشتم ذو الحجه هشتم و ایضا از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که در هر ماه هفت روز نحس است چنانکه
مشهور است اما این حساب در ماه قدیمست که ظاهرا اول آن
روز نوروز است و هر ماهی با سی روز تمام میشمرند تا آخر سال
و احادیث بسیار نیز در نحوست روز عاشوره و دوشنبه و چهارشنبه
آمده چنانکه بعد ازین انشاء الله مذکور شود و روایت دیگر آمده
که با روزها دشمنی مکنید تا آنها با شما دشمنی نکنند و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر کس در روز یکشنبه
جامه ببرد مبارک نبود و در آن جامه غمگین شود روز دوشنبه
مبارک باشد و روز سه شنبه دزدیده شود یا بسوزد یا در آب

ضایع کرده وچهارشنبه دران جامه روزی یابد ومکروهی نه بیند
وبخوشحالی گذراند وپنجشنبه دران جامه اورا علمی روزی شود
ودرپیش مردم مکرم باشد وروز جمعه عمر ودولتش زیاد شود
وشنبه دران جامه بیمار شود مگر آنکه آنرا بکسی دهد اما چنانکه
از بسیاری احادیث معلوم است اینست که در هر کاری چون توکل
برخدا کنند ومتوسل بصدقه ودعا شوند از همه ضررها ایمن گردند
ومناسب اینمقام است تحقیق عمل بنجوم وآن چنانست که احادیث
بسیار که ذکر همه آنها درین رساله نگنجد وبراهین عقلیه نیز صریحست
در اینکه خدای تعالی بمقتضای حکمت کامله ومصلحت شامله در کار
خانه صنعت خود هر کاری را بکار فرمائی مطبوع ساخته وبرای نظام
هر امری امیری تعین فرموده از انجمله حوادث وجزئیات عالم
کون وفساد را از خیرات وشرور بملائکه آسمانها که افتاب و
ماه وکواکب ونجوم همه جنود واعوان وخدام ایشانند مرجوع
گردانیده وایشانرا برنسق ونظام نشاء دنیا مقرر نموده وهیچ
جزئی از جزئیات درین عالم حادث نمیشود مگر بتاثیر وامر ایشان
باذن الله العزیز الحکیم اما بجهت سبب اهل بیت نبوت و
حکمت امت را از تعلم وپیروی آن منع فرموده اند اول آنکه

چنانکه منجمین نیز معترفند با آن احکام تأثیرات کواکب وحرکات
افلاک وخصوص نسب واوضاع آنها باهم معارضه کنند وبا یکدیگر
مقاومت نمایند چه بسا باشد که در نظری ووضعی خاص مقتضی اثری
باشد ونظری ووضعی دیگر مقتضی خلاف آن باشد وبا او مقاومت
کند بلکه بر وزیادتی نماید وهمهٔ ملائکه وکواکب را حصر وعدد و
خصوص تأثیرات واحکام ایشانرا از انسان غیر اهل بیت نبوت
دیگری نداند واطلاع بر حقایق همه آنها غیر ایشان کسی نتواند و
آنچه از انجمله در نجوم مضبوط است عددی محصور است وآن نیز
در عقد رصد واستخراج زیج وصنعت اصطرلاب وکتابت تقویم
از سهو وغلط مصون نیست پس با وجود اینهمه قصور وتقصیر از آن
سوای حیرت وتضییع عمر حاصلی ندهد ومؤید اینست آنکه کسی از
حضرت امام علیه السلام پرسید که عمل بنجوم میکنم ومردم منع میکنند
اگر ضرر بدین من دارد ترک بکنم فرمود ضرر بدین ندارد اما
علمیست که بسیار شنیده اند وکمتر نفع ندارد بعد از آن کوکبی
سکینه نام را سوال نمود از بعضی احوال آن استفسار نمود گفت
نام این کواکب را هرگز نشنیده بود در کتابی ندیده ام فرمود والله
اگر این حساب را بدانی توانی دانست که لمحی که در میان نی زارست

کدام است و در هر طرفش چند عددی هست تا آنکه یکی از علم تو
بیرون نرود و ایضا مرویست که آنحضرت علیه السلام بدیگری فرمود که
شما طالع قمر حساب میکنید چه قدر حساب ازین توان استنباط نمود
و امثال این اخبار بسیار است و دیگر آنکه تأثیرات حرکات افلاک
و کواکب بحسب اختلاف طالع مولودات مختلف شود زیرا که نظر
خاصی با طالع خاصی اثری کند و با طالع دیگر تأثیر دیگر کند
و گرنه لازم آید که چون چند کسی در یکساعت کاری کنند برای همه
یک اثر داشته باشد و حال آنکه تجربه خلاف اینست و مؤید اینست
آنکه حضرت امام علیه السلام بکسی از نجوم سؤال کرده بود فرمود چه
میگوئی چون دو لشکر باهم ملاقات کنند و هر کدام منجمی دارند که
برای ایشان اختیار ساعت سعد میکنند و چون محاربه میکنند
یکی منصور و دیگری مقهور گردد پس نحوس در آنوقت کجا بود لعل ازان
فرمود این حساب را کسی داند که موالید خلق را داند سیوم
و این اهم از آن دو است آنکه مقصود اصلی از دین مبین اینست
که روی دل خلق را از هر چه غیر خدا است بسوی خدا باز گرداند و توکل
و اعتماد در جمیع احوال بر خدا داشته باشد و چون آدمی در مجاری
احوال از سعد و نحس ساعات خبر نداشته باشد ناچار دست از

همه اسباب کسست متشبث برحمت خدا شود و از همه چیز نومید گشته

واعتماد بریده توکل برو کند و دم بدم و لحه بلحه مترصد فضل و منتظر

برحمت او باشد و از هیچکس غیر او امید و توقعی نداشته باشد

و با وجود اینکه غرض اصلیست متوسل بصدقات وادعیه واذکار

و معترف بقصور و ذنوب و استغفار شود و بفضایل ثواب

انها فایز گردد پس اگر ان ساعت در واقع سعد باشد و شری در ان

امر که مقصود اوست مقدر نباشد با وجود آنهمه فضایل کارش

نیز بسامان بلکه بسبب آن توسلات بسامانتر و سعادتش بیشتر

باشد و اگر ان ساعت در واقع نحوستی داشته باشد پس آن نحوست

اگر از امور محتومه لازمه نباشد برتصدقات و توسلات

مرتفع گردد و بآن فضایل و حصول مطالب نیز فایض شود و

اگر از امور محتومه باشد والبته اثر کند بفضایل توسلات

فایز گردد و شری که از نحوست ساعت رو دهد موجب زیادی

حسنات و محو سیئات و رفع درجات گردد چنانکه مرویست

که خاری بپای مؤمن نرود مگر آنکه برای او حسنه ثبت شود یا سیئه

محو گردد و امثال این روایات بسیار است بخلاف آنکه بعضی از قصان

که اگر اطلاع بر سعد و نحس ساعت داشته باشند اعتماد بران کرده

بقدر آنکه بر اعتماد کنند تو کل کم کنند و التجایش بجناب الهی نقصان
پذیرد و قصور یابد وگاه باشد که بسبب اعتماد بسیار بر سعادت
ساعت از فضایل صدقه و دعا و سایر وصایل بالکلیه یا از بعضی
از انها محروم گردد و اگر نحوست در ساعت بیند از همهٔ آن فضایل
محروم گشته از مطلب و از کرامت اخروی بر تقدیر تاثیر نحوست
بی نصیب ماند و چون این جمله دانسته شد بدانکه نحوست بعضی ایام
و ساعات که در احادیث وارد شده که بعضی از انها درین مقام مذکور
شد و بعضی نیز در باب نکاح و باب سفر انشاء الله مذکور شود
دو قسم است یکی انکه تاثیرش نه از جهة طبیعت و خاصیت آن وقت است
بلکه بسبب وقایعی است که در انوقت شده مثل روز عاشورا
و روز دوشنبه یا بسبب کمال تعظیم آن روز و عمل آن روز است
مثل روز جمعه و این قسم در نحوست نظیر تربت مقدس است در
شفا چنانکه گذشت و قسم دویم انکه نحوستش از جهت طبیعت
و خاصیت است مثل غیران و تاثیر این قسم مثل تاثیر ادویه
طبیعیه است و مخفی نماند که این وجوه که بطلان نهی عمل بنجوم مذکور
شد درین قسم ساعات نیز جاریست چه تواند بود که روز چهارشنبه
مثلا بحسب طبیعت خود نحس باشد اما اگر با سعادت دعا و صدقه یا سعادت

فلان روز چندم فلان ماه یا با سعادت طالع مولودی جمع شود

مساوی شوند بلکه گاه باشد که سعادت این غالب شود و باین سبب

که همه اهل بیت طاهرین علیهم السلام همه امت را از این مخوسه نهی نموده

و اهتمام در اجتناب از انها نفرموده اند بلکه همه را امر بدعا و

صدقه و بسم الله و توکل بر خدا فرموده و فرموده اند با روزها

عداوت مکنید تا روزها با شما عداوت نکنند و امثال ان که اگر

نحوستی باشد ببرکت این وسایل رفع گردد و گرنه سعادتش زیاد

شود و جرح لازم نیاید کلام در شواد بگوید لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم که حمله عرش چون از بر داشتن عرش

عاجز بودند حولقه گفتند بر داشتن اسان گشت چون کاری

گوید میکنم یا بکنید موقوف بمشیت الهی ساخته انشاء الله بگوید

مرویست که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مسئله پرسیدند

فرمودند فردا جواب بگویم و انشاء الله نگفت ده روز پیشتر وحی

از انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم محبوس شد تا آنکه تکذیب

آنحضرت کردند و غبار ملال از ینجهت بر خاطرش نشست

پس از روی تادیب و تعلیم این ایه نازل گشت وَلَا تَقُولَنَّ

لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ و حضرت

ادعات ص

سلیمان علیه السلام گفت با هفتاد زن مباشرت کنم و هفتاد پسر
متولد شود که در راه خدا جهاد کنند و انشاء الله نگفت هیچکدام
حامله نشدند مگر یکی که نصف طفلی آورد مرویست که اگر گفته میبود
همه جوانان میبودند که جهاد کنند و در حکایت بقرهٔ بنی اسرائیل
که در آخر گفتند اِنّا انشاء الله لمهتدون مرویست که اگر نمیگفتند
تا ابد قضیه ایشان معلوم نمیشد و حضرت صادق علیه السلام
باصحاب فرموده کتابتی برای مطلب چند یکی نوشته چون بعرض
آنحضرت رسید فرمود انشاء الله ننوشته اید چون توقع ساخته
شد آن کارها دارید پس فرمود در هر مطلبی انشاء الله نوشتند

استخاره چون در کاری متردد باشد استخاره کند طرق
متعدده روایت شده از انجمله چند طریقه ذکر کنیم اوّل
استخاره بالتسبیح ده مرتبه یا سه مرتبه یا یکمرتبه الحمد و ده مرتبه
انا انزلناه بخواند و سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ
لِعِلْمِکَ بِعاقِبَةِ الاُمُورِ وَاَسْتَشیرُکَ لِحُسْنِ ظَنّی بِکَ
فِی المَأمُولِ وَالمَحْذُورِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ الاَمْرُ الفُلانی
مِمّا قَدْ نیطَتْ بِالبَرَکَةِ اَعْجازُهُ وَبَوادیهِ وَحُفَّتْ بِالکَرامَةِ
اَیّامُهُ وَلَیالیهِ فَخِرْ لی فیهِ خیرَةً تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذَلُولاً

بدر استخا

وتقعص ایامه سروداً اللهم اما امر فأتمر واما نهی ه
فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة
وحاجت را در دل بکذراند پس یک قبضه از تسبیح بکیرد و بشمرد
اکر زوج باشد بکند واکر فرد باشد ترک نماید واکر بعکس این قصد
نماید شاید دویم استخاره با قرآن مجید الحمد وآیة الکرسی
وعنده مفاتح الغیب تا آخر بخواند و ده مرتبه صلوة فرستد
پس بکوید اللهم انی توکلت علیک وتفألت
بکتابک فارنی ما هو المکنون فی سرک المخزون
فی غیبک اللهم ارنی الحق حقاً حتی اتبعه وارنی
الباطل باطلاً حتی اجتنبه برحمتک یا ارحم الراحمین
بعد از ان مصحف بکشاید و از صفحهٔ راست جلاله بشمرد
و بعدد جلالات از جانب چپ ورق بشمرد پس بالعدد سطر
از صفحهٔ بشمرد و بعد از سطر آخر مضمون آیة هر چه باشد چپ ۲
عمل نماید سیوم استخاره ذات الرقاع بر شش پاره کاغذ
بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان
بن فلانه بعد از ان بر سه کاغذ افعل و بر سه کاغذ لا تفعل
بنویسد و کاغذها را در زیر سجاده کذارد و دو رکعت نماز کند

بعد از آن سجده کند و در سجده صد مرتبه بگوید استخیر الله برحمته
خیرة فی عافیة پس بنشیند و بگوید اللهم خر لی واختر لی
فی جمیع اموری فی یسر منک وعافیة پس کاغذها را
برهم زند و یک یک تا سه کاغذ بیرون آورد پس اگر هر سه افعل
یا هر سه لا تفعل باشد بمقتضای آن عمل نماید و اگر مختلف
باشد تا پنج کاغذ بیرون آورد پس افعل یا لا تفعل هر کدام بیشتر
باشد چنان کند چهارم آنکه دعا کند و از خدا تعالی در آن کار
طلب خیر نماید پس توکل نموده شروع در آن کار کند اگر کاری سهل
باشد مثل بنده خریدن و فروختن و امثال آن هفت مرتبه کافی
باشد و اگر کاری عظیم باشد صد مرتبه هر عبارت که خواهد و
اگر یکی از دو عبارت که در استخاره ذات الرقاع گذشت بگوید
مستحسن باشد و مرویست که هر کس باین دعا هفتاد مرتبه دعا کند
البته آنچه خیر است خدا تعالی برای او اختیار فرماید یا ابصر
الناظرین یا اسمع السامعین ویا اسرع الحاسبین ویا
ارحم الراحمین ویا احکم الحاکمین صل علی محمد وآل محمد
واهل بیته وخر لی فی کذا و حضرت صادق علیه السلام فرمود
هر کس از خدا تعالی یک مرتبه طلب خیر کند و استخاره نماید و بآنچه

خدا تعالی برای او اختیار کند راضی باشد البته آنچه خیر است خدا تعالی
برایش اختیار فرماید و هم آنحضرت علیه السلام فرمود چون استخاره کنید
بعافیت و سلامت طلب کنید چه بسا باشد که خیر کسی در قطع ید یا
موت ولد یا بلیه دیگر باشد بحث مشورت با عقلا مرویست که
با عقلا در کارها مشورت کنید و آنچه اختیار کنند خلاف آن مکنید
که موجب ندامت باشد و مرویست که هیچ جمعی مشورت نکنند که
کسی که محمد یا احمد یا حامد یا محمود نام داشته باشد با ایشان
حاضر شود مگر آنکه خیر برای ایشان اختیار شود چشم زخم مرویست
که ایمن مباش از اثر چشم بر خود و بر دیگری که اثر چشم حق است و اگر
چیزی بر قد دلخواهی بیش دستی تواند کرد چشم زدن است و چون از کسی
چیزی بیند که بنظر خوش آید او را مبارکباد کنید و روایت دیگر آمده
که بگوئید ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم از ضرر چشم
ایمن شود و روایت دیگر آمده که چون از چشم زخم بترسید و ان یکاد
بخوانید یا سه مرتبه بگوئید ما شاء الله و لا قوة الا بالله از مضرت
آن ایمن شوید و نیز مرویست که چون جامه نو بپوشید که از آن خوش آید
وقت بیرون رفتن از خانه معوذتین بخوانند که انشاء الله از چشم
زخم ایمن شوید و حضرت امام رضا علیه السلام بکسی فرمود که علی الطعام

برای او بحاجت چون بنظر مبارک رسید از آن خوش آمد فرمود الحمد
و قل هو الله احد و معوذتین و آیة الکرسی بنویس و در غلاف شیشه
بکذار که از چشم محفوظ باشد **بشارت** چون خبری خوش بشنود
الحمد لله و در روایت دیکر تکبیر آمده **شکر** چون نعمتی و یا احسانی
یا رفع مکروهی از خدا تعالی برسد بکوید الحمد لله شکران کذار که اکر
و اکر مرتبه دویم بکوید ثوابش تجدید شود و چون مرتبه سیوم بکوید
کناهانش آمرزیده کردد و اکر سجده شکر کند ده حسنه نوشته شود
و ده خطیئه عظیم محو کردد و ده درجه در بهشت بلند شود مرویست
که چون نعمتی که بیشتر نشده بیاید اکر در تنهائی باشد که کسی نبیند
سجده کند و اکر از پیش مردم باشد بهتر است که بسها نه پشت خم
کند و قصد سجده و تواضع خدا تعالی کند و اکر سواره باشد
فرود آید و سجده کند و اکر اندیشه شهرت و ریا کند بر قربوس
زین سر بکذارد و اکر نتواند بر کف دست بکذارد و حمد خدا کند
و اکر مکروهی یا خلاف خواهشی سانح شود بکوید الحمد لله علی کل حال
و بکوید کاش چنین نمیشود و همچنین اکر از کسی انعام و احسانی و مهربانی
واقع شود شکر و دعا و مدح او باید کرد و حق او باید دانست مرویست
که هر کس شکر مردم بیشتر کند شکر خدا بیشتر کرده و کسی که شکر مردم نکند

شکر خدا نکرده و نعمت هر چند کم باشد خواه از جانب خدا و خواه از
مردم و چون شکر آن بجا بیارند موجب زیادتی شود و اگر حقیر
شمارد و شکر نگذارد موجب حرمان زیاده شود و سبب سخط و غضب
گردد و چون مبتلا به بلیه بیند سه مرتبه آهسته چنانکه او نشنود
و دلگیر نشود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاهُ بِهِ
وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَفَعَلَ هرگز بآن مبتلا نشود و اگر خواهد حزین
بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَ
فَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَعَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ چون یهودی
یا مخالفی در دین بیند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ
بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ
إِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً خدا تعالی
هرگز ایشان را در دوزخ باهم جمع نکند فال بد چون چیزی
بیند که بفال خوب نداند توکل بر خدا کند و دل را از تشویش آن خالی
سازد و حولقه مکرر بگوید از ضرر آن ایمن شود و مرویست که فال
چنان شود که کسی با خود بگیرد و اگر سخت گیرد سخت شود و اگر
سهل گیرد سهل شود و اگر هیچ نگیرد هیچ نشود و دوای آن توکل
غضب چون غضب مستولی شود بر زمین بنشیند و برنخیزد

رفع شود و از شیطان استعاذه کند و صلوة بفرستد و بگوید
و یذهب غیظ قلوبهم اللهم اغفر لی ذنبی و اذهب
غیظ قلبی و اجرنی من الشیطان الرجیم و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم و اگر خواهد این دعا بخواند
اللهم اذهب عنی غیظ قلبی و اغفر لی ذنبی و اجرنی
من مضلات الفتن اسئلک رضاک و اعوذ بک من
سخطک اسئلک جنتک و اعوذ بک من نارک و
اسئلک الخیر کله و اعوذ بک من الشر کله اللهم
ثبتنی علی الهدی و الصواب و اجعلنی راضیا مرضیا غیر
ضال و لا مضل چون صدای خروس بشنود بگوید سبوح قدوس
رب الملائکة و الروح سبقت رحمتک غضبک لا اله
الا انت وحدک لا شریک لک عملت سوء و ظلمت
نفسی فاغفر لی و ارحمنی انه لا یغفر الذنوب الا انت
چون صدای الاغ و سگ بشنود از شیطان استعاذه کند چون
خنده و قهقهه کند بگوید اللهم لا تمقتنی چون عطسه
کند دست بر دماغ گذارد و بگوید الحمد لله رب العالمین
الحمد لله حمدا کثیرا کما هو اهله و صلی الله علی محمد النبی

وَآلِهِ وَسَلَّمْ طایری کوچکتر از ملخ و بزرکتر از مکس از دماغ چیش
بیرون آمده تا زیر عرش پرواز کند و تا روز قیامت برایش استغفار
کند و روایت دیگر آمده که چون کسی عطسه کند و بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
ملکین که بر و موکلند کویند رب العالمین کثیرا لا شریک له
و اکر این را هم بکوید کویند صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ و اکر این را هم
بکوید کویند وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ و اکر این را هم بکوید کویند رحمک الله
و اکر بکوید الحمد لله رب العالمین علی کل حالٍ از درد دندان و
کوش ایمن باشد و کسی در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
عطسه کرد و الحمد لله کفت و صلوة نفرستاد آنحضرت او را
دعا نکرد و فرمود حق ما را ضایع کرد چون این را شنید صلوة فرستاد
بعد از آن دعا فرمود و چون عطسه دیگر را بشنود حمد خدا کند
و صلوة فرستد از درد چشم و دندان ایمن شود و او را دعا کند
و بکوید یرحمک الله تا سه مرتبه چنین بکوید و اکر از سه مرتبه
بیشتر شود بکوید شفاک الله که بیشتر از سه مرتبه از علتیست
و اکر طفلی عطسه کند بکوید رزقک الله و اکر مریض بکوید
شفاک الله و مرویست که مومن را حقوق چند هست که اکر در آن
تقصیر کنند روز قیامت طلب حق خود کند و خدا تعالی برای او

حکم فرماید و از انجمله دعای عطسه است و جواب دعای عطسه
بگوید و یهدیکم الله و یصلح بالکم نسیان چون چیزی
فراموش کند و بیاد نیاید دست بر پیشانی گذارد و بگوید اللهم
انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و الامر به ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تذکرنی ما انسانیه
الشیطان چون در ورطه گرفتار شود بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم
ایاک نعبد و ایاک نستعین خدا تعالی بلا را از و دفع کند
غم و همّ و خوف و غیر آن از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که فرمود عجب دارم از چهار کس که پناه بچهار چیز نبرند کسی که از چیزی
ترسد چرا باین آیه نبرد حسبنا الله و نعم الوکیل خدا تعالی
بعد از آن وعده سلامت و سرور و نعمت فرموده و کسی که غمگین باشد
چرا پناه باین آیه نبرد لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین که خدا تعالی بعد از آن وعده نجات از غم فرموده
و کسی که از مکر و غدر ترسد چرا پناه باین آیه نبرد افوض امری
الی الله که بعد از آن وعده امن و سلامت از مکر فرموده و کسی که مال
خواهد چرا پناه باین آیه نبرد ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله

که بعد از آن وعده مال موفور اند فرموده و روایت دیگر آمده که برای
زوال غم سر سوی آسمان کند و سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
که خدا تعالی کربت و غمش را فرج دهد و نیز مرویست که هر کس
در غم این دعا بخواند خدا تعالی غمش را بفرح بدل فرماید اللّٰهم
اِنّی عبدُک وابنُ عبدِک وابنُ اَمتِک ناصیتی بیدِک
ماضٍ فیّ حُکمُک عدلٌ فیّ قضاؤُک اسئلُک بکلِّ
اسمٍ هو لک سمّیت به نفسک او انزلته فی کتابک
او علّمته احداً من خلقک او ستاثرت به فی علم
الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری
و شفاء صدری و جلاء حزنی و ذهاب غمّی و همّی
و اگر خواهد بگوید یا من یکفی من کلّ شیءٍ ولا یکفی
منه شیءٌ اکفنی ما اهمّنی که حضرت صادق علیه السلام مجرب
بمداومت این امر فرموده اند که زمانی نگذشت که نجات یافت
و اگر خواهد این ابیات که منسوب بحضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه است تکرار کند که مکرر در سختیها تجربه شده و کم لله من
لطفٍ خفیٍّ یدقّ خفاه عن فهم الذکی و کم یسرٍ
اتی من بعد عسرٍ و فرّج کربة القلب الشجی

وَكَمْ اَمْرٍ تُسَاءُ بِهِ صَبَاحًا ؛ وَيَأْتِيكَ الْمَسَرَّةُ فِي الْعَشِيِّ
اِذَا ضَاقَتْ بِكَ الْاَحْوَالُ يَوْمًا ؛ فَثِقْ بِالْوَاحِدِ الْفَرْدِ الْعَلِيِّ
تشویش خاطر مکرر بگوید تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا
يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم کسی صاحب عیال و قرض را که
از تشویش احوال و پریشانی خاطر شکایت کرده بود باین ورد تعلیم
فرمود اندک زمانی بیش نگذشت که حالش برفاهیت و جمعیت
خاطر مبدل گشت حدت زبان و بیهوده گوئی باستغفار
مداومت نماید چون خسارت در کاری بیند بگوید عَسٰى رَبُّنَا
اَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا اِنَّا اِلٰى رَبِّنَا رَاغِبُونَ مرویست که اصحاب
بستان که بتلف شدن بستان مبتلا گشتند چون این را گفتند
بهتر از ان خدا تعالی عوض داد چون گوش صدا کند بگوید اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ ذَكَرَ اللّٰهُ مَنْ ذَكَرَنِي مدح
چون بشنود که او را مدح میکنند آهسته بگوید اَنَا اَعْلَمُ بِنَفْسِي
مِنْ غَيْرِي وَرَبِّي اَعْلَمُ مِنِّي بِنَفْسِي اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا
يَقُولُونَ وَاجْعَلْنِي اَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ
چون عمر بچهل سال رسد بگوید رَبِّ اَوْزِعْنِي اَنْ اَشْكُرَ

نعمتك التي انعمت علي وعلى والدي وان اعمل صالحا
ترضيه واصلح لي في ذريتي اني تبت اليك واني من
المسلمين كه خداى تعالى فرمايد در زمره اهل بهشت حسناتش را
قبول نمايم واز سيئاتش تجاوز فرمايم واين وعده صادقيست كه
بايشان ميكنم كم شده چون چيزى كم شود دو ركعت نماز كذارد بعد ازان
دستها بر داشته بكويد يا عالم الغيوب والسرائر يا مطاع
يا عزيز يا عظيم يا الله يا الله يا الله يا هازم الاحزاب
لمحمد يا كائد فرعون لموسى يا منجي عيسى من ايدي
الظلمة يا مخلص قوم نوح من الغرق يا راحم عبرة
يعقوب يا كاشف ضر ايوب يا منجي ذي النون
من الظلمات الثلث يا فاعل كل خير ويا هاديا على
كل خير يا دالا على كل خير يا خالق الخير ويا اهل كل
خير انت الله فزعت اليك مما قد علمته وانت علام
الغيوب اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان ترد
على ضالتي واكر خواهد بكويد يا من لا عليه مكتوم ولا
يشذ عنه معلوم ولا يغالبه منيع ولا يطاوله رفيع
اردد بقدرتك علي ما في قبضتك انك اهل الخيرات
يا آية عنده مفاتح الغيب بخواند وبعد ازان بكويد اللهم انك

تهدي من الضلالة وتنجي من العمى وتردّ الضالّة صلّ على محمد
وآله وردّ ضالّتي وصلّ على محمد وآله وسلّم یا سوره عبس و
والعادیات بخواند **امانت** چون چیزی بامانت در جائی گذارد
انا انزلناه بران بخواند محفوظ ماند انشاء الله **چون باد تند**
وزد بگوید اللهم اني اسئلك خير ما هاجت الرياح وخ
ير ما هاجت الرياح وخير ما فيها واعوذ بك من
شرّها وشرّ ما فيها اللهم اجعلها علينا رحمة وعلى
الكافرين عذابا وصلى الله على محمد وآله وتکبیر بسیار باواز
بلند بگوید انشاء الله تسکین یابد **[illegible]** معوذتین بخواند
رعد و صاعقه بگوید سبحان من يسبّح الرعد بحمده
والملائكة من خيفته. ونیز بگوید اللهم لا تقتلنا بغضبك
ولا تهلكنا بعذابك وعافنا قبل ذلك **باران**
بگوید صيّبا هنيئا **دخول خانه** چون از در بیرون خانه داخل
شوید بگوید ربّ ادخلني مدخل صدق واخرجني مخرج
صدق واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا وچون
داخل خانه نشیمن خود بگوید بسم الله وبالله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پس اگر در خانه کسی باشد بر وی سلام
کند و اگر کسی نباشد بگوید اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا
وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ **تعظیم نام خدا** اگر کاغذی که نامی
از نامهای خدا بران نوشته باشد در سر راهی و جاء نجس افتاده
باشد خدا تعالی هفتاد هزار فرشته بران موکل کرداند که بالهای
خود انرا محافظت کنند تا انکه یکی از دوستان خدا آنرا بردارد و
خدا تعالی نام اورا در علیین ثبت فرماید و عذاب از والدینش
تخفیف دهد اگرچه کافر باشند **باب ششم**
در حقوق اموال و رعایت احوال عیال و این مجموع انشاء الله تعالی
در ده فصل بیان شود **فصل اول** در جود و بخل خدا تعالی
در قران مجید فرموده جمعی که از رذالت بخل منزه هند ایشان رستکار
و اهل نجاتند و نیز فرموده کسی که مال را در راه خدا صرف کند
مثل دانه ایست که هفت خوشه ازان بروید و در هر خوشه صد
دانه باشد و خدا برای هر که خواهد مضاعف میکرداند و از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم مرویست که سخی از ایمان و در زمینه
محبوب و از طینت پاک و آب چشمش از کوثر مخلوقست و بخیل

در آسمان وزمین مبغوض واز طینت شوره وآب چشمش از خاک مخلوقست
وسخی در پناه رحمت خدا باشد تا آنکه داخل بهشت شود وکسی را که
خدا تعالی امید خیر باو ندارد ببخل مبتلا کرده اند وسخی نزدیکست
بخدا ونزدیکست ببهشت وسخاوت درختیست در بهشت
هر کس بشاخی از آن در آویزد داخل بهشت شود وبخدا نزدیک
واز آتش دور گردد وبخل درختیست در دوزخ هر کس بشاخی از آن
در آویزد تا دوزخش بکشد وهر کس را سخاوت بیشتر ایمانش بهتر
ور روز قیامت سخی را بیاورند وگویند اگر حجتی وحرفی داری بگوی
گوید خدایا مرا آفریدی وهدایت فرمودی ووسعت عطا کردی
من نیز نعمت تورا بر عباد منتشر ساختم بامید اینکه امروز بر من
نشر رحمت فرمائی پس خدا تعالی فرماید بنده من راست میگوید
اورا داخل بهشت کنید وجوان سخی مفرط در گناه پیش خدا دوست
تراست از پیر عابد بخیل وبهترین مردم اسخیا اند وبدترین مردم
بخلا واز جمله خلوص ایمان بر اخوان وسعی در حوایج ایشانست وبر
اخوان موجب محبت رحمن وحسرت شیطان ودوری از نیران
ودخول جنانست وسخی متقی که تصدیق باین کند که خدا تعالی
یکدرهم را که صدقه ازو فرشته عوض میدهد هیچ اراده نکند که خدا تعالی

میسر نشود و روز قیامت در دوزخ مقام کند و هر کس در صرف مال
برضای خدا بخل کند مبتلا شود بصرف اضعاف آن در معصیت خدا
و از حضرت امام جعفر علیه السلم از تفسیر آیه و کذلک یریهم الله
اعمالهم حسرات سؤال کردند فرمود کسی که مال خود را در طاعت
خدا صرف نکند و بگذارد تا بعد از و دیگران صرف کنند پس اگر در
طاعت صرف کنند حسرت برد که ثواب مال خود را در میزان
ایشان و خود را محروم بیند و اگر در معصیت صرف کنند حسرت برد
که خود را از ثواب محروم کرده و اعانت معصیت دیگری کرده روزی
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه شنید که مردی میگوید که
بخیل معذور تر است از ظالم فرمود دروغ میگوئی ظالم گاه باشد
که توبه و استغفار کند و رد مظالم نماید و نجات یابد و بخیل
منع زکوة و صدقه و صله رحم و ضیافت و سایر حقوق کند و حرامست
که بخیل داخل بهشت شود **فصل دویم** در فضایل زکوة و
عقوبت منع آن مرویست از اهلبیت طاهرین علیهم السلم که هر کس
زکوة مال خود را از روی طوع و رغبت بدهد خدا تعالی در بهشت
بعدد هر دانه یک قصر طلا و یکی نقره و یکی لولو و یکی از زبرجد و یکی

زمرد ویکی کوهر ویکی از نور رب العزة عطا فرماید وهیچکس زکوة ندهد
مکر انکه مالش زیاده شود ومرویست که هیچ مرغی از طیور صید نشود
مکر انکه در ذکر وتسبیح خود تقصیر کرده باشند وهیچ مالی
تلف نشود مکر انکه در زکوتش تقصیر رفته باشد وملعونست مالی
که زکوة ان ندهند وخدا تعالی فرض زکوة را قرین فرض نماز کردانیده
پس هر کس زکوة ندهد نمازش مقبول نشود وهر کس یك قیراط که در
مکه معظمه ربع سدس دینار است زکوة منع کند نه مومن باشد
ونه مسلم وچون بمیرد جهودی باشد یا نصرانی ودر روز قیامت
اژدهای از اتش طوق کردنش شود وعذابش کند تا وقتیکه از
حساب فارغ شود وهر کس زکوة طلا ونقره را منع کند خدا تعالی
روز قیامت در بیابانی محبوس سازد وماری عظیم که از بسیاری زهر
موی سرش ریخته باشد برو مسلط کرداند وچون هر چند کریزد
نجات نیابد ناچار دست خود را باو دهد تا با دندان پاره پاره کند
پس بر کردنش پیچد وعذابش کند وهر کس زکوة کوسفند یا غیر ان
از حیوانی را منع کند در بیابانی محبوس کردد که هر حیوان صاحب سم
اورا پایمال کند وهر حیوان دندان دار با دندان اورا پاره پاره کند
وهر کس زکوة غله وخرما ومثل انرا منع کند زمین ملکش تا هفت طبقه

طوق گردنش شود و مرویست که روز قیامت جمعی از قبر بیرون آیند

دستها بر گردن بسته و ملائکه چند بر ایشان موکل باشند

و ایشانرا سرزنش کنند و گویند ایشان اند که حق خدا را از مال

خود نداده اند و چیزی قلیل از بهر کثیر محروم گشتند و چون

مردم منع زکوة اموال خود کنند زمین هم باذن خدا برکات

و خیرات خود منع کند و موجب قحط و تنگی و شود و ادای زکوة

و سایر فرایض و واجبات علانیه باید و صدقات و سائر

مستحبات پنهانی افضل است و ثواب مستحبات پنهانی هفتاد

برابر علانیه است فصل سیوم در صلهٔ اهل بیت طاهرین

و ذریت طیبین و اتباع ایشان از مومنین سلام الله علیهم اجمعین

مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود هر کس

بیکی از اهل بیت من احسان کند من روز قیامت آنرا مکافات

کنم و فرمود من در روز قیامت چهار کس را شفاعت کنم اگرچه

با گناه تمام اهل دنیا بیایند کسی که نصرت ذریه من کرده و کسی که

مال خود را در وقت تنگی بذل ایشان نموده و کسی که بادل و

زبان با ایشان محبت داشته و کسی که در حوایج ایشان سعی کرده

و حضرت صادق علیه السلام فرمود روز قیامت منادی ندا کند که

ای خلایق خموش باشید که حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم با شما
گفتگو میکند پس آنحضرت برخواسته گوید ای معشر خلایق هر کس را
پیش من نعمتی و منتی و احسانی باشد برخیزد تا آنرا تلافی کنم همه
گویند پدر و مادر ما فدای تو باد کرا حد آن که نعمت و منت و احسان
بر تو داشته باشد بلکه نعمت و منت و احسان و شفقت همه خدا
و رسول خدا راست بر جمیع خلایق پس آنحضرت گوید بلی هر کس یکی از
اهلبیت مرا پناه داده و یا با ایشان نیکی کرده یا برهنهٔ ایشان را پوشیده
یا گرسنه را سیر کرده بیاید تا مکافات آن کنم پس جمعی که این کارها
کرده باشند برخیزند پس از جناب الهی ندا آید که ای حبیب من مکافات
ایشانرا بتو مرجوع داشتم در هر جای بهشت که خواهی ایشانرا جا
ده پس ایشانرا در وسیله که درجه ایست مخصوص آنحضرت و اهل
بیتش جای دهد تا در خدمت ایشان باشند و در میان ایشان حجاب
و مانعی نباشد و هم آنحضرت صلوات الله علیه فرموده که هر کس قادر
بر صلهٔ ما نباشد با صلحاء شیعهٔ ما صله بجا آورد ثواب صلهٔ ما داشته
باشد **فصل چهارم** در فضایل معروف و احسان مرویست
از اهل بیت رسالت علیهم السلام که بهشت را دریست که آنرا معروف نامست
از آن در داخل نشود مگر اهل معروف در دنیا و اول کسی که داخل بهشت

و وارد حوض کوثر میشود معروف و اهل معروفند و سه چیز است که
موجب زیادی عمر و بقای نعمت است یکی طول رکوع و سجود دویم
طول جلوس بر سفره سیوم اصطناع معروف و احسان و صاحب
معروف از مهالك و ورطها محفوظ باشد و چون اهل بهشت
داخل بهشت شوند خدا تعالی بادی خوشبوی را امر فرماید که با اهل
معروف ملاصق شود که هر یك از ایشان که بجمعی از اهل بهشت کذرد
از بویش بشناسند که صاحب معروفست و هر کس بمومنی احسان و
معروفی کند خدا تعالی روز قیامت با آن فرماید برو و هر کس با تو
معروفی بجا آورده اکر در دوزخ باشد بیرون آر پس برود و بیرون
آرد و دوسترین بندکان پیش خدا کسیست که معروف را دوست
دارد و هیچ چیز بهتر از معروف نیست مکر ثوابش و مروتست هر کرا که
باشد اصطناع معروف کنید که اکر او اهل آن نباشد شما اهل
آن باشید و اکر کسی در جانب است شما را دشنام دهد بجانب
چپ آمده عذر خواهی کند قبول کنید و در برابر احسان اکر بهمان
قدر احسان کنی تلافی کرده باشی و اکر زیاد کنی شکران بجا آورده
باشی و چون شکر بجا آری کریم باشی و هر کس بداند که چون بکسی نیکی
و احسان کند در واقع با خود کرده توقع مدح و شکر و زیادی محبت

از و نداشته باشد و چه جای توقع که با احسان حفظ عرض خود و تحصیل
ثواب و فضایل برای خود نموده و کسی که اعانت و سعی برای خیری کند
مثل فاعل آن خیر است و مرویست که برای یکدیگر هدیه بفرستید
که سبب محبت و اصلاح رنجش و عداوت شود و کاری که ضررش
با اینکس بیشتر از نفعش بد نکرده باشد نباید کرد و چون یکی احسانی
کند و اگر تواند تلافی کند و گر نه مدح و شکر کند و گر نه کفران کرده
باشد و حضرت صادق علیه السلم فرمود خدا تعالی لعن کرده قاطع
سبیل معروف را پرسیدند که کیست فرمود کسی که با او معروفی
کند و کفران کند و سبب این شود که دیگر نکنند و باید دانست
که هر احسان و نیکی از مال و غیر مال داخل معروفست

فصل

در فضایل صدقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که خدا تعالی
فرماید من بر هر چیز کسی مقرر فرموده ام بغیر صدقه که از خود
بگیرم حتی آنکه اگر کسی خرمائی یا نصف خرمائی صدقه دهد از برای
او تربیت کنم و زیاد کردانم تا روز قیامت مثل کوه احد یا بزرگتر باشد
و هفتاد نوع بلا از بلاهای دنیا دفع کند بغیر ثوابی که در آخرت
مهیا است و صدقه از چنگ هفتصد شیطان بیرون آید که همه
مانع باشند و هیچ چیز بر شیطان گرانتر از صدقه نیست و هر کس اول روز

صدقه دهد نحوس و شرور آن روز از او دفع شود و اگر اول شب دهد
نحوس و شرور آن شب دفع کرده روزی یهودی بخدمت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم گذشت حضرت فرمود امروز مار سیاهی
قفای این یهودی را بزند و او را بکشد پس یهودی گذشت و پشتهٔ
هیمه بر دوش بسته مراجعت کرد حضرت فرمود هیمه را بر زمین
گذاشت مار سیاهی بر چوبی چسبیده بود پرسید ای یهودی امروز
چه کردهٔ گفت دو نان داشتم یکی را خوردم و یکی را تصدق کردم پس
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ببرکت این تصدق شر این مار
از تو دفع شده و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود میان من و منجمی
قسمت زمینی بود او میخواست که من در ساعت نحس و خودش در ساعت
سعد بیرون رویم چون رفتیم و تقسیم کردیم قسمت خوب بمن افتاد منجم
دست بر دست زد از روی حیرت و حسرت گفت هرگز چنین چیزی
ندیده بودم من گفتم بلی در وقت بیرون آمدن تصدق کردم و آن
بهتر از نجوم تو بود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که در زمان بنی
اسرائیل چند سال قحطی عظیم شد روزی زنی لقمهٔ نانی داشت در
دهن گذاشت که بخورد سائلی سؤال کرد آن لقمه را از دهن بیرون آورده
بسائل داد آن زن را طفلی صغیر بود در صحرا گرگ او را ربود طفل

فریاد کرده مادرش خبر یافته در پی او دوان کشت جبرئیل ع آمد و طفل را
از دهن کرك کرفته باو داد و کفت این لقمه عوض آن لقمه است و هم
از ایشان علیهم السلام مرویست که مردی از بنی اسرائیل پسری داشت که یکی
از اولیاء الله باو خبر داد که پسرت در شب زفاف وفات خواهد کرد
چون شب عروسی رسید پس پیری عاجز را دید برو رحم کرده طعامش
داد پیر کفت مرا زنده کردی خدای ترا زنده دارد پس کسی در خواب بآن
مرد کفت که خدا تعالی بسبب آن تصدق حرك را از پسرت دفع نمود
و نیز مرویست که هیچکس صدقه را در دنیا خوب نکند مکر که خدا تعالی
بعد از وی کفالت اولادش را خوب کند و مرویست که هر چه مقدور
شود تصدق کنید اکرچه نصف خرمائی باشد و از داد کم شرم
مکنید که هیچ کمتر از کمست و چون بنده با نچه مقدورش باشد جود
کند پیش خدای عظیم بود اکر هیچ نباشد بکلمهٔ ملایم و زبان خوش
جواب بکوئید و روز قیامت خدا تعالی فرماید من بنما انعام و
احسان نفرمودم مال و فرزند ندادم چشم و کوش عطا نکردم کویند
بلی پس کوید بد بینید که برای من امروز چه مهیا کرده اید پس هر چند
باطراف نظر کنند حتی نیابند که اتش را از ایشان دفع کند و
زمین اتش است مکر سایه مومن که صدقات بر اتش سایه کند و اتش را

قیامت تمام

منع نماید و کسی که صدقه را برای محتاجی برد مثل ثواب کسی دارد که آن
صدقه را داده و مرویست که انفقوا صدقه بدهید که گوئید اسراف
کردیم اما اسراف نکرده باشید و نیز غروب کسی تا توانید صدقه
بدهید و از پریشانی مترسید که هرگز کسی از صدقه دادن پریشان
نشود و صدقه مال زیاد کند و دین ادا نماید و کسی بحضرت امام موسی
علیه السلم شکایت کرد که پریشانی من بحدی رسیده که فلانی دو جامه
از بدن خود بیرون کرده بمن داد فرمود روزه بگیر و تصدق کن گفت
از آنچه مردم بمن میدهند بدهم فرمود هرچه مقدور میشود بده اگرچه
خود با آن حاجت داشته باشی و هر احسانی و مهربانی که بکسی کند
صدقه باشد حتی آنکه با کری سخن کوئی حرف را باو بشنوانی چنانکه
او را سر خلاصی و افضل صدقات آنست که پنهان باشد که صدقه
پنهان آتش غضب خدا را بنشاند و صدقه شب شعله غضب الهی را
ساکن کند و گناه عظیم را محو گرداند و حساب قیامت را آسان کند
و صدقه روز مال و عمر را زیاد کند و خطاهای عظیم را بگدازد
چنانکه آب نمک را و حضرت عیسی علیه السلم بکنار دریا گذشت قرص
نانی در آب انداخت حواریین گفتند یا روح الله این نان قوت تو
بود فرمود حیوانات آب بخورند و ثواب این نزد خدا عظیم است و افضل

صدقات آنست که در تنگی و پریشانی باشند و دیگری را بر خود اختیار کند
و اگر عیال بعد از ان خویشان بعد از آن همسایگان محتاج باشند
صدقه بدیگری نشاید داد و هر چند کسی نزدیکتر و حقش بیشتر
صدقه بر او افضل باشد مرویست که افضل صدقات اینست که بخویشی
دهند که عداوت ایشان در دل داشته باشد و صدقه یکی بده
عوض یابد و صلهٔ دوستان یکی به بیست و صلهٔ خویشان یکی به بیست
و چهار رود در صدقه منت نباید که داشت و سایل را نباید رنجانید
که ثوابش باطل شود و بکلمهٔ خوش جواب گویند بهتر از ان است که صدقه
دهند و برنجانند و افضل آنست که آنچه مقدور شود بدهند و تتمه را
وعده خواهی بآن ضم کنند که این صدقه دیگر است افضل از صدقه اول
چه جای منت و رنجانیدن باشد که باندک چیزی از مال دنیا دنی
دهند منافع بسیار و عافیت از بلاها و ثواب عظیم برای خود کسب کنند
و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود حق فقرا و مساکین
بشناسید اگر ایشان نمیبود نه صدقه را بکه میدادید فضایل و ثواب
صدقه چون می یافتید و رفع بلاها چون میکردید و چون چیزی برای
خدا و برای صدقه جدا کنند اگر چه دیگر داخل مال و صرف خود نباید
کرد بلکه اگر آن سائل رفته باشد یا قبول نکند بدیگری باید داد مرویست

که کسی انچه برای صدقه جدا کرده بمال خود برگرداند مثل کسیست که قی کند
وآنرا بخورد

فصل ششم

در مذمت سوال ورد سائل مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سایل را رد مکنید اگرچه بر اسپ سوار
باشند که اگر نه آن می بود که سایلان دروغ گویند نجات نمی یافت کسی که
ایشانرا رد کند واگر چیزی مقدور نشود بملایمت عذر باید خواست
که بسیار باشد که ملائکه برای امتحان بصورت انسان سوال کنند
وهرچه پیش از سوال بدهید احسانست اما بعد از انکه با دل طپان
واعضای لرزان وتشویش میان یأس وامید آبروی خود بریزد و
سوال کند هرچه دهید عوض آبروی وتشویش او باشد واحتیاج
امل نیست از پیش خدا در پیش بندگان هر کس آنرا پنهان دارد
ثواب آن یابد که عبادت کرده باشد واگر افشای آن کند هر کس بشنود
لازم است بر او که اعانت نماید واگر مردم بدانند که عطا چه قدر
خوبست هرگز رد سوال نکنند واگر بدانند که سوال چه قدر بلاست
هرگز سوال نکنند ونیز مرویست که از سوال اجتناب کنید که مذلتست
در دنیا وفقریست مهیا وطول حساب در قیامت وهر که بی احتیاج
سوال کند خدا تعالی اورا محتاج کند تا مضطر بسوال شود وهر کس
قوت سه روزه داشته باشد وسوال کند روز قیامت گوشت در

رویش نباشد روزی جمعی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم التماس
کردند که برای ما ضامن بهشت شو فرمود شدم بشرط آنکه شما از کسی
سوال نکنید ایشان ترک سوال کردند تا حدی که در اثنای طعام اگر آب
یکی نزدیکتر می بود نمی طلبیدند و خود بر میخواستند و اگر در سواری
تازیانه از دست شان می افتاد فرو می آمدند که بردارند سؤال نمی
کردند **فصل هفتم** در رعایت حال عیال مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که چون خدا تعالی بکسی نعمت دهد واجب است برو
که بر عیال خود توسعه کند و عیال مرد اسیران اویند پس اگر صاحب نعمت
بر اسیران خود توسعه نکند نزدیک باشد که نعمتش زایل شود و چون
نعمتی زایل شود زود زود عود نکند و ملعونست کسی که عیال خود را
بر دیگری بار کند و ملعونست کسی که عیال را مضطر گذارد تا محتاج
بدیگری شوند و همین گناه بس است مرد را که عیال را محتاج گذارد
و مومن باید چنانکه خدا تعالی با او معامله میکند او نیز با عیال
معامله کند هرگاه خدا تعالی او را وسعت دهد او نیز عیال را
وسعت دهد و هرگاه تنگتر کند او نیز چنین کند و بهترین صدقه
واحسان آنست که بعد از قدر کفاف عیال باشد و هر کس ترتیبش
با اهل خود نیکو باشد رزقش زیاد شود حضرت امام زین العابدین

علیه السلام فرمود وقتی که عیال من رغبت بگوشت کنند ببازار روم و
برای ایشان گوشت بخرم دوست تر دارم که بنده آزاد کنم وکسی دو
دینار طلا بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم برده گفت
میخواهم که باین مرکبی بخرم که بران سوار شوند ودر راه خدا جهاد
کنند فرمود والدین داری صرف ایشان کن که افضل است رفت
وچنان کرد وباز دو دینار دیگر آورد فرمود زن داری صرف او کن
که افضلست رفت چنان کرد باز دو دینار دیگر آورد فرمود خادم
داری صرف او کن که افضل است چنان کرد ودو دینار دیگر آورد
گفت باین مرکبی بخرم فرمود بخر اما بدانکه این افضل از آنها نیست
ومشهور است که مؤمن بخواهش اهل خود چیزی میخورد ومنافق بخواهش
خود [illegible] فصل هشتم در احسان مؤمن بطعام وجامه مروی است
از اهلبیت احسان علیهم السلام هر کس بمؤمنی احسان کند چنانست
که بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم کرده باشد وهر کس مؤمنی را
طعام دهد بهتر است از آنکه ده بنده آزاد کند وده حج گذارد واگر
یک مؤمن غنی را طعام دهد چنانست که یک کس از اولاد حضرت
اسمعیل علیه الصلوة والسلام از ذبح نجات داده واگر مؤمن فقیر را
طعام دهد چنانست که صد کس از اولاد حضرت اسمعیل ع از ذبح نجات

دهد وهر کس یک لقمه بمؤمنی دهد خدا تعالی از میوه های بهشت عوض
دهد و بهتر از آنست که یک بنده آزاد کند واگر سه مؤمن را طعام
دهد خدا تعالی او را در ملکوت سموات از سه بهشت فردوس و
طوبی وجنات عدن طعام دهد واز درختی که خدا تعالی آنرا در جنات
عدن بدست خود نشانده وحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده
که حج گذارم دوست تر دارم از آنکه هفتاد بنده آزاد کنم واهل یک خانه
از مسلمین را عیال خود کنم که گرسنه ایشانرا سیر گردانم وبرهنه را
بپوشانم وایشانرا از حاجت مردم برهانم دوست دارم از آنکه هفتاد
حج گذارم وهر کس بمؤمنی در معیشت اعانت کند یا برهنه او را بپوشاند
خدا تعالی هفت هزار ملک موکل کرداند که تا وقت صور برای همه
گناهان او استغفار کنند ودر روایت دیگر هفتاد هزار ملک آمده
وهر کس مؤمنی را جامه بپوشاند خدا تعالی او را از جامهای بهشت
بپوشاند وسکرات موت بر او آسان کرداند وقبرش را وسیع کند
وچون از قبر بیرون آید ملایکه استقبالش کنند وبشارتش دهند
[illegible] از جامهای خاص بهشت در وی پوشند وتا از آن جامه رشته باقی
باشد ملایکه بر وی صلوة فرستند ودر ضمان خدا باشد ونیز مرویست
که هر کس مؤمن برهنه را [illegible] پوشاند خدا تعالی او را از استبرق جنت

پوشاند واگر مؤمن عنی را پوشاند در ستر رحمت خدا باشد تا از آن جامه بر تن او

مانده باشد مرویست که احسان شایسته نگردد مگر به سه خصلت یکی آنکه

آنرا سهل و حقیر انگاری تا در نظر آنکس عظیم شود دویم آنکه پنهان دهی

تا بر او گوارا شود سیوم آنکه در ادای آن تعجیل کنی تا تمام شود و

چون این سه خصلت مرعی شود احسان در پیش خدا عظیم گردد

فصل نهم در فضایل قرض دادن و احکام متعلق با آن مرویست

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ثواب صدقه یکی بده باشد و ثواب قرض

دادن یکی به هجده و هر کس بمؤمنی قرض دهد تا وقتی که قدرت بر ادای

آن یابد مادامی که در نماز باشد و برای او بصدقه حساب شود و نیز

مرویست که هر کس بمؤمنی قرض دهد بهر یک درهم مثل کوه احد

و طور سینا و رضوی که کوهیست در مدینه حسنات عطا فرمایند

اگر در مطالبه مدارا و ملایمت کند بی حساب و عذاب چون برق

خاطف از صراط بگذرد و نیز مرویست که هر کس درمانده را قرض

دهد و در مطالبه مدارا کند خدای تعالی بهر یک درهم هزار قنطار از بهشت

عطا فرماید و هر کس بمؤمنی قرض دهد و قضای حاجتش کند [illegible]

مسرور گردانده حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله و سلم مسرور کرده باشد

و جنون و جذام و برص از او دفع شود و اگر مقدور باشد و نه دهد بوی

بهشت بروحرام شود ومرویست که قرض دادن خمیر ونان وآتش و
امثال آن ازجمله مکارم اخلاق است وجلب رزق کند ومضاعفه
دران مورث فقر باشد وهرکس قرض دار پریشانی را مهلت دهد
یا چیزی از حق خود باو بخشد در سایهٔ رحمت خدا باشد روزی که
هیچکس را سایه وپناهی نباشد واز حرارت وخشم جهنم ایمن باشد
وچنانست که هر روز مثل آن تصدق کند واگر میتی را حلال کند
هر درهمی را ده درهم ثواب یابد

فصل دهم

در سایر وجوه
خیر وبر از آنجمله حق معلوم است وحق معلوم آنست که کسی از مال خود
قدری معین بقدر وسع خود مقرر کرده اند که هر روز یا هر هفته یا هر
ماه یا هر سال ومجملا مدتی معین بفقرا ومساکین دهد حق تعالی
در قران مجید فرموده روز قیامت دوزخ او را بجانب خود
طلبد کسی را که از راه راست رو گردانیده ومالها را بر سر هم جمع نموده
وذخیره کرده مگر چند طایفه را یکی آنکه در مال خود حق معلوم مقرر
کرده باشد واز جملهٔ وجوه خیر بنای مساجد است مرویست از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که هرکس در دنیا مسجدی بنا
کند خدا تعالی بقدر یک وجب از آن یا هر یک ذراع تردد ار را او بستر
بنا کند در بهشت شهری که چهل هزار ساله راه باشد از طلا ونقره ودر

و یاقوت و زمرد و زبرجد و در هر شهری چهل هزار هزار قصر در هر
قصری چهل هزار هزار سرای و در هر سرا چهل هزار هزار خانه و در
هر خانه چهل هزار هزار سریر بر هر سریری یک حوری و در هر خانه چهل
هزار هزار غلام و چهل هزار هزار کنیزک همه در اوایل جوانی و کمال
خوبی و چهل هزار هزار خوان بر هر خوان هزار هزار کاسه و بر هر چهل
کاسه چهل هزار هزار نوع از اطعمه و نعیم باشد و احادیث متعدده آمده
که گاهی مردم در اطراف جاده سنگ چین میکردند برای مسجد از
ائمه طاهرین علیهم السلام می پرسیدند که این نیز از انجمله است میفرمودند
بلی و از انجمله بنای منازلست در راهها مرویست از نبی آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم که هر کس در سر راهها پناهی و منزلی بسازد
که قافله فرشتگان نیز فرو آیند چون روز قیامت مبعوث شود بر مرکبی
از در سوار باشد و نور رویش بر تمام اهل محشر تابان باشد و حضرت
ابراهیم خلیل علیه السلام در مکانش مزاحمت نماید و اهل محشر گویند
این فرشته ایست که مثل او در میان فرشتگان نیست و چهل هزار
هزار کس بشفاعت او داخل بهشت شوند و از انجمله عتق رقبه است
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس بنده مؤمنی آزاد کند
خانه در بهشت برایش بنا شود و هر عضوی ازو عضوی ازو از آتش

ازاد شود حتی یفرج بفرج وکافر ومشرک نشاید آزاد کردن واگر
طفل یا پیر یا عاجز را ازاد کنند باید نفقه اش بدهند تا وقتی که
خودش قدرت بر تحصیل معاش بیابد وبنده که در حال نزع
باشد ازاد کردنش سود ندهد **باب هفتم**
در فضایل روزه واحکام متعلق بآن از اداب وفضل واعتکاف
ومتعلقات آن از آداب وثواب واین مجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل مطلق روزه
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر چیزیرا زکوتیست و
زکوة بدن روزه است وروزه سپریست از آتش جهنم وروزه دار
همیشه در عبادت است اگرچه در خواب باشد مادام که غیبت
مسلمی نکند وخدا تعالی فرموده روزه مخصوص منست یعنی پنهان
ترین عبادتها است واز ریا دورتر است پس جزایش بر منست
وبوی دهن روزه دار پیش من بهتر است از بوی مشک ویکروز
روزه که خالص برای خدا تعالی باشد برابر است با یکسال وهر کس
روزه خود را پنهان دارد خدا تعالی فرماید ای ملایکه بنده من
از آتش پناه میجوید پناهش دهید وملایکه را فرماید که برای
روزه داران دعا کنند ودعای ایشانرا البته اجابت فرماید

وهر کسی یک روز روزه گیرد در شدت گرما و تشنه شود خدای تعالی
هزار ملک موکل فرماید که با او ملاطفت کنند و بشارت دهند
تا وقتی که افطار کند و فرماید چه خوش آید مرا از بوی تو ای ملائکه
گواه باشید که گناهانش را آمرزیدم و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله وسلم روزی فرمود میخواهید شما را چیزی تعلیم کنم
که شیطان را از شما دور کند مثل دوری مشرق از مغرب گفتند
بلی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود روزه رویش را سیاه
کند و صدقه پشتش بشکند و دوستی برای خدا و معاونت
بر کارهای خیر بیخش از جا بکند و استغفار رگ دلش قطع کند
و خواب روزه دار عبادت و نفسش تسبیح و عملش مقبول و دعایش
مستجاب بود و هر کس یک روز روزه گیرد که بر او واجب نباشد
مغفرت گناهانش از خدا واجب شود و بسا باشد که کسی یک روز
روزه گیرد یا دو رکعت نماز گذارد خدای تعالی فرماید بعد از این هرگز
تو را عذاب نکنم و بهشت او را واجب گردانم و چون روزه دار پیش
جمعی وارد شود که چیزی خورند هر موئی که در بدنش باشد برایش
تسبیح کند و ملائکه برایش استغفار نمایند و سه چیز است که
بلغم قطع کند و حافظه زیاد گرداند روزه و مسواک و تلاوت

قران **فصل دویم** در فضایل روزه ماه رجب مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که رجب نام نهریست در بهشت سفیدتر
از شیر و شیرین تر از عسل هر کس یکروز درین ماه روزه کیرد
ازان نهر بیاشامد و اتش دوزخ صد ساله راه از و دور شود روایت
دیکر آمده که هر کس یکروز درین ماه روزه کیرد مخلصا لله غضب
الهی را بنشاند و میان او و دوزخ خدا تعالی هفتاد خندق فاصله
کند که عرض هر خندق مثل ما بین زمین و اسمان باشد و بهشت
او را واجب شود و هم ازیشان علیهم السلام مرویست که هر کس روز اول
این ماه روزه کیرد بهشت او را واجب شود و اکر یکروز در میانش روزه
کیرد شفیع کناه کاران شود بعدد قبیله ربیعه و مضر که دو
قبیله اند از اعظم قبایل عرب و اکر یکروز در اخرش بکیرد از پادشاهان
بهشت شود و شفیع پدر و مادر و دختر و خواهر و اولاد و عم و
عمه و خال و خاله و اشنایان و همسایکان خود شود که همه مستوجب
اتش باشند و نیز مرویست که هر کس درین ماه یکروز از اول و
یک روز از میان و یکروز از اخر روزه کیرد کناهان کذشته این
همه امرزیده شود و اکر سه روز روزه بکیرد کناهان کذشته و اینده
همه امرزیده شود و هم ازیشان علیهم السلام مرویست که هر کس یک روز

ازین ماه روزه کیرد با ما در درجه ما باشد و وقت شام او را ده دعا
مستجاب باشد اکر برای دنیا دعا کند خدا تعالی عطا فرماید و کرنه بهتر
از انکه هر کس از اولیا و اصفیا دعا کرده اند برای اخرتش ذخیره کند
و اکر دو روز روزه کیرد در زمرهٔ صادقین محشور شود و با ایشان
به بهشت رود و هیچکس از اهل اسمان و زمین نتوانند بیان کرد آنچه
از فضل و کرامت در پیش خدا تعالی برای او مهیا است و کناهان
کذشته اش همه امرزیده شود و اکر سه روز روزه کیرد کناهان
کذشته و اینده اش همه امرزیده شود و هر کس از دوستان و اشنایان
را که خواهد شفاعت کند و محبت و حق او بر خدا تعالی واجب شود
و اکر چهار روز روزه بکیرد از جنون و جذام و برص و از فتنهٔ دجال
و عذاب قبر ایمن شود مثل اجر تواین اول این برایش نویسند
و نامهٔ اعمالش از دست راست در اول عابدین باو دهند
و اکر پنج روز روزه بکیرد روز قیامت رویش مثل شب چهارده ماه باشد
و بعد در ریک بیابان عالج حسنات دهند و بی حساب به بهشت
برند و کویند هر چه میخواهی از خدا طلب کن و اکر شش روز روزه بکیرد
چون از قبر بیرون آید رویش از افتاب روشن تر باشد و غیر ازین نور
دیکر باو عطا فرمایند که تمام محشر ازان نورانی شود و از اهوال قیامت

ایمن باشد وبیحساب ببهشت رود واگر هفت روز بگیرد هفت
در دوزخ از وبسته شود واتش بر و حرام گردد واگر هشت روز
بگیرد هشت در بهشت بر و کشوده شود واگر نُه روز بگیرد روز
قیامت او را نوری عطا کنند که اهل محشر گمان کنند که مگر از جمله
انبیا است وکمترین ثوابش اینست که بیحساب به بهشت رود واگر
ده روز بگیرد خدا تعالی دو بال با و دهد منظوم بدُر و یاقوت
که چون برق از صراط بگذرد و سیئاتش بحسنات مبدل شود و
از جملهٔ مقربین نوشته شود وچنانست که هزار سال عبادت کرده باشد
واگر یازده روز بگیرد روز قیامت هیچکس مثل او نباشد مگر کسی که انقدر
یا بیشتر گرفته باشد واگر دوازده روز بگیرد دو حلّه از سندس و
استبرق بهشت در و پوشند که اگر یکی از ان حلّها بدنیا آرند نور ش
از مشرق تا مغرب را روشن و بوی[illegible] خوشبوی تر از مشک کرداند
واگر سیزده روز بگیرد روز قیامت که هر کس بمحنت و بلیّه گرفتار
باشد برای او در سایهٔ عرش خوانی گذارند از یاقوت سبز هفتاد
مرتبه وسیع تر از تمام دنیا که دران کاسها و صحنها باشد همه از دُر
و یاقوت و در هر کدام هفتاد نوع نعمتها باشد که هیچیک بدیگری
شبیه نبود و او در کنار ان بعیش و نعم مشغول باشد واگر چهارده

روز بگیرد انقدر قصرها و نوالها باو دهند که هیچ چشمی ندیده و هیچ
گوشی نشنیده باشد و اگر پانزده روز بگیرد روز قیامت در موقف
امنین بایستد و هیچ پیغمبری و فرشته برو نگذرد مگر که گوید
خوشت باد که تو از جملهٔ مقربانی و اگر شانزده روز بگیرد از اول
جماعتی باشد که بر مرکبهای نور سوار باشند و در عرصهٔ بهشت
سیر کنند و اگر هفده روز بگیرد روز قیامت هشتاد هزار
شمع از نور بر صراط گذرانند که در روشنی انها برود و ملایکه بتعلیم
و ملاطفت مشایعتش کنند و اگر هجده روز بگیرد در جنت
خلد بر سریر در و یاقوت با حضرت ابراهیم علیه السلام مزاحمت نماید
و اگر نوزده روز بگیرد در جنت عدن برای او قصری بنا کنند از
لولو در برابر قصر حضرت ابراهیم علیه السلام که بر هم سلام کنند و با هم صحبت دارند و هر یکروز که روزه گرفته باشد مثل هزار ساله و آدم علیه السلام
روزه باشد و اگر بیست روز بگیرد چنانست که بیست هزار سال
عبادت کرده باشد و اگر بیست و یکروز بگیرد بعدد قبیلهٔ ربیعه
و مضر گناهکاران را شفیع باشد و اگر بیست و دو روز بگیرد
منادی از آسمان ندا کند که ای ولی خدا مژده باد ترا که بکرامتی
عظیم از خدا و رفاقت نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین

واکر بیست وسه روز بگیرد از آسمان ندا کنند که خوشست باد اندک
مشقتی کشیدی ودر دار السلام همسایه وهمنشین حضرت ابراهیم
علیه السلام کشتی واکر بیست وچهار روز بگیرد وقت رحلت
ملک الموت بصورت جوانی صاحب جمال آید در یکدست حریری
سبز بمشک اذفر معطر ودر دست دیگر قدحی طلا مملو شراب جنت
از آن شراب باو دهد که سکرات موت آسان شود با آن حریر
قبض روحش کند وملائکه هفت آسمان بسوی او استنشاق
کنند وسیراب در قبر بخواید وسیراب بیرون آید تا وارد حوض
کوثر شود واکر بیست وپنج روز بگیرد وچون از قبر بیرون آید هفتاد
هزار ملک استقبالش کنند با علمهای در ویاقوت وجامها
وزینتهای بهشت در وپوشند وکویندای ولی ما اجتناب به
پیش خدا واول جماعتی باشد که با مقربین داخل بهشت شود واکر
بیست وشش روز بگیرد در سایه عرش برایش صد قصر از در ویاقوت
بنا کنند وبر سر هر قصری خیمه از حریر بهشت در آنجا بفراغت استراحت
کند ومردم هنوز مشغول حساب باشند واکر بیست وهفت روز
بگیرد قبرش را بقدر چهارصد ساله راه وسیع کنند واز مشک وعنبر
پر کنند واکر بیست وهشت روز بگیرد میان او ودوزخ هفت خندق

فاصله کنند که عرض هر یک پانصد ساله راه باشد و اگر بیست و نه روز

بگیرد همه گناهانش آمرزیده شود هر چند عظیم باشد و اگر سی روز

تمام بگیرد خدای تعالی از و راضی شود و هر کس خدا از و راضی شود هرگز

عذاب نکند و در بهشت چهل هزار هزار قصر عطا فرماید و در هر

قصر چهل هزار هزار خانه در هر خانه چهل هزار هزار خوان و در

هر خوان چهل هزار هزار کاسه در هر کاسه چهل هزار هزار

نوع نعمت و در هر خانه چهل هزار هزار سریر که طول هر سریر دو

هزار ذراع باشد بر هر سریری حوری نشسته هر یک را سیصد هزار

کیسو آویخته و هزار هزار کنیزک در خدمت ایستاده **فصل**

سیوم در فضایل روزه ماه شعبان مرویست از حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده ماه شعبان ماه منست هر کس یکروز

این ماه روزه گیرد من شفیع او باشم و اگر دو روز روزه گیرد گناهان

گذشته اش آمرزیده شود و اگر سه روز روزه گیرد ملکی ندا کند

که اعمالت از سر گیر که گناهت آمرزیده شد و جمعی از آنحضرت صلعم

از فضل روزهٔ رجب سؤال کردند فرمود چرا از شعبان نمی پرسید

که افضل است از رجب و هم از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

مرویست که هر کس یکروز از این ماه روزه گیرد گناهانش آمرزیده شود

و نیز مرویست که روزه شعبان ذخیره روز قیامت است و هر کس درین ماه
روزه بسیار گیرد خدا تعالی معیشتش را اصلاح فرماید و شر اعدایش را
کفایت فرماید و کمترین ثواب کسی که یک روزه ازین ماه روزه گیرد
اینست که او را بهشت واجب شود و نیز مرویست که هر که اول ماه روزه گیرد
بهشت او را واجب شود و خدا تعالی برای او هفتاد حسنه نویسد که
هر یکی برابر یکسال عبادت باشد و اگر دو روز بگیرد گناهی عظیمی
که موجب هلاکش باشد محو شود و تا در دنیا باشد هر شبانه روز خدا تعالی
بروی رحمت نظر کند و در بهشت هرگز نظر از و باز ندارد و اگر سه روز بگیرد
در بهشت هر روز خدا تعالی را بر عرش زیارت کند و هفتاد در جه از
در و یاقوت برایش بلند کرده اند و اگر چهار روز بگیرد رزقش را
وسیع کند و اگر پنج روز بگیرد خدا تعالی محبت او را در دل مردم
جا دهد و اگر شش روز بگیرد از هفتاد نوع بلا ایمن شود
و اگر هفت روز بگیرد از ابلیس و جنودش محفوظ گردد و اگر هشت روز
بگیرد از دنیا نرود تا از حوضهای قدس آبش دهند و اگر نه روز
بگیرد نکیر و منکر را در وقت سوال با او مهربان کرده اند و اگر ده روز
بگیرد قبرش را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع وسیع کرده اند
و اگر یازده روز بگیرد یازده ستون نور از قبرش وضع و نصب کنند

واکر دوازده روز بکیرد هر روز در قبر هفتاد هزار ملک زیارتش
کنند واکر سیزده روز بکیرد ملایکه هفت آسمان برایش استغفار
کنند واکر چهارده روز بکیرد همه چیز حتی ماهیان دریا برایش
استغفار کنند واکر پانزده روز بکیرد خدا تعالی فرماید بعزت
وجلال خودم قسم که ترا باتش عذاب نکنم واکر شانزده روز بکیرد
هفتاد دریای آتش ازو خموش شود واکر هفده روز بکیرد همه درهای
دوزخ ازو بسته کردد واکر هیجده روز بکیرد هفتاد هزار قصر
از در و یاقوت در بهشت باو دهند واکر نوزده روز بکیرد همه
درهای بهشت برو کشوده کردد واکر بیست روز بکیرد هفتاد
هزار حور العین برایش تزویج کنند واکر بیست ویک روز بکیرد
ملایکه بالعموم ازو ملاطفت نمایند واکر بیست ودو روز
بکیرد هفتاد حله از سندس واستبرق در و پوشند واکر بیست
وسه روز بکیرد چون از قبر بیرون آید برمرکبی از نور سوار شده به
بهشت رود واکر بیست وچهار روز بکیرد شفیع هفتاد هزار کس از
اهل توحید باشد واکر بیست وپنج روز بکیرد از نفاق بری شود
واکر بیست وشش روز بکیرد از صراط بکذرد واکر بیست وهفت روز
بکیرد از آتش براوت یابد واکر بیست وهشت روز بکیرد روشنی نورانی

وجهشان

بماه رمضان ۲

ودرختان باشد واگر بیست ونه روز بگیرد بر صواب اکبر الهی فایز
شود واگر سی روز تمام بگیرد خدا تعالی فرماید که اگر گناه تو بعدد
ستاره آسمان وقطرات باران وبرگ درختان وخاک زمین
وریگ بیابان باشد که همه را آمرزیدم ونیز مرویست که هر کس ماه
شعبان را متصل کند کفارهٔ گناهان گذشته وآینده اش باشد
ونیز مرویست که هر کس سه روزه از آخر این ماه روزه گیرد وبماه
مبارک رمضان متصل کند چنانست که دو ماه متوالی روزه گرفته
باشد وکفاره گناهانش باشد فصل چهارم در فضایل
روزه ماه مبارک رمضان مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم که فرمود اگر شما فضایل این ماه را بدانید خدا تعالی را شکر بسیار
کنید که این تفضل بشما فرموده وهر کس این ماه را روزه گیرد در روز
اول گناهانش آمرزیده شود ودو هزار هزار درجه برایش بلند کنند
وپنجاه شهر در بهشت بنا کنند وروز دوم هر گام که بردارد عبادت یکساله
وروزه یکساله بنویسند وروز سیوم بعدد هر موئی که در بدن
دارد قبه در فردوس عطا فرمایند از در سفید که بر بالایش دوازده
ودر زیرش دوازده خانه از نور باشد ودر هر خانه هزار سریر بر هر
سریری حوری نشسته وهر روز هزار ملک هر یک با تحفه وهدیه

پیشش آیند روز چهارم در جنت خلد هزار قصر عطا فرمایند
در هر قصر هفتاد هزار خانه در هر خانه هزار سریر بر هر سریری حوری
نشسته در خدمت هر یک هزار کنیزک که مقنعه هر یک از ایشان
بهتر است از تمام دنیا و ما فیها و روز پنجم در جنت المأوی هزار
هزار شهر در هر شهر هفتاد هزار خانه در هر خانه هفتاد هزار خوان
در هر خوان هفتاد هزار کاسه در هر کاسه شصت نوع طعام که
هیچکدام بدیگری شبیه نبود روز ششم در جنت السلام صد هزار
شهر در هر شهر هزار سرا در هر سرا صد هزار خانه در هر خانه صد
هزار سریر که طول هر سریر هزار ذراع باشد بر هر سریری حوری
نشسته از هر یک سی هزار گیسو آویخته با در و یاقوت بافته و هر
گیسوی هر یک را کنیزکی در دست گرفته و روز هفتم ثواب چهل هزار شهید
و چهل هزار صدیق عطا فرماید و روز هشتم ثواب عمل شصت
هزار عابد و شصت هزار زاهد و روز نهم ثواب هزار عالم و هزار
معتکف و هزار مرابط فی سبیل الله و روز دهم چنان باشد
که هفتاد هزار حاجت بر آورده باشد و آفتاب و ماه و ستارگان
و همه مخلوقات حتی طیور و سباع و سنگ و کلوخ و ماهیان
دریا و برگ درختان برایش استغفار کنند و روز یازدهم ثواب چهار

حج و چهار عمره که هر حج با پیغمبری و هر عمره با صدیق یا شهید کرده
باشد و روز دوازدهم سیئاتش بدل بحسنات شود و حسناتش
مضاعف گردد که هر حسنه برابر هزار حسنه باشد و روز سیزدهم
مثل عبادت اهل مکه و مدینه و بعدد هر سنگ و کلوخی که
در میان مکه و مدینه است شفاعتی عطا فرمایند و روز چهاردهم
چنانست که با حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و داود و
سلیمان صلوات الله علیهم اجمعین ملاقات کرده و صحبت داشته
باشد و چنانست که با هر پیغمبری دویست سال عبادت کرده باشد
و روز پانزدهم جمیع حوایج دنیا و آخرت و مثل ثواب حضرت ایوب
علیه السلام عطا فرمایند و دعایش مستجاب باشد و حملهٔ عرش برایش
استغفار کنند و روز قیامت چهل نور عطا فرمایند در هر
جانبش که بود و روز شانزدهم چون از قبر بیرون آید شصت حله
از بهشت در وی پوشند و بر مرکبی از بهشت سوار شود و ابری بر سرش
از حرارت آنروز سایه کند و روز هفدهم گناهان او و
گناهان آبایش آمرزیده شود و از شداید روز قیامت ایمن گردد و
روز هجدهم خدا تعالی فرماید که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و حملهٔ عرش و کروبین برایش استغفار کنند تا سال دیگر و روز قیامت

ثواب انبیا باو عطا فرماید و روز نوزدهم جمیع ملائکه آسمان و
زمین از خدای تعالی اذن خواسته هر روز بزیارت قبرش آیند هر یک
با هدیه و تحیتی از بهشت روز بیستم هفتاد هزار ملک بر و موکل
شوند که از شیاطین محافظتش نمایند و بعد ده روز که روزه
گرفته ثواب صد ساله روزه عطا فرمایند و میان او و دوزخ خندقی
فاصله کنند و ثواب هر کس که توریة و انجیل و زبور و فرقان خوانده
و بعد ده پری از بال جبرئیل عبادت یکساله و ثواب و تسبیح حمله
عرش و کرسی عطا فرمایند و بعد ده آیه از قرآن حوری برایش تزویج
کنند و روز بیست و یکم خدای تعالی قبرش را هزار فرسخ وسیع کرده اند
و وحشت و ظلمت قبر از و برگیرد و قبرش را مثل قبور شهدا کرده اند
و رویش را مثل روی حضرت یوسف علیه السلام کنند و روز بیست و دوم
ملک الموت در وقت قبض روحش چنان آید که پیش انبیا خیر و هول
منکر و نکیر و هموم دنیا و عذاب آخرت از و برخیزد و روز بیست
و سیوم با نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین از صراط بگذرد و
چنانست که هر یتیم و اسیر و برهنه را پوشیده باشد و روز بیست
و چهارم از دنیا نرود تا جای خود در بهشت بر بیند و ثواب هزار
مریض و هزار غریب که بطاعت خدا از وطن رفته باشند یابد و چنان

باشد که هزار بنده از اولاد حضرت اسمعیل علیه السلم آزاد کند و روز
بیست و پنجم خدای تعالی در زیر عرش برایش هزار قبه از نور سبز بنا فرماید
بر سر هر قبه خیمه از نور و فرماید ای بنده من در پناه عرش من درین
قبها بیاسای و از نعمتهای بهشت تنعم نمای و از هر بیم و اندوه در امان
باش و هزار تاج نور بر سرش نهند و بر مرکبی از نور سوارش کنند که زمامش
از نور باشد و بر هر زمامش هزار حلقه از طلا و بر هر حلقه ملکی موکل
در دست هر ملک عمودی از نور تا داخل بهشت شود و اولین و آخرین
از حال او در تعجب باشند و روز بیست و ششم خدای تعالی بنظر رحمت
بر او نظر کند و همه گناهانش را بیامرزد مگر خون و مال مردم و روز
بیست و هفتم چنانست که هر مؤمن و مؤمنه را نصرت کرده و هفتاد
هزار برهنه را بپوشانیده و هزار مرابط فی سبیل الله را خدمت
کرده و جمیع کتب الهی را خوانده باشد و روز بیست و هشتم خدای تعالی
و در جنت نعیم صد هزار خانه از عنبر اشهب و در جنت فردوس صد هزار
شهر در هر شهر هزار حجره و در جنت الجلال صد هزار منبر از مشک
در درون هر منبر هزار هزار خانه و در هر خانه هزار هزار سریر
از در و یاقوت بر هر سریری حوری نشسته عطا فرماید و روز
بیست و نهم هزار هزار منزل و در هر منزلی قبه سفید در هر قبه

در جنت خلد صد هزار شهر از نور و در جنت المأوی صد هزار قصر از نقره ٢

سریری از نور و بر هر سریری هزار مسند از سندس سبز بر هر مسندی
حوری نشسته هفتاد هزار حله پوشیده و هشتاد هزار گیسو مکلل بدر
و یاقوت او بخشد عطا فرماید و چون سی روز تمام شود بعدد هر روز
که روزه گرفته ثواب هزار شهید و هزار صدیق و عبادت پنجاه سال
عطا فرماید و هر روز که روزه داشته باشد برابر روزه هزار روز
باشد و بعدد هر درخت و گیاه که از آب رود نیل رسته درجات
بلند کرداند و از عذاب قبر ایمن باشد و بر صراط بگذرد و بهشت
را دریست ریان نام که تا روز قیامت گشوده نشود از و بگشایند
و رضوان و خازن بهشت گوید ای روزه داران ماه مبارک رمضان
از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ازین در داخل بهشت شوید
پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود کسی که درین ماه
آمرزیده نشود در کدام ماه خواهد شد و تفصیل سایر روزه های
مستحب هر یک در جای خود بیاید انشاء الله تعالی فصل پنجم
در آداب صیام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزه گرفتن
همین از خوردن و آشامیدن نیست بلکه چون روزه گیری باید چشم و
گوش و موی و پوست و همه جوارح و اعضایت از حرام و قبیح در روزه
باشد و روز صیام مثل سایر ایام نباشد با مردم مجادله و منازعه

مکن و دروغ مگوی و دشنام مده و قسم مخور و مردم را حتی خادم را
مرنجان و آزار مکن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم زنی را
دید روزه دار که کنیز خود را دشنام داد آن حضرت آن زن را
طلبید و طعام طلبید گفت بخور گفت من روزه دارم فرمود چون
روزه داری که دشنام میدهی روزه همین از طعام و شراب
نباشد و چون کسی روزه دار را دشنام دهد او بگوید من روزه
دارم و مثل تو دشنام نمیدهم خدا تعالی فرماید بنده من بروزه
پناه برد او را از آتش پناه دادم و نیز مرویست که در روزه و در
شبانه روز جمعه و در شب مطلقا و در شبانه روز ماه مبارک
رمضان و کسی که محرم و در حرم مکه معظمه شعر خواندن نشاید اگرچه
در مدایح اهل بیت علیهم السلام باشد و مراد ازین شعر آنست که مشتمل
بر کذب و هجو و طعن یا بر خیالات و اغراقات و دعواهای
باطل و غیر واقع و امثال این باشد چنانکه در میان شعرا شایع است
اگرچه موضوعش حق باشد مثل مدح اهل بیت علیهم السلام و اگرچه
شان ایشان ارفع از آن باشد و اما اگر معانی حق و واقعی باشد
و موضوعش نیز حق باشد مثل مناجات و موعظه و مدح اهل بیت
علیهم السلام قصوری ندارد چنانکه از تتبع کلام عرب و اخبار و آثار

اهل بیت علیهم السلام ظاهر و مبین است و روزه دار را افضل اینست

که مضمضه و استنشاق نکند مگر برای نماز فریضه و با چوب تر

مسواک نکند و اما اگر چوب خشک باشد و با آب تر کند و حرکت دهد

تا این همه بریزد قصور ندارد و سرمه که مشک داشته باشد

یا طعمش در گلو محسوس شود در چشم نکشد و جامه تر نپوشد

مگر بعد از فشردن اما در آب نشستن قصور ندارد مگر زنان را

و مشک و نرگس و ریحان و هر گیاه خوشبو نبوید که این جمله

برای صایم مکروه هست اما سایر عطرها و گلها و بخور قصور

ندارد بلکه تعطیر و بخور برای صایم مستحب است و مرویست که

روزه دار در اول روز تعطیر کند عقلش زاید شود فصل ششم

در سحور مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در ماه مبارک

رمضان افضل اینست که ترک سحور نکنند و در غیر آن اگر خواهند

سحور کنند و اگر نخواهند نکنند و هر کس همیشه سحور کند اگر چه

افطار با آب تنها کند که قوت بر صوم دهر یابد و خدا تعالی

بر سحور کنندگان صلوات و رحمت فرستد و هر کس در وقت

سحور و افطار انا انزلناه بخواند چنانست که در راه خدا در خون

خود غلطیده باشد فصل هفتم در افطار مرویست

از اهل بیت

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
افطار بحلوا میفرمود و اگر حلوا نمیبوده بقند یا خرما و اگر هیچکدام
نمی بوده بآب نیم گرم و افطار بآب نیمگرم معده و جگر را پاک کند
و بوی دهن خوش کند و دندان محکم گرداند و چشم را قوت و جلا دهد
و گناهان از دل بشوید و رگهای جهنده را تسکین دهد و صفرا
بشکند و بلغم قطع کند و حرارت معده و صداع زایل گرداند و
افضل اینست که اگر کسی انتظار نکشد افطار بعد از نماز شام
کند که روزه بنماز ختم شود و دعا در وقت افطار مستجاب شود
و فضل قراءت انا انزلناه در وقت افطار در فصل سابق گذشت
و اگر در وقت افطار بگوید یَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ
أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اِغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ
إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا أَنْتَ يَا عَظِيمُ از گناه
پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده و ایضا در وقت
افطار بگوید بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلىٰ رِزْقِكَ
أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فصل
هشتم در تفطیر صایم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر کس صایم را افطار فرماید مثل ثواب او داشته باشد و هر عبادت

وحسنه که بقوت ان طعام کند در ثوابش شریك باشد و افطار فرمودن

صایم افضل است از روزه که خود کیرد و اکر در ماه رمضان افطار فرماید

چنانست که بنده ازاد کند و کفاره کناهان کذشته اش باشد و حضرت

امام محمد باقر علیه السلام بیکی از اصحاب فرمود میتوانی که در ماه مبارك

رمضان هر شب ده بنده از اولاد حضرت اسمعیل ازاد کنی کفت مالم

باین قدر وفا نکند پس یکیك کم میفرمود و میکفت نمیتوانم تا بیك بنده

رسید و کفت نمیتوانم پس فرمود میتوانی هر شب یك مسلم را افطار

فرمائی کفت بلی ده مسلم را نیز فرمود مقصودم همین بود که افطار

فرمودن مؤمنی مثل ازاد کردن بنده ایست از اولاد حضرت اسمعیل علیه السلام

فصل نهم در فضایل افطار کردن برای سرور مؤمن مرویست

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در خانه برادر مؤمن افطار کردن هفتاد

مرتبه افضل است از روزه که کرفته و چون کسی روزه غیر واجب داشته

باشد و بر مؤمنی وارد شود و تکلیف افطارش کند افطار کند و او را

مسرور سازد اکرچه بعد از عصر باشد برابر است با ده روز روزه

و اکر اظهار نکند منت بر او نکذاشته افطار کند مثل یکساله روزه باشد

و ازین حدیث و سایر احادیث بسیار که در سرور مؤمن وارد شده

توان دانست که هر وقت افطار کردن سبب سرور مؤمن یا رفع کدورت او باشد

باید کرد اگرچه در خانهٔ او نباشد **فصل دوم در اعتکاف**

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که افضل اوقات برای اعتکاف

ماه مبارک رمضان است حتی اینکه مرویست که اعتکاف نباشد

مگر در عشر اخر ماه رمضان و ده روز اعتکاف در ماه رمضان برابرست

با دو حج و دو عمره و اعتکاف کمتر از سه روز نباشد و بیشتر هر

قدر خواهد تواند و اصل اعتکاف مستحب است اما چون دو روز

بکند روز سیم واجب شود و همچنین هر روز سیم واجب باشد

مثل ششم و نهم و دوازدهم پس در روز اول و دویم باختیار تواند

فسخ نمودن و بیرون رفتن و در روز سیم بی ضرورت بیرون

نتواند رفت و شرطست در اعتکاف روزه داشتن پس کسی که روزه

نتواند داشت یا در وقتی که روزه نتوان داشت اعتکاف صحیح نباشد

و هر روزه که باشد مجزی بود خواه واجب و خواه غیر ان و نیز

شرطست که در مسجدی باشد که امام عادلی در ان نماز گذارده باشد

و افضل مسجد برای اعتکاف مسجد الحرام و مسجد رسول الله صلی الله

علیه و آله و سلم و مسجد کوفه است و در ایام اعتکاف بی ضرورت بیرون

نشاید رفت و جایز است بیرون رفتن برای نماز جمعه یا حضور

جنازه یا عیادت مریض و تحمل حقی از حقوق دین و کار ضروری

وچون براى حاجتى بيرون رود در جاى نه نشيند تا آنكه بمسجد خود عود
كند و نماز در غير آن مسجد نگذارد مگر نماز جمعه يا در مكه معظمه
كه در هر موضع از مكه نماز گذارد صحيح باشد و حرام است در ايام
اعتكاف مباشرت كردن خواه روز و خواه شب و درين ايام از بو
و رياحين و مجادله با مردم و بيع و شرا احتراز بايد نمود و مستحب است
كه وقت رفتن باعتكاف با خدا شرط كند كه اگر امرى سانح شود
بيرون رود كه چون اين شرط كرده باشد هر وقت امرى عارض
شود بيرون توان رفت و حرجى برو نباشد خواه پيش از روز
سيوم و خواه بعد از آن **باب هشتم**
در اعمال شهور و اعوام و ليالى و ايام و مقصود ازين باب در
دوازده فصل انشاء الله بيان شود **فصل اول** در اعمال
روز نوروز و فضايل آن مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام
كه عهد ولايت و خلافت امير المومنين عليه السلام در غدير خم
درين روز بود و درين روز حضرت صاحب الزمان صلوات الله عليه
ظهور خواهد نمود و بركات درين روز بسيار واقع شده
و مستحب است درين روز روزه داشتن و غسل كردن و جامهاى
پاكيزه پوشيدن و تعطير نمودن و خواندن هر يك از آية الكرسى

واين

و این دعا بعد دایام سال اللهم هذه سنة جدیدة و انت
ملك قدیم اسئلك خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بك
من شرها و شر ما فیها و استکفیك مؤنتها و شغلها
یا ذا الجلال و الاکرام و هر کس درین روز بعد از نماز عصر چهار رکعت
نماز کذارد در رکعت اول بعد از الحمد ده انا انزلناه و در دویم ده
قل یا ایها الکافرون و در سیوم ده قل هو الله احد و در چهارم
ده معوذتین بخواند و بعد از فراغ سجدهٔ شکر کند و در سجده
این دعا بخواند پنجاه سال کناهش امرزیده شود اللهم صل علی
محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و علی جمیع انبیائك
و رسلك بافضل صلواتك و بارك علیهم بافضل برکاتك
و صل علی ارواحهم و اجسادهم اللهم بارك علیهم
بافضل برکاتك و صل علی ارواحهم و اجسادهم
اللهم بارك علی محمد و آل محمد و بارك لنا فی یومنا
هذا الذی فضلته و کرمته و شرفته و عظمته
قدره اللهم بارك لی فی ما انعمت علی حتی لا اشکر
احدا غیرك و وسع علی فی رزقی یا ذا الجلال و الاکرام
اللهم ما غاب عنی من شیء فلا یغیبن عنی عونك و حفظك

وما فقدت من شيء فلا يفقدني عونك عليه حتى لا اتكلف ما لا احتاج اليه يا ذا الجلال والاكرام
ونوشتن هفت سلام با مشك وزعفران وگلاب اشاميدن
آن امانست تا نوروز دیگر از علل و امراض چنانکه مشهور است
و در مجموعه نیز بنظر رسیده مروي از حضرت امير المومنين
صلوات الله علیه وخوانده يا محول الحول والاحوال حول
حالنا الى احسن الحال بعد دايام سال مشهور است اما حديثي
بنظر نرسیده فصل دويم در اعمال هر ماه که اختصاص بماهي
ندارد در روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلى الله
علیه وآله وسلم چون ماه نو میدیده اند میگفته ايها المطيع
الدائب السريع المتصرف في ملكوت الجبروت
بالتقدير ربي وربك الله اللهم اهله علينا بالامن
والايمان والسلام والسلامة والاحسان وكما
بلغتنا اوله فبلغنا اخره واجعله شهرا مباركا
تمحو فيه السيئات وتثبت لنا فيه الحسنات وترفع لنا
فيه الدرجات يا عظيم الخيرات و اگر خواهد دعاي
صحيفه كامله را بخواند اتم واكمل استو هر كس وقت دیدن ماه

مرتبه الحمد بخواند دران ماه چشمش از رمد ایمن باشد وهرکس اول ماه پنیر
بخورد امید هست که درانماه دعا وحاجتش روا شود واول هر ماه
دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد الحمد سی مرتبه قل هو الله احد
ودر دویم سی مرتبه انا انزلناه بخواند وانچه مقدور شود تصدق
کند وسلامت ان ماه را از خدا تعالی بخرد وهرکس در ماه حضرت
امام حسین علیه السلام را زیارت کند ثواب صد هزار شهید از
شهدا بدر یابد وسنت است در هر ماه سه روز روزه داشتن
پنجشنبه اول واخر ماه وچهارشنبه میان ماه که برابر است
با صوم دهر ووسوسه خاطر را دفع کند از ائمه طاهرین علیهم السلام
از سبب این روزه سوال نمودند فرمودند پنجشنبه برای انکه
اعمال در پنجشنبه بر خدا تعالی عرض میشود خوبست با روزه عرض
شود وچهارشنبه میان ماه روز عذابست وارکان اتش
در چهارشنبه افریده شده وخدا تعالی جمیع امم سابقه را در چهارشنبه
میان ماه عذاب کرده وروزه امانست از عذاب واگر در اول ماه
دو پنجشنبه باشد اول افضل است واگر اخر دو پنجشنبه باشد هم
اخر افضل است واگر بسبب مانعی یا مشقتی روزه گرفتن دشوار
باشد قضا کنند یا یکدرهم تخمینا هفتاد دینار است یا یک مد گندم

یا غیر ان از طعامها که تخمینا بوزن تبریز یکجاریک است تصدق کنند
و روایات بسیار آمده که تصدق افضل است و در یکی ازین روایات
آمده که اینقدر تصدق در نظر راوی کم نمود امام علیه السلم فرمود
مؤمنی را طعام دادن افضل است از یکماه روزه گرفتن و نیز مرویست
که هر کس در یکی از ماههای حرام که رجب و ذو القعده و ذو الحجه
و محرم است پنجشنبه و جمعه و شنبه روزه گیرد عبادت هشتصد
ساله برایش نوشته شود فصل سیوم در اعمال ماه محرم
الحرام این ماه اول سنه هجریه است و مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلم که هر کس هر سال روز اول این ماه دو رکعت نماز گذارد بعد از
سلام سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَبَدِیُّ الْقَدِیْمُ
الْعَفُوُّ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ وَهٰذِهٖ سَنَةٌ جَدِیْدَةٌ
فَاَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ فِیْهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ وَالْعَوْنَ
عَلٰی هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوْءِ وَالْاِشْتِغَالِ بِمَا
یُقَرِّبُنِیْ اِلَیْكَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ
وَالْاِنْعَامِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ خدای تعالی دو ملك بر و موکل
گرداند که در بقیه سال شیطان را ازو دفع کنند و از متابعت نفس
اماره پیروی کردن ازو محافظتش نمایند و بر طاعات و حسنات

اعانت کنند و روز دهم این ماه قضیهٔ عظمی کربلا واقع شد و بنی امیه
واتباع ایشان لعنهم الله درین روز تبرك کردند و روزه گرفتند
وهر کس درین روز روزه گیرد و بآن تبرك کند با آل زیاد لعنهم الله
در جهنم باشد و هر کس درین روز ذخیره گذارد خدا تعالی نفاق در دل وی
اندازد و برکت از وی و از اهل و اولاد وی و اهل بیتش بردارد و شیطان در آن
شریك شود و اگر سعی در کاری از کارهای دنیا کند ساخته نشود و
اگر شود مبارك نباشد و هر کس درین روز دست از حوایج دنیا
باز دارد خدا تعالی حوایج دنیا و آخرت وی را برآرد و اعظم مستحبات
درین روز مشغول مصیبت حضرت امام حسین و اهل بیت و اقربا
واصحاب او علیهم السلام که اعظم واشد بلایا است بودن و بهیات
مصیبت زدگان محزون و گریان نشستن و جامه و گریبان گشودن
و تا یکساعت بعد از عصر دست از طعام و شراب و لذات و شهوات
کشیدن و بعد از آن باندك تربت مقدس افطار نمودن که هر کس
امروز را روز گریه و مصیبت خود گرداند خدا تعالی روز قیامت را
روز فرح و مسرت او گرداند و هر کس مصیبت علیهم السلام را یاد کند و بگرید
و دیگری را بگریاند روز قیامت با ایشان در درجه ایشان باشد و چشمش
نگرید در روزی که همه چشمی گریان باشد و هر کس یك قطره اشك بریزد

اهل بیت ع

برای دلی که از ایشان رنجیده یا حقی که بظلم از ایشان رفته یا عرضی که

بحرمت کشته یا برای یکی از شیعیان یکحقب در بهشت باشد

وحقب را بهشتاد سال وبیشتر نیز تفسیر کرده اند وکریه برای حضرت

امام حسین علیهم السلام کناهان عظیم را بریزد وهرکس بر انحضرت کریه

کند واشکش بر رویش روان شود همه کناهانش صغیر وکبیر وقلیل

وکثیر آمرزیده شود واکر مرثیه در شان انحضرت بخواند وبکرید

ودیکری را بکریاند واکر کریه نیاید خود را کریه ناک کرداند بهشت

اورا واجب شود وهرکس زیارت انحضرت صلوات الله علیه کند

روز قیامت هیچ کناه برو نباشد وهرکس قاتلانش را لعنت کند

در غرفهای بهشت با اهل بیت طاهرین علیهم السلام باشد وهرکس هرکاه

یاد انحضرت کند بکوید یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا

عظیما چنانست که در خدمت انحضرت شهید شده باشد

وهرکس بفرح ایشان فرحناک وبحزن ایشان محزون باشد با ایشان

در درجات عالی باشد وهرکس شب عاشورا در پیش قبر انحضرت

علیه السلام بکذراند چنانست که در عرصهٔ کربلا در خدمت انحضرت

شهید شده باشد ودر خون غلطیده باشد وهرکس روز عاشورا

زیارت قبر مقدس انحضرت کند چنانست که خدا تعالی را در عرش

زیارت

زیارت کند بهشت او را واجب شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود هر کس روز عاشورا کریان زیارت قبر آنحضرت کند ثواب دو
هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه که در خدمت حضرت پیغمبر و
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین کرده باشد برای او ثبت شود
و اگر از آن مکان دور باشد و نتواند بآنجا حاضر شدن و چون روز
بلند شود پیش از زوال بصحرا بیرون رود یا بر بامی بلند بر آید و بر آن
حضرت سلام کند و گریه و نوحه کند و دو رکعت نماز گذارد و بر
قاتلانش بسیار لعنت کند و اهل بیت خود را بر گریه دارد و در
خانه خود مصیبت بر پای دارد و یکدیگر را التعزیه کنند و بگویند
أَعْظَمَ اللهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَ
اِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ
مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ من ضامنم که چون چنین کنند همه ثواب ها
مصیبت هر نبی و رسول و وصی و صدیق و شهید از اول دنیا تا روز
قیامت برای ایشان نوشته شود راوی پرسید که طریقه تعلیم کن
مرا که از دور و نزدیک زیارت کنم فرمود باین طریقه زیارت کن
اول تکبیر بگوی بعد از آن چنین سلام کن که مذکور میشود بعد از آن
دو رکعت نماز بگذار که خدای تعالی صد هزار هزار حسنه برای تو نویسد و

چنان باشد که در خدمت آنحضرت شهید گشته باشی و با شهدا در

درجه ایشان شریک باشی بحیثیتی که هیچ از ایشان ممتاز نباشی و ثواب

زیارت هر نبی و رسول و ملک و هر کس زیارت آنحضرت کرده از روزی که

شهید شده برای تو نوشته شود که هر روز چنین زیارت کنی

همین ثواب داشته باشی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ

عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ

وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ

نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَ

الْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ

بِفِنائِکَ وَاَناخَتْ بِرَحْلِکَ عَلَیْکُمْ مِنّی جَمیعاً سَلامُ اللهِ

ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ یا اَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ

الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصیبَةُ بِکَ عَلَیْنا وَعَلی جَمیعِ

اَهْلِ السَّمٰواتِ لَقَدْ عَظُمَ مُصابی بِکَ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذی

اَکْرَمَ مَقامی وَاَکْرَمَنی بِمَقامی هٰذا اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ

ثارِکَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُوبٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی عِنْدَکَ وَجیهاً بِالْحُسَیْنِ فِی الدُّنْیا وَ

الْاٰخِرَةِ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ وَاِلی

امير المؤمنين والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك
وبالبراءة ممن قاتلك ونصب لك الحرب وبالبراءة
وممن اسس اساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى ظلمه
وجوره عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله و
الى رسوله واليكم بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبراءة
من اعدائكم والناصبين لكم الحرب والبراءة من
اشياعهم واتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن
حاربكم وولي لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فاسأل الله
الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني
البراءة من اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا والآخرة
وان يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا و
الآخرة واسأله ان يبلغني المقام المحمود الذي لكم
عند الله وان يرزقني طلب ثاري مع امام هدى ظاهر
ناطق منكم واسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده
ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته
مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي
جميع السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا

ممن تنال منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل
محياي محيا محمد وال محمد ومماتي ممات محمد وال محمد
اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن اكلة
الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك
في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك بعد ازان صد مرتبه
بگوی السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح التي حلت
بفنائك واناخت برحلك عليك مني سلام الله ما بقيت
وبقي الليل والنهار ولا جعله الله اخر العهد مني لزيارتك
السلام على الحسين وعلى علي ابن الحسين وعلى اصحاب
الحسين بعد ازان سجده کن وبگوی اللهم لك الحمد حمد
الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي
اللهم ارزقني شفاعة الحسين واصحاب الحسين الذين
بذلوا مهجهم دون الحسين عليه الصلوة والسلام فصل
چهارم در اعمال ماه صفر بعضی از اعاظم علما در کتب خود نقل
کرده اند که هر روز این ماه ده مرتبه این دعا بخوانند از بلاهای که درین
ماه نازل شود ایمن گردد یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز
یا عزیز یا عزیز ذلت بعزتك جميع خلقك فاكفني شر

خلقك یا مجمل یا منعم یا مفضل یا لا اله الا انت سبحانك
انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم
وکذلك ننجی المؤمنین وصلی الله علی محمد واله الطیبین
ومستحب است در بیستم این ماه که اربعین عاشور است زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام مرویست از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
که پنج چیز از علامات مؤمن است صلوة احدی وخمسین وزیارت
اربعین وتختم بیمین وتعفیر جبین وجهر ببسم الله الرحمن الرحیم
پس چون خواهد زیارت کند وقت ارتفاع روز بگوید السلام
علی ولی الله وحبیبه السلام علی خلیل الله ونجیبه
السلام علی صفی الله وابن صفیه السلام علی الحسین
المظلوم الشهید السلام علی اسیر الکربات وقتیل
العبرات اللهم انی اشهد انه ولیك وابن
ولیك وصفیك وابن صفیك الفائز بکرامتك
اکرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبیته
بطیب الولادة وجعلته سیدا من السادة وقائدا
من القادة وذائدا من الذادة واعطیته مواریث الانبیاء
وجعلته علی خلقك من الاوصیاء فاعذر فی الدعاء و

منح النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك من
الجهالة وحيرة الضلالة وقد تآزر عليه من غرته الدنيا
وباع حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته بالثمن الا
وكس وتغطرس وتردى في هواه واسخطك واسخط نبيك
واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار
المستوجبين للنار فجاهدهم فيك صابرا محتسبا حتى
سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم
لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما السلام عليك يا بن رسول الله
السلام عليك يا بن سيد الاوصياء اشهد انك
امين الله وابن امينه عشت سعيدا ومضيت حميدا
ومت فقيدا مظلوما شهيدا وانا اشهد انك وفيت
بعهد الله وجاهدت في سبيله حتى اتاك اليقين
فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله
امة سمعت بذلك فرضيت به اللهم اني اشهدك
اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يا بن
رسول الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة
والارحام الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها

ان الله منجز ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك واشهد

ولم

وكم تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد انك من
دعائم الدين واركان المسلمين واشهد انك الامام
البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان
الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى
والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد
اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني وخواتيم
عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع
ونصرتي لكم معدة حتى يأذن الله لكم فمعكم معكم
لا مع عدوكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم
واجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم و
وباطنكم امين يا رب العالمين بعد ازان دو ركعت نماز
گذارد وهر دعا که خواهد بخواند فصل نهم در اعمال ماه
ربيع الاول اکثر شيعه بر انند که در نهم اين ماه قتل حضرت
عمر ابن الخطاب رضي الله تعالى عنه واقع شده واهل تواريخ وبعضي
از علماء شيعه درين خلاف کرده اند اما حديثي صريح درين روز
روايت شده وخلاصه مضمون آن چنانست که دو کس از شيعيان گويند
روز نهم ربيع الاول بود که رفتيم بخانه محمد بن اسحق قمي که از اعاظم

اصحاب امام علی النقی بود محمد غسل کرده از خانه بیرون آمد و هنوز
ازار نگشوده بود و اعضای خود را خشک میکرد ما را از وضع او
تعجب روی داد گفت نه چنانست که شما گمان کرده اید بلکه امروز
عیدیست و من غسل کرده ام گفتیم شعبان را بغیر اضحی و فطر و عید
غدیر و جمعه عید دیگر هست گفت بلی پس ما را بخانه برده نشستیم پس گفت
من با جماعتی شیعیان درهمین روز که نهم ربیع الاول است رفتیم
بخدمت مولای خود حضرت امام علی النقی علیه السلام و آنحضرت
هر یک از ملازمان و خدام را فرموده جامهای نو پوشیده بودند
و مجمره در پیش آنحضرت بود تبخیر میفرمود ما گفتیم پدر و مادر ما
فدای تو باد مگر اهل بیت را فرح و عیدی تازه شده فرمود کدام
روز نزد اهل بیت حرمتش عظیمتر است از امروز حذیفه بن
الیمان درهمین روز بخدمت جدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
رفت آنحضرت با امیر المومنین و حسن و حسین علیهم السلام طعام
تناول میفرمودند و آنحضرت در روی ایشان تبسم و شکفتگی می
نمود و با حسنین میفرمود بخورید نوشتان باد پس بخدمت حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه رفتیم فرمود ای حذیفه یاد می آری
امروز را که بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدی و فضایل

امروز را

آنروز را ایشان فرمود گفتم بلی فرمود والله که امروز همان روز است و معنی
اینست احادیث دیگر که در فضل این روز روایت شده مثل آنکه هرکس
درین روز صدقه و احسانی کند آمرزیده شود و نیز بعضی علما نقل
کرده اند که مستحب است درین روز اطعام مؤمنان و احسان و بوی خوش
باایشان و توسعه در نفقه و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت
کردن اما روزه درین روز روایت نشده و هفدهم این ماه مولد
حضرت پیغمبر است صلی الله علیه و آله و سلم و روزه این روز برابر
یکسال روزه است و مستحب است درین روز تصدق کردن و زیارت
مشاهد مقدسه نمودن فصل ششم در اعمال ماه رجب المرجب
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ماه رجب ماهیست عظیم
الشان رفیع المنزلة و منسوب بحضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
خدا تعالی درین ماه حسنات مضاعف کند و سیئات محو کرد اند
و مستحب است احیا داشتن شب اول اینماه و مرویست که هرکس یکشب
درین ماه احیا دارد آتش دوزخ بر وحرام شود و شفاعتش برای
هفتاد هزار کس از گناه کاران مقبول باشد و مرویست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مقبره میگذشت لمحه توقف فرمود
پس از آنجا گذشت از سبب توقف سوال نمودند فرمود اهل این مقبره

تا آنکه بعد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
آن کرد آنچه کرد و غصب کرد فدک حضرت
فاطمه صلوات الله علیها را و بغیر حق نمود
و خدا تعالی اجابت فرمود و در روز
ربیع الاول کشته شد صح

مُعَذَّب بودند برایشان ترحم کردم و از خدا تعالی خواستم که عذاب
از ایشان تخفیف فرمود و اگر ایشان یکروز از ماه رجب روزه می
گرفتند و یکشب بعبادت برمیخواستند از ین عذاب ایمن می بودند
و هر مومن و مومنه که یکروز ازین ماه روزه دارد و یکشب بعبادت
برخیزد خدا تعالی ثواب یکساله روزه و عبادت هزار حج و هزار عُمره
و هزار جهاد و هزار عتق رقبه از اولاد اسمعیل و هزار دینار طلا
تصدق عطا فرماید و چنانست که اسیران امت مرا بخرد و آزاد
کند و هزار گرسنه سیر کند و از عذاب قبر و هول منکر و نکیر ایمن شود
کسی تعجب نموده گفت اینهمه ثواب برای کسیست که یکروز روزه گیرد و
یکشب بعبادت برخیزد درین ماه فرمود بلی برای کسی که انکار قدرت
خدا نکند بر اینکه اینقدر عبادت را اینهمه ثواب تواند داد فرمود اگر
کسی قادر بر خواستن شب نباشد بعد از نماز عشا قبل از وتیره دو رکعت
نماز گذارد در هر سوره که خواهد بخواند از خدا تعالی امید دارم که این همه
ثواب باو عطا فرماید و نیز مرویست هر کس درین ماه تصدقی کند
برای خدای و امید ثواب خدای تعالی در بهشت آنقدر ثواب عطا
فرماید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچکس نرسیده
باشد و مستحب است شب اول این ماه خواندن این دعا بعد از نماز عشا

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ اَنَّكَ مَلِكٌ وَاَنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ

مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ مَا تَشَآءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ

اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّی اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّكَ

وَرَبّی لِيُنْجِحَ طَلِبَتی اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْاَئِمَّةِ

مِنْ اَهْلِ بَيْتِهٖ اَنْجِحْ طَلِبَتی بعد از ان حاجتی که خواهد بخواهد

و هر کس روز اول این ماه زیارت امام حسین علیه السلام کند

گناهانش آمرزیده شود البته و نیز مرویست که هر کس روز اول

و میان و آخر این ماه غسل کند از گناه پاك شود مثل روزی که

متولد شده و سلمان فارسی رحمة الله روایت کند از حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر کس درین ماه سی رکعت

نماز گذارد در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه قل هو الله احد

و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند ده رکعت در اول ماه و

بعد از فراغ دستها برداشته بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ

لَا شَرِيكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِی وَيُمِيتُ وَهُوَ حَیٌّ

لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ

لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ

مِنكَ الحَمدُ دستها بر رو بمالد و ده رکعت درمیان ماه وبعد از
فراغ دستها برداشته بگوید لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریكَ
لَهُ لَهُ المُلكُ وَلَهُ الحَمدُ یُحیِی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا
یَمُوتُ بِیَدِهِ الخَیرُ وَهُوَ عَلیٰ كُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اِلهاً
واحِداً اَحَداً صَمَداً لَم یَتَّخِذ صاحِبَةً وَلا وَلَداً ه
و دستها بر رو بمالد و ده رکعت در آخر ماه وبعد از فراغ دستها
برداشته بگوید لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریكَ لَهُ لَهُ
المُلكُ وَلَهُ الحَمدُ یُحیِی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ
بِیَدِهِ الخَیرُ وَهُوَ عَلیٰ كُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ وَصَلَّی اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیم
و دستها بر رو بمالد و حاجتی که خواهد طلب نماید مستجاب شود
خدا تعالی میان او و جهنم هفت خندق فاصله کند که عرض هر خندق
مثل ما بین آسمان و زمین باشد و بهر رکعت هزار هزار رکعت
برایش نویسد و با امنیت و سلامت از صراط بگذرد و چنان
باشد که تمام این ماه روزه داشته باشد و تا سال دیگر از جمله نماز
گذارندگان نوشته شود و هر روز ثواب شهیدی از شهداء
بدر برایش نویسند و هر یک روز که درین ماه روز دارد عباد

یک عباد

یکساله نویسند و هزار درجه بلند کرداند و هم از انحضرت صلوات الله
علیه مرویست که ثواب روزه هر روز این ماه را پایان فرمود چنانکه
در باب سابق کذشت بتفصیل بعد از ان سوال کردند که اکر کسی نتواند
روزه کرفتن چکند تا این ثواب دریابد فرمود هر روز درین ماه یک نان
تصدق کند بخدا قسم که همه ان ثواب بیابد و بیشتر از ان و اکر همه
خلق اسمان و زمین جمع شوند عشر ثوابیان نتوانند نوشت پرسیدند
که اکر قادر برین تصدق نباشد چه کند فرمود هر روز صد مرتبه بکوید
سُبْحَانَ الإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ
إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الأَعَزِّ الأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ
بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ
و نیز مرویست که خدای تعالی فرموده هر کس در رجب هزار مرتبه بکوید
أَسْتَغْفِرُ اللهَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ
وَالْآثَامِ اکر او را نیامرزم پس من خدای شما نباشم و سه مرتبه
چنین فرمود و مستحب است هر روز درین ماه خواندن این دعا
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ
مِنْكَ وَيَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
وَأَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنَا

العبد الذليل اللهم صل على محمد واله وامنن بغناك على
فقري وبحلمك على جهلي وبقوتك على ضعفي يا قوي
يا عزيز اللهم صل على محمد واله الاوصياء المرضيين
واكفني ما اهمني من امر الدنيا والاخرة يا ارحم الراحمين
و نیز هر روز این ماه این دعا بخوانند که مرویست از حضرت صاحب
الزمان صلوات الله عليه اللهم اني اسئلك بمعاني جميع
ما يدعوك به ولاة امرك المأمونون على سرك المستبشرون
بامرك الواصفون لقدرتك المعلنون لعظمتك
اسئلك بما نطق فيهم من مشيتك فجعلتهم معادن
لكلماتك واركانا لتوحيدك واياتك ومقاماتك التي
لا تعطيل لها في كل مكان يعرفك بها من عرفك
ولا فرق بينك وبينها الا انهم عبادك وخلقك
فتقها ورتقها بيدك بدؤها منك وعودها اليك
اعضاد واشهاد وامناء واذواد وحفظة ورواد
فبهم ملأت سماءك وارضك حتى ظهر ان لا اله الا
انت فبذلك اسئلك بمواقع العز من رحمتك و
بمقاماتك وعلاماتك ان تصلي على محمد واله وان تزيدني

ايمانا وتثبيتا يا باطنا في ظهوره وظاهرا في بطونه ومكنونه
يا مفرقا بين النور والديجور يا موصوفا بغير كنه ومعروفا
بغير شبه حاد كل محدود وشاهد كل مشهود وموجد
كل موجود ومحصي كل معدود وفاقد كل مفقود ليس
دونك من معبود اهل الكبرياء والجود يا من لا
يكيف بكيف ولا يؤين باين يا محتجبا عن كل عين
يا ديموم يا قيوم وعالم كل معلوم صل على محمد وآله
وعلى عبادك المنتجبين وبشرك المحتجبين وملائكتك
المقربين والبهم الصافين الحافين وبارك لنا في
شهرنا هذا المرجب المكرم وما بعده من الاشهر
الحرم واسبغ علينا فيه النعم واجزل لنا فيه القسم
وابرر لنا فيه القسم باسمك الاعظم الاعظم الا
جل الاكرم الذي وضعته على النهار فاضاء وعلى
الليل فاظلم واغفر لنا ما تعلم منا ولا نعلم واعصمنا
من الذنوب خير العصم واكفنا كوافي قدرك وامنن
علينا بحسن نظرك ولا تكلنا الى غيرك ولا تمنعنا
من خيرك وبارك لنا فيما كتبته لنا من اعمارنا واصلح لنا

حقيقة اسرارنا واعطنا منك الامان واستعملنا بحسن
الايمان وبلغنا شهر الصيام وما بعده من الايام و
الاعوام يا ذا الجلال والاكرام و نيز هر روز اين دعا
بخواند اللهم انى اسئلك بالمولودين فى رجب محمد بن
على الثانى وابنه على بن محمد المنتجب واتقرب
بهما اليك خير القرب يا من اليه المعروف طلب
وفيما لديه رغب اسئلك سؤال مقترف مذنب قد
اوبقته ذنوبه التوبة وحسن الاوبة والنزوع
عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو عما فى
ربقته فانت يا مولاى اعظم امله وثقته اللهم
واسئلك بمسائلك الشريفة ووسائلك المنيفة
ان تتغمدنى فى هذا الشهر برحمة منك واسعة و
نعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة الى نزول الحافرة
ومحل الاخرة وما هى اليه صائرة و هر كس در ماه رجب
وشعبان ورمضان هر روز و هر شب هر يك از الحمد واية الكرسى
وقل اقل اربع سه مرتبه و سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

واوثقته عيوبه فطال على الخطايا دؤوبه ومن الرزايا خطوبه

هر یک را سی مرتبه بخواند و اللّٰهم صلّ علی محمد و آل محمد عدد کلّ ملکٍ و نبیٍ ا سه مرتبه و اللّٰهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات سه مرتبه و استغفر الله چهارصد مرتبه و در روایت دیگر سه مرتبه انا انزلناه و سه مرتبه اللّٰهم اغفر لی و لوالدیّ و ارحمهما کما ربیانی صغیراً نیز آمده همه گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهٔ آسمان و قطرهٔ باران و برگ درختان و کف دریا و ریگ بیابان باشد و بعدد هر حرف ازین ورد شفاعت دوستان و آشنایان کند و هر کس درین سه ماه این عمل بجا آورد اگر چه در مدت عمر یکمرتبه باشد بعدد هر حرف ازان هفتاد هزار حسنه عطا فرماید که هر یک سنگین تر از کوه احد باشد و هفتصد حاجتش بر آورده شود در وقت قبض روح و هفتصد در قبر و هفتصد در وقتی که از قبر بیرون آید و هفتصد وقتی که نامهای اعمال در اطراف متفرق باشند و هفتصد در وقت میزان و هفتصد در وقت صراط

عمل رغائب هر کس پنجشنبه اول این ماه روزه گیرد و شب جمعهٔ اول که آنرا شب رغایب گویند میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد الحمد سه مرتبه انا انزلناه و دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند هر دو رکعت بیک سلام و چون از مجموع نماز فارغ شود

هفتاد مرتبه صلوات فرستد بعد ازان سجده کند و هفتاد مرتبه بگوید

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِکَةِ وَالرُّوحِ بعد ازان سر بردارد

و هفتاد مرتبه بگوید رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ بعد ازان مرتبه دیگر سجده کند و همانکه

در سجده اول کفته بود هفتاد مرتبه بگوید و حاجتی که داشته باشد در

سجود بخواهد مستجاب شود اکرچه مثل کف دریا و وزن کوهها و

برك درختان و ریك بیابان باشد و شفیع هفتصد کس از اهل بیت

خود باشد که همه مستوجب آتش باشند عمل ایام بیض هرکس ایام

این ماه روزه کیرد و شبهایش بعبادت برخیزد و شب پانزدهم

صد رکعت نماز کذارد در هر رکعت ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون

فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار کند شر اهل آسمان و زمین و شر

ابلیس و جنودش از و دفع شود و اکر در انماه بمیرد شهید باشد

و هزار حاجتش بر اورده شود پانصد در دنیا و پانصد در آخرت

و نیز مرویست که هرکس درین شب دوازده رکعت نماز کذارده

در هر رکعت بعد الحمد سی مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فراغ

صد مرتبه استغفار و تمجید و تکبیر کند و اکر باین عبارت کوید بهتر

بود أَسْتَغْفِرُ اللهَ ذَا الْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ تا انش از سیاه دیکر خطیه

برو ننویسند و بعد دهر قطره که در ان سال از آسمان آید حسنه بنویسند
و بعد دهر رکوع و سجود که کرده در بهشت قصری از زبرجد سبز
و بعد دهر حرف قران که خوانده شهری از یاقوت سرخ عطا فرمایند
و تاج کرامت بر سرش نهند و مستحب است در روز پانزدهم این ماه زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام عمل استفتاح کیفیت این عمل در کتب
ادعیه بانحاء مختلفه مذکور است و مستند هیچیک از انها در احادیث
معلوم نیست و احتمال دارد که مشایخ رحمهم الله اعمال دیگر را که هر کدام
علیحده برای روز پانزدهم روایت شده باشد با عمل استفتاح مخلوط
ذکر کرده باشند و سبب اختلاف و تشویش گشته باشد اما کیفیت
آن بنحوی که در احادیث روایت شده آنست که فاطمه نام زنی بود از
ذریت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از اولاد امام حسن علیه السلام حضرت
امام جعفر علیه السلام را شیر داده بود پسر او داود را منصور خلیفه عباسی
مدتی محبوس کرده اراده قتل داشته روزی فاطمه بخدمت حضرت
صادق علیه السلام غمگین و محزون رفت آنحضرت فرمود ماه رجب نزدیکست
ایام بیض ان ماه روزه بگیر و روز پانزدهم اول ظهر غسل کن و هشت رکعت
نوافل ظهر را بگذار و در رکعت اول بعد الحمد الم نشرح و در دویم
قل یا ایها الکافرون و در سیوم انا انزلناه و در چهارم اذا زلزلت

ودر رکعتهای دیکر مثل این سورهای کوتاه بخوان وبعد از نماز ظهر هشت
رکعت دیکر بکذار در اول بعد الحمد قل هو الله احد ودر دویم قل اعوذ
برب الفلق ودر سیوم قل اعوذ برب الناس ودر چهارم انا اعطینا
بخوان ورکوع وسجود وقنوت نمازها را خوب بجا بیاور وبعد از
اتمام هشت رکعت دو رکعت دیکر بکذار در هر رکعت بعد الحمد بیست وپنج
مرتبه آیة شهد الله وصد مرتبه یا قاضی حوایج السائلین بخوان و
باید که جامهای پاکیزه پوشیده در جای پاکیزه باشی که کسی نباشد
وحرف نزنی ومشغول نشوی بعد از آن نماز عصر در اول وقت بکذار
وچون سلام دهی تسبیحات اربع والحمد وآیة الکرسی وقل هو الله احد
وصلوات بر پیغمبر وآلش هر یک صد مرتبه بعد از آن سوره انعام وبنی اسرائیل
وکهف ولقمان ویس وصافات وحم سجده وحمعسق ودخان وحم
انا فتحنا واذا وقعت وسوره الملک ون والقلم واذا السماء انشقت
تا آخر قران بخوان واکر از خواندن قران عاجز باشی بجای آن الحمد
صد مرتبه وآیة الکرسی ده مرتبه وقل هو الله احد هزار مرتبه بخوان و
بعد از آن رو بقبله این دعا بخوان که اسم اعظم درین دعا است وفرمود
این دعا را دعای استفتاح با بن مسیب نام شده که هر کاه خوانده
شود خواننده شود درهای آسمان کشوده کردد وهمان ساعت حاجت او

دای

یا این بخواهند مستجاب شود فاطمه گوید چون این عمل بجا آوردم وخوابیدم
جمیع انبیا وملائکه را که درین دعا مدد کردند وصلوات بر ایشان فرستادم
در خواب دیدم که میگویند یا ام داود مژده باد ترا که ما همه برای تو دعا
کردیم وحاجتت مستجاب شد بیدار شدم اندک وقتی پیش نگذشت
که داود آمد وگفت در بند وزندان بودم که در نصف رجب بخواب
دیدم ترا که جماعتی بسیار در اطراف تو ایستاده بودند یکی از ایشان
با من گفت ای داود بدعای مادرت خدا تعالی ترا نجات داد
برخیز بیدار شدم رسول منصور ایستاده بود مرا از حبس بیرون آورد
وپنجهزار درم بمن داد روانه خدمت شدم دعا اینست صدق الله
الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللّٰهُ
أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَٰهَ
إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْكِرَامُ وَأَنَا
مِنَ الشَّاهِدِينَ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ
وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَلَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّهْبَةُ
وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ

ولك الامتنان ولك التسبيح ولك التقديس ولك التهليل
ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق
السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون السفلى
ولك الاخرة والاولى ولك ما ترضى به من الثناء والحمد
والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك على
وحيك والقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحل
كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر
لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك
والمخلوق لرأفتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك
اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور
المنتظر لامرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على
حملة العرش الطاهرين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين
وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وملائكة الجنان
وخزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال
والاكرام اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي
كرمته بسجود ملائكتك وابحته جنتك اللهم صل على
امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة

مِنَ الانسِ المترددة وبين محالِ القدسِ اللّهمّ صلِّ على هابيل
وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابراهيم واسمعيل
واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب
وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي
القرنين ويونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت و
داود وسليمان وذكريا وشعيا ويحيى وتورخ و
متى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون
وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة اللّهمّ
صلِّ على محمّد وآل محمّد وارحم محمّداً وآل محمّد وبارك على
محمّد وآل محمّد كما صلّيت وباركت ورحمت وترحّمت على
ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللّهمّ صلِّ على
الاوصياء والسعداء والشهداء وائمّة الهدى اللّهمّ
صلِّ على الابدال والاوتاد والسيّاح والعبّاد والمخلصين
والزهّاد واهل الجدّ والاجتهاد واخصص محمّداً واهل
بيته بافضل صلواتك واجزل كراماتك وبلّغ روحه
وجسده منّي تحيّة وسلاماً وزده فضلاً وشرفاً وكرماً
حتى تبلّغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيّين والمر

والافاضل المقربين وصل على من سميت ومن لم اسم من ملائكتك

وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي

اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك

اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك

وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسئلك اللهم

بكل ما سألك به احد منهم من مسئلة شريفة غير مردودة

وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن

يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل

يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير

يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور

يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط

يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد

يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل

يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي

يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب

يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح

يا نفاع يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا

الى كرمك

مكافي

مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام
يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس
يا ناصر يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي
يا مصور يا مسلم يا مجيب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم
يا جواد يا بارئ يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان
يا منان يا سميع يا خبير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا كريم
يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر
يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا واحد يا راصد
يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض
يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب
فدنا وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير
وله المقادير يا من العسير عليه يسير يا من هو على ما يشاء
قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا
ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع
الشتات يا رازق من يشاء وفاعل ما يشاء كيف يشاء
يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا
حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات

والارض يا الهي صل على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد
وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت ورحمت
وترحمت على ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد
وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي و
خضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي اليك
ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق
البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير
المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء من
اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته
دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك
مستجير اللهم واسئلك بانك مالك وانك ما تشاء
من امر تكن وانك على ما تشاء قدير واسئلك بحرمة
هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن
والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك عليه واله السلام
يا من وهب لادم شيث ولابراهيم واسحق ويا من رد
يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب
يا راد موسى على امه وزائد الخضر في علمه ويا من وهب

اسمعيل

لِداودَ سليمانَ ولِزكريّا يحيى ولِمريمَ عيسى يا حافِظَ بنتِ
شعيبٍ يا كافِلَ ولدِ موسى أسألُكَ أن تُصلّيَ على محمّدٍ وآلِ
محمّدٍ وأن تغفِرَ لي ذنوبي كلَّها وتُجيرَني مِن عذابِكَ
وتُوجِبَ لي رضوانَكَ وأمانَكَ وإحسانَكَ وغفرانَكَ
وجنانَكَ وأسألُكَ أن تفُكَّ عنّي كلَّ حلقةٍ بيني وبينَ
مَن يؤذيني وتفتحَ لي كلَّ بابٍ وتُلَيِّنَ لي كلَّ صعبٍ وتُسهِّلَ كُلّ
لي كلَّ عسيرٍ وتُخرِسَ عنّي كلَّ ناطقٍ بسوءٍ وتكُفَّ عنّي
كلَّ باغٍ وتكبِتَ كلَّ عدوٍّ لي وحاسدٍ وتمنعَ منّي كلَّ ظالمٍ و
تكفيَني كلَّ عائقٍ يحولُ بيني وبينَ حاجتي ويحاولُ أن يُفرِّقَ
بيني وبينَ طاعتِكَ ويُثبِّطَني عن عبادتِكَ يا مَن ألجَمَ
الجنَّ المتمرّدينَ وقهرَ عتاةَ الشياطينِ وأذلَّ رقابَ
المتجبّرينَ وردَّ كيدَ المتسلّطينَ عن المستضعفينَ أسألُكَ
بقدرتِكَ على ما تشاءُ وتسهيلِكَ لِما تشاءُ كيفَ تشاءُ
أن تجعلَ قضاءَ حاجتي فيما تشاءُ بعد از ان سجده كن و
هر دو روی را بر خاک بگذار و بگوی اللّهمّ لكَ سجدتُ
وبكَ آمنتُ فارحم ذُلّي وفاقتي واجتهادي وتضرُّعي
ومسكنتي وفقري إليكَ يا ربِّ وجهد کن تا اشک از چشم

بیاید اگرچه بقدر سر سوزنی باشد که علامت اجابت است و روز
بیست و پنجم این ماه روزه داشتن کفاره دویست ساله گناه است
عمل شبانه روز مبعث مرویست که شب بیست و هفتم رجب که حضرت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بنبوت مبعوث شده بهتر است
از هرچه آفتاب برو تابیده و نیز مرویست که در ماه رجب شبی هست
که هر کس در آن شب خواب بر خود حرام کند و مشغول عبادت باشد خدای تعالی
جسد اش را بر آتش حرام کند و هفتاد هزار ملک با او مصافحه نمایند
و برای او استغفار کنند تا آن شب از سال دیگر و مستحب است درین شب
صلوات بسیار بر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرستادن و هر کس از شیعیان
که درین شب عملی کند اجر شصت سال عبادت یابد کسی از حضرت امام محمد
تقی علیه السلام پرسید که درین شب چه عمل کنیم فرمود چون بعد از نماز خفتن
بخوابید و بیشتر از نصف شب هر وقت که بیدار شوید دوازده رکعت
نماز بگذارید و بعد از هر دو رکعت نشسته الحمد و معوذتین و قل هو الله
احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را
هفت مرتبه بخوانید بعد از آن بگوئید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا
وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ
وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَعَاقِدِ عِزِّکَ عَلَی اَرْکَانِ

عرشک

عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

الْاَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الْاَعْلَى الْاَعْلَى الْاَعْلَى وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وبعد از ان هر چه

خواهد دعا کند و مستحب است خواندن این دعا در این شب اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّي الْاَعْظَمِ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُكَرَّمِ

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا اَنْتَ بِهِ مِنَّا اَعْلَمُ

يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هٰذِهِ الَّتِي

بِشَرَفِ الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا وَبِكَرَامَتِكَ اَجْلَلْتَهَا وَبِالْمَحَلِّ

الشَّرِيفِ اَحْلَلْتَهَا اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَسْئَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِيفِ

وَالسَّيِّدِ اللَّطِيفِ وَالْعُنْصُرِ الْعَفِيفِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمَالَنَا فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي

مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً وَسَيِّئَاتِنَا

مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً وَاَرْزَاقَنَا مِنْ

لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى

وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى وَاِنَّ اِلَيْكَ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى وَاِنَّ

لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَى وَاِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْاُولَى اَللّٰهُمَّ اِنَّا

نَعُوذُ بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى وَاَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى اَللّٰهُمَّ اِنَّا

نسألك الجنة من رحمتك ونستعيذ بك من النار فأعذنا
منها بقدرتك ونسألك من الحور العين فارزقنا بعزتك
فاجعل أوسع أرزاقنا عند كبر سننا وأحسن أعمالنا عند
اقتراب آجالنا وأطل في طاعتك وما يقرب إليك و
يحظي عندك ويزلف لديك أعمارنا وأحسن في جميع أحوالنا
وأمورنا معرفتنا ولا تكلنا إلى أحد من خلقك فيمن علينا
وتفضل علينا بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدأ بآبائنا
وأبنائنا وجميع إخواننا المؤمنين في جميع ما سألناك لا
نفسنا يا أرحم الراحمين اللهم إنا نسألك باسمك العظيم
وملكك القديم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر
لنا الذنب العظيم إنه لا يغفر الذنب العظيم إلا العظيم
وهذا رجب المكرم الذي أكرمتنا به أول أشهر الحرم
وأكرمتنا به من بين الأمم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم
فأسألك به وباسمك الأعظم الأعظم الأجل الأكرم الذي
خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك إلى غيرك
أن تصلي على محمد وأهل بيته الطاهرين وأن تجعلنا مع العاملين
فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم اهدنا إلى

سواء

سواء السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل
ظلیل ومُلک جزیل فانک حسبنا ونعم الوکیل اللهم
اقلبنا مفلحین منجحین غیر مغضوب علیهم ولا الضالین
برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بعزایم
مغفرتک وبواجب رحمتک السلامة من کل اثم و
الغنیمة من کل برّ والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم
دعاک الداعون ودعوتک وسألک السائلون وسألتک
وطلب الیک الطالبون وطلبت الیک اللهم انت
الثقة والرجاء والیک منتهی الرغبة والدعاء اللهم
فصل علی محمد وآله واجعل الیقین فی قلبی والنور فی
بصری والنصیحة فی صدری وذکرک باللیل والنهار علی
لسانی ورزقا واسعا غیر ممنون ولا محظور فارزقنی وبارک
لی فیما رزقتنی واجعل غنای فی نفسی ورغبتی فیما
عندک برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از ان سجده کند و بگوید
الحمد لله الذی هدانا للمعرفة وخصنا بالولایة ووفقنا
لطاعته وصد مرتبه بگوید شکرا شکرا بعد از ان سر بردارد
وبگوید اللهم انی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک

بمسئلتی وتوجهت الیك بائمتی وسادتی اللهم انفعنا
بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة
فی زمرتهم برحمتك یا ارحم الراحمین ومستحب است غسل کردن درین
شب ودرین روز وروزه این روز برابر است باشصت ماه ودر روایت
دیگر هفتاد سال آمده ومستحب است درین روز دوازده رکعت نماز گزاردن
بعد الحمد هر سوره که خواهد بخواند وبعد از هر دو رکعت این دعا بخواند

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی
الملك ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا یا
عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا
غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی
یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت الساتر عورتی
فلك الحمد وانت المقیل عثرتی فلك الحمد وانت الناعش
صرعتی فلك الحمد صل علی محمد وآل محمد واستر عورتی
وآمن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز عن
سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون
وچون از مجموع نماز ودعا فارغ شود الحمد وقل هو الله احد ومعوذتین
وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی هر یك را هفت مرتبه

بخواند

بخواند بعد از ان هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله والله اکبر وسبحان
الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وهفت مرتبه بگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا وهر چه خواهد
دعا کند ومستحب است درین روز خواندن این دعا یا من امر بالعفو
والتجاوز یا من عفی وتجاوز اعف عنی وتجاوز یا کریم
اللهم وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة والمذاهب
ودرست الامال وانقطع الرجاء الا منک وحدک
لا شریک لک اللهم انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة
ومناهل الرجاء لدیک مترعة وابواب الاجابة لمن
دعاک مفتحة والاغاثة لمن استغاث بک مباحة
واعلم انک للداعی بموضع اجابة وللصارخ الیک
بمرصد اغاثة وان فی اللهف الی جودک والضمان بعدتک
عوضا من منع الباخلین ومندوحة عما فی ایدی المستأثرین
وانک لا تحتجب عن خلقک الا ان تحجبهم الاعمال
دونک وقد علمت ان افضل زاد الراحل الیک عزم
ارادة یختارک بها وقد ناجاک بعزم الارادة قلبی
فاسئلک بکل دعوة دعاک بها راج بلغته امله

وحمل علی نفسه العفو والتجاوز م

اوصارخ اليك اغثت صرخته اوملهوف مكروب فرجت
عن قلبه اومذنب خاطئ غفرت له اومعافى اتممت
نعمتك عليه اوفقير اهديت غناك اليه ولتلك
الدعوة عليك حق وعندك منزلة الاصليت على محمد
وال محمد وقضيت حوائجي حوائج الدنيا والاخرة وهذا
رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر
الحرم واكرمتنا به من بين الامم ياذا الجود والكرم ه
فنسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل
الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلايخرج
منك الى غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين
وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والاملين فيه
لشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل واجعل
مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل فانك حسبنا
ونعم الوكيل والسلام على عباده المصطفين وصلواته
عليهم اجمعين اللهم بارك لنا في يومنا هذا الذي
فضلته وبكرامتك جللته وبالمنزل الكريم انزلته
وصل على من فيه الى عبادك ارسلته وبالمحل الرفيع

احللته

اَحْلَلْتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلوٰةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا
دَة
وَلَنا ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنا مِنْ اَمْرِنا يُسْرًا وَاخْتِمْ لَنا بِالسَّعا
اِلىٰ مُنْتَهىٰ آجالِنا وَقَدْ قَبِلْتَ الْيَسيرَ مِنْ اَعْمالِنا وَبَلِّغْنا
بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ آمالِنا اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَسَلَّمَ • فصل هفتم

در اعمال شهر شعبان المعظم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که اینماه منسوب است بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و درین ماه
اعمال عباد را بالا برند و حسنات هفتاد برابر مضاعف شود و
سیئات محو گردد و گناهان آمرزیده شود و ارزاق مؤمنان درین ماه
کنند
قسمت شود و زیاده شود چنانکه در ماه رمضان و بهشت را زینت
و خدا تعالی از عرش نظر بر عابدان و روزه گیران این ماه و بایشان
با حمله عرش مباهات کند و فضایل روزه این ماه بتفصیل در باب
سابق گذشت و هر کس درین ماه صدقه دهد خدا تعالی آنرا تربیت
فرماید و زیاده گرداند تا روز قیامت مثل کوه احد باشد و روایت
دیگر آمده که هر کس درین ماه صدقه دهد اگرچه نصف خرمائی باشد
جسدش بر آتش حرام شود و هر کس هر روز درین ماه هفتاد مرتبه استغفار
کند گناهش آمرزیده شود اگرچه بعدد ستاره آسمان باشد و در زمرهٔ

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه علیهم السلم محشور شود و هر کس هر روز
درین ماه هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ خدای تعالی
برات از نار و جواز بر صراط و دخول دار القرار عطا فرماید و هر کس
هر روز درین ماه هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لَا إِلٰهَ إِلَّا
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَأَتُوبُ إِلَیْهِ خدای تعالی آنرا
در افق مبین ثبت کرده اند پرسیدند که افق مبین کدام است حضرت
امام علیه السلم فرمود صحرائیست در پیش عرش که در ان نهرهای جاریست
از بهشت و مستحب است در هر روز این ماه وقت ظهر و در شب نصف ماه
نیز خواندن این صلوة اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ
النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ
وَأَهْلِ بَیْتِ الْوَحْیِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ
الْجَارِیَةِ فِی اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ یَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَیَغْرَقُ مَنْ
تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ
لَهُمْ لَاحِقٌ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ
الْحَصِینِ وَغِیَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِینِ وَمَلْجَإِ الْهَارِبِینَ وَ
عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِینَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰةً
كَثِیرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضَاءً وَلِحَقِّهِمْ أَدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ

مِنكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ
طَاعَتَهُمْ وَوِلَايَتَهُمْ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ
قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ
مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ
وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهَذَا
شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ شَعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ
بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ بُخُوعًا
لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا
عَلَى الْاِسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ
وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا
وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا حَتَّى أَلْقَاكَ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي
غَاضِيًا فَأَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي
دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ ور روز سیوم این ماه حضرت
امام حسین علیه السلام متولد شده مستحب است درین روز روزه گرفتن
وخواندن این دعا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ

الموعود بشهادته قبل استهلاله وولادته بكته السماء و
من فيها والارض ومن عليها ولما يطا لابتيها قتيل
العبرة وسيد الاسرة الممدود بالنصرة يوم الكرة
المعوض من قتله ان الائمة من نسله والاوصياء
من عترته والشفاء في تربته والفوز معه في اوبته
بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا الاوتار ويثاروا
الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير انصار صلى الله عليهم
مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم اليك اتوسل و
اسال سؤال مقترف معترف مسيء الى نفسه مما
فرط في يومه وامسه يسالك العصمة الى محل رمسه
اللهم فصل على محمد وعترته واحشرنا في زمرته وبوئنا
معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم وكما اكرمتنا
بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته
واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلوة عليه
عند ذكره وعلى جميع اوصيائه واهل اصفيائه الممدودين
منك بالعدد الاثنى عشر النجوم الزهر والحجج على جميع
البشر اللهم وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وانجح

كُنَّا فِي كُلِّ طَلِبَةٍ بِحُكْمًا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ
عَاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ عَائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ
نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

عمل ایام ولیالی بیض مرویست که هر کس ایام بیض ماه شعبان
روزه کیرد خدای تعالی برایش هزار حسنه نویسد و هزار سیئه از و محو
کند و هزار درجه بلند کرداند کردانند و هر کس شب نصف شعبان
و عید فطر احیا دارد دلش نمیرد روزی که دلها مرده باشد و شب
نصف شعبان بعد از شب قدر بهترین شبها است درین شب
کناهان کبیره آمرزیده و حوایج براورده و دعا مستجاب شود و هر کس
درین شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند کناهان کذشته
و آینده اش آمرزیده شود و نیز مرویست که هر کس نصف شب شعبان
و شب فطر و شب عرفه در یکسال زیارت آنحضرت علیه الصلوة
والسلام کند خدای تعالی برایش هزار حج و هزار عمره نویسد و هزار
حاجتش را برارد در دنیا و آخرت و هر کس درین شب سُبْحَانَ اللّٰهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ هر یک را
صد مرتبه بکوید کناهان کذشته اش همه آمرزیده شود و حوایج
دنیا و آخرتش براورده کردد و خواه آنچه سوال کند و خواه آنچه نکند

وحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر کس درین شب بعد از نماز خفتن
دو رکعت نماز گذارد در رکعت اول بعد الحمد قل یا ایها الکافرون
و در دویم قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام سی و سه مرتبه سُبحانَ الله
و سی و سه مرتبه اَلحَمدُ لِلّٰهِ و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوید بعد از آن
بگوید یا مَن اِلَیهِ مَلجَأُ العِبادِ فِی المُهِمّاتِ وَاِلَیهِ یَفزَعُ الخَلقُ
فِی المُلِمّاتِ یا عالِمَ الجَهرِ وَالخَفِیّاتِ یا مَن لا یَخفی عَلَیهِ
خَواطِرُ الاَوهامِ وَالخَطَراتِ یا رَبَّ الخَلائِقِ وَالبَرِیّاتِ یا مَن
بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الاَرَضِینَ وَالسَّمٰواتِ اَنتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ
اَمُتُّ اِلَیکَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ فَیا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ اجعَلنی
فی هٰذِهِ اللَّیلَةِ مِمَّن نَظَرتَ اِلَیهِ فَرَحِمتَهُ وَسَمِعتَ دُعاءَهُ
فَاَجَبتَهُ وَعَلِمتَ استِقالَتَهُ فَاَقَلتَهُ وَتَجاوَزتَ عَن
سالِفِ خَطیئَتِهِ وَعَظیمِ جَریرَتِهِ فَقَد استَجَرتُ بِکَ مِن
ذُنُوبی وَلَجَأتُ اِلَیکَ فی سَترِ عُیُوبی اَللّٰهُمَّ فَجُد عَلَیَّ
بِکَرَمِکَ وَفَضلِکَ وَاحطُط خَطایایَ بِحِلمِکَ وَعَفوِکَ
وَتَغَمَّدنی فی هٰذِهِ اللَّیلَةِ بِسابِغِ کَرامَتِکَ وَاجعَلنی فیها
مِن اَولِیائِکَ الَّذینَ اجتَبَیتَهُم لِطاعَتِکَ وَاختَرتَهُم
لِعِبادَتِکَ وَجَعَلتَهُم خالِصَتَکَ وَصَفوَتَکَ اَللّٰهُمَّ

اجعلنى ممن سعد جده وتوفر من الخيرات حظه واجعلنى
ممن سلم فنعم وفاز فغنم واكفنى شر ما اسلفت واعصمنى
من الازدياد فى معصيتك وحبب الى طاعتك وما
يقربنى منك ويزلفنى عندك سيدى اليك يلجأ الهارب
ومنك يلتمس الطالب وعلى كرمك يعول
المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم وانت
اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور
الرحيم • اللهم فلا تحرمنى ما رجوت من كرمك ولا
تؤيسنى من سابغ نعمك ولا تخيبنى من جزيل قسمك
فى هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلنى فى جنة
من شرار بريتك رب ان لم اكن اهل ذلك فانت
اهل الكرم والعفو والمغفرة جد على بما انت اهله
لا بما استحقه فقد حسن ظنى بك وتحقق رجائى لك و
علقت نفسى بكرمك فانت ارحم الراحمين واكرم
الاكرمين اللهم واخصصنى من كرمك بجزيل قسمك
واعوذ بعفوك من عقوبتك واغفر لى الذنب الذى
يحبس على الخلق ويضيق على الرزق حتى اقوم بصالح رضاك

وانعم بجزیل عطائک واسعد بسابغ نعمائک وقد
لذت بحرمک وتعرضت لکرمک واستعذت
بعفوک من عقوبتک وبحلمک من غضبک فجد بما
سألتک وانل ما التمست منک اسألک بک لا شیء
هو اعظم منک بعد از ان سجده کند وبیست مرتبه بگوید یا رب
وهفت مرتبه یا الله وده مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله
بعد از ان صلوات بفرستد وهر حاجت که خواهد سؤال کند والله
که اگر بعدد قطرهٔ باران حاجت بخواهد که خدا تعالی بفضل وکرم خود
همه را عطا فرماید وهر کس درین شب ده رکعت نماز گذارد در هر رکعت
بعد الحمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند وچون فارغ شود سجده کند
ودر سجده بگوید اللهم لک سجد سوادی وخیالی وبیاضی
یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره
غیرک هفتاد دو هزار سیئه از وی محو شود وهفتاد دو هزار حسنه
نوشته شود از والدینش هفتاد هزار سیئه محو شود ودرین شب
حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه متولد شده واین
دعا که مرویست از انحضرت درین شب بخواند اللهم صل علی
محمد سید المرسلین وخاتم النبیین وحجة رب العالمین

فِی مِیثَاقِ الْمُصْطَفٰی فِی الضَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ کُلِّ اٰفَةٍ الْبَرِیِّ
مِنْ کُلِّ عَیْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ الْمُرْتَجٰی لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ
اِلَیْهِ دِیْنُ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ وَشَرِّفْ بُنْیَانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ
وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَاَضِئْ نُوْرَهُ وَبَیِّضْ وَجْهَهُ
وَاَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِیْلَةَ وَالْوَسِیْلَةَ وَالدَّرَجَةَ
الرَّفِیْعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُوْدًا یَغْبِطُهُ الْاَوَّلُوْنَ
وَالْاٰخِرُوْنَ وَصَلِّ عَلٰی اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِیْنَ
وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِیْنَ وَسَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِیْنَ وَصَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِیْنَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلِّ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ
عَلِیٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِیْنَ وَصَلِّ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ
وَوَارِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ
بْنِ عَلِیٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِیْنَ وَصَلِّ عَلٰی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِیْنَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلِّ عَلٰی مُوْسَی بْنِ جَعْفَرٍ
اِمَامِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِیْنَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

وصلّ على علي بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصلّ على محمد بن علي امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصلّ على
علي بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة
رب العالمين وصلّ على الحسن بن علي امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصلّ اللهم
على الخلف الهادي المهدي امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صلّ على محمد
واهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين
الابرار المتقين دعائم دينك واركان توحيدك
وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك الذين
اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم
لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك
وغشيتهم برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم
بحكمتك والبستهم نورك ورفعتهم في ملكوتك
وحففتهم بملائكتك وشرفتهم بنبيك صلواتك
عليه وعليهم صلوة كثيرة دائمة طيبة لا يحيط

بها الا انت ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها
احد غيرك اللهم صل على وليك المحيي سنتك
القائم بامرك الداعي اليك الدليل عليك حجتك
على خلقك وخليفتك في ارضك وشاهدك على
عبادك اللهم اعز نصره ومد في عمره وزين
الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين و
اعذه من شر الكائدين وازجر عنه ارادة الظالمين و
خلصه من ايدي الجبارين اللهم اعطه في نفسه و
ذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه
وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه
وبلغه افضل ما امله في الدنيا والاخرة انك على
كل شيء قدير اللهم جدد به ما امتحى من دينك واحي
به ما بدل من كتابك واظهر به ما غير من حكمك حتى يعود
دينك على يديه غضا جديدا خالصا لا شك فيه ولا
شبهة معه ولا باطل عنده ولا بدعة لديه اللهم نور
بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم
واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه

كُلَّ نَارٍ وَاَهْلِكْ بِعَدْلِهٖ كُلَّ جَوْرٍ وَاَجْرِ حِلْمَهٗ عَلٰى كُلِّ حِلْمٍ وَ
اَذِلَّ بِسُلْطَانِهٖ كُلَّ سُلْطَانٍ اَللّٰهُمَّ اَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ
وَاَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ وَاسْتَاصِلْ
مَنْ جَحَدَ حَقَّهٗ وَاسْتَهَانَ بِاَمْرِهٖ وَسَعٰى فِىْ اِطْفَاءِ نُوْرِهٖ
وَاَرَادَ اِخْمَادَ ذِكْرِهٖ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى وَعَلِيٍّ
الْمُرْتَضٰى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ الرِّضَا وَالْحُسَيْنِ
الْمُصْطَفٰى وَجَمِيعِ الْاَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجٰى وَاَعْلَامِ الْهُدٰى
وَمَنَارِ التُّقٰى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى وَالْحَبْلِ الْمَتِيْنِ وَالصِّرَاطِ
الْمُسْتَقِيْمِ وَصَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَوُلَاةِ عَهْدِهٖ وَالْاَئِمَّةِ
مِنْ وُلْدِهٖ وَمُدَّ فِىْ اَعْمَارِهِمْ وَزِدْ فِىْ اٰجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ
اَقْصٰى اٰمَالِهِمْ دِيْنًا وَدُنْيَا وَاٰخِرَةً اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
ايضاً مستحب است درين شب خواندن اين دعا اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا
وَمَوْلُوْدِهَا وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُوْدِهَا الَّتِىْ قَرَنْتَ اِلٰى فَضْلِهَا
فَضْلًا فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ
وَلَا مُعَقِّبَ لِاٰيَاتِكَ نُوْرُكَ الْمُتَاَلِّقُ وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ
وَالْعَلَمُ النُّوْرُ فِىْ طَخْيَاءِ الدَّيْجُوْرِ الْغَائِبُ الْمَسْتُوْرُ جَلَّ
مَوْلِدُهٗ وَكَرُمَ مَحْتِدُهٗ وَالْمَلَائِكَةُ شُهَّدُهٗ وَاللّٰهُ نَاصِرُهٗ

وَمُؤَيِّدُهٗ

ومؤيده إذا آن ميعاده والملائكة أمداده سيف الله
الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو
مدار الدهر ونواميس العصر وولاة الامر والمنزل عليهم
ما ينزل في ليلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة
وحيه وولاة امره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم
المستور عن عوالمهم وادرك بنا ايامه وظهوره وقيامه
وجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في اعوانه
وخلصائه واحينا في دولته ناعمين وبصحبته غانمين
وبحقه قائمين ومن السوء سالمين برحمتك يا ارحم الراحمين
والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين
والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين وعترته الناطقين ۲ والعن الظالمين ۲
واحكم بيننا وبينهم يا احكم الحاكمين ودر روز نصف اين ماه
ارواح انبيا عليهم السلام اذن خواسته بزيارت قبر حضرت امام
حسين عليه السلام آيند وهر كس درين روز زيارت قبر انحضرت كند
صد وبيست هزار پيغمبر با او مصافحه كنند ويكسال كناه بر وننو يسند
اكر سال دويم نيز زيارت كند كناهانش آمرزيده شود ودر روايت
ديكر آمده كه هر كس درين روز سه سال پي در پي زيارت انحضرت كند

کناهانش آمرزیده شود البته در شب آخر شعبان و شب اول
رمضان این دعا بخواند اللهم ان هذا الشهر المبارک الذی
انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی
والفرقان قد حضر فسلمنا فیه وسلمه لنا وتسلمه
منا فی یسر منک وعافیة یا من اخذ القلیل وشکر
الکثیر اقبل منی الیسیر اللهم انی اسألک ان تجعل
لی الی کل خیر سبیلا ومن کل خیر سبیلا ومن کل ما لا
تحب مانعا یا ارحم الراحمین یا من عفی عنی وعن ما
خلوت به من السیئات یا من لم یؤاخذنی بارتکاب
المعاصی عفوک عفوک عفوک یا کریم الهی وعظتنی
فلم اتعظ وزجرتنی عن محارمک فلم انزجر فما عذری
فاعف عنی یا کریم عفوک عفوک اللهم انی اسألک
الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم الذنب
من عبدک فلیحسن التجاوز من عندک یا اهل التقوی
واهل المغفرة عفوک عفوک اللهم انی عبدک وابن
عبدک ابن امتک ضعیف فقیر الی رحمتک وانت
منزل الغنی والبرکة علی العباد قاهر مقتدر احصیت

اعمالهم

اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم
خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد ولا يقدر العباد قدرك
وكلنا فقير الى رحمتك ولا تصرف عني بوجهك واجعلني
من صالح خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر اللهم
ابقني خير البقاء وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك
ومعاداة اعدائك والرغبة اليك والرهبة منك و
الخشوع والوقار والتسليم لك والتصديق بكتابك
واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قلبي من
شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر
او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر
او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب فاسئلك
يا رب ان تبدلني مكانه ايمانا بوعدك ووفاء بعهدك
ورضى بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك
واثرة وطمانينة وتوبة نصوحا اسئلك ذلك يا رب
العالمين الهي انت من حلمك تعصى ومن كرمك وجودك
تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم يعصك سكان
ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا

يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله صلوة لا تحصى
ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين

فصل هشتم در اعمال ماه مبارك رمضان مرويست از اهل بيت
طاهرين عليهم السلم كه اين ماه سيد ماهها است اولش رحمت است
و ميانش مغفرت و آخرش اجابت دعوت و ازادی از آتش
و حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم در فضايل اين ماه خطبه ادا
فرموده و مجمل مضمونش اينست كه اين ماه افضل ماهها است و يك نماز
تطوع در شبهای اين ماه مثل نماز هفتاد شب است در ساير ماهها
و اجر تطوع و تصدق و ساير اعمال خير درين ماه مثل اجر
فريضه است در غير اين ماه و فريضه درين ماه مثل هفتاد فريضه
است در غير آن و درين ماه اهل حاج و اعمار و ارزاق مردم
نوشته شود و ارزاق مؤمنان درين ماه زياد كردد و هر كس درين
ماه مؤمنی را افطار فرمايد چنانست كه بنده ازاد كند و كناهان
كذشته اش امرزيده شود كسی كفت ما همه قادر برين نيستيم فرمود
خود را از آتش نكاه داريد اكر چه بنصف خرما يا بشربت آب باشد
و هر كس درين ماه مشقت از خادم خود تخفيف دهد خدا تعالى
روز قيامت حساب او را تخفيف دهد و مؤمنان درين ماه

مهمان خدا واهل کرامت اوید نفسشان تسبیحست وخوابشان
عبادت ودعایشان مستجاب وعملشان مقبول پس درین ماه
بنیتهای صادق ودلهای پاکیزه از گناه توفیق روزهٔ آن وتلاوت
قرآن مسئلت کنید وبجوع وعطش این ماه جوع وعطش روز قیامت
یاد آرید وبر فقرا تصدق برکوچکان ترحم وبزرگان توقیر و
اکرام نمایید وصلهٔ ارحام بجا آرید وزبان از بیهوده وبیحاصل
بربندید وچشم از حرام بپوشید وگوش ازان بگیرید وبر ایتام مردم
رحم کنید ودر اوقات صلوات که افضل اوقاتست از گناهان تا بر ایتام شما رحم کنند
استغفار کنید ودستها بدعا بردارید که خدا تعالی بر بندگان برحمت
نظر کند چون اورا بطلبند لبیک گوید وچون مناجات کنند اجابت
نماید وچون دعا کنند عطا فرماید نفوس شما در گرو عملست پس باستغفار
خلاص کنید وپشتهای شما از گناه سنگین است پس بطول رکوع
وسجود بار از دوش خود سبک گردانید ودرهای بهشت درینماه
گشوده است سؤال کنید تا بر شما نبندند ودرهای دوزخ بستهاست
تضرع نمایید تا بر شما نگشایند شیاطین محبوس ومجبوسند
استغاثه کنید تا بر شما مسلط نشوند وشقی کسیست که درین ماه
از مغفرت خدا محروم ماند وکسی که درین ماه آمرزیده نشود کی

امرزیده شود مگر آنکه بعرفات حاضر شود و هر کس درین ماه شر خود را
از مردم باز گیرد خدا تعالی غضب خود را ازو باز گیرد و هر کس
تطوعی بجا آرد از آتش بری شود و هر کس یتیمی را اکرام کند خدا تعالی
روز قیامت او را اکرام کند و هر کس صلوات بر من فرستد میزانش را
سنگین گرداند روزی که میزانها سبک باشد و هر کس آیتی از قرآن
بخواند چنانست که در ماه دیگر ختم قرآن کند و هر شب درین ماه جمعی
بسیار را از آتش آزاد شوند مگر کسی که افطار بر مسکری کند یا صاحب
بدعت یا صاحب شطرنج باشد و در شب آخر مثل آنکه در تمام ماه آزاد
شوند و هر کس این ماه روزه گیرد و قدری از شبهایش عبادت کند
و مواظبت بر نمازها و محافظت نماز جمعه و نماز عید نماید و بطن و
فرج خود از حرام حفظ کند و زبان از مردم باز دارد لیلة القدر را
دریابد و از گناهان بیرون رود چنانکه از ماه بیرون میرود و
بجایزه وصله الهی فایز شود و نیز روایت دیگر آمده که هر کس این ماه را
روزه گیرد و فرج و زبان حفظ کند و مردم را از ایذا باز دارد و نیز بخشد
خدا تعالی گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد و از آتش
آزادش گرداند و در بهشت نزولش فرماید و شفاعتش برای اهل
توحید بعدد ریگ عالج قبول فرماید این بود مجملی از مکارم اخلاق

و مجالس

ومحاسن افعال درین ماه اما اذکار و اوراد آن پس آنست آنکه
چون ماه مبارک دیده شود رو بقبله کرده بگوید اللهم اهله علینا
بالامن والایمان والسلامة والاسلام والعافیة المجللة
والرزق الواسع ودفع الاسقام اللهم ارزقنا صیامه
وقیامه وتلاوة القرآن فیه اللهم سلمه لنا وتسلمه
منا وسلمنا فیه و دعای رویت هلال از صحیفه کامله نیز بخواند
و هرکس درین ماه یکی از سه شب اول یا میان یا آخر بکربلا حاضر شود
و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند گناهانش بریزد مثل
برگ از درخت و از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده و
چنان باشد که حج و عمره کرده بود و هر شب این ماه این دعا بخواند
اللهم انی افتتح الثناء بحمدک وانت مسدد للصواب بمنک
ایقنت انک ارحم الراحمین فی موضع العفو والرحمة واشد
المعاقبین فی موضع النکال والنقمة واعظم المتجبرین
فی موضع الکبریاء والعظمة اللهم اذنت لی فی
دعائک ومسألتک فاسمع یا سمیع مدحتی واجب یا رحیم
دعوتی واقل یا غفور عثرتی فکم یا الهی من کربة قد
فرجتها وهموم قد کشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة

قد نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ
صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له
ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده
كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في
ملكه ولا منازع له في امره الحمد لله الذي لا شريك له
في خلقه ولا شبيه له في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق
امره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود
يده الذي لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة العطاء
الا كرما وجودا انه هو العزيز الوهاب اللهم اني اسألك
قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه
قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير اللهم
ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك
عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي
عندما كان من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسألك
ما لا استوجبه منك الذي رزقتني من رحمتك واريتني
من قدرتك وعرفتني من اجابتك فصرت ادعوك
امنا واسألك مستانسا لا خائفا ولا وجلا مدلا

عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ اِلَيْكَ فَاِنْ اَبْطَاَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي
عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي اَبْطَاَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ
الاُمُورِ فَلَمْ اَرَ مَوْلًى كَرِيمًا اَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَئِيمٍ
مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ اِنَّكَ تَدْعُونِي فَاُوَلِّي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ
اِلَيَّ فَاَتَبَغَّضُ اِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلَا اَقْبَلُ مِنْكَ كَاَنَّ
لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ
لِي وَالاِحْسَانِ اِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ اِحْسَانِكَ اِنَّكَ
جَوَادٌ كَرِيمٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ
مُسَخِّرِ الرِّيَاحِ فَالِقِ الاِصْبَاحِ دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى عَفْوِهِ
بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى طُولِ اَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ
الْقَادِرُ عَلَى مَا يُرِيدُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ خَالِقِ الْخَلْقِ وَبَاسِطِ الرِّزْقِ
ذِي الْجَلَالِ وَالاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالاِحْسَانِ
الَّذِي بَعُدَ فَلَا يُرَى وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا
شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ

الانجرآء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء
الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة
وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من
موهبة هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد
كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا
واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا
يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد لله
الذي يؤمن الخائفين وينجي الصادقين ويرفع المستضعفين
ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف اخرين
الحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين
نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين
معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته ترعد
السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار
ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق
ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء
ويحيي الموتى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل
شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وامينك

وصفيك

وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ
وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى
وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ
خَلْقِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَإِمَامَيِ الْهُدَى
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى
أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأُمَنَائِكَ فِي بِلَادِكَ
صَلٰوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ
الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ احْفُفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ وَاسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ
كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ
لَهُ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا
اللّٰهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْ بِهِ وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ انْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا

وافتح له فتحاً يسيراً قريبا اللهم اظهر به دينك وملة
نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من
الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز
بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله
وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى
سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة
اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه
فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا
وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا و
اغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به
فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به
وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به
مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به فوق رغبتنا
يا خير المسئولين واوسع المعطين اشف به صدورنا
واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه
من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم
وانصرنا على عدوك وعدونا اله الحق آمين اللهم

إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا
وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ
وَضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ
وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وهر سحر درين ماه اين دعا بخواند
يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي
وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي
وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
خُشُوعَ الْإِيمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الذُّلِّ فِي النَّارِ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ
يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ يَا مَنْ
يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً وَيَبْتَدِئُ بِالْخَيْرِ
مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَكَرَماً بِكَرَمِكَ الدَّائِمِ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً جَامِعَةً أَبْلُغُ بِهَا
خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تُبْتُ إِلَيْكَ
مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ
فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ

عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك يا كريم يا من لا يخيب
سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه ودنا فلا
شيء دونه صل على محمد وآل محمد وارحمني يا فالق
البحر لموسى الليلة الليلة الليلة الساعة الساعة الساعة
اللهم طهر قلبي من النفاق وعملي من الرياء ولساني من
الكذب وعيني من الخيانة فانك تعلم خائنة الاعين
وما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائذ بك من النار
هذا مقام المستجير بك من النار هذا مقام المستغيث
بك من النار هذا مقام الهارب اليك من النار
هذا مقام من يبوء بخطيئته ويعترف بذنبه و
يتوب الى ربه هذا مقام البائس الفقير هذا مقام
الخائف المستجير هذا مقام المحزون المكروب هذا
مقام المغموم المهموم هذا مقام الغريب الغريق
هذا مقام المستوحش الفرق هذا مقام من لا يجد
لذنبه غافرا غيرك ولا لهمه مفرجا سواك يا الله يا
كريم لا تحرق وجهي بالنار بعد سجودي لك وتعفيري
بغير من مني عليك بل لك الحمد والمن والفضل علي ارحم

أي ربِّ أي ربِّ ما نفس تلك سوء ضعفي وقلّة حيلتي و
رقّة جلدي وتبدّد أوصالي وتناثر لحمي وجسمي وجسدي
ووحدتي ووحشتي في قبري وجزعي من صغير البلاء
أسألك يا ربِّ قرّة العين والاغتباط يوم الحسرة
والندامة بيّض وجهي يوم تسودّ فيه الوجوه آمنّي من
الفزع الأكبر أسألك البشرى يوم تقلّب فيه
القلوب والأبصار والبشرى عند فراق الدنيا الحمد
لله الذي أرجوه عونًا في حيوتي وأعدّه ذخرًا ليوم
فاقتي الحمد لله الذي أرجوه ولا أرجو غيره ولو رجوت
غيره لأخلف رجائي الحمد لله المنعم المحسن المفضل
ذي الجلال والإكرام وليّ كلّ نعمة وصاحب
كلّ حسنة ومنتهى كلّ رغبة وقاضي كلّ حاجة اللهمّ
صلّ على محمّد وآل محمّد وارزقني اليقين وحسن الظنّ بك
وأثبت رجاءك في قلبي واقطع رجائي عمّن سواك
حتّى لا أرجو غيرك ولا أثق إلّا بك يا لطيفًا لما تشاء
الطف لي في جميع أحوالي بما تحبّ وترضى يا ربِّ إنّي
ضعيف على النار فلا تعذّبني بالنار يا ربِّ ارحم دعائي

أدعوه ولا أدعو غيره ولو دعوت غيره
لم يستجب لي دعائي الحمد لله الذي

المجمل

وتضرعي وخوفي وذلي ومسكنتي وتعويذي وتلويذي
يا رب اني ضعيف عن طلب الدنيا وانت واسع كريم
اسألك يا رب بقوتك على ذلك وقدرتك عليه
وغناك عنه وحاجتي اليه ان ترزقني في عامي هذا
وشهري هذا ويومي هذا وساعتي هذه رزقا واسعا
تغنيني به عن تكلف ما في ايدي الناس من رزقك
الحلال الطيب اي رب منك اطلب واليك
ارغب واياك ارجو وانت اهل ذلك لا ارجو غيرك و
لا اثق الا بك يا ارحم الراحمين يا رب اني ظلمت نفسي
فاغفر لي وارحمني وعافني يا سامع كل صوت ويا جامع
كل فوت يا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه
الظلمات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يشغله
شيء عن شيء اعط محمدا افضل ما سألك وافضل
ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له الى يوم
القيمة وهب لي العافية حتى تهنيني المعيشة.
واختم لي بخير حتى لا تضرني الذنوب اللهم رضني
بما قسمت لي حتى لا اسأل احدا شيئا اللهم صل على محمد.

وآل محمد وافتح لي خزائن رحمتك وارحمني رحمة لا تعذبني
بعدها ابدا في الدنيا والآخرة وارزقني من فضلك الواسع
رزقا حلالا طيبا لا تفقرني الى احد بعده سواك
تزيدني بهم لك شكرا واليك فاقة وفقرا وبك عمن
سواك غنى وتعففا يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا مليك يا مقتدر صل على محمد وآل محمد واكفني المهم
كله واقض لي بجميع حوائجي اللهم يسر لي ما اخاف تعسيره
فان تيسير ما اخاف تعسيره عليك سهل يسير وسهل لي
ما اخاف حزونته ونفس عني ما اخاف ضيقه وكف عني
ما اخاف غمه واصرف عني ما اخاف بليته يا ارحم الراحمين
اللهم املأ قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا
بكتابك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال
والاكرام اللهم ان لك علي حقوقا فتصدق بها علي
وللناس قبلي تبعات فتحملها عني وقد اوجبت لكل
ضيف قرى وانا ضيفك فاجعل قراي الليلة الجنة
يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة ولا حول ولا قوة
الا بك. روز اول این ماه این دعا بخواند از جمیع شرور وفتنها

وافتها دین ودینی در حفظ وامان خدا تعالی باشد تا سال دیگر

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ الَّذِی دَانَ لَهٗ كُلُّ شَیْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ
الَّتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِی خَضَعَ لَهَا كُلُّ
شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِی غَلَبَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِی
اَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ یَا نُورُ یَا قُدُّوسُ یَا اَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ وَیَا بَاقِی
بَعْدَ كُلِّ شَیْءٍ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ
لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُغَیِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی
تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَقْطَعُ الرَّجَاءَ
وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُرِیدُ الْاَعْدَاءَ وَاغْفِرْ لِی
الذُّنُوبَ الَّتِی تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی
یُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی
تَحْبِسُ غَیْثَ السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَكْشِفُ
الْغِطَاءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ
لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی
تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَاَلْبِسْنِی دِرْعَكَ الْحَصِینَةَ الَّتِی لَا
تُرَامُ وَعَافِنِی مِنْ شَرِّ مَا اُحَاذِرُ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ فِی مُسْتَقْبَلِ
سَنَتِی هٰذِهٖ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِینَ

الْسبع

السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم ورب
السبع المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل و
ميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله عليه وآله سيد
المرسلين وخاتم النبيين اسألك بك وبما سميت
به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع
كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف الحسنات
بالقليل والكثير وتفعل ما تشاء يا قدير
يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيته و
البسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر وجهي
بنورك واحبني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف
كرامتك وجسيم عطيتك من خير ما انت معطيه
احدا من خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع
كل شكوى وشاهد كل نجوى وعالم كل خفية ودافع
ما يشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز
توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد
وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني مواليا لاوليائك
معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة

كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي اِلَى كُلِّ
عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يَكُونُ
مِنِّي اَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَاَخَافُ مَقْتَكَ اِيَّايَ عَلَيْهِ
حِذَارَ اَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَاسْتَوْجِبَ بِهِ
نَقْصًا مِنْ حَظٍّ لِي عِنْدَكَ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي
فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي
كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ
عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي
تَابِعًا لِصَالِحِ مَنْ مَضَى مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَاَلْحِقْنِي بِهِمْ
وَاجْعَلْنِي مُسَلِّمًا لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَاَعُوذُ
بِكَ اللّٰهُمَّ اَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَاِسْرَافِي
عَلَى نَفْسِي وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ
ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَاَكُونَ مَنْسِيًّا
عِنْدَكَ مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِي لِكُلِّ
عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي اِلَيْكَ زُلْفَى اَللّٰهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ
نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ

همّه وكشفت غمّه وصدقته وعدك وانجزت له
عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها
واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق
المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام
دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي أسئلك سؤال من
اساء وظلم واعترف واسئلك ان تغفر لي ما مضى
من الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصتها كرام
ملائكتك عليّ وان تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي
من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن صل على محمد و
اهل بيت محمد وآتني كل ما سألتك ورغبت اليك
فيه فانك امرتني بالدعاء وتكفلت بالاجابة يا ارحم
الراحمين وايضا دعای دخول ماه مبارك از صحيفه كامله بخواند
هر روز تا آخر اين ماه اين دعا بخواند ان الله وملائكته
يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا
تسليما لبيك يا رب وسبحانك اللهم صل على محمد
وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت و
باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم

ارحم محمداً وال محمد كما رحمت ابراهيم وال ابراهيم انك حميد
مجيد اللهم سلم على محمد وال محمد كما سلمت على نوح
في العالمين اللهم امنن على محمد وال محمد كما مننت على
موسى وهرون اللهم صل على محمد وال محمد كما هديتنا به اللهم
صل على محمد وال محمد كما شرفتنا به اللهم صل على محمد
وال محمد وابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الاولون والا
خرون على محمد واله السلام كلما طلعت شمس او غربت على
محمد واله السلام كلما طرفت عين او ذرفت على محمد
واله السلام كلما ذكر السلام على محمد واله السلام كلما
سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد واله في كل
وقت وحين السلام على محمد واله في الاولين السلام
على محمد واله في الاخرين السلام على محمد واله في الدنيا
والاخرة اللهم رب البلد الحرام ورب الركن والمقام
ورب الحل والحرام ابلغ محمداً نبيك واله عنا السلام
اللهم اعط محمداً من البهاء والنضرة والسرور والكرامة
والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والرفعة والشفاعة
عندك يوم القيمة افضل ما تعطي احداً من خلقك و

اعط محمدا فوق ما تعطى الخلائق من الخير اضعافا كثيرة
لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد اطيب واطهر
وازكى وانمى وافضل ما صليت على الاولين والاخرين
وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على ٩١
امير المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة
بنت نبيك محمد صلى الله عليه واله والعن من اذى
نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي
المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف
العذاب على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر
وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن
علي ائمة المسلمين ووال من والاهم وعاد من عاداهم
وضاعف العذاب على من ظلمهم اللهم صل على الخلف
من بعدهم امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه
وعجل اللهم فرجه اللهم صل على الطاهر والقاسم
وابراهيم ابني نبيك اللهم صل على رقية وام كلثوم

بنتی نبیك والعن من اذی نبیك فیهما اللهم صل علی
الخیرة من ذریة نبیك اللهم اخلف نبیك فی
اهل بیته اللهم مكن لهم فی الارض اللهم اجعلنا
من عددهم ومددهم وانصارهم علی الحق فی السر و
العلانیة اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم
وكف عنا عنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ
وطاغ انت اخذ بناصیتها انك اشد بأسا واشد
تنكیلا و نیز هر روز این دعا بخواند اللهم هذا شهر رمضان
الذی انزلت فیه القران هدی للناس وبینات من
الهدی والفرقان وهذا شهر الصیام وهذا شهر القیام
وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر
المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز
بالجنة وهذا شهر فیه لیلة القدر التی هی خیر من
الف شهر اللهم فصل علی محمد وال محمد واعنی
علی صیامه وقیامه وسلمه لی وسلمنی فیه واعنی علیه
بافضل عونك ووفقنی فیه لطاعتك وطاعة رسولك
واولیائك صلی الله علیهم وفرغنی فیه لعبادتك ودعائك

وتلاوة

وتلاوة كتابك وعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه العافية
واصح فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني ما اهمني واستجب
فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد
وال محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة
والفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه
العلل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض
والامراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه
السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء
انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وال محمد
واعذني من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه
ونفخه ووسوسته وتثبيطه وكيده ومكره و
حبائله وخدعه وامانيه وغروره وفتنته وشركه
واحزابه واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه و
جميع مكائده اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا
قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال
ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا ويقينا ثم
تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم

يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
فيه الحج والعمرة والاجتهاد والقوة والنشاط والإنابة
والتوبة والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة
والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق
اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل
عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح
القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة
ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا
هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد
والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا أرحم الراحمين
وحق أوليائك
اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي فيه أفضل ما تقسمه
لعبادك الصالحين وأعطني فيه أفضل ما تعطي أولياءك
المقربين من الرحمة والمغفرة الدائمة والتحنن
والإجابة والعفو والمغفرة والعافية والمعافاة يوم
العتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة
اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي فيه إليك

واصلا

وَاصِلاً وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ اِلَيَّ نَازِلاً وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولاً
وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُوراً وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُوراً حَتَّى يَكُونَ
نَصِيبِي فِيهِ الْاَكْثَرَ وَحَظِّي فِيهِ الْاَوْفَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنِي لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَى اَفْضَلِ في م
حَالٍ تُحِبُّ اَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا اَحَدٌ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَاَرْضَاهَا
لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنِي فِيهَا
اَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ اَحَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ اِيَّاهَا وَاَكْرَمْتَهُ بِهَا
وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عُتَقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ
النَّارِ وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا
هٰذَا الْجِدَّ وَالْاِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى
اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ
شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ
وَمِيكَائِيلَ وَاِسْرَافِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ
وَرَبَّ اِبْرَاهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ مُوسَى
وَعِيسَى وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ

لما صليت عليه واله وعليهم اجمعين ونظرت الى نظرة
رحيمة ترضى بها عنى رضى لا تسخط على بعده ابدا واعطنى
جميع سؤلى ورغبتى وامنيتى وارادتى وصرفت عنى ما
اكره واحذر واخاف على نفسى وما لا اخاف وعن اهلى
ومالى واخوانى وذريتى اللهم فردنا من ذنوبنا فاونا
تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين و
اعذنا مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين
فامنا راغبين وشفعنا سائلين واعطنا انك سميع
الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربى وانا عبدك و
احق من سال العبد ربه ولم يسال العباد مثلك كرما
وجودا يا موضع شكوى السائلين ومنتهى حاجة
الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين
ويا ملجا الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين
ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين
ويا كاشف كرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين
اللهم صل على محمد وال محمد واغفر لى ذنوبى وعيوبى
واساءتى وظلمى وجرمى واسرافى على نفسى وارزقنى من

فضلك

فضلك ورحمتك فانه لا يملكها احد غيرك واعف عني
واغفر لي كل ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من
عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل
حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات
في الدنيا والآخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع
المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا يدي
الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سألتك
وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير
ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى و
الكبرياء والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم
ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة
والروح فيها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي و
ايمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وآتني في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك عذاب النار
وان لم تكن قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة

والروح فيها فاخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك
وطاعتك وحسن عبادتك وصل على محمد وال محمد
بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب
محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم
بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا
ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين
انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله شيء
والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل
يوم في شان انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل
محمد اسئلك ان تنصر وصي محمد وخليفة محمد والقائم
بالقسط من اوصياء محمد صلواتك عليه وعليهم اعطف
عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل
على محمد وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة واجعل
عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك
سميت نفسك يا سيدي باللطف بلى انك لطيف فصل
على محمد وال محمد والطف لما تشاء اللهم صل على محمد وال
محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وتطول على بجميع

حوایجی للدنیا والاخرة بعد از ان سه مرتبه بگوید استغفر الله
ربی واتوب الیه ان ربی قریب مجیب استغفر الله ربی
واتوب الیه ان ربی رحیم ودود استغفر الله ربی
واتوب الیه انه کان غفارا اللهم اغفر لی انک ارحم
الراحمین رب انی عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی
ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت استغفر الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم الحلیم العظیم الکریم
الغفار للذنب العظیم واتوب الیه استغفر الله
ان الله کان غفورا رحیما بعد از ان بگوید اللهم انی
اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل
فیما تقدر من الامر العظیم المحتوم فی لیلة القدر من القضاء
الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک
الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنبهم
المکفر عنهم سیئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدر
ان تطیل عمری وتوسع رزقی وتؤدی عنی امانتی ودینی
امین رب العالمین اللهم اجعل لی فرجا ومخرجا وارزقنی
من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب واحرسنی من حیث

احترس و من حیث لا احترس و صل علی محمد و ال محمد

و سلم کثیرا و ایضا هر روز درین ماه این دعا بخواند خدا تعالی

چهل ساله گناهش را بیامرزد اللهم رب شهر رمضان الذی

انزلت فیه القران و افترضت علی عبادک فیه الصیام

ارزقنی حج بیتک الحرام فی هذا العام و فی کل عام

و اغفر لی الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک یا

ذا الجلال و الاکرام و هر کس درین ماه بعد از نمازهای

فریضه این دعا بخواند تا روز قیامت امرزیده شود اللهم ادخل

علی اهل القبور السرور اللهم اغن کل فقیر اللهم

اشبع کل جائع اللهم اکس کل عریان اللهم اقض دین کل

مدین اللهم فرج عن کل مکروب اللهم رد کل غریب

اللهم فک کل اسیر اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین

اللهم اشف کل مریض اللهم سد فقرنا بغناک

اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک اللهم اقض عنا الدین

و اغننا من الفقر انک علی کل شیء قدیر و ورد هر شبانه

روز با ثوابش در اعمال ماه رجب گذشت و هر کس در شب اول

صد رکعت نماز گذارد و در هر رکعتی ده مرتبه قل هو الله احد بخواند

ازدنیا

از دنیا برود تا آنکه صد نفر او را مژده بهشت دهند و سی نفر ایمنی

از دوزخ و سی نفر از خطا و گناه نگاهش دارند و ده نفر کید و مکر

کایدان و ماکران از او کنند و مستحب است غسل کردن در شب پانزدهم

و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیوم و در شب بیست و سیوم

صدقه و نماز و غیر آن دو مرتبه یکی اول شب و یکی آخر شب و اولی

بوقت غروب آفتاب بهتر است اعمال شب قدر هر عمل خیر

درین شب برابر است با عمل هزار ماه که شب قدر در آن نباشد

و روز قدر نیز در فضل و شرف مثل شب قدر است و احکام

حوادث هر سال از خیر و شر و طاعت و معصیت همه در شب قدر

تقدیر میشود و اخبار آنهمه بر امام زمان علیه السلام نازل میشود

و در شب قدر از اول شب تا طلوع صبح ملائکه و روح بر امام

علیه السلام نازل میشوند و اخبار و احکام تمام سال را از جانب الهی

بامام علیه السلام می آرند و هرچه درین شب تقدیر شود محتوم باشد و

خلاف آن واقع نشود و آنچه از احادیث مفهوم میشود اینست

که مجموع احکام و تقدیرات شب قدر در سه شب تمام میشود

شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم ابتدای آن در شب

نوزدهم میشود و تمامش در شب بیست و سیم و مستحب است در هر یک

از صدقه و نماز و غیر آن ۱۲

ازین سه شب صد رکعت نماز در هر رکعت بعد الحمد یکمرتبه یا سه یا پنج یا هفت
یا ده مرتبه قل هو الله احد بخوانند و نیز مستحب است احیا داشتن شب
بیست و یکم و بیست و سیم که تعیین و ختم احکام درین دو شب میشود و
زیارت امام حسین علیه السلام در شب قدر مغفرت گناهانست
و مستحب است که در شب بیست و سیم نشسته و ایستاده و در سجود و در
همه احوال بلکه در مدت عمر خود همیشه مکرر بگویند اَللّٰهُمَّ ذَا الْمَجْدِ
الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَاذِخِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكُنْ
لِوَلِيِّكَ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَسَنِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتّٰى تُسْكِنَهُ
اَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا و حضرت امام جعفر علیه السلام
فرموده هر کس در شب بیست و سیوم اینماه سوره عنکبوت و روم بخواند والله
که از اهل بهشت باشد و انشاء الله نمیگویم و نمی ترسم که درین قسم گناه
داشته باشم و نیز فرموده هر کس درین شب هزار مرتبه انا انزلناه بخواند
اعتقاد و یقینش بولایت ما شدید تر شود و اگر بخواهد چیزی در خواب
بیند که سبب این شود و نیز مرویست که هر کس در ثلث آخر این ماه
خصوصا در شب نوزدهم قرآن را بگشاید و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اِسْمُكَ الْاَعْظَمُ الْاَعْظَمُ

الاکبر وَاَسمآؤُکَ الحسنی وَمانخاف وَنرجی اَن تجعلنی
مِن عتقآئک وَطلقآئک مِنَ النّار پس هر حاجت که خواهد
بخواهد البته مستجاب شود ادعیه لیالی عشر آخر مرویست
که حضرت صادق علیه السلام در ده شب آخر ماه مبارک رمضان بعد از
فرایض و نوافل میگفت اللّهم اَدِّ عنّا حقّ ما مضی مِن شهر رمضان
وَاغفر لنا تقصیرنا فیه وَتسلّمه منّا مقبولاً وَلا تؤاخذنا
باسرافنا علی انفسنا وَاجعلنا مِنَ المرحومین وَلا تجعلنا
مِنَ المحرومین و فرمود هر کس این دعا بخواند هر گناهی که در آن
ماه کرده باشد آمرزیده شود و در بقیه ماه از گناه محفوظ گردد
و ایضاً درین ده شب این ادعیه بخواند شب اول یا مولج
اللیل فی النهار وَمولج النهار فی اللیل وَمخرج الحیّ مِن
المیّت وَمخرج المیّت مِنَ الحیّ وَرازق مَن یشآء بغیر
حساب یا اللّه یا رحمن یا رحیم یا اللّه یا اللّه یا اللّه لک
الاسمآء الحسنی وَالامثال العلیا وَالکبریآء
وَالآلآء اَسئلک اَن تصلّی علی محمّد وَآل محمّد وَاَن
تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السّعدآء وَروحی مع
الشّهدآء وَاحسانی فی علّیّین وَاسآئتی مغفورة

وَاَنْ تَهَبَ لِيْ يَقِيْنًا تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِيْ وَاِيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ
عَنِّيْ وَتُرْضِيَنِيْ بِمَا قَسَمْتَ لِيْ وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ
حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيْقِ وَارْزُقْنِيْ فِيْهَا ذِكْرَكَ
وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيْقَ
لِمَا وَفَّقْتَ لَهٗ مُحَمَّدًا وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ شب دوم
يَا سَالِخَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَاِذَا نَحْنُ مُظْلِمُوْنَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ
لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيْرِكَ يَا عَزِيْزُ يَا عَلِيْمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ
مَنَازِلَ حَتّٰى عَادَ كَالْعُرْجُوْنِ الْقَدِيْمِ يَا نُوْرَ كُلِّ نُوْرٍ وَّمُنْتَهٰى
كُلِّ رَغْبَةٍ وَّوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا قُدُّوْسُ
يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَآءُ
الْحُسْنٰى تا آخر شب سوم يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ
جَاعِلَهَا خَيْرًا مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَّرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ
وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّمَآءِ يَا بَارِئُ
يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا قَيُّوْمُ
يَا بَدِيْعُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ تا آخر شب چهارم يَا فَالِقَ
الْاِصْبَاحِ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا
يَا عَزِيْزُ يَا عَلِيْمُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ

والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا
فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت
لك الاسماء الحسنى تا آخر شب پنجم يا جاعل الليل
لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا
يا الله يا قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب
يا الله يا مجيب يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
تا آخر شب ششم يا جاعل الليل والنهار آيتين يا من
محى آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا فضلا
منه ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا ماجد
يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله تا آخر شب هفتم
يا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساكنا وجعلت
الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك قبضا يسيرا
يا ذا الجود والطول والكبرياء والآلاء لا اله
الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله
الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز
يا جبار يا متكبر يا الله يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا
الله يا الله تا آخر شب هشتم يا خازن الليل في الهواء

وَخَازِنَ النُّورِ فِي السَّمَآءِ وَمَانِعَ السَّمَآءِ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ
اِلَّا بِاِذْنِهٖ وَحَابِسَهُمَا اَنْ تَزُوْلَا يَا عَلِيْمُ يَا غَفُوْرُ يَا دَآئِمُ
يَا اَللّٰهُ يَا وَارِثُ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ
يَا اَللّٰهُ تا آخر سه بار يَا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَمُكَوِّرَ النَّهَارِ
عَلَى اللَّيْلِ يَا عَلِيْمُ يَا حَكِيْمُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّ الْاَرْبَابِ
وَسَيِّدَ السَّادَاتِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ
الْوَرِيْدِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ تا آخر سه بار اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِيْ لَا شَرِيْكَ لَهٗ اَلْحَمْدُ كَمَا يَنْبَغِيْ لِكَرَمِ وَجْهِهٖ وَعِزِّ
جَلَالِهٖ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهٗ يَا قُدُّوْسُ يَا نُوْرَ الْقُدُسِ يَا سُبُّوْحُ
يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيْحِ يَا رَحْمٰنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيْمُ
يَا اَللّٰهُ يَا كَبِيْرُ يَا لَطِيْفُ يَا جَمِيْلُ يَا اَللّٰهُ يَا سَمِيْعُ يَا بَصِيْرُ
يا الله يا الله يا الله تا آخر و الصّم مرويست كه هر كس درين ماه
دوازده ركعت نماز گذارد در هر ركعت بعد از الحمد يك بار و پنج بار
قل هو الله احد بخواند و چون از تمام دوازده ركعت فارغ شود
هفتاد مرتبه بگويد سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
و هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ

الرحیم الحی القیوم واتوب الیه چشمهای حکمت از دلش
بر زبانش گشوده شود و زبانش بحکمت گویا گردد و از آفات دنیا
و آخرت ایمن گشته چون از دنیا بیرون رود بسلامت داخل
بهشت شود و هنوز سر از سجده آخر نماز برنداشته باشد که گناهانش
آمرزیده شود و ثواب هفتصد قایم اللیل صایم النهار و هفتصد
هزار حج و هفتصد هزار عمره عطا شود و اگر در آن سال بمیرد شهید
در وداع ماه مبارک دعای صحیفه کامله بخواند **فصل نهم**
در اعمال شب و روز عید فطر روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که شب عید فطر در فضل و شرف کمتر از شب قدر نیست هر کس در این شب
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند گناهان گذشته و آینده اش
آمرزیده شود و فضل احیا داشتن این شب در اعمال ماه شعبان
گذشت و مستحب است غسل کردن در اول و آخر این شب و بعد از
نماز شام و نافلهاش سجده کند و در سجده بگوید یا ذا الجلال
والاکرام یا ذا الطول یا مصطفیا محمدا و ناصره
صل علی محمد و آله واغفر لی کل ذنب اذنبته ونسیته
انا وهو عندک فی کتاب مبین بعد از آن صد مرتبه بگوید
اتوب الی الله پس حاجتی که خواهد بخواهد انشاء الله مستجاب شود

وهم درین شب ده مرتبه بگوید یا دائم الفضل علی البریه چنانکه در
اعمال شب جمعه گذشت و بعد از چهار نماز گفتن این تکبیر مستحب است
مغرب و عشا و صبح و نماز عید و بعضی از علما واجب دانسته اند
اللهُ اکبرُ اللهُ اکبرُ لا اله الا اللهُ واللهُ اکبرُ
اللهُ اکبرُ ولله الحمدُ الحمدُ لله علی ما هدینا وله الشکرُ
علی ما اولانا و هر کس درین شب ده رکعت نماز گذارد و در هر
رکعت بعد الحمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و در رکوع و سجود
بگوید سبحان اللهِ والحمدُ للهِ ولا اله الا اللهُ واللهُ اکبرُ
و بعد از فراغ نماز هزار مرتبه بگوید استغفر الله و بعد از آن
سجده کند و بگوید یا حیُّ یا قیّومُ یا ذا الجلالِ والاکرامِ
یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما یا اکرم الاکرمین
یا ارحم الراحمین یا اله الاولین والآخرین اغفر لی
ذنوبی وتقبّل صومی وصلواتی وقیامی هنوز سر از سجده
برنداشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و اعمال ماه مبارک
ازو و از جمیع اهل بلده او و از جمیع اهل توحید از مشرق تا
مغرب مقبول شود و دعاشان مستجاب گردد و گناهانش آمرزیده
شود و خدا تعالی از گناهانش تجاوز فرماید اگرچه هفتاد گناه

کرده باشد که هریک عظیمتر از ذنوب جمیع عباد باشد و نیز مرویست
که هرکس درین شب شش رکعت نماز کذارد و در هر رکعت بعد الحمد لله
پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شفیع همه اهل بیت خود کردد اکرچه همه
مستوجب دوزخ باشند و در روز عید زیارت حضرت امام
حسین علیه الصلوة والسلام مثل صد حج و صد عمره و صد جهاد است
با پیغمبر مرسل یا امام معصوم و سنت است درین روز غسل کردن
و وقت غسل از طلوع صبح است تا وقت نماز عید و نماز عید
اکر جماعت مقدور نباشد مستحب است تنها کذاردن و آداب و
کیفیت او چنانست که چون تهیه نماز کند و متوجه مصلا شود
بکوید اللّهم من تهیّا تا اخر دعا چنانکه در آداب جمعه کذشت
و چون شروع در نماز کند بعد الحمد لله سبح اسم بخواند بعد از ان
شش تکبیر بکوید بعد از هر تکبیر این قنوت بخواند اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ اَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلُ الْجُوْدِ وَ
الْجَبَرُوْتِ وَاَهْلُ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلُ التَّقْوٰى
وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِيْ جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِيْنَ
عِيْدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ ذُخْرًا وَشَرَفًا وَمَزِيْدًا
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ

ادخلت فيه محمدا وال محمد وان تخرجني من كل سوء اخرجت

منه محمدا وال محمد صلواتك عليه وعليهم اللهم

اني اسئلك عبادك الصالحون واعوذ بك مما استعاذ

منه عبادك الصالحون بعد از ان تكبير هفتم بگويد و ركوع

و سجود كند و در ركعت دويم بعد الحمد والشمس بخواند بعد از ان

چهار تكبير بگويد و بعد از هر تكبير همان قنوت بخواند بعد از ان

تكبير پنجم بگويد و ركوع و سجود در تشهد و سلام بگويد و

بعد از نماز مستحب است خواندن اين دعا اللهم اني اتوجه اليك

بمحمد امامي وعلي من خلفي وائمتي عن يميني وشمالي

استتر بهم من عذابك واتقرب بهم اليك زلفى لا

اجد احدا اقرب اليك منهم فهم ائمتي فامن بهم

خوفي من عذابك وسخطك وادخلني برحمتك الجنة

في عبادك الصالحين اصبحت بالله مؤمنا موقنا مخلصا

على دين محمد وسنته وعلى دين علي وسنته وعلى دين

الاوصياء وسنتهم امنت بسرهم وعلانيتهم وارغب

الى الله تعالى فيما رغبوا فيه واعوذ بالله من شر ما

استعاذوا منه ولا حول ولا قوة ولا منعة الا بالله

العلي العظيم توكلت على الله حسبي الله ومن يتوكل على الله
فهو حسبه اللهم اني اريدك فاردني واطلب ما عندك
فيسره لي اللهم انك قلت في محكم كتابك المنزل
وقولك الحق ووعدك الصدق شهر رمضان الذي انزل
فيه القران هدى للناس فعظمت شهر رمضان بما
انزلت فيه من القران العظيم وخصصته بان جعلت
فيه ليلة القدر اللهم قد انقضت ايامه ولياليه
وقد صرت منه الى ما انت اعلم به مني فاسئلك يا الهي
بما سألك به ملائكتك المقربون وانبياؤك المرسلون
وعبادك الصالحون ان تصلي على محمد وال محمد وان
تقبل مني كل ما تقربت به اليك فيه وتتفضل علي
بتضعيف عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي
وهب لي من لدنك رحمة واعتق رقبتي من النار وامني
يوم الخوف من كل فزع ومن كل هول اعددته ليوم
القيمة اعوذ بحرمة وجهك الكريم وبحرمة نبيك
وبحرمة الاوصياء ان ينصرم هذا اليوم ولك قبلي
تبعة تريد ان تؤاخذني بها او خطيئة تريد ان تقتصها

منی لم تغفرها لی اسئلك بحرمة وجهك الكريم يا لا
اله الا انت بلا اله الا انت ان ترضى عنی وان كنت
قد رضيت عنی فزد فيما بقی من عمری رضا وان كنت
لم ترض عنی فمن الآن فارض عنی يا سيدی ومولای
الساعة الساعة الساعة واجعلنی فی هذه الساعة
وفی هذا اليوم وفی هذا المجلس من عتقائك من النار
عتقا لا رق بعده اللهم انی اسئلك بحرمة وجهك
الكريم ان تجعل يومی هذا خير يوم عبدتك فيه
منذ اسكنتنی الارض اعظمه اجرا واعمه نعمة
وعافية واوسعه رزقا وابتّه عتقا من النار واوجبه
مغفرة واكمله رضوانا واقربه الی ما تحب و
ترضى اللهم لا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك فارزقنی
العود فيه ثم العود فيه حتى ترضى عنی وترضی كل من له
قبلی تبعة ولا تخرجنی من الدنيا الا وانت عنی راض
اللهم اجعلنی من حجاج بيتك الحرام فی هذا العام المبرور
حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنبهم المستجاب دعاؤهم
المحفوظين فی انفسهم واديانهم وذراريهم واموالهم وجميع

انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا وفي يومي هذا
وفي ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا دعائي مرحوما صوتي
مغفورا ذنبي اللهم واجعل فيما شئت واردت و
قضيت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وان تقوي
ضعفي وان تجبر فاقتي وان تعز ذلي وتونس وحشتي
وان تدثر تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية ويسر
وخفض عيش وتكفيني كل ما اهمني من امر اخرتي ولا
تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني
وعافني في بدني واهلي وولدي واهل مودتي وجيرا لى
واخواني وذريتي وان تمن علي بالامن ابدا ما ابقيتني
اللهم اني توجهت اليك بمحمد وال محمد صلواتك
عليهم وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي
وتضرعي ومسكنتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا
والاخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم
فاختم لي بالسعادة انك على كل شيء قدير فانك
وليي ومولاي وسيدي وربي والهي وثقتي ورجائي
ومعدن مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي فلا

يَخِيبَنَّ عَلَيكَ دُعَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلايَ وَلا يَبْطُلَنَّ
لَدَيكَ طَمَعِي وَرَجَائِي فَقَدْ تَوَجَّهْتُ اِلَيكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيهِمْ وَقَدَّمْتُهُمْ اِلَيكَ اَمَامِي وَاَمَامَ
حَاجَتِي وَطَلِبَتِي وَتَضَرُّعِي وَمَسْئَلَتِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا
فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَاِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ
بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اَللّٰهُمَّ لا يَبْطُلَنَّ عَمَلِي وَطَمَعِي رَجَائِي يَا اِلٰهِي وَمَسْئَلَتِي
وَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالاِسْلامِ وَالاَمْنِ وَالاِيمَانِ وَ
الْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالشَّهَادَةِ وَالْحِفْظِ يَا مَنْ هُوَ لا يَبِهِ
كُلِّ حَاجَةٍ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ اَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ حَاجَةٍ فَتَوَلَّ
عَاقِبَتَهَا وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِشَيْءٍ لا
طَاقَةَ لَنَا بِهِ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَفَرِّغْنَا لاَمْرِ الآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلالِ
وَالاِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَسَلَّمْتَ
وَتَحَنَّنْتَ وَمَنَنْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ
اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وايضا اكر خواهد دعای صحیفه کامله بخواند

یا من یرحم من لا یرحمه العباد تا آخر فصل دهم در اعمال شهر
ذی القعدة الحرام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
زمین در زیر کعبه معظمه جمع بود خدا تعالی در روز بیست و پنجم این ماه
زمین را کشید و پهن کرد تا خلق در ان تعیش کنند روزه این روز
کفاره هفتاد سال و مثل روزه شصت ماهست و روایت
دیگر مثل روزه هفتاد سال نیز آمده و روایت دیگر که قیام این شب
و صیام این روز مثل صد [illegible] عبادت است که همه روزهایش
روزه دارد و شبهایش نماز کند و اجر طاعت و عبادت درین شب
مثل اجر عابدیست که یک لحظه معصیت نکرده باشد و هیچکس
درین شب دعائی نکند مگر که مستجاب شود و هزار رحمت بر
عابدین و ذاکرین این شب و روز نازل شود و درین روز مستحب است
دو رکعت نماز در هر رکعت بعد الحمد لله پنج مرتبه والشمس بخواند
و چون سلام دهد حولقه بگوید پس بگوید یَا مُقِیلَ الْعَثَرَاتِ
أَقِلْنِی عَثْرَتِی یَا مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِی یَا سَامِعَ
الْأَصْوَاتِ وَارْحَمْنِی وَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِی یَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْإِکْرَامِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و ایضا مستحب است درین روز خواندن
این دعا اَللّٰهُمَّ دَاحِیَ الْکَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ

اِسْمَعْ صَوْتِی

وَكاشِفَ الكُرَبِ اَسْئَلُكَ فِي هذَا اليَوْمِ وَهُوَ مِنْ اَيّامِكَ
اَلَّتِي اَعْظَمْتَ حَقَّها وَاَقْدَمْتَ سَبْقَها وَجَعَلْتَها عِنْدَ الْمُؤمِنِ
وَدِيعَةً وَاِلَيْكَ ذَرِيعَةً وَبِرَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ اَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلاقِ
فاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَالدّاعِي اِلَى كُلِّ حَقٍّ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ
الْاَطْهارِ الْهُداةِ الْمَنارِ دُعاةِ الْجَبّارِ وَوُلاةِ الْجَنَّةِ
وَالنّارِ وَاَعْطِنا فِي يَوْمِنا [illegible]نْ عَطائِكَ الْمَخْزُونِ
غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلا مَمْنُوعٍ تَجْمَعُ لَنا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ
الْاَوْبَةِ يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَاَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يا كَفِيُّ يا وَفِيُّ
يا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ اُلْطُفْ لِي بِلُطْفِكَ وَاَسْعِدْنِي
بِعَفْوِكَ وَاَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَلا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوُلاةِ
اَمْرِكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ احْفَظْنِي مِنْ شَوائِبِ الدَّهْرِ
اِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَاَشْهِدْنِي اَوْلِياءَكَ عِنْدَ
خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ رَمْسِي وَانْقِطاعِ عَمَلِي وَانْقِضاءِ
اَجَلِي اَللّهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلَى طُولِ الْبِلَى اِذا حَلَلْتُ بَيْنَ
اَطْباقِ الثَّرَى وَنَسِيَنِي النّاسُونَ مِنَ الْوَرَى وَاَحْلِلْنِي
دارَ الْمُقامَةِ وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ الْكَرامَةِ وَاجْعَلْنِي مِنْ

مرافقي اوليائك واهل اجتبائك واصطفائك وبارك
لي في لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول الاجل
متبرئا من الذلل وسوء الخطل اللهم واوردني حوض
نبيك محمد واهل بيته صلواتك عليهم واسقني منه
مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظمأ بعده ولا احلأ
ورده ولا عنه اذاد واجعل لي خير زاد واوفى
ميعاد يوم يقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولين
والاخرين الجاحدين بحقوق اوليائك المستأثرين
اللهم واقصم دعائمهم واهلك اشياعهم واعلامهم
وعجل فرج اوليائك واردد عليهم مظالمهم واظهر
بالحق قائمهم واجعله لدينك منتصرا وبامرك في
اعدائك مؤتمرا اللهم احففه بملائكة النصر وبما
القيت اليه من الامر في ليلة القدر منتقما لك حتى
ترضى ويعود دينك به وعلى يديه جديدا غضا ويمحض
الحق محضا ويرفض الباطل رفضا اللهم صل عليه وعلى
جميع آبائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا في
كرته حتى نكون في زمانه ومن اعوانه اللهم ادرك بنا قيامه

مهالكهم واسلبهم ممالكهم
وضيق مسالكهم والعن
مساهمهم ومشاركهم
اللهم وعجل

وَاَشْهِدْنا اَیّامَهُ وَصَلِّ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِ السَّلامُ وَارْدُدْ
اِلَیْنا سَلامَهُ وَالسَّلامُ عَلَیْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

فصل یازدهم در اعمال شهر ذی الحجة الحرام مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روز اول این ماه حضرت ابراهیم
علیه السلام تولد نموده و درین روز تزویج حضرت فاطمه علیها السلام
بوده مستحب است درین روز نماز حضرت فاطمه علیها السلام
و آن نماز را درین مقام چنین روایت کرده اند که چهار رکعت است
در هر رکعت بعد الحمد لله پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از
نماز تسبیح آنحضرت بگوید پس بگوید سُبْحانَ ذِی الْعِزِّ الْمَشامِخِ
الْمُنیفِ سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظیمِ سُبْحانَ
الْفاخِرِ الْقَدیمِ سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمالَ سُبْحانَ
مَنْ تَرَدّی بِالنُّورِ وَالْوَقارِ سُبْحانَ مَنْ یَرَی اَثَرَ النَّمْلَةِ
فِی الصَّفاءِ سُبْحانَ مَنْ یَرَی وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَواءِ
سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰکَذا وَلا هٰکَذا غَیْرُهُ و روزه این روز
کفاره شصت سال و مثل روزه هشتاد ماهست و روزه روز هشتم
که یوم الترویه گویند کفاره یکسال و نهم که عرفه است کفاره
نود سال و روزه تمام این روز برابر صوم دهر است و هر روز

وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَدًا وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا
وَارْزُقْنَا مُرَافَقَةَ وَلِيِّكَ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِلَى الْهُدَى
وَتَحْتَ لِوَائِهِ وَفِي زُمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ عَلَى بَصِيرَةٍ
مِنْ دِينِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بعد از ان سجده
کند و صد مرتبه بگوید شُكْرًا لِلّٰهِ بیست و چهارم این ماه
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در رکوع تصدق خاتم فرمود
و آیه تصدق که نص است در امامت و خلافت آنحضرت و اولاد
طاهرینش نازل گشت و گذاردن نماز روز عید غدیر در همان روز
فضل و ثواب همان دارد بیست و پنجم این ماه حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکان مباهله فرمود و آیه مباهله
که نص است در فضل اهل بیت علیهم السلام نازل گشت و در روایت دیگر
آمده که روز مباهله روز بیست و چهارم است و مشایخ رحمهم الله
آنروز را ظاهرتر دانسته اند و بالجمله فضل روز مباهله بسیار
عظیم است درین روز هر که خواهد نماز گذارد و در روایت دیگر
دوازده رکعت نماز گذارد و بعد از هر دو رکعت هفتاد مرتبه
استغفار کند و چون از نماز فارغ شود ایستاده نظر بر موضع
سجود افکند یا غسل این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

الحمد لله فاطر السموات والارضين الحمد لله الذي له ما في
السموات وما في الارض الحمد لله الذي خلق السموات
والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم
يعدلون الحمد لله عرفني ما كنت به جاهلا ولولا
تعريفه اياي لكنت هالكا اذ قال وقوله الحق قل لا
اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى فبين لي
القرابة فقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم
الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا فبين
لي اهل البيت بعد القرابة ثم قال منبئا عن الصادقين
الذين امرنا بالكون معهم والرد اليهم بقوله سبحانه
وتعالى يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين
فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه وقل
تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم
وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على
الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن حيث هديتني
وارشدتني حتى لم يخف على الاهل والبيت والقرابة
فعرفتني نساءهم واولادهم ورجالهم اللهم اني

اتقرّب اليك بذلك المقام الذي لا يكون اعظم
منه فضلاً للمؤمنين ولا اكثر رحمة لهم بتعريفك
اياهم شانه وابانتك فضل اهله الذين بهم ادحضت
باطل اعدائك وثبّت بهم قواعد دينك فلولا
هذا المقام المحمود الذي انقذتنا به ودللتنا على
اتباع المحقّين من اهل بيت نبيّك الصادقين
عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس
الافعال لخصم اهل الاسلام وظهرت كلمة اهل
الالحاد وقول اولي العناد فلك الحمد ولك المنّ
ولك الشكر على نعمائك واياديك اللّهمّ
فصلّ على محمّد وآل محمّد الذين افترضت علينا طاعتهم
وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم
وشرّفتنا باتّباع آثارهم وثبّتنا بالقول الثابت
الذي عرّفوناه فاعنّا على الاخذ بما بصّروناه واجز
محمّداً عنّا افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل
وسعه في ابلاغ رسالتك واخطر بنفسه في اقامة
دينك وصلّ على اخيه ووصيّه والهادي الى

دينه والمقيم سنته علي امير المؤمنين وصل على الا
ئمة من ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم
بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم دار كرامتك يا ارحم
الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الكساء والعباء
يوم المباهلة اجعلهم شفعاءنا اسئلك بحق ذلك
المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي وتتوب
علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني اشهد ان
ارواحهم واجسادهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة
التي طاب اصلها وفرعها واغصانها واوراقها
اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في
الدنيا والآخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من
اهوال يوم القيمة بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا
آثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه
من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم شانك وتقديس
اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات ان تحلك
والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك
اقمتهم حججا على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة

تنبه على امرك وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل
على عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك
ولها تبين حجتك وتدعوا الى تعظيم السفير بينك
وبين خلقك فانت المتفضل عليهم حيث قربتهم
من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم
لوحيك واورثتهم غوامض تاويلك رحمة بخلقك
ولطفا بعبادك وحنانا على بريتك وعلما بما ينطوي
عليه ضمائر امنائك وما يكون من شأن صفوتك
وطهرتهم في منشئهم نافث من نفث ومبتدئهم وحرستهم
اليهم وارتهم برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا
لامرك وشغلوا انفسهم بطاعتك وملؤا اجزاءهم
من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزؤا اوقاتهم
فيما يرضيك واخلوا ادخائلهم من معاريض الخطرات
الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك
وعقولهم مناصب لامرك ونهيك والسنتهم تراجمة
لوحيك لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم
من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم

لوحيك وانزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم
والرد اليهم والاستنباط منهم اللهم انا قد تمسكنا
بكتابك وبعترة نبيك صلواتك عليهم الذين
اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم اللهم فانا
قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون
فما لنا من شافعين ولا صديق حميم فاجعلنا من
الصادقين المصدقين لهم المنتظرين لايامهم
الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ هديتنا
وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب
آمين رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد
وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين وقبلة العارفين
وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم
الروح الامين وباهل الله بهم المباهلين فقال وهو اصدق
القائلين فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم
فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساء
كم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل
لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام المخصوص بمواخاته

يوم الإخاء والمؤثر بالقوت بعد ضر الطوى ومن
شكر الله سعيه في هل أتى ومن شهد بفضله معادوه
وأقر بمناقبه جاحدوه مولى الأنام ومكسر الأصنام
ومن لم تأخذه في الله لومة لائم صلى الله عليه ما
طلعت شمس النهار وأورقت الأشجار وعلى النجوم
المشرقات من عترته والأنجم الواضحات من ذريته
روز آخر این ماه هر کس دو رکعت نماز گذارد در رکعت اول
بعد الحمد ده مرتبه قل الله احد و در دوم ده مرتبه آیة الکرسی
بخواند و بعد از سلام بگوید اللهم ما عملت في هذه
السنة من عمل نهيتني عنه ولم ترضه لي ونسيته
ولم تنسه ودعوتني إلى التوبة منه بعد جرأتي
عليك اللهم إني أستغفرك منه فاغفر لي اللهم
وما عملت من عمل يقربني إليك فاقبله مني ولا
تقطع رجائي منك يا كريم حق تعالی گناهان
آن سالش را بیامرزد و شیطان فریاد کند که ای وای جد و جهد
بعبث من درین سال کشیدم فصل دوازدهم در ذکر
حدیثی در فضایل اعمال لیالی و ایام و شهور و اعوام بر سبیل اجمال

مرویست از امام همام حسن بن علی العسکری علیهما السلام که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که چون روز قیامت خدای تعالی
بندگان را همگی محشور سازد و در یک زمین جمع کرداند و بقاع و
اماکن روزها و شبها و ساعتها و شبهای جمعه و ماهها و
سالها همه را محشور سازد و از ایشان بر اعمال عباد شهادت طلبد
پس برای هر کس بطاعت و عمل صالح شهادت دهند بسعادت
ابد فایز گردد و در زمرهٔ سعدا منسلک شود و برای هر کس بمعصیت
و عمل شر شهادت دهند بشقاوت ابد معذب شود پس
تهیهٔ روز قیامت کنید و ترک معاصی نمائید که در آن روز بتقوی
امید خلاص و بطاعت خدا چشم داشت نجات توان داشت
و هر کس حرمت ماه رجب و شعبان بشناسد و این دو ماه را
بطاعت و عبادت بماه مبارک رمضان متصل کرداند این
سه ماه شاهدان او باشند و روز قیامت منادی ندا کند
و گوید ای رجب و شعبان و رمضان چون بود مصاحبت این بنده
خدا با شما و چون کرد طاعت خدا را در شما پس ایشان گویند خدایا
این بنده تو چون با ما بود جهد میکرد در طاعت تو و سعی در تحصیل
رضای تو می نمود و بعبادت و طاعت محبت و رحمت تو میجست

پس از ملائکه که برین سه ماه موکلند شهادت طلبد ایشان گویند
خدایا رجب و شعبان و رمضان راست کفتند ما این بنده را
ندیدیم مگر در طاعت و عبادت تو و تحصیل رضای تو و بر و
احسان با بندکان تو اینها همه را از روی فرح و ابتهاج باززوی
رحمت و امید عفو و مغفرت تو میکرد و از آنچه تو او را منع
فرموده بودی احتراز مینمود و بهرچه موجب رحمت و سبب مغفرت
تو بود می شتافت و مبادرت میکرد و باطن و فرج و سمع و بصر
و سایر جوارح روزه میداشت و روزها از بد تشنگی روزه
میکذرانید شبهای در اتعب عبادت بروز می آورد و نفقه
میکرد و صدقه و احسان بفقرا و مساکین بسیار میکرد صحبت
این سه ماه را خوب داشت و رعایت ایشان را خوب کرد و بعد از آن
نیز بر طاعت و عبادت باقی بود و هتک حرمت امر و نهی تو
مینمود پس خدای تعالی آن بنده را امر بجنت فرماید و ملائکه با
تحفها و عطایا و کرامت استقبالش کنند و بر تختی از نورش
نشانند و مرکبهای براق برائش مهیا کرداند و نعمتهای باقی
و منازل عالی برند که هرگز از آنجا بیرون نیاید و جوانان آنجا
هر بیری نبود و سرورش را غم در عقب نباشند و نوش از کهنگی

ایمن باشد از کدورت حسنات مأمون ومشفق از عذاب مصون

ودر منازل شریف ودرجات رفیع مکرم ومنیع باشد ومهم انحضرت

صلی الله علیه واله وسلم فرمود چون روز اول شعبان شود شیطان

لشکر خود را در اطراف زمین متفرق سازد وگوید سعی کنید وبندگان

خدا را بگیرید واز راه خدا بگردانید وخدا تعالی ملائکه را در اطراف

زمین منتشر سازد وفرماید بندگان مرا هدایت کنید وهدایت

نمائید مگر کسی که با او سرکشی کند وطغیان ورزد که او داخل

جنود ابلیس شود وروز اول شعبان فرماید درخت طوبی را که

شاخهایش بدنیا آویخته شود بعد از آن ملکی از جانب خدا ندا

کند وگوید ای بندگان خدا این شاخهای طوبی است محکم بگیرید

وخود را بالها در او برید تا شما را به بهشت برند واین شاخهای

زقوم است از آن بگریزید تا شما را بجهنم نبرند بعد از آن فرمود

پس هر کس امروز روزه گیرد بشاخی از طوبی چسبیده وهر کس

مظلمه از کسی عفو کند بشاخی چسبیده وهر کس میان زن وشوهر

یا والد وولد یا خویش وخویش یا همسایه وهمسایه یا بیگانه وبیگانه

اصلاح بخشد وکدورت کند بشاخی چسبیده وهر کس زن

دار پریشانی را مهلت دهد یا چیزی از حق خود با او بخشد

بعد از آن فرمود بخدائی که مرا بحق بنبوت اختیار کرده که هر که از اعمال خیر کند بشاخی از شاخها چسبید هر که عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسبیده باشد

[illegible]

بشاخی چسبیده ه و هر کس ادای دین کهنه که صاحبش از آن مأیوس گشته
باشد کند بشاخی چسپیده ه و هر کس متکفل احوال یتیمی شود بشاخی چسبیده
و هر کس سفیهی و جاهلی را از غیبت و عرض مومنی منع کند بشاخی چسبیده
و هر کس ذکر خدا و شکر نعمتهای او کند بشاخی چسپیده ه و هر کس عیادت
بیماری کند بشاخی چسبیده ه و هر کس بر والدین یا یکی از ایشان بجای
آرد بشاخی چسپیده ه یا اگر ایشان یا یکی از ایشان از و آزرده باشند
عذر خواهی کند و رضای ایشان تحصیل نماید بشاخی چسپیده ه
و همچنین هر کس کاری از کارهای خیر کند بشاخی از طوبی چسبیده
و هر کس عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسبیده باشد ه
و هر کس در نماز فریضه تقصیر کند و حق آن را ضایع کرداند بشاخی از آن
چسبیده ه و هر کس فقیری بنزد او آید که خبر از حالش داشته باشد
و قادر بر حاجت او باشد و او را واگذارد تا مشقت کشد و مضطرب
باشد بشاخی چسبیده ه و هر کس کسی از وی عذر تقصیر و بدی خواهد
و قبول نکند بلکه بر نجانندش بشاخی چسبیده ه و هر کس میان
زن و شوهر یا والد و ولد یا دو خویش یا دو همسایه یا دو دوست
یا دو شریک افساد کند بشاخی چسبیده ه و هر کس بر قرض داری پریشان
که حالش را داند تشدد کند بشاخی چسبیده ه و هر کس قرضی داشته باشد

و هر کس تسبیح فاطمه کند بشاخی چسبیده و هر کس
عطسه کند الحمد لله گوید بشاخی چسبیده

وازصاحب حق چیزی کم کند وحقش ببرد بشاخی چسبیده وهرکس یتیمی را
برنجاند وبرو ظلم کند بشاخی چسبیده وهرکس غیبت مومنی کند
وهتک عرض نماید بشاخی چسبیده وهرکس غناء حرامی کند بشاخی
چسبیده وهرکس قبایح اعمال خود وظلم خود را نقل کند ویا آن
تفاخر کند بشاخی چسبیده وهرکس از روی تکبر بعیادت مریضی
نرود بشاخی چسبیده وهرکس از باب استخفاف ترک تشییع
جنازه یا ترک تعزیه صاحب مصیبتی کند بشاخی چسبیده وهرکس
عقوق والدین یا یکی از ایشان کند یا ایشان از و آزرده باشند
وتحصیل رضای وعذرخواهی ایشان نکند وحال آنکه قادر باشد
بشاخی چسبیده وهمچنین هرکس مرتکب فعلی از افعال شر شود
بشاخی از آن قوم چسبیده باشند وایشان را میکشیده باشند تا بجهنم
بعد از آن مدتی نگاه بآسمان میکرد واظهار سرور وشکفتگی
مینمود بعد از آن نگاه بزمین کرد واظهار از ردگی ودلگیری
نمود وبعد از آن متوجه اصحاب گشته فرمود بخدائی که مرا
بحق بنبوت اختیار فرمود که دیدم درخت طوبی را که جمعی که
بشاخهای آن آویخته اند همه را ببهشت میبرد بعضی به یک
شاخ آویخته وبعضی بدو شاخ وبعضی بچند شاخ هرکس بحسب کار

خیر بجکه کرده و دیدم زید بن حارثه را که بنیر خوانده آنحضرت بود همه

شاخهای طوبی چسبیده بود و او را از همه کس بالاتر برد از بجهت

خندان شدم و چون نگاه بر زمین کردم دیدم درخت زقوم را که جمعی که

بشاخهای او چسبیده بودند همه را فرو برد بجهنم و بعضی را دیدم

بیکشاخ چسبیده و بعضی بدو شاخ و بعضی بچند شاخ هر کس بحسب

قبایحی که کرده و بعضی از منافقین را دیدم که بهمه شاخهای زقوم

چسبیده بود و او را فرو برد تا باسفل درکات جهنم و از بجهت

دلگیر شدم بعد از آن باز نگاه باسمان کردی خندان شدی و نگاه بزمین

کردی و دلگیر گردیدی پس فرمود اگر آنچه من دیدم شما می دیدید روزها را

بجکههای تشنه و گرسنه بروزه میگذرانید و شبها را به تعب

و مشقت عبادت بسر می آوردید و مالهای خود را بصدقه تمام

میکردید و جانهای خود را در جهاد می باختید گفتند پدر و مادر

و اهل و فرزندان فدای تو باد چه دیدید فرمود چون شاخهای طوبی

به بهشت رجوع کردند منادی از جانب خدا ندا کرد که ای ملائکه

به بینید هر کس امروز بشاخ از طوبی آویخته اند که ساخ آن شاخ می افکند

از هر جانب نهرها و قصرها و نعمتهای بهشت باو دهید پس بعضی

از ایشان را از هر جانب هزار ساله راه عطا کنند و بعضی را دو برابر آن

وبعضی را سه برابر وبعضی را چهار برابر وهمچنین هرکس را بقدر عملش
وچون شاخهای زقوم بجهنم فرو رفتند منادی از جانب خدا
ندا کرد که ای خزان جهنم بدبینید هرکس امروز بشاخی از زقوم چسبید
بقدر حرارت وظلمت ان شاخ از همه جانب برای او از آتش خانها
ومنازل بنا کنید ومارها وعقربها وزنجیرها وغلها وعذابها
برایش مهیا کردانید پس برای بعضی یکساله راه وبعضی دو ساله
وصد ساله وبیشتر وکمتر هرکس را بقدر عملش عذاب مقرر کنند
بعد از ان بر اطراف زمین نگاه میکرد وگاهی مسرور وگاهی
دلگیر میشد پس فرمود خوشا انانکه اطاعت خدا میکنند وبشاخهای
طوبی آویخته که خدا تعالی چون با ایشان اکرامی وشفقت میفرماید
شیاطین متوجه ایشان شده آنکه ایشانرا گمراه کنند وخدا تعالی
ملائکه را فرموده که با شیاطین محاربه ومقاتله میکنند وشیاطین را
میکشند ودور میسازند ووای آنانکه معصیت میکنند وشیاطین
ایشانرا گمراه کرده بجهنم میفرستند بعد از ان فرمود کس عظیم
امروز کنید وقدرش را بدانید وحرمتش بشناسید که بسیار
مردم که امروز سعید شوند وبسا مردم که امروز شقی گردند

باب [illegible] در تزویج واحکام متعلق

مقصود

ومقصود ازین باب انشاء الله در دوازده فصل بیان شود

فصل اوّل در فضایل تزویج وکراهت عزوبت مرویست از اهل بیت

طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون کسی تزویج کند نصف دینش

محفوظ گردد پس در نصف دیگر احتیاط وملاحظه خود نماید

ودو رکعت نماز صاحب اهل وعیال افضل است از هفتاد رکعت

عزب وهیچ بنای در اسلام پیش خدا دوست تر از نکاح نیست

وهیچ خرابی دشمن تر از فرقت وطلاق نه وخدا تعالی از غایت

دشمنی طلاق ذکر آن در قرآن بسیار فرموده واکثر حنیر در زنان باشند

وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده چه مانع است مومن را که

اهلی بگیرد تزویج کند وتحصیل اولاد نماید که روز قیامت من بشما

بر سایر امم مفاخرت ومباهات کنم حتی طفلی از شما که ساقط شود

غضبناک وخشم آلود بر در بهشت ایستاده باو گویند داخل شو

گوید داخل نشوم تا اول والدین من داخل شوند پس خدا تعالی

ملکی را فرماید که والدینش را آورده داخل بهشت کند واولاد

در زیر عرش در مکانی از مشک وعنبر وزعفران برای آبا خود

استغفار کنند ونیز فرمود رذل ترین مردم اموات آنانند که

عزب بمیرند وحضرت امام جعفر علیه السلام فرمود دوست ندارم

که تمام دنیا و ما فیها از من باشد و یک شب عزب بخوابم بعد از آن فرمود
دو رکعت نماز متزوج بهتر است از آنکه عزب شبها نماز گذارد و
روزها روزه گیرد و هر کس خواهد پاک و پاکیزه پیش خدا رود با زن
برود و کسی که از ترس پریشانی ترک تزویج کند بخدا بدگمان باشد
که فرموده اگر پریشان باشید نکاح کنید تا شما را غنی گردانم
و هر کس از اقربای خود برای رضای خدا و صله رحم تزویج کند خدا تعالی
تاج ملک و پادشاهی بر سرش نهد و بنده که خدا تعالی خواهد
خیر دنیا و آخرت برای وی جمع کرده اند دلی خاشع و زبانی ذاکر و
جسدی بر بلا صابر و زوجه مومنه که هر گاه نظر بر وی کند مسرور
شود و چون خدمتی فرماید اطاعت کند و چون از او غایب شود خود را
و مال او را محافظت نماید و نیز مروی است که بهترین شفاعتها
اینست که میان دو کس کنی تا تزویج بهم رسد و هر کس این سعی کند
بهر گامی که بر دارد و هر کلمه که گوید خدا تعالی برای او عبادت یکساله
نویسد که شبهایش نماز و روزهایش روزه باشد و هزار حوری عطا
فرماید هر کدام در قصری از در و یاقوت و هر کس عزبی را تزویج کند
از جمله جمعی باشد که خدا تعالی روز قیامت نظر رحمت بر ایشان
دارد و از جمله سعادت مرد اینست که دخترش در خانه شوهر حایض

دهکی

وهرکس در مفارقت میان زن و شوهر سعی نماید بغضب و لعنت خدا
گرفتار شود و بدوزخ معذب گردد و هرکس در اصلاح میان ایشان
سعی کند اجر هزار شهید یابد و بهر کامی که بردارد و کلمه که گوید یکساله
عبادت نویسند با روزه روزها و نماز شبها

فصل دویم

در فضایل متعه و سریه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که هرکس متعه کند برای رضای خدا و مخالفت منکرین بهر کلمه که با او
تکلم کند و هر مرتبه که دست بجانب او برد برایش حسنه نویسند و
چون نزدیکی کند گناهی از او آمرزیده شود و چون غسل کند بعدد هر موئی
که در بدنش آب رسیده گناهان از او آمرزیده شود و جبرئیل
بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت که خدا تعالی میفرماید
که هرکس از امت تو متعه کند گناهانش را آمرزیدم و کسی از حضرت
امام جعفر علیه السلم از متعه سوال کرد فرمود دوست ندارم که کسی
از دنیا برود و سنتی از سنن رسول الله صلعم مانده باشد که بجا
نیاورده باشد و دیگری با نحضرت گفت قسم خورده ام که متعه نکنم
فرمود که عهد کردهٔ که اطاعت خدا نکنی والله که اگر اطاعت نکنی
معصیت کرده باشی و مردی بخدمت حضرت امام محمد باقر
علیه السلم معروض داشت که دختر عم من مال بسیار دارد و بمن پیغام

کرده که میدانی که بسیار مردم مرا خواستکاری کردند راضی نشدم

و رغبتی بمردان ندارم اما چون شنیده ام که خدا تعالی و رسول

صلی الله علیه و آله و سلم متعه را حلال کرده اند مرا متعه کن حضرت

فرمود برو متعه کن که خدا تعالی بر هر دو صلوة و رحمت فرستد

و نیز مرویست که از کنیزان طلب اولاد کنید که در رحم ایشان

خیر و برکت است و نیز مرویست که چون کسی کنیزی بگیرد باید که

هر چهل روز یکمرتبه با او مباشرت کند یا بدیگری حلال کند

پس اگر نکند پس اگر زنا کند گناهش برو باشد و نیز روایات

آمده که متعه حلال است بر کسی که خدا او را از زوجه مستغنی نکرده

باشد یا آنکه بسفری رفته از زوجه خود دور شده باشد و یکی از

ائمه طاهرین علیهم السلام بموالی خود نوشتند که الحاح در متعه مکنید

و از زنان خود دوری منمائید که ایشان از شما آرزده نشوند و

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام باصحاب خود فرمود شما را که

خدا تعالی بزن مستغنی از متعه کرده شرم نمی آید و عار و حیا

ندارید از اینکه در جاهای نامناسب بر بینند و ننگ شما باشد

فصل سیوم در اختیار زوجه و صفات زنان مرویست

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که زنا نزا قیمت نباشد که زن خوب

و انهم برا ز حرام کرده بخواهم طاعت ایشان و مخالفت نکنم ۲

بهتر است

بهتر است از طلا و نقره و زن بد خاك از و بهتر است و هم ایشان
علیهم السلام فرموده‌اند که زنان نجیب مناسب اختیار کنید که فرزند بخالو
شبیه میشود و کسی که زن برای مال یا جمال خواهد از آن محروم شود
و اگر از برای دین و ایمان اختیار کند از مال و جمال بهره مند گردد
و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرموده زن گندم گون سیاه چشم
بزرگ سرین میانه بالا اختیار کن و اگر از و راضی نباشی مهرش
بر من باشد که ایشان نجیب تر باشند و بهترین زنان آنست که
که عفیف و ولود باشد و در میان قوم خود عزیز و در پیش شوهر مطیع
بود و اگر شوهرش از و آزرده باشد خواب نکند تا او را راضی کند
و برای شوهر زینت کند و از نامحرمان پوشیده باشد و چون
با او خلوت کند مطیع باشد و مثل اسپ سرکش نباشد و بدترین
زنان آنست که درین صفات خلاف این باشد کسی در خدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت هرگاه بخانه میروم
زوجه‌ام استقبال میکند و چون بیرون می‌آیم متابعت میکند
و اگر مرا دلگیر بیند دلداری کند و تسلی دهد آنحضرت علیه الصلوة
و السلام فرمود خدا را در زمین جمعی باشند که کارهای او را نظام
دهند و این زن از جملهٔ ایشانست و او را نصف اجر شهیدی باشد

وبرکت زن آنست که خفیف المؤنة باشد و ولادتش آسان و مهرش
سنگین نباشد **فصل چهارم** در اوقات تزویج
و آداب آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام سنت است
که تزویج در شب باشد که شب از برای استراحت و لذت
آفریده شده و اگر تزویج در تحت الشعاع واقع شد طفل
از ساقط گشتن ایمن نباشد و اگر قمر در عقرب باشد آن را
تزویج خیر نپسندد و اگر در وقت گرمای روز باشد زود بمفارقت
انجامد بلکه باید در طرفین روز باشد که هوا ملایم باشد
و چون اراده تزویج کند اول دو رکعت نماز کند و حمد خدا
کند و بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ اَللّٰهُمَّ
فَقَدِّرْ لِی مِنَ النِّسَاءِ اَحْسَنَهُنَّ خَلْقاً وَخُلُقاً وَاَعَفَّهُنَّ
فَرْجاً وَاَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِهَا وَمَالِی وَاَوْسَعَهُنَّ
رِزْقاً وَاَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً وَاقْضِ لِی مِنْهَا وَلَداً
طَيِّباً تَجْعَلُهُ لِی خَلَفاً فِی حَيَاتِی وَبَعْدَ مَوْتِی
و مستحب است ابتدا کردن تزویج بخطبه مشتمل بر حمد و صلوة
و موعظه و ترغیب بنکاح و این خطبه رضویه علیه السلام
افضل خطب این باب است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی حَمِدَ

الكتاب نفسه وافتتح بالحمد كتابه وجعل الحمد
اول جزاء محل نعمته وآخر دعوى اهل جنته واشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له شهادة اخلصها
له وادخرها عنده وصلى الله على محمد خاتم النبوة
وخير البرية وعلى آله آل الرحمة وشجرة النعمة و
معدن الرسالة ومختلف الملائكة والحمد
لله الذي كان في علمه السابق وكتابه الناطق
وبيانه الصادق ان احق الاسباب بالصلة والاثرة
واولى الامور بالرغبة فيه والتقدمة سبب اوجب
نسبا وامر اعقب غنى فقال جل وعز وهو الذي
خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان
ربك قديرا وقال وانكحوا الايامى منكم والصالحين
من عبادكم وامائكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله
من فضله والله واسع عليم ولو لم يكن في المصاهرة
والمناكحة آية محكمة ولا سنة متبعة ولا اثر
مستفيض لكان فيما جعل الله من بر القريب وتقريب
البعيد وتاليف القلوب وتشبيك الحقوق

وتكثير العدد وتوفير الولد لنوائب الدهور وحوادث
الامور ما يرغب في دونه العاقل اللبيب ويسارع اليه
المرافق المصيب ويحرص عليه الاديب الاريب فاولى
الناس به من اتبع امره وانفذ حكمه وامضى قضاءه
ورجى اجزاءه وفلان بن فلان من قد عرفتم حاله وجلاله
دعاه رضى نفسه واتاكم ايثارا لكم واختيارا لخطبة
فلانة بنت فلان كريمتكم ويبذل لها من الصداق كذا و
كذا فبلغوه بالاجابة واجيبوه بالرغبة واستخيروا
الله في امركم يعزم لكم رشدكم ان شاء الله
نسأل الله ان يلحم ما بينكم بالبر والتقوى ويؤلفه
بالمحبة والهوى ويختمه بالموافقة والرضا انه سميع
الدعاء لطيف لما يشاء **فصل پنجم** در آداب زفاف
مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام كه در شب زفاف پيش از انكه
داماد عروس پيش هم آيند داماد دو ركعت نماز گذارد بعد از آن حمد
خدا كند و صلوة بفرستد و بگويد اللهم ارزقني الفها وودها
ورضاها بي واجمع بيننا باحسن اجتماع وايسر ايتلاف
فانك تحب الحلال وتكره الحرام وجمعي كه حاضر باشند

امتى

آمین بگویند و عروس نیز چنین کند اما اول دعا را چنین بگوید اللّٰهُمَّ
ارْزُقْنِی اُلْفَتَهٗ وَ وُدَّهٗ وَ رِضَاهُ بِی تا آخر دعا و چون پیش هم آیند
رو بقبله دست بر پیشانی عروس کذاشته بگوید اللّٰهُمَّ عَلٰی کِتَابِکَ
تَزَوَّجْتُهَا وَ فِی اَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا وَ بِکَلِمَاتِکَ اسْتَحْلَلْتُهَا
فَاِنْ قَضَیْتَ لِیْ فِیْ رَحِمِهَا شَیْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا مُسْلِمًا
سَوِیًّا وَ لَا تَجْعَلْهُ شِرْکَ الشَّیْطَانِ و اگر خواهد بگوید
اللّٰهُمَّ بِاَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا وَ بِکَلِمَاتِکَ اسْتَحْلَلْتُهَا فَاِنْ
قَضَیْتَ لِیْ مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَکًا تَقِیًّا مِنْ
شِیْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیْهِ شِرْکًا
وَ لَا نَصِیْبًا و پای عروس را بشویند و آن آب را از در خانه تا
آخر خانه بپاشند هشتاد قسم حاجت از آنخانه بیرون رود و هفتاد
قسم برکت داخل شود و هفتاد رحمت بر سر عروس فرود آید
که برکتش بهر گوشهٔ خانه برسد و عروس از جنون و جذام و برص
ایمن گردد تا در آنخانه باشد و در هفتهٔ اول عروس از خوردن
شیر و سرکه و کشنیز و سیب ترش احتراز کند که رحم را سرد
و عقیم گرداند و اگر سرکه خورده باشد که حایض شود هرگز از حیض
پاک نشود و کشنیز ولادت را دشوار کند و سیب ترش حیض را

قطع کند فصل ششم در ثواب مباشرت و آداب و اوقات آن

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که روزی زینب عطاره بخدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم رفته از زوج خود شکایت
کرد فرمود اگر فضایل مباشرت را بداند تقصیر نخواهد کرد گفت
کدام است آن فضایل فرمود هرگاه متوجه شود چنانست که در راه
خدا شمشیر کشیده باشد و چون مجامعت کند گناهان از و
بریزد مثل برگ از درخت و چون غسل کند از گناه پاک شود
و هم از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم مرویست که با بوذر رحمة الله
فرمود با اهل خود مقاربت کن تا ثواب یابی ابوذر گفت یا
اهل خود صحبت دارم و ثواب نیز داشته باشم فرمود بلی همچنانکه
حرام گناه دارد حلال نیز ثواب دارد و نیز مرویست که هر کس
زنان و کنیزان زیاده از انکه با ایشان تواند مجامعت کرد جمع
کند و ایشان زنا کنند گناهانش بر و باشد و اما آداب
مباشرت مرویست که در وقت مجامعت اگر بسم الله نگوید
شیطان در جماع با او شریک شود و نطفه که بسته شود شیطان
دران با او شریک بود و شرکت شیطان موجب کفر و نفاق
و عداوت اهل بیت علیهم السلم و ولد الزنا سبب فسوق و معاصی در فرزند

باشد و اگر بسم الله بگوید از شر و شرکت شیطان ایمن گردد و اگر بجای
عبارت که مرویست از حضرت امام جعفر علیه السلام بگوید افضلست
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ بَدِیعُ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اِنْ قَضَیْتَ مِنِّی فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ خَلِیفَةً
فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیهِ شِرْکًا وَلَا نَصِیبًا وَلَا حَظًّا
وَاجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا مُصَفًّی مِنَ الشَّیْطَانِ وَرِجْزِهِ
جَلَّ ثَنَاؤُكَ و نیز مرویست اگر بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِی الشَّیْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّیْطَانَ مَا رَزَقْتَنِی
اگر فرزند می شود هرگز مضرتی از شیطان باو نرسد و اگر خواهد
در وقت مجامعت بگوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی وَلَدًا وَاجْعَلْهُ
تَقِیًّا زَکِیًّا لَیْسَ فِی خَلْقِهِ زِیَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ
وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ اِلَی خَیْرٍ و در اثنای مجامعت حرف زدن
موجب لالی و گرفتگی زبان فرزند و نگاه کردن بفرج زن مورث
کوری فرزند باشد و اگر مرد زودتر فارغ شود باید صبر کند تا زن نیز
حاجت خود برآرد که گاه باشد که زن بحالتی از منی مرد برخیزد
که اگر بغلامی سیاهی برخورد در آویزد و هر کدام خرقه جدا بردارد
و هر دو یک خرقه استعمال نکنند که اگر آب مرد و زن بر سر هم افتد

موردث عداوت میانشان شود و دران خانه کسی که ایشانرا ببیند

یا صدای ایشان بشنود خواه طفل و خواه غیر آن نباشد که سبب زنا

در فرزند شود و روایتست بقیله نباشد و اگر محتلم شده باشد

تا غسل نکند جماع نکند که سبب جنون در فرزند باشد اما اگر بعد از

مجامعت مرتبه دیگر خواهد وضو کافی بود و در وقت حیض جماع کردن

موردث جذام یا برص باشد در فرزند و ایضاً روایات بسیار

آمده که هیچکس بغض و عداوت اهل بیت علیهم السلم ندارد مگر کسی که

ولد الزنا یا شرک شیطان باشد یا در ایام حیض نطفه اش بسته باشد

و حضرت امام جعفر علیه السلم فرمود اگر نعمت محبت ما را در دل خود

یابید مادر خود را بسیار دعا کنید که با پدر شما خیانت نکرده و مرویست

که سه چیز بدن را بسیار لاغر کند و گاه باشد که موجب هلاک گردد

شکم پر بحمام رفتن و شکم پر جماع کردن و با زن پیر مجامعت نمودن

و مرویست که ایستاده جماع کردن سبب بول فراش در فرزند

باشد و بر بام خانه جماع نکن که فرزند منافق و صاحب بدعت

و مرائی شود و در آفتاب نکند که فرزند در تمام عمر پریشان باشد

و در زیر درخت میوه دار نباشد که فرزند جلاد و خونریز شود

و اگر زن حامله باشد بی وضو با او مجامعت نکند که فرزند کوردل

و بخیل

وبخیل شود واگر از زن غیری شهوت بحرکت آید با آن شهوت
با زن خود جماع نکند که فرزند مخنث یا دیوانه شود واگر در کشتی
نشسته باشند مجامعت نکند واگر جنب باشد با زن در میان
جای خواب قرآن نخواند که بیم آن بود که آتشی از آسمان آید و هر دو را
بسوزد واگر زن جنب باشد و از جای خود برخیزد تا آنجا سرد نشود
دیگری بر آنجا ننشیند واما اوقات مجامعت چند وقت مستحب است
مجامعت کردن شب جمعه بعد از نماز خفتن که فرزند از جمله اعاظم
واکابر دین شود و در روز جمعه بعد از عصر که فرزند از جمله مشاهیر
علما شود و شب دوشنبه که فرزند حافظ قرآن و راضی بقسمت
خود باشد و شب سه شنبه که فرزند مومن و رحیم دل و سخی شود
و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد و شب پنجشنبه که فرزند
از جمله علما یا اکابر شود و روز پنجشنبه وقت ظهر که فرزند
کار ساز مردم باشد و دین و دنیایش بسلامت بود و شیطان
نزدیکش نشود تا آنکه پیر شود و شب اول ماه مبارک رمضان
نیز مستحب است مجامعت کردن و در چند وقت مکروه است میان
اذان و اقامت که فرزند بخونریزی حریص شود و میان طلوع
صبح وطلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق مغرب

وقت طلوع و غروب آفتاب زرد باشد و روزی که آفتاب گرفته
باشد و شبی که ماه گرفته باشد و شبانه روزی که زلزله شود و بادهای
سرخ و زرد و سیاه خیزد که درین اوقات فرزند بی‌عیبی نباشد و در
اول و میان و آخر ماه که زن یا فرزند را بیم جنون و جذام باشد
و در تحت الشعاع ماه که فرزند ساقط شود و بعد از ظهر که فرزند
احول شود و در شب عید قربان که فرزند شش انگشت یا چهار
انگشت باشد و در نصف ماه شعبان که فرزند شوم و معیوب باشد
و روز آخر ماه شعبان که فرزند خون ریز و معین ظالمین باشد
و اول شب که فرزند ساحر شود و دنیا را بر آخرت اختیار کند و شب
شبانروزیش از آنکه بسفر بیرون رود که فرزند معین ظالمین شود
و شبی که فردا آنش بسفر [crossed out] که فرزند مال خود را در باطل و
حرام صرف کند

فصل هفتم

در طلب فرزند مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون کسی را فرزند نشود هر صبح و شام
هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله بعد از ان ده مرتبه استغفر الله
بعد از ان نه مرتبه سبحان الله بعد از ان یکمرتبه استغفر الله
راوی گوید مرا فرزند نمیشد باین طریقه عمل نمودم اولاد بسیار شد
و بسیار مردم را تعلیم کردم همه را فرزند بسیار شد طریقه دیگر

بچکه

سجده کند و در سجده بگوید رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً
طَيِّبَةً اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاۤءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ
خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ راوی گوید من چنین کردم دو پسر مرا روزی شد
طریقه دیگر بر انگشتر فیروزه نقش کند که رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا
وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ راوی گوید چنین کردم یکسال نگذشت
که مرا پسری عطا شد و اگر خواهد فرزند پسر شود پیش از آنکه از حمل
چهار ماه تمام شود زن را رو بقبله بنشانند و آیة الکرسی بخوانند
و دست بر پهلویش گذاشته بگوید خدایا این را محمد نام کردم خدای تعالی
او را پسر کند پس چون متولد شود اگر بعهد خود وفا کند و محمد
نام کند خدای تعالی او را مبارک گرداند و اگر نام دیگر کند پس خدای تعالی
اگر خواهد او را بگذارد و گر نه ببرد طریقه دیگر مرویست هر کس
عزم کند که فرزند را محمد یا علی نام کند البته پسر شود طریقه
دیگر در وقت مجامعت که مهیای این کار شده باشد دست را
بر جانب راست ناف زن گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه بخواند
بعد از آن صحبت دارد و چون حمل ظاهر شود شبها هر مرتبه از جا
حرکت کند دست بر جانب ناف زن گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه
بخواند راوی گوید من چنین کردم هفت پسر مرا از پی یکدیگر آمد

وبسیار مردم کردند وهمه را اولاد ذکور بسیار شد ودرین مجموعه
اذکار دیگر وادویه نیز مناسب مقام بتقریبات گذشته

فصل هشتم در فضایل حمل وولادت واحکام متعلق
بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون زن حامله شود
مثل کسیست که روزه گیرد وبنفس ومال خود در راه خدا جهاد کند
وچون وضع حمل کند ثوابش را از بسیاری نتوان دانست وچون
شیر دهد هر یک مرتبه مکیدن پستان چنانست که بنده از اولاد
حضرت اسمعیل آزاد کند وچون طفل را از شیر بگیرد فرشته
ندا کند که اعمال از سر بگیر که گناهت همه آمرزیده شد واگر در عرض
این مدت بمیرد شهید باشد ونیز مرویست که اگر زن در
نفاس بمیرد روحش را در قبر نگذارند بلکه بهشت خدا برند وآنجا
باشد تا روز قیامت وروز قیامت دیوان حساب برا او نگشایند
ومرویست که زن حامله به بسیار بخورد فرزند جمیل شود و
اگر در ایام حمل کندر بخورد فرزند قوی دل وعاقل شود واگر پسر
باشد شجاع باشد واگر دختر باشد بزرگ سرین ودر نظر
شوهرش عزیز وصاحب منزلت گردد وچون وضع حمل کند اول هفت عدد
خرما بخورد فرزند حلیم وعاقل شود ودر روایت دیگر نه عدد

ودر وقت ولادت زنان را از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر
زن بر عورت طفل نیفتد و اگر وضع حمل دشوار باشد بر کوزهٔ پر آب
سه مرتبه بخواند بسم الله الذی لا اله الا هو الحلیم الکریم
سبحان الله رب السموات و رب العرش العظیم الحمد لله
رب العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة
او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا
الا ساعة من نهار و قدری از ان آب بیاشامد و قدری در میان
بآسانی ۳ هر دو پستان و میان کتفش بپاشند باذن الله تعالی وضع حمل کند
و طریقه دیگر بنویسد و بر کمر آن زن بندد و چون وضع حمل کند زود
بگشاید بسم الله الرحمن الرحیم ان مع العسر یسرا
یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر و یهیئ لکم
من امرکم مرفقا هیئ لنا من امرنا رشدا و علی الله قصد السبیل
ثم السبیل یسره اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض
کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون
و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون
کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار

طریقه دیگر انا انزلناه را بنویسید و بشویند و زن بیاشامد و از آن
آب بر فرج او نیز بپاشند طریقه دیگر در پیش او انا انزلناه
بخوانند زود وضع حمل شود طریقه دیگر بر پشت پیمانه که غله بدان
کیل کنند این صورت نویسید و زن بر سر آن بنشیند

اثنین	ثمن	اربع
ثمنه	اثنی	ربع

فصل نهم در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه و
ختنه کردن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون طفل
متولد شود پیش از آنکه نافش را ببرند بقدر عدسی چاوشیر با آب
مخلوط کنند و دو قطره در دماغ راستش و یکقطره در دماغ چپ
بچکانند و در گوش راست اذان و در چپ اقامت بگویند از ترسیدن
و از شر ام الصبیان ایمن شود و نیز مرویست که اذان و اقامت
گفتن امانست از جنون و جن و شیطان و کام طفل را با تربت
حضرت امام حسین علیه السلام و آب فرات و اگر نباشد آب باران
بردارند و مرویست که هر کس را باب فرات کام بردارند دوست
اهل بیت علیهم السلام باشد و حضرت امیر المومنین علیه الصلوة والسلام
فرمود اگر کوفیان کام اطفال خود با آب فرات برمیداشتند
شیعه ما می بودند و نیز مرویست که کام طفل را با خرما بردارند
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کام حضرت امام حسن و حضرت

امام

امام حسین علیهما السلام را با خرما برداشت و مرویست که طفل
هنوز متولد نشده باشد که نامش بگذارید که اگر بی نام ساقط شود
روز قیامت از پدر گله کند که چرا مرا نام نگذاشتی و مستحب است
که چون طفل متولد شود تا هفت روز او را محمد و اگر دختر باشد
فاطمه گویند بعد از آن اگر خواهند نام دیگر گذارند و اول حق پدر
بر فرزند اینست که او را نام خوب گذارد که روز قیامت هر کس را
بنام خود آواز کنند و مرویست که راست ترین نامها آنست که
بندگی در و باشد مثل عبدالله و عبدالرحمن و امثال آن و افضل
اسماء اسماء انبیا و ائمه علیهم السلام است در هر خانه که نام محمد یا یکی
از انبیا علیهم السلام باشد خدا تعالی هر صبح و شام ملکی را فرستد
تا اهل آنخانه را مبارکباد برای ایشان دعای خیر و برکت کند
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از طفلی پرسید چه نام داری
گفت محمد فرمود کنیت چیست گفت علی فرمود از شیطان
در پناهی عظیم رفته چون شیطان بشنود که کسی را محمد و علی
آواز کنند بگدازد مثل قلعی در آتش و اگر بشنود که بنام یکی از
اعداء ما آواز کنند برخود ببالد و مسرور شود و نیز مرویست که
فقر داخل خانه نشود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر

یا طالب یا عبد الله یا فاطمه باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود کسی را چهار پسر شود و نام مرا نگذارد بر من
جفا کرده باشد و مردی از آنحضرت صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
پرسید که مرا پسری شده چه نام کنم فرمود حمزه که دوست ترازهمه
نامها است پیش من و مرویست که چون طفل را محمد و فاطمه نام
کنید رعایت ادب و اکرام با او بجا آرید و مزنید و دشنام
مدهید و مرنجانید و روایات بسیار آمده که بر غنی واجب است
که در روز هفتم طفل را عقیقه کند و اگر فقیر باشد هر وقت مقدور
شود خواه پسر باشد و خواه دختر که فرزند در گرو عقیقه است چون
عقیقه کند از گرو بیرون آید و اگر کسی را عقیقه نکرده باشد او خود را
عقیقه کند هر وقت که باشد تا آخر عمر و افضل آنست که عقیقه
پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده و از عیوب بسلامت باشد
و اگر مقدور نشود هر چیز مقدور شود مجزی بود و هر چند فربه تر باشد
افضل است و در وقت ذبح بگوید بسم الله و بالله و الحمد لله و الله
اکبر ایمانا و ثناء علی رسول الله صلی الله علیه و آله
و العصمة لامره و الشکر لرازقه و المعرفة
بفضله علینا اهل البیت اللهم لحمها بلحمه و دمها

بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره وجلدها بجلده اللهم
اجعلها وقاء لفلان بن فلان واگر پسر باشد بعد ازین بگوید
اللهم انك وهبت لنا ذكرا وانت اعلم بما وهبت ومنك
ما اعطيت وكل ما صنعنا فتقبله منا على سنتك و
سنة نبيك ورسولك صلى الله عليه واله واخسا عنا
الشيطان الرجيم لك سفكت الدماء لا شريك لك
والحمد لله رب العالمين واگر خواهد چنین بگوید بسم الله
وبالله اللهم عقيقة عن فلان لحمها بلحمه ودمها بدمه
وعظمها بعظمه اللهم اجعلها وقاء لآل محمد صلوات الله
عليهم وربع عقیقه را بقابله دهند واگر قابله نباشد ربع از
مادر است بهر کس خواهد دهد واگر قابله مادر مرد یا یکی از
عیال او باشد او را از عقیقه حصه نبود و باقی گوشت عقیقه را
بپزند و با جمعی از مومنان که لا اقل ده کس باشند صرف کنند
و هر چند بیشتر باشند افضل است وافضل اینست که والدین
مولود و هیچیك از عیال ایشان از آن گوشت نخورند و اگر
استخوانهای آنرا نشکنند افضل است و هم درین روز نام
گذارند و سر ش را بتراشند هر سه در یك وقت باشد و هم

و بوزن موی سرش طلا یا نقره تصدق کنند نقل م
این سنت کرد عقیقه و سر از استحباب تراشیدن

در روز هفتم ختنه کنند که گوشت بدنش زودتر نمو کند و ایمن
از بول کسی که ختنه نشده باشد چهل روز نجس شود و بخدا شکایت
کند و در وقت ختنه کردن بگوید اللهم هذه سنتک وسنة
نبیک محمد صلی الله علیه وآله واتباع منا لک ولنبیک
بمشیتک وارادتک وقضائک لامر اردته وقضاء
حتمته وامر انفذته فاذقته حر الحدید فی ختانه
وحجامته لامر انت اعرف به اللهم طهره من الذنوب
وزد فی عمره وادفع الآفات عن بدنه والاوجاع
عن جسمه وزده من الغنی وادفع عنه الفقر فانک
تعلم ولا نعلم و اگر در آنوقت نگفته باشد پیش از آنکه محتلم شود
هر وقت باشد برو بخوانند خدای تعالی او را از تیزی آهن بقتل
وغیر آن محفوظ دارد و مستحب است گوش راست مولود را سوراخ
کردن و افضل آنست که مادر خود شیر بدهد که شیر مادر
مبارکتر است و مرویست که شیرده باید صاحب دین و پاکیزه
و متقی باشد احمق و دنی و فاسق نباشد که شیر در طفل اثر کند
و مرویست که کمتر از بیست و یکماه شیر دادن ظلم است بر طفل
و نهایت شیر دو سال تمام است و بیشتر از این نشاید

وقت

فصل ذیم در فضایل اولاد و تربیت ایشان مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خدا تعالی برای بنده خود خیر
خواهد او را از دنیا نبرد تا خلف صالحی عطا فرماید و فرزند خوب
ریحانیست از بهشت و گریه اطفال مومنان تا هفت سال
تهلیل است و بعد ازان تا حد بلوغ استغفار است برای
والدین و بعد ازان هر حسنه که کنند والدین در ثوابش شریك
باشند و اگر سیئه کنند ضررش بایشان نرسد و کوفت اطفال
کفاره گناه والدینست و اگر فرزند بمیرد والدین را ازان ثواب
و درجات باشد حتی انکه سقط بر در بهشت ایستاده باشد
و داخل نشود تا دست والدین خود را گرفته داخل بهشت کند
و اگر بمانند برای ایشان دعا و استغفار کند و هر حسنه که کند
سبب مغفرت درجات برای ایشان باشد و مرویست که
حضرت عیسی علیه السلم بر قبری گذشت که صاحبش معذب بود
سال دیگر بران قبر گذشت عذاب ازان برخاسته بود مناجات
کرد از سبب آن سوال نمود وحی امد که این شخص را فرزندی
صالح است که یتیمی را پناه داده غمخواری کرد عذاب از و برداشتیم
و مرویست که کسب نعمت است و دختر حسنه از نعمت سوال کنند و

برحسنه ثواب دهند وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که
کسی که سه دختر یا سه خواهر عیالش باشند بهشت اورا واجب شود
کسی پرسید که دو تا هم باشد چنین است فرمود بلی گفت اگر یکی هم
باشد فرمود بلی اگر یکی هم باشد ونیز مرویست که هرکس دو دختر
یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله عیالش باشد اورا از دوزخ نگاه دارند
وهرکس بفرزند خود احسان ومهربانی کند چنانست که نوالدین
خود کرده باشد وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود اطفال را
دوست دارید وبر ایشان رحم کنید وچون بایشان وعده کنید
وفا کنید وهرکس بفرزند خود بسیار محبت داشته باشد خدای تعالی
برو رحمت کند واگر فرزند را ببوسد برایش حسنه نویسد واگر
مسرورش کند روز قیامت مسرورش کند وهرکس از بازار چیزی
گرفته برای اطفال وعیال بیارد چنانست که برای جمعی محتاج صدقه
برده باشد وافضل آنست که اول چیزی بزنان ودختران دهند
وهرکس دختری را مسرور کند چنانست که بنده از اولاد حضرت
اسمعیل آزاد کند واگر پسری را مسرور کند چنانست که از
ترس خدا گریسته باشد وهرکس از ترس خدا بگرید از اهل بهشت
باشد وهرکس زنی دیگر یا او قرابت وخویشی داشته باشد مکرر

اگر دو تا هم باشند ۲

خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کند و چون والدین فرزندان را
قران تعلیم کنند در بهشت ایشان را دو حله بپوشانند که پرتو نور آن
روی اهل بهشت را روشن کند و مرویست که مردی روزی در خدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت من هرگز فرزند خود را
نبوسیده ام بعد از آنکه او رفت حضرت فرمود این مرد از اهل
دوزخ است و مرویست که طفل را لا اله الا الله و آیة اخر بنی
اسرائیل قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا تا اخر سوره تعلیمش
کنید زبانش فصیح شود و نیز مرویست که چون پسر را سه سال
تمام شود امر کنید تا هفت مرتبه لا اله الا الله بگوید و چون سه
سال و هفت ماه و بیست روز تمام شود بگوئید که هفت مرتبه
بگوید محمد رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه
بگوید صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و چون پنج سال تمام شود دست
راست و چپ از و بپرسند چون بگوید رویش بقبله کنید و
بگوئید که سجده کند و چون شش سال تمام شود رکوع و سجود یادش
دهید و چون هفت سال تمام شود بگوئید دست و رو بشوید
و نماز بکند و چون نه سال تمام شود وضو و نماز بیادش دهید
و هرگاه تقصیر و کاهلی کند بزنید و چون وضو و نماز یاد گیرد کناهان

والا تنش امرزیده شود ونیز مرویست که طفل را هفت سال بگذارند
بازی کند وهفت سال دیگر قران وکتاب وخط یادش دهید
وهفت سال دیگر ملازم خود کردانید که اداب واخلاق یاد کیرد
وشرایع دین از حلال وحرام تعلیمش کنید بعد ازان اکر آثار
صلاح ورغبت بدین وایمان در وی یابید در صدد تربیتش باشید
وکرنه دست ازو بردارید **فصل یازدهم** در حقوق زوجین
بدانکه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حق زوج بر زوجه
اینست که خدمت واطاعتش کند وخلاف امر ورضایش نکند
واز خانه او بی اذن تصدق نکند وبکسی چیزی ندهد واکر دهد
کناهش ازو وثوابش از شوهر باشد وضبط خانه وحفظ مال او
کند واکر زن در خانه شوهر برای خیر ومصلحت خانه چیزی را
از جای بجای دیکر کذارد خدا تعالی برو نظر رحمت کند وهر کس را
خدا برو نظر رحمت کند بعد ازان هرکز عذابش نکند واز جمله
حقوق اینکه خود را از زینت خالی ندارد وهرچه مقدور شود و
دست را بی حنا نکذارد واکرچه همین بمالید حنا بر دست باشد
وبی اذن شوهر از خانه بدر نرود واکر رود ملائکه آسمان وم[illegible]
وملائکه رحمت وغضب براو لعنت کنند تا وقتی که مراجعت کند

زنی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد که شوهرم
بسفر رفته و مرا گفته از خانه بیرون نروم تا او بیاید و پدرم بیمار شده
اگر رخصت فرمائی پدرم را عیادت کنم فرمود در خانه بنشین و اطاعت
شوهرت کن مرتبه دیگر فرستاد همین جواب فرمود تا آنکه پدرش فوت
شد فرستاده اذن خواست که بنماز او حاضر شود فرمود بنشین و
اطاعت شوهرت کن تا آنکه پدرش را دفن کردند آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم پیش او فرستاد که خدای تعالی ترا و پدرت را آمرزید بسبب
آنکه اطاعت شوهرت کردی و از جمله حقوق آنکه روزه غیر واجب
نگیرد بی اذن شوهر و نذر نکند و قسم نخورد و بکسی چیزی ندهد
و تصدق نکند و بنده آزاد نکند اگرچه از مال خودش باشد و از جمله
حقوق آنکه خود را از و باز ندارد اگرچه بر مرکب سوار باشد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم بزنی فرمود گویا تو از جمله مسوفاتی گفت
مسوفات کیانند فرمود زنانی که چون شوهر ایشان بخلوت
بطلبد بهانه و مدافعه کنند تا شوهر را خواب ببرد پس ملائکه
بر آن زن لعنت کنند تا وقتی که شوهرش بیدار شود و از جمله حقوق
آنکه اگر شوهر از و آزرده باشد خواب نکند تا عذرخواهی کند و او را
راضی گرداند اگرچه شوهر بر و ظلم کرده باشد و اگر پیش از آنکه او را

راضی کند نخواید هیچ طاعت ازو قبول نشود و زنی که بشوهر کوید که من
هرکز از تو خیر ندیدم اعمالش همه باطل شود و زنی که شوهر را برنجاند
وازرده کند هیچ حسنه ازو قبول نشود واکر صوم دهر کیرد و همیشه
نماز کذارد و بندها ازاد کند و مالها در راه خدا صدقه دهد
تا انکه او را از خود راضی کند واکر شوهر بر زن ظلم کند و او را برنجاند
مثل ان کناه و عذاب برو ثابت شود و هر کس بر بدخویی زن صبر کند
هر یک مرتبه که صبر کند مثل ثواب صبر حضرت ایوب علیه السلام برای
نویسند و بر زن هر شبانه روز مثل ریک صحرای عالج کناه نویسند
واکر زن با شوهر ساز کاری نکند و او را تکالیف چند که مقدورش نباشد
کند و بر مشقت و تعب دارد هیچ حسنه ازو قبول نشود که او را از
اتش نکاه دارد و مادامی که برین حال باشد در غضب خدای تعالی باشد
و جهاد زن انست که شوهر داری خوب کند و بر آزار و مشقت او
صبر کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ای زنان تصدق
کنید اکرچه از زینت خود باشد و اکرچه نصف خرمایی باشد و اطاعت
شوهران کنید که اکثر شما هیمهٔ دوزخ باشند چون زنان این سخن
شنیدند همه کریستند یکی از ایشان برخواسته کفت یا رسول الله
صلی الله تعالی علیه و آله و سلم ما با کفار در دوزخ باشیم والله کم

ماکافر نیستیم فرمود شما کفران حق شوهران کنید زنی دیگر گفت یا رسول الله
ما با این مشقت و رنج حمل و رضاع و با آنکه فرزندان منسوب صالح
از ما بوجود آیند بدوزخ رویم پس حضرت رقت نموده فرمود شما
با اینکه گفتید اگر شوهران را برنجانید و نماز گذارید یکی از شما بدوزخ
نرود و ایضا زنی از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم پرسید که حق
که بیشتر عظیم است فرمود حق پدر پرسید بر زن فرمود حق شوهر
و اگر غیر خدا را سجده کردن جایز می بود امر میکردم که زنان
شوهران را سجده کنند پرسید حق زن بر مرد چیست فرمود از
صد یکی نیست و زنی بخدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
معروض داشت که شوهرم با من بی التفات بود من چیزی ساختم
که او را با خود مهربان کنم فرمود ملائکه سموات و ارض بر تو لعنت
کردند پس آن زن رفته روزها روزه میگرفت و شبها عبادت میکرد
و سر خود تراشید و پلاس پوشید این خبر بآنحضرت رسید
فرمود هیچ سود ندارد و حق زوجه بر زوج آنست که نفقه و کسوه اش
دهد و اگر مقدور باشد معیشت را بر او توسعه کند و او را محتاج
بغیری نگذارد و خود در آرایی او بیاراید که سبب عفتش باشد
چنانکه او آرایش زن را دوست دارد زن نیز آرایش او را دوست دارد

وجهل وتقصیراتش را عفو کند و او را بر هر اندک خطا و تقصیر
نگیرد و عتاب نکند و نرنجاند و نزند و ترش روئی و عبوس
نکند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بهترین مردان
کسیست که با زن خوش سلوک باشد و بدترین مردان کسی که
زن را برنجاند و بزند و از جمله حقوق اینکه حلال و حرام و آداب
و احکام دین تعلیمش کند و در عیدها تهیهٔ اسباب عید و
سرور بقدر مقدور برایش نماید فصل دوازدهم در
بعضی نوادر مناسب این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که خدا تعالی غیرت را بمردان عطا فرمود و از این جهت است که بر زن
زیاده از یکی حرام است و زنان را غیرت نباشد بلکه غیرت
ایشان حسد است و حسد اصل کفر است و از این جهت است که زنان
مومنه برای متعه و زن دیگر غیرت نکنند و زنان غیر مؤمنه
غیرت کنند روزی مردی در خدمت حضرت امام علیه السلام از زن
خود تعریف بسیار کرد فرمود هیچ امتحانش کرده گفت نه گفت
برو امتحان کن مرد رفت زن دیگر کرد زن اول همان بحال خود
ثابت بود و طیش و ناخوشی نکرد بخدمت حضرت آمده حکایت
کرد فرمود حالا راست میگوئی و نیز مرویست که در کارها با زنان

مشوره مکنید و اگر کنید خلاف ایشان کنید که برکت در مخالفت

ایشانست و از بدان ایشان بگریزید و از نیکان پرحذر باشید

و در خیر اطاعتشان مکنید تا در شر طمع نکنند و ایشانرا بحمام

و عروسی و عزائی رخصت مدهید و مجملا مگذارید که هر وقت

و بهر جا خواهند روند که موجب فساد عظیم باشد و مردی که

زن خود را بهر جا رخصت دهد سر از بر در دوزخ افکنند

باب دهم در آداب سفر و احکام متعلق

بآن و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول

در بعضی مقدمات سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

که عاقل را نشاید سفر کردن مگر بسیر و جهت تحصیل زاد آخرت

یا مرمت معیشت یا لذتی که حرام نباشد و نیز مرویست که سفر کنید

تا صحت یابید و حج کنید تا غنی گردید و نیز مرویست که چون

خدا تعالی رزق کسی را در جائی تقدیر کرده باشد حاجتی برای او

در آنجا بهم رساند که بضرورت بآنجا حرکت کند و نیز مرویست

که هر کس برای تجارت سفر دریا کند دین خود را در معرض تلف

آورده و در تحصیل معاش حرص ورزیده باشد فصل دوم

در اختیار ساعت برای سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

که سفر و سایر مطالب در صبح شنبه و پنجشنبه مبارک است
و روز شنبه اگر سنگی از جای خود حرکت کند خدا تعالی آنرا باز
بجای خود برساند و روز پنجشنبه روزیست که خدا تعالی و
رسول او و اهل بیت او و ملائکه علیهم السلم آنرا دوست دارند
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اکثر غزوات در روز پنجشنبه
متوجه میشده و ظفر می یافته و روز شنبه خدا تعالی آهن را
برای حضرت داود علیه السلم نرم کردانید که زره ساخت سفر
درین روز باسانی کند و در احادیث بسیار آمده که روز چهارشنبه
روزی نحس است و خدا تعالی اکثر امم سالفه را درین روز عذاب
کرده و ارکان آتش را درین روز آفریده اما حدیثی دیگر روایت
شده که روز چهارشنبه بخدا شکایت کرد که بنی آدم مرا نحس
میدانند فرمود تو نحسی بر کافران و سعدی برای مومنان و روایت
دیگر آمده که کسی از حضرت امام موسی علیه السلم پرسید که مردم سفر
در چهارشنبه آخر را شوم میدانند فرمود که هر که بمخالفت مجمعی
که فالهای بد میزنند و چیزها را شوم میشمارند در چهارشنبه
آخر سفر کند از آفات و عاهات بسلامت و عافیت باشد
حوایج مراجعت کند و نیز مرویست که هر کس روز جمعه پیش از نماز جمعه

بسفر رود ملکی ندا کند که خدا ترا بار نکرداند و از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم مرویست که فرمود روز دوشنبه برای دشمنان ما
افزوده شده قریش درین روز بر من برامدند و من درین روز
از مکه هجرت کردم و درین روز رحلت خواهم نمود و علی درین روز
شهید خواهد شد و حسن درین روز مسموم شود و درین روز رحلت
کند و نیز مرویست که جمعی که درین روز عزم سفر کرده رفتند که
حضرت امام جعفر علیه السلام را وداع کنند فرمود شما از امروز
چون امید خیر و برکت دارید کدام روز بشامت امروز باشد
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم درین روز از میان ما رفته
و درین روز وحی از ما منقطع شده و بروایت دیگر قضیه کربلا
درین روز واقع شده و بروایت دیگر اهل بیت را هیچ مصیبتی
رو نداده مگر درین روز امروز نحوست فردا که سه شنبه است بروی
که آهن در سه شنبه نرم شده و سفر آسان کنند ردد و هم از انحضرت
علیه السلام مرویست که فرمود در دوشنبه سفر مکنید و از پی کاری
مروید و شرح نحوست روز عاشورا در فصل اعمال ماه محرم گذشت
اما نحوست روز یکشنبه چنانکه مشهور است در بعضی از کتب علما
مسطور است اما حدیثی بنظر نرسیده و روایت دیگر آمده

که با روزها دشمنی مکنید تا با شما دشمنی نکنند و روایات بسیار نیز
آمده که تصدق کنید و هر روز خواهید بسفر روید که بتصدق همه
بلاها دفع شود و مرویست که هر کس قمر در عقرب بسفر رود در ان
سفر خیر نه بیند و اگر در تحت الشعاع سفر کند سفر صعب و
دشوار گذرد و تحقیق عمل نجوم در فصل جزئیات عادات گذشت

فصل سیوم در تحصیل رفیق و تهیه اسباب و بعضی
مناسبات این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
اول تحصیل رفیق کنید بعد از ان عزم سفر نمائید و نیز مرویست
که سه کس ملعونند کسی که تنها خورد و کسی که تنها خوابد و کسی که
تنها بسفر رود و چون شیطان انسان را تنها یابد در سفر یا
در حضر حراتش زیاد شود و مرویست که یک کس یک شیطانست
و دو کس دو شیطان و سه کس مصاحبند و چهار کس رفیقند
و نیز مرویست که بهترین رفقا چهار است و نیز مرویست که هیچ
جمعی زیاده از هفت نباشند مگر انکه قال و قیل و غوغا در
میانشان بسیار باشد و اگر کسی در سفر مضطر بتنهائی شود
بگوید ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله اللهم انس
وحشتی و اعنی علی وحدتی و اد غیبتی و از جمله اسباب

طعام خوردن ام

سفر آنکه انگشتر عقیق و تربت مقدس با خود یا در میان رختها
داشته باشد تا از دزد و آفات محفوظ باشد چنانکه در مباحث
سابقه گذشت و سلاح و مسواک و آینه و شانه و سرمه و مقراض
با خود بردارد و نیز مرویست که از جمله شرف و مردانیست که برای
سفر توشه و آذوقه خوب تهیه کند و حضرت امام زین العابدین
علیه السلم هر گاه حج و عمره میرفته قند و حلویات و امثال اینها
برمیداشته و حضرت صادق علیه السلم فرمود از جمله وصیت لقمان
با پسرش این بود که چون سفر روی شمشیر و موزه و عمامه و خیمه
و خیک آب و سوزن و ریسمان و ادویه آنچه ترا و رفیقان را
درکار باشد بخ[و]د بار رفقا در کارها موافقت کن مگر در معصیت
و نیز مرویست که هر کس در سفر عصای بادام تلخ با خود دارد زمین
برایش طی شود و اگر در وقت بیرون رفتن عصای بادام بگیرد
و این آیه از سوره قصص بخواند ولما توجه تلقاء مدین تا
والله علی ما نقول وکیل از هر سبعی درنده و حیوانی گزنده و
دزدی برنده ایمن باشد تا آنکه بخانه اش مراجعت کند و هفتاد و هفت
[ملا]ئکه تا وقت مراجعت با او باشند و برایش استغفار کنند
و عصا در دست داشتن نفی فقر کند و شیطان را دور کرده اند

وهر کس اعانت مؤمن مسافری کند در حاجتی از حوایج خدای تعالی

هفتاد و سه کربت ازو بردارد از غموم و هموم دنیا و آخرت نجات

دهد کربت روز قیامت ازو برگیرد که هر کس بحال خود درمانده باشد

و انگشت حسرت بدندان ندامت گزد و روایت دیگر آمده که خدای تعالی

بیست و سه کربت در دنیا و هفتاد کربت در آخرت ازو برگیرد و مرویست

که چون مؤمن سفر کند لازم است که دوستان را خبر کند و چون مراجعت

کند بدیدنش آیند **فصل چهارم** در افتتاح سفر بدعا و صدقه

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی عزم سفر کند بگوید

اللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَ اَحْسِنْ مَسِیرَنَا وَ اَعْظِمْ عَافِیَتَنَا و نیز مرویست

که مسافر هیچ جانشینی برای اهل خود نگذارد بهتر از آنکه در وقت

بیرون رفتن دو رکعت نماز گذارد بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَوْدِعُکَ

اَلْیَوْمَ دِینِی وَ نَفْسِی وَ مَالِی وَ اَهْلِی وَ وُلْدِی وَ جِیرَانِی وَ اَهْلَ

خِزَانَتِی الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ وَ جَمِیعَ مَا اَنْعَمْتَ عَلَیَّ

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی کَنَفِکَ وَ مَنْعِکَ وَ عِیَاذِکَ وَ عِزِّکَ

عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ امْتَنَعَ عَائِذُکَ وَ لَا اِلٰهَ

غَیْرُکَ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ الْحَمْدُ

اَلَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ

یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا الله اکبر کبیرا والحمد
لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا که هر چه درین دعا
سؤال کرده خدا تعالی عطا فرماید وحضرت امام محمد باقر علیه السلام
چون اراده سفر مینمود عیال خود را در خانه جمع میفرمود وهمین دعا
میخواند وادعیه بیرون آمدن از خانه در فصل عادات گذشت و
چون خواهد از خانه بیرون آید تحت الحنک بندد حضرت امام
فرمود من ضامنم که چون کسی وقت بیرون رفتن از خانه تحت
الحنک به بندد از دزد وسوختن وغرق شدن ایمن باشد
وبسلامت باز گردد واگر نبسته باشد وبالمی مبتلا شود که دوا
نداشته باشد غیر خود را ملامت نکند وچون از خانه بیرون
آید بر در خانه رو براهی که میرود بایستد والحمد وآیة الکرسی
وقل هو الله احد ومعوذتین هر یک را برابر رو وبجانب چپ
و را [illegible] بعد از آن بگوید اللهم احفظنی واحفظ ما
معی وبلغنی وبلغ ما معی وسلمنی وسلم ما معی
ببلاغک الحسن او وهر چه با اوست بسلامت مراجعت کند
بگوید بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد صلی الله
علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة وذلل لی

كُلِّ صُعُوبَةٍ وَاَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ اَكْثَرَ مِمَّا اَرْجُو وَاصْرِفْ

عَنِّي مِنَ الشَّرِّ اَكْثَرَ مِمَّا اَحْذَرُ فِي عَافِيَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وکسی بخدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض نمود که از حضرت

صادق علیه السلم در هر ماه چند روز نحس روایت شده و بسا باشد

که در آن ایام حاجتی یا سفری ضرور شود فرمود چون شیعیان ما چون

اعتماد و وثوق بر خدا کنند و از روی اخلاص و یقین متمسک

بولایت ما شوند اگر بدریاهای مواج پر طوفان و صحراهای خون

آشام در میان سباع و اعادی انس و جان روند که خدا تعالی

ایشانرا محافظت نماید و هیچ ضرر بایشان نرسد صبح و شام سه

مرتبه بگوی اَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا تا آخر چنانکه در اوراد

صبح و شام گذشت از هر مخوف و محذوری در حصن حصین باشی

و اگر در یکی از روزهای نحس عزم سفر کنی وقتی که خواهی روانه شوی

الحمد و قل هو الله احد و معوذتین و آیة الکرسی و انا [illegible] و این

پنج آیه از سوره آل عمران اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ تا اِنَّكَ

لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ و این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ بِكَ يَصُولُ

الصَّائِلُ وَبِقُدْرَتِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ

ذِي حَوْلٍ اِلَّا بِكَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا مِنْكَ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

وخيرتك

وخيرتك من بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته
اللهم صل عليه وعليهم واكفني شر هذا اليوم وضره
وارزقني خيره واقض لي في متصرفاتي بحسن العافية
وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية الطاغية
الغوية وكل ذي قدرة على اذية حتى اكون في جنة
وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من المخاوف فيه
امنا ومن العوايق فيه يسرا حتى لا يصدني صاد عن
المراد ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على كل
شيء قدير والامور اليك تصير يا من ليس كمثله شيء
وهو السميع البصير وايضا در وقت بيرون رفتن هرچه مقدور
شود تصدق كند وبگويد اللهم اني اشتريت سلامتي في هذا سفرى ۲
بهذا كه از آفات ايمن گردد و حضرت سجاد عليه السلام چون بسفر
[illegible] چون كه پاى مبارك در ركاب ميگذاشت تصدق ميكرد
و چون بسلامت رجوع مينمود بشكرانه آن تصدق ديگر ميفرمود
و اگر بسفر حج يا عمره رود چون از خانه بيرون آيد بگويد لا اله الا الله
الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله
رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن

وما بينهن ورب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين وصلى الله
على محمد وآله الطاهرين اللهم كن لي جاراً من كل جبار عنيد و
من كل شيطان مريد بسم الله دخلت وبسم الله خرجت
اللهم إني أقدم بين يدي نسياني وعجلتي بسم الله
وما شاء الله لا حول ولا قوة إلا بالله في سفري هذا ذكرته
أو نسيته اللهم أنت المستعان على الأمور كلها وأنت
الصاحب في السفر والخليفة في الأهل اللهم هون
علينا سفرنا واطو لنا الأرض وسيرنا بطاعتك و
طاعة رسولك اللهم أصلح لنا ظهرنا وبارك لنا فيما
رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم إني أعوذ بك من وعثاء
السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر في الأهل والمال
والولد اللهم أنت عضدي وناصري اللهم اقطع عني
بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني
بخير لا حول ولا قوة إلا بالله اللهم إني عبدك وهذا
حملانك ووجهك والسفر إليك وقد اطلعت على
ما لم يطلع عليه أحد غيرك فاجعل سفري هذا
كفارة لما قبله من ذنوبي وكن عوناً لي عليه واكفني

وَعَنْهُ وَمَشَقَّتَهُ وَلَقِّنِّي مِنَ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ رِضَاكَ
فَاِنَّمَا اَنَا عَبْدُكَ وَبِكَ وَلَكَ فصل پنجم در وداع
ومفارقت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون جمعی
مسافر را وداع کنند بگویند زَوَّدَكُمُ اللّٰهُ التَّقْوَى وَوَجَّهَكُمْ
اِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَقَضَى لَكُمْ كُلَّ حَاجَةٍ وَسَلَّمَ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ
وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ اِلَى سَالِمِينَ و اگر خواهند بگویند اَحْسَنَ اللّٰهُ
لَكَ الصَّحَابَةَ وَاَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَسَهَّلَ لَكَ الْحُزُونَةَ
وَقَرَّبَ لَكَ الْبَعِيدَ وَكَفَاكَ الْمُهِمَّ وَحَفِظَ لَكَ دِينَكَ
وَاَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ عَلَيْكَ
بِتَقْوَى اللّٰهِ اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ نَفْسَكَ سِرْ عَلَى بَرَكَةِ اللّٰهِ
عَزَّ وَجَلَّ وچون مسافر روانه شود از عقبش آیة الکرسی
بخوانند و اذان و اقامت بگویند بعد از ان بگویند اَللّٰهُمَّ
اَلْطُفْ بِهِ فِي تَيْسِيرِ كُلِّ عَسِيرٍ فَاِنَّ تَيْسِيرَ الْعَسِيرِ
عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَاَسْاَلُكَ الْيُسْرَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ
الدَّائِمَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وچون مسافر از یاران جدا
شود بگوید اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلَى اَهَاوِيلِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ
وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْاَيَّامِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ

الظالمون في الارض **فصل ششم** در آداب سوار شدن وراه

رفتن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام چون پا در رکاب گذاری

بگوی بسم الله الرحمن الرحیم بالله والله اکبر و

سایر آداب سوار شدن در فصل خود گذشت وچون مسافر سوار

شود و بر پشت مرکب قرار گیرد بگوید بسم الله ولا قوة الا

بالله الحمد لله الذی هدینا للاسلام ومن علینا

بمحمد صلی الله علیه واله سبحان الذی سخر لنا هذا

وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله

رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان

علی الامر اللهم بلغنا بلاغا یبلغ به الی الخیر بلاغا

یبلغ به الی رحمتك ورضوانك ومغفرتك اللهم

لا طیر الا طیرك ولا خیر الا خیرك ولا حافظ

غیرك وچون مرکب روانه شود بگوید خرجت بحول الله

وقوته بغیر حول منی وقوة ولکن بحول الله وقوته برئت

الیك یا رب من الحول والقوة اللهم انی اسئلك

برکة سفری هذا وبرکة اهلی اللهم انی اسئلك من

فضلك الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی وانا خائض

فی عافیة بقوتك وقدرتك اللهم انی سرت فی سفری
هذا بلا ثقة و رجاء لسواك فارزقنی فی ذلك شکرك
وعافیتك ووفقنی لطاعتك وعبادتك حتی ترضی
وبعد الرضا وچون از شهر جدا شود بگوید اللهم انی استودعك
دینی ونفسی ومالی ودنیای واخرتی وخاتمة عملی
فاحفظنی من کل آفة وعاهة واعصمنی من کل زلل و
خطاء یا سمیع یا قریب یا حفیظ اجب دعائی یا کریم یا
کریم یا کریم ونیز بگوید اللهم اکفنی ما اهمنی و
وما اهم له وما انت اعلم به منی اللهم زودنی التقوی
واغفر لی وارحمنی ونیز بگوید بسم الله مخرجی و
باذنه خرجت وقد علم قبل ان اخرج خروجی وقد
احصی لعلمه فی مخرجی رجعتی توکلت علی الاله
الا[illegible]کل مفوض الیه امره مستعین به علی شؤنه
مستریئ من [illegible]له مبری نفسه من کل قوة الا به
خروج ضریر خرج بضره الی من یکشفه وخروج فقیر
خرج بفقره الی من یسده وخروج عائل خرج بعیلته
الی من یغنیها وخروج من ربه اکبر ثقته واعظم

در [illegible] دعا کند و بگوید اللهم [illegible]

رجائه وافضل امنيته الله ثقتي في جميع اموري كلها
به فيها جميعا استعين ولا شيء الا ما شاء الله في علمه
اسأله خير المخرج والمدخل لا اله الا هو واليه
المصير ونيز بگويد اللهم اني خرجت في وجهي هذا بلا ثقة
مني بغيرك ولا رجاء آوي اليه الا اليك ولا قوة
اتكل عليها ولا حيلة الجأ اليها الا طلب رضاك
وابتغاء رحمتك وتعرضا لرزقك وسكونا الى احسن
عائدتك وانت اعلم بما سبق لي في علمك في وجهي هذا
مما احب واكره اللهم فاصرف عني مقادير كل بلاء
ومقضي كل لأواء وابسط علي كنفا من رحمتك و
لطفا من عفوك وحرزا من حفظك وسعة من رزقك
وتماما من نعمتك وجماعا من معافاتك ووفق لي فيه
يا رب جميع قضائك على موافقة هواي و[illegible]
وادفع عني ما احذر وما لا احذر على نفسي وديني ومالي
مما انت اعلم به مني واجعل ذلك خيرا لآخرتي ودنياي
مع ما اسألك ان تخلفني فيمن خلفت ورائي من
ولدي واهلي ومالي واخواني وجميع خزانتي بافضل

مضيعة وتمام كل

ما خلفت به غائبا من المؤمنين في تحصين كل عورة و
حفظ كل نعمة ودفاع كل سيئة وكفاية كل محذور
وصرف كل مكروه وكمال ما تجمع لي به الرضاء والسرور
في الدنيا والآخرة ثم ارزقني شكرك وذكرك وطاعتك
وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا اللهم اني استودعك
اليوم ديني ونفسي ومالي واهلي وولدي وذريتي
وجميع اخواني اللهم احفظ الشاهد منا والغائب
عنا اللهم احفظنا واحفظ ما معنا اللهم اجعلنا
في جوارك ولا تسلبنا ولا تغير ما بنا من نعمة
وعافية وفضل ومنزيكويد اللهم اسعدنا بهذه
الحركة وامددنا باليمن والبركة وقنا سوء القدر
واكفنا مهمات السفر وقرب لنا البعد والنوى
[illegible] لنا السير والسري ووفقنا لطي المراحل
وانزلنا [illegible] المنازل واحفظ مخلفينا واجمع بيننا
وبينهم باحسن امالنا وامانينا سالمين غانمين
تائبين آئبين برحمتك يا ارحم الراحمين وچون بر سر راه
رسد هفت عدد سنگ ريزه بردارد و بر هر يك ده مرتبه بگويد

قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمٰنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ
رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ وقل هو الله احد بخواند و با خود نگاه دارد از
آفات محفوظ کردد و اکر در راه چیزی بیند که بفال خوش نیاید
بکوید اعْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ مِنْ نَفْسِي فَاعْصِمْنِي
مِنْ ذَلِكَ وهر بلندی که بر آید تکبیر کوید و چون بزیر آید تسبیح
بکوید و چون بر سر بلندیها رسد بکوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ
أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَكَ الشَّرَفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ
هر چه در پشت سر باشد از صحرا و کوه و غیر آن بتهلیل و تهلیل
و هر چه در پیش رو باشد بتکبیر او تکبیر کویند و چون بصحرای خوفناک
رسد بکوید يَا أَرْضُ رَبِّي وَرَبُّكِ اللهُ أَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّكِ
وَشَرِّ مَا فِيكِ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَجَاوِرُ
عَلَيْكِ أَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ وَحَيَّةٍ
وَعَقْرَبٍ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ
أَفَغَيْرَ دِينِ اللهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بِنِعْمَتِهِ وَحُسْنِ
بَلَائِهِ عَلَيْنَا اَللّٰهُمَّ صَاحِبْنَا فِي السَّفَرِ وَأَفْضِلْ عَلَيْنَا
فائده لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ بعد از آن سوره الهکم التکاثر

بخواند از شر سباع و هوام و حیات و عقارب ایمن شود و ایضاً از
حضرت صادق علیهم السلام مرویست که اگر در صحرا از جن یا انس خوف
داشته باشی دست راست بر فرق سر بگذار و با واز بلند این
آیه بخوان افغیر دین الله تا الیه یرجعون و اگر از غول و جن
بترسد با او از بلند اذان بگوید و آیة الکرسی بخواند و بعضی علما در
کتب خود ذکر کرده اند که اگر کسی در محلی خوفناک باشد یا در جنگی
واقع شود چهار سنگ ریزه بردارد یکی را بجانب راست
و دوم را بجانب چپ و سیوم را از بالای سر و چهارم را پیش رو
اندازد و هر مرتبه بگوید قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ بسلامت
از آن خطر نجات یابد و آن لشکر شکست یابد انشاء الله
و ایضاً و اگر در راهی خوفناک باشد پنج سنگ ریزه بردارد باین
طریق اول را بردارد بگوید الله دوم جبرئیل سیوم موسی چهارم
محمد پنجم ابراهیم و با خود نگاه دارد انشاء الله ایمن شود و حرز
از سباع ... در فصل حرز و تعویذ گذشت و اگر راه گم کند
بگوید یا صالح یا ابا صالح أَرْشِدُونَا اِلَی الطَّرِیقِ یَرْحَمُکُمُ الله
و اگر در دریا باشد بگوید یا حمزه مرویست که صالح بر صحراها و حمزه
بر دریاها موکلست و اگر خواهد بگوید بسم الله ذی الشأن

برپشت سر ٢

عظیم البرهان شدید السلطان کل یوم هو فی شأن

ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن و لا حول و لا قوة

الا بالله و اگر کسی پیاده باشد انا انزلناه بخواند از ماندگی

ایمن شود دوم روایت که با رفقا بجمعیت بروید که اگر کسی در سفر

از رفیق اتفاقا جدا شود که از نظر غایب شود اعانت کشتن او

کرده باشد و در خونش شریک بود و احادیث بسیار آمده که حق تعالی

اول شب را برای استراحت آفریده خود و چهارپایان در اول شب

استراحت کنید و آخر شب راه روید که راه در آخر شب زود طی شود

و آداب و حقوق دواب در فصل خود گذشت **فصل هفتم**

در آداب متعلق بمنزل مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

که چون منزل نمایان شود بگوید اللهم انی اسألک خیرها

و اعوذ بک من شرها اللهم حببنی الی اهلها و حبب

صالحی اهلها الی و چون بمنزل نزدیک شود بگوید اللهم

رب السماء و ما اظلت و رب الارضین و ما اقلت

و رب الریاح و ما ذرت و رب الانهار و ما جرت

عرفنا خیر هذه القریة و خیر اهلها من خیر و وفق

لی ما کان فیها من یسر و اعنی علی حاجتی یا قاضی الحاجات

ویا مجیب الدعوات ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق
واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا چون فرود آید بگوید
رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین وایدنی
بما ایدت به الصالحین وهب لی السلامة والعافیة
فی کل وقت وحین اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما
خلق وذرء وبرء خدا تعالی خیر آن منزل را روزیش کرداند
وشرش را از وی دفع نماید وچون مکانی اختیار کند پیش از آنکه نشیند
دو رکعت نماز گذارد بعد از آن بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا
وانت خیر المنزلین وایضا بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه
البقعة واعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها
واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی
اهلها الینا خیرات آن منزل روزی وشرورش مدفوع
کرده [illegible] خواهد نشیند بگوید بسم الله الذی لا یضر
مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء واگر در منزل
خوف سیل باشد بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع نادر

منزل باشد از شر ایشان ایمن باشد و اگر از دزدان خوف داشته
باشد بگوید یَا وَدُودُ یَا وَدُودُ یَا ذَا العَرْشِ المَجِیدِ یَا فَعَّالًا
لِمَا یُرِیدُ اَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی لَا تُرَامُ وَمُلْکِکَ الَّذِی
لَا یُضَامُ وَبِنُورِکَ الَّذِی مَلَأَ اَرْکَانَ عَرْشِکَ اَنْ تَکْفِیَنِی
شَرَّ اللُّصُوصِ یَا مُغِیثُ اَغِثْنِی و سایر اذکار و آیات برای حرز
از دزد در فصل تعویذ و فصل آداب خواب گذشت و چون خواهد
از آن منزل کوچ کند دو رکعت نماز گذارد و آن منزل و اهل آن
و ملائکه آن را وداع کند که در هر موضع جمعی از ملائکه باشند و بگوید
اَلسَّلَامُ عَلَى مَلَائِکَةِ اللهِ الحَافِظِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَ
عَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِینَ فصل هشتم در آداب سفر دریا
مرویست از اهلبیت طاهرین علیهم السلم که چون داخل کشتی شوی بگوی
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَمَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْاَرْضُ
جَمِیعًا قَبْضَتُهُ یَوْمَ القِیٰمَةِ وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا یُشْرِکُونَ بِسْمِ اللهِ مَجْرٰیهَا وَمُرْسٰیهَا
اِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ امانست از غرق شدن و اگر امواج
متلاطم شود بگوی یَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِینَ و آیة الکرسی بخوان و روایت دیگر آمده که بر دست چپ

تکبیر کن و با دست راست اشاره بموجها نموده بگوی قری بوقار
اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاسْکُنِی بِسَکِینَةِ اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ راوی گوید در دریا می بودم
همین که موجها بلند شد چنین کردم ساکن شد چنانکه هرگز نبوده

فصل نهم در مکارم اخلاق و آداب رفاقت در سفر مرویست

از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که از جمله وصایای لقمان با پسرش این
بود که مادامی که سوار باشی قراءت کتاب الله کن و مادامی که مشغول
کاری باشی ذکر و تسبیح کن و وقتی که بیکار باشی دعا کن و چون با جمعی
رفیق باشی در کارها با ایشان مشوره نمای و با ایشان انبساط و شگفتگی
کن و در کار ایشان مدد کن و رفاقت چنان کن که ایشان از رنجانی
و ایشان را ذلیل نکردانی و خود نیز ذلیل ایشان نشوی و حضرت
امام جعفر علیه السلم فرمود کرم و مروت بفسق و فجور نیست بلکه
مروت [illegible] است که خوان نعمتش بیرون خانه اش باشند و مروت
[illegible] در حضر [illegible] تلاوت قرآنست و ملازمت مساجد
و سعی در حوایج مؤمنان و در سفر و آن خوبی و بسیاری توشه است
و بذل آن بر رفقا و کتمان احوال ایشان بعد از مفارقت و کثرت مزاح
بنحوی که معصیتی در آن نشود و فرمود چون با جمعی رفیق باشی اگر

توانی که همیشه دست احسان تو بر سر ایشان باشد چنان کن که رزق
بقدر مروت و مؤنت بقدر معونت و صبر بقدر بلا نازل میشود
و کسی از آنحضرت علیه السلام سؤال کرد که در سفر با جمعی رفیق میشوم
و با ایشان توسعه و احسان بسیار میکنم فرمود با چنین مردم مخلوط
و مصاحب مباش که اگر ایشان نیز مثل تو سلوک کنند از عهده
بر نیایند و گر نه ذلیل شوند بلکه با امثال خود مخالطت کن و همسر
باش یعنی اوضاع و سر انجام شما در میان هم نباشد بلکه همچنانکه
در خانهای خود در حضر میباشید و انفاق که مقدور شود احسان
و اطعام کنید و نیز مرویست که با کسی که در وسعت مال از شما
زیاد باشد مخالطت و رفاقت مکنید که سبب مذلت شما
شود و با کسی که قدر شما را چنانکه شما قدر او را امید دارید نداند رفاقت
مکنید فصل دهم در رجوع از سفر مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که هر روز در ایام سفر برای حفظ اهل این
دعا بخوان یَا جَامِعًا بَیْنَ اَهْلِ الْجَنّةِ عَلٰی تَالِیفِ
الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ تَوَاصُلِ لَهُمْ فِی الْمَحَبَّةِ وَیَا جَامِعًا بَیْنَ
طَاعَتِهِ وَبَیْنَ خَلْقِهِ لَهَا یَا مُفَرِّجَ حُزْنِ کُلِّ مَحْزُونٍ
وَیَا مُشْهِدَ کُلِّ غَرِیبٍ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اِرْحَمْنِی فِی غُرْبَتِی

بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكَلَاءَةِ وَالْمَعُونَةِ وَفَرِّجْ مَا بِي مِنَ الضِّيقِ
وَالْحُزْنِ بِالْجَمْعِ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِي يَا مُؤَلِّفًا بَيْنَ الْأَحِبَّةِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَفْجَعْنِي بِانْقِطَاعِ رُؤْيَةِ
أَهْلِي وَلَا تَفْجَعْ أَهْلِي بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِي بِكُلِّ مَسْأَلَتِكَ
أَسْأَلُكَ وَأَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي وَتِلْكَ دُعَائِي إِيَّاكَ فَارْحَمْنِي
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و مرویست که سفر قطعه از عذابست چون
در سفر قضای حاجت خود کرده زود مراجعت کنید و اگر مسافر
شب داخل خانه شود باید بیشتر خبر کند و غافل داخل نشود و
چون داخل شود بگوید آئِبُونَ عَابِدُونَ رَاكِعُونَ سَاجِدُونَ
لِرَبِّنَا حَامِدُونَ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِفْظِكَ إِيَّايَ فِي
سَفَرِي وَحَضَرِي اللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَوْبَتِي هٰذِهِ مُبَارَكَةً
مَيْمُونَةً مَقْرُونَةً بِتَوْبَةٍ نَصُوحٍ تُوجِبُ لِي بِهَا السَّعَادَةَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بیشتر از اکثر مشغول کاری شود دو رکعت
نماز گزارد و بعد از نماز در سجده صد مرتبه بگوید شکراً لله و تصدق
بکند و مرویست که از مروت نیست نقل کردن احوال سفر از خیر و
شر و مستحب است تحفه و هدیه برای دوستان فرستادن و اگر
کسی از سفر حج آمده باشد او را همچنان با غبار راه معانقه کنند

چنانست که استلام حجر الاسود کنند و تهنیت حاج چنین کنند
تقبل الله منک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنبک
باب یازدهم در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود
ازین باب انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول**
در فضایل حج و عمره مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر کس حج
یا عمره گذارد از کبیری بری شود و از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد
شده و نیز مرویست که ثواب حج بهشت و عمره کفاره گناهست و
چون کسی مشغول تهیه اسباب حج شود برای هر کاری از آن هر گام
که گام بردارد و بگذارد ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند
و ده درجه بلند کردانند تا وقتی که از تهیه اسباب فارغ شود و
چون سوار شود هر گام که مرکب بگذارد و بردارد همان حسنات
نویسند و سیئات محو کنند و چون طواف خانه و سعی صفا و
مروه کند از گناه پاک شود چنانکه متولد شده [illegible] ات
ذخیره روز قیامت باشد و چون حلق کند بهر موئی روز قیامت
نوری عطا فرماید و روایت دیگر آمده که چون لبیک گوید بهر
تلبیه ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و چون هفت مرتبه طواف
کند خدای تعالی از برایش ذخیره کند و شرم دارد که هرگز تعالی از آ

عذابش کند وچون در مقام ابراهیم دو رکعت نماز کذارد هزار حج
برایش نویسد وچون سعی صفا ومروه کند چنانست که هفتاد
بنده مؤمن آزاد کند وچون وقوف عرفات بجای آورد کناهانش
آمرزیده شود اکرچه مثل ریک عالج وقطرهٔ باران وستاره آسمان
باشد وچون رمی جمرات کند بهر جمره ده حسنه نویسند وچون
قربان کند بهر قطره خون حسنه نویسند وچون از همه مناسک فارغ
شود از همه کناهان پاک شود وچهار ماه بعد از آن کناه براو ننویسند
مکر آنکه کبیره کند وحاج ومعتمر در جوار خدا مهمان او باشند
اکر بمیرند ببهشت روند واکر بمانند از کناه پاک باشند و
اکر دعا کنند اجابت کند واکر سؤال کنند عطا فرماید واکر
خموش باشند ابتدا نماید واکر شفاعت کنند قبول کند و
یک درهم که صرف کنند هزار هزار برابر عوض دهد وروایت
دیکر آمده که اکر در وقت رفتن بمیرند آمرزیده شوند واکر
در حرم کعبه بمیرند لبیک کویان محشور شود واکر در مراجعت
بمیرند از همه کناهان پاک باشند وهر کس درین راه در رفتن
یا آمدن بمیرد از فزع اکبر قیامت ایمن باشند ونیز مرویست
که هر مؤمن که هفتاد مرتبه تلبیه کند خدا تعالی هزار ملک را

کواه کیرد برای نجات او و از نفاق و از آتش و چون بحرم رسد
فرود امده غسل کند و کفش را در دست کرفته از روی تواضع پا
برهنه داخل حرم شود خدا تعالی صد هزار حسنه برایش نویسد و
صد هزار سیئه محو کند و صد هزار درجه بلند کرداند و صد هزار حاجتش
را برآورد و چون داخل مکه شود با خشوع و تسلیم کناهانش را بیامرزد
و چون داخل مسجد الحرام شود و نظرش بر کعبه افتد همه کناهانش را
بیامرزد و کفایت مهماتش نماید و چون سعی صفا و مروه کند
ملائکه برایش شفاعت کنند و خدا تعالی قبول شفاعتشان
فرماید و نیز مرویست که اهل حج سه قسمند اول انکه کناه کذشته
و اینده همهاش امرزیده شود دوم انکه کذشتهاش امرزیده شود
سیم انکه اهل و مالش از حوادث محفوظ کردد و این قسمیست
که حجش قبول نشود و هر کس بعرفات حاضر شود دعایش البته مستجاب
شود خواه مومن و خواه مخالف مومن را در دنیا و اخرت [illegible] لقدرا
در دنیا و نیز مرویست که چون مومنی وقوف عرفات بجا ارد در هر
ولایتی که باشد اهل ان ولایت از مومنان همه امرزیده شوند
و کسی از حضرت صادق علیه السلم پرسید که کناه که عظیمتر است
فرمود کسی که مناسک حج بجا ارد بعد از ان چنان داند یا شک

داشته

داشته باشد که کناهش امرزیده نشده وچون اهل حج درمنازل
خود بمنی نزول کنند منادي ندا کند که اکر بدانید که بچه درکاه
آمده اید یقین کنید که هرچه درین سفر صرف کرده اید عوض
یابید یا مغفرت همه کناهان ونیز مرویست که یکدرهم در حج
افضل است از دو هزار هزار درهم در غیر آن از وجوه برّ وکسی از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم پرسید که مال بسیار دارم
عملی بفرمای بکنم که اجر حج یابم فرمود که اکر کوه ابوقبیس تمام طلا
باشد وهمه را در راه خدا صرف کنی اجر حج نیابی ودر روایت دیکر امده
که اکر کسی بنیت غیر خالص ونفقه غیر طیب حج کذارد کناهانش را
بیامرزد وخلق را ازو راضی کند واکر بنیت خالص ونفقه طیب
حج کذارد اورا در رفیق اعلی در زمره انبیا وصدیقین وشهدا وصالحین
جای دهند ونیز مرویست که هر کس چهار حج کذارد از فشار قبر ایمن
شود و[illegible] چهار حج که کذارده با بهترین صورتی داخل قبر
او شوند وتا روز قیامت نماز کنند وثواب نماز ایشان هم ازو باشد
ویک رکعت آن نماز برابر است با هزار رکعت نماز آدمی واکر پنج حج کذارد
خدای تعالی هرکز عذابش نکند واکر ده حج کذارد هرکز حسابش نکند وهر کس
بیست حج کذارد بهر یک حج شهری در بهشت برایش بنا کنند در هر شهری

ونیز مرویست که اهل غیور آرزو کنند که بعوض تمام
دنیا و ما فیها الا آنان را یک حج می بود

خانها و غرفهای بسیار که در آنها حوریان باشند در خدمت هر یک
سیصد کنیزک که بحسن و جمال ایشان هیچ چشمی ندیده باشد و هر کس چون
از حج مراجعت کند در خاطر داشته باشد که بار دیگر بحج آید عمرش
زیاد شود و اگر در خاطرش باشد که دیگر نیاید اجلش نزدیک و عذابش
مهیا گردد و حضرت امام جعفر علیه السلام از کسی پرسید که چرا امسال
بحج نمی آیی گفت شغل عیال مانع است فرمود چون تو بمیری که متکفل
ایشان باشد بسر که و زیت قناعت کنید و هر سال ایشان را بحجم
بیار و مرویست که هر کس مستطیع باشد و هر پنج سال یکمرتبه بحج نکند
محروم باشد و هر کس بسبب حاجتی از حوایج دنیا ترک حج کند اهل حج
از مناسک فارغ شوند و هنوز حاجت او بر نیامده باشد و هیچکس
از حج باز نماند مگر بسبب گناهی که کرده و هر کس حجة الاسلام نکرده
بی ضرورتی عظیم یا مرضی یا مانعی از سلاطین بمیرد یهودی یا
نصرانی محشور شود و مرویست که اگر کسی در حج مانع کسی شود در دنیا
از آفتی ایمن نبود یا عقوبتی که در آخرت برایش مهیا شود و کسی بامام
جعفر علیه السلام گفت مردی با من مشورة حج نمود من گفتم تو پریشانی
بر تو دشوار است و مانع او شدم فرمود منتظر یکسال بیماری باش یکسال
بیماری کشید بهم اما آداب و ادعیه مناسک حج چون طولی عظیم دارد

ذکر

ذکر آن درین مختصر مناسب نبود لهذا ارتکاب آن ننمودیم

فصل دوم

در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که فرموده هر کس (از آن حضرت صلعم)
مرا زیارت کند روز قیامت در جوار من باشد و شفاعت من او را واجب
شود و هر کس استشفاعت من واجب شود بهشت واجب شود و هر کس
در مکه یا مدینه بمیرد از حساب ایمن باشد و هر کس مرا بعد از وفات
زیارت کند چنانست که با من هجرت کرده باشد و اگر استطاعت آن
نداشته باشد سلام بمن فرستد که بمن میرسد و هم آنحضرت
علیه الصلوة والسلام بحضرت امام حسین علیه السلام فرمود ای فرزند
هر کس مرا یا پدرت را یا برادرت را زیارت کند بر من لازم باشد
که روز قیامت او را زیارت کنم و از گناه پاک کنم که دالتم و بهشت او را
واجب شود و در روایت دیگر فرموده و او را از اهوال و شداید
قیامت خلاص کنم و در درجه رفیق خود گردانم و نیز مرویست که هر کس
آنحضرت را زیارت کند چنانست که خدا را در زیر عرش زیارت کرده باشد

فصل سیوم

در زیارت سایر اهل بیت صلوات الله
علیهم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر امامی را بر گردن اولیا و شیعیان
خود عهدی ثابت است و از جمله تمام وفای آن عهد زیارت قبور
ایشان است پس هر کس زیارت ایشان کند ایشان شفیع او باشند

وهر کس یکی از ایشان را زیارت کند چنانست که رسول الله را صلی الله علیه واله وسلم
زیارت کرده باشد ونیز مرویست که هر کس یکی از ایشان را زیارت کند
ودو رکعت دران روضه کذارد یک حج ویک عمره نوشته شود وحضرت پیغمبر
بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما وعلی الهما الطاهرین
فرمود یا علی قبر تو و اولاد ترا بقعهای بهشت کردانیده ودلهای خدا تعالی
اصفیای خود را بایشان مایل کرده که در محبت ایشان تحمل مشقتها
کنند وقبور ایشان را تعمیر نمایند وزیارت ایشان کنند یا علی ایشان
اهل شفاعت واهل حوض مند وایشان همسایکان منند
در بهشت یا علی هر کس تعمیر قبور شما کند چنانست که در بنای بیت
المقدس اعانت سلیمان علیه السلام کرده باشد وهر کس زیارت
قبور شما کند برابر است با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام واز کناه
پاک شود مثل آنکه از مادر متولد شده ونعیم بهشت برای اولیا
ومحبان شما مهیا است که هیچ چشمی ندیده وهیچ کوشی نشنیده
وهیچ خاطری نرسیده واز حضرت فاطمه علیها السلام مرویست که
هر کس سه روز بر پدرم وبر من سلام کند در ایام حیوة ما بعد از
وفات بهشت او را واجب شود **فصل چهارم** در زیارت
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست از اهل بیت طاهرین

علیهم

علیهم السلام که هر مومنی که زیارت آنحضرت کند خدا تعالی برایش اجر صد هزار
شهید نویسد و گناه گذشته و آینده اش را بیامرزد و در زمرهٔ آمنین
محشور شود و حسابش آسان گردد و در وقت رفتن ملائکه استقبالش
کنند و در وقت مراجعت مشایعتش کنند تا بخانه اش رسانند و اگر
بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه اش نمایند و برایش
استغفار کنند کسی بحضرت امام جعفر علیه السلام گفت از کوفه
بخدمت تو آمدم و زیارت امیر المومنین علیه السلام نکردم فرمود بد کردی
اگر نه از اولیای ما می بودی نگاه بر تو نمیکردم و زیارت نمیکنی کسی را
که خدا و انبیا و ملایکه و مومنان زیارتش میکنند و ایضا مرویست
که چون کسی پیاده بزیارت آنحضرت رود بهر گامی حجی و یک عمره برایش
نویسند و اگر پیاده مراجعت کند بهر گامی دو حج و یک عمره نویسند
و روایت دیگر آمده که هر کس بزیارت آنحضرت رود بهر گامی حجی و
عمرهٔ مقبول برایش نوشته شود و خدا تعالی بآتش نبرد قدمی را که
در زیارت آنحضرت غبار گرفته خواه سواره و پیاده

فصل پنجم

در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که هر کس زیارت آنحضرت کند و او را امام مفترض الطاعة
داند کمترین اجرش اینست که گناه گذشته و آینده اش همه آمرزیده شود

و زیارت آنحضرت فرضست بر هر مسلم و حضرت صادق علیه السلم
از کسی پرسید که چند حج کرده گفت هفده فرمود اگر بیست تمام میکردی
یک زیارت حضرت امام حسین علیه السلم کرده بودی و در روایت دیگر
که زیارت آنحضرت برابر است با بیست حج و عمره و در روایت دیگر
برابر است با بیست و پنج حج و نیز مرویست که حضرت صادق علیه السلم
فرمود زیارت آنحضرت مثل حج و عمره است فرمود نتوان شمرد گفتم صد
فرمود که میتوان شمرد گفتم هزار فرمود بیشتر بعد از آن فرمود نعمت
خدا را هر چند بشماری تمام نشود و نیز مرویست که زیارت آنحضرت
برابر است با آنکه هزار بنده آزاد کنی و هزار اسب با زین و لجام در
راه خدا بجهاد فرستی و امانست از هدم و غرق و حرق و همه آفات
و موجب درازی عمر و زیادی رزقست و ایام زیارت آنحضرت داخل
ایام عمر نیست و ترک زیارت آنحضرت سبب نقصان عمر و رزق است
و حضرت امام علیه السلم فرمود اگر بگویم کسی که ترک زیارت آنحضرت کند
سی سال پیشتر از اجل خود بمیرد راست گفته باشم و اگر کسی زیارت
آنحضرت نکرده بمیرد ایمانش ناقص باشد و اگر به بهشت رود مرتبه
از مؤمنان پست تر باشد و نیز مرویست که اگر کسی بزیارت آنحضرت
رود نه برای نام و شهرت و غرض دنیا از گناه پاک شود مثل جامه شسته.

از کثافت وهرکام که بگذارد حجی وچون بردارد یکعمره نوشته شود
وشفاعتش برای پنجاه کس از کناه کاران مقبول است وهیچ چیز دران
روضه از خدا نخواهد مکر انکه عطا فرماید ویکدرهم که درین راه صرف
کند ده هزار برابر در بهشت عوض دهد وچهار هزار فرشته وبروایت
دیکر هفتاد هزار فرشته با موهای ژولیده غبارآلود بر قبر انحضرت
موکلند وکریه میکنند تا روز قیامت وچون کسی بزیارت رود
مشایعتش کنند واکر بیمار شود هر صبح عیادتش نمایند وچون بمیرد
برو نماز کذارند وتا روز قیامت برایش استغفار کنند ونیز مرویست
که هرکس بزیارت انحضرت رود دو هزار ملک از راست وچپ با او
رفاقت کنند وخدا تعالی هزار حج وهزار عمره برایش بنویسد که با
پیغمبری یا وصی پیغمبری کرده باشد وایضا مرویست که چون کسی قصد
زیارت انحضرت کند اهل اسمان یکدیکر را مژده دهند وچون از
خانه بیرون آید خواه سوار وخواه پیاده خدا تعالی چهل هزار هزار
فرشته موکل فرماید که بر وصلوة فرستند تا بروضه مقدسه رسد
وچون بر در روضه ایستاده بکوید السلام علیک یا وارث ادم
صفوة الله تا اخر چنانکه در فصل آداب زیارت انشاء الله بیاید
بعد از ان بجانب قبر مقدس روان شود هر کام که بگذارد وبردارد

ثواب آن دارد که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد بعد از آن دست
بر قبر مبارک گذاشته بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله تا آخر
چنانکه باید بعد از آن بکناری رفته مشغول نماز شود خدا تعالی
و ملائکه بر وصلوات فرستند تا وقتی که فارغ شود و هر یک رکعت نماز
که در این روضه گذارد ثواب هزار حج و هزار عمره و عتق هزار رقبه و
هزار ایستادن در معرکه جهاد با پیغمبر مرسل عطا فرماید و چون
از آنجا برخیزد ملکی ندا کند که ای بنده مؤمن خوشت باد که گناهان
گذشته ات همه آمرزیده شد و اگر در آن سال بمیرد خدا تعالی خود متولی
قبض روحش شود و چون روانه خانه خود شود ملائکه با او رفاقت کنند
و بر وصلوات فرستند تا بخانه خود رسد پس بر در خانه او مقام نموده
تسبیح و تهلیل و تقدیس خدا میکرده باشند تا وقتی که اجلش برسد
و ثواب آن همه از و باشد بعد از آن در تغسیل و تکفین و نماز بر و
حاضر باشند بعد از آن در قبر او مقیم شوند و ذکر و تسبیح و تقدیس
میکرده باشند تا روز قیامت و ثوابش همه برای او باشد و همین
روایت دیگر آمده که نماز فریضه در پیش قبر مقدس آنحضرت برابر است
با حج و نافله برابر است با عمره این بود فضایل زیارت مطلق آنحضرت
و فضایل زیارت مخصوصه در باب اعمال شهور گذشت فصل ششم

درزیارت

در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام کسی از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
پرسید که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام افضل است یا زیارت
امام رضا علیه السلام فرمود زیارت پدرم افضل است که حضرت امام
حسین را همه کس زیارت کنند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان و
دوستان ما است و نیز مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند
و معترف بامامت او باشد گناهان گذشته و آینده اش همه آمرزیده شود
اگر چه بعدد ستاره آسمان و قطرهٔ باران و برگ درختان باشد و
روز قیامت در برابر منبر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم منبری
برای او نصب کنند تا وقتی که خدای تعالی از حساب خلق فارغ شود و
آنحضرت علیه السلام خود فرموده هر کس مرا در غربتم زیارت کند ثواب
صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار جهاد خدا
او را عطا فرماید و با ما محشور و در درجات رفیع بهشت رفیق ما باشد
و من مضمون ... شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او باشیم نجات یابد
اگر چه مثل گناه جن و انس داشته باشد و هم آنحضرت صلی الله علیه و
آله و سلم فرموده هر کس مرا زیارت کند روز قیامت سه وقت او را دریابم
و از اهوال و شدایدش خلاص کنم وقتی که نامهای اعمال در چپ و راست
متفرق شده باشند و وقتی که اعمال خلق را بمیزان سنجند و وقتی که قدمها

در صراط میلغزیده باشد و نیز فرمود زیارت من برابر است با هزار حج.
و هزار عُمره راوی گوید که از حضرت امام محمد تقی علیه السلم از روی تعجب
پرسیدم که چنین حدیثی از پدرت روایت کنند فرمود بلی والله
با هزار حج برابر است برای کسی که حق او بشناسد و بداند که امام مفترض
الطاعة است و نیز مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند و یکشب
دران روضه بگذراند چنانست که خدا را بر عرش زیارت کند و نیز مرویست
که زائران ائمه طاهرین صلوات الله علیهم در بهشت هم نشین و هم
صحبت ایشان باشند و زائر حضرت امام رضا درجه اش از همه
بلندتر باشد و هر کس داخل آن روضه شود روز قیامت از آتش ایمن بود
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود فرزندی از من در خراسان
مدفون شود هیچ مومنی او را زیارت نکند مگر آنکه خدا تعالی بدنش را
بر آتش حرام کند و بهشت برای او واجب گرداند و هیچ مکروبی زیارتش
نکند مگر آنکه کربش را فرج دهد و هیچ گناهکاری زیارتش نکند
مگر آنکه گناهش را بیامرزد و حضرت امام جعفر علیه السلم فرمود
فرزندی از من در طوس کشته شود هر کس او را زیارت کند من در روز
قیامت دستش را گرفته داخل بهشت کنم اگرچه از اهل کبایر باشد
غسل کرده زیارت آن حضرت کند و پیش سر مبارک دو رکعت نماز

بگذارد

که اراده در قنوت حاجت خود را طلبید مستجاب شود و اگر معصیت یا قطع
رحم نباشد **فصل هفتم** در آداب و کیفیت زیارت
اهل بیت طاهرین علیهم السلم و غسل کردن و در وقت غسل گفتن اللهم
طهرنی وطهر قلبی واشرح لی صدری واجر علی قلبی محبتک
وعلی لسانی مدحتک والثناء علیک فانه لا قوة الا
بک وقد علمت ان قوة دینی التسلیم لامرک والاتباع
لسنة نبیک والشهادة علی جمیع خلقک اللهم اجعله لی
طهورا وشفاء ونورا انک علی کل شیء قدیر وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین و جامهای پاک پوشیدن و تعطیر نمودن
و با وقار و سکینه و ذکر و تسبیح و صلواة بر ایشان متوجه شدن اما
در زیارت حضرت امام حسین علیه السلم مستحب است تعطیل کردن و
بندهای جامه گشودن و از لذتها و شیرینیها اجتناب نمودن و
بهیئت مصیبت زدگان متوجه گشتن و چون بر در روضات مقدسات
رسد اول با این طریق اذن طلبیدن اللهم انی وقفت علی
باب من بیوت نبیک وقد امرت الناس ان لا یدخلوه
الا باذنک فقلت یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت
النبی الا ان یؤذن لکم اللهم وانی اعتقد حرمة نبیک

فی غیبته کما اعتقدها فی حضرته واعلم ان رسلك و
خلفاءك احیاء عندك یرزقون فرحین بما آتیهم
من فضلك ویستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم
الا خوف علیهم ولا هم یحزنون وانهم یرونی فی مکانی
ویسمعون کلامی ویردون علی سلامی وانك حجبت
عن سمعی کلامهم وسلامهم وفتحت سمعی بلذیذ مناجاتهم
وانی استأذن رسولك وخلفاءك المفروض علی
طاعتهم واستأذن الملائکة الموکلین بهذه
البقعة السلام علیکم ایها الملائکة الموکلون
بهذا المشهد الشریف باذن الله واذن رسوله
واذن خلفائه ادخل هذا البیت فکونوا ملائکة
الله اعوانی وکونوا انصاری حتی ادخل وادعو الله
بفنون الدعوات واعترف لله بالعبودیة وللنبی
وللائمة علیهم بالطاعة ودر وقت داخل شدن بگوید بسم الله
وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اشهد
ان محمدا عبده ورسوله وان علیا ولی الله پس رو
بضریح مقدس نشسته بقبله ایستاده زیارت کند بعد از آن

نماز زیارت بگذارد و در دعا و مسئلت انقدر که تواند برای خود
و والدین و اقربا و سایر مومنان سعی نماید و در کتب مزار چنین گفته
که نماز در بالای سر باید گذارد اما در توقیعات از حضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیه کسی پرسید که نماز در چه موضع بگذاریم فرمود پیش
روی قبر و بالای سر و پایین پا نشاید ایستاد که پیش روی امام و
پهلوی او نتوان ایستاد بلکه در پشت قبر نماز کنند و ذکر زیارت
نامهای این ائمه علیهم السلام بتفصیل از حوصله این رساله بیرون و کتب
مزار بآن مشحون است لیکن بجهت آنکه این رساله از فضل ذکر آن
یکباره محروم نباشد بروایت مختصری از آن متشرف شود

زیارت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

که مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا صِفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ
لِاُمَّتِکَ وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللهِ وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً
حَتّی اَتیکَ الْیَقینُ فَجَزاکَ اللهُ اَفْضَلَ ما جَزی نَبِیّاً
عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ

علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید و مرویست از حضرت
صادق علیه السلام که بعد از آنکه سلام کردی در بالای سر مبارک دوش چپ
بقبر مقدس داده رو بقبله بگوی اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد انک محمد بن عبد الله و
اشهد انک قد بلغت رسالات ربک ونصحت لامتک
وجاهدت فی سبیل الله وعبدت الله مخلصا حتی
اتیک الیقین بالحکمة والموعظة الحسنة وادیت
الذی علیک من الحق ورؤفت بالمؤمنین وغلظت
علی الکافرین فبلغ الله بک افضل شرف محل المکرمین
الحمد لله الذی استنقذنا بک من الشرک والضلالة
فاجعل صلواتک وصلوات ملائکتک المقربین
وانبیائک المرسلین وعبادک الصالحین واهل
السموات والارضین ومن سبح لک یا رب العالمین
من الاولین والآخرین علی محمد عبدک ورسولک
ونبیک وامینک ونجیک وحبیبک وصفیک
وخاصتک وصفوتک وخیرتک من خلقک
اللهم واعطه الدرجة الرفیعة وآته الوسیلة

مِنَ الجَنَّةِ وَابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الاولون
والآخرون اللّهم انك قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم
جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا
الله توابا رحيما الهي فقد اتيت نبيك مستغفرا
تائبا من ذنوبي فصل على محمد وآل محمد واغفرها
يا سيدي اتوجه بك وبآل نبيك الى الله تعالى ربك
وربي ليغفر لي ذنوبي بعد از ان پناه بقبر مقدس برده
از روی خضوع واعتماد بران ونشت کرده بان پشت بقبر داده
روی بقبله بگوید اللّهم اليك الجأت امري وبقبر
نبيك اسندت ظهري والقبلة التي رضيتها لمحمد
صلى الله عليه وآله استقبلت وجهي اللّهم لا تبدل
اسمي ولا تغير جسمي ولا تستبدل بي غيري اصبحت و
امسيت لا املك لنفسي خير ما ارجو ولا اصرف
عنها شر ما احذر الا بك وحدك لا شريك لك اللّهم
زدني بخير فانه لا راد لقضائك اللّهم زيني بك
بالتقوى وجملني بالعافية واعمرني بالنعم وارزقني
شكر العافية انك على كل شيء قدير وهر حاجت

كه داشته باشد درين موضع طلب كند كه سزاوارترين اماكن باجابت

اين مكان است زيارت حضرت امير المومنين صلوات الله

بگويد السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى

عِبادِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ

جاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ

سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّى دَعاكَ اللهُ إِلى جِوارِهِ

وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ وَأَلْزَمَ أَعْداءَكَ الْحُجَّةَ

مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللّهُمَّ

فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ راضِيَةً بِقَضائِكَ

مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيائِكَ

مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمائِكَ صابِرَةً عَلى نُزُولِ

بَلائِكَ مُشْتاقَةً إِلى فَرْحَةِ لِقائِكَ مُتَزَوِّدَةً

التَّقْوى لِيَوْمِ جَزائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيائِكَ

مُفارِقَةً لِأَخْلاقِ أَعْدائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيا

بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ بعد ازان روبروى قبر مقدس كذاشته

بگويد اللّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالِهَةٌ وَسُبُلَ

الرّاغِبِينَ إِلَيْكَ شارِعَةٌ وَأَعْلامَ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ

واضحة

واضحة وافئدة العارفين منك فارغة واصوات
الداعين اليك صاعدة وابواب السماء للاجابة لهم
مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب
اليك مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة
والاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاعانة
لمن استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك
منجزة وزلل من استقالك مقالة واعمال
العاملين لديك محفوظة وارزاقك الى الخلائق
من لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة
وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك عندك
مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد
المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدة
ومناهل الظماء مترعة اللهم فاستجب دعائي
واقبل ثنائي واجمع بيني وبين اوليائي بحق محمد
وعلي وفاطمة والحسن والحسين انك ولي نعمائي
ومنتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي
حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر کس از شیعیان که حضرت

امیر المؤمنین یا یکی از ائمه را علیهم السلم با این طریق زیارت کند زیارتی
در حقه از نور کذارند و خدا تعالی آنرا با خاتم محمد صلی الله علیه و آله و سلم
مختوم سازد و بحضرت قائم علیه السلم بسپارد تا وقتی که با تحیت
و کرامت و بشارت بصاحبش رساند و بباید دانست که اگر با این
طریقه یکی دیگر از ائمه را علیهم السلم زیارت کند بجای لفظ امیر المؤمنین
نام ان امام را باید گفت و در همین ضریح مقدس حضرت آدم و نوح
علیهما السلم را نیز زیارت کند و در زیارت حضرت آدم
علیه السلم بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا صَفِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ
یا حَبیبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا نَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ یا اَمینَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خَلیفَةَ اللهِ
فی اَرْضِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبَا الْبَشَرِ آدَمُ صَلَواتُ
اللهِ عَلَیْكَ وَعَلی رُوحِكَ وَعَلی بَدَنِكَ وَعَلَی
الطّاهِرینَ مِنْ وُلْدِكَ وَذُرِّیَّتِكَ صَلوةً لا یُحْصیها
اِلّا هُوَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ و در زیارت حضرت نوح
علیه السلم بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا نَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ
یا صَفِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وَلِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ
یا اَمینَ اللهِ فی اَرْضِهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَیْكَ

وعلی

وعلى روحك وبدنك وعلى الطاهرين من ولدك و
رحمة الله وبركاته زيارت حضرت فاطمه علیها السلام
السلام عليك يا بنت رسول الله السلام عليك
يا بنت نبي الله السلام عليك يا بنت حبيب الله
السلام عليك يا بنت خليل الله السلام عليك يا بنت
امين الله السلام عليك يا بنت خير خلق الله السلام
عليك ايتها المعصومة المظلومة السلام عليك
ايتها المحدثة العليمة ورحمة الله وبركاته اشهد
الله ورسوله وملائكته اني راض عمن رضيت
عنه ساخط على من سخطت عليه متبرئ ممن برئت
منه موال لمن واليت معاد لمن عاديت مبغض لمن
ابغضت محب لمن احببت وكفى بالله شهيدا وحسيبا
وجازيا ومثيبا زيارت حضرت امام حسين علیه السلام
بر در روضه مقدسه ایستاده بگوید السلام عليك يا وارث
آدم صفوة الله السلام عليك يا وارث نوح نبي الله
السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام
عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك

يا وارث ابراهيم خليل الله السلام عليك يا وارث محمد
سيد رسل الله السلام عليك يا وارث اخيه الحسن
الزكي الطاهر الرضي المرضي السلام عليك ايها
الوصي البار التقي السلام عليك وعلى الملائكة
الحافين بك اشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت
الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر و
عبدت الله خالصا مخلصا حتى اتيك اليقين
والسلام عليك ورحمة الله وبركاته بعد از ان
بجانب ضريح مقدس برود ودست بر ان گذاشته بگويد

السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا
حجة الله ورحمة الله وبركاته بعد از ان بگويد
لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك
ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به مولاي
يا ابا عبد الله اشهد الله وملائكته وانبياءه
ورسله اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني
وخواتيم عملي فصلوات الله عليكم وعلى ارواحكم
وعلى اجسادكم وعلى شاهدكم وعلى غائبكم وعلى

وظاهركم وباطنكم ورحمة الله وبركاته بعد از آن

درپش پای آنحضرت علي اكبر را زيارت كند و بگويد السلام

عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين

السلام عليك يا ابن الحسين الشهيد السلام عليك

ايها الشهيد المظلوم لعن الله امة قتلتك

ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت بعد از آن

شهدا را زيارت كند و بگويد السلام عليكم يا اولياء

الله واحباءه السلام عليكم يا اصفياء الله

واوداءه السلام عليكم يا انصار دين الله وانصار

نبيه وانصار امير المؤمنين وانصار الحسن والحسين

طبتم وطابت الارض التي فيها دفنتم وفزتم

فوزا عظيما فيا ليتني معكم فافوز معكم وچون

از نماز ودعا فارغ شود بزيارت عباس رفته بگويد السلام

عليك ايها العبد الصالح المطيع لله ولرسوله و

لامير المؤمنين وللحسن والحسين وعليك السلام

ورحمة الله وبركاته وعلى روحك وبدنك اشهد

انك مضيت على ما مضى عليه البدريون المجاهدون

فِي سَبِيلِ اللهِ لَمُنَاصِحُونَ كَهُ فِي جِهَادِ الْاَعْدَآءِ الْمُبَالِغُونَ

فِي نُصْرَةِ اَوْلِيَآئِهٖ فَجَزَاكَ اللهُ اَفْضَلَ وَاَوْفَرَ جَزَآءِ

اَحَدٍ وَفِي بِبَيْعَتِهٖ وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَحَشَرَكَ

مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصَّالِحِينَ

وَحَسُنَ اُولٰئِكَ رَفِيقًا ومرویست که حضرت امام جعفر علیه السلام

از کسی پرسید که هر روز زیارت امام حسین علیه السلام میکنند گفت

فرمود چه جفا میکنید با نحضرت بعد از ان فرمود هر ماه میکنی

گفت نه فرمود هر سال میکنی گفت کاهی میشود بازی فرمود چه جفا

میکنید با نحضرت چه شود اگر هر روز نیکم تبه زیارت انحضرت

کنید گفت خانه ما بسیار دور است همیشه مقدور نیست فرمود

بر بام خانه برالی و بجانب راست نگاه کن بعد از ان بجانب چپ

نگاه کن بعد از ان سر باسمان بالا کن بعد از ان متوجه روضه

مقدسه شده بگوی اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ یک حج و یک عمره برای تو

نوشته شود زیارت جامعه که در همه مشاهد مقدسه

مجزی بود مروی از حضرت امام رضا علیه السلام عَلٰى اَوْلِيَآءِ اللهِ

وَاَصْفِيَآئِهٖ اَلسَّلَامُ عَلٰى اُمَنَآءِ اللهِ وَاَحِبَّآئِهٖ اَلسَّلَامُ

على انصار الله وخلفائه السلام على محال معرفة الله

السلام على معادن حكمة الله السلام على مساكن

ذكر الله السلام على عباد الله المكرمين الذين لا

يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون السلام على

مظاهر امر الله ونهيه السلام على الادلاء على الله

السلام على المستقرين في مرضات الله السلام على

الممحصين في طاعة الله السلام على الذين من والاهم

فقد والى الله ومن عاداهم فقد عادى الله ومن عرفهم

فقد عرف الله ومن جهلهم فقد جهل الله ومن

اعتصم بهم فقد اعتصم بالله ومن تخلى منهم فقد

تخلى من الله اشهد الله انى حرب لمن حاربكم وسلم

لمن سالمكم مؤمن بما امنتم به كافر بما كفرتم به

محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسركم

وعلانيتكم مفوض في ذلك كله اليكم لعن الله

عدوكم من الجن والانس وضاعف عليهم العذاب

الاليم وابرء الى الله منهم والسلام عليكم ورحمة الله

وبركاته زيارت وداع هر يك از ايشان عليهم السلام بگويد السلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللّٰهِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ
سَلَامَ مُوَدِّعٍ لَا قَالٍ وَلَا سَئِمٍ فَاِنْ اَمْضِ فَلَا عَنْ
مَلَالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلَا عَنْ سُوْءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللّٰهُ الصَّا[برين]
لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ يَا مَوْلَايَ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ
وَرَزَقَنِيَ الْعَوْدَ اِلٰى مَشْهَدِكَ وَالْمُقَامَ فِي حَرَمِكَ
وَجَعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فصل هشتم

در نیابت و شرکت در حج و عمره و زیارت مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم که اگر کسی برای دیگری از روی تبرع حج کند
ثواب حج بیابد و اگر اجرت گیرد و حج کند نه حج ازو باشد و یکی
از صاحب مال و روایت دیگر آمده که گناه او و والدین و
اولاد و برادر و خواهر و عم و عمه و خال و خاله اش همه آمرزیده شود
و نیز مرویست که اگر هر کس را در حج با خود شریک کنی هر یک
از ایشان را ثواب حجی باشد بی آنکه از حج تو چیزی کم شود و ترا
ثواب احسان علیحده باشد و همچنین است اگر زیارت را
تبرع کند یا کسی را شریک کرده اند و بعد از فراغ از حج یا زیارت

بكويد اَللّٰهُمَّ اَشْرِكْ فِي حَجَّتِي وَنُسُكِي وَصَلَوَاتِي واكر زيارت
باشد بكويد فِي زِيَارَتِي اَبِي وَاُمِّي وَفُلَانًا وَفُلَانًا وهركرا
خواهد نام ببرد وَجَمِيعَ اَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ
وَاَبْيَضِهِمْ وَاَسْوَدِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ واكر بنيابت
حج يا طواف كند بكويد اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ حَجَّتِي يا طَوَافِي وَ
صَلَوَاتِي عَنْ فُلَانٍ وَفُلَانٍ هركرا خواهد واكر زيارت
بنيابت كند بعد از فراغ از كارهاي خود بكويد اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَوْلَايَ مِنْ اَبِي وَاُمِّي وهركرا خواهد پس بهريك از ايشان
اكر بكويد كه براي او حج يا طواف و زيارت و نماز كردم راست
كفته باشد **فصل نهم** در فضايل اماكن مقدسه
كه در انجا ودو اقع است مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام
كه هركس نظر بر كعبه كند وحق ما را بشناسد چنانكه حق كعبه را
ميشناسد كناهانش امرزيده شود ومهمات دنيا واخرتش
كفايت شود وما دامي كه نظرش بر كعبه باشد حسنه براي او بنويسند
و سيئه محو كنند وخدا تعالى را در حوالي كعبه صد وبيست رحمتست
شصت از طواف كنندكان وچهل از نمازكذاران وبيست از
نكاه كنندكان وهركس در يكي از حرمين بميرد ديوان حساب

از اهل الغفلة مساكين باشند
[illegible]

برایش کشوده نشود و اگر در حرم کعبه بمیرد از فزع اکبر ایمن باشد
و یک سبحان الله گفتن در مکه معظمه افضل است از خراج تمام
عراق که در راه خدا صرف کنند و هر کس در مکه ختم قران کند از
دنیا نرود تا جای خود در بهشت به بیند و چیزی خوردن در مکه
مثل روزه است در جای دیگر و یک روزه در اینجا مثل یکساله
روزه است در جای دیگر و خواب در اینجا مثل عبادت است
در جای دیگر و هر کس یکسال مجاور مکه باشد گناهان او و اهل بیت
او و هر کس برای او استغفار کرده و قبیله او و همسایگانش همه
آمرزیده شود و هر کس در اینجا سجده کند چنانست که در راه خدا
در خون غلطیده باشد و یکنماز در اینجا برابر است با صد هزار
درهم و هر کس یکنماز فریضه در اینجا گذارد نمازهای گذشته
و آینده اش تا وقت اجلش همه مقبول شود و هر چند بخانه کعبه
نزدیکتر باشد افضلست و در مسجد منی هفتصد نبی و بروایت
دیگر هزار نبی نماز کرده و هر کس در اینجا صد رکعت نماز گذارد
برابر است با هفتاد ساله عبادت و صد تسبیح در اینجا برابر است
با عتق رقبه و صد تکبیر در اینجا با احیاء نسمه و صد تحمید با خراج
عراقین که در راه خدا صدقه دهد و یکنماز در مسجد رسول الله

صلی الله علیه وآله وسلم در مدینه برابر است با ده هزار نماز و یک درهم
صدقه با ده هزار درهم و دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر است با یک
عمره و کوفه حرم امیر المؤمنین است و قبور انبیاء مرسلین و اوصیا
و مؤمنین در آنجا بسیار است در مسجد اعظم کوفه هزار نبی و هزار
وصی نماز گذارده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در شب
معراج در آن مسجد نماز گذارده یک نماز فریضه در آنجا برابر است با هزار
نماز و یک حج و نافله در آنجا برابر است با پانصد نماز و یک عمره و نشستن
در آنجا بی ذکر و تلاوت عبادت است و در مسجد سهله هزار نبی
و وصی نماز گذارده و خانه حضرت ابراهیم و حضرت ادریس علیهما السلام
در آن مسجد است و در آن مسجد سنگیست که طینت همه انبیا را
از آنجا برداشته اند هر غمگینی که در آن مسجد در میان شام و خفتن
دو رکعت نماز گذارد و دعا کند خدا تعالی از آن غم نجاتش دهد

فصل دهم در فضایل زیارت طیبین و صلحاء مؤمنین

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس امام زاده عبد العظیم را
در ری زیارت کند چنانست که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده
و هر کس فاطمه بنت موسی الکاظم علیه السلام را در قم زیارت کند بهشت او را
واجب شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس قادر بر زیارت

عبد العظیم

مانند صلحای شیعهٔ ما را زیارت کنند ثواب زیارت ما یابد و مخفی
نماند که بسیار احادیث که در فصل زیارت مومنان در باب اول این
کتاب گذشت اعمیست در ایام حیوة و بعد از وفات و آداب زیارت
مؤمنان بعد ازین انشاء الله بیاید باب دوازدهم
در احکام متعلق باموات و زیارت قبور مومنان بعد از وفات و
این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول
در وصیت و صحیفه شهادت که مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که وصیت حقیست لازم بر هر مسلم و هر کس هر چه وصیت کند بنحوی
که ظلم و جور و ضرر بورثه نرساند چنانچه گفته که در حیوة خود تصدق
کرده باشد و هر کس را مالی باشد و برای خویشانی که میراث نمی برند
چیزی وصیت نکند اعمالش بمعصیت ختم شود و حضرت امام
جعفر علیه السلم فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که هر کس وقت وفات وصیت را خوب نکند مروت و عقلش
ناقص باشد پرسیدند که وصیت چون باید کرد فرمود چون حالت
موت را مشاهده کند و مردم جمع شوند بگوید اَللّٰهُمَّ فاطِرَ
السَّمٰوٰتِ وَالاَرضِ عالِمَ الغَیبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحمٰنِ الرَّحیم
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعهَدُ اِلَیکَ فی دارِ الدُّنیا اَنّی اَشهَدُ اَن

لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك
ورسولك صلى الله عليه وآله وان الجنة حق وان
البعث حق والحساب حق والقدر حق والميزان حق
وان الدين كما وصفت وان الاسلام كما شرعت و
ان القول كما حدثت وان القرآن كما انزلت و
انك انت الله الحق المبين جزى الله محمدا عنا خير
الجزاء وحيا الله محمدا وآل محمد بالسلام اللهم
يا عدتي عند كربتي ويا صاحبي عند شدتي ويا ولي
نعمتي الهي واله آبائي لا تكلني الى نفسي طرفة عين
ابدا فانك ان تكلني الى نفسي طرفة عين كنت اقرب
من الشر وابعد من الخير وآنس في القبر وحشتي
واجعل لي عهدا يوم القاك منشورا بعد از ان هر وصيت
كه خواهد بكند واما صحيفه شهادت شيخ طوسى در مصباح ذكر
نموده كه اولى آنكه بگويد بسم الله الرحمن الرحيم اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا
عبده ورسوله صلى الله عليه وآله وان الجنة حق
وان النار حق وان الساعة آتية لا ريب

فيها وان الله يبعث من في القبور بعدا ان اين رابو نيد

بسم الله الرحمن الرحيم شهد الشهود المسمون في

هذا الكتاب ان اخاهم في الله فلان بن فلان اشهدهم

واستودعهم واقر عندهم انه يشهد ان لا اله الا

الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله

صلى الله عليه وآله وان عليا ولي الله وامامه وان

الائمة من ولده ائمته وان اولهم الحسن والحسين

وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن

جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي

والقائم الحجة عليهم السلام وان الجنة حق وان النار حق و

الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور وان

محمدا صلى الله عليه وآله رسوله جاء بالحق وان عليا ولي الله

والخليفة من بعد رسول الله ومستخلفه في امته

مؤديا لامر ربه تبارك وتعالى وان فاطمة بنت رسول الله و

ابنيها الحسن والحسين ابنا رسول الله وسبطاه اماما الهدى

وقائد الرحمة وان عليا ومحمدا وجعفرا وموسى وعليا ومحمدا

وعليا والحسن والحجة عليهم السلام ائمة وقادة ودعاة الى الله عز

وَجَلَّ عَلَی عِبَادِهِ بعد از ان تکرید تا جماعت شهادت خود را بشنوند
بعد از ان شهود بکویند نَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَالشَّهَادَةَ وَالْإِقْرَارَ
وَالْإِخَاءَ لِمَوْدُودٍ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ
نَقْرَءُ عَلَیْكَ السَّلَامَ وَرَحْمَةَ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ بعد از ان
صحیفه را بپیچید و شهود همه مهر خود و مهر میت را نیز بران
کذارند و با جریده در پهلوی راستش کذارند و صحیفه را با
کافور بنویسند و اکر با تربت مقدس نویسند چنانکه درین
زمان متعارف شده است تواند بود که افضل باشد فصل دویم
در آداب حالت احتضار و فضایل بعضی اوقات و احوال که وفات
دران اتفاق افتد مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
در حالت احتضار میت را کلمات فرج و شهادتین و اقرار
با ائمه طاهرین علیهم السلام تلقین کنید که اکر بت پرستی این اقرار
کند آتش درو هیچ طمع نکند و از مهالک نجات یابد و هر کس
اخر کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بهشت باشد و نیز
این دعا را تلقین کنند و مکرر بکوید که کناهانش آمرزیده شوده
یَا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسِیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْکَثِیرِ اقْبَلْ مِنِّی
الْیَسِیرَ وَاعْفُ عَنِ الْکَثِیرِ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ

و مرویست که اگر سوره یس در پیش بیمار بخوانند بعدد هر حرف ازان
ده ملک نازل شوند که برایش استغفار کنند و تشییع جنازه اش
نمایند و برو نماز گذارند و چون حالش متغیر شود پیش از انکه قبض
روحش شود رو بقبله اش بخوابانند چنانکه کف پا بجانب قبله باشد
که چون چنین کنند خدا تعالی برحمت متوجه او شود و ملایکه متوجه شوند
تا انکه قبض روحش شود و اگر نزع روح دشوار شود بر جای نمازش
که بران نماز میگذارده بخوابانند زود خلاص شود و نیز مرویست
که درین حال پیش هیچکس سوره صافات نخوانند مگر انکه زود نجات
یابد و در وقت احتضار و حایض حاضر نباشند که ملایکه متاذی
شوند و چون قبض روحش شود دستهایش را دراز کنند و دهنش
ببندند و چشمش را بپوشند و در وقت پوشیدن چشم بگوید
اللهم اغفر لفلان وارفع درجته فی المهدیین واخلفه
فی عقبه فی الغابرین واغفر لنا وله یا رب
العالمین و بازماندگانش بگویند اللهم اغفر لی وله و
عقبنی منه عقبی حسنة و میت را تنها نگذارند
که شیطان درو تصرف کند و مرویست از امیر المؤمنین صلوات
الله علیه که چون مومن روز پنجشنبه بعد از ظهر تا روز جمعه وقت

ظهر بمیرد از فشار قبر ایمن شود و شفاعتش برای گناهکاران بعدد
قبیله ربیعه و مضر مقبول باشد و اگر روز یکشنبه بمیرد او را با
نصاری در آتش جمع نکنند و اگر روز دوشنبه بمیرد او را با بنی
امیه جمع نکنند و اگر روز سه شنبه بمیرد با ما محشور شود و در
رفیق اعلی با ما باشد و اگر روز چهارشنبه بمیرد از روز قیامت
ایمن باشد و بسعادت جوار الهی فایز گردد و در دار فضل
خدا مقام کند که از هر مشقت و تعب ایمن باشد بعد از آن فرمود
مؤمن در هر حالی و در هر ساعت که بمیرد صدیق و شهید
باشد و اگر مؤمن گناه تمام زمین داشته باشد و چون از
دنیا برود همین مردن کفارهٔ همه آن باشد و نیز فرمود که از
حبیب خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم
که فرمود هر کس لا اله الا الله باخلاص بگوید از شرک بری
باشد و هر کس از شرک بری باشد داخل بهشت شود و این
جماعت شیعیان و دوستان تو اند که روز قیامت لا اله
الا الله محمد رسول الله علی ابن ابی طالب حجة الله گویان از
قبر بیرون آیند پس حلها و تاجها و اکلیلهای و اسبهای
نجیب از بهشت آرند و هر یک از ایشان را حله پوشند و تاج

شاهی و اکلیل کرامت بر سرش نهند و بر اسپها سوار شده داخل
بهشت شوند و از فزع اکبر ایمن باشند و ملائکه فوج فوج آیند
و مژده ببشارت دهند و ایضا حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه فرمود من برای شش کس ضامن بهشت شوم کسی که صدقه برای
مسکینی برد و بمیرد و کسی که بعیادت مریضی رود و بمیرد
و کسی که در راه خدا بجهاد رود و بمیرد و کسی که بنماز جمعه بیرون
رود و بمیرد و کسی که بحج بیرون رود و بمیرد و کسی که بتشییع جنازه
بیرون رود و بمیرد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود کسی را که
عمرش بلا اله الا الله یا بیک روز روزه یا بصدقه ختم شود
داخل بهشت شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود چون مومنی
در غربت بمیرد که زنان و عیالش نباشند که برو گریه کنند
مواضعی که در آنجا عبادت کرده و درهای آسمان که اعمالش
بالا میرفته و فرشتگان که برو موکل بودند برو گریه کنند
و هم آنحضرت علیه السلام فرمود چون نفس بنده بحال موت نزدیک
شود بچپ و راست نگاه کند کسی را نه بیند پس سر بالا
کند خدا تعالی فرماید کرا میجوئی که برای تو بهتر از من باشد
بعزت و جلال خودم که اگر ازین عقده نجاتت دهم بطاعت

خود

خود فرستم و اگر قبض روحت نمایم بکرامت خود برم **فصل سیوم**
در تجهیز میت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که اکرام میت آنست
که زود دفنش کنند و انتظار طلوع و غروب آفتاب نکشند
و هر کس مومنی را غسل دهد و در انوقت بگوید اَللّٰهُمَّ هٰذا بَدَنُ عَبْدِكَ
اَلْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَیْنَهُما فَعَفْوَكَ
عَفْوَكَ عَفْوَكَ یکساله گناهش غیر کبایر آمرزیده شود و اگر
خواهد همین تنها بگوید عَفْوَكَ عَفْوَكَ از و عفو فرماید و
نیز مرویست که هر کس مومنی را غسل دهد و عیوبی که از و ببیند
پنهان دارد و بکسی نگوید از گناه پاك شود چنانکه از مادر متولد
شده و هر مویی از و ثواب عتق رقبه یابد و صد درجه برایش
بلند شود و اگر عیوبش را پنهان ندارد اجرش باطل شود و در دنیا
و آخرت رسوا شود و هر کس مومنی را کفن کند چنانست که تا روز قیامت
او را کسوه داده باشد و هر کس قبر برای مومنی بکند چنانست که
تا روز قیامت او را خانه مناسبی داده باشد و خدای تعالی جسدش را
بر آتش حرام کند و خانه در بهشت عطا فرماید و کفن هر چند قیمتی
تر باشد افضل است که زینت میت است و اگر جامه باشد که در آن
نماز گذارده یا عبادتی کرده باشد افضل است و اگر کسی در حیوة خود

تهیه کفن برای خود کند هر مرتبه که نظر بر آن کند اجر یابد و دو جریده از
چوبی تر با میت گذارند و اگر نخل خرما باشد افضل است و اگر نه چوب
انار و اگر نه هر چوب که باشد و مرویست که تا رطوبت در جریده باقیست
عذاب و حساب از میت دفع شود و نیز مرویست که عذاب و حساب هیچ
در یک ساعت باشد که میت داخل قبر شود و مردم متفرق شوند پس چون
جریده با میت باشد از عذاب بالکلیه ایمن باشد **فصل چهارم**
در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع آن مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون خبر وفات کسی بشنود بگوید
انا لله وانا الیه راجعون اللهم اکتبه عندک من المحسنین
واجعل کتابه فی علیین واخلف علی عقبه
فی الغابرین اللهم لا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده
واغفر لنا وله و چون جنازه ببیند بگوید الله اکبر هذا
ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم
زدنا ایمانا وتسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة
وقهر العباد بالموت هیچ فرشته در آسمان نماند مگر که از
آواز او بگریه و ایضا چون جنازه ببیند بگوید الحمد لله الذی
لم یجعلنی من السواد المخترم و هر کس جنازه را از چهار جانب

چهل کبیره ازو آمرزیده شود وروایت دیگر آمده که هر کس جنازه را بگیرد

بگیرد بیست و پنج کبیره آمرزیده شود و اگر هر چهار طرف را

بگیرد از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و در وقت

گرفتن بگوید بسم الله و بالله وصلی الله علی محمد و آله

اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات، و اول جانب چپ

تابوت را با دوش راست خود بگیرد و همچنین بدترتیب از

پشت تابوت برود تا جانب راست تابوت را بر دوش چپ خود

بگیرد و چون میت داخل قبر شود ملکی ندا کند که اول تحفه تو

بهشت است و اول تحفه که با جنازه تو آمده اند مغفرت

گناهان ایشان و هر که تشییع جنازه کند چهار قیراط ثواب برایش

نویسند یکی برای رفاقت و یکی برای نماز و یکی برای انتظار

تا وقت فارغ شدن و یکی برای تعزیه و روایت دیگر آمده که هر کس

تشییع جنازه کند و صبر کند تا دفن کنند و خاک بروریزند

بهر گامی که آمده یکقیراط ثواب نویسند که هر قیراط مثل کوه

احد باشد و هفتاد ملک بر وموکل شوند که تشییعش کنند و

برایش استغفار کنند تا روز قیامت فصل پنجم

در نماز میت چه بیست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس بر میتی

نماز گذارد جبرئیل با هفتاد هزار فرشته بر و نماز گذارند و گناه

کذشته وآینده ایشان آمرزیده شود وطریقه آن چنانست که پنج تکبیر
بکوید میان هر دو تکبیر شهادتین بکوید وصلوة بفرستد وبرای
میت دعا کند وظاهر اینست که خصوص عبارتی واجب نیست بلکه
بهر عبارت که باشد مجزیست وافضل اینست که اکر میت مؤمن
باشد میان هر دو تکبیر چنین بکوید اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله انا لله
وانا الیه راجعون الحمد لله رب العالمین رب الموت
والحیوة صل علی محمد واهل بیته جزی الله محمدا
عنا خیر الجزاء بما صنع بامته وبما بلغ من رسالات
ربه اللهم عبدک ابن عبدک ابن امتک ناصیته
بیدک خلا عن الدنیا واحتاج الی رحمتک وانت غنی
عن عذابه اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم
اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وتقبل منه
وان کان مسیئا فاغفر له ذنبه وارحمه وتجاوز عنه
برحمتک اللهم الحقه بنبیک وثبته بالقول
الثابت فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة اللهم اسلک
بنا وبه سبیل الهدی واهدنا وایاه صراطک

المستقیم عفوک عفوک مرویست که چون چهل کس بر میت نماز کنند
و بگویند اللهم لا نعلم منه الا خیرا خدا تعالی فرماید شهادت
شما را قبول کردم و گناهان او را که من میدانم و شما نمی‌دانید آمرزیدم
و اگر میت مستضعف باشد بعد از شهادتین و صلوات که برسد و
برای مومنان دعا کند بعد از آن بگوید اللهم اغفر للذین تابوا
واتبعوا سبیلک وقهم عذاب الجحیم و اگر مجهول باشد
یعنی مذهبش معلوم نباشد بعد از دعاء مومنان بگوید اللهم
ان هذه النفس انت احییتها و انت امتها اللهم
ولها ما تولت واحشرها مع من احبت و اگر طفل باشد
بگوید اللهم اجعله لابویه ولنا سلفا و فرطا و اجرا
و بر طفل کمتر از شش سال نماز نباید گذارد و چون شش ساله شود
نماز مستحب است و چون بالغ شود واجب شود **فصل ششم**
در مکان قبر و آداب دفن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که اموات خود را از اماکن بد دور کنید و مکان شریف برای قبر
اختیار نمائید که همسایه خوب همچنانکه در زندگی نفع میرساند
بعد از آن نیز نفع میرساند و مرویست که میت را یکمرتبه بشتاب
داخل قبر مکنید بلکه دو سه ذراع دورتر از قبر ساعتی بگذارید

و اگر مخالف مذهب باشد بگوید اللهم العن عبدک الف لعنة مؤتلفة غیر مختلفة اللهم اخز عبدک فی عبادک و بلادک و اصله حر نارک و اذقه اشد عذابک فانه کان یوالی اعداءک و یعادی اولیاءک و یبغض اهل بیت نبیک و در بین نماز [illegible] تکبیر باید نمود چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در نماز بر منافقین چنین میکرده‌اند

که تهیه جواب سوال بگیرد وکسی که درون قبر میرود باید میت و

نامحرم نباشد وسر وپا برهنه کند وبندهای جامه بگشاید ومیت را

اگر مرد باشد از جانب پای قبر داخل کنند وسرش را مقدم دارند

واگر زن باشد از پهلوی قبر بعرض داخل کنند وکسی که داخل قبر

میشود وقت داخل شدن بگوید بسم الله وبالله وعلی ملة

رسول الله صلی الله علیه واله اللهم الی رحمتک

لا الی عذابک اللهم افسح له فی قبره ولقنه حجته

وثبته بالقول الثابت وقنا وایاه عذاب القبر

پس استعاذه کند والحمد وقل هو الله احد ومعوذتین

وآیة الکرسی بخواند وچون در قبر بگذارد بگوید بسم الله وفی

سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه واله

اللهم یا رب عبدک وابن عبدک نزل بک وانت

خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی

احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه والحقه بنبیه

محمد صلواتک علیه واله وصالح شیعته واهدنا

وایاه الی صراط مستقیم اللهم عفوک عفوک

اللهم اجعلها روضة من ریاض الجنة ولا تجعلها

حُفرَةً مِنْ حُفَرِ النِّيرانِ و مکرر برای میت استغفار کند و میت را

رو بقبله بر پهلوی راست بخوابانند و بند کفن از سر و پا

بگشاید و روی راستش را برهنه کرده بر خاک گذارد و قدری

تربت مقدس با او بگذارد بعد از ان دست چپ بر بازوی

چپ میت گذارد و حرکت شدیدی دهد و بگوید ای فلان

چون از تو سوال کنند بگوی اَللّٰهُ رَبّی وَ مُحَمَّدٌ نَبِیّی وَ

الاِسْلامُ دینی وَ القُرْآنُ کِتابی وَ عَلِیٌّ اِمامی

وَ الحَسَنُ وَ الحُسَیْنُ وعلی ومحمد وجعفر وموسی

وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجة القائم اَئِمَّتی

و یکمرتبه دیگر همین را اعاده کند بعد از ان بگوید دانستی

و بزبان روح خواهد گفت بلی پس بگوید ثَبَّتَکَ اللّٰهُ

بِالقَوْلِ الثّابِتِ هَداکَ اللّٰهُ اِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ

عَرَّفَ اللّٰهُ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ اَوْلِیاءِکَ فی مُسْتَقَرٍّ

مِنْ رَحْمَتِهِ بعد از ان بگوید اَللّٰهُمَّ جافِ الاَرْضَ

عَنْ جَنْبَیْهِ وَ اَصْعِدْ بِرُوحِهِ اِلَیْکَ وَ لَقِّنْهُ مِنْکَ

بُرْهاناً اَللّٰهُمَّ عَفْوَکَ عَفْوَکَ و در وقت خشت چیدن

بگوید اَللّٰهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ اَسْکِنْ اِلَیْهِ

مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وچو

خواهد بیرون آید بگوید إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ

لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ

وَاخْلُفْهُ عَلَى عَقِبِهِ فِي الْغَابِرِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

وا طرف پای قبر بیرون آید چون خاک بر قبر بریزند هر کس

قدری خاک در دست گرفته بگوید إِيمَانًا بِكَ وَتَصْدِيقًا

بِبَعْثِكَ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَ

رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا بعد [illegible] بریزد هر

ذره از آن حسنه برایش نویسند و مستحب است سه مرتبه

با پشت دست ریختن و خویشان خاک نریزند که مورث قساوت

قلب شود و غیر آن خاک که از همان قبر بیرون آمده داخل

نکنند که بر میت سنگین شود و قبر را بقدر چهار انگشت از

زمین بلند کنند و مربع بسازند و آب برو بریزند ابتدا از

پیش سر از جانب قبله کنند و از پیش رو بگردانند تا اندیر پا بدور

بگردد بعد از آن بر میان قبر ریزند که تا نمی از آن آب باقی

باشد از عذاب قبر ایمن باشد بعد از آن دست بر قبر گذارند

چنانکه انگشتان گشوده باشد و در خاک فرو برند و بگویند

اللّهمّ آنس وحشته وارحم غربته وآمن روعته وصل
وحدته واسکن الیه من رحمتک رحمة یستغنی بها
عن رحمة من سواک واحشره مع من کان یتولاه وحضرت
صادق صلوات الله علیه فرمود چه شود اگر اهل میت ملاقات
منکر ونکیر را از میت خود دفع کنند کسی پرسید چون کنند
فرمود بعد از دفن کردن که مردم همه متفرق شوند کسی که اولی بمیت
باشد دهن بنزدیک سر میت برده باواز بلند بگوید یا فلان بن فلان
هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وانّ محمداً عبده
ورسوله سید النبیین وانّ علیاً امیر المؤمنین
وسید الوصیین وانّ ما جاء به محمد صلی الله
علیه واله حق وانّ الموت حق وانّ البعث حق و
انّ الساعة آتیة لا ریب فیها وانّ الله یبعث
من فی القبور که چون این بگوید منکر با نکیر گوید بیا برویم
که تلقینش کرده شد فصل هفتم در ثواب وآداب
مصیبت وغیر آن روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که چون کسی را مصیبت رسد باید مصیبت رحلت حضرت صلی الله

علیه وآله وسلم را یاد آرد که عظیم‌ترین مصیبتها است و صبر کند
و استرجاع کند یعنی بگوید انا لله و انا الیه راجعون و حمد خدا
کند که چون چنین کند رضا بقضای خدا تعالی داده و ثوابش بر
خدا باشد و اگر صبر نکند قضا خود گذشته باشد و اجرش
باطل شود و در پیش خدا مذموم بود و هر کس در بلا و مصیبت
صبر کند خدا تعالی سیصد درجه برایش بلند گرداند که میان
هر دو درجه مثل ما بین آسمان و زمین باشد و چون صبر کند
وَاِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ بگوید خدا تعالی فرماید صلوات
و رحمت برو فرستم و از زمرهٔ هدایت یافتگان شمارم و گناهان را
همه بیامرزم غیر از کبایر و اگر این عبارت را نیز اضافه کند
اَللّٰهُمَّ اُجُرنی عَلی مُصیبَتی وَاَخلِف لی خَیراً مِنها
خدا تعالی بهتر از آن عطا فرماید و هر مرتبه مصیبتی یاد آید
اگر چه بعد از مدتی باشد بگوید اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ
وَالحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ اَللّٰهُمَّ اُجُرنی عَلی مُصیبَتی
وَاَخلِف عَلَیَّ اَفضَلَ مِنها همان اجر اول مصیبت
باشد و از مرتبه بیشتر از آن که گفته باشد تا حال همه گناهانش آمرزیده
شود و مرویست که چون فرزند کسی بمیرد خدا تعالی از ملایکه بپرسد

که از بندهٔ مؤمن فرزند دلبندش را اگر قبض کنید چه گفت گویند استرجاع
و حمد کرد پس فرماید که در بهشت خانه برایش بنا کنید و خانهٔ حمد
نام کنید و نیز مرویست که یک فرزند کسی پیشتر از وی برود بهتر است
برای او از هفتاد پسر که بمانند و همه در راه خدا جهاد کنند و نیز
مرویست که خدا تعالی کریمتر از آنست که فرزند مؤمن را از وی بگیرد
پس از آن هرگز او را عذاب کند و اطفال که پیشتر بروند والدین
را از دوزخ دور کنند و دست ایشان گرفته داخل بهشت کنند
کسی پرسید که اگر کسی را فرزند نباشد ازین فضل محروم خواهد
بود فرمود برادر [illegible] همه بجای فرزند یکدیگراند و مرویست
که اگر مردی در مصیبت دست بر زانو زند یا [illegible] هنگامه نوحه
ساز کند اجرش باطل شود فصل هشتم در ثواب و
آداب تعزیه و اکرام یتیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که کسی را تعزیه کردن و تسلی دادن موروث بهشت است و هر کس
صاحب مصیبتی را تعزیه کند مثل اجر او یابد بی آنکه از وی چیزی
کم شود و هر که مصیبت رسیده را تعزیه کند خدا تعالی
او را در سایهٔ عرش خود جای دهد روز قیامت او را حلّه از
بهشت پوشاند با زینت و بهجت تمام و مرویست که مردی پسرش

وفات کرده بود جزع و بی تابی میکرد حضرت صادق صلوات الله علیه
بتعزیه او رفته بود فرمود خود را بمصیبت رسول الله صلی الله علیه و
آله وسلم تسلی داده که اعظم مصایب است گفت پسرم در لهو و معاصی
بود جزع من از این جهت است فرمود پسرت سه چیز در پیش دارد شهادت
ان لا اله الا الله و رحمت بی نهایت خدا و شفاعت رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم یکی ازین سه ان شاء الله ازو فوت نخواهد
شد و مرویست که هر کس متکفل احوال یتیمی شود تا آنکه او را
مستغنی گرداند بهشت او را واجب شود و هر کس از روی ترحم دست
بر سر یتیمی مالد بعدد هر مویی از آن دست حسنه نویسند و روز
قیامت بعدد هر یک از آن مو نوری عطا کنند و چون یتیم گریه
کند عرش بخود بلرزد پس خدا تعالی فرماید که کیست که این بندهٔ
مرا که در کوچکی پدر و مادرش را گرفته ام میگریاند بعزت و جلال
و ارتفاع مکانم که هر مومن که او را تسلی دهد بهشت برای او
واجب گردانم فصل نهم در آنچه برای میت و اعمالی که
باو نفع رساند مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هیچ شب
بر میت سخت تر از شب اول نیست پس در شب اول بر میت بصدقه
رحم کنید و اگر مقدور نشود دو رکعت نماز بگذارید در رکعت اول

بعد الحمد آیة الکرسی یکمرتبه و در دوم انا انزلناه ده مرتبه بخوانند و
بعد از سلام بگویند اللهم صل علی محمد و آل محمد وابعث
ثوابها الی قبر فلان که همان ساعت خدا تعالی هزار ملک بقبر او
فرستد هر کدام با حله از بهشت و قبرش را وسیع کرداند تا روز قیامت
و برای کسی که این نماز را بگذارد چهل درجه بلند کند و بعد هر حرف
انقلاب بر وی باید ده حسنات عطا فرماید و هر کس بقصد میت
تصدق کند خدا تعالی امر فرماید که هزار ملک هر یک طبقی از نور
در دست بگیرند بقبر او در آیند و برو سلام کنند و گویند این هدیه
فلانیست که بتو فرستاده و آنکس را در بهشت هزار شهر
و هزار حوری و هزار حله عطا فرماید و هزار حاجتش را بر آرد و
هر کس برای میت عملی خیر مثل نماز و روزه و حج و طواف و
زیارت و صدقه و دعا و رقبه و تلاوت قرآن و غیر آن
هدیه کند هر وقت باشد خدا تعالی اجر او را ده برابر با بیشتر
مضاعف کرداند و میت را از آن نفع رساند و عذابش تخفیف
دهد اگر چه کافر باشد و گاه باشد که میت در شکنای عذابی
باشد که خدا تعالی او را از آن نجات دهد و با او گویند این نجات
بسبب هدیه فلانیست و میت از هدیه و دعا و استغفاری که

که برایش کنند خوشحال شود و چند کس را بلکه همه مؤمنان را در یک نماز یا
حج یا غیر آن شریک توان کرد و بهر کدام ثواب آن عمل علیحده رسد
و میت خود هر عملی که خیر در ایام حیوة کرده باشد مثل تصنیفی
و صدقه و کتابت مصحفی یا کتابی یا درختی بنشاند یا چاه آبی
بکند یا کسی را تعلیم چیزی یا هدایت و دلالت بخیری یا غیر آن
از اعمال خیر کند تا اثری از آن باقی باشد نفعش باو رسد و
هر کس بر تعلیم و دلالت او عمل کند مثل آن ثواب برای او ثابت
باشد بی آنکه از صاحب عمل چیزی کم شود و نیز مرویست که از
جمله حقوق مؤمن اینست که بعد از موت ذکر او بخیر کنند و
عیوب و سیئات او را پوشیده دارند و نیز مرویست که اول تحفه
مومن همانست که بعد از موت برایش گویند اگر خیر است خیر
و اگر شر است شر **فصل دهم** در زیارت قبور مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بزیارت قبور بروید که باعث رقت
قلب و اشک چشم و یاد آخرت است و چون کسی بزیارت قبور
رود اهل قبور خبردار شوند و با او انس گیرند و خوشحال و شکفته
و مسرور شوند چنانکه در زندگی بدیدنش روند و چون از آنجا
برود ایشان از او وحشت رو دهد و مفارقت اثر کند و هر کس زیارت

قبر والدین یا یکی از ایشان در روز جمعه کند ثواب حج مقبول
برایش نویسند و بعد از زیارت و دعای والدین حاجتی که داشته
باشد بخواهد که انشاء الله مستجاب شود و چون خواهد بر اهل
مقابر سلام کند بگوید السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُسْلِمِينَ رَحِمَ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا
إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ و چون ایشان دعا کند
بگوید اَللّٰهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصَاعِدْ إِلَيْكَ
أَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَأَسْكِنْ إِلَيْهِمْ مِنْ
رَحْمَتِكَ مَا [illegible] وَحْدَتَهُمْ وَتُؤْنِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و اگر خواهد بگوید اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ
غُرْبَتَهُمْ وَصِلْ وَحْدَتَهُمْ وَآنِسْ وَحْشَتَهُمْ وَآمِنْ
رَوْعَتَهُمْ وَأَسْكِنْ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنُونَ
بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَأَلْحِقْهُمْ بِمَنْ كَانُوا يَتَوَلَّوْنَهُ
و نیز روایت که هر کس بر اهل مقابر چنین سلام کند اَلسَّلَامُ
عَلَى أَهْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِنْ أَهْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
يَا أَهْلَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
نَحْنُ نَقُولُ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ اغْفِرْ

لِمَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاحِدَهُ فِي نُعُرَةٍ مَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ خدا تعالی ورا ثواب بنجاه ساله
عبادت عطا فرماید و بنجاه ساله سیئات او و الدینش را عفو
نماید و هر کس داخل مقبره شود بکوید اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الْاَرْوَاحِ
الْفَانِيَةِ وَالْاَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَالْعِظَامِ النَّخِرَةِ الَّتِي
خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ بِكَ مُؤْمِنَةٌ اَدْخِلْ عَلَيْهِمْ ۲۰
رَوْحًا مِنْكَ وَسَلَامًا مِنِّي بعد د هر کس از ز[illegible]ن آدم تا روز
قیامت برایش حسنات نویسند و هر کس در مقبره مسلمین یک
آیه از قران بخواند خدا تعالی ثواب هفتاد [illegible] عطا فرماید و
هر کس برای اموات از خدا طلب رحمت کند از آتش نجات یابد
و خندان داخل بهشت شود و اکر در مقبره سورهٔ یس بخواند بعدد
اهل آن مقبره برایش حسنات نویسند و عذاب از ان مقبره
تخفیف دهند و اکر ایة الکرسی بخواند و ثوابش را باهل مقبره
هدیه کند بعدد هر حرف از ان ملکی برای او تسبیح کند تا روز
قیامت و اکر یازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و ثوابش را
باهل مقبره قریت هدیه کند بعدد ایشان حسنات یابد
و اکر دست بر قبری کذارد و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند ا[illegible]

فزع اکبر قیامت ایمن باشد واو وصاحب قبر هر دو امرزیده شوند
وخدا تعالی ملکی را فرستد که در پیش آن قبر عبادت کند وثوابش
برای صاحب قبر نوشته شود وچون از قبر بیرون آید بر هیچ خوف
وهولی نگذرد مگر آنکه خدا تعالی آن را ازو دفع کرده باشد تا آنکه داخل
بهشت شود ومرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
که فرمود اگر کسی بر سر اخگر آتش بنشیند وجامه‌اش بسوزد تا
آتش ببدنش رسد دوست‌تر دارم که بر سر قبری نشیند
اما بر سر [illegible] راه رفتن یا گذشتن قصوری ندارد که اگر صاحب قبر
مومن باشد راحت یابد واگر نه الم یابد اما ظاهر اینست که قبور
اکابر و والدین وعلما رعایت ادب باید نمود مرویست که
حرمت مومن بعد از مردن مثل حرمت اوست در زندگی

خاتمه در مواعظ ونصایح وفواید متفرقه مرویست از
حضرت صادق صلوات الله علیه که فرمود حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم در شب معراج از جناب الهی سوال نمود که خدایا
کدام عمل در پیش تو افضل است فرمود یا احمد هیچ چیز پیش من افضل
از توکل ورضا بقسمت من نیست یا احمد واجب است محبت من
جمعی را که در طاعت من باهم دوستی کنند ودر معصیت من از هم

دوری نمایند و بر من توکل کنند و محبت من علت و غایت و نهایت
ندارد برای دوستان خود هر علم عزت و قرب که در پیش خود بلند کنم
علمی بازاء آن در پیش خلق پست کرده‌ام ایشانند جمعی که حاجات خود را
بمخلوقین نبرند بطون شان از حلال خفیف است و لذت نعیمشان
در دنیا ذکر و محبت و رضای من یا احمد اگر خواهی اورع ناس باشی در
دنیا زاهد و باخرت راغب باش گفت خدایا در دنیا چون زاهد و باخرت
چون راغب باشم فرمود خود را از طعام و شراب و لباس دنیا
سبکبار دار و دل بجمع و ذخیره دنیا مدار و از ذکر یاد من غافل
مباش گفت دوام ذکر ترا چون تحصیل کنم فرمود بخلوت از ناس
و بغض ترش و شیرین دنیا و فراغ شکم و خانه از مشاغل دنیا یا احمد
پرهیز از آنکه مانند اطفال هر سرخ و زرد که بینی میل کنی و هر ترش
و شیرین که یابی فریفته شوی گفت خدایا بعملی دلالت فرمای
که بتو نزدیک شوم فرمود شبت را بنماز بیدار دار و روزت را بجوع
بشب آر بعزت و جلال خودم که هیچکس برای من ضامن چهار خصلت
نشود مگر آنکه از اهل بهشتش کرده‌ام زبانش را از لغو نگاه دارد و
دلش را از خیالهای باطل بر بندد و بداند که من احوال را می‌بینم
و میدانم و روشنی چشمش بجوع باشد اگر لذت و حلاوت گرسنگی

وخاموشی وخلوت ونتیجه از ادریابی همه چیز بران اختیار نکنی
گفت نتیجه اینها چیست فرمود حکمت ومعرفت وحفظ دل از
خیالهای باطل ونزدیکی خدا وزهد در دنیا وحزن دایم وخفت
مؤنت وکلام حق یا احمد میدانی چه وقت بنده بمن نزدیک
شود گفت نه گفت وقتی که گرسنه یا در سجده باشد یا احمد
عجب دارم از سه کس کسی که در نماز میدانند که در پیش که ایستاده و
باکه در مناجات است وبا این حال خواب آلوده می باشد وکسی که
قوت یک روزه دارد وفکر فردا میکند وکسی که نمیداند که من
از وراضیم یا نه خنده بسیار میکند یا احمد در بهشت قصریست
از لؤلؤ که هیچ منفصلی ندارد خواص بنده کان من در آن باشند هر روز
هفتاد مرتبه بایشان نظر کنم وتکلم نمایم در هر نظر هفتاد برابر
پادشاهی وقرب ایشان را بیفزایم وقتی که اهل جنت بطعام
وشراب مایلند ومتنعم باشند ایشان محو لذت ذکر وهم زبانی
من باشند گفت ایشان کیانند فرمود آنانند که زبان از فضول
کلام وشکم از فضول طعام بسته اند یا احمد محبت با خدا
با فقراست ونزدیکی با ایشان گفت فقرا کیانند فرمود انانکه از
دنیا بقلیلی راضی باشند در نعمت شکور ودر شدت صبور باشند

وباکسی شکایت نکند ودروغ نکویند وبدنیا فرحناک وبفقدان او
غمناک نشوند یا احمد دوستی با من دوستی با فقرا است اکر خواهی
بمن نزدیک شوی ایشانرا بخود نزدیک کن واکر خواهی از من دور
باشی ایشانرا از خود دور کن که ایشان دوستان منند یا احمد
خودرا بلباسهای نازک وطعامهای لذیذ وبساطهای نرم
میارای که نفس ماوای هر شر ورفیق هر سوء است اکرش بطاعت
میخوانی ترا بمعصیت میخواند در طاعت مخالفت ودر معصیت
موافقت میکند اکر کرسنه شود شکوه میکند اکر سیر کردد
سرکشی از سر کیرد واکر فقیر شود غضبناک شود واکر مستغنی
شود متکبر شود واکر از حوادث ایمن کردد از خدا غافل شود
نفس قرین شیطانست نفس مثل شتر مرغست بسیار میخورد
وبار بر نمی دارد ومثل دفلی است رنکش خوش آینده وطعمش
تلخست یا احمد دنیا واهل دنیا را دشمن واخرت واهل آخرت
را دوست دار کفت خدایا ایشان کیستند فرمود اهل دنیا
کسی که غضب وخوردن وخنده وخفتنش بسیار باشد و
بقسمت خود راضی نشود وچون باکسی بد کند عذرخواهی نکند
وچون کسی از و عذر خواهد قبول نکند در طاعت کاهل وناتوان

ودر معصیت دلیر وتوانا املش طویل واجلش قریب محاسبه خود
نکند ونه بیند چه میکند قلیل العلم کثیر الکلام بر عاقبت خود
نترسد واز حال خود نبیند بیند نه در نعمت شکور ونه در شدت
صبور خود را بنا کرده ستایند وکمالی که ندارند دعوی کنند
وعیوب ناس گویند یا احمد عیب اهل دنیا بسیار است اهل
جهل وحماقت وصاحب تکبر وضلالت در پیش مردم عقلا ودر پیش
عارفین جهلا یا احمد اهل آخرت روی شان تنک وحیاشان
بسیار وحمق شان قلیل ونفعشان کثیر مردم از ایشان در راحت
وایشان از خود در تعب کلامشان سنجیده عقل وهمیشه در محاسبه
نفس چشمشان در خواب ودلشان بیدار چشمشان گریان ودلشان
بذکر خدا در کار وقتی که مردم را از غافلان نویسند ایشان را از
ذاکران نویسند در اول نعمت حمد شیوه ودر آخر شکر پیشه
دعاشان در پیش خدا مرفوع وکلامشان محبوب ومسموع وملائکه
با ایشان خوشنود ومانع ذکر خدا از ایشان مفقود علما را با لطف
پیروی کنند ومحض للرحم رحمت هدایت نمایند موت هر کس بکم تیره باشد
واز ایشان از شب تا مجاهده نفس ومخالفت هوس روزی هفتاد مرتبه
بمیرند از ضعف وناتوانی بهر بادی بلرزند ودر وقت عبادت چون

ستون محکم باشند دلشان خالی از هر شغلی غیر خدا بعزت وجلال
خودم که چون روحش از بدن مفارقت کند بزنده کی خوشی زنده اش
کردانم و ملک الموت را بر و مسلط نکنم بلکه خود متولی قبض روحش شوم
و درهای آسمان را برای روحش بگشایم و حجابها را از پیش خود و او
بردارم و بهشتها را امر فرمایم تا زینت کنند و حور العین را تا
مهیای تماشا شوند و ملائکه را تا بر ایشان صلوات فرستند
و درختان را تا بار آیند و میوه ها را تا خود را بپاویزند و بادی از ه
بادهای زیر عرش را فرمایم که کوههای مشک [illegible] خود برای او
بی آتش بخور کنند و در میان من و او هیچ پرده و مانعی نباشد
و از روی ملاطفت و اکرام و رحمت و رضوان بپیش خود خوانم
ای کاش بدیدی که ملائکه چون او را دست بدست میکردانند
یا احمد اهل آخرت را طعام کوارا نباشد تا خدای خود را شناخته اند
و از مصیبت محزون نشوند تا سیئات خود را دانسته اند همیشه
بر کناهان خود کریان باشند و از عبادت فرصت استراحت
نیابند و ایشان را در دنیا راحتی نباشد و چون بمیرند براحت
رسند مونس ایشان اشک چشمانست که در شبها بر روی ایشان
روان شود و همنشینان ملائکه باشند و همزبانشان خدای

بزرکشان دلشان در سینه از غایت حزن والم مجروح هیشه مشتاق
اخرت یا احمد میدانی که زاهدان در پیش من چه رتبه دارند گفت
نه فرمود روز قیامت که خلایق همه کرفتار حساب باشند ایشان
ازان ایمن باشند وکمترین عطیه که بایشان عطا کنم اینست
که کلیدهای بهشت همه را بایشان دهم تا از هر در که خواهند درون
روند وایشانرا در مقام خوشی در پیش خود بنشانم وانواع لذت
از مکالمه خود بایشان عطا کنم وچهار در برایشان بکشایم یکی
انکه هدیه وکرامات وعطایا از پیش من برایشان داخل شود
ویکی انکه هروقت خواهند بی مشقت وتعب وتماشای من
کنند ویکی انکه تماشای مخالفین وظالمین کنند در جهنم
که چون بانواع عقاب معذبند ویکی انکه حور العین وخدام
برایشان داخل شوند گفت خدایا این زاهدان کیانند
فرمود انانکه دل نبسته اند بخانه که از خرابیش غمکین شوند
ونه بفرزندی که از موتش محزون کردند ونه بمالی که از رفتنش
مهموم باشند ونه باکسی اشنا یند که یک لحظه ایشانرا
مانع شود از خداوند زیاده قوتی دارند که از ایشان سوال کنند
وبجامه فاخر نازک مینازند یا احمد روی زاهدان

زرداست از تعب عبادت شب و روزهٔ روز زبانشان کند است

مگر در ذکر خدا دلهایشان در سینه از کثرت مخالفت آرزوها

پاره پاره و بدنشان از کثرت مجاهده زار و نزار و در کمال

سعی در عبادت بی آرام و بیقرار لیکن نه از شوق جنت و نه

از خوف نار بلکه چون خدا را شناختند و اهل عبادت یافتند

بیقرار عبادت گشته اند گفت خدایا آیا از امت من

کسی را این رتبه عطا فرموده فرمود یا احمد این درجه اولیا

و صدیقین است از امت تو و غیر امت تو گفت خدایا

زهاد کدام امت بیشتر اند فرمود زهاد بنی اسرائیل در میان

زهاد امت تو مثل یک موی سیاه هست در گاو سفید حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بعد از ان خدا را حمد و شکر بسیار

نمودم و ایشان را دعا کرده گفتم خدایا بر ایشان رحم کن و ایشان را

بر ایشان بآن راضی گشته حفظ کن و ایشان را ایمانی عطا

نمای که بعد از ان شک نکنند و ورعی که بعد از ان بدنیا

رغبت ننمایند و خوفی که بعد از ان غافل نشوند و علمی که بعد از ان

جهل نداشته باشند و عقلی که بعد از ان از حمق ایمن باشند

و نزدیکی که بعد از ان دوری نه بینند و خشوعی که قساوت

در عقبش نباشد و تذکری که نسیان در پی نبود و عزتی که بعد ازان
خواری نه بیند و صبری که بعد ازان جزع نکنند و حلمی که
بعد ازان بیتاب نشوند و دلشان مملو حیا کردان تا همیشه
از تو حیا کنند و ایشانرا با فات دنیا و افات نفوس خود و
وساوس شیطان بینا کردان تا از فتنه ان ایمن باشند
بعد ازان فرمود یا احمد از ملازمت ورع غافل مباش که اول
و میان و اخر دین همه ورع است ورع زینت مومن و عماد دینست
ورع مثل کشتی است چنانکه از دریای بکشتی توان گذشت
همچنین زاهدی ورع از دنیا توانند نجات یافت یا احمد بورع
همه درهای توفیق بر بنده گشوده شود و بورع در پیش مردم مکرم
و در پیش خدا عزیز و معظم گردد یا احمد خموشی پیشه کن که معمور
ترین دلها دل صالحان و خاموشان است و خراب ترین دلها
دل بیهوده گویانست یا احمد عبادت ده جزو است نه جزو ش
طلب حلالست اگر مطعم و مشرب خود را از حرام پاک کنی
در حفظ و امان من باشی گفت خدایا اول عبادت روزه و خموشیست
یا احمد میدانی نتیجه روزه چیست گفت نه فرمود کم خوردن
و خموشی نتیجه کم گوئی حکمت و نتیجه حکمت معرفت و نتیجه معرفت

یقین وچون بنده صاحب یقین شود پروا از سختی وسستی دنیا
نکند وچون چنین شود از من وکردهٔ من راضی باشد وچون برضای
من عمل کند سه صفت باو عطا فرمایم شکری که مخلوط بجهل
نباشد وذکری که مخلوط بنسیان نبود ومحبتی که بر من غیر
مرا اختیار نکند پس چون مرا دوست دارد من اورا دوست
دارم وخلق را دوست او کردانم وچشم دلش را بعظمت وجلال
خود کشایم پس علم خواص خلق خود را از وپوشیده ندارم ودر شب
وروز همزبان وهمراز او باشم تا انکه صحبت ومجالستش از غیر من
قطع شود وکلام خود وکلام ملائکه خود با و بشنوانم وستر
خود را که از خلق پنهان داشته ام با و بشناسانم ولباس حیا
در و پوشانم تا خلق از وحیا کنند وکناهانش را ببامرزم ودلش را
خزینهٔ اسرار خود کنم وپرده از احوال بهشت ودوزخ واهوال
روز قیامت برای او بردارم تا همه را مشاهده کند وقبرش را
منور کردانم وشدت موت وظلمت قبر ولحد وهول قیامت
نبیند ونصب میزان ونشر دیوان بر او نکنم الحد از آن که کاهی
می افتد وکاهی برمیخیزد تا انکه از صراط بکذرد وملک الموت
بنده خود را بالاتر از همه ملوک کردانم وچون ملک الموت

نازل شود کوید خوشت باد که خدای عز وجل مشتاق تست ای دوست
خدا درهای اسمان که اعمال تو از ان بالا میرفت و محراب و مصلای
تو همه بر تو کریه میکنند و ملائکه بر سر تو ایستاده باشند و هر یک
جامی از کوثر و جامی از شراب بهشت در دست چون روحش از بدن
بیرون آید از ان اب و شراب باو دهند تا سکرات و تلخی موت
زایل شود و مژده اش دهند پس از دست ملائکه پرواز کند و پیش
خدا رود کمتر از چشم بر هم زدنی میان او و خدا هیچ حجاب و مانعی
نباشد پس در جانب راست عرش بنشیند پس خدای تعالی ازو سؤال کند
که دنیا را چون کذاشتی کوید بعزت و جلال تو که از بس خوف از تو
داشتم از دنیا خبر نداشتم پس خدای تعالی فرماید راست میکوئی
اکرچه بدنت در دنیا بود اما روحت همیشه با من بود من از ظاهر و باطنت
خبر دارم هرچه خواهی سؤال کن تا عطا نمایم و در جوار من ساکن باش
و در جنت من بخرام پس ان روح کوید که تو معرفت خود مرا عطا فرمودی
که بان از همه چیز مستغنی شدم بعزت و جلال تو که مرا اکر امید
بند جدا میکردند یا همفتاد مرتبه میکشتند بسخت ترین انجا کشتن
که رضای تو بیشی من از همه چیزها بهتر بودی چون بخود مغرور باشم
هرچه دارم از تو دارم اکر تو مرا اکرام نمیکردی ذلیل می بودم و اکر تو

نصرت نمیدادی مغلوب می بودم واکر تقویت نمی نمودی ضعیف
می بودم اکر تو مرا بذکر خود زنده نمیکردی میت میبودم واکر تو
مرا برحمت نمی پوشیدی اول مرتبه که معصیت کردم رسوا میکشتم
چون رضای تو نخواهیم که عقل مرا تمام کردی تا تورا شناختم وحق از
باطل دانستم وامر از نهی وعلم از جهل ونور از ظلمت تمیز کردم
پس خدا تعالی فرماید بعزت وجلال خودم که میان من وتو هیچ حجاب
نباشد تا هر وقت خواهی پیش من آئی وبا دوستان خود چنین کنم
یا احمد میدانی کدام زندکی کوارا تر وکدام حیوات جاودانی تر است کفت
خدایا نمیدانم فرمود اما زندکی کوارا آنست که صاحبش از ذکر من
مانده نشود ونعمت مرا فراموش نکند واز من غافل نکردد وحق
مرا بشناسد وشب وروز طالب رضای من باشد واما حیوة
باقی کسی دارد که طاعت من کند تا دنیا در نظرش ذلیل شود وآخرت
عظیم کردد وخواهش مرا بر خواهش خود اختیار کند وپیروی رضای
من نماید ومرا چنانکه حق تعظیم منست تعظیم کند وبخاطر آورد که من از و
غافل نیستم وشب وروز مراد منظر داشته باشد تا از معصیت
من کریزان باشد ودلش را از صفات ذمیمه وخیالهای باطل
پاک کند تا شیطان در دلش راه نیابد وشیطان دشمن دارد

ولطاعتش نکند وچون باین طریق عمل نماید دلش را از محبت خود لبریز
کردانم تا هیچ چیز برا بر من اختیار نکند وهر چه کند وبکوید برای من کند
وچشم وکوش دلش را بکشایم تا بچشم دل جلالت وعظمت مرا ببیند
وبکوش دل اسرار از من بشنود ودنیا را بر و تنک کردانم ولذت
دنیا را از دلش بیرون کنم واز دنیا وما فیها او را بترسانم چنانکه شبان
کله را از مهلکها ومواضع کرک میترساند وچون چنین شود از
مردم کریزان کردد واز دنیای فانی که خانهٔ شیطانست دل بردارد
ومشتاق آخرت که خانهٔ رحمن است شود وبعظمت وهیبت
او را از بینت کنم اینست زندکی کوارا وحیوة باقی یا احمد کسی که عقل
ندارد غنی نیست وکسی که حصل ندارد فقیر نیست یا احمد هیچ میدانی
بچه چیز ترا افضل از سایر انبیا کردم کفت نمیدانم فرمود بسبب
یقین وحسن خُلق وسخاوت ورحم بر خلق همچنین مومنانی که
دلها بایشان محکم است باین صفات این رتبه یافته اند یا احمد
فعل بعقلت را برای من کن ونیت را متواضع کردان تا هرکز از من
غافل نباشی هر که از من غافل شود از و برو آنکم هر جا که هلاک
شود یا احمد عقلت را بپتی از آنکه از دست رود کار فرمای که
هر کس عقلش را کار فرماید خطا نکند وبعلمی که تورا اعطا کرده ام

عمل نمای تا علم اولین واخرین برای تو جمع شود وچون چنین کنی الفت
معرفت در دلت اندازم که هیچکس وصف ان نتواند کرد و هر راه
خیر تورا هدایت کنم وقوت عبادت دهم وعبادت ترا در چشم
دلت شیرین کردانم تا هیچ چیز از ان دوست تر نداری یا احمد اکر
خواهی حلاوت ایمان دریابی کرسنکی پیشه کن وخموشی را پیشه
زبان وخوف را ملازم دل کردان اکر چنین کنی نجات یابی وکرنه
هلاک شوی یا احمد بعزت وجلال خود که اول عبادت عابدین
وتوبه ایشان وتقرب ایشان بمن نیست مکر روزه وکرسنکی وخموشی و
تنهائی از اهل دنیا واول معصیت سیری وبیفایده کوئی واختلاط
اهل دنیا یا احمد چون بنده کرسنکی وخموشی پیشه کند حکمت اورا
عطا کنم اکرچه کافر باشد اما اکر کافر باشد آن حکمت بروحجت
باشد ووبال شود واکر مومن باشد نور وبرهان وشفا ورحمت
شود پس انچه نمیدانست بداند وانچه نمی دید ببیند واول چیزی که
ببیند عیب خودش باشد تا بآن مشغول شود ورا از عیب مردم
فارغ کردد ودر دقایق وحیلهای شیطان وحیلهای نفس خودش
بینا کنم تا نفس وشیطان برو راهی نباشد یا احمد هیچ عبادتی
پیش من بهتر از کرسنکی وخموشی نیست پس کسی که روزه کیرد وزبان

از بیهوده پند نپذیرد مثل کسی است که بنماز ایستد وقراءت نکند یا احمد
میدانی بنده چه وقت عابد باشد گفت نمیدانم فرمود وقتی که هفت
صفت در وی باشد ورعی که او را از حرام باز دارد وخموشی که او را از
کلام بیفایده باز دارد وخوفی که روز بروز گریه اش زیاد شود و
حیائی که در خلوت از من حیا کند وکم خوری که بقدر ضرورت خورد
ودنیا را دشمن دارد که آنرا دشمن دارم وخوبان را دوست دارد
که من ایشانرا دوست دارم یا احمد همین که کسی گوید من خدا را دوست
دارم مرا دوست ندارد تا آنکه از دنیا بقوتی وجامه سهلی راضی
شود وعمر خود را در عبادت من گذراند وخموشی را پیشه کند
وگریه بسیار وخنده کم کند ومخالف هوا وهوس کند ومسجد
خانه اش وعلم مصاحبش وزهد همنشین اش وعلما دوستانش
وفقرا رفقایش باشد وطالب رضای من باشد واز غضب
من بگریزد واز اهل دنیا واز معاصی گریزان باشد وخود را
مشغول بذکر وتسبیح من دارد ودر وعده صادق باشد وبعهد
وفا کند ودلش از صفتها وارادها وفکرهای باطل پاك باشد
ونمازش از شرك وریا وقصور پاك باشد ودر فرایض سعی تمام کند
وراغب بثواب وهارب از عذاب من باشد ورفیق وهمنشین

دوستان من باشد یا احمد اگر بنده مثل تمام اهل آسمان و زمین
روزه گیرد و مثل ایشان نماز کند و مثل ملائکه یکباره از طعام
بگسلد و مثل عابدین لباسهای درشت ذلیل پوشیده و با
اینهمه در دلش بقدر ذره حب دنیا یا حب ریاست یا نام یا آوازه
یا زینت دنیا باشد در جوار من راه نیابد و محبت خود را از دلش
بردارم و دلش را تاریک کنم تا مرا فراموش کند و حلاوت محبت خود را
باو نچشانم و بر تو باد رحمت و سلام من و ایضا از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم مرویست که خدا تعالی فرموده ای آدمی زاد تو انصاف
نداری و شرم نمیداری همیشه من با تو بنعمت و رحمت و شفقت
دوستی و مهربانی میکنم و تو با من بذنوب و معاصی مخالفت و دشمنی
میکنی همیشه خیر و رحمت من بر تو نازل میشود و قهر و مخالفت تو
پیش من می آید هر شب و روز فرشته کریم از تو عملی قبیح نزد من
می آرد اگر تو وصف خود از کسی بشنوی و ندانی که تو را میگوید
هر اینه ملامت گوی خود شوی مرا در وقت غضب یاد کن تا من
ترا در وقت غضب یاد کنم و هم از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
مرویست که منادی از عرش ندا کند که ای بنی آدم خدا تعالی
شما را سلام میرساند و میگوید من شما را مشتاق خود میکنم و

و شما مشتاق من نمیشوید و شما را از خود میترسانم و نمی ترسید
شبها را بخواب و روزها را بغفلت میگذرانید پس این راه
دور و دراز را کی طی میکنید و علم آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
روایتست که بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی ترا وصیتی
چند میکنم مادام که آن را محافظت کنی همیشه در خیر باشی یا علی
بهترین جهاد اینست که چون صبح برخیزی ظلم در خاطر نداشته
باشی هر کس که مردم از زبانش ترسند از اهل دوزخ باشد بدترین
مردم کسیست که از ترس شرش و اکرامش سلام کنند یا علی بدترین
مردم کسیست که آخرت را بدنیا بفروشد و بدتر از وی کسی که آخرت
خود را بدنیای دیگری بفروشد یا علی هر کس قبول عذر نکند خواه
راست و خواه دروغ بشفاعت من نرسد یا علی بهشت حرام است
بر هر فحاش هرزه گو که از هر چه گوید و با او گویند پروا نکند یا علی
مزاح بسیار مکن که قیمت برود و دروغ مگوی که نورت برود
زنهار ملال و کاهلی بخود راه مده که چون ملال آری صبر بر
حق نکنی و چون کاهل شوی ادای حق نتوانی یا علی هر گناه را توبه است
مگر سوء خلق بد که از هر گناه که بتوبه بیرون آید در گناه دیگر افتد
بلکه توبه آن ترک آن است یا علی خدای تعالی بهشت را از خشتی

از طلا و خشتی نقره افزیده دیوارش را از یاقوت و سقفش را
از زبرجد و ریکش را از لؤلؤ و خاکش را زعفران و مشک اذفر
گردانیده بعد از ان فرمود تکلم کن گفت لا اله الا الله الحی
القیوم سعادت یافت هر کس داخل من شد فرمود بعزت
و جلال من که داخل تو نشود شراب خوار و سخن چین و دیوث
و اعوان ظلمه و مخنث و نباش و عشار و قاطع رحم یا علی
چند کس ازین امت کافر اند سخن چین و کسی که جستجوی اسرار
مردم کند و دیوث و کسی که زنی را بحرام یا زنی محرم را یا حیوانی را
نکاح کند و کسی که صلاح جنگ با اهل حرب مسلمین فروشد
و مانع زکوة و مستطیع که حج نکرده بمیرد یا علی سه چیز از مکارم
اخلاق است در دنیا و اخرت عفو کردن بر کسی که بر تو ظلم کند
و صله کردن با کسی که از تو قطع کند و حلم ورزیدن از کسی که با تو
ناخوشی کند یا علی نماز کس قبول نشود بنده که از صاحبش گریزد
و زنی که شوهرش را برنجاند و از وو دوری کند و مانع زکوة
یا علی هر کس هفت صفت داشته باشد حقیقت ایمان برایش
کامل شود و درهای بهشت برایش گشوده شود وضو را تمام
سازد و نماز در وقت با حقوق اللازم زکوه مال دهد و غضب

خورد

خود را حفظ کند و زبان را نگاه دارد و از گناهان استغفار کند
و خیر خواهی اهل بیت طاهرین علیهم السلام کند یا علی مجالست سه طایفه
دل را بمیراند اغنیا و ارذال و زنان یا علی سه چیز از حقیقت ایمان است
صدقه در وقت پریشانی و انصاف بحق و بذل علم بمتعلم یا علی
سه چیز است که هر کرا نداشته باشد عملش تمام نبود ورعی که از
معاصی نگاهش دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل
جاهلان را بگذراند یا علی دو ساله راه برو برای بر والدین و یک
ساله برای صله رحم و یک میل بعیادت مریض و دو میل به تشییع
جنازه و سه میل باجابت دعوت و چهار میل بزیارت مومن و
پنج میل بمدد درماندگی و شش میل باعانت مظلوم و در استغفار تقصیر
مکن یا علی چون کسی بمیرد مردم گویند چه گذاشت و ملائکه گویند چه
آورد یا علی سه چیز مورث قساوت است شنیدن غنا و صید
کردن بلهو و بدرخانه سلاطین رفتن یا علی هر کس خلقش نیکوتر و حلمش
زیادتر و بیرونش [illegible] تر جاهیتر و انصافش بیشتر از همه کس بیشتر
و هم انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم با بوذر رحمة الله فرمود یا
ابا ذر وصیت مرا محافظت نمای تا در دنیا و آخرت نجات یابی
خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی که اگر تو او را نه بینی

او ترا پسند یا اباذر اهل بیت منا کشتی نوحند هر کس پناه بایشان
برد نجات یابد و هر کس ازیشان باز ماند هلاک شود یا اباذر
پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت دان جوانی پیش از پیری و صحت
پیش از بیماری و غنا پیش از فقر و فرصت پیش از بی فرصتی و
زندگی پیش از مرگ یا اباذر چون کار خیری بخاطرت رسد تاخیر
مکن که شاید اتی بعد ازین چه شود اگر بعد ازین نمانی کار دیگر توان
کرد و کو بند ازین کار محروم نباشی بسا کسی که روز را به شب رساند
و بفردا نرساند یا اباذر در دنیا خود را غریب شمار یا مثل
مسافر انگار و از جمله مردگان پندار که چون صبح برخیزی ذکر
شام مباش و چون بشام رسی خیال صبح مدار یا اباذر عمر را
غنیمت شمار و بر عمر بخیل تر از درم و دینار باش یا اباذر
حقوق خدا بیش از آنست که توان دانست و نعمتهای او کثر
بیش از آنکه توان شمرد غیر این چاره نیست که صبح و شام در
استغفار و توبه باشی یا اباذر مومن از خطیه چنان بترسد
که صید از دام یا اباذر آدمی گناه کند و باین سبب از روزی خود
محروم شود یا اباذر کاری که نفعی ندارد مکن و حرفی که فایده
ندارد مگوی و زبان را بیش از آن حفظ کن که مال را حفظ میکنی

یا اباذر جمعی در بهشت نگاه کنند و جمعی را در درجات بالاتر از خود
ببینند گویند خدایا ما و ایشان در دنیا با هم می بودیم چرا ایشانرا
بر ما تفضیل فرمودی فرمود هیهات ایشان گرسنه و تشنه
می بودند و شما سیر و سیراب می بودید ایشان عبادت میکردند
و شما می خوابیدید ایشان مشقت میکشیدند و شما راحت
میکردید یا اباذر چشم من بنماز روشن است چنانکه چشم گرسنه
و تشنه بطعام و آب گرسنه و تشنه از طعام و اب سیر شوند
و من از طعام و آب سیر نشوم یا اباذر خوشا جمعی که در روز قیامت
علمهای شاهی افراشته ببهشت سبقت کنند ایشانند که
در سحرها و غیر ان بمسجد سبقت کنند یا اباذر دنیا زندان
مومن و بهشت کافر است مومن در دنیا نباشد مگر محزون و چون
محزون نباشد که هرگز از بلا فارغ نیست و چون از دنیا برود به
راحت رسد یا اباذر هیچ عبادتی مثل آن نیست که همیشه محزون
باشی اگر توانی گریه کن و اگر نتوانی دل را غمگین دار و خود را بگریه آر
که دل سخت از خدا دور است یا اباذر هر کس حسنه کند و تکیه بران کرده
از معصیت ایمن شود مستوجب غضب خدا شود یا اباذر دانا کسیست
که خود را بر مشقت دارد و کار اخرت کند و نادان کسی بیرو هوای

نفس باشد وخود را بارزوها فریب دهد یا اباذر دنیا وهرچه در دنیاست
ملعونست مگر انچه برای خدا یا اباذر خدا تعالی با هر کس اراده خیر دارد
او را در دین دانا ودر دنیا زاهد کرداند وبعیوب نفس خود بینا کند
یا اباذر چون کسی را بینی که ترک دنیا کرده سخن او بشنو که دلش از حکمت
پر است یا اباذر من دعا کردم که خدا رزق من ودوستان من قدر
کفاف کند واعدای ما را مال بسیار دهد یا اباذر از خدای بترس پرهیز
وبمردم منما که از خدای میترسی ودلت را خبر نباشد یا اباذر
هرچه میکنی حتی خوردن وخوابیدن نیت رضای خدا کن تا از ان
ثواب یابی یا اباذر بهشت میخواهی ارزوی دنیا از دل بیرون کن و
همیشه منتظر مرگ باش واز خدا حیا کن گفت ما همه از خدا حیا
میکنیم فرمود حیا اینست که مقابر ومرگ را فراموش نکنی ودر خوردن
وپوشیدن از حلال وحرام بی پروا نباشی هر کس کرامت اخرت
میخواهد ترک زینت دنیا کند چون کنی از اهل دوستی خدا باشی
یا اباذر اگر یکی از زنان بهشت در شب تاریک نگاه بزمین کند
از نور طلعت او تمام روی زمین روشن تر از ماه شود در شب
بدر وتمام اهل زمین بوی عطر او بشنوند واگر جامه از جامهای
بهشت را در دنیا بگشایند هیچکس تاب دیدنش نیارد وهمه بیهوش

بیفتند

بنفشه
یا اباذر جوانی که برای خدا ترك لذات وشهوات دنیا کند وجوانی
در طاعت به پیری رساند اجر هفتاد ودو صدیق داشته باشد
یا اباذر کسی که چون اذان نماز شنود اجابت کند ومساجد را
خوب عمارت کند ثوابش بهشت باشد گفت عمارت مسجد کدام است
گفت انکه در مسجد آواز بلند نکنی ومشغول لغو وباطل وبیع وشری
نشوی وکر چنین کنی در قیامت ندامت وحسرت نکشی یا اباذر
تا مسجد باشی ملائکه بر تو صلوات فرستند وهر نفسی که کشی درجه
بلند کنند وده حسنه نویسند وده سیئه محو کنند یا اباذر کسی
متقی نباشد تا در اکل وشرب ولباس تمیز حلال وحرام نکند
وتا محاسبهٔ نفس خود نکند مثل کسی که با کمال دقت محاسبهٔ شریك
وتحویلدار کند یا اباذر خدا تعالی فرموده بعزت وجلال خودم که هیچ
بنده رضای مرا بر رضای خود اختیار نکند مگر انکه نفسش را غنی
کرد انم وقصد وفکرش را صرف آخرت کنم واسمان وزمین را ضامن
رزقش کردانم ومعین برای او بجای تجارت هر تاجر باشم یا اباذر
اگر آدمی از رزق خود بگریزد چنانکه از مرگ میگریزد رزقش باو برسد
چنانکه مرگش باو میرسد یا اباذر خدا تعالی نظر بمال وجمال نکند
بلکه نظر بدل واعمال کند یا اباذر کسی که فرج وزبان حفظ کند داخل

بهشت شود گفت مگر مارا بحرفی که گوئیم مواخذه کنند فرمود مردم را
سر از زیر بد و زخ اندازند مگر حاصل زبان یا ایاذ رکسی که خواهد که
مردم در پیش او بر سر پا ایستند جای خود را در آتش مهیا داند
یا ایاذ رکسی که بقدر ذره کبر در دلش باشد بوی بهشت نشنود
تا ترک تقید کند یا ایاذ رکسی که قادر باشد اما برای تواضع خدای ترک
زینت کند و خود را در پیش خدای ذلیل و حقیر کرده اند و مال
خود را در غیر معصیت صرف کند و بر فقرا و مساکین ترحم نماید
و با اهل علم و دانش مخالطت کند بهترین امت من باشد
خوشا کسی که ظاهر و باطنش خوب باشد و شر خود را از مردم باز
دارد و بعلم خود عمل کند و هرچه زیادی از معونت عیال باشد
در طاعت صرف کند و حرف بی فایده نگوید از حضرت امیر
المومنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود عجب از کسی که بنده‌ها را
بزر میخرد تا آزاد کند چرا آزادان را باحسان نمیخرد تا بنده کند
و عجب از کسی که امید رحمت از بالاتر از خود دارد و چگونه به
پایین تر از خود رحم نکند و عجب از کسی که از ترس مرض از طعام
پرهیز کند از ترس عقاب از گناه پرهیز نکند و حضرت امام جعفر
علیه السلام بجمعی شیعیان میفرمود ای معاشر شیعه شما زینت ما

باشید

باشید و فتنه ما مباشید با مردم خوب سلوک کنید و زبان خود
نگاه دارید و از فضول کلام و قبایح افعال احتراز نمایید و نیز آنحضرت
علیه السلام بعبدالله بن جندب که از اصحاب آنحضرت بود فرمود یا
عبدالله ابلیس دامهای خود برای اولیا درین دار غرور گسترده
و حال آنکه آخرت در نظر ایشان چنان جلوه کرده که هیچ چیز برابر آن
اختیار نکنند بعد از آن فرموده آه آه بر دلهای که از نور الهی لبریز
شده و دنیا در نظر شان مثل مار ارقم یا عدوی اعجم آمده بخدا
انس گرفته و از اهل دنیا وحشت کرده ایشان اولیای منند
بحق و خدا با ایشان رفع هر آفت و بلا از اهل دنیا نماید یا ابن جندب
بر هر کس ما را شناخته واجبست که هر روز و هر شب محاسبه نفس
خود کند اگر حسنه کرده باشد خدا را شکر کند و طلب زیادتی نماید و اگر
سیئه کرده باشد استغفار کند در صدد تلافی باشد تا روز قیامت
ذلیل نباشد خوشا بنده که چشم بر اهل نعمت دنیا و زینت ظاهر ایشان
نداشته باشد بر آن رشک نبرد و خوشا بنده که مشغول طلب آخرت
باشد و با آرزوهای باطل دنیا از راه نرود یا ابن جندب اگر شیعیان
براه راست آیند و اطاعت ما کنند ملایکه با ایشان مصافحه کنند
و هیچ چیز از خدا طلب نکنند مگر که عطا فرماید یا ابن جندب بگو گناهکاران

شیعه بد میگویند و بخدا برای توفیق و توبه ایشان تضرع و استغاثه

کنید که هر کس که تولا بما کند و از اعدای ما تبرا نماید و اگر چیزی از ما بشنود

بگوید و اگر نداند یا بر او مشکل باشد ساکت شود از اهل جنت باشد

یا ابن جندب بگوید بر عمل مکنید که هلاک شوید و اعتماد بر رحمت نموده

جرات بر گناه مکنید که نجات نیابید گفتم پس که نجات یابد فرمود کسی که

دلش در میان خوف و رجا مضطرب باشد رجای ثواب و خوف

عقاب مثل کبوتر در چنگل باز و عقاب یا ابن جندب هر کس خواهد که

خدا تعالی با حور تزویج کند و تاج نور بر سر او نهد ادخال سرور

بمومنان نماید یا ابن جندب شب خواب کم کن و روز حرف کم گوی که هیچ

عضوی شکر کمتر از چشم و زبان نیست مادر سلیمان بن داود

بسلیمان گفت ای فرزند خواب کم کن که هر کس خواب بسیار کند محتاج

شود در روزی که هر کس محتاج بعمل خود باشد یا ابن جندب شیطان را

دامها است که مردم را بآن فریب دهد و گمراه کند از انها پرهیز

کنید که شما را در دام میارند گفت یا ابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

آن کدام است فرمود یکی آنکه کمنع بر و احسان بمومنان کنند دیگر آنکه از

صلوات و فرایض غافل کرداند هیچ عبادتی مثل اقدام با احسان و برادران

و زیادت ایشان نیست وای بر جمعی که نمازها را فراموش کنند و در شان

آن مساهله نمیمند تا از اوقات خود بکذرد وحد ودو ارکان اش ضایع
شود مکر بآیات واحکام خدا استهزا میکنند واز مواعظ نصایح او
پروا نمیدارند ایشانند که خدا در قران فرموده که در اخرت ایشان را نصیبی
نباشد وبا ایشان سخن نکویم واز سیئات پاک نکردانم وبعذاب الیم
معذب کردانم یابن جندب هرکس با مومن مغشوش ورزد وتحقیر کند
وبا او عداوت نماید ماوایش جهنم باشد وهرکس بر مومن حسد برد
ایمان در دلش چون نمک در آب بکداز د یابن جندب هرکس برای مومن
سعی کند چنانست که سعی میان صفا ومروه کرده باشد وهرکس قضای
حاجت مومن کند چنانست که در بدر واحد در خون خود غلطیده باشد
خدا تعالی هیچ امتی را عذاب نکرده مکر وقتی که بحقوق فقرا استهانت
کرده الله یابن جندب بشیعیان من برسان وبکوی که خیالهای باطل
میکنید والله که بولایت ما دست رس نباشد مکر بورع وعبادت
ومواساة اخوان مومنان وشیعه از ما نیست کسی که بر مردم ظلم
کند یابن جندب شیعیان ما اینچنین صفت توان شناخت بسخا
وبذل با اخوان وفرایض ونوافل شبانه روز شیعیان ما مثل سک
زاری نکنند ومثل کلاغ طامع نباشند وبا عدای ما تملق واز ایشان
سوال نکنند اکرچه از کرسنکی بمیرند ومحافظت وقت زوال کنند

وهر که مسکر باشد منند گفت اینان کجا جویم فرمود در کوشهها و کنارهها چون
داخل شهری شوی بی نام ونشان آن مردم کناره کرده مردم از او کناره
کرده که بانی او مؤمن باشد یا بن جندب هر کناه امرزیده شود مگر
عقوق اهل ولایت ما وهر بری مقبول شود مگر انکه بر سبیل
ریاست وسروری کنند یا بن جندب اگر خواهی در فردوس همسایه
ابراهیم خلیل باشی باید مصیبات دنیا بر خود اسان کنی وهمیشه
مرگ در نظر داری وانقدر بر دنیا بی اعتماد باشی که برای فردا ذخیره
نکنی وبدانکه از مال دنیا هر چه فرستی مال تو باشد وهر چه بگذاری
بران حسرت بری یا بن جندب هر کس خود را از مال خود محروم کند
برای دیگران جمع کرده باشد وهر کس پیروی هوا کند طاعت دشمن
خود کرده باشد وهر کس اعتماد بر خدا کند دنیا و آخرتش بسامان
باشد در نعمت شکور و در مشقت صبور باش نعمت ترا موجب غفلت
وبلیه ترا موجب جزع نشود انقدر امید رحمت دار که بسبب اعتماد
بران معصیت نکنی وانقدر از خوف عقاب دار که از رحمت
نومید نشوی درشت وناخوش مباش که مردم از تو دوری کنند
وحقیر ودنی مباش که ذلیل وخفیف شوی باپیش از خود بدی و حصومت
وباکم از خود سخریه واستهزا مکن وبا مردم در کارها منازعه منمای

و مطیع سفها مباش و خود را در پیش هر کس خفیف مگردان و در کارها
تامل کن و خیر و شرش را تمییز نمای تا در آن نمانی و پشیمان نشوی
طبیب نفس خود باش و خیر و شر خود بشناس و اگر بکسی احسان کنی
بکثرت ذکر و منت باطل مگردان بلکه بهتر از آن با آن ضم کن و
خموشی پیشه کن که اگر عالمی زینت تو باشد و اگر جاهلی بود
عیبت بود یا ابن جندب حضرت عیسی بن مریم صلوات الله علیهما
با اصحاب خود گفت اگر شما یکدیگر را برهنه ببینید که جامه از بعضی عورتش
گشوده آیا همه را بگشایید یا گشوده را بپوشید گفت همه را
بپوشیم فرمود نی بلکه همه را بگشایید عیوب یک دیگر را می بینید
و میپوشید تا ترک شهوت نکنید آنچه میخواهید نیابید و تا صبر
بر مکاره ننمایید بآنچه میخواهید نرسید چشم از مردم و زینت ایشان
بپوشید که حاصل آن حسرت و عاقبتش ندامتست مثل مالکان
نظر بر عیوب مردم مکنید بلکه مثل بندگان مشغول عیوب خود باشید
مردم دو قسمند مبتلا و معافی بر مبتلا رحم کنید و بر عافیت
شکر نمایید یا ابن جندب چون تصدق دهی علانیه مده که مردم ترا
مدح کنند که اگر چنین کنی باجر خود رسیده باشی بلکه اگر با دست
راست دهی باید چپ را خبر نباشد یا ابن جندب خیر و شر همه در پیش

تمام خیر در بهشت است و تمام شر در دوزخ که هر دو بهشت یا ابن
جندب خدا تعالی در بعضی وحیها فرموده که نماز کسی را قبول کنم
که در پیش من عظمت تواضع کند و خود را برای من از شهوات
باز دارد و روز خود در ایاد من گذراند و بر خلق من تکبر نکند
و گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت رسیده
رحم کند و غریب را بنوازد و کسی که چنین باشد نورش
مثل آفتاب تابان باشد در ظلمت نورش دهم و در جهالت
عقلش عطا کنم بملائکه اش بسپارم و بعزت
خود محافظتش کنم چون مرا بطلبد لبیک گویم
و چون سوال کند عطا نمایم و چنین بنده در پیش من مثل
فردوس است که میوه اش از [illegible] ت مصون و از تغیر
محفوظ است یا ابن جندب روز قیامت میان اولیاء و
اعدای ما دیواری نصب کنند محفوف بزبرجد
و مزین بدیبا و سندس چون از طول موقف و حرارت
قیامت مغز دماغها بجوش آید و دلها بسوء آید
و جگرها پخته شود اولیا را داخل این حصار کنند
و در امن و امان باشند و هر چه آرزو کنند برایشان مهیا

باشد واعدا بعقوبت عظیم وعذاب الیم گرفتار باشند واز روی
حسرت گویند کجا اند انا نکد ما ایشانرا گمراه می دانستیم و
اولیا بر ایشان حکم کنند وبر حالشان خنده کنند هر اولیای

مارا بکلمه اعانت کند در آن روز
بحساب بیهشت رود بحق الرسالة
جمال الصالحین والحمد لله
رب العالمین وصلی الله علی محمد
وآله اجمعین
تمت
م م
م م
م

اگر منتر بحری را کسی در عمل بیارد دم
دست هر کس پگاه داده از هر جا حکم
نماید رو پیدا هر چه بگوید می براید
اگر منتر بحری بهر چیز خواند خواه
مرد باشد و یا زن بخوراند مطلوب
دیوانه طالب میشود والله اعلم
وصلی الله علی محمد و آله اجمعین بر
حمتك یا ارحم الراحمین الله ماهو یاهو